

# اہل بیت

دست‌آں حدیث

مربی - فارسی

تہذیبی امی شہری

با همکاری : سید رسول موسوی

ترجمہ

عبدالحی شمس الدین و محمد رضا آذری

دین و علم



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



سازمان چاپ و نشر



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

# اہلبیت (علیہ السلام)

دستِ آنِ حدیث



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی  
محمدی ای سہری

جلد دوم

باہمکاری : سید رسول ہوسوی

ترجمہ : حمید رضا شیخی و حمید رضا آثریر





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش هشتم

# حقوق اهل بیت



فصلهای این بخش :

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

- |         |   |                               |
|---------|---|-------------------------------|
| فصل یکم | : | شناخت حقوق اهل بیت            |
| فصل دوم | : | تشویق به پاسداشت حقوق اهل بیت |
| فصل سوم | : | عناوین حقوق اهل بیت           |

## الفصل الأول

### معرفة حقوقهم

- ٧٨١ - رسول الله ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ حَقًّا<sup>(١١٦)</sup>.
- ٧٨٢ - عنه ﷺ: سِرَاجُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَةُ حَقِّهِ، وَأَشَدُّ الْعَمَى مَنْ عَمِيَ عَنِ فَضْلِنَا<sup>(١١٧)</sup>.
- ٧٨٣ - الإمام علي عليه السلام: لَنَا حَقٌّ، فَإِنْ أُعْطِينَاهُ، وَإِلَّا رَكِبْنَا أَعْجَازَ الْإِبِلِ وَإِنْ طَالَ السُّرَى<sup>(١١٨)</sup>.

٧٨٤ - عنه عليه السلام: مَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَرَسُولِهِ وَحَقِّ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيدًا، وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَاسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ، وَقَامَتْ نِيَّتُهُ مَقَامَ إِصْلَاحِهِ سَيْفَهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ أَجَلًا لَا يَعْدُوهُ<sup>(١١٩)</sup>.

٧٨٥ - جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ<sup>(١٢٠)</sup>»، فَقَالَ: الظَّالِمُ مِنَّا<sup>(١٢١)</sup>.

## فصل یکم

### شناخت حقوق اهل بیت

۷۸۱ - پیامبر خدا ﷺ: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ بنده‌ای را کردارش

سود نرساند، مگر در پرتو شناخت حق ما.

۷۸۲ - پیامبر خدا ﷺ: چراغ مؤمن، شناخت حق ماست و بدترین کوری، [کوری] کسی

است که برتری ما را نبیند. تحقیق که پیروز علوم اسلامی

۷۸۳ - امام علی علیه السلام: ما را حقی است، اگر داده شدیم [چه بهتر] و گرنه بر دنباله‌اشتر

می‌نشینیم [تن به سختی‌ها می‌دهیم]، هر اندازه هم [این] سفر شبانه [حق]

کشی] به درازا کشد.

۷۸۴ - امام علی علیه السلام: هرکس در بستر خود بمیرد، در حالی که حق پروردگار خویش و

رسول او و حق خاندان رسول او را شناخته باشد، شهید مرده است و مزدش

با خدای سبحان است و مستوجب ثواب کردار شایسته‌ای باشد که نیت انجام

آن را داشته است و نیت او به جای شمشیر کشیدنش باشد؛ زیرا هر چیزی را

عمری و سررسیدی است که از آن فراتر نمی‌رود.

۷۸۵ - جابر بن یزید جعفی: از ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام درباره این سخن خدای

عزیز - پرسیدم: «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که (آنان را) برگزیده

بودیم، به میراث دادیم. پس برخی از آنان بر خود ستمکارند

مَنْ لَا يَعْرِفُ حَقَّ الْإِمَامِ، وَالْمُقْتَصِدُ الْعَارِفُ بِحَقِّ الْإِمَامِ، وَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ هُوَ الْإِمَامُ ﴿جَنَاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا﴾<sup>(۱۰۰۲)</sup> يَعْنِي السَّابِقُ وَالْمُقْتَصِدُ<sup>(۱۰۰۳)</sup>.

۷۸۶- الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْضَحَ بِأُيْمَةِ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا عَنْ دِينِهِ، وَأَبْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مِنْهَا جِهٍ، وَفَتَحَ بِهِمْ عَنْ بَاطِنِ يَنَابِيعِ عِلْمِهِ، فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَاجِبَ حَقِّ إِمَامِيهِ وَجَدَ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَعَلِمَ فَضْلَ طَلَاوَةِ إِسْلَامِهِ<sup>(۱۰۰۴)</sup>.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

و برخی از ایشان میانه رو و برخی از آنان در کارهای نیک به -فرمان خدا- پیشگام اند».

فرمود: «ستمگر از میان ما کسی است که حق امام را نشناسد و میانه رو، کسی است که حق امام را می شناسد و پیشی گیرنده در خوبی ها - به اذن خدا - همان امام است. ﴿جَنَّاْتُ عَذْنٍ يَدْخُلُونَهَا﴾، یعنی پیشی گیرنده و میانه رو (وارد بهشت می شوند)».

۷۸۶ - امام صادق علیه السلام: خداوند - تعالی - به وسیله پیشوایان هدایت از خاندان پیامبر ما دینش را آشکار ساخت و به وسیله ایشان راهش را روشن نمود و به واسطه آنان چشمه های پنهان دانش خود را گشود. پس از امت محمد صلی الله علیه و آله هر کس که حق واجب امامش را بشناسد، مژده شیرین ایمانش را بچشد و به ارزش دلپذیری اسلام خود پی برد.



مرکز تحقیقات کلیه علوم اسلامی

## الفصل الثاني

### الحثُّ على رِعاية حقوقهم

٧٨٧- رسول الله ﷺ: أَذْكُرُكُمْ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي (١٠٠٤).



٧٨٨- عنه ﷺ: أَنشُدْكُمْ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي (١٠٠٥).

٧٨٩- عنه ﷺ: أَوْصِيَكُمْ بِعِزَّتِي خَيْرًا (١٠٠٦).

٧٩٠- عنه ﷺ: أَنَا أَوَّلُ وَافِدٍ عَلَى الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكِتَابُهُ وَأَهْلُ بَيْتِي ثُمَّ أُمَّتِي، ثُمَّ أَسْأَلُهُمْ: مَا فَعَلْتُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِي (١٠٠٧)؟

٧٩١- عنه ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، اللَّهُ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، فَإِنَّهُمْ أَرْكَانُ الدِّينِ وَمَصَابِيحُ الظُّلَمِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ (١٠٠٨).

٧٩٢- عنه ﷺ: اللَّهُمَّ أَهْلُ بَيْتِي وَأَنَا مُسْتَوِدُّهُمْ كُلِّ مُؤْمِنٍ (١٠٠٩).

٧٩٣- عنه ﷺ: مَنْ حَفِظَنِي فِي أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا (١٠١٠).

٧٩٤- عنه ﷺ: إِحْفَظُونِي فِي عِزَّتِي (١٠١١).

## فصل دوم

### تشویق به پاسداشت حقوق اهل بیت

۷۸۷ - پیامبر خدا ﷺ: درباره خاندانم خدا را به یاد شما می آورم. درباره خاندانم خدا را به یاد شما می آورم. درباره خاندانم خدا را به یاد شما می آورم.

۷۸۸ - پیامبر خدا ﷺ: شما را به خدا درباره اهل بیتم [حق و حرمتشان را پاس دارید].

۷۸۹ - پیامبر خدا ﷺ: شما را درباره عترتم سفارش به نیکی می کنم.

۷۹۰ - پیامبر خدا ﷺ: من و کتاب خدا و اهل بیتم نخستین کسانی هستیم که در روز

قیامت بر خدای عزیز جبار وارد می شویم و سپس امتم وارد می شوند. آن گاه

از ایشان می پرسیم که «با کتاب خدا و اهل بیت من چه کردید؟».

۷۹۱ - پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! خدا را، خدا را درباره اهل بیتم؛ چرا که آنان پایه های

دین و چراغهای تاریکی ها و کان دانش اند.

۷۹۲ - پیامبر خدا ﷺ: خدایا! اهل بیتم، من آنان را نزد هر مؤمنی به امانت می سپارم.

۷۹۳ - پیامبر خدا ﷺ: هرکس وجود مرا در میان اهل بیتم حفظ کند [وجود مرا در

میان آنها جستجو کند]، در درگاه الهی به آمانی دست یافته است.

۷۹۴ - پیامبر خدا ﷺ: مرا در میان اهل بیتم حفظ کنید.



۷۹۵- عنه عليه السلام: أَخْلَفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي <sup>(۱۰۱۳)</sup>.

۷۹۶- عنه عليه السلام: مُؤْمِنُوا أُمَّتِي يَحْفَظُونَ وَدِيْعَتِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ <sup>(۱۰۱۴)</sup>.

۷۹۷- عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبَارَكَ لَهُ فِي أَجَلِهِ، وَأَنْ يُمَتَّعَهُ اللَّهُ بِمَا خَوَّلَهُ فَلْيَخْلُفْنِي فِي أَهْلِي خِلَافَةً حَسَنَةً <sup>(۱۰۱۵)</sup>.

۷۹۸- عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ سَتُبْتَلُونَ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي <sup>(۱۰۱۶)</sup>.

۷۹۹- ابْنُ عَبَّاسٍ: صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمِنْبَرَ، فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَقَالَ صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَنِّي مَقْبُوضٌ - إِلَى أَنْ قَالَ: - أَيُّهَا النَّاسُ، إِسْمَعُوا قَوْلِي وَاعْرِفُوا حَقَّ نَصِيحَتِي وَلَا تَخْلُفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَّا بِالَّذِي أُمِرْتُ بِهِ مِنْ حِفْظِهِمْ، فَإِنَّهُمْ حَامَتِي وَقَرَابَتِي وَإِخْوَتِي وَأَوْلَادِي، وَإِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسَاءِلُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا، إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي <sup>(۱۰۱۷)</sup>.

۸۰۰- ابْنُ عَبَّاسٍ: لَمَّا رَجَعْنَا مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ جَلَسْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي مَسْجِدِهِ فَقَالَ... وَذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ: - أَيُّهَا النَّاسُ، اللَّهُ اللَّهُ فِي عِتْرَتِي وَأَهْلِ بَيْتِي، فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَوَلَدُهَا عَضْدَايَ، وَأَنَا وَبَعْلُهَا كَالضَّوِّ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَنْ رَحِمَهُمْ، وَلَا تَغْفِرْ لِمَنْ ظَلَمَهُمْ <sup>(۱۰۱۸)</sup>.

۸۰۱- الإمام علي عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ -: اللَّهُ اللَّهُ فِي ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكُمْ، فَلَا يُظْلَمَنَّ بِحَضْرَتِكُمْ وَبَيْنَ ظَهْرَانِكُمْ وَأَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ <sup>(۱۰۱۹)</sup>.

۸۰۲- عنه عليه السلام - لَمَّا وَلَّى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ مِصْرَ -: يَا عِبَادَ اللَّهِ، إِنْ اتَّقَيْتُمْ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ، وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ، وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ، وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، وَاجْتَهَدْتُمْ

۷۹۵ - پیامبر خدا ﷺ: در میان اهل بیتم جانشین من باشید.

۷۹۶ - پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان امت من اهل بیت مرا که امانت من [در میان ایشان] هستند تا روز قیامت پاس می‌دارند.

۷۹۷ - پیامبر خدا ﷺ: هر که دوست دارد به عمرش برکت داده شود و خداوند، او را از آنچه عطایش فرموده است، بهره‌مند سازد، پس نسبت به خانواده‌ام جانشین خوبی برای من باشد.

۷۹۸ - پیامبر خدا ﷺ: شما پس از من در باب اهل بیتم آزموده خواهید شد.

۷۹۹ - ابن عباس: رسول خدا ﷺ بر منبر رفت و خطبه خواند و مردم گرد او جمع شدند. پس فرمود: «ای گروه مؤمنان! خداوند - ﷻ - به من وحی فرمود که جانم ستانده خواهد شد [تا آنجا که فرمود: ای مردم! سختم را بشنوید و حق خیرخواهی و اندرز مرا بشناسید و پس از من، همچنان که فرمان داده شده‌اید، اهل بیت مرا حفظ کنید؛ زیرا آنان بستگان و نزدیکان و برادران و فرزندان من هستند و شما [در روز قیامت] گرد آمده، نسبت به رفتارشان با ثقلین، مورد سؤال قرار خواهید گرفت. پس مواظب باشید که پس از من با این دو چه می‌کنید. آنان اهل بیت من‌اند.

۸۰۰ - ابن عباس: چون از حجة الوداع برگشتیم، با رسول خدا ﷺ در مسجد آن حضرت نشستیم. حضرت فرمود: «... ای مردم! خدا را، خدا را درباره عترت و اهل بیت من؛ زیرا که فاطمه پاره تن من است و دو پسر او دو بازوی من‌اند، و من و شوهرش همچون نوریم. خدایا! رحم کن بر کسی که به آنان رحم کند و نیامرز کسی را که بر ایشان ستم کند».

۸۰۱ - امام علی علیه السلام - در وصیتش - : خدا را، خدا را در حق فرزندان پیامبرت‌ان. مبادا در حضور شما و در میان شما به آنان ستمی رود، در حالی که شما می‌توانید آن ستم را از ایشان دور کنید.

۸۰۲ - امام علی علیه السلام - هنگامی که محمد بن ابی بکر را استاندار مصر کرد - : ای بندگان خدا! اگر پرهیزگار باشید و اهل بیت پیامبرت‌ان را پاسداری کنید، بی گمان خداوند را به بهترین وجه عبادت کرده‌اید و به نیکوترین شکل یادش نموده‌اید و به برترین وجه سپاسش گفته‌اید و به عالی ترین نوع شکیبایی و

أَفْضَلَ الْإِجْتِهَادِ، وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً، وَأَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا، فَأَنْتُمْ أَتَقَىٰ لِلَّهِ مِنْهُ وَأَنْصَحَ لِأَوْلِي الْأَمْرِ (۱۰۲۰).

۸۰۳ - الإمام الصادق علیه السلام: احفظوا فينا ما حفظ العبد الصالح في اليتيمين، وكان أبوهما صالحاً (۱۰۲۱).



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

شکرگزاری دست یافته‌اید و برترین کوشش [در عبادت] را به عمل آورده‌اید، هرچند دیگران نمازشان را طولانی‌تر از شما به جای آورند و بیشتر از شما روزه بگیرند؛ چرا که [در این صورت]، شما از آنان، خداپرواترید و نسبت به زمامداران، خیرخواه‌تر.

۸۰۳ - امام صادق علیه السلام: درباره‌ی ما همان چیزی را نگهداری کنید که آن بنده شایسته [خضر علیه السلام] برای آن دو کودک یتیم - که پدرشان مردی صالح بود - نگهداری کرد.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

## الفصل الثالث

### عناوين حقوقهم



الكتاب

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (١٠٢٣).

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (١٠٢٣).

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (١٠٢٤).

الحديث

٨٠٤- الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْأَنْصَارَ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا كُنَّا ضَلَالًا فَهَدَانَا اللَّهُ بِكَ، وَغِيْلَةً فَأَغْنَانَا اللَّهُ بِكَ، فَاسْأَلْنَا مِنْ أَمْوَالِنَا مَا شِئْتَ فَهُوَ لَكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾. ثُمَّ رَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَبَكَى حَتَّى اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ

## فصل سوم عناوین حقوق اهل بیت



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

قرآن

«بگو، من از شما به ازای آن [رسالت] مزدی نمی‌خواهم، مگر دوستی کردن با خویشاوندان و هرکس نیکی به جای آورد، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدردان است.»

«بگو، هر مزدی که از شما خواستم، از آن خودتان. مزد من، جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است.»

«بگو، برای این [رسالت] مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد.»

حدیث

۸۰۴- امام صادق (ع): انصار نزد رسول خدا (ص) آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا! ما مردمی گمراه بودیم و خداوند به واسطه تو ما را راهنمایی کرد و تنگدست بودیم و خدا به برکت وجود تو توانگرمان ساخت. بنابراین، از دارایی‌های ما هرچه می‌خواهی، از ما بخواه تا به تو دهیم.

وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا (۱۰۲۵).

۸۰۵- ابن عباس - فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ -: قَالَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ: قُرْبَى آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ (۱۰۲۶).

۸۰۶- ابن عباس: لَمَّا نَزَلَتْ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ قَرَابَتُكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ: عَلَيَّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهَا ﷺ (۱۰۲۷).

۸۰۷- ابن عباس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ أَنْ تَحْفَظُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي وَتَوَدُّوهُمْ بِي (۱۰۲۸).

۸۰۸- جَابِرٌ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِعْرِضْ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ، فَقَالَ: تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. قَالَ: تَسْأَلُنِي عَلَيْهِ أَجْرًا؟ قَالَ: لَا، إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. قَالَ: قُرْبَايَ أَوْ قُرْبَاكَ؟ قَالَ: قُرْبَايَ، قَالَ: هَاتِ أَبَايَكَ، فَعَلَى مَنْ لَا يُحِبُّكَ وَلَا يُحِبُّ قُرْبَاكَ لَعْنَةُ اللَّهِ، قَالَ ﷺ: آمِينَ (۱۰۲۹).

۸۰۹- ابن عباس: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَقَدْ أَرْسَلَنِي إِلَى حَاجَةٍ: فَإِنْ أَرَدْتَ حَاجَتَكَ فَأَحِبِّ عَلِيًّا وَذُرِّيَّتَهُ، فَإِنَّ حُبَّهُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْعِبَادِ (۱۰۳۰).

۸۱۰- رسول الله ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَأَهْلِ بَيْتِي (۱۰۳۱).

۸۱۱- عنه ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ، فَلْيُؤَالِ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُمَا (۱۰۳۲) مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ (۱۰۳۳).

پس خداوند - ﷻ - این آیه را فرو فرستاد: «بگو: من به ازای آن از شما مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی کردن با خویشاوندان». در این هنگام امام صادق (ع) دستش را به طرف آسمان بالا برد و چندان گریست که محاسنش تر شد و فرمود: «سپاس و ستایش خدای را که به ما برتری بخشید».

۸۰۵ - ابن عباس - دربارهٔ آیهٔ شریف: «جز دوستی کردن با خویشاوندان» - : سعید بن جبیر گفت: [مقصود]، خویشاوندان خاندان محمد (ص) است.

۸۰۶ - ابن عباس: چون آیه: «بگو: من برای این از شما مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی کردن با خویشاوندان» نازل شد، عرض کردند: ای رسول خدا! این خویشاوندان تو که دوستی آنان بر ما واجب گشته است، چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «علی و فاطمه و دو پسر او (علی و حسن)».

۸۰۷ - ابن عباس: رسول خدا (ص) فرمود: «من به ازای این از شما مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی کردن با خویشاوندان» به این است که حافظ من در میان اهل بیتم باشید و آنها را به خاطر من دوست بدارید».

۸۰۸ - جابر: بادیه نشینی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: ای محمد! اسلام را به من بشناسان. رسول خدا فرمود: «گواهی می‌دهی که معبودی جز خدای یگانه و بی‌انباز نیست و محمد، بنده و فرستادهٔ اوست». بادیه نشین گفت: برای این کار مزدی هم از من می‌خواهی؟ فرمود: «نه، به جز دوستی با خویشاوندان». عرض کرد: خویشاوندان خودم یا خویشاوندان تو؟ فرمود: «خویشاوندان من». بادیه نشین عرض کرد: بیا تا با تو بیعت کنم. لعنت خدا بر کسی که تو و خویشاوندانت را دوست نداشته باشد! پیامبر (ص) گفت: «آمین».

۸۰۹ - ابن عباس: پیامبر (ص) مرا در پی حاجتی فرستاد و فرمود: «اگر به حاجت رسیدی، آن گاه علی و نسل او را دوست بدار؛ زیرا که خداوند - ﷻ - دوست داشتن آنان را بر بندگان واجب فرموده است».

۸۱۰ - پیامبر خدا (ص): هر کس دوست دارد که به دستگیرهٔ محکم چنگ زند، به دوستی علی و اهل بیت من چنگ در زند.

۸۱۱ - پیامبر خدا (ص): هر که می‌خواهد به دستگیرهٔ محکم خداوند - که خدای متعال در کتاب خود فرموده است - چنگ در زند، پس علی بن ابی طالب و حسن و حسین را دوست بدارد؛ زیرا که خداوند عرش نشین، آنان را دوست می‌دارد.



۸۱۲- الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِحُبِّ آلِ نَبِيِّكُمْ، فَإِنَّهُ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمَوْجِبُ عَلَى اللَّهِ حَقُّكُمْ، أَلَا تَرَوْنَ إِلَى قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (۱۰۳۱).

۸۱۳- زاذان عن الإمام علي عليه السلام: فِينَا آلُ حِمٍّ، إِنَّهُ لَا يَحْفَظُ مَوَدَّتَنَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ، ثُمَّ قَرَأَ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (۱۰۳۲).

۸۱۴- الإمام علي عليه السلام: الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى الْمَوَدَّةُ لِآلِ مُحَمَّدٍ ﷺ (۱۰۳۳).

۸۱۵- الإمام زين العابدين عليه السلام: خَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاسَ حِينَ قُتِلَ عَلِيٌّ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: ... وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِنَبِيِّهِ ﷺ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدَ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾ فَاقْتِرَافُ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱۰۳۴).

۸۱۶- الإمام الحسين عليه السلام - فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ -: إِنَّ الْقَرَابَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِصِلَتِهَا وَعَظَّمَهَا مِنْ حَقِّهَا وَجَعَلَ الْخَيْرَ فِيهَا قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَوْجَبَ [اللَّهُ] حَقَّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (۱۰۳۵).

۸۱۷- حَكِيمُ بْنُ جُبَيْرٍ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾، قَالَ: هِيَ قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ (۱۰۳۶).

۸۱۸- أَبُو الدَّيْلَمِ: لَمَّا جِيءَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ أَسِيرًا فَأُقِيمَ عَلَى دَرَجٍ دِمَشْقَ قَامَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَتَلَكَمُ وَاسْتَأْصَلَكَمُ وَقَطَعَ قُرْبَى الْفِتْنَةِ، فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ: أَقْرَأْتَ الْقُرْآنَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ:

۸۱۲ - امام علی علیه السلام: بر شما باد دوست داشتن خاندان پیامبرتان؛ زیرا که آن حق خداست بر گردن شما و موجب حق شما بر خدا می شود. آیا نمی بینید این سخن خدای متعال را که: «بگو: من در ازای این از شما مزدی نمی خواهم مگر دوستی با خویشاوندانم».

۸۱۳ - زاذان از علی علیه السلام: «آل حم، در میان ماست. دوستی ما را پاس ندارد، مگر آنکه مؤمن است». سپس این آیه را خواند: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی طلبم، مگر دوستی با خویشاوندان».

۸۱۴ - امام علی علیه السلام: آن دستگیره محکم [عروة الوثقی]، دوستی آل محمد علیهم السلام است.

۸۱۵ - امام سجاد علیه السلام: حسن بن علی پس از کشته شدن علی برای مردم سخنرانی کرد و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: «... من از خانواده ای هستم که خداوند، دوستی آنان را بر هر مسلمانی فرض کرده است. او - تبارک و تعالی - به پیامبرش فرمود: "بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان و هر کس، نیکی به جای آورد، برای او در ثواب آن خواهیم افزود". انجام دادن نیکی همان دوستی ما اهل بیت است».

۸۱۶ - امام حسین علیه السلام - درباره آیه شریف: «بگو، من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوست داشتن خویشاوندانم» - : آن خویشاوندی که خداوند به صله [و نگهداشت پیوند آن] فرمان داده و آن را حق بزرگ داشته و خیر و خوبی را در آن قرار داده، خویشاوندی ما اهل بیت است که خداوند، حق ما را بر هر مسلمانی واجب ساخته است.

۸۱۷ - حکیم بن جبیر: از علی بن حسین بن علی درباره این آیه: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوست داشتن خویشاوندانم» پرسیدم. فرمود: «مقصود، خویشاوندی ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است».

۸۱۸ - ابو دیلم: هنگامی که علی بن الحسین را به اسیری آوردند و بر روی پلکان (مسجد) دمشق نگهش داشتند، مردی از اهل شام برخاست و گفت: سپاس خدایی را که شما را بگشت و ریشه تان را برگند و شاخ فتنه را قطع کرد.

أَقْرَأْتَ آلَ حُم؟ قَالَ: قَرَأْتُ الْقُرْآنَ وَلَمْ أَقْرَأْ آلَ حُم؟ قَالَ: مَا قَرَأْتَ  
 ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؟ قَالَ: وَإِنَّكُمْ لَأَنْتُمْ هُمْ؟  
 قَالَ: نَعَمْ (۱۰۴۰).

۸۱۹- سَلَامُ بْنُ الْمُسْتَنِيرِ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ  
 عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾، فَقَالَ: هِيَ وَاللَّهُ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ  
 لِمُحَمَّدٍ عليه السلام فِي أَهْلِ بَيْتِهِ (۱۰۴۱).

۸۲۰- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ  
 فِي الْقُرْبَى﴾ قَالَ: هُمْ الْأَيُّمَةُ عليهم السلام (۱۰۴۲).

۸۲۱- الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾ -: الْأَجْرُ  
 الَّذِي هُوَ الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى الَّتِي لَمْ أَسْأَلْكُمْ غَيْرَهَا فَهُوَ لَكُمْ، تَهْتَدُونَ بِهَا  
 وَتَسْعَدُونَ بِهَا، وَتَنْجُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۰۴۳).

۸۲۲- الْفُضَيْلُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: نَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ: هَكَذَا  
 كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، إِنَّمَا أَمَرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا  
 فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّبِعُهُمْ وَمَوَدَّتُهُمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نُصَرِّتَهُمْ، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ  
 ﴿فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾ (۱۰۴۴).

۸۲۳- الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عليه السلام: لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَاتَ آلُ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِأُطُولِ لَيْلَةٍ - إِلَى أَنْ  
 قَالَ: - فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَتَاهُمْ آتٍ لَا يَرَوْنَهُ وَيَسْمَعُونَ كَلَامَهُ فَقَالَ: السَّلَامُ  
 عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ... فَأَنْتُمْ الْأَمَانَةُ الْمُسْتَوْدَعَةُ، وَلَكُمْ  
 الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَالطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ (۱۰۴۵).

علی بن الحسین علیه السلام به او فرمود: «آیا قرآن را خوانده‌ای؟» مرد گفت: آری. فرمود: «آیا آل حم را خوانده‌ای؟» مرد گفت: قرآن خوانده‌ام؛ اما آل حم نخوانده‌ام. حضرت فرمود: «نخوانده‌ای:» بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندانم؟» مرد گفت: شما بید آن خویشاوندان؟ فرمود: «آری».

۸۱۹- سلام بن مستنیر: از حضرت باقر علیه السلام درباره این سخن خدای متعال: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان» پرسیدم. فرمود: «به خدا سوگند که این (دوست داشتن)، فریضه‌ای است که خداوند نسبت به اهل بیت محمد بر عهده بندگان نهاده است».

۸۲۰- عبدالله بن عجلان: امام باقر علیه السلام درباره آیه: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندانم» فرمود: «[مقصود]، خویشاوندان ائمه علیهم السلام هستند».

۸۲۱- امام باقر علیه السلام - درباره آیه: «بگو: هر مزدی که از شما خواستم، آن برای شماست» - : [یعنی:] این مزد - ی که عبارت از دوستی خویشاوندان است و من، جز آن چیزی از شما نمی‌خواهم - در حقیقت برای خود شماست؛ زیرا شما به واسطه آن هدایت می‌شوید و به خوشبختی می‌رسید و در روز قیامت، از عذاب خدا رهایی می‌یابید.

۸۲۲- فضیل: امام باقر علیه السلام به مردمی که گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و فرمود: «در زمان جاهلیت (هم) این گونه طواف می‌کردند. در حقیقت، مردم مأمورند که گرد آن طواف کنند و سپس سوی ما بیایند و مراتب ولایت و دوستی خود را به اطلاع ما برسانند و یاری و حمایت خود را نسبت به ما اعلام کنند». آن‌گاه حضرت این آیه: «دل‌های برخی مردم را به سوی آنان گرایش ده» را قرائت کرد.

۸۲۳- امام باقر علیه السلام: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله درگذشت، آل محمد علیهم السلام [از شدت تأثر و اندوه] طولانی‌ترین شب را گذراندند [تا آنجا که فرمود:] در یک چنان حال و هوایی ناگهان یکی بر آنان وارد شد که خودش را نمی‌دیدند؛ اما سخنش را می‌شنیدند. او گفت: درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد...! شما بید آن امانت سپرده شده. دوستی شما [بر مردم] واجب است و اطاعت از شما فریضه.

۸۲۴ - إسماعيل بن عبد الخالق: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَأَنَا أَسْمَعُ: أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. قَالَ: كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَدُخُولَهُمْ فِيهِ؟ قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ، وَلَقَدْ فَعَلُوا وَإِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ، فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ. ثُمَّ قَالَ: مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهَا لِأَقَارِبِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: كَذَبُوا، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ عليهم السلام (۱۰۴۶).

۸۲۵ - الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ (رُبَّمَا) يُحِبُّ الرَّجُلَ وَيُبْغِضُ وَلَدَهُ، فَأَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ حُبًّا مَفْتَرَضًا - أَخَذَهُ مَنْ أَخَذَهُ، وَتَرَكَهُ مَنْ تَرَكَهُ - وَاجِبًا، فَقَالَ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (۱۰۴۷).

۸۲۶ - الإمام الهادي عليه السلام - فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُرَازُ بِهَا الْأَئِمَّةُ عليهم السلام -: بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النُّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ (۱۰۴۸).

۸۲۷ - فِي دُعَاءِ النَّدْبَةِ: ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ - مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾، وَقُلْتُ: ﴿مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾، وَقُلْتُ: ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ (۱۰۴۹).



۸۲۴- اسماعیل بن عبدالخالق: شنیدم حضرت صادق علیه السلام به ابو جعفر علیه السلام احول می فرماید - و من هم می شنیدم - : «به بصره هم رفتی؟» عرض کرد: آری. فرمود: «استقبال و پذیرش مردم از این قضیه [امامت و ولایت] را چگونه دیدی؟» عرض کرد: به خدا سوگند که شمار چنین کسانی اندک است. کارهایی کرده اند؛ اما اندک است. حضرت فرمود: «بر تو باد نوجوانان؛ زیرا این گروه، به سوی کارهای خوب بیشتر می شتابند». سپس فرمود: «مردم بصره درباره این آیه: "بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی خویشاوندانم"؟». عرض کردم: فدایت شوم! آنها می گویند: این آیه درباره نزدیکان رسول خداست. فرمود: «اشتباه می کنند. این آیه در خصوص ما اهل بیت نازل شده است، درباره علی و فاطمه و حسن و حسین، یعنی: اصحاب کساء علیهم السلام».

۸۲۵- امام صادق علیه السلام: گاه انسان مردی را دوست دارد؛ اما فرزند او را دشمن می دارد، لیکن خداوند - تعالی - جز این نخواست که دوستی و محبت ما را واجب گرداند که عده ای آن را گرفتند و عده ای رهایش کردند؛ فرموده است: «بگو: من در ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندانم».

۸۲۶- امام هادی علیه السلام: در زیارت جامعه که امامان را بدان زیارت می کنند - پدر و مادرم و جانم فدای شما! به واسطه ولایت و دوستی شماست که خداوند، نشانه های دینمان را به ما آموخت و تباهی های دنیای ما را به سامان آورد و به واسطه ولایت و دوستی شماست که کلمه (توحید)، کامل گشت و نعمت، تمام شد و جدایی به اتحاد انجامید و به واسطه ولایت و دوستی شماست که طاعت [و عبادات] واجب پذیرفته می شود و آن دوستی و محبتی که واجب گشته است مخصوص شماست.

۸۲۷- در دعای ندبه: آن گاه در کتاب خود، مُزد محمد - صلواتک علیه و آله - را دوستی خاندان او قرار دادی و فرمودی: «بگو: من به ازای این، مزدی از شما نمی خواهم، جز دوستی خویشاوندان» و نیز فرمودی: «هر مزدی که از شما می خواهم، آن [در حقیقت] برای خود شماست». و باز فرمودی: «من برای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد». اینان همان راهی هستند که به تو می رسد و همان مسیری هستند که به خشنودی تو می انجامد.

۲/۳

## التَّمَسُّكُ

۸۲۸- رسول الله ﷺ: أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَمَسَّكَ بِنَا اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا<sup>(۱۰۰۰)</sup>.

۸۲۹- عنه ﷺ: مَنْ تَمَسَّكَ بِعِزَّتِي مِنْ بَعْدِي كَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ<sup>(۱۰۰۱)</sup>.

۸۳۰- عنه ﷺ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَمِنَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ. مَنْ تَمَسَّكَ مِنْ بَعْدِي بِهِمْ فَقَدْ اسْتَمَسَكَ بِحَبْلِ اللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ<sup>(۱۰۰۲)</sup>.

۸۳۱- عنه ﷺ: تَمَسَّكُوا بِطَاعَةِ أئِمَّتِكُمْ وَلَا تُخَالِفُوهُمْ، فَإِنْ طَاعَتْهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ، وَإِنْ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ<sup>(۱۰۰۳)</sup>.

۸۳۲- عنه ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النُّجَاةِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُوالِ عَلِيًّا بَعْدِي، وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ، وَلْيَأْتِ بِالْأُئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ وَلَدِهِ، فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَادَةُ أُمَّتِي وَقَادَةُ الْأَتَقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ، حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَحِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ، وَحِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ<sup>(۱۰۰۴)</sup>.

۸۳۳- أَبُو ذَرٍّ: سَمِعْتُهُ -أَيَّ النَّبِيِّ ﷺ- يَقُولُ لِعَلِيِّ ﷺ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّكُمْ وَتَمَسَّكَ بِكُمْ فَقَدْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى<sup>(۱۰۰۵)</sup>.

۸۳۴- الإمام علي ﷺ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، ... أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى، وَمَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ<sup>(۱۰۰۶)</sup>.

## ۲/۳

## تمسک

۸۲۸- پیامبر خدا ﷺ: من و اهل بیتم درختی هستیم که در بهشت است و شاخه‌های آن در دنیا است. پس هر که به ما چنگ آویزد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گرفته است.

۸۲۹- پیامبر خدا ﷺ: هر که پس از من به عترتم تمسک جوید، از رستگاران است.

۸۳۰- پیامبر خدا ﷺ: امامان پس از من، دوازده نفرند که نه نفر آنان از پشت حسین هستند و مهدی این امت از ماست. هر که پس از من به ایشان تمسک جوید، هر آینه به ریسمان خدا چنگ زده است و هر که آنان را ترک گوید خدا را ترک گفته است.

۸۳۱- پیامبر خدا ﷺ: به (رشته) فرمانبرداری از امامانتان چنگ زنید و از فرمانشان سرپیچی نکنید؛ زیرا که اطاعت از آنان اطاعت از خداست و نافرمانی کردن از آنها نافرمانی از خدا می‌باشد.

۸۳۲- پیامبر خدا ﷺ: هر که دوست دارد که بر کشتی نجات بنشیند و به دستگیره محکم چنگ آویزد و ریسمان استوار خدا را بگیرد، باید پس از من علی را دوست بدارد و با دشمن او دشمنی کند و امامان هدایتگر از نسل او را به پیشوایی بپذیرد؛ زیرا که آنان پس از من، جانشینان و اوصیای من و حجت خدا بر خلق‌اند و سروران امت هستند و پرهیزگاران را به سوی بهشت می‌برند. حزب آنان حزب من است و حزب من حزب خداست و حزب دشمنان آنان حزب شیطان است.

۸۳۳- ابوذر: شنیدم پیامبر ﷺ به علی علیه السلام می‌فرماید: «ای علی! هر که شما را دوست بدارد و به دامن شما چنگ زند، هر آینه به دستگیره محکم چنگ زده است».

۸۳۴- امام علی علیه السلام: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «ای علی...! شما حجت خدا بر خلق او و آن دستگیره محکم هستید که هر کس بدان چنگ زند، هدایت شود و هر که ره‌ایش کند، گمراه گردد».



۸۳۵- عنه علیه السلام: مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ، مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا غَرِقَ <sup>(۱۰۵۷)</sup>.

۸۳۶- عنه علیه السلام: أَيْنَ تَذْهَبُونَ وَأَنْتِ تُؤْفَكُونَ، وَالْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ، وَالْآيَاتُ وَاضِحَةٌ، وَالْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ؟! فَأَيْنَ يُتَاهُ بِكُمْ؟! وَكَيْفَ تَعْمَهُونَ وَبَيْنَكُمْ عِترَةُ نَبِيِّكُمْ، وَهُمْ أَرْثَةُ الْحَقِّ، وَأَعْلَامُ الدِّينِ، وَالسِّنَةُ الصَّادِقِ؟! فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ، وَرِدِّوهُمْ وَرُودَ الْهِيمِ الْعِطَاشِ <sup>(۱۰۵۸)</sup>.

۸۳۷- عنه علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَةِ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، الَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِطَاعَتِكُمْ فِيمَا أَطَاعُوا اللَّهَ فِيهِ مِنَ الْمُتَنَحِّلِينَ الْمُدَّعِينَ الْمُقَابِلِينَ إِلَيْنَا، يَتَفَضَّلُونَ بِفَضْلِنَا وَيُجَاحِدُونَ أَمْرَنَا، وَيُنَازِعُونَ حَقَّنَا وَيُدَافِعُونَ عَنْهُ، فَقَدْ ذَاقُوا وَبَالَ مَا اجْتَرَحُوا، فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا <sup>(۱۰۵۹)</sup>.

۸۳۸- عنه علیه السلام: أَنْظَرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُعِيدَكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا، وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا <sup>(۱۰۶۰)</sup>.

۸۳۹- عنه علیه السلام: لَنَا رَايَةُ الْحَقِّ، مَنْ اسْتَظَلَ بِهَا كُنْتَهُ، وَمَنْ سَبَقَ إِلَيْهَا فَازَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، وَمَنْ فَارَقَهَا هَوَى، وَمَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا <sup>(۱۰۶۱)</sup>.

۸۴۰- عنه علیه السلام: مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ، وَمَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقَتِنَا غَرِقَ. لِمُحِبِّينَا أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلِمُبْغِضِينَا أَفْوَاجٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ. وَطَرِيقُنَا الْقَصْدُ، وَفِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ <sup>(۱۰۶۲)</sup>.

۸۴۱- عنه علیه السلام: فِي أَوَّلِ خُطْبَةٍ خُطِبْتُهَا بَعْدَ بَيْعَةِ النَّاسِ لَهُ عَلَى الْأَمْرِ -: أَلَا إِنَّ أَبْرَارَ عِترَتِي وَأَطَائِبَ أرومَتِي أَحْلَمُ النَّاسِ صِغَارًا، وَأَعْلَمُ النَّاسِ كِبَارًا. أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا، وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا، وَبِقَوْلِ صَادِقٍ أَخَذْنَا، فَإِنْ

۸۳۵ - امام علی علیه السلام: هرکه به ما چنگ زند، به ساحل نجات رسد و هر که رهایمان کند، غرق شود.

۸۳۶ - امام علی علیه السلام: به کجا می‌روید و به کدامین سو منحرفتان می‌کنند، در حالی که علامتها برپاست و نشانه‌ها آشکار ست و مناره‌ها بر افراشته است؟! از چه رو، این چنین سرگشته و گمراه‌اید با اینکه عترت پیامبرتان که زمامداران حق‌اند و نشانه‌های دین و زبانهای راستی در میان شما هستند؟! پس آنان را همچون قرآن، حرمت نهید و فرمان برید و به سرچشمه فیض آنان درآیید، آن گونه که اشتران تشنه‌کام به آبشخور هجوم می‌برند.

۸۳۷ - امام علی علیه السلام: بر شما باد به تقوای الهی و فرمانبری از کسی که از خدا فرمان می‌برد! یعنی: اهل بیت پیامبرتان، همانان که به دلیل اطاعتشان از خدا سزاوارترند که فرمانشان برید تا از کسانی که به دروغ، خود را به حق منتسب می‌کنند و دم از آن می‌زنند و رو در روی ما ایستاده‌اند؛ فضایل ما را به خود می‌بندند و همانها را در حق ما انکار می‌کنند و بر سر غصب حق ما، با ما می‌ستیزند و ما را از آن کنار می‌زنند. البته اینان کیفر آنچه را مرتکب شدند، چشیدند و به زودی (در آخرت) به کیفر این تبهکاری خود خواهند رسید.

۸۳۸ - امام علی علیه السلام: به اهل بیت پیامبرتان بنگرید و راه و روش آنان را در پیش گیرید و پیرو ایشان باشید؛ زیرا که آنان هرگز شما را از راه راست بیرون نمی‌برند و هیچ گاه به نابودی نمی‌کشانند. اگر آنها نشستند، شما نیز بنشینید و اگر برخاستند، برخیزید و بر ایشان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنها عقب نمانید که به هلاکت می‌افتید.

۸۳۹ - امام علی علیه السلام: رایت حق در دست ماست. هرکه در سایه آن در آید، او را پناه دهد و هرکه به سوی آن بشتابد، رستگار شود و هرکه از آن واپس ماند، نابود شود و هرکه از آن جدا گردد، [به وادی هلاکت و ضلالت] فرو افتد و هرکه بدان چنگ زن، نجات یابد.

۸۴۰ - امام علی علیه السلام: هرکه به دامن ما چنگ زند، به ساحل نجات رسد و هرکه جز راه ما را بییماید، غرق گردد. برای دوستداران ما فوجهایی از رحمت خداست و برای دشمنان و کینه‌توزان ما فوجهایی از خشم خدا. راه ما مستقیم است و امر ما باعث هدایت و رستگاری است.

۸۴۱ - امام علی علیه السلام: -امیرمؤمنان در نخستین خطبه‌ای که پس از بیعت مردم با او بر امر خلافت، ابراز فرمود: - بدانید که نیکان خاندان من و پاکان نژاد من، در خردسالی بردبارترین مردم‌اند و در بزرگی، داناترین مردم. بدانید ما اهل بیتی

تَتَّبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا يُهْلِكْكُمْ اللَّهُ بِأَيْدِينَا. مَعَنَا رَايَةُ الْحَقِّ، مَنْ تَبِعَهَا لِحَقٍّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ، أَلَا وَبِنَا تُدْرِكُ تِرَةُ كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَبِنَا تُخْلَعُ رِبْقَةُ الذُّلِّ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ، وَبِنَا فُتِحَ لَا بِكُمْ، وَبِنَا يُخْتَمُ لَا بِكُمْ<sup>(۱۰۶۳)</sup>.

۸۴۲- جَابِرٌ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عليه السلام: آلُ مُحَمَّدٍ عليه السلام هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي أَمَرْنَا بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ، فَقَالَ: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>(۱۰۶۴)</sup>.

۸۴۳- الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»-: نَحْنُ الْحَبْلُ<sup>(۱۰۶۵)</sup>.

۸۴۴- عَنْهُ عليه السلام: مَا يَمْنَعُكُمْ إِذَا كَلَّمَكُمُ النَّاسُ أَنْ تَقُولُوا لَهُمْ: ذَهَبْنَا مِنْ حَيْثُ ذَهَبَ اللَّهُ، وَاخْتَرْنَا مِنْ حَيْثُ اخْتَارَ اللَّهُ. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَارَ مُحَمَّدًا عليه السلام وَاخْتَارَ لَنَا آلَ مُحَمَّدٍ، فَنَحْنُ مُتَمَسِّكُونَ بِالْخَيْرَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ<sup>(۱۰۶۶)</sup>.

۸۴۵- عَنْهُ عليه السلام: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا<sup>(۱۰۶۷)</sup>.

۸۴۶- يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: بِمِ أَوْحَدُ اللَّهِ؟ فَقَالَ: يَا يُونُسُ، لَا تَكُونَنَّ مُبْتَدِعًا، مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَمَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ عليه السلام ضَلَّ، وَمَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَقَوْلَ نَبِيِّهِ كَفَرَ<sup>(۱۰۶۸)</sup>.

۸۴۷- سُؤْيُذُ السَّائِي: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام فِي كِتَابٍ: إِنَّ أَوَّلَ مَا أَنْعَى إِلَيْكَ نَفْسِي فِي لَيَالِي هَذِهِ، غَيْرَ جَازِعٍ وَلَا نَادِمٍ، وَلَا شَاكٍّ فِيْمَا هُوَ كَائِنٌ مِمَّا قَضَى اللَّهُ وَحَتَمَ، فَاسْتَمْسِكْ بِعُرْوَةِ الدِّينِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى الْوَصِيُّ بَعْدَ الْوَصِيِّ، وَالْمُسَالَمَةُ وَالرِّضَا بِمَا قَالُوا<sup>(۱۰۶۹)</sup>.

أقول: الأحاديث التي تدل على وجوب التمسك بأهل البيت فوق حد التواتر، منها حديث الثقلين، وقد مر في القسم الثالث / الفصل الأول / عدل القرآن، فراجع ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

هستیم که علم ما برگرفته از علم خداست و به حکم خدا حکم می‌کنیم و سخن راست را گرفته‌ایم. پس اگر از ما پیروی کنید، به واسطهٔ بینش‌های ما، راه را بیابید و اگر چنین نکنید، خداوند با دستهای ما شما را نابود خواهد کرد. رایت حق با ماست. هرکه در پی آن حرکت کند، به ساحل نجات رسد و هرکه از آن عقب ماند، غرق شود. بدانید که به واسطهٔ ما انتقام هر مؤمنی گرفته می‌شود و به واسطهٔ ما طوق خواری از گردنهایشان باز می‌گردد و به ما آغاز می‌شود، نه به شما و به ما پایان می‌پذیرد، نه به شما.

۸۴۲- جابر از امام باقر (ع) آل محمد (ع) همان ریسمان خداوند که ما را به چنگ زدن بدان فرمان داده و فرموده است: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده شوید».

۸۴۳- امام صادق (ع) دربارهٔ آیه: «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید» - : آن ریسمان، ما هستیم.

۸۴۴- امام صادق (ع) چه مانعی دارد که هرگاه مردم با شما سخن گفتند، به آنها بگویید: ما از همان راهی رفته‌ایم که خدا رفته است و همان چیزی را برگزیده‌ایم که خدا برگزیده است. خداوند سبحان محمد (ع) را برگزید و آل محمد را برای ماگزینش فرمود. پس ما به برگزیدگان از جانب خدای - (ع) - تمسک جسته‌ایم.

۸۴۵- امام صادق (ع) دروغ می‌گوید کسی که مدعی است ما را شناخته؛ اما به دامن دیگران چنگ آویخته است.

۸۴۶- یونس بن عبدالرحمن: به امام کاظم (ع) عرض کردم: چگونه موحد باشم؟ فرمود: «ای یونس! بدعتگذار مباش. کسی که به رأی خود نظر دهد، هلاک شود و هرکه اهل بیت پیامبرش را رها کند، گمراه گردد و کسی که کتاب خدا و گفتار پیامبرش را فرو گذارد، کافر شود».

۸۴۷- سوید سایی: امام کاظم (ع) در نامه‌ای به من نوشت: «قبل از هر چیز لازم است به تو بگویم که من در همین شبها از دنیا خواهم رفت و از این بابت نه بی تابم و نه نادم و نه در آنچه خداوند حکم کرده و تحقق آن قطعی است، شک و تردید دارم. پس به دستگیرهٔ دین، یعنی: آل محمد - صلوات الله علیه و علیهم - و به دستگیرهٔ استوار، یعنی: اوصیای آنها یکی پس از دیگری چنگ زن و در برابر آنچه گفتند، تسلیم و راضی باش».

گفتنی است: احادیثی که بر وجوب تمسک به اهل بیت دلالت دارند، بیش از حد تواترند! از جمله حدیث ثقلین که در بخش سوم، فصل اول، عنوان «همسنگ قرآن» گذشت.

۳/۳

## الْوَلَايَةُ

۸۴۸ - زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ: لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَنَزَلَ غَدِيرَ خُمٍّ أَمَرَ بِدَوْحَاتٍ فَقُمِمْنَ... ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ ﷺ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ (۱۰۷۰).

۸۴۹ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَوَرَثَتَهُ الطَّاهِرِينَ، أَيْمَةَ الْهُدَى وَمَصَابِيحَ الدُّجَى مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ الْهُدَى إِلَى بَابِ الضَّلَالَةِ (۱۰۷۱).

۸۵۰ - عَنْهُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ الَّتِي غَرَسَهَا اللَّهُ رَبِّي بِيَدِهِ (۱۰۷۲)، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَلْيَتَوَلَّ وَلِيَّهُ، وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ، وَلْيَسْلَمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِي وَعِلْمِي. إِلَى اللَّهِ أَشْكُو (أَمَرَ) أُمَّتِي الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي. وَايْمُ اللَّهِ، لَيَقْتُلَنَّ ابْنَتِي، لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۱۰۷۳).

۸۵۱ - عَنْهُ ﷺ - لِعَلِيٍّ ﷺ -: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آمِنًا مُطَهَّرًا لَا يَحْزُنُهُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ فَلْيَتَوَلَّكَ، وَلْيَتَوَلَّ بَنِيكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا، وَالْحَسَنَ، ثُمَّ الْمَهْدِيَّ وَهُوَ خَاتَمُهُمْ (۱۰۷۴).



## ۳/۳

## ولایت

۸۴۸- زید بن ارقم: چون رسول خدا ﷺ از حجة الوداع برگشت و در غدیر خم فرود آمد، دستور داد زیر درختها را از خار و خاشاک جارو کردند... سپس فرمود: «همانا خداوند، مولای من است و من ولی هر مؤمنی هستم». آن گاه دست علی ﷺ را گرفت و فرمود: «هرکس که من ولی او هستم، این ولی اوست. بار خدایا! دوستدار او را دوست بدار و دشمنش را دشمن».

۸۴۹- پیامبر خدا ﷺ: هر که دوست دارد که مثل من زندگی کند و مانند من بمیرد و به بهشتی که پروردگارم مرا وعده داده است، وارد شود، پس باید ولایت علی بن ابی طالب و وارثان پاک او را که پس از من امامان هدایتگر و چراغهای تاریکی ها هستند بپذیرد؛ چه، آنان هرگز شما را از راه راست به کجراهه گمراهی نمی کشانند.

۸۵۰- پیامبر خدا ﷺ: هر که می خواهد چون من زندگی کند و مانند من بمیرد و به بهشت برینی که پروردگارم، خدا، با دست [قدرت] خود، آن را نشانده است درآید، باید ولایت علی بن ابی طالب را بپذیرد و با دوست او دوستی کند و با دشمنش دشمنی و در برابر اوصیای پس از او گردن نهد؛ زیرا که آنان عترت من و از گوشت و خون من هستند. خداوند فهم و دانش مرا به آنان عطا فرموده است. به خدا شکوه می کنم از دست آن امتم که فضیلت ایشان را منکر شوند و حرمت خویشاوندی من با آنان را نگه ندارند. به خدا سوگند که اینان فرزند مرا می کشند، خدا شفاعتم را شامل حال آنان نکند!

۸۵۱- پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - : هر که خوشحال می شود که خدای - ﷻ - را ایمن و پاک دیدار کند و از آن وحشت بزرگ [قیامت] اندوهی به دل راه ندهد، باید ولایت تو و ولایت دو فرزندت حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد و علی و حسن و سرانجام، مهدی را که آخرین آنهاست، بپذیرد.

۸۵۲- عنه علیه السلام - فِي الْأُئِمَّةِ عليهم السلام - : يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، وَلَا يَتُّهُمْ وَلَا يَتِي وَوَلَا يَتِي وَلَا يَهُ اللَّهُ ، وَحَرْبُهُمْ حَرْبِي وَحَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ <sup>(۱۰۷۵)</sup> ، وَسِلْمُهُمْ سِلْمِي وَسِلْمِي سِلْمُ اللَّهِ <sup>(۱۰۷۶)</sup> .

۸۵۳- عنه علیه السلام : وَلَا يَتِي وَوَلَا يَهُ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ <sup>(۱۰۷۷)</sup> .

۸۵۴- عنه علیه السلام : مَا بَالُ أَقْوَامٍ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُمْ آلُ إِبْرَاهِيمَ فَرِحُوا وَاسْتَبَشَرُوا ، وَإِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله إِشْمَازَتْ قُلُوبُهُمْ ؟! وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ، لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوَلَايَتِي وَوَلَا يَهُ أَهْلُ بَيْتِي <sup>(۱۰۷۸)</sup> .

۸۵۵- الإمام علی علیه السلام : هُمْ أَساسُ الدِّينِ وَعِمَادُ الْيَقِينِ ، إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْغَالِي ، وَبِهِمْ يَلْحَقُ التَّالِي ، وَلَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ ، وَفِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوِرَاثَةُ <sup>(۱۰۷۹)</sup> .

۸۵۶- عنه علیه السلام : لَنَا عَلَى النَّاسِ حَقُّ الطَّاعَةِ وَالْوَلَايَةِ ، وَلَهُمْ مِنْ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حُسْنُ الْجَزَاءِ <sup>(۱۰۸۰)</sup> .

۸۵۷- الإمام الباقر علیه السلام : بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمٍ : إِقَامِ الصَّلَاةِ ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَحَجِّ الْبَيْتِ ، وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ <sup>(۱۰۸۱)</sup> .

۸۵۸- عنه علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ طَهَّرَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله وَسَلَّاهُمْ <sup>(۱۰۸۲)</sup> أَجَرَ الْمَوَدَّةِ ، وَأَجْرِي لَهُمُ الْوَلَايَةُ ، وَجَعَلَهُمْ أَوْصِيَاءَهُ وَأَحِبَّاءَهُ ثَابِتَةً بَعْدَهُ <sup>(۱۰۸۳)</sup> فِي أُمَّتِهِ ، فَاعْتَبِرُوا يَا أَيُّهَا النَّاسُ فِيمَا قُلْتُ ، حَيْثُ وَضَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَايَتَهُ وَطَاعَتَهُ وَمَوَدَّتَهُ وَاسْتِنْبَاطَ عِلْمِهِ وَحُجَجَهُ ، فَإِيَّاهُ فَتَقَبَّلُوا ، وَبِهِ فَاسْتَمْسِكُوا ، تَنْجُوا بِهِ وَتَكُونُوا لَكُمْ الْحُجَّةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَطَرِيقُ رَبِّكُمْ جَلَّ وَعَزَّ ، وَلَا تَصِلُ وَلَايَتُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا بِهِمْ ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَهُ وَلَا

۸۵۲- پیامبر خدا ﷺ: درباره ائمه علیهم السلام: ای پسر عباس! ولایت آنان ولایت من است و ولایت من ولایت خداست. جنگ با آنان جنگ با من است و جنگ با من جنگ با خدا. آشتی با آنان آشتی با من است و آشتی با من آشتی بودن با خداست.

۸۵۳- پیامبر خدا ﷺ: ولایت من و ولایت اهل بیت من مایه ایمنی از آتش دوزخ است.

۸۵۴- پیامبر خدا ﷺ: عده ای را چه می شود که هرگاه در حضور آنان از خاندان ابراهیم یاد می شود، خوشحال و شادمان می شوند؛ اما هر زمان که نزد آنان از خاندان محمد ﷺ نام برده می شود، ناراحت می شوند؟! سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، اگر در روز قیامت، بنده ای با عمل هفتاد پیامبر حاضر شود، خداوند آنها را از او نپذیرد، مگر اینکه با ولایت من و ولایت اهل بیتم خدا را دیدار کند.

۸۵۵- امام علی علیه السلام: آنان (آل محمد) بنیاد دین و تکیه گاه یقین اند، تندرونده، به سوی ایشان بر می گردد و واپس مانده، به آنان ملحق می شود. ویژگی های حق ولایت (و امامت) در آنهاست و بس و وصیت و وراثت منحصر به آنان است.

۸۵۶- امام علی علیه السلام: ما را بر عهده مردم، حق فرمانبری و ولایت است و برای این کار، از خداوند سبحان پاداش نیک خواهند گرفت.

۸۵۷- امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز خواندن، زکات دادن، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا و (پذیرش) ولایت ما اهل بیت.

۸۵۸- امام باقر علیه السلام: خداوند ﷻ: اهل بیت پیامبر خود را پاک گردانید و مزد رسالت را دوستی با ایشان قرار داد و ولایت را برای آنان مقرر داشت و ایشان را اوصیا و دوستان او قرار داد که پس از وی در میان امتش پایدارند. پس ای مردم! در آنچه گفتم، بیندیشید که خداوند ﷻ: ولایت و طاعت و دوستی خود را در او نهاده و وی را استنباط کننده علمش و دلایل و حجت های گردانیده است. بنابراین، فقط او را بپذیرید و تنها به او تمسک جوید تا به واسطه او نجات یابید و در روز قیامت، حجت داشته باشید. راه پروردگارتان - ﷻ - جز به واسطه آنان پیموده نمی شود و هیچ ولایتی جز به واسطه آنان به خدای - ﷻ - نمی پیوندد. هرکه چنین کند، بر خداوند است که او را گرامی بدارد و عذابش



يُعَذِّبُهُ، وَمَنْ يَأْتِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ مَا أَمَرَهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُذِلَّهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ<sup>(۱۰۸۴)</sup>.

۸۵۹- أَبُو حَمْزَةَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهَ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ، فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْبُدُهُ هَكَذَا ضَلَالًا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: تَصَدِيقُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَتَصَدِيقُ رَسُولِهِ عليه السلام وَمُؤَالَاةُ عَلِيِّ عليه السلام وَالِإِئْتِمَامُ بِهِ وَبِأُيُمَّةِ الْهُدَى عليهم السلام وَالْبَرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ، هَكَذَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ<sup>(۱۰۸۵)</sup>.

۸۶۰- الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ دَخَلَ فِي وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي وَلَايَةِ عَدُوِّهِمْ دَخَلَ النَّارَ<sup>(۱۰۸۶)</sup>.

۸۶۱- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا»<sup>(۱۰۸۷)</sup> يَعْنِي الْوَلَايَةَ، مَنْ دَخَلَ فِي الْوَلَايَةِ دَخَلَ فِي بَيْتِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام، وَقَوْلِهِ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>(۱۰۸۸)</sup> يَعْنِي الْأُيُمَّةَ عليهم السلام وَوَلَايَتَهُمْ، مَنْ دَخَلَ فِيهَا دَخَلَ فِي بَيْتِ النَّبِيِّ عليه السلام<sup>(۱۰۸۹)</sup>.

۸۶۲- الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ اللَّهُ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ، وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ، عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ، وَبِهَا نَوَّهَتْ الْكُتُبُ وَيَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ. وَقَدْ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام أَنْ يُقْتَدَى بِالْقُرْآنِ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَذَلِكَ حَيْثُ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا: إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: الثَّقَلَ الْأَكْبَرُ، وَالثَّقَلَ الْأَصْغَرُ، فَأَمَّا الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ رَبِّي، وَأَمَّا الْأَصْغَرُ فَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي، فَاحْفَظُونِي فِيهِمَا فَلَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا<sup>(۱۰۹۰)</sup>.

نکند و هر کس که با چیزی جز آنچه خداوند - ﷻ - بدان فرمان داده، بر او وارد شود، بر خدای - ﷻ - است که او را خوار گرداند و عذابش کند.

۸۵۹- ابو حمزه: حضرت باقر علیه السلام به من فرمود: «در حقیقت، خدا را کسی بندگی می‌کند که خداشناس باشد؛ اما کسی که خداشناس نیست، او را این گونه [مانند عامه مردم]، گمراهانه می‌پرستند». عرض کردم: فدایت شوم! شناخت خدا به چیست؟ فرمود: «باور داشتن خدای - ﷻ - و باور داشتن رسول او و پذیرش ولایت علی علیه السلام و پیروی از او و از ائمه هدی علیهم السلام و پناه بردن به خدای - ﷻ - از دشمنان آنان. این است شناخت خدای - ﷻ -».

۸۶۰- امام باقر علیه السلام: هر که به ولایت آل محمد درآید، به بهشت رود و هر که به ولایت دشمنان آنان درآید، به دوزخ رود.

۸۶۱- محمد بن علی حلبی: حضرت صادق علیه السلام درباره آیه: «پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هر کس را که با ایمان وارد خانه من شود پیامرز!» فرمود: «مقصود ولایت است. هر کس به ولایت درآید، به خانه پیامبران علیهم السلام در آمده است و مقصود از آیه: «در حقیقت، خدا می‌خواهد که آلودگی را از شما خانواده بزداید و پاک و پاکیزه‌تان گرداند» ائمه علیهم السلام و ولایت آنان است. هر که به این ولایت درآید، به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله در آمده است».

۸۶۲- امام صادق علیه السلام: خداوند، ولایت ما اهل بیت را محور قرآن و محور همه کتابها [آسمانی] قرار داد که قرآن استوار، بر گرد آن می‌چرخد و به واسطه آن، همه کتابها ارج یافته‌اند و به واسطه آن، حقیقت ایمان روشن می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد که به قرآن و آل محمد اقتدا شود، آن گاه که در آخرین خطبه خود فرمود: «من در میان شما دو شیء گرانسنگ بر جای می‌نهم: یکی بزرگ‌تر و دیگری کوچک‌تر؛ اما بزرگ‌تر، کتاب پروردگار من است و کوچک‌تر، عترت یا همان اهل بیت من‌اند، پس با پاسداشت آن دو مرا پاس دارید؛ زیرا تا زمانی که به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد».

۸۶۳ - الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَقَدَّمَ إِلَى وَلَايَتِنَا أُخِّرَ عَنْ سَقَرٍ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا تَقَدَّمَ إِلَى سَقَرٍ (۱۰۹۱).

۸۶۴ - عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ الْهَرَوِيُّ: كُنْتُ مَعَ الرُّضَا عليه السلام لَمَّا دَخَلَ نَيْسَابُورَ، وَهُوَ رَاكِبٌ بَغْلَةً شَهْبَاءَ وَقَدْ خَرَجَ عُلَمَاءُ نَيْسَابُورَ فِي اسْتِقْبَالِهِ، فَلَمَّا سَارَ إِلَى الْمَرْتَعَةِ تَعَلَّقُوا بِلِجَامِ بَغْلَتِهِ وَقَالُوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَدِّثْنَا بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، حَدَّثَنَا عَنْ آبَائِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، فَأَخْرَجَ رَأْسَهُ مِنَ الْهُودَجِ وَعَلَيْهِ مَطْرَفٌ (۱۰۹۲) خَزٌّ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَنْ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَجَلَّ وَجْهُهُ قَالَ: إِنِّي أَنَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، عِبَادِي! فَاعْبُدُونِي، وَلْيَعْلَمْ مَنْ لَقِيَني مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي. قَالُوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ؟ قَالَ: طَاعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ عليهم السلام (۱۰۹۳).

۸۶۵ - الإمام الرضا عليه السلام: كَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا (۱۰۹۴).

۸۶۶ - الإمام الهادي عليه السلام - فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُزَارُ بِهَا الْأَئِمَّةُ عليهم السلام -: وَأَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ (۱۰۹۵).

۸۶۳- امام کاظم علیه السلام: هرکه به سوی ولایت ما پیش رود، از دوزخ واپس ماند و هرکه از ولایت ما عقب ماند، به سوی دوزخ پیش رود.

۸۶۴- عبدالسلام بن صالح هروی: زمانی که حضرت رضا علیه السلام وارد نیشابور شد، من با ایشان بودم. آن حضرت بر قاطر خاکستری رنگی سوار بود. علمای نیشابور برای استقبال از او بیرون آمده بودند. چون به جانب مرتعه به راه افتاد، آنان لگام قاطرش را گرفتند و گفتند: یابن رسول الله! تو را به حق پدران پاکت برای ما حدیثی بگو؛ از پدران خویش - که درود خدا بر همه آنان باد!- برایمان حدیثی بگو. در این هنگام حضرت سرش را از کجاوه‌ای که روی آن پارچه ابریشمی نگارین آویخته بود، بیرون آورد و فرمود: «پدرم موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین، این سرور جوانان بهشتی، از پدرش امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم حدیث کرد که فرمود: «جبرئیل، روح الامین، از جانب خداوند پاک و بزرگ مرا خبر داد که فرمود: این من ام خدا. معبودی نیست، مگر تنها من. بندگان من! پس مرا بندگی کنید و هریک از شما با شهادت دادن مخلصانه به اینکه معبودی جز الله نیست، مرا دیدار کند، به حصار من درآید و هرکس به حصار من درآید، از عذابم ایمن باشد». عرض کردند: یابن رسول الله! شهادت دادن مخلصانه به خدا چگونه است؟ فرمود: «به اطاعت از خدا و رسول او و ولایت اهل بیتش علیهم السلام».

۸۶۵- امام رضا علیه السلام: کمال دین، در ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست.

۸۶۶- امام هادی علیه السلام: در زیارت جامعه که بدان امامان را زیارت می‌کنند - و زمین به نور شما روشن گشت و رستگاران، به واسطه ولایت شما رستگار شدند. به سبب وجود شماست که راه رضوان (الهی) پیموده می‌شود و خشم خدا بر کسی است که ولایت شما را انکار کند.

۴/۳

## التَّقْدِيمُ

۸۶۷- رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي فَرَطُكُمْ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلَا وَإِنِّي سَائِلُكُمْ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ نَبَّأَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَلْقَيَانِي، وَسَأَلْتُ رَبِّي ذَلِكَ فَأَعْطَانِيهِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُهُمَا فِيكُمْ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَفَرَّقُوا، وَلَا تُقْصِرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا، وَلَا تُعْلِمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ<sup>(۱۰۹۷)</sup>.

۸۶۸- عنه ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ مَفْزَعَكُمْ بَعْدِي وَإِمَامَكُمْ وَدَلِيلَكُمْ وَهَادِيَكُمْ، وَهُوَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَهُوَ فِيكُمْ بِمَنْزِلَتِي فِيكُمْ، فَقَلِّدُوهُ دِينَكُمْ وَأَطِيعُوهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِكُمْ، فَإِنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ مَا عَلَّمَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَحِكْمَتَهُ، فَسَلُّوهُ وَتَعَلَّمُوا مِنْهُ وَمِنْ أَوْصِيَائِهِ بَعْدَهُ، وَلَا تُعْلِمُوهُمْ وَلَا تَتَقَدَّمُوهُمْ وَلَا تَخْلُفُوا عَنْهُمْ، فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ، لَا يُزَايِلُونَهُ وَلَا يُزَايِلُهُمْ<sup>(۱۰۹۸)</sup>.

۸۶۹- عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ... فَقَدَّمُوهُمْ وَلَا تَتَقَدَّمُوا عَلَيْهِمْ، فَإِنَّهُمْ أَحْلَمُكُمْ صِغَارًا وَأَعْلَمُكُمْ كِبَارًا، فَاتَّبِعُوهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يُدْخِلُونَكُمْ فِي ضَلَالٍ وَلَا يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ هُدًى<sup>(۱۰۹۹)</sup>.

۸۷۰- عُثْمَانُ بْنُ حُنَيْفٍ: سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَهْلُ بَيْتِي نُجُومٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، فَلَا تَتَقَدَّمُوهُمْ وَقَدَّمُوهُمْ فَهُمْ الْوَلَاةُ بَعْدِي، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَأَيُّ أَهْلِ بَيْتِكَ؟ فَقَالَ: عَلِيُّ وَالتَّاهِرُونَ مِنْ وَلَدِهِ<sup>(۱۱۰۰)</sup>.

## ۴/۳

## مقدم داشتن

۸۶۷- پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! من جلوتر از شما می‌روم و شما در کنار حوض [کوثر] بر من وارد می‌شوید. آگاه باشید که من از شما دربارهٔ ثقلین خواهم پرسید. پس بنگرید که پس از من با آن دو چه می‌کنید؛ چه، خداوند لطیف خبیر، مرا خبر داد که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه به دیدار من بیایند و من این امر را از پروردگارم خواستم و او خواهش مرا برآورد. آگاه باشید که من در میان شما این دو را بر جای گذاشته‌ام: کتاب خدا و عترت، یعنی: اهل بیت را. پس، از آنان پیشی نگیرید که دچار تفرقه و پراکندگی می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌شوید و به آنان چیز یاد ندهید؛ زیرا که ایشان از شما داناترند.

۸۶۸- پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! من هشدار دهنده و پیشوا و راهنما و رهبر پس از خود را برای شما مشخص کردم و او برادرم علی بن ابی طالب است. او در میان شما به منزلهٔ من در میان شماست. پس دین خود را از او تقلید کنید و در همهٔ کارهایتان از وی فرمان برید؛ زیرا تمام آنچه را که خداوند - تبارک و تعالی - به من تعلیم داده و حکمت الهی، در نزد اوست. بنابراین، از او و از اوصیای پس از او بپرسید و تعلیم بگیرید و به آنان چیز یاد ندهید و بر ایشان پیشی نگیرید و از آنان عقب نمانید؛ چرا که آنان با حق هستند و حق با آنان است. نه آنان از حق جدا می‌شوند و نه حق از آنان.

۸۶۹- پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال ذریهٔ هر پیامبری را از پشت خود او قرار داده؛ اما ذریهٔ مرا از پشت علی بن ابی طالب ﷺ.... پس آنان را پیشرو قرار دهید و از ایشان جلو نیفتید؛ چه، آنان در خردسالی بردبارترین شما هستند و در بزرگی داناترینتان. بنابراین، از آنان پیروی کنید؛ چرا که ایشان شما را به گمراهی نمی‌کشانند و از راه راست بیرون‌تان نمی‌برند.

۸۷۰- عثمان بن حنیف: شنیدیم رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اهل بیت من، ستارگان اهل زمین هستند. پس، از آنان جلو نیفتید و ایشان را جلودار خود سازید، چرا که آنان والیان پس از من هستند». مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! کدام اهل بیت؟ فرمود: «علی و فرزندان پاک او».



۸۷۱- الإمام علي عليه السلام - في خطبة له في رسول الله وأهل بيته عليه السلام -: أرسله بأمره صادقاً (ناطقاً)، وبذكره ناطقاً (قاطعاً)، فأدبى أمينا، ومضى رشيداً، وخلف فينا راية الحق، من تقدمها مرق، ومن تخلف عنها زهق، ومن لزمها لحق (۱۱۰۰).

۸۷۲- عنه عليه السلام: لما خطب أبو بكر قام إليه أبي بن كعب، وكان يوم الجمعة أول يوم من شهر رمضان، فقال: ... أستم تعلمون أن رسول الله قال: أوصيكم بأهل بيتي خيراً، فقد موهم ولا تقدموهم، وأمروهم ولا تأمروا عليهم... فقامت إليه رجال من الأنصار فقالوا (له): أقعد رحمتك الله يا أبي، فقد أدبت ما سمعت ووفيت بعهدك (۱۱۰۱).

۸۷۳- الإمام الصادق عليه السلام: من تولى آل محمد وقدمهم على جميع الناس بما قدمهم من قرابة رسول الله فهو من آل محمد لتوليهم آل محمد، لا أنه من القوم بأعيانهم وإنما هو منهم بتوليهم إليهم وإتباعه إياهم، وكذلك حكم الله في كتابه: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ﴾ (۱۱۰۲) وقول إبراهيم: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۱۱۰۳) (۱۱۰۴).

۵/۳

### الاقتداء

۸۷۴- رسول الله صلى الله عليه وآله: من سره أن يحيا حياتي ويموت مماتي ويسكن جنه عدن غرسها ربي فليوال علياً من بعدي وليوال وليه، وليقتد بالائمة من بعدي، فإنهم عترتي، خلّقوا من طينتي، رزقوا فهمًا وعِلماً، ووسل للمكذّبين بفضلهم من أمتي، القاطعين فيهم صِلتي، لا أنا لهم الله شفاعتي (۱۱۰۵).



۸۷۱ - امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای راجع به رسول خدا و اهل بیت او - : خداوند، او [محمد] را فرستاد تا فرمانش را آشکار سازد و یادش را زنده گرداند و او رسالت خود را با امانت ادا کرد و رهیافته و رستگار، جهان را وداع گفت و پرچم حق را در میان ما گذاشت. هر که از آن پیشی گیرد، از دین به در رود و هر که از آن واپس ماند، هلاک شود و هر که همراهی آن کند، [به ساحل رستگاری و نجات] برسد.

۸۷۲ - امام علی علیه السلام : هنگامی که ابوبکر خطبه [خلافت] خواند - و آن روز، آدینه بود و مصادف با نخستین روز از ماه رمضان - ابی بن کعب برخاست و به او گفت: ... آیا نه اینکه می‌دانید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را درباره اهل بیتم سفارش به نیکی می‌کنم. آنان را جلودار خود سازید و بر ایشان پیشی نگیرید و آنان را فرمانروا سازید و بر ایشان فرمانروایی و امارت نکنید...».

در این هنگام گروهی از مردان انصار برخاستند و به ابی گفتند: رحمت خدا بر تو ای ابی! بنشین؛ تو آنچه را شنیده بودی، گفتی و به پیمانت وفا کردی.

۸۷۳ - امام صادق علیه السلام : هر کس ولایت آل محمد را بپذیرد و آنان را به سبب خویشاوندیشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همه مردم مقدم دارد، چنین کسی از آل محمد است؛ چون ولایت آل محمد را دارد، نه به این معنا که در واقع، جزء این خاندان است، بلکه از آنان است به سبب پذیرش ولایتشان و پیروی کردن از آنها. خداوند در کتاب خود این گونه حکم کرده، آنچه که فرموده است: «و هر کس از شما آنان را به ولایت گیرد، از آنان خواهد بود» و ابراهیم علیه السلام فرمود: «پس هر که از من پیروی کند او از من است و هر که نافرمانیم کند، بی گمان تو آمرزنده مهربانی».

## ۵/۳

### پیروی

۸۷۴ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس که خوشحال می‌شود مانند من زندگی کند و مانند من از دنیا برود و در بهشت برینی که پروردگارم آن را کاشته است، ساکن شود، باید پس از من علی را دوست بدارد و دوست او را نیز دوست دارد و به امامان پس از من اقتدا کند؛ زیرا آنان عترت من‌اند، از طینت من آفریده شده‌اند و فهم و دانش روزی شده‌اند. وای بر آن دسته از امت من که فضل و برتری ایشان را انکار کنند و حرمت خویشاوندی من با آنان را نگه ندارند! خدا شفاعتم را نصیب ایشان نکند!

٨٧٥ - عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاةً تُشَبِّهُ حَيَاةَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَمُوتَ مِيتَةً تُشَبِّهُ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَيَسْكُنَ الْجَنَانَ الَّتِي غَرَسَهَا الرَّحْمَنُ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَلْيُوَالِ وَلِيَّهٖ وَلْيَقْتَدِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي خَلَقُوا مِنْ طِينَتِي. اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ فَهْمِي وَعِلْمِي، وَوَيْلٌ لِلْمُخَالِفِينَ لَهُمْ مِنْ أُمَّتِي، اللَّهُمَّ لَا تُبَلِّغْهُمْ شَفَاعَتِي <sup>(١١٠٦)</sup>.

٨٧٦ - عنه عليه السلام: أَهْلُ بَيْتِي يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَهُمْ الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ يُقْتَدَى بِهِمْ <sup>(١١٠٧)</sup>.

٨٧٧ - عنه عليه السلام: الرُّوحُ وَالرَّاحَةُ وَالرَّحْمَةُ وَالنُّصْرَةُ وَالْيُسْرُ وَالْيَسَارُ وَالرِّضَا وَالرِّضْوَانُ وَالْمَخْرَجُ وَالْقَلْبُ <sup>(١١٠٨)</sup> وَالْقُرْبُ وَالْمَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَسُولِهِ لِمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَاتَّمَّ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ <sup>(١١٠٩)</sup>.

٨٧٨ - عنه عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَأْتِمُّ بِهِ وَبِأَئِمَّةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ. وَبَيَّرَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ، أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ <sup>(١١١٠)</sup> (ترجمہ کتب پور علم دہلی)

٨٧٩ - جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا صَلَاةَ الْفَجْرِ، ثُمَّ انْفَقَلَ وَأَقْبَلَ عَلَيْنَا يُحَدِّثُنَا، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَمَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرَقْدَيْنِ.

قَالَ: فَقُمْتُ أَنَا وَأَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ وَمَعَنَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنَ الشَّمْسِ؟ قَالَ: أَنَا، فَإِذَا هُوَ ﷺ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا وَجَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَنَا الشَّمْسُ، فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ. قُلْنَا: فَمَنِ الْقَمَرُ؟، قَالَ: أَخِي وَوَصِيِّي وَوَزِيرِي وَقَاضِي دِينِي وَأَبُو وَلَدِي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِ عَلِيٍّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ، قُلْنَا: فَمَنِ الْفَرَقْدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. ثُمَّ مَكَثَ مَلِيًّا

۸۷۵ - پیامبر خدا ﷺ: هر که دوست دارد مانند پیامبران زندگی کند و مرگی چون مرگ شهیدان داشته باشد و در بهشتی که خدای رحمان کاشته است، ساکن شود، باید از علی پیروی کند و با دوست او دوستی کند و به امامان پس از او اقتدا نماید؛ زیرا که ایشان عترت من اند و از طینت من آفریده شده اند. بار خدایا! فهم و دانش مرا روزی ایشان فرما! وای بر آن دسته از امت من که مخالفت آنان کنند! بار خدایا! شفاعت مرا شامل حال این مردمان مگردان!

۸۷۶ - پیامبر خدا ﷺ: اهل بیت من، حق را از باطل جدا می کنند و هم ایشان اند آن امامانی که باید به آنها اقتدا کرد.

۸۷۷ - پیامبر خدا ﷺ: آسایش و آسودگی و رحمت و یاری و توانگری و آسانی و خشنودی و رضوان و گشایش و پیروزی و تقرب و دوستی خدا و رسول او برای کسی است که علی را دوست بدارد و به جانشینان او اقتدا کند.

۸۷۸ - پیامبر خدا ﷺ: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند و پیش از قیامش به او اقتدا نماید و از او و از امامان هدایتگر پیش از او پیروی کند و از دشمنان آنان به خدای عز و جل پناه و بیزاری جوید! اینان رفیقان من و گرامیترین افراد امت من در نزد من اند.

۸۷۹ - جابر بن عبدالله انصاری: روزی رسول خدا ﷺ نماز صبح را به جماعت با ما خواند و سپس به طرف ما برگشت و برایمان سخن گفت و فرمود: «ای مردم! هر که خورشید را از دست داد، به دامن ماه چنگ زند و هر که ماه را از دست داد، به فرقدان [دوستاره درخشان که به آنها دو «برادران» نیز می گویند] تمسک جوید.

من و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک برخاستیم و عرض کردیم: ای رسول خدا! چه کسی خورشید است؟ فرمود: «من». در این هنگام رسول خدا ﷺ، برای ما مثلی زد و فرمود: «خدای متعال، ما را آفرید و چونان ستارگان آسمان قرارمان داد که هرگاه ستاره ای غروب کند، ستاره ای دیگر طلوع می کند. پس من خورشید هستم و هرگاه برده شدم، به ماه چنگ زنید». عرض کردیم: چه کسی ماه است؟ فرمود: «برادر و وصی و وزیرم و ادا کننده دینم و پدر فرزندانم و جانشین من در میان خانواده ام، علی بن ابی طالب».

وَقَالَ: فَاطِمَةُ هِيَ الزُّهْرَةُ، وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ<sup>(١١١١)</sup>.

٨٨٠ - الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ وَيَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ، فَلْيَتَوَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ، وَلْيَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ، وَلْيَأْتَمْ بِإِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ، فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ وَنَظَرَ إِلَى اللَّهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ<sup>(١١١٢)</sup>.

٦/٣

## الإِكْرَامُ

الكتاب

﴿فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾<sup>(١١١٣)</sup>.

مرکز تحقیقات کتب ویران علوم اسلامی

الحدیث

٨٨١ - أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ وَبُرَيْدَةُ: قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ﴾ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتِ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟ - لِبَيْتِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ - قَالَ: نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا<sup>(١١١٤)</sup>.

٨٨٢ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي، وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ، وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ، وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ<sup>(١١١٥)</sup>.

٨٨٣ - عَنْهُ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، عَظُّمُوا أَهْلَ بَيْتِي فِي حَيَاتِي وَمِنْ بَعْدِي، وَأَكْرِمُوهُمْ وَفَضِّلُوهُمْ<sup>(١١١٦)</sup>.

عرض کردیم: فرقدان کیستند؟ فرمود: «حسن و حسین». سپس حضرت لختی درنگ کرد و آن گاه فرمود: «فاطمه هم (ستاره) زهره است و عترت من، اهل بیتم، با قرآن اند و قرآن با آنان. از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض [کوثر] بر من در آیند».

۸۸۰- امام رضا علیه السلام: هر که خوشحال می شود که خدا را بی پرده و حجابی ببیند و خدا نیز بی پرده به او بنگرد، پس ولایت آل محمد را بپذیرد و از دشمنان آنان بیزاری جوید و از ایشان که پیشوای مؤمنان هستند، پیروی کند. در این صورت، چون روز قیامت شود، خداوند بی پرده به او بنگرد و او نیز خدا را بدون پرده و حجاب مشاهده کند.

۶/۳



گرامی داشت

قرآن

«در خانه هایی که خدا از خصیت داده که (قدر و منزلت) آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن خانه ها هر بامداد و شامگاه، او را نیایش می کنند».

حدیث

۸۸۱- انس بن مالک و بریده: رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه: «فی بیوت اذن الله ان ترفع» را قرائت کرد. مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! اینها کدام خانه ها است؟ فرمود: «خانه های پیامبران». ابوبکر برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! این خانه - خانه علی و فاطمه - هم جزو آنهاست؟ فرمود: «آری، از بهترین آنهاست».

۸۸۲- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار نفرند که روز قیامت، من شفیع آنها خواهم بود: کسی که پس از من فرزندانم را گرامی و محترم بدارد؛ کسی که نیازهای آنان را بر آورده سازد؛ کسی که وقتی آنان به او محتاج شدند، در رفع گرفتاری هایشان بکوشد و کسی که با دل و زبان خویش آنان را دوست بدارد.

۸۸۳- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! اهل بیت مرا در زمان حیاتم و پس از من بزرگ دارید و به آنان احترام گذارید و برتریشان دهید.

۸۸۴- الإمام الحسن عليه السلام: أَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْأَنْصَارِ فَأَتَوْهُ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: هَذَا عَلَيَّ، فَأَحِبُّوهُ بِحُبِّي وَكَرِّمُوهُ لِكِرَامَتِي، فَإِنَّ جَبْرَائِيلَ عليه السلام أَمَرَنِي بِالَّذِي قُلْتُ لَكُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ <sup>(۱۱۱۸)</sup>.

۸۸۵- ابن عباس: صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسَاءِلُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا. إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي، فَمَنْ آذَاهُمْ آذَانِي، وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي، وَمَنْ أَدْلَاهُمْ أَدْلَانِي، وَمَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِي، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي، وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِي، وَمَنْ خَذَلَهُمْ خَذَلَنِي <sup>(۱۱۱۹)</sup>.

۸۸۶- رسول الله ﷺ: مَا تَقَدَّمَ عَلَى اللَّهِ أُمَّةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْرَمُ عَلَيْهِ مِنْ أُمَّتِي، وَلَا أَهْلُ بَيْتٍ أَكْرَمُ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَلَا فَاتَّقُوا اللَّهَ فِيهِمْ <sup>(۱۱۲۰)</sup>.

۸۸۷- عنه ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى حُرُمَاتٍ ثَلَاثًا مَنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، وَمَنْ لَمْ يَحْفَظْهُنَّ لَمْ يَحْفَظِ اللَّهُ لَهُ شَيْئًا: حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ، وَحُرْمَتِي، وَحُرْمَةُ عِترَتِي <sup>(۱۱۲۱)</sup>.

۸۸۸- الإمام الباقر عليه السلام: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْحَابَهُ بِمَنْى فَقَالَ: ... يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَعِترَتِي، وَالْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ <sup>(۱۱۲۲)</sup>.

۸۸۹- الإمام الصادق عليه السلام: لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي بِلَادِهِ خَمْسُ حُرُمٍ: حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَحُرْمَةُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَحُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَحُرْمَةُ كَعْبَةِ اللَّهِ، وَحُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ <sup>(۱۱۲۳)</sup>.

۸۸۴- امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی انصار فرستاد و آنان نزدش آمدند. پیامبر به ایشان فرمود: «ای جماعت انصار! آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر به دامنش چنگ زنید، پس از آن هرگز گمراه نشوید؟». عرض کردند: چرا، ای رسول خدا! فرمود: «این علی، به دوستی من او را دوست بدارید و به احترام من به او احترام نهید؛ زیرا جبرئیل، از جانب خدای - صلی الله علیه و آله - به من دستور داد که این مطلب را به شما بگویم».

۸۸۵- ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و برایمان سخنرانی کرد و مردم جمع شدند. آن حضرت فرمود: «ای مردم! شما [در روز قیامت] گرد آورده خواهید شد و درباره ثقلین از شما خواهند پرسید. پس مواظب باشید که پس از من با آنان چگونه عمل می‌کنید. آنان اهل بیت من هستند. هر که ایشان را آزار دهد، مرا آزار داده و هر که به ایشان ستم کند، به من ستم کرده است. هر که ایشان را خوار دارد، مرا خوار داشته و هر که ایشان را عزیز شمارد، مرا عزیز شمرده است. هر که ایشان را گرمی دارد، مرا گرمی داشته و هر که ایشان را یاری دهد، مرا یاری داده و هر که ایشان را تنها و بی‌یاور گذارد، مرا تنها و بی‌یاور گذاشته است».

۸۸۶- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، هیچ امتی به پیشگاه خدا وارد نشود که نزد او گرمی‌تر از امت من باشد و نه هیچ خانواده‌ای که نزد او گرمی‌تر از خانواده من باشد. هان! پس درباره ایشان از خدا بترسید.

۸۸۷- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال را سه حرمت است که هرکس آنها را نگهدارد خداوند، کار دین و دنیای او را حفظ کند و هر که آنها را نگه ندارد، خداوند، هیچ چیز او را حفظ نکند: حرمت اسلام، حرمت من و حرمت عترتم.

۸۸۸- امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله در منی، اصحاب خود را فرا خواند و فرمود: «... ای مردم! من حرمت‌های خدا را در میان شما بر جای می‌گذارم: کتاب خدا، عترتم و کعبه، بیت الحرام».

۸۸۹- امام صادق علیه السلام: خدای - صلی الله علیه و آله - را در سرزمینش پنج حرمت است: حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حرمت آل رسول خدا - صلی الله علیه و آله -، حرمت کتاب خدای - صلی الله علیه و آله -، حرمت کعبه خدا و حرمت مؤمن.



۸۹۰ - عنه علیه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ حُرُمَاتٍ ثَلَاثًا لَيْسَ مِثْلُهُنَّ شَيْءٌ: كِتَابُهُ وَهُوَ حِكْمَتُهُ وَنُورُهُ، وَبَيْتُهُ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ تَوَجُّهًا إِلَى غَيْرِهِ، وَعِتْرَةَ نَبِيِّكُمْ صلی الله علیه و آله (۱۱۲۴).

۷/۳

## الخُمُسُ

### الكتاب

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ (۱۱۲۵).

### الحديث

۸۹۱ - ابْنُ الدَّيْلَمِيِّ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ: أَمَا قَرَأْتَ فِي الْأَنْفَالِ: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ...﴾ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَإِنَّكُمْ لَا تَنْتُمُ هُمْ؟ قَالَ: نَعَمْ (۱۱۲۶).

۸۹۲ - الْمِنْهَالُ بْنُ عَمْرٍو: سَأَلْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَنِ الْخُمُسِ، فَقَالَ: هُوَ لَنَا، فَقُلْتُ لِعَلِيِّ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ فَقَالَ: يَتَامَانَا وَمَسَاكِينُنَا (۱۱۲۷).

۸۹۳ - الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عليه السلام - فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ﴾ -: هُمْ قَرَابَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَالْخُمُسُ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلَنَا (۱۱۲۸).

۸۹۴ - الْإِمَامُ الْكَاضِمُ عليه السلام: وَإِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْخُمُسَ خَاصَّةً لَهُمْ دُونَ مَسَاكِينِ النَّاسِ وَأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ، عَوَضًا لَهُمْ مِنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ، تَنْزِيهَاً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ لِقَرَابَتِهِمْ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَكَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ عَنْ أَوْسَاخِ النَّاسِ، فَجَعَلَ لَهُمْ خَاصَّةً مِنْ عِنْدِهِ مَا يُغْنِيهِمْ بِهِ عَنْ أَنْ يُصَيِّرَهُمْ فِي مَوْضِعِ الذُّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ (۱۱۲۹).

۸۹۰- امام صادق علیه السلام: خدای - تعالی - را سه حرمت است که هیچ چیز [در حرمت] مانند آنها نیست: کتاب او که آن حکمت و نور اوست، خانه او که آن را قبله مردم قرار داده و روی کردن به غیر آن را از هیچ کس نمی پذیرد و عترت پیامبران علیهم السلام.

۷/۳

### خُمس

#### قرآن

«بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و برای پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است».

#### حدیث

۸۹۱- ابن دیلمی: علی بن الحسین علیه السلام به مردی از اهل شام فرمود: «آیا در سوره انفال نخوانده‌ای که: "بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و... است؟" عرض کرد: چرا. پس شما همانان هستید؟ فرمود: «آری».

۸۹۲- منهل بن عمرو: از عبدالله بن محمد بن علی و علی بن الحسین درباره خمس پرسیدم. فرمود: «آن متعلق به ماست». به علی عرض کردم: (اما) خداوند می فرماید: «و برای یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان». گفت: «مقصود، یتیمان و بینوایان ماست».

۸۹۳- امام باقر علیه السلام: درباره آیه: «و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و... است» - مقصود، خویشاوندان رسول خداست. خمس از آن خدا و پیامبر و ماست.

۸۹۴- امام کاظم علیه السلام: خداوند در حقیقت، این خمس را مختص آنان قرار داد و نه برای بینوایان و در راه ماندگان سایر مردم و این برای آنها به جای صدقات مردم است [که بر سادات حرام گردیده] و برای آن است که خداوند خواسته است ایشان را به سبب خویشاوندیشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله از چرکهای [اموال] مردم [یعنی: صدقات و زکات] پاک گرداند و بدین وسیله کرامتشان بخشد. لذا مال مخصوصی را از جانب خود برای آنان مقرر داشت تا به واسطه آن، بی نیاز شوند و در معرض خواری و درویشی قرار نگیرند.

۸/۳

## الصَّلَاةُ

- ۸۹۵- رسول الله ﷺ: مَنْ صَنَعَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَدًا كَافِيَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ <sup>(۱۱۳۰)</sup>.
- ۸۹۶- عنه ﷺ: مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَأَنْ تَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَصِلْ أَهْلَ بَيْتِي وَيُدْخِلِ الشَّرَّورَ عَلَيْهِمْ <sup>(۱۱۳۱)</sup>.
- ۸۹۷- عنه ﷺ: فِي صِفَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِ الْإِمَامِ عَلِيِّ <sup>(ع)</sup>: مَنْ جَفَا وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ جَفَانِي، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَنِي <sup>(۱۱۳۲)</sup>.
- ۸۹۸- الإمام الصادق <sup>(ع)</sup>: لَا تَدْعُوا صَلَاةَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ أَمْوَالِكُمْ، مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَعَلَى قَدْرِ غِنَاهُ، وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَعَلَى قَدْرِ فَقْرِهِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَ اللَّهُ لَهُ أَهَمَّ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ فَلْيَصِلْ آلَ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتَهُمْ بِأَحْوَجَ مَا يَكُونُ مِنْ مَالِهِ <sup>(۱۱۳۳)</sup>.
- ۸۹۹- عنه <sup>(ع)</sup>: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِي مُوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مُوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا <sup>(۱۱۳۴)</sup>.
- ۹۰۰- عُمَرُ بْنُ مَرِيَمَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ﴿الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ <sup>(۱۱۳۵)</sup> قَالَ: مِنْ ذَلِكَ صَلَاةُ الرَّحِمِ، وَغَايَةُ تَأْوِيلِهَا صَلَاتُكَ إِيَّانَا <sup>(۱۱۳۶)</sup>.

### ۸/۳

#### صله دادن

۸۹۵- پیامبر خدا ﷺ: هرکس به یکی از افراد خاندان من احسانی کند، در روز قیامت آن را جبران می‌کنم.

۸۹۶- پیامبر خدا ﷺ: هر که می‌خواهد به من توشل جوید و او را بر من منتی باشد که به واسطه آن، روز قیامت شفاعتش کنم، به خاندانم صله دهد و آنان را شاد سازد.

۸۹۷- پیامبر خدا ﷺ: در وصف امامان از نسل امام علی علیه السلام: هرکس به یکی از شما جفا کند، به من جفا کرده و هرکس به شما صله‌ای دهد، به من صله داده است.

۸۹۸- امام صادق علیه السلام: صله دادن از اموال خود به آل محمد را فرو مگذارید. هر که داراست به قدر داراییش [صله دهد] و هر که نادر است، به فراخور ناداریش. هر که می‌خواهد خداوند، مهم‌ترین حاجتهایی را که از خدا می‌خواهد، برآورده سازد، از مال خود، آنچه را بیشتر از همه مورد نیاز اوست، به آل محمد و شیعیان آنان صله دهد.

۸۹۹- پیامبر خدا ﷺ: هر که قادر نباشد به ما صله دهد، به دوستان نیک ما صله دهد که همان ثواب صله دادن به ما برایش نوشته می‌شود و هر که قادر نباشد به زیارت ما بیاید، به زیارت دوستان نیک ما برود که همان ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود.

۹۰۰- عمر بن مریم: از حضرت صادق علیه السلام درباره آیه: «و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده است، می‌پیوندانند» پرسیدم. فرمود: از آن جمله است صله رجم و نهایت تأویل آن، صله دادن تو به ماست.

۹/۳

## الصَّلَاةُ

۹۰۱ - أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا التَّسْلِيمُ، فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟  
قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ  
إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ <sup>(۱۱۳۷)</sup>.

۹۰۲ - عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي لَيْلَى: لَقِيتُنِي كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ فَقَالَ: أَلَا أَهْدِي لَكَ هَدِيَّةً  
سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَأَدَّاهَا لِي، فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ  
فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلَّمَنَا كَيْفَ  
نُسَلِّمُ عَلَيْكُمْ. قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا  
صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ  
حَمِيدٌ مَجِيدٌ <sup>(۱۱۳۸)</sup>.

۹۰۳ - الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ، فَقَالَ لَهُ أَبِي: يَا عَبْدَ اللَّهِ، لَا تَبْتُرْهَا، لَا تَظْلِمُنَا حَقًّا، قُلْ: اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ <sup>(۱۱۳۹)</sup>.

۹۰۴ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يُصَلِّ فِيهَا عَلَيَّ وَلَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِي لَمْ تُقْبَلْ  
مِنْهُ <sup>(۱۱۴۰)</sup>.

۹۰۵ - قَالَ الشَّافِعِيُّ:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ، حُبُّكُمْ      فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ  
كَفَاكُمْ مِنَ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ      مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ



۹/۳

## صلوات فرستادن

۹۰۱ - ابو سعید خدری: عرض کردیم: ای رسول خدا! نحوه سلام گفتن [ بر شما ] را دانستیم. چگونه بر شما صلوات فرستیم؟ فرمود: «بگویید: اللهم صلّ علی محمد و عبدک و رسولک كما صلّیت علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم».

۹۰۲ - عبدالرحمن بن ابی لیلی: کعب بن عجره به من برخورد و گفت: نمی خواهی به تو هدیه ای دهم که آن را از پیامبر ﷺ شنیدم؟ گفتم: چرا، آن را به من بده. گفت: از رسول خدا ﷺ پرسیدیم: ای رسول خدا! بر شما اهل بیت چگونه صلوات فرستیم؟ چون نحوه سلام گفتن بر شما را خداوند به ما تعلیم داده است. حضرت فرمود: «بگویید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فانک حمید مجید. اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید».

۹۰۳ - امام صادق ﷺ: پدرم مردی را دید که به کعبه آویخته و می گوید: اللهم صلّ علی محمد. پدرم به او فرمود: «ای بنده خدا! آن را ناقص مگو. حق ما را ضایع مگردان. بگو: اللهم صلّ علی محمد و اهل بیتی».

۹۰۴ - پیامبر خدا ﷺ: هر که نمازی بخواند و در آن بر من و اهل بیتم صلوات نفرستد، نمازش پذیرفته نمی شود.

۹۰۵ - شافعی:

ای اهل بیت رسول خدا! خداوند، دوستی شما را در قرآنی که فرو فرستاده واجب ساخته است

در عظمت مقام شما همین بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد، نمازش درست نیست.

۱۰/۳

## الذِّكْرُ

۹۰۶ - رسول الله ﷺ: مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا يَذْكُرُونَ فَضَائِلَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا هَبَّطَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى أُلْحِقُوا بِهِمْ بِحَدِيثِهِمْ، فَإِذَا تَفَرَّقُوا عَرَجَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى السَّمَاءِ، فَيَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ الْآخَرُ: إِنَّا نَشْمُّ رَائِحَةَ مِنْكُمْ مَا شَمَمْنَا رَائِحَةَ أَطْيَبَ مِنْهَا، فَيَقُولُونَ: إِنَّا كُنَّا عِنْدَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَعَطَّرُونَا مِنْ رِيحِهِمْ، فَيَقُولُونَ: اهِبْطُوا بِنَا إِلَيْهِمْ، فَيَقُولُونَ: إِنَّهُمْ قَدْ تَفَرَّقُوا، فَيَقُولُونَ: اهِبْطُوا بِنَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانُوا فِيهِ (۱۱۴۲).



۹۰۷ - الإمام علي عليه السلام: ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءٌ مِنَ الْعِلَلِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَاسِ الرَّيْبِ (۱۱۴۳).

مرکز تحقیق کتب و ترویج علوم اسلامی

۹۰۸ - الإمام الباقر عليه السلام: إِنْ ذِكْرُنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَذِكْرَ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ (۱۱۴۴).

۹۰۹ - الإمام الصادق عليه السلام: (إِنْ ذِكْرُنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ)، إِنَّا إِذَا ذَكَّرْنَا ذِكْرَ اللَّهِ، وَإِذَا ذَكَّرَ عَدُوَّنَا ذِكْرَ الشَّيْطَانِ (۱۱۴۵).

۹۱۰ - عنه عليه السلام: لِدَاوُدَ بْنِ سَرْحَانَ -: يَا دَاوُدُ، أَبْلِغْ مُوَالِيَ عَنِّي السَّلَامَ، وَأَنِّي أَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَاكَرَا أَمْرَنَا، فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا. وَمَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَى ذِكْرِنَا إِلَّا بَاهَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ، فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاشْتَغِلُوا بِالذِّكْرِ، فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمُذَاكَرَتِكُمْ أَحْيَاءَنَا. وَخَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَدَعَا إِلَى ذِكْرِنَا (۱۱۴۶).



۱۰/۳

## یاد کردن

۹۰۶ - پیامبر خدا ﷺ: هیچ مردمی نیستند که گرد هم آیند و از فضایل محمد و آل محمد یاد کنند، مگر اینکه فرشتگان از آسمان فرود آیند و به انجمن آنان ملحق شوند و با ایشان همسخن گردند و چون پراکنده شوند، فرشتگان به آسمان عروج کنند. پس فرشتگان دیگر به آنها گویند: ما از شما رایحه‌ای استشمام می‌کنیم که تاکنون خوشبوتر از آن نبویده‌ایم. آن فرشتگان گویند: ما نزد جماعتی بودیم که از فضایل محمد و آل محمد سخن می‌گفتند و ما را از رایحه خود عطراگین ساختند. آن فرشتگان دیگر گویند: ما را نیز نزد ایشان فرود برید. آن فرشتگان گویند: آنان متفرق گشتند. آن فرشتگان دیگر گویند: ما را به آنجایی که اجتماع کرده بودند، فرود برید.

۹۰۷ - امام علی علیه السلام: یاد ما اهل بیت، شفا بخش بیماری‌ها و ناخوشی‌ها و درمانگر وسوسه شک است.

۹۰۸ - امام باقر علیه السلام: همانا یاد کردن از ما یاد کردن از خداست و یاد کردن از دشمن ما یاد کردن از شیطان است.

۹۰۹ - امام صادق علیه السلام: [همانا یاد کردن از ما یاد کردن از خداست]. هرگاه ما یاد شویم، خدا یاد شده است و هرگاه دشمن ما یاد شود، شیطان یاد شده است.

۹۱۰ - امام صادق علیه السلام: به داوود بن سرحان - ای داوود! سلام مرا به دوستدارانم برسان و به آنان ابلاغ کن که من می‌گویم: رحمت خدا بر آن بنده‌ای که با دیگری گرد آید و دو نفری درباره قضیه‌ی ما گفتگو کنند که در این حال، سومین نفر آنان فرشته‌ای است که برای آن دو آمرزش می‌طلبد. هیچ دو نفری گرد هم نیامدند و از ما یاد نکردند، مگر اینکه خداوند متعال، به وجود آنان بر فرشتگان بالید. پس هرگاه گرد هم آمدید، به ذکر مشغول شوید؛ زیرا گردهمایی و مذاکره شما با یکدیگر باعث زنده شدن ما می‌شود. بهترین مردم بعد از ما کسی است که درباره کار ما مذاکره کند و به یاد و نام ما فرا خواند.

۹۱۱ - عنه عليه السلام: إِنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاءِ لَيَطَّلِعُونَ عَلَى الْوَاحِدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَةِ وَهُمْ يَذْكُرُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ، فيَقُولُونَ: أَمَا تَرَوْنَ إِلَى هَؤُلَاءِ فِي قَلْتِهِمْ وَكَثْرَةِ عَدُوِّهِمْ يَصِفُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام؟! فَتَقُولُ الطَّائِفَةُ الْآخَرَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۱۱۷).

۱۱/۳

### ذِكْرُ الْمَصَائِبِ

۹۱۲ - أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَوْدِيُّ بِسَنَدِهِ عَنِ الْمُنْذِرِ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حَقْبًا.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَوْدِيُّ: فَرَأَيْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الْمَنَامِ فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ: مَا مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّاهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ حَقْبًا. قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: سَقَطَ الْإِسْنَادُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ (۱۱۸).

۹۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي فَاخِثَةَ: كُنْتُ أَنَا وَأَبُو سَلَمَةَ السَّرَّاجُ وَيُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ وَالْفَضْلُ بْنُ يَسَارٍ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي أَحْضَرُ مَجَالِسَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَأَذْكُرُكُمْ فِي نَفْسِي، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ؟ فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ، إِذَا حَضَرْتَ مَجَالِسَهُمْ فَقُلْ: اللَّهُمَّ ارِنَا الرِّخَاءَ وَالسُّرُورَ، فَإِنَّكَ تَأْتِي عَلَيَّ مَا تُرِيدُ. قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي أَذْكُرُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ إِذَا ذَكَرْتُهُ؟ فَقَالَ: قُلْ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تُكَرِّرُهَا ثَلَاثًا.

۹۱۱ - امام صادق علیه السلام: برخی از فرشتگان آسمان، یکی دو سه نفر [از اهل زمین] را می‌بینند که مشغول سخن گفتن از فضایل آل محمد هستند. پس می‌گویند: نمی‌بینید این عده را که با تعداد اندکشان و داشتن دشمنان فراوان، از فضایل آل محمد علیهم السلام یاد می‌کنند؟! گروه دیگری از فرشتگان می‌گویند: «این فضل خداست که آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل بسیار است».

### ۱۱/۳

#### ذکر مصایب

۹۱۲ - احمد بن یحیی اودی به سندش از منذر از امام حسین علیه السلام: «هیچ بنده‌ای نیست که دو چشم او برای ما قطره‌ای بیفشاند یا دو دیده‌اش به خاطر ما اشکی بریزد، مگر اینکه خداوند به سبب آن او را یک حقب [هشتاد تا صد سال] در بهشت جای دهد».

احمد بن یحیی اودی گوید: من، حسین بن علی علیه السلام را در خواب دیدم و عرض کردم: مخول بن ابراهیم از ربیع بن منذر از پدرش برایم گفت که شما فرموده‌اید: «هیچ بنده‌ای نیست که دو چشم او برای ما قطره‌ای بیفشاند یا دو دیده‌اش به خاطر ما اشکی بریزد، مگر اینکه خداوند به سبب آن او را یک حقب در بهشت جای دهد؟». حضرت فرمود: «درست است». عرض کردم: اینک سند [این حدیث] میان من و شما ساقط گشت [من آن را بی واسطه از شما شنیدم و از این پس، بدون واسطه از شما روایت می‌کنم].

۹۱۳ - حسین بن ابی فاخته: من و ابو سلمه سراج و یونس بن یعقوب و فضل بن یسار در خدمت ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام بودیم. من عرض کردم: فدایت شوم! من در مجالس این قوم حاضر می‌شوم؛ اما در دلم شما را یاد می‌کنم. چه ذکری بگوییم؟ فرمود: «ای حسین! هرگاه در مجالس آنان حاضر شدی، بگو: "خدایا! آسایش و شادمانی را نصیب ما فرما!" در این صورت تو به آنچه بخواهی، می‌رسی». عرض کردم: فدایت شوم! من ذکر حسین بن علی علیه السلام می‌گویم. در هنگام ذکر او چه بگوییم؟ فرمود: «بگو: "صلی الله علیک یا ابا عبدالله"». این ذکر را سه بار تکرار کن».

ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قُتِلَ بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ، فَإِنَّهَا لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، وَمَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَدِمَشْقُ، وَآلُ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي الْعَاصِ<sup>(١١٤٩)</sup>.

٩١٤- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ دَمْعَةً لِدَمِ سُفِكَ لَنَا، أَوْ حَقَّقَ لَنَا انْقِصَانَهُ، أَوْ عَرَضَ أَنْتَهَكَ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا بَوَّأَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حَقْبًا<sup>(١١٥٠)</sup>.

٩١٥- بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، نَعَمْ. قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ<sup>(١١٥١)</sup>.

٩١٦- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ<sup>(١١٥٢)</sup>.

٩١٧- أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام: نَفْسُ الْمَهْمُومِ لِظْلَمِنَا تَسْبِيحُ، وَهَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ، وَكِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ<sup>(١١٥٣)</sup>.

٩١٨- مِسْمَعُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا مِسْمَعُ، إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَحِمَهُ لَنَا، وَمَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ، وَمَا رَقَاتُ دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا. وَمَا بَكَى أَحَدٌ رَحِمَهُ لَنَا وَلَمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ، فَإِذَا سَالَتْ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأُطْفِئَتْ حَرُّهَا حَتَّى لَا يَوْجَدَ لَهَا حَرٌّ، وَأَنَّ الْمَوْجَعَ لَنَا قَلْبُهُ لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَحَةً لَا تَرَالُ



سپس حضرت رو به ما کرد و فرمود: «هنگامی که ابو عبدالله الحسین علیه السلام به قتل رسید، هفت آسمان و هفت زمین و هر آنچه در آنها و در میان آنهاست و همه بهشتیان و دوزخیان و همه موجودات مرئی و نامرئی برای او گریستند، مگر سه چیز که برایش گریه نکردند». عرض کردم: فدایت شوم! این سه چیزی که بر او گریه نکردند، کدام‌اند؟ فرمود: «بصره، دمشق و خاندان حکم بن ابی العاص».

۹۱۴ - امام صادق علیه السلام: هرکس به خاطر خونی که از ما ریخته شده یا حقی که از ما گرفته شده و یا هتک حرمتی که نسبت به ما یا یکی از شیعیان ما شده باشد، قطره‌ای اشک بریزد، خداوند متعال، به سبب آن او را یک حقب [هشتاد تا صد سال] در بهشت جای دهد.

۹۱۵ - بکر بن محمد ازدی: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا باهم می‌نشینید و گفتگو می‌کنید؟». عرض کردم: آری، فدایت شوم! فرمود: «من این گونه مجالس را دوست دارم. پس یاد ما را زنده کنید که هرکس از ما یاد کند یا در حضور او از ما یاد شود و به اندازه پر مگسی اشک از دیدگانش بیرون آید، خداوند گناهان او را بیاورد، حتی اگر بیشتر از کف دریا باشد».

۹۱۶ - امام صادق علیه السلام: هرکس در نزد او از ما یاد شود و او بگرید، خداوند، چهره‌اش را بر آتش حرام گرداند. *مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی*

۹۱۷ - ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام: «نفس کشیدن غمدیده از برای ستمی که بر ما رفته، تسبیح است و اندوه او به خاطر ما، عبادت است و پرده‌پوشی اسرار ما جهاد در راه خداست». سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: «باید این حدیث را با طلا نوشت».

۹۱۸ - مسمع بن عبدالملک: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: «ای مسمع! از زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شد، آسمان و زمین دلسوزانه برای ما می‌گریند و فرشتگانی که برای ما گریه می‌کنند، بیشترند [از آسمان و زمین] و از زمانی که ما کشته شدیم، اشک فرشتگان نخشکیده است و هیچ کس از روی دلسوزی، برای ما و به خاطر آنچه بر سر ما آمده است نگرید، مگر اینکه خداوند متعال، پیش از آنکه اشک از دیدگانش بیرون آید، او را رحمت کند و چون اشکهایش بر گونه‌اش جاری گردد، اگر قطره‌ای از آن اشکها در جهنم افتد، حرارت آن را فرو نشاند، چندان که دیگر حرارتی برایش نماند و کسی

تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ<sup>(۱۱۵۴)</sup>.

۹۱۹- الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَمَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ. وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ<sup>(۱۱۵۵)</sup>.

۹۲۰- دِعْبِلُ الْخَزَاعِي: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ، فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جَلِيسَةَ الْحَزِينِ الْكَئِيبِ وَأَصْحَابَهُ مِنْ حَوْلِهِ، فَلَمَّا رَأَنِي مُقْبِلًا قَالَ لِي: مَرَحَبًا بِكَ يَا دِعْبِلُ، مَرَحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ. ثُمَّ إِنَّهُ وَسَّعَ لِي فِي مَجْلِسِهِ وَأَجْلَسَنِي إِلَى جَانِبِهِ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا دِعْبِلُ، أُحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا؛ فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَأَيَّامُ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَعْدَائِنَا خُصُوصًا بَنِي أُمَيَّةَ. يَا دِعْبِلُ، مَنْ بَكَى وَأَبَكَى عَلَى مُصَابِنَا وَلَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ. يَا دِعْبِلُ، مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي زُمَرَتِنَا. يَا دِعْبِلُ، مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ الْبَتَّةَ<sup>(۱۱۵۶)</sup>.

۹۲۱- عنهم عليهم السلام: مَنْ بَكَى وَأَبَكَى فِينَا مِائَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى عِشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى عَشْرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ<sup>(۱۱۵۷)</sup>.

که به خاطر [مصائب] ما دلی دردمند داشته باشد، هنگام مرگش که ما را می‌بیند، چنان سروری به او دست دهد که تا وقتی در کنار حوض [کوثر] بر ما وارد شود آن سرور و شادمانی همچنان در قلبش باقی است».

۹۱۹- امام رضا علیه السلام: هرکس مصیبت ما را به یاد آورد و به خاطر ستمهایی که بر ما رفته است بگرید، روز قیامت، با ما در یک درجه باشد و هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید و بگریاند، در آن روزی که چشمها می‌گیرند، چشم او نگیرد و هرکس در مجلسی بنشیند که یاد و نام ما در آن زنده می‌شود، در آن روزی که دلها می‌میرند، دل او نمیرد.

۹۲۰- دعبل خزاعی: در یک چنین روزهایی به خدمت سرور و مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام رسیدم. دیدم که همچون شخص اندوهگین دل شکسته‌ای نشسته است و یارانش گرد او جمع‌اند. چون مرا دید، فرمود: «خوش آمدی ای دعبل! خوش آمدی ای آنکه با دست و زبانت یاریمان می‌کنی». سپس برایم جا باز کرد و مرا پهلوی خود نشاند و آن گاه فرمود: «ای دعبل! دوست دارم برایم شعری بسرایی؛ زیرا این روزها روزهای غم و اندوه ما اهل بیت و ایام شادمانی دشمنان ما، به ویژه یمنی امیه بوده است. ای دعبل! هرکس در مصیبت ما بگرید و دیگری را - و لو یک نفر - بگریاند، پاداش او با خداست. ای دعبل! هرکس دیدگانش برای مصیبت ما اشک ریزد و به خاطر آنچه از دشمنانمان به ما رسیده است بگرید، خداوند او را در زمره ما محشور فرماید. ای دعبل! هرکس برای مصیبت جدم حسین گریه کند، خداوند قطعاً گناهان او را می‌آمرزد».

۹۲۱- ائمه معصومین علیهم السلام: هرکس به خاطر ما بگرید و صد نفر را بگریاند، به بهشت رود. هرکس بگرید و پنجاه نفر را بگریاند، به بهشت رود. هرکس بگرید و سی نفر را بگریاند، به بهشت رود. هرکس بگرید و بیست نفر را بگریاند، به بهشت رود. هرکس بگرید و ده نفر را بگریاند، به بهشت رود. هرکس بگرید و یک نفر را بگریاند، به بهشت رود و هرکس وانمود به گریه کردن هم کند، به بهشت رود.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش نهم

# دوستر اهل بیت



فصلهای این بخش :

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

- |           |   |                                           |
|-----------|---|-------------------------------------------|
| فصل یکم   | : | فضیلت دوست داشتن اهل بیت                  |
| فصل دوم   | : | ویژگیهای دوست داشتن اهل بیت               |
| فصل سوم   | : | تربیت فرزندان بر دوستی اهل بیت            |
| فصل چهارم | : | تشویق به ایجاد محبت اهل بیت در دلهای مردم |
| فصل پنجم  | : | نشانه‌های دوست داشتن اهل بیت              |
| فصل ششم   | : | آثار دوست داشتن اهل بیت                   |
| فصل هفتم  | : | کلیات آثار دوستی اهل بیت                  |

## الفصل الأول

### فَضْلُ حُبِّهِمْ



٩٢٢- رسول الله ﷺ: الإسلام غريان، فلباسه الحياء وزينته الوقار ومروءته العمل الصالح وعماده الورع. ولكل شيء أساس، وأساس الإسلام حُبنا أهل البيت (١١٥٨).

٩٢٣- الإمام علي عليه السلام: قال لي رسول الله ﷺ: يا علي، إن الإسلام غريان، لباسه التقوى، ورياشه الهدى، وزينته الحياء، وعماده الورع، وملاكه العمل الصالح، وأساس الإسلام حُبِّي وحُب أهل بيتي (١١٥٩).

٩٢٤- الإمام الباقر عليه السلام: - عن أبيه عن جده -: لما قضى رسول الله ﷺ من حجة الوداع ركب راحلته وأنشأ يقول: لا يدخل الجنة إلا من كان مسلماً. فقام إليه أبو ذر الغفاري عليه السلام فقال: يا رسول الله، وما الإسلام؟ فقال ﷺ: الإسلام

## فصل یکم

### فضیلت دوست داشتن اهل بیت



۹۲۲ - پیامبر خدا ﷺ: اسلام برهنه است و جامه آن حیاست و زیورش وقار و مردانگی‌یش کردار نیک و ستونش پارسایی. هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام، دوست داشتن ما اهل بیت است.

۹۲۳ - امام علی علیه السلام: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «ای علی! اسلام [به منزله پیکری] برهنه است که لباس آن، پرهیزگاری می‌باشد و اثاث خانه‌اش هدایت و زیورش حیا و ستونش پارسایی و قوامش کردار نیک و بنیاد اسلام، دوست داشتن من و دوست داشتن اهل بیت من است.»

۹۲۴ - امام باقر علیه السلام - از پدرش از جدش - : چون رسول خدا ﷺ مناسک حجة الوداع را به پایان برد، بر اشتهر خود سوار شد و شروع به گفتن این جمله کرد: «به بهشت نرو، مگر کسی که مسلمان باشد». ابوذر غفاری علیه السلام برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! اسلام چیست؟ حضرت فرمود: «اسلام، برهنه است و جامه‌اش پرهیزگاری است و زیورش حیا و قوامش پارسایی و جمالش [کمالش]

عُریان، لباسُهُ التَّقْوَى، وزینتُهُ الحِیاءُ، ومِلاکُهُ الْوَرَعُ، وجَمالُهُ الدِّینُ (کَمالُهُ - خ ل)، وَثَمَرُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَلِکُلِّ شَیْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ <sup>(۱۱۶۶)</sup>.

۹۲۵ - الإمام علی علیه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام :- هُمْ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، وَوَلَائِجُ الْإِعْتِصَامِ، بِهِمْ عَادَ الْحَقُّ إِلَى نِصَابِهِ، وَانْزَاخَ الْبَاطِلُ عَنْ مَقَامِهِ، وَانْقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ مَنِيَّتِهِ <sup>(۱۱۶۷)</sup>.

۹۲۶ - الإمام الباقر عليه السلام : حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ <sup>(۱۱۶۸)</sup>.

۹۲۷ - عنه عليه السلام : بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ : عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ <sup>(۱۱۶۹)</sup>.



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم و معارف  
حُبُّهُمْ حُبَّ اللَّهِ

۹۲۸ - الإمام علی عليه السلام : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ : أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي، مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ <sup>(۱۱۷۰)</sup>.

۹۲۹ - الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى <sup>(۱۱۷۱)</sup>.

۹۳۰ - الإمام الهادي عليه السلام - فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُزَارُ بِهَا الْأَئِمَّةُ عليهم السلام :- مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ

دینداری و میوه‌اش کردار نیک است. هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام، دوست داشتن ما اهل بیت است.»

۹۲۵ - امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای که طی آن از خاندان محمد سخن می‌گوید - : آنان تکیه‌گاه‌های اسلام‌اند و پناهگاه‌های امن، به واسطه [پایمردی] ایشان حق به جایگاه خود بازگشت و باطل از جایش برکنده و دور شد و زبانش از بیخ قطع گردید.

۹۲۶ - امام باقر علیه السلام : دوست داشتن ما اهل بیت، نظام دین است.

۹۲۷ - امام باقر علیه السلام : اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به هیچ چیزی به اندازه ولایت فرا خوانده نشده است.  
**درک حقوق اهل بیت / عناوین حقوق اهل بیت / ولایت**



## دوست داشتن اهل بیت، دوست داشتن خداست

۹۲۸ - امام علی علیه السلام : از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرماید: «من، سرور فرزندان آدم هستم و تو - ای علی! و اقامان پس از تو، سروران امت من هستید. هرکس ما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هرکس ما را دشمن داشته باشد، خدا را دشمن داشته است. هرکه با ما دوستی ورزد، با خدا دوستی ورزیده و هرکس با ما دشمنی کند، با خدا دشمنی ورزیده است. هرکس از ما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هرکه از ما نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است.»

۹۲۹ - امام صادق علیه السلام : هرکه حق (و مقام) ما را بشناسد و دوستان بدارد، بی‌گمان خدای - تبارک و تعالی - را دوست داشته است.

۹۳۰ - امام هادی علیه السلام - در زیارت جامعه که اقامان را بدان زیارت می‌کنند - : هرکه با شما دوستی کند با خدا دوستی کرده است و هرکه با شما دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده است. هر که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است

أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ (۱۱۶۷).

۳/۱

### حُبُّهُمْ ﷺ حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۹۳۱- رسول الله ﷺ: أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ مِنْ نِعَمِهِ، وَأَحِبُّونِي بِحُبِّ اللَّهِ، وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي (۱۱۶۸).

۹۳۲- زید بن ارقم: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَامَرَّتْ فَاطِمَةُ ؑ عَلَيْهَا كَلِيمٌ (۱۱۶۸)، وَهِيَ خَارِجَةٌ مِنْ بَيْتِهَا إِلَى حُجْرَةِ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ، وَمَعَهَا ابْنَاهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَعَلَيٌّ ؑ فِي آثَارِهِمْ، فَنَظَرَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ هَؤُلَاءِ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنِي (۱۱۶۹).

۹۳۳- الإمام الباقر ؑ: أَحِبُّوا اللَّهَ وَأَحِبُّوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لِحُبِّ اللَّهِ، وَأَحِبُّونا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (۱۱۷۰).

۴/۱

### هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ

۹۳۴- رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْإِسْلَامَ فَجَعَلَ لَهُ عَرَصَةً وَجَعَلَ لَهُ نُورًا وَجَعَلَ لَهُ حِصْنًا وَجَعَلَ لَهُ نَاصِرًا، فَأَمَّا عَرَصَتُهُ فَالْقُرْآنُ، وَأَمَّا نُورُهُ فَالْحِكْمَةُ، وَأَمَّا حِصْنُهُ فَالْمَعْرُوفُ، وَأَمَّا أَنْصَارُهُ فَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي وَشِيعَتُنَا، فَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي وَشِيعَتَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ، فَإِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَانْسَبَنِي جَبْرَائِيلُ ؑ لِأَهْلِ السَّمَاءِ اسْتَوْدَعَ اللَّهُ حُبِّي وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِي وَشِيعَتِهِمْ فِي



و هر که شما را دشمن داشته باشد، خدا را دشمن داشته است.

### ۳/۱

#### دوست داشتن اهل بیت، دوست داشتن رسول خداست

۹۳۱- پیامبر خدا ﷺ: خدا را به خاطر نعمتهایش که به شما می‌دهد، دوست بدارید و مرا به خاطر خدا دوست بدارید و اهل بیت من را به خاطر من دوست بدارید.

۹۳۲- زید بن ارقم: در خدمت رسول خدا ﷺ بودم که فاطمه علیها السلام - در حالی که جامه‌ای پشمی به تن داشت و از خانه‌اش بیرون آمده، به اتاق پیامبر خدا ﷺ می‌رفت - از کنار ما گذشت، فرزندان او حسن و حسین نیز همراهش بودند و علی علیه السلام در پی آنان حرکت می‌کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به ایشان کرد و فرمود: «هر کس اینان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس ایشان را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است».

۹۳۳- امام باقر علیه السلام: خدا را دوست بدارید و رسول خدا را به خاطر خدا دوست بدارید و ما را به خاطر رسول خدا ﷺ دوست بدارید.

### ۴/۱

#### هدیه‌ای الهی

۹۳۴- پیامبر خدا ﷺ: خداوند، اسلام را آفرید و برای آن عرصه‌ای و نوری و حصاری و یابوری قرار داد، عرصه آن، قرآن است و نورش حکمت و حصارش نیکی و یاورانش من و اهل بیت من و شیعیان ما هستیم. پس اهل بیت من و شیعیان و یاوران آنان را دوست بدارید؛ زیرا شبی که مرا به آسمان دنیا بالا بردند و جبرئیل مرا به اهل آسمان معرفی کرد، خداوند، محبت مرا و محبت اهل بیت من و شیعیان آنها را در دل‌های فرشتگان به ودیعت نهاد و این محبت تا روز قیامت در دل‌های آنان سپرده است. سپس [جبرئیل]، مرا به

قُلُوبِ الْمَلَائِكَةِ، فَهُوَ عِنْدَهُمْ وَدِيعَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ هَبَطَ بِي إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، فَنَسَبَنِي إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَاسْتَوْدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حُبِّي وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِي وَشِيعَتِهِمْ فِي قُلُوبِ مُؤْمِنِي أُمَّتِي، فَمُؤْمِنُو أُمَّتِي يَحْفَظُونَ وَدِيعَتِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱۱۷۱).

۹۳۵- الإمام الباقر (ع): إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْحُبَّ الَّذِي تُحِبُّونَا لَيْسَ بِشَيْءٍ صَنَعْتُمُوهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَهُ (۱۱۷۲).

۹۳۶- الإمام الصادق (ع): إِنَّ حُبَّنَا (أَهْلَ الْبَيْتِ) يُنَزِّلُهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ خَزَائِنِ تَحْتَ الْعَرْشِ كَخَزَائِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَا يُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ، وَلَا يُعْطِيهِ إِلَّا خَيْرَ الْخَلْقِ، وَإِنَّ لَهُ غَمَامَةً كَغَمَامَةِ الْقَطْرِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْصَّ بِهِ مَنْ أَحَبَّ مِنْ خَلْقِهِ أَذِنَ لِبَلَدِكَ الْغَمَامَةَ فَتَهَطَّلَتْ كَمَا تَهَطَّلُ السَّحَابُ، فَتُصِيبُ الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ (۱۱۷۳).

مرکز تحقیق کتب ویر علوم اسلامی

۵/۱

## أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ

۹۳۷- رسول الله (ص): حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ، وَمَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ (۱۱۷۴).

۹۳۸- عنه (ص): فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ -: اَعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ عِبَادَتِهِ الْمَعْرِفَةُ بِهِ... ثُمَّ الْإِيمَانُ بِي وَالْإِقْرَارُ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَنِي إِلَى كَافَّةِ النَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا، ثُمَّ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا (۱۱۷۵).

سوی زمینیان فرود آورد و مرا به اهل زمین معرفی کرد و خداوند - ﷻ - محبت من و محبت اهل بیت من و شیعیان آنها را در دل‌های مؤمنان امّتم به ودیعت نهاد. بنابراین، مؤمنان امّتم این ودیعه مرا درباره اهل بیت من تا روز قیامت حفظ می‌کنند.

۹۳۵ - امام باقر (ع): من می‌دانم که این محبت شما نسبت به ما، چیزی نیست که خود شما آن را ساخته باشید، بلکه کار خداست.

۹۳۶ - امام صادق (ع): محبت به ما [اهل بیت] را خداوند از خزانه‌هایی که زیر عرش اوست و مانند خزانه‌های زر و سیم می‌باشند، از آسمان فرو می‌فرستد و آن را جز به اندازه نفرستد و جز به بهترین آفریدگان عطایش نکند. این محبت را ابری است همچون ابرهای باران‌زا. پس هرگاه خداوند بخواهد آن را به بنده‌ای که دوستش می‌دارد، اختصاص دهد، به آن ابر فرمان می‌دهد و باران محبت فرو می‌ریزد، همچنان که ابرهای باران‌زا می‌بارند و این باران به جنین در شکم مادرش می‌رسد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۵/۱

## برترین عبادت

۹۳۷ - پیامبر خدا (ص): یک روز محبت ورزیدن به آل محمد، بهتر از یک سال عبادت است و هر که با این محبت از دنیا رود، وارد بهشت شود.

۹۳۸ - پیامبر خدا (ص): در سفارش خود به ابوذر - : بدان که نخستین گام عبادت خدا شناخت اوست... سپس ایمان داشتن به من و اقرار به اینکه خداوند ﷻ مرا به سوی همه مردم فرستاد تا آنان را به امر خدا نوید و هشدار دهم و به سوی خدا فرا خوانم و چراغی فروزان باشم. سپس دوست داشتن اهل بیت من که خداوند ناپاکی را از ایشان زدود و پاک و پاکیزه‌شان گردانید.

۹۳۹- الإمام علي عليه السلام: أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا، وَأَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا<sup>(۱۱۳۷)</sup>.

۹۴۰- الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ، وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ<sup>(۱۱۳۸)</sup>.

۹۴۱- الفضيل: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ؟ فَقَالَ: أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ طَاعَةُ اللَّهِ وَطَاعَةُ رَسُولِهِ، وَحُبُّ رَسُولِهِ<sup>(۱۱۳۸)</sup> وَأُولَى الْأَمْرِ<sup>(۱۱۳۸)</sup>.

۶/۱

### حُبُّهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ

۹۴۲- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجُعْفِيِّ: دَخَلْتُ أَنَا وَعَمِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَدْنَاهُ وَقَالَ: ابْنُ مَنْ هَذَا مَعَكَ؟ قَالَ: ابْنُ أَخِي إِسْمَاعِيلَ، فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ وَتَجَاوَزَ عَنْهُ سَيِّئُ عَمَلِهِ، كَيْفَ خَلَفْتُمُوهُ؟ قَالَ: بِخَيْرٍ مَا آتَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنْ مَوَدَّتِكُمْ، فَقَالَ: يَا حُصَيْنُ، لَا تَسْتَصْغِرُوا مَوَدَّتَنَا، فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ، قَالَ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا اسْتَصْغَرْتُهَا، وَلَكِنْ أَحْمَدُ اللَّهَ عَلَيْهَا<sup>(۱۱۳۹)</sup>.

۹۳۹ - امام علی علیه السلام: بهترین نیکی‌ها محبت و علاقه به ماست و بدترین بدی‌ها دشمن داشتن ماست.

۹۴۰ - امام صادق علیه السلام: بالا دست هر عبادتی عبادتی است و محبت به ما اهل بیت بالاترین عبادت است.

۹۴۱ - فضیل: به ابوالحسن علیه السلام عرض کردم: در میان چیزهایی که خداوند بر بندگان واجب کرده، برترین چیزی که مایه تقرب آنان به خدا می‌شود، چیست؟ فرمود: «برترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خدا نزدیک می‌شوند، اطاعت از خدا و اطاعت از رسول او و دوست داشتن رسول خدا و اولوا الامر است».

۶/۱

### دوست داشتن اهل بیت، از جمله باقیات الصالحات است

۹۴۲ - محمد بن اسماعیل بن عبدالرحمن جعفی: من وعمویم حصین بن عبدالرحمن به حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم. حضرت، عمویم را نزدیک خود نشاند و فرمود: «اینکه با توست، پسر کیست؟». عرض کرد: پسر برادرم اسماعیل. فرمود: «خدا اسماعیل را رحمت کند و از گناهانش درگذرد! چگونه جانشینی برای او بوده‌اید؟». عرض کرد: بعد از او بهترین چیزی را که خداوند به ما عطا فرموده - یعنی: محبت به شما - را حفظ کرده‌ایم. حضرت فرمود: «ای حصین! دوستی ما را دست کم نگیرید؛ چرا که از جمله باقیات الصالحات است». عمویم عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! من آن را دست کم نگرفته‌ام، بلکه خدا را به خاطر آن سپاس می‌گویم.

## الفصل الثاني

### خصائص حبّهم



علامة طيب الولادة  
مركز تحقيق وتطوير علوم إسلامية

٩٢٣- رسول الله ﷺ - في صفة عليّ عليه السلام: يا أيّها الناس، امتحنوا أولادكم بحبّه، فإنّ عليّاً لا يدعو إلى ضلالة ولا يُبعد عن هدى، فمن أحبّه فهو منكم، ومن أبغضه فليس منكم (١١٨).

٩٢٤- الإمام عليّ عليه السلام: قال النّبيّ ﷺ: يا أبا ذرّ، من أحبّنا أهل البيت فليحمّد الله على أوّل النّعم. قال: يا رسول الله، وما أوّل النّعم؟ قال: طيبُ الولادة، إنّه لا يُحبّنا إلّا من طاب مولده (١١٩).

٩٢٥- رسول الله ﷺ: يا عليّ، من أحبّني وأحبّك وأحبّ الأئمة من ولدك فليحمّد الله على طيب مولده، فإنّه لا يُحبّنا إلّا من طابت ولادته، ولا يُبغضنا إلّا من

## فصل دوم

### ویژگی‌های دوست داشتن اهل بیت



#### نشانه حلال‌زادگی

۹۴۳ - پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! فرزندان خود را با محبّت علی بیازمایید؛ زیرا علی هرگز به گمراهی فرا نمی‌خواند و از راه راست دور نمی‌شود. پس هریک از فرزندان شما که علی را دوست داشت از شماست و هر کدام او را دشمن داشت، از شما نیست.

۹۴۴ - امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ فرمود: «ای ابوذر! هر که ما اهل بیت را دوست دارد، پس خدا را بر نخستین نعمت سپاس گوید». ابوذر پرسید: ای رسول خدا! نخستین نعمت کدام است؟ فرمود: «حلال‌زادگی». ما را دوست نمی‌دارد، مگر کسی که حلال‌زاده باشد».

۹۴۵ - پیامبر خدا ﷺ: ای علی! هر که مرا و تو را و اقامان از نسل تو را دوست دارد، پس خدا را بر حلال‌زادگی خود سپاس گوید؛ زیرا ما را دوست ندارد، مگر حلال‌زاده و ما را دشمن ندارد، مگر حرام‌زاده.



خَبَّتْ وَلادَتْهُ (۱۱۸۲).

۹۳۶ - عنه علیه السلام - لِعَلِيِّ علیه السلام - : لَا يُبْغِضُكَ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَعِيٌّ <sup>۱</sup> (۱۱۸۳).

۹۳۷ - الإمام علي علیه السلام : لَا يُحِبُّنِي كَافِرٌ وَلَا وَلَدُ زَنَّا (۱۱۸۴).

۹۳۸ - الإمام الباقر علیه السلام : مَنْ أَصْبَحَ يَجِدُ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى بَادِيِ النِّعَمِ. قِيلَ : وَمَا بَادِيُ النِّعَمِ ؟ فَقَالَ : طَيْبُ الْمَوْلِدِ (۱۱۸۵).

۹۳۹ - الإمام الصادق علیه السلام : مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمِّهِ ، فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَاهُ <sup>۲</sup> (۱۱۸۶).

۹۴۰ - ابنُ بَكْرِ عَنْ الإمامِ الصَّادِقِ علیه السلام : مَنْ كَانَ يُحِبُّنَا وَهُوَ فِي مَوْضِعٍ لَا يَشِينُهُ فَهُوَ مِنْ خَالِصِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، وَمَا الْمَوْضِعُ الَّذِي لَا يَشِينُهُ ؟ قَالَ : لَا يُرْمَى فِي مَوْلِدِهِ. - وَفِي خَبِّ آخِرٍ : لَمْ يُجْعَلْ وَلَدُ زَنَّا - (۱۱۸۷).

۹۴۱ - الإمام الصادق علیه السلام : وَاللَّهِ لَا يُحِبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ إِلَّا أَهْلُ الْبُيُوتَاتِ وَالشَّرَفِ وَالْمَعْدِنِ ، وَلَا يُبْغِضُنَا مِنْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ إِلَّا كُلُّ دَنَسٍ مُلَصَّقٍ <sup>۳</sup> (۱۱۸۸).

۹۴۲ - عَبَادَةُ بْنُ الصَّامِتِ : كُنَّا نَبُورُ <sup>(۱۱۸۹)</sup> أَوْلَادَنَا بِحُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَإِذَا رَأَيْنَا أَحَدًا لَا يُحِبُّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِمْنَا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا وَأَنَّهُ لَغَيْرِ رَشْدَةٍ <sup>(۱۱۹۰) (۱۱۹۱)</sup>.

۹۴۳ - مَحْبُوبُ بْنُ أَبِي الزُّنَادِ : قَالَتِ الْأَنْصَارُ : إِنْ كُنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ لَغَيْرِ أَبِيهِ بِبُغْضِهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ <sup>(۱۱۹۲)</sup>.

أقول : ذَكَرَ عَيْسَى بْنُ أَبِي دُلْفٍ أَنَّ أَخَاهُ دُلْفَ - وَبِهِ كَانَ يُكْتَنَى أَبُوهُ أَبَا دُلْفَ - كَانَ يَنْتَقِصُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، وَيَضَعُ مِنْهُ وَمِنْ شِيعَتِهِ ، وَيَنْسِبُهُمْ إِلَى الْجَهْلِ ، وَأَنَّهُ قَالَ يَوْمًا - وَهُوَ فِي مَجْلِسِ أَبِيهِ ، وَلَمْ يَكُنْ أَبُوهُ حَاضِرًا - :

۹۴۶ - پیامبر خدا ﷺ - به علی علیه السلام - : کسی از عرب تو را دشمن ندارد، مگر حرامزاده.

۹۴۷ - امام علی علیه السلام : کافر و زنازاده، مرا دوست ندارند.

۹۴۸ - امام باقر علیه السلام : هر که صبح کند و خنکای محبت ما را در دلش احساس کند، پس خداوند را بر نخستین نعمت سپاس گوید.

عرض شد: نخستین نعمت کدام است؟ فرمود: «حلالزادگی».

۹۴۹ - امام صادق علیه السلام : هر که خنکای محبت ما را در دلش یافت، برای مادرش زیاد دعا کند؛ زیرا [معلوم می‌شود که] به پدرش خیانت نکرده است.

۹۵۰ - ابن بکیر از امام صادق علیه السلام : «هر کس ما را دوست بدارد و در وضعی هم نباشد که مایه عیب و ننگ او باشد، چنین کسی، از مخلصان خدای - تبارک و تعالی - است». عرض کردم: فدایت شوم! یعنی چه در وضعی نباشد که مایه عیب و ننگ او باشد؟ فرمود: «در نسبش متهم نباشد».

در خبر دیگری آمده است: زنازاده نباشد.

۹۵۱ - امام صادق علیه السلام : به خدا سوگند که از عرب و عجم ما را دوست ندارند، مگر کسانی که خانواده‌دار و شریف و اصیل هستند و از این رو، از اینان و آنان ما را دشمن ندارد، مگر کسی که آلوده و بی‌نسب باشد.

۹۵۲ - عبادة بن صامت: ما فرزندان خود را با محک دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام می‌آزمودیم. اگر یکی از آنها را می‌دیدیم که علی بن ابی طالب را دوست ندارد، می‌فهمیدیم که از [نطفه] ما نیست و حرامزاده است.

۹۵۳ - محبوب بن ابی زناد: انصار می‌گفتند: ما حرامزاده بودن افراد را از طریق دشمنی با علی بن ابی طالب می‌شناختیم.

عیسی بن ابی دلف می‌گوید برادرش دلف - که به مناسبت نام او پدرش را ابو دلف می‌گفتند - از علی بن ابی طالب، بد می‌گفت و او و پیروانش را تحقیر می‌کرد و آنان را به نادانی نسبت می‌داد. یک روز که در مجلس پدر خود نشسته بود و پدرش حضور نداشت، گفت: اینها می‌گویند که: هر کس از علی عیبجویی کند، حرامزاده است و شما غیرت‌امیر را - مقصود او پدرش بود -

إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنْ لَا يَنْتَقِصُ عَلِيًّا أَحَدٌ إِلَّا كَانَ لِغَيْرِ رَشْدَةٍ، وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ  
غَيْرَةَ الْأَمِيرِ - يَعْنِي أَبَاهُ - وَأَنَّهُ لَا يَتَهَيَّأُ الطَّعْنُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ حَرَمِهِ، وَأَنَا  
أُبْغِضُ عَلِيًّا! قَالَ: فَمَا كَانَ بِأَوْشَكَ مِنْ أَنْ خَرَجَ أَبُو دُلْفٍ، فَلَمَّا  
رَأَيْنَاهُ قُمْنَا لَهُ، فَقَالَ: قَدْ سَمِعْتُ مَا قَالَهُ دُلْفٌ، وَالْحَدِيثُ لَا يَكْذِبُ، وَالْخَبَرُ  
الْوَارِدُ فِي هَذَا الْمَعْنَى لَا يَخْتَلِفُ، هُوَ وَاللَّهُ لَزِينَةٌ وَحِيضَةٌ، وَذَلِكَ أَنِّي كُنْتُ  
عَلِيلًا فَبَعَثْتُ إِلَيَّ أُخْتِي جَارِيَةً لَهَا كُنْتُ بِهَا مُعْجَبًا، فَلَمَّ أَتَمَّاكَ أَنْ وَقَعْتُ  
عَلَيْهَا وَكَانَتْ حَائِضًا فَعَلَّقْتُ بِهِ، فَلَمَّا ظَهَرَ حَمْلُهَا وَهَبْتُهَا لِي.

فَبَلَغَ مِنْ عَدَاوَةِ دُلْفٍ هَذَا لِأَبِيهِ وَنَصْبِهِ وَمُخَالَفَتِهِ لَهُ - لِأَنَّ الْغَالِبَ عَلَى  
أَبِيهِ التَّشْيِيعُ وَالْمِيلُ إِلَى عَلِيٍّ - أَنْ شَنَّ عَلَيْهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ (١١٣).



علامة طهارة القلب  
مركز تحقيق كتب علوم القرآن

٩٥٢- الإمام الباقر (عليه السلام): لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَيَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ  
عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سَلَامًا لَنَا، فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ  
الْحِسَابِ، وَأَمَنَهُ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ (١١٤).

٩٥٥- الإمام الصادق (عليه السلام): لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ إِلَّا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَاسْتَظَلَّ بِظِلِّنَا وَرَافَقَنَا  
فِي مَنَازِلِنَا. وَاللَّهُ وَاللَّهُ، لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَهُ  
حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا، وَإِذَا سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَمِنْ  
مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ. إِنَّمَا يَغْتَبِطُ أَهْلُ هَذَا الْأَمْرِ إِذَا انْتَهَتْ نَفْسُ أَحَدِهِمْ إِلَى  
هَذِهِ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ - (١١٥).

می‌دانید و امکان ندارد به احدی از اهل حرم او گمان بد برده شود؛ ولی با این حال، من علی را دشمن می‌دارم!

هنوز این سخن را تمام نکرده بود که ابو دلف وارد شد و ما با دیدن او به احترامش بلند شدیم. او گفت: آنچه را دُلف گفت، شنیدم. حدیث، دروغ نیست و خبری که در این باره وارد شده است، محل اختلاف نمی‌باشد. به خدا قسم! او (دُلف)، زنا زاده و نطفه حیض است؛ زیرا من بیمار بودم و خواهرم کنیزی را که متعلق به او بود و من دل بسته‌اش بودم، نزد من فرستاد. طاقت نیاوردم و با او که حیض بود، همبستر شدم و آن کنیز، دُلف را حامله شد و وقتی معلوم شد که حامله است، خواهرم او را به من بخشید. پس دشمنی دلف با پدرش و عداوت و مخالفتش با وی - که اظهار تشیع و علاقه به علی می‌کرد - به آنجا رسید که بعد از مرگ پدرش از او بدگویی می‌کرد.



### نشانه پاک‌ی دل

۹۵۴ - امام باقر علیه السلام: هیچ بنده‌ای نیست که ما را دوست بدارد و ولایت ما را بپذیرد، مگر اینکه خداوند، دل او را پاک گرداند و خداوند، دل هیچ بنده‌ای را پاک نکرد، مگر اینکه تسلیم ما شد و از ما فرمان برداری کرد و چون فرمان بردار ما شد، خداوند، او را از سختی حساب به سلامت دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش گرداند.

۹۵۵ - امام صادق علیه السلام: هیچ بنده‌ای ما را دوست ندارد، مگر اینکه روز قیامت با ما باشد و در سایه ما پناه گیرد و در منازل ما همراه ما باشد. به خدا قسم، به خدا قسم، هیچ بنده‌ای نیست که ما را دوست بدارد، مگر اینکه خداوند، دلش را پاک گرداند و دلش را پاک نکرد، مگر اینکه تسلیم ما شد و چون تسلیم ما شود، خداوند، او را از سختی حساب روز قیامت به سلامت دارد و از هراس بزرگ (آن روز) ایمنش سازد. بی‌گمان، اهل این موضوع، هنگامی شادمان می‌شوند که نفس هریک از آنان به اینجا رسد [و با دست خود به گلویش اشاره کرد].

۳/۲

## شَرَطُ التَّوْحِيدِ

۹۵۶- جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ لِلْجَنَّةِ مَنْ ثَمَنٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: مَا ثَمَنُهَا؟ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصًا بِهَا. قَالَ: وَمَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ، وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي. قَالَ: وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّقَهَا؟ قَالَ: أَجَلٌ، إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقِّهَا<sup>(۱۱۱۶)</sup>.

۹۵۷- الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» شُرُوطًا، وَإِنِّي وَذُرِّيَّتِي مِنْ شُرُوطِهَا<sup>(۱۱۱۷)</sup>.

۹۵۸- إسحاق بن راهويه: لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَاءُ بِنِيسَابُورَ وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ، فَقَالُوا لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَرَحَّلْ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثْنَا بِحَدِيثٍ فَتَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ؟! وَكَانَ قَدْ قَعَدَ فِي الْعُمَارِيَةِ، فَأُطْلِعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ ابْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: سَمِعْتُ جَبْرَائِيلَ يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي. قَالَ: فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: بِشُرُوطِهَا، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا<sup>(۱۱۱۸)</sup>.

## ۳/۲

## شرط توحید

۹۵۶- جابر بن عبدالله انصاری: بادیه نشینی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: «آری». عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: «کلمه لا اله الا الله که بنده صالح آن را از روی اخلاص بگوید». عرض کرد: اخلاص آن چیست؟ فرمود: «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده‌ام و دوست داشتن اهل بیت من». عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما از حقوق این کلمه است؟ فرمود: «آری، دوست داشتن آنان، بزرگ‌ترین حق آن است».

۹۵۷- امام علی علیه السلام: «لا اله الا الله» شروطی دارد که من و فرزندانم از جمله شروط آن هستیم.

۹۵۸- اسحق بن راهویه: هنگامی که ابوالحسن الرضا علیه السلام به نیشابور رسید و خواست که آنجا را به قصد رفتن نزد مأمون ترک گوید، راویان حدیث، گردش را گرفتند و عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا! از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضرتان فیضی بریم، نمی‌گویی؟! حضرت که در کجاوه نشسته بود، سرش را بیرون آورد و فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که می‌فرماید: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرماید: از پدرم محمد بن علی شنیدم که می‌فرماید: از پدرم علی بن الحسین شنیدم که می‌فرماید: از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می‌فرماید: از پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شنیدم که می‌فرماید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرماید: از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: از خداوند - جل جلاله - شنیدم که می‌فرماید: (کلمه) لا اله الا الله، حصار من است و هرکس وارد حصار من شود، از عذابم در امان است». چون شتر به راه افتاد، حضرت با صدای بلند به ما فرمود: «اما این، شرطهایی دارد و من از شرطهای آن هستم».

۴/۲

## آیه ایمان

۹۵۹- رسول الله ﷺ: عَاهَدَنِي رَبِّي أَنْ لَا يَقْبَلَ إِيْمَانُ عَبْدٍ إِلَّا بِمَحَبَّةِ أَهْلِ بَيْتِي (۱۱۱).

۹۶۰- عنه ﷺ: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ (أَهْلِي) أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ، وَعِترَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِترَتِهِ، وَذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ (۱۱۲).

۹۶۱- عنه ﷺ: لَا يَتِمُّ الْإِيْمَانُ إِلَّا بِمَحَبَّتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱۱۳).

۹۶۲- الإمام علي عليه السلام: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مِمَّنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيْمَانِ إِلَّا وَهُوَ يَجِدُ مَوَدَّتَنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَهُوَ يُحِبُّنَا. وَلَيْسَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مِمَّنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا وَهُوَ يَجِدُ بُغْضَنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَهُوَ يُبْغِضُنَا. فَأَصْبَحَ مُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَكَأَنَّ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لَهُ. وَأَصْبَحَ مُبْغِضُنَا عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَهَيِّئْنَا لِأَهْلِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتَهُمْ، وَتَعَسَّأْ لَأَهْلِ النَّارِ مَثْوَاهُمْ (۱۱۴).

۹۶۳- رسول الله ﷺ: مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ (۱۱۵).

۹۶۴- الإمام علي عليه السلام: عَهْدَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ لَا يُحِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ (۱۱۶).

۹۶۵- أُمُّ سَلَمَةَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيِّ عليه السلام: لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ (۱۱۷).

۹۶۶- أَبُو ذَرٍّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيِّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى



## ۴/۲

## نشانه ایمان

۹۵۹ - پیامبر خدا ﷺ: پروردگارم با من عهد بست که ایمان هیچ بنده‌ای را نپذیرد، مگر آنکه با محبت اهل بیت من همراه باشد.

۹۶۰ - پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای ایمان نیاورده باشد، مگر آن گاه که مرا از خودش بیشتر دوست داشته باشد و کسانی مرا بیشتر از کسان خودش و خاندان مرا بیشتر از خاندان خودش و مرا بیشتر از خودش.

۹۶۱ - پیامبر خدا ﷺ: ایمان کامل نشود، مگر با دوست داشتن ما اهل بیت.

۹۶۲ - امام علی علیه السلام: هان! هیچ بنده‌ای از بندگان خدا نیست که خداوند، دلش را برای ایمان خالص کرده باشد، مگر اینکه دوستی ما را در دلش می‌یابد و لذا ما را دوست می‌دارد و هیچ بنده‌ای از بندگان خدا نیست که خداوند، بر او خشم گرفته باشد، مگر اینکه دشمنی با ما را در دلش می‌یابد و از این رو، ما را دشمن می‌دارد. بنابراین، دوستدار ما چشم به راه رحمت است و گویی درهای رحمت به رویش گشوده شده است و گینه توز ما بر لبه پرتگاهی در حال ریزش است که با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد. پس گوارا بادا اهل رحمت را رحمتشان و نابود بادا جایگاه دوزخیان!

۹۶۳ - پیامبر خدا ﷺ: هر که علی را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و هر که مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است. تو را (ای علی!) جز مؤمن، دوست ندارد و کسی جز کافر یا منافق، دشمن نمی‌دارد.

۹۶۴ - امام علی علیه السلام: رسول خدا ﷺ به من فرمود که مرا جز مؤمن، دوست ندارد و جز منافق، کسی دشمن نمی‌دارد.

۹۶۵ - ام سلمه: شنیدم رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام می‌فرماید: «مؤمن، تو را دشمن نمی‌دارد و منافق، دوست نمی‌دارد».

۹۶۶ - ابوذر: شنیدم رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند، بر محبت تو از مؤمنان پیمان گرفته است و از منافقان بر بغض نسبت به تو. اگر بینی مؤمن

حُبِّكَ، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ. وَلَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ، وَلَوْ نَثَرْتَ الدَّنَائِرَ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحَبَّكَ. يَا عَلِيُّ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ<sup>(۱۲۰۶)</sup>.

۹۶۷ - الإمام علي عليه السلام: لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي، وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي، وَذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضِيَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ<sup>(۱۲۰۷)</sup>.

۹۶۸ - الإمام الباقر عليه السلام: حُبُّنَا إِيْمَانٌ، وَبُغْضُنَا كُفْرٌ<sup>(۱۲۰۸)</sup>.

۹۶۹ - عنه عليه السلام: وَاعْلَمْ - يَا أَبَا الْوَرْدِ وَيَا جَابِرَ - أَنَّكُمْ لَمْ تُفْتَشَا مُؤْمِنًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ عَنْ ذَاتِ نَفْسِهِ إِلَّا عَنْ حُبِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام. وَأَنَّكُمْ لَمْ تُفْتَشَا كَافِرًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ عَنْ ذَاتِ نَفْسِهِ إِلَّا وَجَدْتُمَاهُ يُبْغِضُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَضَى عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ ﷺ لِعَلِيِّ ﷺ: إِنَّهُ لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ «وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا»<sup>(۱۲۰۹)</sup>، وَلَكِنْ أَحِبُّونَا حُبَّ قَصْدٍ تَرشُدُوا وَتُفْلِحُوا، أَحِبُّونَا مَحَبَّةَ الْإِسْلَامِ<sup>(۱۲۱۰)</sup>.

۹۷۰ - عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَعْرِضْ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ<sup>(۱۲۱۱)</sup>.

۹۷۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بِشْرِ: كُنْتُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ جَالِسًا إِذْ جَاءَ رَاكِبٌ أَنَاخَ بَعِيرَهُ، ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى دَفَعَ إِلَيْهِ كِتَابًا، فَلَمَّا قَرَأَهُ قَالَ: مَا يُرِيدُ مِنَّا الْمُهَلَّبُ؟! فَوَاللَّهِ، مَا عِنْدَنَا الْيَوْمَ مِنْ دُنْيَا، وَلَا لَنَا مِنْ سُلْطَانٍ. فَقَالَ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ،

را قطع کنی، باز تو را دشمن نخواهد داشت و اگر دینارها به پای منافقان بریزی، باز هم دوستت نخواهند داشت. ای علی! تو را دوست ندارد، مگر مؤمن و تو را دشمن نمی‌دارد، مگر منافق».

۹۶۷ - امام علی علیه السلام - در حکمتی از حکمت‌هایشان - : اگر با همین شمشیرم بر بینی مؤمن کوبم که با من دشمن شود، دشمن نشود و اگر همه دنیا را به پای منافق ریزم که مرا دوست بدارد، باز هم دوست نخواهد داشت و این، از آن روست که حکم خدا، بر زبان پیامبر اُمّی صلی الله علیه و آله گذشت که فرمود: «ای علی! هیچ مؤمنی با تو دشمنی نکند و هیچ منافقی دوستدار تو نشود».

۹۶۸ - امام باقر علیه السلام: دوست داشتن ما ایمان است و دشمن داشتنمان کفر.

۹۶۹ - امام باقر علیه السلام: بدانید - ای ابو وُرد و ای جابر! - که اگر تا قیام قیامت، دل هر مؤمنی را بشکافید، در آن، جز محبت امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام را نخواهید یافت و اگر تا قیام قیامت دل هر کافری را بشکافید، در آن، جز این نخواهید یافت که امیرالمؤمنین، علی را دشمن می‌دارد؛ چرا که خدای متعال، از زبان محمد صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و هیچ کافر یا منافقی دوستدار تو نمی‌شود» و آن کس که ظلمی بر دوش کشد، نومید ماند. اما ما را به اعتدال دوست بدارید تا هدایت و رستگار شوید. ما را اسلامی دوست بدارید.

۹۷۰ - امام باقر علیه السلام: هر که می‌خواهد بداند که اهل بهشت است [یا نه]، دوستی و محبت ما را به قلبش عرضه کند. اگر آن را پذیرفت، مؤمن است.

۹۷۱ - علی بن محمد بن بشر: در خدمت محمد بن علی نشسته بودم که سواره‌ای از راه رسید و شترش را خواباند و سپس جلو آمد و نامه‌ای به آن حضرت داد. چون حضرت نامه را خواند، فرمود: «مهلّب از ما چه می‌خواهد؟! به خدا سوگند که امروز نه دنیایی در دست ماست و نه قدرتی داریم». او گفت: خدا مرا فدای شما کند! هر که دنیا و آخرت را بخواهد، نزد شما خاندان است. حضرت

إِنَّهُ مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَهُوَ عِنْدَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ . قَالَ : مَا شَاءَ اللَّهُ ، أَمَا إِنَّهُ مَنْ أَحَبَّنَا فِي اللَّهِ نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْضِي فِي الْأُمُورِ مَا يَشَاءُ . إِنَّمَا حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شَيْءٌ يَكْتُبُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ الْعَبْدِ ، فَمَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ (أَنْ) يَمْحُوهُ ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ : ﴿أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾<sup>(۱۲۱)</sup> ، فَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (مِنْ أَصْلِ) الْإِيمَانِ<sup>(۱۲۲)</sup> .

## ۵/۲

### أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۹۷۲- رسول الله ﷺ: أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ<sup>(۱۲۳)</sup> .

۹۷۳- عنه ﷺ: لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ : عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ ، وَعَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ ، وَعَنْ مَالِهِ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَمِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ ، وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ<sup>(۱۲۴)</sup> .

۹۷۴- أَبُو بَرَزَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ : عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ ، وَعَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ ، وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ ، وَعَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ . فَقِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ ؟ فَضَرَبَ ﷺ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِ عَلِيٍّ<sup>(۱۲۵)</sup> .

۹۷۵- حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ : كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ<sup>(۱۲۶)</sup> فَقَدَّمَ إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ ، فَقَالَ لِي : يَا سَدِيرُ ، كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا ؟ قُلْتُ : يَا أَبَايَ أَنْتَ وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ ، وَلَا أَظُنُّ آكُلُ

فرمود: «هر چه خدا بخواهد، بدانید که هرکس به خاطر خدا ما را دوست بدارد خداوند به واسطهٔ این محبت به ما او را سود بخشد و هر که ما را برای غیر خدا دوست بدارد، خداوند هر طور بخواهد، عمل خواهد کرد. دوست داشتن ما اهل بیت، چیزی است که خداوند، آن را در (صفحهٔ) دل بنده رقم می‌زند. پس هرکس که خداوند این محبت را در دل او رقم زند، کسی نمی‌تواند آن را پاک کند. نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: "در دل اینهاست که خدا ایمان را نوشته و آن را با روحی از جانب خود تأیید کرده است [تا آخر آیه]". بنابراین، دوست داشتن ما اهل بیت، [از بُنِ] ایمان است».

## ۵/۲

### نخستین چیزی که در روز قیامت از آن سؤال می‌شود

۹۷۲ - پیامبر خدا ﷺ: نخستین چیزی که دربارهٔ آن از بنده سؤال می‌شود، محبت به ما اهل بیت است.

۹۷۳ - پیامبر خدا ﷺ: در روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از جای خود بر ندارد تا اینکه دربارهٔ چهار چیز از او سؤال شود: از عمرش که در چه راه صرف کرده است؛ از بدنش که در چه راه آن را فرسوده است؛ از مالش که در چه راه خرج کرده و از کجا به دست آورده است و از محبت به ما خاندان.

۹۷۴ - ابو برزه: رسول خدا ﷺ فرمود: «[در روز قیامت]، هیچ بنده‌ای قدم از جای خود بر ندارد تا اینکه دربارهٔ چهار چیز از او سؤال شود: از جسمش که در چه راه آن را فرسوده است؛ از عمرش که در چه راه صرف کرده است؛ از مالش که از کجا آورده و در چه راه خرج کرده است و از محبت نسبت به ما خاندان». عرض شد: ای رسول خدا! نشانهٔ دوست داشتن شما چیست؟ حضرت دست خود را بر شانهٔ علی زد.

۹۷۵ - حنان بن سدید: پدرم به من گفت: نزد جعفر بن محمد ﷺ بودم. آن حضرت غذایی در برابرم نهاد که هرگز غذایی مانند آن نخورده بودم. پس به من فرمود: «ای سدید! غذای ما را چگونه یافتی؟». عرض کردم: پدر و مادرم

أَبَدًا مِثْلَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَيْنِي تَغَرَّغَتْ فَبَكَيتُ، فَقَالَ: يَا سَدِيرُ، مَا يُبْكِيكَ؟ قُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، ذَكَرْتُ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: وَمَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾<sup>(۱۲۱۷)</sup>، فَخِفْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ (مِنَ النَّعِيمِ) الَّذِي يَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ. فَضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا سَدِيرُ، لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَيِّبٍ، وَلَا ثَوْبٍ لَيِّنٍ، وَلَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ، بَلْ لَنَا خُلُقٌ وَلَهُ خُلُقُنَا، وَلَنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ. قُلْتُ لَهُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَا النَّعِيمُ؟ قَالَ: حُبُّ عَلِيٍّ وَعِزَّتِهِ، يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَعِزَّتِهِ؟<sup>(۱۲۱۸)</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی



فدایت ای پسر پیامبر خدا! تاکنون چنین غذایی نخورده‌ام و گمان هم نمی‌کنم که دیگر، غذایی مانند آن بخورم. آن گاه چشمانم پر از اشک شد و گریستم. فرمود: «ای سدیرا چرا گریه می‌کنی؟». عرض کردم: یابن رسول الله! آیه‌ای از کتاب خدا را به یاد آوردم. فرمود: «کدام آیه؟». عرض کردم: این آیه: «سپس در آن روز از نعمت بازخواست می‌شوید». می‌ترسم این غذا جزو همان نعمتی باشد که خداوند، درباره آن بازخواست می‌کند. حضرت خنده‌ای کرد به‌طوری که دندانهای عقلش نمایان شد. سپس فرمود: «ای سدیرا! از تو، نه درباره خوراک لذیذ سؤال خواهد شد و نه درباره جامه نرم و نه درباره بوی خوش، بلکه اینها برای ما آفریده شده و ما برای استفاده از آنها خلق شده‌ایم و ما باید در آنها به طاعت خدا عمل کنیم». عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای پسر پیامبر خدا! پس آن نعمت کدام است؟ فرمود: «دوستی علی و عترت او. در روز قیامت خداوند می‌پرسد: "در برابر نعمت دوستی علی و عترت او که آن را به شما عطا کردم، چگونه شکر مرا به جا آوردید؟"».





## الفصل الثالث

### تأديب الأولاد بحُبِّهم

٩٧٦- رسول الله ﷺ: أدَّبُوا أولادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَالْقُرْآنِ (١٢١٩).

٩٧٧- عنه ﷺ: أدَّبُوا أولادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ مَعَ أَنْبِيَائِهِ وَأَصْفِيَائِهِ (١٢٢٠).

٩٧٨- أَبُو الزُّبَيْرِ الْمَكِّيُّ: رَأَيْتُ جَابِرًا مَتَوَكَّنًا عَلَى عَصَاهُ وَهُوَ يَدُورُ فِي سِكَكِ الْأَنْصَارِ وَمَجَالِسِهِمْ وَهُوَ يَقُولُ: ... يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أدَّبُوا أولادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ، فَمَنْ أَبَى فَاَنْظُرُوا فِي شَأْنِ أُمِّهِ (١٢٢١).

٩٧٩- أَبُو الزُّبَيْرِ وَعَطِيَّةُ الْعَوْفِيُّ وَجَوَابُ (١٢٢٢) - قَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ -: رَأَيْتُ جَابِرًا يَتَوَكَّنُ عَلَى عَصَاهُ وَهُوَ يَدُورُ فِي سِكَكِ الْمَدِينَةِ وَمَجَالِسِهِمْ، وَهُوَ يَرُوي هَذَا الْخَبَرَ (١٢٢٣) ثُمَّ يَقُولُ: مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أدَّبُوا أولادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ، فَمَنْ أَبَى فَلْيَنْظُرْ فِي شَأْنِ أُمِّهِ (١٢٢٤).

## فصل سوم

### تریت فرزندان بر دوستی اهل بیت

۹۷۶ - پیامبر خدا ﷺ: فرزندان خود را دوستدار من و دوستدار اهل بیتم و قرآن بار آورید.

۹۷۷ - پیامبر خدا ﷺ: فرزندان خود را با سه خصلت بار آورید: دوست داشتن

پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و قرآن خواندن؛ زیرا در آن روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نیست، حاملان قرآن به همراه پیامبران و برگزیدگان او در سایه خدا هستند.

۹۷۸ - ابوزبیر مکی: جابر را دیدم که عصا زنان در کوی و برزن انصار و در انجمنهای

آنان می‌گشت و می‌گفت: ... ای گروه انصار! فرزندان خود را دوستدار علی بار آورید و هریک نپذیرفت، در حال مادر او بیندیشید.

۹۷۹ - ابوزبیر و عطیه عوفی و جواب - هریک جداگانه گفته‌اند - : جابر را دیدم که

تکیه زنان بر عصای خویش در کوچه‌های مدینه و محل تجمع مردم مدینه می‌گردد و این خبر را روایت می‌کند<sup>(۱)</sup> و سپس می‌گوید: ای گروه انصار! فرزندان خود را دوستدار علی بار آورید و هر کدام آنها نپذیرفت، باید در حال مادر او اندیشه کرد.

(۱) این خبر که: «علی، بهترین مردم است و هرکسی انکار کند، کفر ورزیده است».

۹۸۰- الإمام الصادق عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ ، عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِيِّ <sup>(۱۲۲۵)</sup> ، فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ <sup>(۱۲۲۶)</sup> .

وإليك نماذج من شعره:

|                                                    |                                                         |
|----------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|
| هَلْ فِي سُؤَالِكَ رَسَمَ الْمَنْزِلِ الْخَرِبِ    | بُرءُ لِقَلْبِكَ مِنْ دَاءِ الْهَوَى الْوَصْبِ؟!        |
| أَمْ حَرُّهُ يَوْمَ وَشَكِ الْبَيْنِ يُبْرِدُهُ    | مَا اسْتَحْدَثَتْهُ النَّوَى مِنْ دَمْعِكَ السَّرِيبِ؟! |
| هَيَّاهُ أَنْ يُنْفَذَ الْوَجْدَ الْمُثِيرَ لَهُ   | نَائِي الْخَلِيطِ الَّذِي وَلَّى وَلَمْ يَوُبْ          |
| يَا رَائِدَ الْحَيِّ، حَسْبُ الْحَيِّ مَا ضَمِنْتَ | لَهُ الْمَدَامِغُ مِنْ مَاءٍ وَمِنْ عُشْبِ              |

إلى أن يقول:

|                                                |                                                 |
|------------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| يَا رَاكِبًا جَسْرَةَ تَطْوِي مَنَاسِبُهَا     | مَلَاءَةً الْبَيْدِ بِالتَّقْرِيبِ وَالْجُنُبِ  |
| تُقَيِّدُ الْمُغْرَلَ الْأَدْمَاءَ فِي ضَعْفِ  | وَتَطْلُعُ الْكَاسِرَ الْفَتْخَاءَ فِي صَبَبِ   |
| تَكْثِي الرِّيَّاحَ إِذَا مَرَّتْ بِغَايَتِهَا | حَسْرَى الطَّلَائِعِ بِالْغِطَانِ وَالْخَرِبِ   |
| بَلَغَ سَلَامِي قَبْرًا بِالْغَرِيِّ حَوَى     | أَوْفَى الْبَرِّيَّةِ مِنْ عُجَمٍ وَمِنْ عَرَبِ |
| وَاجْعَلْ شِعَارَكَ لِلَّهِ الْخُشُوعَ بِهِ    | وَنَادِ خَيْرَ وَصِيٍّ صَبَقَ خَيْرَ نَبِي      |

إلى أن يقول:

|                                                  |                                                   |
|--------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| مَا أَنْتَ إِلَّا أَخُو الْهَادِي وَنَاصِرُهُ    | وَمَظْهَرُ الْحَقِّ وَالْمَنْعَوْتُ فِي الْكُتُبِ |
| وَرَوْجُ بَضْعَتِهِ الزُّهْرَاءُ يَكْنُقُهَا     | دُونَ الْوَرَى، وَأَبُو أَبْنَائِهِ النُّجُبِ     |
| مِنْ كُلِّ مُجْتَهِدٍ فِي اللَّهِ مُعْتَصِدٍ     | بِاللَّهِ مُعْتَقِدٍ، لِلَّهِ مُحْتَسِبِ          |
| هَادِينَ لِلرُّشْدِ إِنْ لَيْلُ الضَّلَالِ دَجَا | كَانُوا لِطَارِقِهِمْ أَهْدَى مِنَ الشُّهُبِ      |

۹۸۰- امام صادق (ع): «ای گروه شیعیان! به فرزندانان اشعار عبدی را بیاموزید؛ چه، او

بر دین خداست». اینک نمونه‌هایی از اشعار عبدی:

آیا پرسشت از نشانِ خانه‌ویران یار، درد ناخوش عشقت را درمان می‌کند؟!

و یا سوز دلت را در آن روز که فراق دوست نزدیک می‌شود، قطره‌های

ریزان اشکت فرو می‌نشانند؟!

هیئات! عشق برانگیخته را پایان نمی‌بخشد دوری دوستی که رفته و دیگر

باز نمی‌گردد.

ای پیشاهنگ قبیله! چشمان اشکبار، قبیله را از آب و گیاه بی‌نیاز می‌کند.

تا آنجا که می‌گوید:

ای شترسواری که گامهای مرکب نیرومندت پهنای دشت را به تقریب و

جَنَب [دو نوع از راه سپردن شتر تند و کند] در می‌نوردد و در فراز، غزال

خوش خط و خال را می‌گیرد و در شیب، شاهین تیز بال را خسته می‌کند

و بادهای سهمگین را چون اشتران خسته و رنجور بیابان، پشت سر

می‌گذارد!

درود مرا به قبری که در نجف است و بهترین انسان از عرب و عجم را در

بردارد، برسان

و در آنجا شعار خدایی تو، فروتنی در برابرش باشد و بهترین وصی و داماد

بهترین پیامبر را ندا ده.

تا آنجا که می‌گوید:

تو کسی نیستی، مگر برادر و یاور آن [پیامبر] راهنما و آشکار کننده حق

هستی و ستایش شده کتابها [ی آسمانی].

تو همسر پاره تن پیغمبر، زهرایی و تنها نگهبان او و پدر فرزندان بزرگوار

اویی؛

فرزندانی که در راه خدا سختکوش‌اند و از او یاری می‌جویند و بدو

معتقدند و برای همو کار می‌کنند

و چنان راهنمایانی هستند که اگر شب دیجور گمراهی همه جا را فرا

گیرد، شبروان را بهتر از هر کوکب و شهابی راهنمایی می‌کنند.

لُقِّبْتُ بِالرَّفِضِ لَمَّا أَنْ مَنَحْتُهُمْ  
وُدِّي، وَأَحْسَنُ مَا أَدْعَى بِهِ لِقَبِّي!  
صَلَاةُ ذِي الْعَرْشِ تَتَرَى كُلَّ آوْنَةٍ  
عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الْكَشَافِ لِلْكَرْبِ  
وَابْنِيهِ : مِنْ هَالِكٍ بِالسَّمِّ مُخْتَرَمٍ  
وَمِنْ مُعَفَّرٍ خَدَّ قِي الثَّرَى تَرِبِ  
وَالْعَابِدِ الزَّاهِدِ السَّجَّادِ يَتَّبَعُهُ  
وَبَاقِرِ الْعِلْمِ دَانِي غَايَةِ الطَّلَبِ  
وَجَعْفَرٍ، وَابْنِهِ مُوسَى وَيَتَّبَعُهُ الدَّ  
بَرُّ الرِّضَا، وَالْجَوَادِ الْعَابِدِ الدُّبِ  
وَالْعَسْكَرِيِّينَ، وَالْمَهْدِيِّ قَائِمُهُمْ  
ذُو الْأَمْرِ، لَا يَسُ أَثْوَابِ الْهُدَى الْقُشْبِ  
مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَمَا مُلِئَتْ  
جَوْرًا، وَيَقْمَعُ أَهْلَ الزَّيْغِ وَالشُّغْبِ  
الْقَائِدُ الْبُهِمِ الشُّوسِ الْكُفَاةِ إِلَى  
حَرْبِ الطُّغَاةِ عَلَى قُبِّ الْكُلَا الشَّرِبِ

ومن شعره :

يا سادتي يا بني علي  
يا آل طه وآل صا  
مَنْ ذَا يُوَاظِبُكُمْ ، وَأَنْتُمْ  
خَلَّيْتُ اللَّهَ فِي الْبِلَادِ؟  
أَنْتُمْ نُجُومُ الْهُدَى اللَّوَاتِي  
يَهْدِي بِهَا اللَّهُ كُلَّ هَادٍ  
لَوْ لَا هُدَاكُمْ إِذَا ضَلَلْنَا  
وَالْتَبَسَ الْغَيُّ بِالرَّشَادِ  
لَا زِلْتُ فِي حُبِّكُمْ أُوَالِي  
عُمَرِي ، وَفِي بُغْضِكُمْ أَعَادِي  
وَمَا تَزُوْدْتُ غَيْرَ حُبِّي  
إِيَّاكُمْ ، وَهُوَ خَيْرُ زَادِ  
وَذَاكَ نُخْرِي الَّذِي عَلَيْهِ  
فِي عَرَصَةِ الْمَحْشَرِ اعْتِمَادِي  
وَلَاكُمْ وَالْبِرَاءُ مِنْ  
يَشْنَأُكُمْ اعْتِقَادِي

از آن روز که مهر خود را به پای آنان ریختم، مرا رافضی خواندند و این  
بهترین لقبی است که بدان خوانده می‌شوم!

درود خدای عرش نشین، پیوسته و همواره بر فرزند غمگسار فاطمه باد  
و آن دو فرزندی که یکی به زهر ستم، نابهنگام مُرد و آن دیگری که با گونه  
خاک آلود به خاک رفت

و پس از وی، بر آن عبادت‌پیشه پارسا، سجاد و آن گاه بر شکافنده دانش  
که به غایت طلب نزدیک شد

و سپس بر جعفر و فرزندش موسی و آن گاه بر امام نیکوکار، امام رضا و  
جوادِ عابدِ کوشا

و بر عسکریین و مهدی که قائم آنان و صاحب امر است و جامه‌های پاک و  
سپید هدایت به تن دارد، همو که زمینِ آکنده شده از ظلم و بیداد را از عدل  
و داد می‌آکند و گمراهان و شرآفرینان را سرکوب می‌کند،

پیشوای دلیران بی‌پاک و رزمنده‌ای است که برای برکندن گیاهان هرزه به  
پیکار سرکشان می‌رود!



نمونه دیگری از اشعار عیدیه:

ای سروران من! ای فرزندان علی! ای آل «طه» و ای آل «صاد»!

کیست که با شما برابری کند، شماییانی که نمایندگان خدا در زمین  
هستید؟!

شما ستارگان راهنمایی هستید که خداوند، هر رهجویی را به واسطه آن  
راه می‌نماید.

اگر رهبری شما نبود، ما گمراه می‌شدیم و راه از بیراهه بازشناخته نمی‌شد.  
پیوسته عمر خویش را با مهر شما می‌گذرانم و با دشمنان شما دشمنی  
می‌ورزم.

توشه‌ای جز مهر شما ندارم و این، بهترین رهنوشه است.  
مهر شما اندوخته من است که در پهنه قیامت، بدان تکیه می‌کنم.  
دوستی شما و بی‌زاری از آنکه دشمن شماست، اعتقاد من است.

## الفصل الزابع

### الحثُّ على تحبيبهم إلى الناس

٩٨١ - الإمام الصادق عليه السلام: رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ (١٢٢٧).

٩٨٢ - عنه عليه السلام: رَحِمَ اللهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَتَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ (١٢٢٨).

٩٨٣ - عَلَقَمَةُ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَوْصِنِي جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَقَالَ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللهِ وَالْوَرَعِ وَالْعِبَادَةِ وَطَوْلِ السُّجُودِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ، صَلُّوا عَشَائِرَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ (١٢٢٩) وَاحْضَرُوا جَنَائِزَهُمْ، كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، أَحِبُّونَا إِلَى النَّاسِ وَلَا تُبَغِّضُونَا إِلَيْهِمْ، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، مَا فِينَا مِنْ خَيْرٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ، وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ شَرٍّ فَوَاللهِ مَا نَحْنُ كَذَلِكَ، لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللهِ وَوِلَادَةٌ طَيِّبَةٌ، فَهَكَذَا قُولُوا (١٢٣٠).



## فصل چهارم

### تشویق به ایجاد محبت اهل بیت در دلهای مردم

۹۸۱- امام صادق (علیه السلام): رحمت خدا بر آن بنده‌ای که ما را محبوب مردم گرداند و کاری نکند که مبعوض مردم شویم.

۹۸۲- امام صادق (علیه السلام): رحمت خدا بر آن بنده‌ای که دوستی مردم را به سوی ما بکشانند؛ احادیثی را که می‌پذیرند، برایشان بگویند و آنچه را انکار می‌کنند، وانهد!

۹۸۳- علقمه: به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! مرا نصیحت و سفارشی فرما. حضرت فرمود: «سفارش می‌کنم تو را به تقوای الهی و پارسایی و عبادت و طول دادن سجده و ادای امانت و راستگویی و حسن همسایگی. با کسانشان رفت و آمد کنید و از بیمارانشان عیادت کنید و در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید. برای ما زیور باشید و مایه زشتی ما نباشید. کاری کنید که مردم دوستان بدانند و کاری نکنید که مبعوض آنها واقع شویم. همه محبت‌ها را به سوی ما بکشانید و هرگونه زشتی را از ما بگردانید. هر خوبی که در حق ما گفته شود، ما اهل آن هستیم و هر بدی که درباره ما گفته شود، نه چنان‌ایم. ما را در کتاب خدا حقی است و با پیامبر خدا خویشاوندیم و پاک زاده شده‌ایم. این چنین بگویید».

## الفصل الخامس

### علامات حبّهم



٩٨٢- الإمام علي عليه السلام: أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعِيَ عِثْرَتِي وَسِبْطَايَ عَلَى الْحَوْضِ ، فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَلْيَعْمَلْ عَمَلَنَا (١٢٣١).

٩٨٥- حَقَّادُ اللَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ أَبَاهُ قَالَ: يَا بُنَيَّ ، إِنَّكَ إِنْ خَالَفْتَنِي فِي الْعَمَلِ لَمْ تَنْزِلْ مَعِيَ غَدًا فِي الْمَنْزِلِ . ثُمَّ قَالَ : أَبِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَتَوَلَّى قَوْمٌ قَوْمًا يُخَالِفُونَهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ يَنْزِلُونَ مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، كَلَّا وَرَبُّ الْكَعْبَةِ (١٢٣٢).

٩٨٦- الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا ، وَلْيَتَجَلَّبِبِ الْوَرَعَ (١٢٣٣).

٩٨٧- عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا ، وَلْيَسْتَعِنْ بِالْوَرَعِ ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (١٢٣٤).

## فصل پنجم

### نشانه‌های دوست داشتن اهل بیت



#### سختکوشی در کار و عمل

۹۸۴ - امام علی علیه السلام: من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندانم و دو فرزندم در کنار حوض (کوثر) هستیم. پس هر که ما را می‌خواهد، باید به سخن ما چنگ زند و به کردار ما عمل کند.

۹۸۵ - حماد بن لحام از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که پدرش فرمود: «فرزندم! تو هم اگر بر خلاف عمل من رفتار کنی، فردا [ای قیامت] با من در یک منزل فرود نخواهی آمد». سپس فرمود: «خداوند - جل جلاله - نپذیرفته است که مردمی ولایت و دوستی عده‌ای را بپذیرند و بر خلاف کردار آنها عمل کنند و با این حال، روز قیامت با آنها هم منزل [و هم درجه] شوند. به خداوند کعبه سوگند که هرگز چنین نشود».

۹۸۶ - امام علی علیه السلام: هر که ما را دوست دارد، باید به کردار ما عمل کند و ردای پارسایی در بر کند.

۹۸۷ - امام علی علیه السلام: هر که ما را دوست دارد، باید به کردار ما عمل کند و از پارسایی مدد گیرد؛ چرا که آن، بهترین مددکار در امر دنیا و آخرت است.

۹۸۸ - الإمام الصادق علیه السلام: خَرَجْتُ أَنَا وَأَبِي علیه السلام حَتَّى إِذَا كُنَّا بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِنْبَرِ إِذَا هُوَ بِأَنَاسٍ مِنَ الشَّيْعَةِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَرَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامَ، ثُمَّ قَالَ: إِنِّي وَاللَّهِ لَا حِبُّ رِيَا حَكْمٍ وَأُرُوَا حَكْمٍ، فَأَعِينُونِي عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ، وَعَلِّمُوا أَنَّهُ لَا يَتَنَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ، وَمَنْ اتَّخَذَ مِنْكُمْ بَعْدِي فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِ (۱۲۳۵).

۹۸۹ - الإمام المهدي علیه السلام - فيما وَرَدَ عَنْهُ إِلَى الشَّيْخِ الْمُفِيدِ -: فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَلْيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فَجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ (۱۲۳۶).



مَرْكَز تَحْقِيقِ کَلَامِ پُیُوس

۹۹۰ - حَنْشُ بْنُ الْمُعْتَمِرِ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، كَيْفَ أَمْسَيْتَ؟ قَالَ: أَمْسَيْتُ مُحِبًّا لِمُحِبِّنَا، وَمُبْغِضًا لِمُبْغِضِنَا، وَأَمْسَى مُحِبُّنَا مُغْتَبِطًا بِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ كَانَ يَنْتَظِرُهَا، وَأَمْسَى عَدُوًّا يُؤَسِّسُ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ، وَكَأَنَّ ذَلِكَ الشَّفَا قَدْ انْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَكَأَنَّ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لِأَهْلِهَا، فَهَنَيْنَا لِأَهْلِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتَهُمْ، وَالتَّعَسُّ لِأَهْلِ النَّارِ وَالتَّأَرُّ لَهُمْ.

يَا حَنْشُ، مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَمُّ حَبِّ لَنَا أَمْ مُبْغِضٌ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ، فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ وَلِيًّا لَنَا فَلَيْسَ بِمُبْغِضٍ لَنَا، وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ وَلِيًّا لَنَا فَلَيْسَ بِمُحِبِّ لَنَا، إِنَّ

۹۸۸- امام صادق علیه السلام: من و پدرم علیهما السلام بیرون آمدیم تا اینکه به میان قبر و منبر [رسول خدا] رسیدیم. جمعی از شیعیان در آنجا بودند. پدرم به آنها سلام کرد و آنها جواب سلامش را دادند. آن گاه پدرم فرمود: «به خدا سوگند که من بوی شما و روح شما را دوست دارم. پس با پارسایی و کوشیدن در عمل خود، مرا در این محبت یاری رسانید و بدانید که ولایت (و دوستی) ما جز با پارسایی و کوشش به دست نمی‌آید. هر کدام از شما بنده‌ای را به اقامت گیرد، باید به کردار او عمل کند.

۹۸۹- امام مهدی علیه السلام - در نامه‌ای از آن حضرت به شیخ مفید -: هریک از شما باید کاری کند که به محبت ما نزدیک شود و از کاری که او را به نفرت و خشم ما نزدیک می‌سازد، دوری کند؛ زیرا که قضیه [ظهور] ما ناگهانی و بی‌خبر اتفاق می‌افتد به‌طوری که دیگر نه توبه‌ای به حالش سودمند می‌افتد و نه پشیمانی از گناه از کیفر ما می‌رهاندش.

ر ک: بخش هفتم / سفارش‌های اهل بیت / سختکوشی در کار و عمل.



## دوست داشتن دوستداران اهل بیت

۹۹۰- حنّش بن مُعْتَمَر: بر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای امیرالمؤمنین! چگونه روز خود را به شب رساندی؟ فرمود: «روز خود را به شب رساندم، در حالی که دوستدار خود را دوست می‌دارم و دشمنم را دشمن. دوستدار ما، در حالی روز خود را به شب می‌رساند که نسبت به رحمت خداوند که در انتظار آن است، شادمان می‌باشد و دشمن ما، در حالی روز خود را به شب می‌رساند که بنای کار خود را بر لبه پرتگاهی در حال ریزش می‌سازد و آن لبه او را در آتش فرو می‌افکند و درهای رحمت به روی اهل آن گشوده شده است. پس اهل رحمت را رحمتشان گوارا باد و هلاکت و دوزخ، ارزانی دوزخیان باد!

ای حنّش! هر که خوشحال می‌شود که بداند آیا دوستدار ماست یا دشمن ما دلش را بیازماید. اگر دوست ما را دوست داشته باشد، دشمن ما نیست

اللَّهِ تَعَالَى أَخَذَ الْمِيثَاقَ لِمُحِبِّينَا بِمَوَدَّتِنَا، وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ اسْمَ مُبْغِضِنَا، نَحْنُ  
التُّجَبَاءُ وَأَفْرَاطُنَا أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ (۱۲۳).

۹۹۱- الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّ النَّبِيَّ، وَمَنْ أَحَبَّ النَّبِيَّ أَحَبَّنَا، وَمَنْ أَحَبَّنَا  
أَحَبَّ شِيعَتَنَا (۱۲۴).

۹۹۲- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَوَلَّى مُحِبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّنَا (۱۲۵).

۳/۵

### بُغْضُ عَدُوِّهِمْ

۹۹۳- صالح بن ميثم التمار عليه السلام: وَجَدْتُ فِي كِتَابِ مَيْثَمٍ عليه السلام يَقُولُ: تَمَسَّيْنَا لَيْلَةً عِنْدَ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، فَقَالَ لَنَا: لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ اِمْتَحَنَ اللَّهُ  
قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ إِلَّا أَصْبَحَ يَجِدُ مَوَدَّتَنَا عَلَى قَلْبِهِ، وَلَا أَصْبَحَ عَبْدٌ مِمَّنْ سَخَطَ  
اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا يَجِدُ بُغْضَنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَأَصْبَحْنَا نَفْرَحُ بِحُبِّ الْمُؤْمِنِينَ لَنَا، وَنَعْرِفُ  
بُغْضَ الْمُبْغِضِينَ لَنَا، وَأَصْبَحَ مُحِبُّنَا مُغْتَبِطًا بِحُبِّنَا بِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ يَنْتَظِرُهَا كُلُّ  
يَوْمٍ، وَأَصْبَحَ مُبْغِضُنَا يُؤَسِّسُ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ، فَكَأَنَّ ذَلِكَ الشَّافَا  
قَدْ اِنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَكَأَنَّ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لِأَصْحَابِ  
الرَّحْمَةِ، فَهَنِيئًا لِأَصْحَابِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتُهُمْ، وَتَعْسًا لِأَهْلِ النَّارِ مَثْوَاهُمْ. إِنَّ  
عَبْدًا لَنْ يَقْصُرَ فِي حُبِّنَا لِخَيْرِ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ، وَلَنْ يُحِبَّنَا مَنْ يُحِبُّ  
مُبْغِضَنَا، إِنَّ ذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ وَهُمَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي  
جَوْفِهِ (۱۲۶) يُحِبُّ بِهَذَا قَوْمًا وَيُحِبُّ بِالْآخِرِ عَدُوَّهُمْ، وَالَّذِي يُحِبَّنَا فَهُوَ  
يُخْلِصُ حُبَّنَا كَمَا يَخْلُصُ الذَّهَبُ لَا غِشَّ فِيهِ.



و اگر دوست ما را دشمن داشته باشد، دوستدار ما نمی‌باشد. خداوند متعال از دوستدار ما بر دوستی ما پیمان گرفته و در لوح محفوظ، نام دشمن ما را نوشته است. ماییم برگزیدگان [خدا] و پیشتازان ما [به سوی حوض کوثر] پیشتازان پیامبران‌اند.

۹۹۱ - امام علی علیه السلام: هر که خدا را دوست داشته باشد، پیامبر را نیز دوست می‌دارد و هر که پیامبر را دوست داشته باشد، ما را نیز دوست می‌دارد و هر که ما را دوست داشته باشد، شیعیان ما را نیز دوست دارد.

۹۹۲ - امام صادق علیه السلام: هر که دوستدار ما را دوست بدارد، هر آینه ما را دوست داشته است.

### ۳/۵

#### دشمن داشتن دشمن اهل بیت

۹۹۳ - صالح بن میثم تمّار رضی الله عنه: در کتاب میثم رضی الله عنه دیدم که می‌گوید: شبی را در خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه بودیم. آن حضرت به ما فرمود: «هیچ بنده‌ای نیست که خداوند، دلش را برای ایمان صاف و خالص کرده باشد، مگر اینکه محبت ما را در قلبش احساس می‌کند و هیچ بنده‌ای نیست که خداوند از او در خشم و ناخشنودی باشد، مگر اینکه در قلبش نسبت به ما احساس بغض می‌کند. بنابراین، ما از اینکه مؤمن، دوستان می‌دارد، شاد می‌شویم و دشمنی کسی را که با ما بغض می‌ورزد، می‌دانیم. دوستدار ما از رحمت خداوند که به واسطه محبت ما هر روز، انتظار آن را می‌کشد، شادمان است و دشمن ما بنای خود را در لبه پرتگاهی در حال ریزش پی‌ریزی می‌کند که این لبه‌او را در آتش دوزخ فرو می‌افکند. درهای رحمت به روی اهل رحمت گشوده شده است. پس گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و نابود باد جایگاه اهل دوزخ! هر بنده‌ای که خداوند، در دل او خیری قرار داده باشد، هرگز در دوست داشتن ما کوتاهی نمی‌کند و کسی که دشمن ما را دوست بدارد، هیچ‌گاه ما را دوست نخواهد داشت. این دو در یک قلب با هم جمع نمی‌شوند و «خدا برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است» که با یکی عده‌ای را دوست بدارد و با دیگری دشمن آنها را. کسی که ما را دوست می‌دارد، این محبت نسبت به ما را همچون زر نابی که در آن ناخالصی نیست، خالص می‌گرداند.



نَحْنُ النَّجْبَاءُ وَأَفْرَاطُنَا أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ، وَأَنَا حِزْبُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ حَالَهُ فِي حُبِّنَا فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ، فَإِنْ وَجَدَ فِيهِ حُبًّا مِّنَ اللَّبِّ<sup>(١٧٤١)</sup> عَلَيْنَا فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَدُوُّهُ وَجَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ، وَاللَّهُ عَدُوُّ الْكَافِرِينَ<sup>(١٧٤٢)</sup>.

۹۹۴ - أَبُو الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ -: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: لَا يَجْتَمِعُ حُبُّنَا وَحُبُّ عَدُوِّنَا فِي جَوْفِ إِنْسَانٍ، إِنْ اللَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ فَيُحِبُّ هَذَا وَيُبْغِضُ هَذَا، فَأَمَّا مُحِبُّنَا فَيُخْلِصُ الْحُبَّ لَنَا كَمَا يَخْلُصُ الذَّهَبُ بِالنَّارِ لَا كَدَّرَ فِيهِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ حُبَّنَا فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ، فَإِنْ شَارَكَهُ فِي حُبِّنَا حُبُّ عَدُوِّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ، وَاللَّهُ عَدُوُّهُمْ وَجَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ، وَاللَّهُ عَدُوُّ الْكَافِرِينَ<sup>(١٧٤٣)</sup>.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۹۹۵ - الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: إِنْ فَلَانًا يُوَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضْعُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ -: هِيَاهُ، كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مُحِبَّتَنَا وَلَمْ يَتَّبِعْهَا مِنْ عَدُوِّنَا<sup>(١٧٤٤)</sup>.

۴/۵

### الِاسْتِعْدَادُ لِلْبَلَاءِ

۹۹۶ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَمَّا شَكَا إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ حَاجَتَهُ -: إِصْبِرْ أَبَا سَعِيدٍ، فَإِنَّ الْفَقْرَ إِلَى مَنْ يُحِبُّنِي مِنْكُمْ أَسْرَعُ مِنَ السَّيْلِ عَلَى أَعْلَى الْوَادِي، وَمِنْ أَعْلَى الْجَبَلِ إِلَى أَسْفَلِهِ<sup>(١٧٤٥)</sup>.

ماییم برگزیدگان [خدا] و پیشتازان ما (به سوی حوض کوثر)، پیشتازان پیامبران‌اند. من وصی پیامبران هستم. من حزب خدا و رسول او هستم و آن گروه سرکش و یاغی حزب شیطان‌اند. پس هرکه دوست دارد حال خود را دربارهٔ محبت ما بداند، دلش را بیازماید؛ اگر در آن، نسبت به کسی که مردم را بر ضد ما می‌شوراند، احساس دوستی کرد، بداند که خدا و جبرئیل و میکائیل، دشمن او هستند و خداوند، دشمن کافران می‌باشد.

۹۹۲ - ابو جارود از امام باقر علیه السلام - دربارهٔ آیه: «خدا برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است» - : علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «دوست داشتن ما و دوست داشتن دشمن ما در دل یک انسان با هم جمع نمی‌شوند؛ [زیرا] خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است که با این یکی دوست بدارد و با آن یکی دشمن بدارد. دوستدار ما دوستیش را نسبت به ما خالص می‌گرداند، همان گونه که طلا با آتش خالص می‌گردد و ناخالصیش گرفته می‌شود. پس هرکه می‌خواهد محبتش را نسبت به ما بداند، دل خود را بیازماید؛ اگر در کنار محبت ما دشمن ما را نیز دوست داشت، بداند که نه او از ماست و نه ما از اویم و خدا و جبرئیل و میکائیل، دشمن اوست و خداوند دشمن کافران می‌باشد».

۹۹۵ - امام صادق علیه السلام - در جواب کسی که عرض کرد: فلانی شما را دوست می‌دارد منتهی در برائت از دشمن شما ضعیف است - : هیئات! دروغ می‌گوید کسی که دم از محبت ما می‌زند؛ ولی از دشمن ما بیزاری نمی‌جوید.

## ۴/۵

### آماده شدن برای بلا و گرفتاری

۹۹۶ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به ابو سعید خدری که از تهیدستی خود به آن حضرت شکایت کرد - : شکایا باش ای ابو سعید! زیرا فقر به جانب کسانی از شما که مرا دوست دارند، شتابنده‌تر می‌آید از حرکت سیل بر بالای درّه و از بالای کوه به پایین آن.

۹۹۷- عنه علیه السلام - لأبي ذرٍّ لما قال له: إني أحبُّكم أهل البيت -: الله الله! فأعدَّ للفقر تجفافاً<sup>(۱۲۴۶)</sup>، فإنَّ الفقرَ أسرعُ إلى مَنْ يُحبُّنا مِنَ السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى الْأَكْمَةِ إلى أسفلها<sup>(۱۲۴۷)</sup>.

۹۹۸- ابنُ عباسٍ: أصابَ نبيَّ الله صلی الله علیه و آله خصاصةٌ فبلغَ ذلكَ عليّاً عليه السلام، فخرجَ يَلْتَمِسُ عَمَلاً لِيُصِيبَ مِنْهُ شَيْئاً يَبْعَثُ بِهِ إِلَى نبيِّ الله صلی الله علیه و آله، فَأَتَى بُسْتَانًا لِرَجُلٍ مِنَ الْيَهُودِ، فَاسْتَقَى لَهُ سَبْعَةَ عَشَرَ دَلْوًا كُلُّ دَلْوٍ بِتَمْرَةٍ، فَخَيَّرَهُ الْيَهُودِيُّ مِنْ تَمْرِهِ سَبْعَ عَشْرَةَ تَمْرَةً عَجْوَةً، فَجَاءَ بِهَا إِلَى نبيِّ الله صلی الله علیه و آله فَقَالَ: مَنْ أَيْنَ هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ قَالَ: بَلَّغْنِي مَا بِكَ مِنَ الْخِصَاصَةِ يَا نبيَّ الله فَخَرَجْتُ أَلْتَمِسُ عَمَلاً لِأُصِيبَ لَكَ طَعَامًا. قَالَ: فَحَمَلَكَ عَلَى هَذَا حُبُّ الله وَرَسُولِهِ؟ قَالَ عَلِيٌّ: نَعَمْ يَا نبيَّ الله، فَقَالَ نبيُّ الله صلی الله علیه و آله: وَاللهِ مَا مِنْ عَبْدٍ يُحِبُّ الله وَرَسُولَهُ إِلَّا الْفَقْرُ أَسْرَعَ إِلَيْهِ مِنْ جَرِيَةِ السَّيْلِ عَلَى وَجْهِهِ، مَنْ أَحَبَّ الله وَرَسُولَهُ فَلْيُعِدَّ تَجْفَافًا، وَإِنَّمَا يَعْنِي الصَّبْرَ<sup>(۱۲۴۸)</sup> رَسُوْلِي

۹۹۹- غَنَمَةُ الْجَهَنَّمِيِّ: خَرَجَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ فَلَقِيَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ الله يَا أَبَا وَأُمِّي أَنْتَ، إِنَّهُ لَيْسَ وَرَنِي الَّذِي أَرَى بِوَجْهِكَ وَعَمَّا هُوَ؟ قَالَ: فَظَنَرَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِلَى وَجْهِ الرَّجُلِ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: الْجَوْعُ.

فَخَرَجَ الرَّجُلُ يَعْدُو - أَوْ شَبِيهَا بِالْعَدُو - حَتَّى أَتَى بَيْتَهُ فَالْتَمَسَ فِيهِ الطَّعَامَ فَلَمْ يَجِدْ شَيْئًا، فَخَرَجَ إِلَى بَنِي قُرَيْظَةَ فَأَجَرَّ نَفْسَهُ بِكُلِّ دَلْوٍ يَنْزَعُهَا تَمْرَةً حَتَّى جَمَعَ حَفْنَةً أَوْ كَفًّا مِنْ تَمْرٍ، ثُمَّ رَجَعَ بِالتَّمْرِ حَتَّى وَجَدَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَرِمْ<sup>(۱۲۴۹)</sup>، فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَقَالَ: كُلْ أَيُّ رَسُولِ الله، فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا التَّمْرُ؟ فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله: إني لأظنُّكَ تُحِبُّ الله وَرَسُولَهُ؟ قَالَ: أَجَلْ، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ

۹۹۷ - پیامبر خدا ﷺ - در جواب ابوذر که عرض کرد: من شما اهل بیت را دوست دارم :- خدا را، خدا را. پس پوششی در برابر فقر آماده کن؛ زیرا فقر به سوی کسی که ما را دوست دارد، شتابنده‌تر حرکت می‌کند تا شتاب سیل از بالای تپه به پایین آن.

۹۹۸ - ابن عباس: پیامبر خدا ﷺ نیازمند شد. این خبر به گوش علیؓ رسید و از خانه بیرون رفت تا بلکه کاری پیدا کند و از طریق آن، چیزی به دست آورد و برای پیامبر ﷺ بفرستد. آن حضرت ﷺ به باغ مردی یهودی رفت و در برابر دریافت هفده دانه خرما برایش هفده دلو آب از چاه کشید. مرد یهودی، علیؓ را در گرفتن هفده خرماى انباشته [در ظرف خرما] مخیر کرد و علیؓ آنها را برای پیامبر خدا ﷺ آورد. پیامبر فرمود: «اینها از کجاست، ای ابو الحسن؟». عرض کرد: ای پیامبر خدا! مطلع شدم که شما نیازمند شده‌اید و من در جستجوی کار بیرون رفتم تا برایتان غذایی فراهم آورم. رسول خدا فرمود: «پس عشق و محبت به خدا و رسول او، تو را به این کار وا داشت؟». علیؓ عرض کرد: آری، ای پیامبر خدا! پیامبر خدا ﷺ فرمود: «به خدا سوگند! هیچ بنده‌ای نیست که خدا و رسول او را دوست داشته باشد، مگر اینکه فقر به سوی او شتابنده‌تر می‌رود تا سرعت حرکت سیلاب به سمت جلو. هر که خدا و رسولش را دوست می‌دارد، باید پوششی تهیه کند» - مقصود صبر و شکیبایی است -.

۹۹۹ - عنمة جهنمی: روزی پیامبر ﷺ بیرون آمد و در راه، مردی از انصار به آن حضرت برخورد و عرض کرد: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! حالت ناراحت کننده‌ای در چهره شما می‌بینم. علتش چیست؟ پیامبر ﷺ لختی به صورت آن مرد نگاه کرد و سپس فرمود: «گرسنگی».

آن مرد، دوان دوان یا با حالتی شبیه دویدن به منزل خود رفت و در جستجوی غذایی برآمد؛ اما چیزی نیافت. پس نزد بنی قریظه رفت و به کارگری پرداخت و قرار گذاشت در قبال هر دلو آبی که از چاه می‌کشد، یک دانه خرما بگیرد. او از این طریق، یک مشت یا یک کف دست خرما جمع کرد و آن گاه با خرماها برگشت و دید پیامبر ﷺ از همان جایی که نشسته بود، تکان نخورده است. خرماها را در برابر پیامبر گذاشت. رسول خدا ﷺ به او فرمود: «این خرماها را از کجا آوردی؟». مرد انصاری ماجرا را برای حضرت بازگو کرد. رسول خدا ﷺ به او فرمود: «من گمان می‌کنم که تو خدا و رسول او

مِنْ نَفْسِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَمَالِي ، فَقَالَ : أَمَا لَا فَاصْطَبِرْ لِلْفَاقَةِ ، وَأَعِدْ لِلْبَلَاءِ  
تَجْفَافًا ، فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَهُمَا إِلَى مَنْ يُحِبُّنِي أَسْرَعُ مِنْ هُبُوطِ الْمَاءِ مِنْ  
رَأْسِ الْجَبَلِ إِلَى أَسْفَلِهِ (١٢٥٠) .

١٠٠٠ - الإمام علي عليه السلام : مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيُعِدْ لِلْبَلَاءِ جِلْبَابًا (١٢٥١) .

١٠٠١ - عنه عليه السلام : مَنْ تَوَلَّانا فَلْيَلْبَسْ لِلْمِحْنِ إِهَابًا (١٢٥٢) .

١٠٠٢ - عنه عليه السلام : مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَسْتَعِدَّ عُدَّةً لِلْبَلَاءِ (١٢٥٣) .

١٠٠٣ - عنه عليه السلام : مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا (١٢٥٤) .

١٠٠٤ - الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ : كُنْتُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَاعِدًا ، فَجَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَ ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ (فِي اللَّهِ) ، فَقَالَ : صَدَقْتَ ، إِنَّ طِينَتَنَا مَخْزُونَةٌ ،  
أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا مِنْ صُلْبِ آدَمَ ، فَاتَّخَذَ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا ، فَإِنِّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ : وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ ، إِنَّ الْفَقْرَ لَأَسْرَعُ إِلَى مُحِبِّكَ مِنَ السَّيْلِ إِلَى  
بَطْنِ الْوَادِي (١٢٥٥) .

١٠٠٥ - الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ : كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فِي السِّرِّ كَمَا أُحِبُّكَ فِي الْعَلَانِيَةِ ، قَالَ : فَنَكَتَ أَمِيرُ  
الْمُؤْمِنِينَ ﷺ الْأَرْضَ بِعَوْدٍ كَانَ فِي يَدِهِ سَاعَةٌ ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : كَذَبْتَ  
وَاللَّهِ ، مَا أَعْرِفُ وَجْهَكَ فِي الْوُجُوهِ ، وَلَا اسْمَكَ فِي الْأَسْمَاءِ .

فَعَجِبْتُ مِنْ ذَلِكَ عَجَبًا شَدِيدًا ، فَلَمْ أَبْرَحْ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ آخَرُ فَقَالَ :  
وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي لَأُحِبُّكَ فِي السِّرِّ كَمَا أُحِبُّكَ فِي الْعَلَانِيَةِ ، فَنَكَتَ  
بِعَوْدِهِ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ طَوِيلًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : صَدَقْتَ ، إِنَّ طِينَتَنَا طِينَةٌ  
مَرْحُومَةٌ ، أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا يَوْمَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ ، فَلَا يَشُدُّ مِنْهَا شَاذٌ ، وَلَا يَدْخُلُ



را دوست داری؟». عرض کرد: آری. سوگند به آنکه تو را به حق برانگیخت! تو را از خودم و فرزندانم و عیالم و داراییم بیشتر دوست دارم. رسول خدا ﷺ فرمود: «پس در این صورت برای فقر، تمرین شکیبایی کن و برای بلا پوششی فراهم آر؛ زیرا سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخت، فقر و بلا به سوی کسی که دوستدار من است، شتابنده‌تر می‌آید تا فرود آمدن آب از فراز کوه به پایین آن».

۱۰۰۰ - امام علی علیه السلام: هر که ما را دوست دارد، پس بلا پوشی برای بلا آماده کند.

۱۰۰۱ - امام علی علیه السلام: هر که ولایت ما را پذیرفت، باید که برای رنج و گرفتاری‌ها لباسی پوستی در پوشد.

۱۰۰۲ - امام علی علیه السلام: هر که ما اهل بیت را دوست دارد، پس ساز و برگی برای بلا فراهم آورد.

۱۰۰۳ - امام علی علیه السلام: هر که ما اهل بیت را دوست دارد، باید که جامه‌ای برای فقر آماده سازد.

۱۰۰۴ - اصبع بن نباته: در خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم که مردی آمد و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! به خدا قسم که من تو را [به خاطر خدا] دوست می‌دارم. حضرت فرمود: «راست گفتی. همانا طینت ما، در خزانه الهی بود و خداوند برای آن از پشت آدم پیمان گرفت» پس تن پوشی برای فقر برگزید؛ زیرا که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ای علی! به خدا سوگند که فقر، به سوی دوستداران تو شتابنده‌تر می‌آید تا شتاب سیل به درون درّه».

۱۰۰۵ - اصبع بن نباته: در خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم که مردی آمد و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! من تو را در باطن، همان قدر دوست دارم که در ظاهر دوستت می‌دارم. امیرالمؤمنین علیه السلام با نوک چوبی که در دست داشت، مدتی متفکرانه به زمین زد و آن گاه سر برداشت و فرمود: «به خدا که دروغ می‌گویی. من نه چهره تو را در میان چهره‌ها (ی دوستدارانم) می‌بینم و نه نامت را در میان نامها».

من از این سخن، سخت تعجب کردم. چندی نگذشت که مرد دیگری آمد و عرض کرد: به خدا قسم - ای امیرالمؤمنین! - من تو را در باطن، همان گونه دوست دارم که در ظاهر دوستت می‌دارم. حضرت این بار نیز با نوک همان چوبش مدت طولانی به زمین زد و سپس سرش را بلند کرد و فرمود: «راست

فِيهَا دَاخِلٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . أَمَا إِنَّهُ فَاتَّخَذَ لِلْفَاقَةِ جِلْبَابًا ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ : الْفَاقَةُ إِلَى مُحِبِّكَ أَسْرَعُ مِنَ السَّيْلِ الْمُنْحَدِرِ مِنْ أَعْلَى الْوَادِي إِلَى أَسْفَلِهِ <sup>(١٢٥٦)</sup> .

١٠٠٦ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ : خَرَجْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَنَا وَجِعٌ ثَقِيلٌ ، فَقِيلَ لَهُ [أَيُّ لِأَبِي جَعْفَرٍ <sup>(ع)</sup>] : مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَجِعٌ ، فَأَرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ بِشَرَابٍ مَعَ الْغُلَامِ مُعْطًى بِمَنْدِيلٍ ، فَتَنَاوَلْنِيهِ الْغُلَامُ وَقَالَ لِي : اشْرَبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِي أَنْ لَا أَرْجِعَ حَتَّى تَشْرَبَهُ ، فَتَنَاوَلْتُهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمِسْكِ مِنْهُ ، وَإِذَا شَرَابٌ طَيِّبٌ الطَّعْمِ بَارِدٌ ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ : يَقُولُ لَكَ إِذَا شَرِبْتَ فَتَعَالَ .

فَفَكَّرْتُ فِيمَا قَالَ لِي وَلَا أَقْدِرُ عَلَى النَّهْوِ قَبْلَ ذَلِكَ عَلَى رِجْلِي ، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِي جَوْفِي كَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ ، فَأَتَيْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ ، فَصَوَّتَ بِي : صَحَّ الْجِسْمُ ، ادْخُلْ ادْخُلْ . فَدَخَلْتُ وَأَنَا بَاكِ ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقَبَّلْتُ يَدَهُ وَرَأْسَهُ ، فَقَالَ لِي : وَمَا يُبْكِيكَ يَا مُحَمَّدُ ؟ فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَبْكِي عَلَى اغْتِرَابِي وَبُعْدِ الشُّقَّةِ وَقِلَّةِ الْمَقْدِرَةِ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَكَ وَالنَّظَرِ إِلَيْكَ . فَقَالَ لِي : أَمَّا قِلَّةُ الْمَقْدِرَةِ فَكَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَنَا وَأَهْلَ مَوَدَّتِنَا وَجَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَيْهِمْ سَرِيعًا ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْغُرْبَةِ فَلَكَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أُسْوَةٌ بِأَرْضِ نَاءٍ عَنَّا بِالْفُرَاتِ .

وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ بُعْدِ الشُّقَّةِ ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي هَذِهِ الدَّارِ غَرِيبٌ وَفِي هَذِهِ الْخَلْقِ الْمَنْكُوسِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ حُبِّكَ قُرْبَنَا وَالنَّظَرَ إِلَيْنَا وَأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ فَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِكَ وَجَزَاؤُكَ عَلَيْهِ <sup>(١٢٥٧)</sup> .



می‌گویی. به راستی که طینت ما طینتی رحمت شده است. خداوند در روز پیمان‌گیری پیمانش را گرفت. بنابراین، تا روز قیامت، نه عضوی از آن جدا شود و نه بیگانه‌ای وارد آن گردد. هان! پس بالاپوشی برای فقر بگیر؛ زیرا که شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «حرکت فقر به سوی دوستداران تو شتابنده‌تر است از حرکت سیل از بالای درّه به پایین آن».

۱۰۰۶ - محمد بن مسلم: با جسمی دردمند و سنگین، به مدینه رفتم. به ایشان (امام باقر علیه السلام) گفته شد: محمد بن مسلم، دردمند و علیل است. حضرت به وسیله خدمتکار خود، ظرف شربتی که روی آن با دستمالی پوشیده شده بود، برایم فرستاد. خدمتکار ظرف را به دست من داد و گفت: بنوش؛ زیرا حضرت به من دستور داده است که تا آن را ننوشی، برنگردم. من ظرف را گرفتم. دیدم بوی مشک از آن بلند است و شربت خوشمزه و خنکی است چون آن را نوشیدم، خدمتکار به من گفت: حضرت به تو می‌فرماید که وقتی نوشیدی، بیا.

من درباره آنچه به من گفت، اندیشیدم، حال آنکه پیش از آن قادر نبودم بر پای خود بایستم؛ اما همین که آن شربت در معده‌ام جا گرفت، گویی بند از پایم گشوده شد. به در خانه حضرت رفتم و اجازه ورود خواستم. حضرت با صدای بلند به من فرمود: «تندرست باشی. داخل شو. داخل شو». من گریه‌کنان داخل شدم و به حضرت سلام گفتم و دست و سرش را بوسیدم. فرمود: «ای محمد! چرا گریه می‌کنی؟». عرض کردم: فدایت شوم! برای غربتم و دوری سفر [آخرت] و تنگدستی و از اینکه نمی‌توانم پیش شما بمانم و بینمستان می‌گیریم. حضرت فرمود: «اما تنگدستی، خداوند دوستان و محبتان ما را این گونه قرار داده و بلا و سختی را به سوی آنان شتابانده است و اما آنچه از غربت گفתי، اباعبدالله را که در سرزمینی دور از ما در کنار فرات است، سرمشق خود قرار ده و اما آنچه از دوری سفر گفתי، بدان که مؤمن، در این دنیا و در میان این مردم، بازگونه و غریب است تا آنکه از این سرای به رحمت خدا رود. و اما اینکه گفתי دوست داری نزدیک ما باشی و ما را ببینی؛ ولی نمی‌توانی این کار را بکنی، بدان که خداوند، از آنچه در قلبت می‌گذرد، آگاه است و تو را پاداش خواهد داد».

## الفصل السادس

### آثار حبهم



١٠٠٧- رسول الله ﷺ: حُبُّنا أهل البيت يُكفِّرُ الذُّنُوبَ وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ (١٢٥٨).

١٠٠٨- الإمام الحسن عليه السلام: وَاللَّهِ، لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ أَبَدًا وَلَوْ كَانَ أُسِيرًا بِالدَّيْلَمِ إِلَّا نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا، وَإِنَّ حُبَّنَا لَيُسَاقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ ابْنِ آدَمَ كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ (١٢٥٩).

١٠٠٩- الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ حُبُّنَا وَلَوْ كَانَ فِي جَبَلٍ الدَّيْلَمِ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُسَاقِطُ عَنْ الْعِبَادِ الذُّنُوبَ كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ (١٢٦٠).

١٠١٠- الإمام الباقر عليه السلام: بِحُبِّنَا تُغْفَرُ لَكُمْ الذُّنُوبُ (١٢٦١).

## فصل ششم

### آثار دوست داشتن اهل بیت



#### پاک کردن گناهان

۱۰۰۷ - پیامبر خدا ﷺ: دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان را پاک می‌کند و حسنات را دو چندان می‌سازد.

۱۰۰۸ - امام حسن عسکری (علیه السلام): به خدا قسم، هیچ بنده‌ای نیست که ما را دوست بدارد، حتی اگر در دیلم اسیر باشد، مگر اینکه خداوند به واسطه این محبت ما، او را سود بخشد. همانا دوست داشتن ما گناهان را از آدمی فرو می‌ریزند، همچنان که باد، برگهای درختان را می‌ریزد.

۱۰۰۹ - امام سجاده (علیه السلام): هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد، این محبت او نسبت به ما وی را سود بخشد، حتی اگر در کوه دیلم باشد و هر که ما را به خاطر چیزی غیر از خدا دوست بدارد، خداوند هر گونه که بخواهد عمل خواهد کرد. همانا دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان را از بندگان فرو می‌ریزند، همان گونه که باد، برگهای درخت را می‌ریزد.

۱۰۱۰ - امام باقر (علیه السلام): به واسطه دوست داشتن ما گناهان شما آمرزیده می‌شود.

۱۰۱۱- الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَحُطُّ الذُّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ (۱۳۶).

۱۰۱۲- عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَأَحَبَّ مُحِبَّنَا لَا لِعَرَضٍ دُنْيَا يُصِيبُهَا مِنْهُ، وَعَادَى عَدُوَّنَا لَا لِإِحْنَةٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ثُمَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَزَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ (۱۳۷).

۲/۶

### إِطْمِئْنَانُ الْقَلْبِ

۱۰۱۳- الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (۱۳۸) قَالَ: ذَاكَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَأَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ، وَأَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدًا وَغَائِبًا، أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ يَتَحَابُّونَ (۱۳۹).

۱۰۱۴- الإمام الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ -: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عليه السلام: تَدْرِي فِيمَنْ نَزَلَتْ؟ قَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: فِيمَنْ صَدَّقَ لِي، وَآمَنَ بِي، وَأَحَبَّكَ وَعِثْرَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ، وَسَلَّمَ الْأَمْرَ لَكَ وَلِلْأُئِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ (۱۴۰).

۱۰۱۵- أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾، أَتَدْرِي مَنْ هُمْ يَا بَنَ أُمِّ سُلَيْمٍ؟ قُلْتُ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَشِيعَتُنَا (۱۴۱).

۱۰۱۱- امام صادق علیه السلام: دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان بندگان را می‌ریزد، همان گونه که باد شدید برگهای درختان را می‌ریزد.

۱۰۱۲- امام صادق علیه السلام: هر کس ما را و دوستدار ما را به خاطر خدا دوست بدارد، نه برای دست یافتن به غرض دنیایی و دشمن ما را نیز دشمن بدارد، اما نه به خاطر کینه‌ای شخصی که میان آنهاست، اگر در روز قیامت با گناهایی به اندازه ریگهای ریگستان و کف دریا بیاید، خداوند متعال او را بیامرزد.

## ۲/۶

### آرامش دل

۱۰۱۳- امام علی علیه السلام: هنگامی که آیه: «هان! با یاد خداست که دلها آرام می‌گیرد» نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این درباره کسی است که خدا و رسول او را دوست بدارد و اهل بیت مرا صادقانه و نه به دروغ دوست بدارد و مؤمنان را در پیش رو و پشت سر آنان دوست بدارد. هان! با یاد خداست که همدیگر را دوست می‌دارند».

۱۰۱۴- امام صادق علیه السلام: درباره آیه: «کسانی که ایمان آورده‌اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. هان! با یاد خداست که دلها آرام می‌گیرد» - رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «می‌دانی درباره چه کسی نازل شده است؟». عرض کرد: خدا و رسول او بهتر می‌دانند. پیامبر فرمود: «درباره کسی که مرا تصدیق کند و به من ایمان آورد و تو و عترت تو را دوست بدارد و کار را به تو و امامان پس از تو واگذارد و تسلیم فرمان شما باشد».

۱۰۱۵- انس بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه: «کسانی که ایمان آورده‌اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. هان! با یاد خداست که دلها آرام می‌گیرد» را تلاوت کرد و فرمود: «ای پسر امّ سلیم! آیا می‌دانی اینها چه کسانی هستند؟». عرض کردم: چه کسانی هستند، ای رسول خدا؟ فرمود: «ما اهل بیت و شیعیان ما».

٣/٦

### الحكمة

١٠١٦ - الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ، وَجُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ <sup>(١٣٧٨)</sup>.

٤/٦

### استكمال الدين

١٠١٧ - رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الدِّينِ <sup>(١٣٧٩)</sup>.

١٠١٨ - عنه عليه السلام: فَضْلُ عَشِيرَتِي وَأَهْلِ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي كَفَضْلِ الْمَاءِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، بِالْمَاءِ يَبْقَى كُلُّ وَيَحْيَى كَمَا قَالَ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ <sup>(١٣٨٠)</sup> وَمَحَبَّةُ <sup>(١٣٨١)</sup> أَهْلِ بَيْتِي وَعَشِيرَتِي وَذُرِّيَّتِي يَسْتَكْمِلُ الدِّينَ <sup>(١٣٨٢)</sup>.

٥/٦

### الإغتيباط عند الموت

١٠١٩ - عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْوَلِيدِ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي زَمَنِ مَرَوَانَ فَقَالَ: مَنْ أَنْتُمْ؟ فَقُلْنَا: مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، فَقَالَ: مَا مِنْ بَلَدَةٍ مِنَ الْبُلْدَانِ أَكْثَرُ مُحِبًّا لَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَلَا سِيَّما هَذِهِ الْعِصَابَةُ. إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ هَدَاكُمْ لِأَمْرِ جَهْلَةِ النَّاسِ، وَأَحْبَبْتُمُونَا وَأَبْغَضْنَا النَّاسَ، وَاتَّبَعْتُمُونَا وَخَالَفْنَا النَّاسَ، وَصَدَّقْتُمُونَا وَكَذَّبْنَا النَّاسَ، فَأَحْيَاكُمْ اللَّهُ مَحْيَانَا، وَأَمَاتَكُمْ مَمَاتَنَا، فَأَشْهَدُ عَلَى أَبِي أَنَّهُ

۳/۶

## حکمت

۱۰۱۶ - امام صادق (ع): هر که ما اهل بیت را دوست بدارد و دوستی ما را در قلبش تحقق بخشد، چشمه‌های حکمت بر زبانش جاری گردد و ایمان در دلش نو شود.

۴/۶

## کامل شدن دین

۱۰۱۷ - پیامبر خدا (ص): دوست داشتن اهل بیت من و فرزندانم، کمال دین است.  
 ۱۰۱۸ - پیامبر خدا (ص): برتری خاندان و اهل بیت و ذریه من مانند برتری آب بر چیزهای دیگر است. با آب است که همه چیز باقی و زنده می‌ماند، چنانکه خدای - تبارک و تعالی - فرموده: «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم. آیا ایمان نمی‌آورند؟». با محبت اهل بیت و خاندان و ذریه من است که دین کامل می‌شود.

۵/۶

## خوشحالی هنگام مرگ

۱۰۱۹ - عبدالله بن ولید: در زمان مروان به خدمت ابو عبدالله (امام صادق ع) رسیدیم. پرسید: «شما کیستید؟». عرض کردیم: از مردم کوفه هستیم. فرمود: «مردم هیچ شهری به اندازه کوفه دوستدار ما نیستند، به ویژه این گروه. خداوند (ع) شما را به موضوعی رهنمون شد که دیگر مردم، آن را نمی‌دانند. شما ما را دوست دارید و مردم، دشمنان می‌دارند. شما از ما پیروی می‌کنید و مردم از ما سرپیچی می‌کنند. شما ما را قبول دارید و مردم، ما را قبول ندارند.



كَانَ يَقُولُ: مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يَرَى مَا يُقَرُّ اللَّهُ بِهِ عَيْنُهُ وَأَنْ يَغْتَبِطَ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَذِهِ - وَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ - وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً﴾ (۱۲۷۳)، فَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (۱۲۷۴).

## ۶/۶

### شَفَاعَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ

- ۱۰۲۰ - رسول الله ﷺ: شَفَاعَتِي لِأُمَّتِي مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي، وَهُمْ شِيعَتِي (۱۲۷۵).
- ۱۰۲۱ - عنه ﷺ: الزَّمَوْنَا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ يُودُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا (۱۲۷۶).
- ۱۰۲۲ - الإمام علي عليه السلام: لَا تُعْنُونَا فِي الطَّلَبِ وَالشَّفَاعَةِ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا قَدَّمْتُمْ... لَنَا شَفَاعَةً وَلِأَهْلِ مَوَدَّتِنَا شَفَاعَةً، فَتَنَافَسُوا فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ، فَإِنَّا نَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَنَا وَنَسْقِي مِنْهُ أَحِبَّاءَنَا وَأَوْلِيَاءَنَا (۱۲۷۷).

## ۷/۶

### نورُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

- ۱۰۲۳ - رسول الله ﷺ: أَكْثَرُكُمْ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُكُمْ حُبًّا لِأَلِ مُحَمَّدٍ ﷺ (۱۲۷۸).
- ۱۰۲۴ - عنه ﷺ: أَمَّا وَاللَّهِ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي عَبْدٌ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ نُورًا حَتَّى يَرِدَ عَلَى الْحَوْضِ، وَلَا يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي عَبْدٌ إِلَّا احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۲۷۹).

خداوند، زندگی و مرگ شما را چون زندگی و مرگ ما قرار دهد! گواهی می‌دهم که پدرم می‌فرمود: «هریک از شما، زمانی که نفسش به اینجا رسد [و با دست خود به گلویش اشاره فرمود]، چیزی را مشاهده خواهد کرد که خداوند به واسطه آن، چشمش را روشن کند و شاد و خوشحال شود». خدای تعالی در کتاب خود فرموده است: «و قطعاً پیش از تو نیز رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم». ما، فرزندان رسول خدا ﷺ هستیم».

## ۶/۶

### شفاعت اهل بیت

۱۰۲۰ - پیامبر خدا ﷺ: شفاعت من از اتم شامل کسانی می‌شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشند و آنان شیعیان من هستند.

۱۰۲۱ - پیامبر خدا ﷺ: به دوستی ما اهل بیت جنگ زنید؛ زیرا هر کس در روز قیامت خدا را در حالی که ما را دوست داشته باشد دیدار کند، با شفاعت ما به بهشت رود.

۱۰۲۲ - امام علی علیه السلام: با کارهایی که می‌کنید، ما را مانع از آن نشوید که در روز قیامت برایتان خواهش و شفاعت کنیم... ما حق شفاعت داریم و دوستداران ما نیز حق شفاعت دارند. پس برای دیدار ما در کنار حوض کوثر با یکدیگر رقابت کنید؛ زیرا ما دشمنان خود را از حوض دور می‌کنیم و دوستان و علاقه‌مندان خود را از آن، آب می‌دهیم.

## ۷/۶

### روشنایی در روز قیامت

۱۰۲۳ - پیامبر خدا ﷺ: پرنورترین شما در روز قیامت، کسی است که آل محمد ﷺ را بیشتر دوست بدارد.

۱۰۲۴ - پیامبر خدا ﷺ: هان! به خدا قسم، هیچ بنده‌ای اهل بیت مرا دوست ندارد، مگر اینکه خداوند - تعالی - به او نوری عطا فرماید تا اینکه در کنار حوض بر من در آید و هیچ بنده‌ای اهل بیت مرا دشمن ندارد، مگر اینکه در روز قیامت، خداوند، از او محجوب شود.

۸/۶

## الْأَمْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱۰۲۵- رسول الله ﷺ: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۲۸۰).

۱۰۲۶- عنه ﷺ: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصُّرَاطِ (۱۲۸۱).

۱۰۲۷- عنه ﷺ: حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ، وَفِي الْقَبْرِ، وَعِنْدَ النُّشُورِ، وَعِنْدَ الْكِتَابِ، وَعِنْدَ الْحِسَابِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ الصُّرَاطِ (۱۲۸۲).

۱۰۲۸- الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَنْتَفِعُ بِهِ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ اللَّهِ (۱۲۸۳)، وَعِنْدَ الْمَوْتِ، وَعِنْدَ الْقَبْرِ، وَيَوْمَ الْحَشْرِ، وَعِنْدَ الْحَوْضِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ الصُّرَاطِ (۱۲۸۴).

مرکز تحقیقات کتب ویر علوم اسلامی  
۹/۶

## الثَّبَاتُ عَلَى الصُّرَاطِ

۱۰۲۹- رسول الله ﷺ: أَثْبِتْكُمْ عَلَى الصُّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي (۱۲۸۵).

۱۰۳۰- عنه ﷺ: أَثْبِتْكُمْ قَدَمًا عَلَى الصُّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي (۱۲۸۶).

۱۰۳۱- عنه ﷺ: مَا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ فَرَلْتُ بِهِ قَدَمٌ إِلَّا ثَبَّتَهُ قَدَمٌ أُخْرَى حَتَّى يُنْجِيَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۲۸۷).

۱۰۳۲- الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَجِدُ وَلِيًّا لَنَا تَرَلُّ قَدَمَاهُ جَمِيعًا، وَلَكِنْ إِذَا زَلَّتْ بِهِ قَدَمٌ اعْتَمَدَ عَلَى الْأُخْرَى حَتَّى تَرْجِعَ الَّتِي زَلَّتْ (۱۲۸۸).

۸/۶

### امان روز قیامت

۱۰۲۵ - پیامبر خدا ﷺ: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد، خداوند متعال روز قیامت، او را در امن و امان محشور فرماید.

۱۰۲۶ - پیامبر خدا ﷺ: بدانید که هر کس، آل محمد را دوست داشته باشد، از حساب و میزان و صراط در امان خواهد بود.

۱۰۲۷ - پیامبر خدا ﷺ: دوست داشتن من و دوست داشتن اهل بیت من، در هفت جای بسیار وحشتناک سود می بخشد: هنگام مردن، در قبر، روز محشر، هنگام دادن نامه اعمال، هنگام حساب، نزد میزان و در عبور از صراط.

۱۰۲۸ - امام صادق علیه السلام: دوست داشتن ما اهل بیت، در هفت جا مفید واقع می شود: در پیشگاه خدا، هنگام مردن، در قبر، روز محشر، در کنار حوض کوثر، نزد میزان و در عبور از صراط.



۹/۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

استواری بر صراط

۱۰۲۹ - پیامبر خدا ﷺ: استوارترین شما بر صراط، کسی است که علاقه اش نسبت به من و اهل بیت بیشتر باشد.

۱۰۳۰ - پیامبر خدا ﷺ: پابرجاترین شما بر صراط، کسی است که محبتش به اهل بیت من بیشتر باشد.

۱۰۳۱ - پیامبر خدا ﷺ: هیچ کس نیست که ما اهل بیت را دوست داشته باشد، مگر اینکه هر گاه یک گامش بلغزد، گام دیگرش او را استوار گرداند تا اینکه خداوند، در روز قیامت نجاتش بخشد.

۱۰۳۲ - امام صادق علیه السلام: هیچ یک از دوستان ما را نخواهی یافت که هر دو پایش بلغزد، بلکه هر گاه یک پایش بلغزد، به پای دیگر خود تکیه کند تا اینکه پای لغزیده اش به حال اول برگردد.

۱۰/۶

## النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ

۱۰۳۳ - رسول الله ﷺ - فِي بَيَانِ فَضْلِ فَاطِمَةَ ؑ يَوْمَ الْقِيَامَةِ -: يُوْحِي اللهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا: يَا فَاطِمَةُ، سَلِّينِي أُعْطِكَ، وَتَمَنِّي عَلَيَّ أَرْضُكَ. فَتَقُولُ: إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَفَوْقَ الْمُنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُحِبِّي وَمُحِبَّ عِزَّتِي بِالنَّارِ. فَيُوْحِي اللهُ إِلَيْهَا: يَا فَاطِمَةُ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي، لَقَدْ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي، مِنْ قَبْلِ أَنْ أُخْلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِأَلْفِي عَامٍ، أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُحِبِّكَ وَمُحِبِّي عِزَّتِكَ بِالنَّارِ (۱۲۸۹).

۱۰۳۴ - بِلَالُ بْنُ خَمَامَةَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فَقَالَ: مَا أَضْحَكَكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: بِشَارَةٌ أَتَنِي مِنْ عِنْدِ رَبِّي، إِنَّ اللَّهَ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَ عَلِيًّا فَاطِمَةَ أَمَرَ مَلَكًا أَنْ يَهْزُ شَجَرَةَ طُوبَى، فَهَزَّهَا فَتَنَثَرَتْ رِقَاقًا - يَعْنِي صِكَكَاءَ - وَأَنْشَأَ اللهُ مَلَائِكَةَ التَّقْطُوهَا، فَإِذَا كَانَتِ الْقِيَامَةُ ثَارَتِ الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلْقِ، فَلَا يَرُونَ مُحِبًّا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَحْضًا إِلَّا دَفَعُوا إِلَيْهِ مِنْهَا كِتَابًا: بَرَاءَةٌ لَهُ مِنَ النَّارِ. مِنْ أَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي فِكَأُ رِقَابِ رِجَالٍ وَنِسَاءٍ مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ (۱۲۹۰).

۱۰۳۵ - الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ، لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَوَلَّى الْأَئِمَّةَ ؑ فَتَمَسَّهُ النَّارُ (۱۲۹۱).



۱۰/۶

## رهایی از آتش دوزخ

۱۰۳۳- پیامبر خدا ﷺ در بیان فضیلت و مقام فاطمه علیها السلام در روز قیامت :- خداوند - تبارک و تعالی -

به او وحی می‌فرماید که: «ای فاطمه! از من بخواه تا به تو عطا کنم و از من تمنا کن تا راضیت گردانم». پس فاطمه گوید: خدای من! تو خود آرزویی و فوق آرزو هستی. از تو می‌خواهم که دوستدار من و دوستدار عترتم را به آتش، عذاب نکنی. خداوند به او وحی می‌فرماید که: «ای فاطمه! به عزت و جلال و عظمت مقام سوگند که من دو هزار سال پیش از آنکه آسمانها و زمین را بیافرینم، به خود سوگند خورده‌ام که دوستداران تو و دوستداران عترت را به آتش، عذاب نکنم».

۱۰۳۴- بلال بن حمامه: روزی رسول خدا ﷺ خندان و شادان به سوی ما آمد،

عبدالرحمان بن عوف عرض کرد: ای رسول خدا! برای چه می‌خندید؟ فرمود: «بشارتی از جانب پروردگارم به من رسید: هنگامی که خدا خواست فاطمه را به همسری علی در آورد، به فرشته‌ای دستور داد درخت طوبی را تکان دهد و او آن را تکان داد و اوراق مکتوبی پراکنده شدند. خداوند، فرشتگانی را ایجاد کرد که آنها را جمع کردند. پس چون قیامت شود، آن فرشتگان در میان خلائق بگردند و هریک از دوستداران مخلص ما اهل بیت را ببینند، یکی از آن نوشته‌ها را به او دهند که در آن نوشته شده است: این امان نامه‌ای از آتش است از جانب برادرم و پسر عمویم و دخترم برای رهایی مردان و زنانی از امتم از آتش دوزخ».

۱۰۳۵- امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند! هر بنده‌ای که خدا و رسولش را دوست داشته

و ولایت ائمه علیهم السلام را پذیرفته باشد و از دنیا برود، آتش دوزخ به او نمی‌رسد.

۱۱/۶

### الحَشْرُ مَعَ أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام

۱۰۳۶ - الإمام علی علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَٰذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۲۱۲).

۱۰۳۷ - عنه علیه السلام: عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَنَا وَفَاطِمَةُ وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ مُجْتَمِعُونَ وَمَنْ أَحَبَّنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ حَتَّى يُفَرَّقَ بَيْنَ الْعِبَادِ. فَبَلَغَ ذَلِكَ رَجُلًا مِنَ النَّاسِ، فَسَأَلَ عَنْهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: كَيْفَ بِالْعَرِضِ وَالْحِسَابِ؟ فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ كَانَ لِصَاحِبِ يَاسِينَ بِذَلِكَ حِينَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مِنْ سَاعَتِهِ؟ (۱۲۱۳)

۱۰۳۸ - رسول الله صلی الله علیه و آله: يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَحَبَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي كَهَاتَيْنِ - يَعْنِي السَّبَّابَتَيْنِ (۱۲۱۴) -

۱۰۳۹ - عنه علیه السلام: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَهْلَ بَيْتِي كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ - وَأَشَارَ بِالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى - (۱۲۱۵).

۱۰۴۰ - عنه علیه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ حُشِرَ مَعَنَا وَأَدْخَلْنَاهُ مَعَنَا الْجَنَّةَ (۱۲۱۶).

۱۰۴۱ - عنه علیه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا الْحَشْرَةَ اللَّهُ مَعَهُ (۱۲۱۷).

۱۰۴۲ - أبو ذرٍّ: قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، إِنِّي أَحِبُّ أَقْوَامًا مَا أَبْلُغُ أَعْمَالَهُمْ. فَقَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَلَهُ مَا اكْتَسَبَ. قُلْتُ: فَإِنِّي أَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ. قَالَ: فَإِنَّكَ مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ (۱۲۱۸).



۱۱/۶

## محشور شدن با اهل بیت

۱۰۳۶- امام علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: «هر که مرا و این دو و پدر و مادر این دو را دوست داشته باشد، روز قیامت در کنارم هم درجه من خواهد بود».

۱۰۳۷- امام علی علیه السلام: از قول پیامبر صلی الله علیه و آله - در روز قیامت، من و فاطمه و حسن و حسین و دوستداران ما گرد هم می‌آییم و می‌خوریم و می‌آشامیم تا زمانی که حسابرسی بندگان تمام شود. این خبر به گوش یکی از مردم رسید و درباره آن سؤال کرد و من خبر را برای او گفتم. او گفت: پس عرضه اعمال و حسابرسی، چه می‌شود؟ من به او گفتم: این امر برای صاحب یاسین<sup>(۱)</sup> چگونه بود، حال آنکه در دم به بهشت می‌رفت؟

۱۰۳۸- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بیت من و کسانی از امت من که آنان را دوست دارند، مانند این دو - یعنی: دو انگشت اشاره که در پهلوی هم قرار گرفته باشند - در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شوند.

۱۰۳۹- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که من و اهل بیتم را دوست داشته باشد، ما و او مانند این دو [حضرت انگشت اشاره و میانه خود را نشان داد] خواهیم بود.

۱۰۴۰- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ما اهل بیت را به خاطر خدا دوست داشته باشد، با ما محشور شود و او را با خود به بهشت بریم.

۱۰۴۱- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ما را دوست بدارد، روز قیامت با ما خواهد بود. انسان، حتی اگر سنگی را دوست بدارد، خداوند او را با همان سنگ محشور می‌کند.

۱۰۴۲- ابوذر: عرض کردم: ای پیامبر خدا! من مردی را دوست دارم؛ اما در اعمالشان به پای آنها نمی‌رسم. حضرت فرمود: «ای ابوذر! آدمی با کسی محشور می‌شود که دوستش می‌دارد و نتیجه عمل خود را می‌بیند». عرض کردم: من، خدا و رسول خدا و اهل بیت پیامبرش را دوست دارم. فرمود: «پس تو با همان کسی محشور می‌شوی که دوست داری».

(۱) گویی اشاره به آیه: ۲۰ تا ۲۷ سوره «یاسین» باشد که میان ایمان و دعوتش از مردم و ورود به بهشت هیچ فاصله‌ای

حتی شهادتش را ذکر نمی‌کند.

۱۰۳۳- الإمام الحسين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا يُحِبُّهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ - وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى - <sup>(۱۳۱۱)</sup>.

۱۰۳۴- عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلَى نَبِينَا عليه السلام هَكَذَا - وَضَمَّ إصْبَعَيْهِ - وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْعُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ <sup>(۱۳۱۰)</sup>.

۱۰۳۵- عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلَّهِ جِئْنَا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ - وَقَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ -، وَمَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ <sup>(۱۳۱۱)</sup>.

۱۰۳۶- الإمام زين العابدين عليه السلام: قَصِيرَةٌ مِنْ طَوِيلَةٍ <sup>(۱۳۱۲)</sup>: مَنْ أَحَبَّنَا لَا لِدُنْيَا يُصِيبُهَا مِنَّا، وَعَادَى عَدُوَّنَا لَا لِشَحْنَاءٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ، أَتَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَإِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَعَلِيٍّ عليه السلام <sup>(۱۳۰۳)</sup> وَآلِهِمْ <sup>(۱۳۰۳)</sup>.

۱۰۳۷- بُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيُّ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَاسَانَ مَاشِيًا، فَأَخْرَجَ رَجُلِيهِ وَقَدْ تَغَلَّفَتْما وَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ، مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَاللَّهِ، لَوْ أَحَبَّنَا حَجَرٌ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا، وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ <sup>(۱۳۰۴)</sup>.

۱۰۳۸- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لَمْ يُحِبَّنَا لِقَرَابَةٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَلَا لِمَعْرِوفٍ أَسَدَيْنَاهُ إِلَيْهِ، إِنَّمَا أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، فَمَنْ أَحَبَّنَا جَاءَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ - وَقَرَنَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ - <sup>(۱۳۰۵)</sup>.

۱۰۳۹- يَوْسُفُ بْنُ ثَابِتٍ بْنِ أَبِي سَعِيدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُمْ قَالُوا حِينَ دَخَلُوا عَلَيْهِ:

۱۰۴۳- امام حسین علیه السلام: هر که ما را به خاطر دنیا دوست بدارد، [باید بداند که] دنیا دار را خوب و بد، دوست دارند و هر کس ما را برای خدا دوست بدارد، ما و او در روز قیامت، مانند این دو خواهیم بود [وانگشت اشاره و میانه خود را نشان داد].

۱۰۴۴- امام حسین علیه السلام: هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد، من و او این چنین [حضرت دو انگشت خود را به هم چسباند] بر پیامبرمان صلی الله علیه و آله وارد خواهیم شد و هر که ما را به خاطر دنیا دوست بدارد، (بداند که) دنیا نیکوکار و بدکار را در بر می گیرد.

۱۰۴۵- امام حسین علیه السلام: هر که ما را دوست بدارد و این محبت او جز به خاطر خدا نباشد، [در روز قیامت] ما و او مانند این دو [حضرت دو انگشت اشاره اش را به موازات هم قرار داد] وارد می شویم و هر که ما را دوست بدارد و این محبت او جز برای دنیا نباشد، [باید بداند که] هرگاه برپا کننده عدالت قیام کند، عدالت و دادگری او شامل نیکوکار و بدکار خواهد شد.

۱۰۴۶- امام سجاده علیه السلام: سخن کوتاه: هر کس ما را دوست بدارد، اما نه به خاطر آنکه از قبل ما به دنیایی برسد و دشمن ما را دشمن بدارد، لیکن نه به سبب کینه ای که میان آن دو است، روز قیامت به همراه محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام به پیشگاه خدا در آید. *کتاب تهذیب علوم اسلامی*

۱۰۴۷- بُرید بن معاویه عجل: در خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که مردی بر او وارد شد که با پای پیاده از خراسان آمده بود. او دو پای خود را که پوست انداخته بود، نشان داد و عرض کرد: به خدا قسم که مرا چیزی جز محبت شما اهل بیت، از خراسان به اینجا نکشاند. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، اگر حتی سنگی، ما را دوست داشته باشد، خداوند او را با ما محشور می کند. مگر دین، چیزی جز محبت است.»

۱۰۴۸- امام صادق علیه السلام: هر کس ما را دوست بدارد نه به خاطر قرابتی که میان ما و اوست و یا به خاطر خوبی و احسانی که به او کرده ایم، بلکه فقط به خاطر خدا و رسول او ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما مانند این دو [حضرت، دو انگشت اشاره خود را به هم نزدیک کرد] وارد خواهد شد.

۱۰۴۹- یوسف بن ثابت بن ابی سعیده: آنان هنگامی که بر امام صادق علیه السلام وارد شدند

إِنَّمَا أَحَبَبْنَاكُمْ لِقَرَابَتِكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَلِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ حَقِّكُمْ، مَا أَحَبَبْنَاكُمْ لِلدُّنْيَا نُصِيئُهَا مِنْكُمْ إِلَّا لِوَجْهِ اللَّهِ وَالِدَارِ الْآخِرَةِ، وَلِيَصْلَحَ لِمَرِيٍّ مِنْ دِينِهِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: صَدَقْتُمْ صَدَقْتُمْ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا - أَوْ جَاءَ مَعَنَا - (۱۳۰۷) يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَكَذَا - ثُمَّ جَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَتَيْنِ - (۱۳۰۷).

۱۰۵۰ - الْحَكَمُ بْنُ عُثَيْبَةَ: بَيْنَا أَنَا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ وَالْبَيْتُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ إِذْ أَقْبَلَ شَيْخٌ يَتَكَبَّرُ عَلَى عَنَزَةٍ (۱۳۰۸) لَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، ثُمَّ سَكَتَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ بِوَجْهِهِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، ثُمَّ سَكَتَ حَتَّى أَجَابَهُ الْقَوْمُ جَمِيعًا وَرَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامَ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ ثُمَّ قَالَ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَدْنِي مِنْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ، وَوَاللَّهِ مَا أُحِبُّكُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ لَطَمَعَ فِي دُنْيَا، وَ (اللَّهُ) إِنِّي لَا أَبْغِضُ عَدُوَّكُمْ وَأَبْرَأُ مِنْهُ، وَوَاللَّهِ مَا أَبْغِضُهُ وَأَبْرَأُ مِنْهُ لَوْ تَرِ (۱۳۰۹) كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَاللَّهُ إِنِّي لَأُحِلُّ حَلَالَكُمْ، وَأُحَرِّمُ حَرَامَكُمْ، وَأَنْتَظِرُ أَمْرَكُمْ، فَهَلْ تَرْجُو لِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: إِلَيَّ إِلَيَّ، حَتَّى أَقْعَدَهُ إِلَى جَنْبِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الشَّيْخُ، إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ﷺ أَتَاهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْ مِثْلِ الَّذِي سَأَلْتَنِي عَنْهُ فَقَالَ لَهُ أَبِي ﷺ: إِنْ تَمُتَ تَرِدْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَيُثَلِّجُ قَلْبُكَ، وَيَبْرُدُ فُؤَادُكَ، وَتَقَرَّ عَيْنُكَ،

عرض کردند: ما شما را فقط به خاطر خویشاوندی با رسول خدا ﷺ و به خاطر حقّی که خداوند ﷻ - برایتان واجب فرموده است، دوست می‌داریم. ما شما را برای این دوست نمی‌داریم که از قبّلتان به دنیایی برسیم، بلکه فقط به خاطر خدا و قیامت و برای اینکه هر یک از ما دینش را درست کرده باشد، دوست داریم. حضرت فرمود: «راست می‌گویید. راست می‌گویید». سپس فرمود: «هر که ما را دوست داشته باشد، در روز قیامت این چنین [دو انگشت اشاره‌اش را در کنار هم گذاشت] با ما خواهد بود».

۱۰۵۰ - حکم بن عتیبه: من در خدمت امام باقر ﷺ بودم و اتاق از جمعیت، پر بود. ناگاه پیرمردی تکیه زنان بر عصای خود آمد و جلوی در اتاق ایستاد و گفت: السلام علیک یا بن رسول الله و رحمة الله و برکاته و ساکت شد. حضرت جواب داد: «وعلیک السلام و رحمة الله و برکاته».

سپس پیرمرد، رو به جمعیت داخل اتاق کرد و گفت: السلام علیکم و خاموش شد تا اینکه آن جمعیت، همگی جواب سلام او را دادند. آن گاه رو به امام باقر ﷺ کرد و گفت: یا بن رسول الله! خدا مرا فدایت کند! مرا نزدیک خود بنشان؛ زیرا که به خدا سوگند، من شما و دوستداران شما را دوست دارم. به خدا قسم! من شما و دوستداران شما را برای طمع در دنیا دوست ندارم. به خدا قسم! من از دشمن شما نفرت دارم و از او بیزارم. به خدا قسم! نفرت و بیزاری من از او به خاطر این نیست که میان من و او کینه و عداوتی باشد. به خدا قسم! من، آنچه را شما حلال شمارید، حلال می‌شمارم و آنچه را شما حرام دانید، حرام می‌دانم و منتظر امر (حکومت) شما هستم. فدایت شوم! آیا با چنین وضعی، برای من امید (رستگاری و نجات) داری؟

حضرت ﷺ فرمود: «جلوتر بیا. جلوتر بیا» تا اینکه حضرت، او را پهلوی خود نشانند. سپس فرمود: «ای شیخ! مردی نزد پدرم علی بن الحسین ﷺ آمد و از او همین سؤال را کرد که تو از من پرسیدی و پدرم به او فرمود: "تو اگر از دنیا بروی، بر رسول خدا ﷺ و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین

وَتُسْتَقْبَلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغْتَ نَفْسُكَ هَاهُنَا  
- وَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ - وَإِنْ تَعِشَ تَرَى مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنَكَ، وَتَكُونُ مَعَنَا فِي  
السَّنَامِ الْأَعْلَى.

(فَقَالَ الشَّيْخُ: كَيْفَ قُلْتَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ؟ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ، فَقَالَ  
الشَّيْخُ: اللَّهُ أَكْبَرُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ، إِنْ أَنَا مُتُّ أَرِدَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَى عَلِيٍّ  
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ، وَتَقَرَّرَ عَيْنِي، وَيَشْلُجَ قَلْبِي،  
وَيَبْرُدُ فُؤَادِي، وَأُسْتَقْبَلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغْتَ  
نَفْسِي إِلَى هَاهُنَا، وَإِنْ أُعِشَ أَرَى مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنِي فَأَكُونُ مَعَكُمْ فِي السَّنَامِ  
الْأَعْلَى! ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ يَنْتَجِبُ، يَنْشِجُ هَاهَا حَتَّى لَصِقَ بِالْأَرْضِ،  
وَأَقْبَلَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَنْتَجِبُونَ وَيَنْشِجُونَ لِمَا يَرَوْنَ مِنْ حَالِ الشَّيْخِ، وَأَقْبَلَ  
أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ يَمْسَحُ بِأَصْبَعِهِ الدَّمْعَ مِنْ حَمَالِيقِ<sup>(۳۱۰)</sup> عَيْنَيْهِ وَيَنْفُضُهَا.

ثُمَّ رَفَعَ الشَّيْخُ رَأْسَهُ، فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، نَاوِلْنِي  
يَدَكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ. فَنَاوَلَهُ يَدَهُ، فَقَبَّلَهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَخَدَّهُ، ثُمَّ  
حَسَرَ<sup>(۳۱۱)</sup> عَنْ بَطْنِهِ وَصَدْرِهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى بَطْنِهِ وَصَدْرِهِ، ثُمَّ قَامَ فَقَالَ:  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ يَنْظُرُ فِي قَفَاهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ  
عَلَى الْقَوْمِ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ  
إِلَى هَذَا.

فَقَالَ الْحَكَمُ بْنُ عُتَيْبَةَ: لَمْ أَرِ مَاتِمًا قَطُّ يُشَبِّهُ ذَلِكَ الْمَجْلِسَ<sup>(۳۱۲)</sup>.

وارد خواهی شد و قلبت شاد و دلت خنک و دیدگانت روشن خواهد شد و آن گاه که نفست به اینجا [حضرت با دست خود به گلویش اشاره فرمود] رسد، کرام الکاتبین با شور و شادی به استقبال خواهند آمد و اگر زنده بمانی، شاهد چیزی خواهی بود [قیام قائم و حکومت اهل بیت] که خداوند، با آن، دیدگانت را روشن گرداند و با ما در عالی ترین مراتب خواهی بود.»

پیرمرد گفت: چه فرمودی ای ابوجعفر؟ حضرت سخن خود را برایش تکرار کرد. پیرمرد گفت: الله اکبر، ای ابو جعفر! اگر از دنیا بروم، بر رسول خدا ﷺ و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین ﷺ وارد خواهم شد و دیدگانت روشن و قلبم شاد و دلم خنک خواهد گشت و آن گاه که نفسم به اینجا رسد، کرام الکاتبین با شور و شادی به استقبال خواهند آمد و اگر زنده بمانم، شاهد چیزی خواهم بود که خداوند به سبب آن، چشم مرا روشن گرداند و با شما در عالی ترین مراتب باشم؟ سپس پیرمرد با آوای بلند گریست و حق کنان اشک ریخت تا جایی که به زمین چسبید. حاضران در خانه نیز با دیدن حال پیرمرد، بلند بلند گریستند و حق کنان اشک ریختند. امام باقر ﷺ پیش آمد و با انگشت خود، اشکهای او را از پلکهایش پاک می کرد و به زمین می ریخت.

سپس پیرمرد سرش را بلند کرد و به حضرت ﷺ عرض کرد: یا بن رسول الله! فدایت شوم! دستت را به من بده. حضرت دست خود را به او داد. پیرمرد آن را بوسید و بر دیده و گونه خود نهاد. سپس پیراهن خود را از روی شکم و سینه اش کنار زد و دست حضرت را بر شکم و سینه خود نهاد و آن گاه برخاست و خدا حافظی کرد و رفت.

حضرت باقر ﷺ به پشت سر او نگاه می کرد. سپس رو به جمعیت کرد و فرمود: «هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند، به این مرد بنگرد». حکم بن عیینه گوید: من در عَمرم مجلس عزایی مانند آن مجلس ندیدم.



١٢/٦

## الجنة

١٠٥١- خُذِيفَةُ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، جَدُّ الْحُسَيْنِ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ جَدِّ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ، وَإِنَّ الْحُسَيْنَ فِي الْجَنَّةِ وَأَبَاهُ فِي الْجَنَّةِ وَأُمُّهُ فِي الْجَنَّةِ وَأَخَاهُ فِي الْجَنَّةِ وَمُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَمُحِبٌّ مُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ. (١٣١٣)

١٠٥٢- الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ، فَلَمَّا رَكِبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: رَأَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ! قَالَ: نَعَمْ، أَتَانِي جِبْرِئِيلُ ﷺ فَبَشَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَفَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَمَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَمَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ (فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى) (١٣١٤).

١٠٥٣- جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: بَيْنَا نَحْنُ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي مَسْجِدِهِ بِالْمَدِينَةِ فَذَكَرَ بَعْضُ الصَّحَابَةِ الْجَنَّةَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ لَوَاءً مِنْ نُورٍ وَعَمُودُهُ مِنْ زَبْرَجَدٍ، خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاءَ بِأَلْفِي عَامٍ، مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَآلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَكْرَمُ الْقَوْمِ.

فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ عَلِيُّ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَأَكْرَمَنَا بِكَ وَشَرَّفَنَا

۱۲/۶

## بهشت

۱۰۵۱- حذیفه: دیدم رسول خدا ﷺ دست حسین بن علی را گرفت و فرمود: «ای مردم! جدّ حسین نزد خداوند گرامی تر از جدّ یوسف بن یعقوب است. حسین، اهل بهشت است و پدر او اهل بهشت است و مادرش اهل بهشت است و برادرش اهل بهشت است و دوستدار آنان اهل بهشت است و دوستدار دوستدار آنان نیز اهل بهشت است».

۱۰۵۲- امام صادق علیه السلام: رسول خدا ﷺ در سفری از مرکب خود پیاده شد و پنج سجده به جای آورد. چون بر مرکب نشست، یکی از اصحابش عرض کرد: ای رسول خدا! ما کاری از شما دیدیم که قبلاً نکرده بودید! حضرت فرمود: «آری. جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و بشارت داد که علی اهل بهشت است و من به شکرانه آن در پیشگاه خدای متعال سجده کردم. چون سر برداشتم، گفتم: فاطمه هم اهل بهشت است؛ و من به شکرانه آن نیز خدای متعال را سجده کردم. چون سر برداشتم، گفتم: حسن و حسین، سرور جوانان بهشتی اند؛ و من باز به شکرانه آن، خدای متعال را سجده کردم. چون سر برداشتم، گفتم: دوستدار آنان نیز اهل بهشت است؛ و من برای خدای متعال، سجده شکر به جای آوردم. چون سر برداشتم گفتم: و هر کس دوستدار ایشان را دوست بدارد، او نیز اهل بهشت است؛ و من باز به شکرانه آن، در پیشگاه خدای متعال سجده کردم».

۱۰۵۳- جابر بن عبدالله انصاری: ما در مسجد رسول خدا در مدینه نزد آن حضرت بودیم که یکی از صحابه، سخن از بهشت به میان آورد. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند، بیرقی از نور دارد که دسته‌اش از زبرجد است. خداوند متعال، دو هزار سال پیش از آنکه آسمان را بیافریند، این بیرق را آفرید و بر آن نوشته شده است: «معبودی جز الله نیست. محمد، فرستاده خداست و آل محمد، بهترین مردم اند» و تو ای علی! گرامی ترین خلق هستی».

در این هنگام علی علیه السلام گفت: سپاس و ستایش خدای را که ما را بدین رهنمون شد و به واسطه تو ما را کرامت و شرافت بخشید. رسول خدا ﷺ

بِكَ، فَقَالَ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ أَحَبَّنَا وَاتَّخَذَ مَحَبَّتَنَا أَسْكَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَنَا، وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ (١٣١٥).

١٠٥٤- رسول الله ﷺ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّ وَلَدَكَ فَقَدْ أَحَبَّكَ، وَمَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ. وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَكَ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ (١٣١٦).

١٠٥٥- عنه ﷺ: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ كُنْتُ أَنَا وَهُوَ فِي عِلِّيِّينَ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَا بِلِسَانِهِ وَكَفَّ يَدَهُ فَهُوَ فِي الدَّرَجَةِ الَّتِي تَلِيهَا، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَكَفَّ عَنَّا لِسَانَهُ وَيَدَهُ فَهُوَ فِي الدَّرَجَةِ الَّتِي تَلِيهَا (١٣١٧).

١٠٥٦- عنه ﷺ: فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ، فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَنَا بِلِسَانِهِ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّالِثَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ (١٣١٨).

١٠٥٧- الإمام علي ﷺ: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَا بِلِسَانِهِ وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَا بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَتَيْنِ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنَّا بِلِسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ (١٣١٩).

١٠٥٨- يُرَوَّى أَنَّهُ [عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ] مَرِضٌ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَعُودُونَهُ، فَقَالُوا: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ فَدَتَكَ أَنْفُسُنَا؟ قَالَ: فِي عَافِيَةٍ وَاللَّهُ الْمَحْمُودُ عَلَى ذَلِكَ، فَكَيْفَ أَصْبَحْتُمْ أَنْتُمْ جَمِيعًا؟ قَالُوا: أَصْبَحْنَا وَاللَّهُ لَكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُحِبِّينَ وَادِّينَ، فَقَالَ

فرمود: «ای علی! آیا نمی‌دانی که هرکس ما را دوست بدارد و دوستی ما را به دل گیرد، خداوند متعال او را با ما سکونت می‌دهد» و این آیه را تلاوت فرمود: «در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانا».

۱۰۵۴- پیامبر خدا ﷺ: ای علی! هرکس فرزندان تو را دوست بدارد، تو را دوست داشته است و هرکس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هرکس مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هرکس خدا را دوست بدارد، خداوند او را به بهشت برد و هرکس فرزندان تو را دشمن بدارد، تو را دشمن داشته است و هرکس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و هرکس مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است و هرکس خدا را دشمن بدارد، بر خداوند، سزاوار است که او را به دوزخ برد.

۱۰۵۵- پیامبر خدا ﷺ: هرکس ما را در دل دوست بدارد و با دست و زبانش یاریمان رساند، من و او در علتین خواهیم بود و هرکس ما را در دل دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند، اما با دست خود، ما را یاری نرساند، در درجه پایین‌تر آن خواهد بود و هرکس ما را در دل دوست بدارد، اما دست و زبانش را از ما دریغ کند، در درجه فروتر قرار خواهد گرفت.

۱۰۵۶- پیامبر خدا ﷺ: بهشت، سه درجه دارد و دوزخ، سه درجه نزولی یا طبقه زیرین]. بالاترین درجه بهشت برای کسی است که در دل، ما را دوست بدارد و با زبان و دستش یاریمان کند. در درجه دوم کسی جای می‌گیرد که در دل، ما را دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند و در درجه سوم، کسی قرار می‌گیرد که در دل، ما را دوست بدارد.

۱۰۵۷- امام علی علیه السلام: هر که در دل، ما را دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند و در کنار ما عملاً با دشمنانمان بجنگد، در بهشت با ما هم‌درجه خواهد بود و هر که در دل، ما را دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند، ولی در کنار ما با دشمنانمان نجنگد، دو درجه پایین‌تر از آن قرار خواهد گرفت و هر که در دل، ما را دوست بدارد، اما با زبان و دست خود یاریمان نرساند، او نیز در بهشت خواهد بود.

۱۰۵۸- روایت می‌شود: امام سجاد علیه السلام بیمار شد. جماعتی از اصحاب رسول خدا ﷺ به عیادت آن حضرت آمدند و عرض کردند: فدایت شویم یا بن رسول الله!

لَهُمْ: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ أَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ،  
وَمَنْ أَحَبَّنَا يُرِيدُ مُكَافَأَتَنَا كَافَأَهُ اللَّهُ عَنَّا الْجَنَّةَ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِفَرْضِ دُنْيَا آتَاهُ  
اللَّهُ رِزْقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ<sup>(۱۳۲۰)</sup>.

۱۰۵۹- یونس<sup>(۱۳۲۱)</sup>: قُلْتُ لِلصَّادِقِ<sup>(ع)</sup>: لَوْلَا نِي لَكُمْ وَمَا عَرَّفَنِي اللَّهُ مِنْ حَقِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ  
مِنَ الدُّنْيَا بِحُذَافِيرِهَا. - قَالَ يُونُسُ: - فَتَبَيَّنْتُ الْغَضَبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ<sup>(ع)</sup>: يَا  
يُونُسُ، قِسْتَنَا بِغَيْرِ قِيَاسٍ، مَا الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا هَلْ هِيَ إِلَّا سَدُّ فَوْرَةٍ، أَوْ سَتْرُ  
عَوْرَةٍ؟ وَأَنْتَ لَكَ بِمَحَبَّتِنَا الْحَيَاةُ الدَّائِمَةُ<sup>(۱۳۲۲)</sup>.

۱۳/۶

### خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۱۰۶۰- رسول الله<sup>(ص)</sup>: مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ  
مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، وَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي،  
وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، فَوَاللَّهِ مَا أَحَبَّهُمْ  
أَحَدٌ إِلَّا رُبِحَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ<sup>(۱۳۲۳)</sup>.



حالتان چگونه است؟ فرمود: «بحمدالله، خوبم. شما در چه حال اید؟» عرض کردند: به خدا قسم، یابن رسول الله که همگی دوستدار و علاقه‌مند شما هستیم. حضرت فرمود: «هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد، خداوند در روز قیامت که سایه‌ای جز سایه او نیست، وی را در سایه‌ای پایدار جای دهد و هرکس ما را به خاطر پاداش ما دوست بدارد، خداوند از جانب ما به او بهشت را پاداش خواهد داد و هرکس، ما را به خاطر مقصودی دنیایی دوست بدارد، خداوند روزی او را از جایی که گمانش را نمی‌برد، برساند».

۱۰۵۹ - یونس: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: علاقه‌مندی من به شما و شناختی که خداوند درباره حق شما به من داده، مرا خوش‌تر از ملک سراسر دنیا است. پس آثار خشم را در چهره امام مشاهده کردم. سپس حضرت فرمود: «ای یونس! مقایسه‌ای نادرست کردی. دنیا و آنچه در آن است، چیست؟ آیا آن، چیزی جز سیر شدن شکمی و پوشاندن عورتی است، در حالی که تو با دوستداری ما به زندگی جاوید دست می‌یابی».

مرکز تحقیقات کامیون علوم اسلامی  
۱۳/۶

## خیر دنیا و آخرت

۱۰۶۰ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خواهان توکل کردن به خداست، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که خواهان رستن از عذاب قبر است، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که خواهان حکمت است، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که می‌خواهد بی حساب به بهشت رود، اهل بیت مرا دوست بدارد؛ زیرا به خدا سوگند، هیچ کس دوستدار آنان نشد، مگر اینکه دنیا و آخرت را بُرد.

دک ۱ ص ۶۷۵ / ۱۰۶۱.

## الفصل السابع

### جَوَامِعُ آثَارِ حُبِّهِمْ

١٠٦١- رسول الله ﷺ: مَنْ رَزَقَهُ اللهُ حُبَّ الْأُئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَلَا يَشُكَّنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً، عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا، وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ.

أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَالزُّهْدُ، وَالْجِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ، وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالتَّاسِيعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا، وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ، وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ، وَتُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيَبْيَضُّ وَجْهُهُ، وَيُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ، وَيُشَفَّعُ فِي مِائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَيُتَوَّجُ مِنْ تِيجَانِ الْجَنَّةِ، وَالْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي (١٣٢١).



## فصل هفتم

### کلیات آثار دوستی اهل بیت

۱۰۶۱ - پیامبر خدا ﷺ: هر که خداوند، محبت اهل بیت مرا روزیش کند، بی گمان به خیر دنیا و آخرت رسیده است و در اینکه او اهل بهشت است، احدی نباید شک کند؛ زیرا دوست داشتن اهل بیت من، بیست نتیجه به بار می آورد، ده تا در دنیا و ده تا در آخرت.

اما نتایج آن در دنیا عبارت‌اند از: زهد، شوق به کار و عمل، پارسایی در دین، رغبت به عبادت، توبه پیش از مرگ، نشاط در شب زنده‌داری، چشم برکندن از آنچه مردم دارند، حفظ اوامر و نواهی خداوند ﷻ - نهم: دشمن داشتن دنیا و دهم: سخاوت و بخشندگی .

و اما نتایج آن در آخرت: نامه اعمالی برایش گشوده نمی‌شود، میزانی برایش برپا نمی‌شود، نامه اعمالش به دست راست او داده می‌شود، براب آزادی از آتش دوزخ برایش نوشته می‌شود، رو سفید می‌شود، از جامه‌های بهشت بر قامت او پوشیده می‌شود، شفاعت او درباره صدنفر از خانواده‌اش پذیرفته می‌گردد، خداوند ﷻ - به او با مهر و رحمت می‌نگرد، از تاجهای بهشت بر سرش می‌نهند و دهم اینکه بدون حسابرسی به بهشت می‌رود. پس خوشا به حال دوستداران اهل بیت من!

۱۰۶۲ - عنه علیه السلام: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُزَفُّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ (۱۳۲۵).

۱۰۶۳ - الإمام علي عليه السلام - لِلْحَارِثِ الْأَعْوَرِ -: لَيَنْفَعَنَّكَ حُبُّنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ : عِنْدَ نَزْوِلِ مَلَكِ الْمَوْتِ ، وَعِنْدَ مَسْأَلَتِكَ فِي قَبْرِكَ ، وَعِنْدَ مَوْقِفِكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ (۱۳۲۶).

۱۰۶۴ - عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَظَّمَ إِحْسَانُهُ وَرَجَحَ مِيزَانُهُ ، وَقَبِلَ عَمَلُهُ وَغُفِرَ زَلَلُهُ ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا لَا يَنْفَعُهُ إِسْلَامُهُ (۱۳۲۷).

۱۰۶۲ - پیامبر خدا ﷺ: هر که با دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.  
بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، آمرزیده از دنیا رفته است.  
بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، توبه‌گر از دنیا رفته است.  
بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، مؤمن و با ایمان کامل از دنیا رفته است.

بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، ابتدا فرشته مرگ و سپس منکر و نکیر، مرده بهشت به او دهند.  
بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، همان گونه که عروس را به خانه شوهرش می‌فرستند، او را به سوی بهشت روانه کنند.  
بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، دو در در، قبر به سوی بهشت باز شود.

بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، خداوند، گور وی را مزار فرشتگان رحمت قرار دهد.  
بدانید که هرکس با دوستی آل محمد بمیرد، بر طریق سنت و جماعت از دنیا رفته است.

۱۰۶۳ - امام علی علیه السلام: به حارث اعور - :علاقه و محبت به ما بی‌گمان در سه جا تو را سود خواهد بخشید: هنگام فرود آمدن فرشته مرگ، هنگام سؤال قبر و آن‌گاه که در پیشگاه خداوند بایستی.

۱۰۶۴ - امام علی علیه السلام: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد، نیکوکاری او زیاد شود و در ترازوی اعمالش کفه حسناتش سنگین‌تر شود و عملش پذیرفته (درگاه حق) گردد و لغزشهایش بخشوده شود و کسی که ما را دشمن بدارد، اسلامش او را سودی نبخشد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش دهم

# دشمنی با اهل بیت



فصلهای این بخش :

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فصل یکم : بر حذر داشتن از دشمنی با اهل بیت

فصل دوم : آثار دشمن داشتن اهل بیت

## الفصل الأول

### التَّحْذِيرُ مِنْ بُغْضِهِمْ

١٠٦٥ - رسول الله ﷺ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ، فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَالْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ (١٣٢٨).

١٠٦٦ - عنه ﷺ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي بَعْدَ ثَقْبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا اثْنِي عَشَرَ - ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صُلْبِ الْحُسَيْنِ ﷺ وَقَالَ: - مِنْ صُلْبِهِ تِسْعَةٌ أُئِمَّةٌ أَبْرَارٌ، وَالتَّاسِعُ مَهْدِيُّهُمْ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِيهِمْ (١٣٢٩).

١٠٦٧ - عنه ﷺ: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصَّافَا وَالْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنَا لِأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مِنْخَرِيهِ فِي النَّارِ، ثُمَّ تَلَا: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (١٣٣٠).

١٠٦٨ - عنه ﷺ: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ، ثُمَّ أَتَى اللَّهَ بِبُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ عَمَلَهُ (١٣٣١).

١٠٦٩ - عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْآكِلَ فَوْقَ شَبْعِهِ، وَالْغَافِلَ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ، وَالتَّارِكَ

## فصل یکم

### بر حذر داشتن از دشمنی با اهل بیت

- ۱۰۶۵ - پیامبر خدا ﷺ: امامان پس از من، دوازده نفرند که نه تن آنان از صلب حسین می‌باشند و نهمین آنان قائمشان است. پس خوشا به حال کسی که آنان را دوست بدارد و بدا به حال کسی که ایشان را دشمن بدارد!
- ۱۰۶۶ - پیامبر خدا ﷺ: امامان پس از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل اند که دوازده نفر بودند. [سپس حضرت، دست خود را بر پشت حسین ﷺ نهاد و فرمود:] از پشت این، نه امام پاک، پا به عرصه هستی می‌گذارند که نهمین نفر، مهدی آنان است. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است. پس وای بر کسانی که آنان را دشمن بدارند!
- ۱۰۶۷ - پیامبر خدا ﷺ: «اگر بنده‌ای هزار سال در میان صفا و مروه خدا را عبادت کند و هزار سال دیگر و هزار سال دیگر، اما محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را در آتش دوزخ سرنگون سازد». سپس حضرت، این آیه را تلاوت کرد: «بگو: من برای آن (رسالت) از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن خویشاوندان را».
- ۱۰۶۸ - پیامبر خدا ﷺ: «اگر بنده‌ای هزار سال، خدا را عبادت کند و سپس چون قوچ قربانی شود، اما با بغض نسبت به ما اهل بیت نزد خداوند آید، خدا عملش را به خودش بر می‌گرداند».
- ۱۰۶۹ - پیامبر خدا ﷺ: خداوند نفرت دارد از کسی که از روی سیری چیزی بخورد و از



لِسُنَّةِ نَبِيِّهِ، وَالْمُخْفِرِ ذِمَّتَهُ، وَالْمُبْغِضِ عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، وَالْمُوْذِي جِيرَانَهُ (١٣٣١).

١٠٧٠ - عنه عليه السلام: لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خُبَّتْ وَلَا دَتَّهُ (١٣٣٢).

١٠٧١ - الإمام علي عليه السلام: أَشَدُّ الْعَمَى مَنْ عَمِيَ عَنْ فَضْلِنَا وَنَاصَبَنَا الْعَدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ سَبَقَ إِلَيْهِ مِنَّا، إِلَّا أَنَا دَعَوْنَا إِلَى الْحَقِّ، وَدَعَاهُ مَنْ سَوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالْدُّنْيَا، فَأَتَاهُمَا وَنَصَبَ الْبِرَاءَةَ مِنَّا وَالْعَدَاوَةَ لَنَا (١٣٣٣).

١٠٧٢ - عنه عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جُنَّةً (١٣٣٤) حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً، فَإِذَا عَمِلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَبْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا. فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ، حَتَّى يَمْتَدِّحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ، هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكِبَهُ، وَإِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ. فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ، هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ، فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ: لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكُمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ (١٣٣٥).

١٠٧٣ - جَمِيلُ بْنُ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِيهِ النَّخْعِيِّ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا مُيَسَّرُ، أَيُّ الْبُلْدَانِ أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ قَالَ: فَمَا كَانَ مِنَّا أَحَدٌ يُجِيبُهُ حَتَّى كَانَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ، فَقَالَ: مَكَّةُ، فَقَالَ: أَيُّ بِقَاعِهَا أَعْظَمُ حُرْمَةً؟

قَالَ: فَمَا كَانَ مِنَّا أَحَدٌ يُجِيبُهُ حَتَّى كَانَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ، فَقَالَ: مَا بَيْنَ الرُّكْنِ إِلَى الْحَجَرِ، وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ حَتَّى يَنْقَطِعَ عِلْبَاؤُهُ (١٣٣٦) هَرَمًا ثُمَّ أَتَى اللَّهَ يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَرَدِّ اللَّهِ عَلَيْهِ عَمَلَهُ (١٣٣٧).

کسی که از طاعت پروردگارش غافل گردد و از کسی که سنت پیامبر او را فرو گذارد و از کسی که پیمان او را بشکنند و از کسی که عترت پیامبر او را دشمن دارد و از کسی که همسایگانش را بیازارد.

۱۰۷۰ - پیامبر خدا ﷺ: ما را دشمن ندارد، مگر کسی که ناپاکزاده باشد.

۱۰۷۱ - امام علی علیه السلام: بدترین کوری، کوری کسی است که از دیدن برتری ما کور باشد و بی آنکه از ما نسبت به او خطایی سر زده باشد، در برابرمان به دشمنی برخیزد، جز اینکه [تنها گناه ما این است که] ما او را به سوی حق فرا خوانده‌ایم و دیگران وی را به سوی فتنه و دنیا و او فتنه و دنیا را برگزید و پرچم بیزاری و دشمنی در برابر ما برافراشت.

۱۰۷۲ - امام علی علیه السلام: هیچ بنده‌ای نیست، مگر اینکه برای او چهل پرده کشیده شده است تا اینکه چهل گناه کبیره مرتکب شود. چون چهل کبیره مرتکب شود، پرده‌ها از او برداشته شود. پس خداوند به آن [فرشته]‌ها وحی فرماید که: «بنده‌ام را با بالهای خود بپوشانید» و فرشتگان با بالهایشان او را بپوشانند. سپس هیچ کار زشتی نباشد، مگر اینکه آن را انجام دهد تا جایی که به واسطه کردار زشت خود بر مردم فخر فروشد. آن گاه فرشتگان گویند: پروردگارا! این بنده تو هر کار زشتی را مرتکب می‌شود و ما از آنچه او می‌کند، خجالت می‌کشیم. پس خداوند ﷻ به آنها وحی فرماید که: «بالهای خود را از روی او بردارید» و چون کارش بدین جا کشد، دشمنی با ما اهل بیت را در پیش گیرد و در این هنگام است که پرده او در آسمان و زمین دریده شود و فرشتگان گویند: پروردگارا! این بنده تو بی‌پرده شده است. خداوند ﷻ - به آنان وحی فرماید که: «اگر خدا به او نیازی (و توجهی) داشت، به شما دستور نمی‌داد که بالهای خود را از او بردارید».

۱۰۷۳ - جمیل بن میسر از پدرش نخعی: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: «ای میسر! حرمت کدام یک از شهرها بیشتر است؟». هیچ یک از ما پاسخی نداشت که بگوید تا اینکه خود حضرت جواب سؤالش را داد و فرمود: «مکه». سپس فرمود: «حرمت کدام نقطه مکه بیشتر است؟». این بار نیز هیچ یک از ما پاسخی نداشت که بگوید و آن حضرت خود جواب داد: «فاصله میان رکن تا حجر. به خدا سوگند، اگر بنده‌ای هزار سال خدا را عبادت کند، چندان که از پیری و فرتوتی، رگ گردنش قطع شود و با این حال با دشمنی نسبت به ما اهل بیت بر خدا درآید، خداوند، عملش را به او برگرداند».

## الفصل الثاني

### آثار بُغْضِهِم



١٠٧٢ - رسول الله ﷺ: لَيْلَةَ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ حَبِيبُ اللَّهِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ، عَلَى بَاغِضِهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ (١٢٢٩).

١٠٧٥ - عنه ﷺ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، عَلَى مُبْغِضِهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ (١٢٤٠).

١٠٧٦ - عنه ﷺ: إِنَّ لِكُلِّ بَنِي أَبِي عَصْبَةٍ يَنْتَمُونَ إِلَيْهَا إِلَّا وَلَدَ فَاطِمَةَ، فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَأَنَا عَصَبَتُهُمْ، وَهُمْ عِترتي خُلِقُوا مِن طِينَتِي، وَيَلُ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ، مَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ (١٢٤١).

## فصل دوم

### آثار دشمن داشتن اهل بیت



#### ناخشنودی خداوند

۱۰۷۴ - پیامبر خدا ﷺ: شبی که مرا به معراج بردند، دیدم که بر در بهشت نوشته شده است: معبودی جز الله نیست. محمد، رسول خداست. علی، حبیب خداست. حسن و حسین، برگزیده خدای اند فاطمه منتخب خداست. لعنت خدا بر دشمن آنان باد!

۱۰۷۵ - پیامبر خدا ﷺ: شبی که مرا به آسمان بردند، دیدم که بر در بهشت با زر نوشته شده است: معبودی جز الله نیست. محمد، حبیب خداست. علی، ولی خداست. فاطمه، کنیز خداست. حسن و حسین، برگزیده خدای اند. لعنت خدا بر دشمنان آنان باد!

۱۰۷۶ - پیامبر خدا ﷺ: فرزندان هر پدری برای خود، قوم و طایفه‌ای دارند که خود را به او نسبت می‌دهند، مگر فرزندان فاطمه که من ولی و قوم آنها هستم و آنان عترت من اند و از طینت من آفریده شده‌اند. وای بر کسانی که فضیلت آنان را تکذیب کنند! هر که آنها را دوست بدارد، خداوند دوستش بدارد و هر که ایشان را دشمن بدارد، خداوند او را دشمن بدارد.

۱۰۷۷- عنه علیه السلام: أَلَا وَمَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آئِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (۱۳۴۲).

۱۰۷۸- الإمام علي عليه السلام: لِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ (۱۳۴۳).

## ۲ / ۲

### الْلَّحَاقُ بِالْمُنَافِقِينَ

۱۰۷۹- رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهُوَ مُنَافِقٌ (۱۳۴۴).

۱۰۸۰- عنه علیه السلام: لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ (۱۳۴۵).

۱۰۸۱- عنه علیه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا تُفَارِقُ رُوحُ جَسَدٍ صَاحِبِهَا حَتَّى يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ أَوْ مِنْ شَجَرِ الزَّقُّومِ، وَحَتَّى يَرَى مَلَكَ الْمَوْتِ، وَيَرَانِي وَيَرَى عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، فَإِنْ كَانَ يُحِبُّنَا قُلْتُ: يَا مَلَكَ الْمَوْتِ، إِرْفَقْ بِهِ فَإِنَّهُ كَانَ يُحِبُّنِي وَأَهْلَ بَيْتِي، وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُنِي وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي قُلْتُ: يَا مَلَكَ الْمَوْتِ، شَدِّدْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ كَانَ يُبْغِضُنِي وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي. لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ (۱۳۴۶).

۱۰۸۲- عنه علیه السلام: مَنْ أَبْغَضَ عِزَّتِي فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمُنَافِقٌ خَاسِرٌ (۱۳۴۷).

۱۰۸۳- عنه علیه السلام: أَلَا فَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي عَبْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عُمُرُهُ أَيَّامَ الدُّنْيَا، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مُبْغِضًا لِأَهْلِ بَيْتِي وَشِيعَتِي مَا فَرَجَ اللَّهُ صَدْرَهُ إِلَّا عَنِ النِّفَاقِ (۱۳۴۸).

- ۱۰۷۷ - پیامبر خدا ﷺ: بدانید که هر کس، آل محمد را دشمن بدارد، روز قیامت در حالی بیاید که بر پیشانیش نوشته شده است: محروم از رحمت خدا.
- ۱۰۷۸ - امام علی علیه السلام: برای کینه‌توزان ما فوج‌هایی از خشم و ناخشنودی خداست.

## ۲/۲

## درآمدن به جرگه منافقان

- ۱۰۷۹ - پیامبر خدا ﷺ: هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، او منافق است.
- ۱۰۸۰ - پیامبر خدا ﷺ: ما اهل بیت را جز مؤمن پرهیزگار دوست نداریم و کسی جز منافق بدبخت، دشمنمان نمی‌دارد.
- ۱۰۸۱ - پیامبر خدا ﷺ: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هر روحی از پیکر خود جدا شود، بی‌گمان از میوه بهشت یا از درخت زقوم خواهد خورد و ملک الموت را خواهد دید و من و علی و فاطمه و حسن و حسین را مشاهده خواهد کرد. اگر دوستدار ما باشد، من خواهم گفت: «ای ملک الموت! با او مدارا کن؛ زیرا که وی دوستدار من و اهل بیت من بوده است» و اگر با من و اهل بیت دشمنی می‌ورزیده است، خواهم گفت: «ای ملک الموت! بر او سخت گیر؛ زیرا که وی، من و اهل بیت را دشمن می‌داشته است». ما را جز مؤمن دوست نمی‌دارد و کسی جز منافق شوربخت، با ما بغض نمی‌ورزد.
- ۱۰۸۲ - پیامبر خدا ﷺ: هر که عترت مرا دشمن بدارد، او ملعون و منافقی زیانکار است.
- ۱۰۸۳ - پیامبر خدا ﷺ: آگاه باشید که اگر مردی از امت من در همه روزهای عمرش خدای تعالی را عبادت کند، ولی با بغض و دشمنی نسبت به اهل بیت من و شیعیانم خدای تعالی را دیدار کند، خداوند سینه‌او را جز با نفاق نگیرد [یعنی: چون خداوند، باطنش را آشکار سازد، مردم دریابند که او منافق بوده است].

۱۰۸۴- أبو سعید الخدری: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ. ثُمَّ قَالَ ﷺ: لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ <sup>(۱۳۴۹)</sup>.

۱۰۸۵- أبو سعید الخدری: إِنْ أَكُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ - نَحْنُ مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ - يُبْغِضُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ <sup>(۱۳۵۰)</sup>.

۳/۲

### الْحَاقُّ بِالْكَفَّارِ

۱۰۸۶- رسول الله ﷺ: أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ <sup>(۱۳۵۱)</sup>.

۱۰۸۷- عنه ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُ: بُغْضُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَنَصَبُ أَهْلِ بَيْتِي، وَمَنْ قَالَ: الْإِيمَانُ كَلَامٌ <sup>(۱۳۵۲)</sup>.

مرکز تحقیق کتب ویراث علم و حدیث  
۴/۲

### الْحَاقُّ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى

۱۰۸۸- جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى؟ قَالَ: وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ <sup>(۱۳۵۳)</sup>.

۱۰۸۹- الإمام الباقر <sup>(ع)</sup> - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ -: أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى صَعِدَ الْمِنْبَرَ، وَاجْتَمَعَ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ فِي الصَّلَاةِ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا. قَالَ جَابِرٌ: فَقُمْتُ إِلَيْهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ



۱۰۸۴ - ابو سعید خدری: رسول خدا ﷺ فرمود: «امامان پس از من دوازده نفرند که نه نفرشان از صلب حسین هستند و نهمین آنان قائمشان است». سپس فرمود: «ما را کسی جز منافق، دشمن نمی‌دارد».

۱۰۸۵ - ابو سعید خدری: ما (جماعت انصار) منافقان را از بغض و دشمنیشان با علی بن ابی طالب می‌شناختیم.

## ۳/۲

### ملحق شدن به جرگه کفار

۱۰۸۶ - پیامبر خدا ﷺ: بدانید که هرکس با بغض و دشمنی نسبت به آل محمد بمیرد، کافر مرده است. بدانید که هرکس با بغض و دشمنی نسبت به آل محمد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

۱۰۸۷ - پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که در هرکس باشد، نه او از من است و نه من از اویم: دشمن داشتن علی بن ابی طالب، کینه‌توزی با اهل بیت من و هرکه بگوید که ایمان، در گفتار خلاصه می‌شود.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

## ۴/۲

### ملحق شدن به جرگه یهود و نصاری

۱۰۸۸ - جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند، در روز قیامت او را یهودی محشور می‌کند». عرض کردم: ای رسول خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند؟ فرمود: «هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند».

۱۰۸۹ - امام باقر ﷺ - به نقل از جابر بن عبدالله انصاری - : رسول خدا ﷺ تشریف آورد و منبر رفت و مهاجران و انصار برای نماز جمع شدند. حضرت فرمود: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند، او را یهودی محشور کند». جابر می‌گوید: من برخاستم و عرض کردم: ای رسول خدا! اگر چه شهادت به

وإن شهد، إنما احتجز بذلك من أن يسفك دمه أو يؤذي الجزية عن يدٍ وهو صاغِرٌ.

ثم قال: أيها الناس، من أبغضنا أهل البيت بعثه الله يوم القيامة يهوديًا، وإن أدرك الدجال آمن به، وإن لم يدركه بعث من قبره حتى يؤمن به، إن ربي عز وجل مثل لي أمتي في الطين، وعلمني أسماء أمتي كما علم آدم الأسماء كلها، فمر بي أصحاب الرايات، فاستغفرت لعلِّي وشيعتي.

قال حنان [بن سدير راوي هذا الخبر]: وقال لي أبي: أكتب هذا الحديث فكتبته، وخرجنا من غدٍ إلى المدينة فقدمنا فدخلنا على أبي عبد الله عليه السلام، فقلتُ له: جعلتُ فداك، إن رجلاً من المكِّيِّين يُقالُ له سديفٌ حدَّثني عن أبيك بحديثٍ، فقال: وتحفظه؟ فقلتُ: كتبته، قال: فهاتيه، فعرضته عليه، فلما انتهى إلى «مثل لي أمتي في الطين، وعلمني أسماء أمتي كما علم آدم الأسماء كلها» قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سدير، متى حدَّثك بهذا عن أبي؟ قلتُ: اليوم السابع منذ سمعناه منه يرويه عن أبيك، فقال: قد كنتُ أرى أن هذا الحديث لا يخرج عن أبي إلى أحدٍ (۱۳۵۱).

۱۰۹۰ - عنه عليه السلام: جاء رجلٌ إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، أكلُ من قال لا إله إلا الله مؤمنٌ؟ قال: إن عداوتنا تلحقُ باليهود والنصارى، إنكم لا تدخلون الجنة حتى تُحبوني، وكذب من زعم أنه يُحبُّني ويُبغضُ هذا - يعني علياً عليه السلام - (۱۳۵۵).

لا اله الا الله و به پیامبری شما دهد؟ فرمود: «آری، اگر چه شهادت دهد. او با شهادت دادن [به یگانگی خدا و رسالت من]، فقط سبب می شود که خونش ریخته نشود یا با دست خود و ذلیلانه جزیه ندهد».

سپس فرمود: «ای مردم! هرکس ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت، او را یهودی محشور کند و اگر به زمان دجال برسد، به او ایمان آورد و اگر آن زمان را درک نکند، از گورش برانگیخته گردد تا به او ایمان بیاورد. همانا پروردگارم - ﷻ - در ابتدای خلقت که گل آدمیان را می سرشتند، امت مرا برایم مجسم نمود و نامهای همه افراد امت مرا به من آموخت، همان گونه که تمام اسما را به آدم تعلیم داد. پس پرچمداران از برابر من گذشتند و من برای علی و شیعیان او آمرزش طلبیدم».

حنان (بن سدید، راوی این خبر) گوید: پدرم به من گفت: این حدیث را بنویس و من نوشتم. فردا به جانب مدینه حرکت کردیم و وارد آن شدیم و خدمت ابو عبدالله (الصادق) ﷺ رسیدیم. من به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم! مردی از مکیان به نام سدید، حدیثی از پدرتان به من گفته است حضرت فرمود: «آن را حفظ داری؟». عرض کردم: مکتوبش کرده‌ام. فرمود: «بده ببینم». من آن را به حضرت نشان دادم. چون به جمله «در آن هنگام که گل آدمیان را می سرشتند؛ خداوند امت مرا برایم مجسم نمود و نامهای همه افراد امت را به من آموخت، همان گونه که تمام اسما را به آدم تعلیم داد» رسید، فرمود: «ای سدید! چه هنگام، این حدیث را از قول پدرم برای نقل کردی؟». عرض کردم: هفت روز است که روایت او را از پدرتان شنیده‌ام. فرمود: «من فکر می‌کردم که این حدیث، از دهان پدرم برای احدی خارج نخواهد شد».

۱۰۹۰ - امام باقر ﷺ: مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا هر کس بگوید: «لا اله الا الله» مؤمن است؟ فرمود: «دشمنی با ما، باعث ملحق شدن به جرگه یهود و نصاری می شود. شما به بهشت نخواهید رفت، مگر اینکه مرا دوست بدارید. و دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد؛ اما این - یعنی: علی ﷺ - را دشمن می دارد».

۵/۲

## الحرمان من رؤية النبي ﷺ في القيامة

۱۰۹۱ - عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ الْهَرَوِيُّ عَنِ الْإِمَامِ الرُّضَا عليه السلام - فِي حَدِيثٍ - فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَا مَعْنَى الْخَبَرِ الَّذِي رَوَاهُ: إِنَّ ثَوَابَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى؟ فَقَالَ عليه السلام: يَا أَبَا الصَّلْتِ، مَنْ وَصَفَ اللَّهُ تَعَالَى بِوَجْهِهِ كَالْوُجُوهِ فَقَدْ كَفَرَ، وَلَكِنْ وَجْهُ اللَّهِ تَعَالَى أَنْبِيَائُهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَجُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، هُمُ الَّذِينَ يَتَوَجَّهُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَى دِينِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ \* وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (۱۳۵۶)، وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (۱۳۵۷) فَالنَّظَرُ إِلَى أَنْبِيَائِ اللَّهِ تَعَالَى وَرُسُلِهِ وَحُجَجِهِ عليهم السلام فِي دَرَجَاتِهِمْ ثَوَابٌ عَظِيمٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَبْغَضَ أَهْلَ بَيْتِي وَعِزَّتِي لَمْ يَرْنِي وَلَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۳۵۸).

مرکز تحقیق کتب ویر علوم اسلامی

۶/۲

## الجُذَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱۰۹۲ - رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمَ (۱۳۵۹) (۱۳۶۰).

۷/۲

## الحرمان من الشفاعة

۱۰۹۳ - أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَوْمًا مُقْبِلًا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَهُوَ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ

## ۵/۲

**محروم شدن از دیدن پیامبر، در قیامت**

۱۰۹۱ - عبدالسلام بن صالح هروی - در حدیثی :- به امام رضا علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله! این خبری که روایت کرده‌اند: «ثواب لا اله الا الله [گفتن]، نگاه کردن به چهره خدای متعال است» به چه معناست؟ حضرت فرمود: «ای ابوصلت! هر که برای خدای متعال، چهره‌ای مانند این چهره‌ها قائل باشد، کافر است، بلکه چهره خدای متعال، همان پیامبران و فرستادگان و حجتهای اویند - صلوات الله علیهم! - به واسطه اینان است که به جانب خدای تعالی و به دین او و معرفت او روی آورده می‌شود. خدای متعال فرموده است: "هرچه بر روی زمین است، فانی شونده است و وَجْه [ذات] با شکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند" و نیز فرموده است: "جز وجه او همه چیز نابود شونده است". پس، نظر کردن به پیامبران خدای متعال و فرستادگان و حجتهای او - با درجاتی که دارند - در روز قیامت ثواب بزرگی برای مؤمنان در بردارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: "هرکه اهل بیت و عترت مرا دشمن دارد، در روز قیامت نه او مرا ببیند و نه من او را می‌بینم".

## ۶/۲

**دست بریدگی در روز قیامت**

۱۰۹۲ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند در روز قیامت، او را دست بریده برانگیزد.

## ۷/۲

**محروم شدن از شفاعت**

۱۰۹۳ - انس بن مالک: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که به طرف علی بن ابی طالب علیه السلام می‌رود و این آیه را تلاوت می‌کند: «و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو، به

مَقَامًا مَّحْمُودًا<sup>(۱۳۱)</sup>، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ مَلَكَنِي الشَّفَاعَةَ فِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ مِنْ أُمَّتِي، وَحَظَرَ ذَلِكَ عَمَّنْ نَاصَبَكَ وَنَاصَبَ وَلَدِكَ مِنْ بَعْدِكَ<sup>(۱۳۲)</sup>.

۱۰۹۲ - الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُشْفَعُ لِحَمِيمِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِبًا، وَلَوْ أَنَّ نَاصِبًا شَفَعَ لَهُ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَمَلَكٍ مُقَرَّبٍ مَا شُفِّعُوا<sup>(۱۳۳)</sup>.

۸/۲

## دُخُولُ النَّارِ

۱۰۹۵ - رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ<sup>(۱۳۴)</sup>.

۱۰۹۶ - عنه عليه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَكْبَهُهُ اللَّهُ فِي النَّارِ<sup>(۱۳۵)</sup>.

۱۰۹۷ - عنه عليه السلام: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: أَنْ يُثَبِّتَ قَائِمَكُمْ، وَأَنْ يَهْدِيَ ضَالَّكُمْ، وَأَنْ يُعَلِّمَ جَاهِلَكُمْ، وَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ جُودَاءَ نَجْدَاءَ رُحَمَاءَ، فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَنَ<sup>(۱۳۶)</sup> بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَصَلَّى وَصَامَ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ مُبْغِضٌ لِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ دَخَلَ النَّارَ<sup>(۱۳۷)</sup>.

۱۰۹۸ - مُعَاوِيَةُ بْنُ حُذَيْفٍ: أُرْسَلَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَخْطَبَ عَلَى يَزِيدَ بِنْتًا لَهُ أَوْ أَخْتًا لَهُ، فَأَتَيْتُهُ فَذَكَرْتُ لَهُ يَزِيدَ، فَقَالَ: إِنَّا قَوْمٌ لَا تَزُوجُ نِسَاءَنَا حَتَّى نَسْتَأْذِنَهُنَّ، فَأَتَيْتُهَا فَذَكَرْتُ لَهَا يَزِيدَ فَقَالَتْ: وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَاكَ حَتَّى يَسِيرَ فِينَا صَاحِبُكَ كَمَا سَارَ فِرْعَوْنُ فِي بَنِي

منزلۀ نافله‌ای باشد. امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.»  
 آن گاه فرمود: «ای علی! پروردگارم ﷻ به من دربارهٔ یکتاپرستان امتم  
 حق شفاعت بخشید؛ ولی این شفاعت را بر کسی که نسبت به تو و فرزندان  
 پس از تو دشمنی ورزد، حرام گردانید.»  
 ۱۰۹۴ - امام صادق علیه السلام: مؤمن برای خویشاوند خود شفاعت می‌کند، مگر اینکه ناصبی  
 باشد. در حق ناصبی، حتی اگر پیامبری مرسل یا فرشته‌ای مقرب هم  
 شفاعت کند، شفاعت پذیرفته نمی‌شود.

## ۸/۲

### دوزخی شدن

۱۰۹۵ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ کس ما اهل  
 بیت را دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند، او را به دوزخ برد.  
 ۱۰۹۶ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ کس ما اهل بیت را  
 دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند او را در آتش، سرنگون کند.  
 ۱۰۹۷ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسران عبدالمطلب! من از خداوند، سه چیز برای شما  
 خواسته‌ام: اینکه ایستاده شما را ثابت قدم بدارد؛ اینکه گمراه شما را  
 هدایت کند و اینکه نادان شما را دانا گرداند و نیز از خدا مسئلت کرده‌ام که  
 شما را بخشنده و دلیر و مهربان قرار دهد. پس اگر مردی از شما در میان  
 رکن و مقام، راست بایستد و نماز بخواند و روزه بگیرد، اما با بغض و کینه  
 نسبت به اهل بیت محمد، خدا را دیدار کند، به دوزخ خواهد رفت.  
 ۱۰۹۸ - معاویه بن حُدیج: معاویه بن ابو سفیان، مرا نزد حسن بن علی فرستاد تا  
 دختری یا خواهری از او را برای یزید خواستگاری کنم. من نزد حسن آمدم  
 و موضوع خواستگاری برای یزید را به اطلاعش رساندم. او گفت: «ما مردمی  
 هستیم که زنانمان ازدواج نمی‌کنند، مگر اینکه نظر خود آنها را جویا شویم.



إِسْرَائِيلَ، يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ، وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ. فَرَجَعْتُ إِلَى الْحَسَنِ فَقُلْتُ: أَرْسَلْتَنِي إِلَى فَلَقَةٍ<sup>(١٣٦٨)</sup> مِنَ الْفَلَقِ تُسَمِّي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِرْعَوْنَ! فَقَالَ ﷺ: يَا مُعَاوِيَةُ، إِيَّاكَ وَبُغْضَنَا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا يُبْغِضُنَا وَلَا يَحْسُدُنَا أَحَدٌ إِلَّا ذِيْدَ<sup>(١٣٦٩)</sup> يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِسَيِّئِ مِنْ نَارٍ<sup>(١٣٧٠)</sup>.

١٠٩٩- الإمام الباقر ﷺ: لَوْ أَنَّ كُلَّ مَلَكٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَكُلَّ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ وَكُلَّ صَدِّيقٍ وَكُلَّ شَهِيدٍ شَفَعُوا فِي نَاصِبٍ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ أَنْ يُخْرِجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ النَّارِ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ أَبَدًا، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿مَا كَثُرَ فِيهِ أَبَدًا﴾<sup>(١٣٧١)</sup>.

١١٠٠- الإمام الصادق ﷺ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَلْيَتَّبِعْنَا، أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِنَبِيِّهِ ﷺ: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾<sup>(١٣٧٢)</sup>؟ وَاللَّهُ لَا يُطِيعُ اللَّهُ عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَدْخَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِهِ اتِّبَاعَنَا، وَلَا وَاللَّهُ لَا يَتَّبِعُنَا عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَلَا وَاللَّهُ لَا يَدْعُ أَحَدٌ اتِّبَاعَنَا أَبَدًا إِلَّا أَبْغَضَنَا، وَلَا وَاللَّهُ لَا يُبْغِضُنَا أَحَدٌ أَبَدًا إِلَّا عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ مَاتَ عَاصِيًا لِلَّهِ أَخْزَاهُ اللَّهُ وَأَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>(١٣٧٣)</sup>.

١١٠١- الإمام الكاظم ﷺ: مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا، وَمَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُصْلِيَهُ النَّارَ وَمَا لَهُ مِنْ نَصِيرٍ<sup>(١٣٧٤)</sup>.

پس خودت پیش او برو». من پیش او رفتم و موضوع خواستگاری یزید را برایش گفتم. او جواب داد: به خدا قسم، این کار نشود تا هنگامی که فرمانروای تو با ما همان می‌کند که فرعون با بنی اسرائیل کرد؛ پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را زنده نگه می‌داشت. من نزد حسن برگشتم و گفتم: مرا پیش آتش پاره‌ای فرستاده‌ای که امیرالمؤمنین را فرعون می‌نامد! حسن علیه السلام فرمود: «ای معاویه! از بغض و دشمنی با ما بپرهیز؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ کس نسبت به ما بغض و حسد نرزد، مگر اینکه در روز قیامت با تازیانه‌هایی از آتش رانده شود».

۱۰۹۹- امام باقر علیه السلام: اگر حتی همه فرشتگانی که خداوند تعالی آفریده و همه پیامبرانی که خدا برانگیخته و همه صدیقان و شهیدان، در حق دشمن کینه‌توز ما اهل بیت، شفاعت کنند که خدای تعالی او را از آتش دوزخ بیرون آورد، هرگز خداوند او را بیرون نخواهد آورد. خداوند تعالی در کتاب خود می‌فرماید: «برای همیشه در آن، ماندگارند».

۱۱۰۰- امام صادق علیه السلام: هر کس خوشحال می‌شود که بداند خداوند او را دوست می‌دارد، طاعت خدا را به کار بندد و از ما پیروی کند. مگر این سخن خدای تعالی را به پیامبرش نشنیده است که: «بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را بپارزد»؟! به خدا قسم، هیچ بنده‌ای نیست که خدا را اطاعت کند، مگر اینکه خداوند در اطاعت او پیروی از ما را وارد کند و به خدا قسم، هیچ بنده‌ای نیست که از ما پیروی کند، مگر اینکه خداوند دوستش بدارد و به خدا قسم، هیچ بنده‌ای نیست که پیروی از ما را فرو گذارد، مگر اینکه دشمن ما شود و به خدا قسم، هیچ بنده‌ای نیست که ما را دشمن بدارد، مگر اینکه خدا را نافرمانی کند و هر که با معصیت خدا از دنیا رود، خداوند او را خوار سازد و در آتش سرنگون کند و سپاس و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱۱۰۱- امام کاظم علیه السلام: هر کس ما را دشمن بدارد، محمد را دشمن داشته است و هر کس محمد را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است و هر که خدای تعالی را دشمن بدارد، بر خداوند حق است که او را در آتش افکند و وی را هیچ یآوری نباشد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش یازدهم

# ستم به اهل بیت



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فصلهای این بخش :

- |           |   |                                     |
|-----------|---|-------------------------------------|
| فصل یکم   | : | هشدار پیامبر در باره ستم به اهل بیت |
| فصل دوم   | : | حرمت بهشت بر ستمکار به اهل بیت      |
| فصل سوم   | : | عذاب ستم کنندگان به اهل بیت         |
| فصل چهارم | : | پیشگویی پیامبر از ستم بر اهل بیت    |
| فصل پنجم  | : | ستمهای رفته بر اهل بیت              |

## الفصل الأول

### تحذير النبي من ظلمهم

١١٠٢- رسول الله ﷺ: وَيْلٌ لِأَعْدَاءِ أَهْلِ بَيْتِي الْمُسْتَأَثِرِينَ عَلَيْهِمْ ، لَا نَالَتْهُمْ شَفَاعَتِي ، وَلَا رَأَوْا جَنَّةَ رَبِّي (١٣٧٥).

١١٠٣- عنه ﷺ: اِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيَّ مِنْ آذَانِي فِي عِتْرَتِي (١٣٧٦).

١١٠٤- عنه ﷺ: اِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ وَغَضَبِي عَلَيَّ مِنْ أَهْرَقَ دَمِي وَآذَانِي فِي عِتْرَتِي (١٣٧٧).

١١٠٥- عنه ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ ، لَا تَأْتُونِي غَدًا بِالدُّنْيَا تَرْفُونَهَا زُفًا ، وَيَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي شُعَثًا غُبْرًا مَقْهُورِينَ مَظْلُومِينَ تَسِيلُ دِمَاؤُهُمْ (١٣٧٨).

١١٠٦- عنه ﷺ: مَنْ سَبَّ أَهْلَ بَيْتِي فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهُ (١٣٧٩).

١١٠٧- عنه ﷺ: مَنْ آذَانِي فِي أَهْلِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ (١٣٨٠).

١١٠٨- عنه ﷺ: سِتَّةُ لَعْنَتُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ : الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، وَالْمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ ، وَالْمُتَسَلِّطُ بِالْجَبْرُوتِ لِيَذِلَّ مَنْ أَعَزَّ اللَّهُ وَيَعِزَّ مَنْ أَذَلَّ اللَّهُ ، وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي ، وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ ، وَالْمُسْتَحِلُّ لِحَرَمِ

## فصل یکم

### هشدار پیامبر درباره ستم به اهل بیت

۱۱۰۲ - پیامبر خدا ﷺ: وای بر دشمنان و اختصاص دهندگان حقوق اهل بیت من به خود! شفاعتم نصیب آنان مباد و بهشت پروردگارم را نبینند!

۱۱۰۳ - پیامبر خدا ﷺ: خشم خداوند بر کسی که مرا با آزدن عترت من بیازارد، سخت است.

۱۱۰۴ - پیامبر خدا ﷺ: خشم خدا و خشم من بر کسی که با ریختن خون عترت من و [یا] آزدن آنان خون مرا بریزد و مرا بیازارد، سخت است.

۱۱۰۵ - پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! نکند فردای قیامت با دنیایی آراسته نزد من بیایید، در حالی که اهل بیت من، آشفته و خاک آلودگان و ستم کشیدگانی باشند که خونشان روان است.

۱۱۰۶ - پیامبر خدا ﷺ: هرکس اهل بیت مرا ناسزا گوید، من از او بیزارم.

۱۱۰۷ - پیامبر خدا ﷺ: هر که مرا با آزدن اهل بیتم بیازارد، هر آینه خدا را آزرده است.

۱۱۰۸ - پیامبر خدا ﷺ: شش نفرند که من و خداوند و هر پیامبر مستجاب الدعوه‌ای آنان را لعنت کرده‌ایم: کسی که به کتاب خدا چیزی بیفزاید؛ کسی که تقدیر خدا را دروغ شمارد؛ کسی که با قهر و زور، مسلط شود برای اینکه کسی را که خدا عزت بخشیده، ذلیل گرداند و کسی را که خدا ذلیل کرده است، بر سریر

الله (١٣٨١).

١١٠٩ - عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسَةٌ لَعَنَتْهُمْ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي، وَالمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ، وَالمُسْتَحِلُّ مِنْ عِترَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَالمُسْتَأْثِرُ بِالفِيءِ (و) المُسْتَحِلُّ لَهُ (١٣٨٢).

١١١٠ - زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ: إِنَّ الحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ لَهُ: أَنْزِلْ عَنْ مَنبَرِ أَبِي. فَبَكَى عُمَرُ ثُمَّ قَالَ: صَدَقْتَ يَا بُنَيَّ، مِنْبَرُ أَبِيكَ لَا مِنْبَرُ أَبِي، فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هُوَ وَاللَّهِ عَنْ رَأْيِي، قَالَ: صَدَقْتَ، وَاللَّهِ مَا أَتَهَمْتُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ.

ثُمَّ نَزَلَ عَنِ الْمِنْبَرِ فَأَخَذَهُ فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَانِبِهِ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَخَطَبَ النَّاسَ وَهُوَ جَالِسٌ مَعَهُ عَلَى الْمِنْبَرِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ ﷺ يَقُولُ: احْفَظُونِي فِي عِترَتِي وَذُرِّيَّتِي، فَمَنْ حَفِظَنِي فِيهِمْ حَفِظَهُ اللَّهُ، أَلَا لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ آذَانِي فِيهِمْ - ثَلَاثًا - (١٣٨٣).

١١١١ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْيَهُودِ أَنْ قَالُوا: عُزَيْرُ ابْنِ اللَّهِ، وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى أَنْ قَالُوا: الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ، وَإِنَّ اللَّهَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى مَنْ أَرَاكَ دَمِي وَآذَانِي فِي عِترَتِي (١٣٨٤).

١١١٢ - أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ: لَمَّا كَانَ يَوْمُ أَحَدِ شُجَّ النَّبِيِّ ﷺ فِي وَجْهِهِ وَكُسِرَتْ رِجْلَايَاهُ، فَقَامَ ﷺ رَافِعًا يَدَيْهِ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْيَهُودِ أَنْ قَالُوا: عُزَيْرُ ابْنِ اللَّهِ، وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى أَنْ قَالُوا: الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ، وَإِنَّ اللَّهَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى مَنْ أَرَاكَ دَمِي وَآذَانِي فِي عِترَتِي (١٣٨٥).



عزت (وقدرت) نشاند؛ کسی که سنت مرا فرو گذارد؛ کسی که آنچه را خداوند دربارهٔ عترتم حرام کرده است، حلال شمارد و کسی که حرامهای خدا را روا گرداند.

۱۱۰۹- پیامبر خدا ﷺ: پنج نفرند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه‌ای آنان را لعنت کرده‌ایم: کسی که به کتاب خدا چیزی بیفزاید؛ کسی که سنت مرا فروگذارد؛ کسی که تقدیر خدا را باور نداشته باشد؛ کسی که آنچه را خدا دربارهٔ عترتم حرام کرده، حلال شمارد و کسی که غنایم را [که حق همهٔ مسلمانان است] به خود اختصاص دهد و آن را برای خود روا شمارد.

۱۱۱۰- زید بن علی از پدرش: عمر بن خطاب در روز جمعه بر بالای منبر، خطبه می‌خواند که حسین بن علی نزدیک او رفت و گفت: «از منبر پدرم فرود آی». عمر گریست و سپس گفت: راست گفתי فرزندم! این منبر پدر توست، نه منبر پدر من. در این هنگام علی علیه السلام گفت: «به خدا قسم، این حرف را من به او یاد نداده بودم». عمر گفت: درست است؛ به خدا قسم که من هم تو را متهم نکردم، ای ابوالحسن! سپس از منبر پایین آمد و حسین را برداشت و بالای منبر در کنار خود نشاند و آن‌گاه، در حالی که حسین علیه السلام در کنار او روی منبر نشسته بود، شروع به خطبه خواندن برای مردم کرد و سپس گفت: «ای مردم! از پیامبرتان شنیدم که می‌فرمود: «با حفظ عترت و ذریه‌ام مرا حفظ کنید؛ زیرا که هر کس با حفظ آنان مرا حفظ کند، خداوند او را محفوظ بدارد. هان! لعنت خدا بر کسی که با آزدن آنان مرا بیازارد! و این جمله را سه بار فرمود».

۱۱۱۱- پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ بر یهود به شدت خشم گرفت؛ چون گفتند: عزیر، پسر خداست و بر نصاریٰ به شدت خشم گرفت؛ چون گفتند: مسیح، پسر خداست و خشم خدا سخت باشد بر کسی که با ریختن خون و آزدن عترت من [در واقع]، خون مرا بریزد و مرا بیازارد.

۱۱۱۲- ابو سعید خدری: در جنگ احد، هنگامی که چهرهٔ پیامبر ﷺ شکاف برداشت و دندان پیشین آن حضرت شکست، دستهایش را به آسمان برداشت و فرمود: «خشم خدا، سخت است بر یهود که گفتند: عزیر، پسر خداست و خشم خدا سخت است بر نصاریٰ که گفتند: مسیح، پسر خداست و خشم خدا سخت است بر کسی که خون مرا بریزد و با آزدن عترتم مرا بیازارد».

## الفصل الثاني

### الجنة مُحَرَّمَةٌ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ

١١١٣ - رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي أَوْ قَاتَلَهُمْ أَوْ أَغَارَ عَلَيْهِمْ أَوْ سَبَّهُمْ (١٢٨٦).

١١١٤ - عنه ﷺ: حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَأَذَانِي فِي عِتْرَتِي (١٢٨٧).

١١١٥ - عنه ﷺ: حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي ، وَعَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ ، وَعَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ ، وَعَلَى مَنْ سَبَّهُمْ «أُولَئِكَ لَا خَلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (١٢٨٨) (١٢٨٩).

١١١٦ - الإمام علي عليه السلام: وَاللَّهِ ، لَأَذُودُنَّ بِيَدَيَّ هَاتَيْنِ الْقَصِيرَتَيْنِ عَنْ حَوْضِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَعْدَاءَنَا ، وَلَأُورِدَنَّهُ أَجْبَاءَنَا (١٢٩٠).

١١١٧ - عنه عليه السلام: أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَعِيَ عِتْرَتِي عَلَى الْحَوْضِ ، وَإِنَّا لَنَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَنَا وَنَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَنَا ، فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ

## فصل دوم

### حرمت بهشت بر ستمکار به اهل بیت

۱۱۱۳- پیامبر خدا ﷺ: خداوند، بهشت را بر کسی که به اهل بیت من ستم کند یا با آنان بجنگد یا ایشان را مورد تاخت و تاز قرار دهد یا ناسزایشان گوید، حرام کرده است.

۱۱۱۴- پیامبر خدا ﷺ: بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند و با آزردن عترتم مرا بیازارد، حرام گردیده است.

۱۱۱۵- پیامبر خدا ﷺ: بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند و بر کسی که با آنان بجنگد و بر کسی که علیه آنان یاری و کمک رساند و بر کسی که ناسزایشان گوید، حرام شده است «اینان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به ایشان نمی‌نگرد و پاکشان نمی‌گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت».

۱۱۱۶- امام علی علیه السلام: به خدا قسم که من با همین دو دست کوتاه خود، دشمنانمان را از رسیدن به حوض (کوثر) رسول خدا ﷺ دور می‌کنم و دوستدارانمان را به کنار آن می‌آورم.

۱۱۱۷- امام علی علیه السلام: من با رسول خدا - صلوات الله علیه - و عترتم، در کنار حوض [کوثر] هستیم و ما دشمنان خود را از آن دور می‌کنیم و دوستانمان را از آن، آب

يَظْمًا بَعْدَهَا أَبَدًا<sup>(۱۳۱۱)</sup>.

۱۱۱۸- أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: قَدْ أُعْطِيَ الْكَوْثَرُ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْكَوْثَرُ؟ قَالَ: نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ عَرْضُهُ وَطُولُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَلَا يَشْرَبُ مِنْهُ أَحَدٌ فَيَظْمًا، وَلَا يَتَوَضَّأُ مِنْهُ أَحَدٌ فَيَشْعَثُ، لَا يَشْرَبُهُ إِنْسَانٌ خَفَرَ ذِمَّتِي وَلَا قَتَلَ أَهْلَ بَيْتِي<sup>(۱۳۱۲)</sup>.

۱۱۱۹- عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَلْحَةَ مَوْلَى بَنِي أُمَيَّةَ: حَجَّ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ وَحَجَّ مَعَهُ مُعَاوِيَةُ بْنُ حُدَيْجٍ - وَكَانَ مِنْ أَسَبِّ النَّاسِ لِعَلِيِّ - فَمَرَّ فِي الْمَدِينَةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ جَالِسٌ فِي نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَقِيلَ لَهُ: هَذَا مُعَاوِيَةُ بْنُ حُدَيْجٍ السَّابُّ لِعَلِيِّ ﷺ. فَقَالَ: عَلِيُّ بِالرَّجُلِ، فَأَتَاهُ الرَّسُولُ، فَقَالَ: أَجِبْ، قَالَ: مَنْ؟ قَالَ: الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ يَدْعُوكَ. فَأَتَاهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ: أَنْتَ مُعَاوِيَةُ بْنُ حُدَيْجٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَرَدَّ عَلَيْهِ ثَلَاثًا، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ ﷺ: السَّابُّ لِعَلِيِّ؟ فَكَأَنَّهُ اسْتَحْيَى، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ ﷺ: أَمَ وَاللَّهِ، لَئِنْ وَرَدَتْ عَلَيْهِ الْحَوْضُ - وَمَا أَرَاكَ أَنْ تَرِدَهُ - لَتَجِدَنَّهُ مُشَمَّرَ الْإِزَارِ عَلَى سَاقٍ يَذُودُ الْمُنَافِقِينَ ذُودَ غَرِيبَةِ الْإِبِلِ، قَوْلُ الصَّادِقِ الْمَصْدُوقِ «وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى»<sup>(۱۳۱۳)</sup>.

می‌دهیم. هر که شربتی آب از آن بنوشد، دیگر هرگز تشنه نمی‌شود.

۱۱۱۸- انس بن مالک: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم. آن حضرت فرمود: «کوثر به من داده شد». عرض کردم: ای رسول خدا! کوثر چیست؟ فرمود: «نهری است در بهشت که طول و عرض آن از مشرق تا مغرب است. هرکس از آن بیاشامد، دیگر هرگز تشنه نمی‌شود و هرکس با آب آن، خود را بشوید، دیگر هرگز خاک آلود نمی‌شود. هر انسانی که پیمان مرا بشکند یا اهل بیت مرا به قتل رساند، از آن نخواهد آشامید».

۱۱۱۹- علی بن ابی طلحه، وابسته بنی امیه: معاویه بن ابی سفیان با معاویه بن حدیج به حج رفتند. این معاویه یکی از ناسزاگوترین مردمان به علی بود. وی در مدینه از میان مسجد پیامبر ﷺ گذشت. حسن بن علی، در میان جمعی از یارانش نشسته بودند. به آن حضرت عرض شد: این معاویه بن حدیج است که پیوسته به علی ﷺ ناسزا می‌گوید. حضرت فرمود: «این مرد را نزد من آورید». یک نفر نزد معاویه رفت و گفت: تو را خواسته است. معاویه پرسید: چه کسی؟ گفت: حسن بن علی. معاویه بن حدیج نزد ایشان آمد و سلام کرد. حسن بن علی ﷺ گفت: «تو معاویه بن حدیج هستی؟» او سه بار گفت: آری. حسن ﷺ به او گفت: «همان که به علی ناسزا می‌گوید؟». گویی معاویه خجالت کشید. حسن به او گفت: «هان! به خدا قسم، اگر در کنار حوض [کوثر] بر او در آیی - که البته گمان نمی‌کنم به کنار آن وارد شوی - خواهی دیدش که دامن به کمر زده است و منافقان را همچون شتری بیگانه دور می‌سازد. این فرموده آن راستگوی راستین است که: «و ناکام گشت، هر که دروغ بست».

## الفصل الثالث

### عَذَابُ ظَالِمِيهِمْ

١١٢٠ - رسول الله ﷺ: الْوَيْلُ لِظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِي ، عَذَابُهُمْ مَعَ الْمُتَنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (١٣٩٤)

١١٢١ - عنه ﷺ: فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ ، وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ ... وَفِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ . وَفِي الدَّرَكِ الثَّانِيَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ . وَفِي الدَّرَكِ الثَّالِثَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ (١٣٩٥) .

١١٢٢ - الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ . وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَلَا يَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ (١٣٩٦) .

١١٢٣ - الإمام زين العابدين عليه السلام: فِي فَضْلِ كَرْبَلَاءَ وَزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: يُوْحِي اللَّهُ إِلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ وَمَنْ فِيهِنَّ ... وَعِزَّتِي وَجَلَالِي



## فصل سوم

### عذاب ستم‌کنندگان به اهل بیت

۱۱۲۰ - پیامبر خدا ﷺ: وای بر ستمگران به اهل بیت من! آنان به همراه منافقان در پایین‌ترین طبقه دوزخ عذاب می‌شوند.

۱۱۲۱ - پیامبر خدا ﷺ: بهشت سه درجه دارد و دوزخ سه درک... در پایین‌ترین درک دوزخ، کسی جای می‌گیرد که ما را در دلش دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما یاری رساند. در درک دوم دوزخ، کسی جای می‌گیرد که ما را در دلش دشمن بدارد و با زبانش به زیان ما کار کند و در درک سوم دوزخ، کسی جای می‌گیرد که در دلش ما را دشمن بدارد.

۱۱۲۲ - امام علی علیه السلام: هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما یاری رساند، او به همراه دشمن ما در آتش باشد و هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبانش بر ضد ما یاری رساند، او نیز در آتش باشد و هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد، ولی با دست و زبانش علیه ما کاری نکند، جای او هم در آتش است.

۱۱۲۳ - امام سجاده علیه السلام: در فضیلت کربلا و زیارت حسین علیه السلام: خداوند به آسمانها و زمین و کوهها و دریاها و هر موجودی که در آنهاست، وحی می‌فرماید... سوگند به



لَا أُعَذِّبَنَّ مَنْ وَتَرَ رَسُولِي وَصَفِيِّي، وَانْتَهَكَ حُرْمَتَهُ، وَقَتَلَ عِترَتَهُ، وَنَبَذَ عَهْدَهُ، وَظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ<sup>(۱۲۶)</sup>.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

عزت و جلالم که هرکس به رسول و برگزیده‌ام ستم کند و حرمت او را بشکند و عترتش را بکشد و پیمانش را زیر پا نهد و به اهل بیت او ستم کند، وی را عذابی دهم که هیچ یک از جهانیان را چنان عذابی نچشانم.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

## الفصل الزابع

### إخبار النبي بما يقع عليهم من الظلم

١١٢٤- رسول الله ﷺ: وَيَحَ الْفِرَاحُ فِرَاحِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ خَلِيفَةٍ مُسْتَخْلِفٍ مُتَرَفٍ (١٣٦٨).

١١٢٥- عنه ﷺ: يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُصْحَفُ وَالْمَسْجِدُ وَالْعِترَةُ، فَيَقُولُ الْمُصْحَفُ: يَا رَبِّ حَرِّقُونِي وَمَرِّقُونِي، وَيَقُولُ الْمَسْجِدُ: يَا رَبِّ خَرِّبُونِي وَعَسْطَلُونِي وَضَيِّعُونِي، وَتَقُولُ الْعِترَةُ: يَا رَبِّ طَرِّدُونَا وَقَتِّلُونَا وَشَرِّدُونَا. وَأَجْثُو بِرُكْبَتَيَّ لِلْخُصُومَةِ، فَيَقُولُ اللَّهُ: ذَلِكَ إِلَيَّ وَأَنَا أُولَى بِذَلِكَ (١٣٦٩).

١١٢٦- عنه ﷺ: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي قَتْلًا وَتَشْرِيدًا، وَإِنَّ أَشَدَّ قَوْمِنَا لَنَا بُغْضًا بَنُو أُمَيَّةَ وَبَنُو الْمُغِيرَةِ وَبَنُو مَخْزُومٍ (١٣٧٠).

١١٢٧- الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (١٣٧١) قَالَ الْمُسْلِمُونَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ؟ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَلَكِنْ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَتَا عَشْرَةَ عَلَى النَّاسِ مِنْ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَقُومُونَ فِي النَّاسِ

## فصل چهارم

### پیشگویی پیامبر از ستم بر اهل بیت

۱۱۲۴- پیامبر خدا ﷺ: آه و اندوهها از ستمهایی که از جانب خلیفه‌ای مسلط و عیاش به جوجه‌های آل محمد می‌رسد.

۱۱۲۵- پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت، قرآن و مسجد و عترت می‌آیند. قرآن می‌گوید: پروردگارا! مرا سوزاندند و تکه پاره کردند. مسجد می‌گوید: پروردگارا! مرا ویران کردند و خالیم گذاشتند و تباهم ساختند. عترت می‌گویند: پروردگارا! ما را راندند و کشتند و آواره ساختند. من برای دادخواهی زانو می‌زنم؛ ولی خداوند می‌فرماید: اینها به من مربوط می‌شود و من به آنها سزاوارترم.

۱۱۲۶- پیامبر خدا ﷺ: به زودی پس از من، اهل بیتم توسط امتم با کشتار و آوارگی مواجه خواهند شد. همانا کینه توزترین قوم ما نسبت به ما، بنی امیه و بنی مغیره و بنی مخزوم‌اند.

۱۱۲۷- امام باقر ﷺ: وقتی آیه: «روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم» نازل شد، مسلمانان عرض کردند: ای رسول خدا! مگر شما، پیشوای همه مردم نیستید؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «من فرستاده خدا به سوی همه مردم هستم؛ ولی بعد از من پیشوایانی الهی از اهل بیتم برای مردم خواهد بود که در میان مردم (به رهبری) بر می‌خیزند، لیکن [از سوی آنان] تکذیب می‌شوند

فَيَكْذِبُونَ، وَيَظْلِمُهُمُ اثْمَةُ الْكُفْرِ وَالضَّلَالِ وَأَشْيَاعُهُمْ، فَمَنْ وَالَاهُمْ وَاتَّبَعَهُمْ  
وَصَدَّقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَمَعِيَ وَسَيَلْقَانِي، أَلَا وَمَنْ ظَلَمَهُمْ وَكَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي  
وَلَا مَعِيَ وَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ» (۱۴۰۲).

۱۱۲۸ - رسول الله ﷺ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَسَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ  
الْجَنَّةِ، وَأُمَّهُمَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ. وَمِنْ وَلَدِ  
الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ اثْمَةٍ، تَسِيعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي، طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي،  
وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ، وَالْمُضْيِعِينَ  
لِحُرْمَتِهِمْ بَعْدِي، وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَنَاصِرًا لِعِزَّتِي وَأُثْمَةِ أُمَّتِي، وَمُنْتَقِمًا مِنَ  
الْجَا حِدِينَ لِحَقِّهِمْ «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (۱۴۰۳).

۱۱۲۹ جُنَادَةُ بْنُ أَبِي أُمَيَّةَ: دَخَلْتُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ؑ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ،  
وَبَيْنَ يَدَيْهِ طَشْتُ يَقْذِفُ فِيهِ الدَّمَ مِنَ السَّخَمِ الَّذِي أَسْقَاهُ مُعَاوِيَةَ لَعَنَهُ اللَّهُ،  
فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ، مَا لَكَ لَا تُعَالِجُ نَفْسَكَ؟ فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، بِمَاذَا أُعَالِجُ  
الْمَوْتَ؟ قُلْتُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ثُمَّ التَفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ: وَاللَّهِ، إِنَّهُ لَعَهْدُ  
عَهْدُهُ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ  
وَفَاطِمَةَ ؑ، مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ، ثُمَّ رَفَعْتُ الطَّشْتَ وَاتَّكَأَ صَلَوَاتُ  
اللَّهِ عَلَيْهِ (۱۴۰۴).

۱۱۳۰ - الإمام الصادق ؑ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ؑ فَبَكَى  
وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي (۱۴۰۵).

۱۱۳۱ - عنه ؑ: لَمَّا احْتَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غُشِيَ عَلَيْهِ، فَبَكَتْ فَاطِمَةُ ؑ فَأَفَاقَ وَهِيَ  
تَقُولُ: مَنْ لَنَا بَعْدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي وَاللَّهِ (۱۴۰۶).

و پیشوایان کفر و ضلالت و پیروانشان بر ایشان ستم روا می‌دارند. هر که آنان را دوست بدارد و از ایشان پیروی کند و تصدیقشان نماید، از من است و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آگاه باشید هر که به ایشان ستم روا دارد و تکذیبشان کند، از من نیست و با من نیست و من از او بیزارم».

۱۱۲۸- پیامبر خدا ﷺ: حسن و حسین، بعد از پدرشان امامان امت من و سرور جوانان اهل بهشت‌اند و مادر آن دو، بانوی زنان جهان است و پدرشان سرور اوصیا است. از نسل حسین، نه امام پدید آید که نهمین ایشان، قائم از نسل من است. اطاعت از ایشان اطاعت از من است و نافرمانی آنان نافرمانی من است. به خدا شکایت می‌برم از کسانی که فضل ایشان را انکار کنند و پس از من، حرمت آنان را بشکنند و کافی است که خدا پشتیبان و یاور عترت و امامان امت من باشد و انتقام گیرنده از منکران حق آنان «و کسانی که ستم کرده‌اند، به زودی خواهند دانست که چه فرجامی در انتظار آنان است».

۱۱۲۹- جنادة بن ابی امیة: هنگامی که حسن بن علی علیه السلام در بستر بیماری که به درگذشت او انجامید، افتاده بود، بر ایشان وارد شدم. دیدم در برابرش تشتی است و آن حضرت بر اثر زهری که معاویه - خدایش لعنت کند - به او خورانده بود، در آن تشت، خون استفراغ می‌کرد. عرض کردم: مولای من! چرا خودتان را معالجه نمی‌کنید؟ فرمود: «ای عبدالله! مرگ را با چه علاج کنم؟». گفتم: انالله و انا الیه راجعون. سپس حضرت رو به من کرد و فرمود: «به خدا قسم، رسول خدا ﷺ به ما سفارش فرمود که این امر [پیشوایی امت] را دوازده امام از نسل علی و فاطمه علیهم السلام به عهده خواهند گرفت و هیچ یک از ما نیست مگر اینکه یا زهر خورانده می‌شود و یا به قتل می‌رسد». در این هنگام، من تشت را برداشتم و آن حضرت - صلوات الله علیه - تکیه داد.

۱۱۳۰- امام صادق علیه السلام: رسول خدا ﷺ به علی و حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و سپس گریست و فرمود: «پس از من شما را تضعیف خواهند کرد».

۱۱۳۱- امام صادق علیه السلام: رسول خدا ﷺ هنگام احتضار از هوش رفت و فاطمه علیها السلام شروع به گریه کرد. پیامبر به هوش آمد. [شنید] فاطمه می‌گوید: ای رسول خدا! بعد از تو چه بر سر ما خواهد آمد؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا قسم که شما را بعد از من تضعیف خواهند کرد».

۱۱۳۲- رسول الله ﷺ - لِبَنِي هَاشِمٍ -: أَنْتُمْ الْمُسْتَضَعْفُونَ بَعْدِي <sup>(۱۴۰۷)</sup>.

۱۱۳۳- ابْنُ عَبَّاسٍ: قَالَ عَلِيٌّ ﷺ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ لَتُحِبُّ عَقِيلًا؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ إِنِّي لَا حِبُّهُ حُبِّينِ: حُبًّا لَهُ، وَحُبًّا لِحُبِّ أَبِي طَالِبٍ لَهُ وَإِنْ وَلَدَهُ لَمَقْتُولٌ فِي مَحَبَّةٍ وَلَدِكَ، فَتَدَمَّعَ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ، وَتُصَلِّيَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ عَلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا تَلْقَى عِترَتِي مِنْ بَعْدِي <sup>(۱۴۰۸)</sup>.

۱۱۳۴- أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: دَخَلْتُ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ يَعُودُهُ وَهُوَ مَرِيضٌ وَعِنْدَهُ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَتَحَوَّلَا حَتَّى جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: مَا أَرَاهُ إِلَّا هَالِكًا <sup>(۱۴۰۹)</sup>، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّهُ لَنْ يَمُوتَ إِلَّا مَقْتُولًا، وَلَنْ يَمُوتَ حَتَّى يُمَلَأَ غَيْظًا <sup>(۱۴۱۰)</sup>.

۱۱۳۵- جَابِرٌ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ ﷺ: إِنَّكَ أَمْرٌ مُسْتَخْلَفٌ، وَإِنَّكَ مَقْتُولٌ، وَهَذِهِ مَخْضُوبَةٌ مِنْ هَذِهِ - لِحَيَّتِهِ مِنْ رَأْسِهِ - <sup>(۱۴۱۱)</sup>.

۱۱۳۶- عَائِشَةُ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ التَّزَمَ عَلِيًّا وَقَبَّلَهُ وَيَقُولُ: يَا أَبِي الْوَحِيدُ الشَّهِيدُ، يَا أَبِي الْوَحِيدُ الشَّهِيدُ <sup>(۱۴۱۲)</sup>.

۱۱۳۷- الإمام علي ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ آخِذٌ بِيَدِي، وَنَحْنُ نَمْشِي فِي بَعْضِ سِكَكِ الْمَدِينَةِ، إِذْ أَتَيْنَا عَلَى حَدِيقَةٍ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. ثُمَّ مَرَرْنَا بِأُخْرَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. حَتَّى مَرَرْنَا بِسَبْعِ حَدَائِقَ، كُلُّ ذَلِكَ أَقُولُ: مَا أَحْسَنَهَا! وَيَقُولُ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا.



۱۱۳۲ - پیامبر خدا ﷺ - به بنی هاشم - : بعد از من شما به استضعاف کشانده می شوید.

۱۱۳۳ - ابن عباس: علی ﷺ به رسول خدا ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! شما عقیل را دوست دارید؟ پیامبر ﷺ فرمود: «آری. به خدا او را به دو سبب دوست دارم: یکی به خاطر خودش و دیگری به خاطر آنکه ابوطالب، او را دوست می داشت. همانا فرزند او در راه محبت و دوستی فرزند تو کشته خواهد شد و دیدگان مؤمنان برایش خواهند گریست و فرشتگان مقرب، بر او درود می فرستند». سپس رسول خدا ﷺ چندان گریه کرد که اشکهایش بر سینه اش جاری گشت. آن گاه فرمود: «به خدا شکوه می کنم از ستمهایی که پس از من به عترتم می رسد».

۱۱۳۴ - انس بن مالک: با پیامبر ﷺ به عیادت علی بن ابی طالب که بیمار بود، رفتیم. ابوبکر و عمر نیز نزد علی ﷺ بودند. آن دو کنار رفتند تا رسول خدا ﷺ نشست. یکی از آنها به دیگری گفت: حتماً می میرد. رسول خدا ﷺ فرمود: «او جز با کشته شدن، از دنیا نخواهد رفت؛ او زمانی خواهد مرد که از غیظ و خشم، لبریز شده باشد».

۱۱۳۵ - جابر: رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: «تو کسی هستی که خلافت را می گیرند، کشته می شوی و این (محاسنت) از این (خون سرت) رنگین خواهد شد».

۱۱۳۶ - عایشه: پیامبر ﷺ را دیدم که علی را در آغوش کشید و بوسید و فرمود: «پدرم فدای تو شهید تنها! پدرم فدای تو شهید تنها!».

۱۱۳۷ - امام علی ﷺ: رسول خدا ﷺ دستم را گرفته بود و با هم در یکی از کوچه های مدینه راه می رفتیم تا اینکه به باغی رسیدیم. من گفتم: ای رسول خدا! چه باغ زیبایی! فرمود: «از این زیباتر در بهشت برای توست». سپس از باغ دیگری گذشتیم و من دوباره عرض کردم: ای رسول خدا! عجب باغ زیبایی! فرمود: «از این زیباتر در بهشت برای توست». ما از هفت باغ گذشتیم و هر بار من می گفتم: عجب باغ زیبایی! و پیامبر می فرمود: «از این زیباتر در بهشت برای توست».

فَلَمَّا خَلَا لَهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَقَنِي، ثُمَّ أَجْهَشَ بَاكِئًا. [قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُبْكِيكَ؟ قَالَ: ضَعَايُنُ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبَدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي]. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ قَالَ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ (۱۱۳۷).

۱۱۳۸- رسول الله ﷺ: يُقْتَلُ ابْنِي الْحَسَنُ ﷺ بِالسَّيْفِ (۱۱۳۸).

۱۱۳۹- أُمُّ سَلَمَةَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اضْطَجَعَ ذَاتَ لَيْلَةٍ لِلنُّومِ فَاسْتَيْقَظَ وَهُوَ حَائِزٌ (۱۱۳۹)، ثُمَّ اضْطَجَعَ فَرَقَدَ، ثُمَّ اسْتَيْقَظَ وَهُوَ حَائِزٌ دُونَ مَا رَأَيْتُ بِهِ الْمَرَّةَ الْأُولَى، ثُمَّ اضْطَجَعَ فَاسْتَيْقَظَ وَفِي يَدِهِ تُرْبَةٌ حَمْرَاءُ يَقْبَلُهَا، فَقُلْتُ: مَا هَذِهِ التُّرْبَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ أَنَّ هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضِ الْعِرَاقِ - [يَعْنِي] الْحُسَيْنَ - فَقُلْتُ لِجَبْرِئِيلَ: أَرِنِي تُرْبَةَ الْأَرْضِ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا، فَهَذِهِ تُرْبَتُهَا (۱۱۳۹).

۱۱۴۰- سُحَيْمٌ عَنْ أَنَسِ بْنِ الْحَارِثِ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضِ الْعِرَاقِ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ. قَالَ: فَقَتِلَ أَنَسُ مَعَ الْحُسَيْنِ ﷺ (۱۱۴۰).

۱۱۴۱- أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: إِنَّ مَلِكَ الْمَطَرِ اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ أَنْ يَأْتِيَ النَّبِيَّ ﷺ فَأَذِنَ لَهُ، فَقَالَ لَأُمِّ سَلَمَةَ: اإِمْلِكِي عَلَيْنَا الْبَابَ لَا يَدْخُلُ عَلَيْنَا أَحَدٌ. قَالَ: وَجَاءَ الْحُسَيْنُ لِيَدْخُلَ فَمَنْعَتْهُ، فَوُتِبَ فَدَخَلَ، فَجَعَلَ يَقْعُدُ عَلَى ظَهْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَعَلَى مَنْكِبِهِ وَعَلَى عَاتِقِهِ، فَقَالَ الْمَلِكُ لِلنَّبِيِّ ﷺ: أَتُحِبُّهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُهُ، وَإِنْ شِئْتَ أَرَيْتُكَ الْمَكَانَ الَّذِي يُقْتَلُ فِيهِ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ فَجَاءَ بِطِينَةٍ حَمْرَاءَ، فَأَخَذَتْهَا أُمُّ سَلَمَةَ فَصَرَّتْهَا فِي خِمَارِهَا. قَالَ ثَابِتٌ - مِنْ رُوَاةِ الْحَدِيثِ -: بَلَّغْنَا أَنَّهَا كَرَبَلَاءُ (۱۱۴۱).

چون رسول خدا به جای خلوتی رسید، مرا در آغوش گرفت و ناگهان گریست. [من عرض کردم: ای رسول خدا! چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: «به خاطر کینه‌های نهفته در دل‌های گروهی از مردم که پس از من، آنها را نسبت به تو آشکار خواهند کرد. عرض کردم: ای رسول خدا! آیا دینم سالم خواهد ماند؟ فرمود: «دینت سالم خواهد ماند».

۱۱۳۸ - پیامبر خدا ﷺ: فرزندم حسن ﷺ با زهر کشته خواهد شد.

۱۱۳۹ - ام سلمه: شبی رسول خدا ﷺ برای خواب به بستر رفت؛ ولی حیرت زده بیدار شد. بار دیگر به بستر رفت و خوابید و باز بیدار شد؛ اما این بار از دفعه قبل که دیده بودم، کمتر متحیر بود. سپس به بستر رفت و بعد از مدتی مجدداً بیدار شد، در حالی که مُشتی خاک سرخ رنگ در دست داشت و آن را می‌بوسید. من عرض کردم: این خاک چیست، ای رسول خدا؟ فرمود: «جبرئیل - علیه الصلاة والسلام - به من خبر داد که این - یعنی: حسین - در خاک عراق کشته خواهد شد. من به جبرئیل گفتم: خاک آن سرزمینی را که او در آن کشته خواهد شد، به من نشان بده. این خاک آنجاست».

۱۱۴۰ - سحیم از انس بن حارث: شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «این فرزندم در خاک عراق کشته خواهد شد. پس هر یک از شما او را درک کرد، یارش رساند». سحیم می‌گوید: انس به همراه حسین ﷺ کشته شد.

۱۱۴۱ - انس بن مالک: فرشته باران از پروردگارش اجازه خواست که نزد پیامبر ﷺ رود و خدا به او اجازه داد. پیامبر به ام سلمه فرمود: «بیرون، مواظب در باش که کسی بر ما وارد نشود». حسین آمد و خواست وارد اتاق شود؛ اما ام سلمه مانع او شد. حسین، جستی زد و داخل شد و شروع کرد به سوار شدن بر پشت پیامبر و بر روی شانه و گردن آن حضرت. آن فرشته به پیامبر ﷺ گفت: او را دوست داری؟ فرمود: «آری». فرشته گفت: بدان که امت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی، مکانی را که در آن کشته می‌شود، به تو نشان می‌دهم. سپس دستش را زد و مقداری گل سرخ رنگ آورد. ام سلمه آن را گرفت و در گوشه چارقد خود بست.

ثابت - یکی از راویان حدیث - می‌گوید: اطلاع یافتیم که آن سرزمین، کربلاست.

۱۱۴۲ - اُمِّ سَلَمَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ فِي بَيْتِي فَقَالَ: لَا يَدْخُلُ عَلَيَّ أَحَدٌ، فَانْتَظَرْتُ فَدَخَلَ الْحُسَيْنُ ﷺ، فَسَمِعْتُ نَشِيجَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَبْكِي، فَاطَّلَعْتُ فَإِذَا حُسَيْنٌ فِي حِجْرِهِ وَالنَّبِيُّ ﷺ يَمْسَحُ جَبِينَهُ وَهُوَ يَبْكِي، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ، مَا عَلِمْتُ حِينَ دَخَلَ، فَقَالَ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ ﷺ كَانَ مَعَنَا فِي الْبَيْتِ فَقَالَ: تُحِبُّهُ؟ قُلْتُ: أَمَا مِنَ الدُّنْيَا فَنَعَمْ، قَالَ: إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُ هَذَا بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ، فَتَنَاوَلَ جَبْرِئِيلُ ﷺ مِنْ ثُرْبَتِهَا، فَأَرَاهَا النَّبِيُّ ﷺ. فَلَمَّا أَحِيطَ بِحُسَيْنٍ حِينَ قُتِلَ، قَالَ: مَا اسْمُ هَذِهِ الْأَرْضِ؟ قَالُوا: كَرْبَلَاءُ، قَالَ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَرْضُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ (۱۴۱).

۱۱۴۳ - عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نُجَيْيٍّ عَنْ أَبِيهِ: إِنَّهُ سَارَ مَعَ عَلِيٍّ ﷺ، وَكَانَ صَاحِبَ مَطَهَرَتِهِ، فَلَمَّا حَازَى نَيْنَوَى وَهُوَ مُنْطَلِقٌ إِلَى خِصْفَيْنِ فَنَادَى عَلِيٌّ ﷺ: إِصْبِرْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِصْبِرْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ. قُلْتُ: وَمَاذَا؟ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَعَيْنَاهُ تَفِيزَانِ، قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَغْضَبَكَ أَحَدٌ! مَا شَأْنُ عَيْنِكَ تَفِيزَانٍ؟ قَالَ: بَلْ قَامَ مِنْ عِنْدِي جَبْرِئِيلُ قَبْلُ فَحَدَّثَنِي أَنَّ الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ. قَالَ: فَقَالَ: هَلْ لَكَ إِلَيَّ أَنْ أَشِمَّكَ مِنْ ثُرْبَتِهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، فَمَدَّ يَدَهُ فَقَبِضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابٍ فَأَعْطَانِيهَا، فَلَمْ أَمْلِكْ عَيْنِي أَنْ فَاضَتْ (۱۴۲).

۱۱۴۴ - مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ حَسَنِ: كُنَّا مَعَ الْحُسَيْنِ ﷺ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ، فَنَظَرُ إِلَى شِمْرِ بْنِ ذِي الْجَوْشَنِ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى كَلْبٍ أَبْقَعَ يَلْعُقُ فِي دِمَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، وَكَانَ شِمْرٌ أَبْرَصَ (۱۴۳).

۱۱۴۲- امّ سلمه: روزی رسول خدا ﷺ در اتاق من نشسته بود و فرمود: «کسی بر من وارد نشود». من، [بیرون اتاق] منتظر ماندم. در این هنگام، حسین ﷺ وارد اتاق شد. صدای حق حق رسول خدا ﷺ را شنیدم که می‌گریست. به داخل اتاق نگاهی افکندم. دیدم حسین در بغل پیامبر ﷺ است و آن حضرت به پیشانی او دست می‌کشد و می‌گرید. عرض کردم: به خدا! متوجه نشدم که او وارد شد. پیامبر ﷺ فرمود: «جبرئیل در اتاق با ما بود و گفت: او را دوست داری؟ گفتم: از دنیا آری [همین‌ها را دوست دارم]. جبرئیل گفت: بدان که امت تو این را در سرزمینی به نام کربلا خواهند کشت». جبرئیل، از خاک آنجا مقداری برداشت و به پیامبر ﷺ نشان داد.

زمانی که حسین را محاصره کردند تا او را به قتل رسانند، فرمود: «نام این سرزمین چیست؟». عرض کردند: کربلا. فرمود: «خدا و رسول او راست فرمود. اینجا سرزمین کرب [اندوه] و بلاست».

۱۱۴۳- عبدالله بن نجی از قول پدرش: زمانی که علی ﷺ به صفین می‌رفت، او ابریق‌دار آن حضرت بود و همراه ایشان حرکت می‌کرد. چون برابر نینوا رسید، صدا زد: «صبر کن، ابوعبدالله! در کنار شط فرات صبر کن، ابوعبدالله!». عرض کردم: چه شده است؟ فرمود: «روزی خدمت پیامبر ﷺ رسیدم. دیدم چشمانش گریان است. عرض کردم: ای پیامبر خدا! کسی شما را ناراحت کرده است؟ چرا دیدگانتان گریان است؟ فرمود: نه. اندکی پیش، جبرئیل از پیش من رفت. او به من گفت که حسین در نزدیک شط فرات به قتل خواهد رسید. جبرئیل به من گفت: آیا می‌خواهی از شمیم تربتش به تو ببویانم؟ گفتم: آری. پس جبرئیل دستش را دراز کرد و مشتی خاک برداشت و آن را به من داد و لذا بی‌اختیار گریه‌ام گرفت».

۱۱۴۴- محمّد بن عمرو بن حسن: مابه همراه حسین ﷺ در کنار نهر کربلا بودیم. حضرت به شمر بن ذی الجوشن نگاهی کرد و فرمود: «خدا و رسول او راست فرمود. رسول خدا ﷺ فرمود: گویی سگ پیسه‌ای را می‌بینم که در خون اهل بیت من دهان می‌زند». شمر، پیس بود.

۱۱۴۵ - الإمام علي عليه السلام: زارنا رسول الله ﷺ فَعَمِلْنَا لَهُ حَرِيرَةً، وَأَهْدَتْ لَنَا أُمُّ أَيْمَنَ قَعْبًا مِنْ لَبَنٍ وَزُبْدًا وَصَحْفَةً مِنْ تَمْرٍ، فَأَكَلَ النَّبِيُّ وَأَكَلْنَا مَعَهُ، ثُمَّ وَضَّاتُ رَسُولَ اللَّهِ، فَقَامَ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ قَدَعَا اللَّهَ مَا شَاءَ. ثُمَّ أَكَبَّ عَلَى الْأَرْضِ بِدُمُوعِ غَزِيرَةٍ مِثْلِ الْمَطَرِ، فَهَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ نَسْأَلَهُ، فَوَثَبَ الْحُسَيْنُ فَقَالَ: يَا أَبَتِي، رَأَيْتَكَ تَصْنَعُ مَا لَمْ أَرَكَ تَصْنَعُ مِثْلَهُ! فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، إِنِّي سُرِرْتُ بِكُمْ الْيَوْمَ سُورًا لَمْ أُسَرَّ بِكُمْ مِثْلَهُ، وَإِنَّ حَبِيبِي جَبْرَائِيلَ عليه السلام أَتَانِي فَأَخْبَرَنِي أَنَّكُمْ قَتَلْتُمْ، وَأَنَّ مَصَارِعَكُمْ شَتَّى، قَدَعَوْتُ اللَّهَ لَكُمْ وَأَحْزَنَنِي ذَلِكَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ يَزُورُنَا عَلَى تَشَتُّنَا، وَيَتَعَاهَدُ قُبُورَنَا؟ قَالَ: طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُرِيدُونَ بَرِّي وَصِلَتِي، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ شَهِدَتْهَا بِالْمَوْقِفِ، وَأَخَذَتْ بِأَعْضَادِهَا فَأَنْجَيْتُهَا وَاللَّهُ مِنْ أَهْوَالِهِ وَشَدَائِدِهِ (۱۴۳۳).



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



۱۱۴۵ - امام علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدن ما آمد. برای آن حضرت، حریره‌ای تهیه کردیم و امّ ایمن، قدحی شیر و کره و طبقی خرما آورد. پیامبر، شروع به خوردن کرد و ما نیز با آن حضرت خوردیم. سپس رسول خدا را وضو دادم و آن حضرت برخاست و رو به قبله ایستاد و مقداری دعا کرد. سپس چشمانش را به زمین دوخت و مانند باران اشک ریخت. ما جرأت نکردیم علت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله جويا شویم. حسین از جا پرید و عرض کرد: پدرجان! عملی از شما دیدم که قبلاً ندیده بودم چنان کاری انجام دهید! پیامبر فرمود: «فرزند عزیزم! من امروز از ملاقات شما چنان شاد و خوشحال شدم که سابقه نداشته است و دوستم جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که شماها کشته خواهید شد و هر کدامتان در جایی دفن خواهید شد. لذا من برای شما دعا کردم و این خبر باعث غم و اندوه من گشت». حسین عرض کرد: ای رسول خدا! با این پراکندگی چه کسی به زیارت ما خواهد آمد و چه کسی از قبرهای ما مواظبت خواهد نمود؟ پیامبر فرمود: «گروهی از امتم که خواهان نیکی و ارتباط با من هستند. پس چون روز قیامت شود، من این عده را در موقف می‌بینم و بازوانشان را می‌گیرم و به خدا قسم، آنان را از هول و هراسها و سختی‌های موقف نجات می‌دهم.



## الفصل الخامس

### ما وَقَعَ عَلَيْهِمِ مِنَ الظُّلْمِ

١١٢٦- الإمام الحسن عليه السلام - في خطبة بعد قتل أمير المؤمنين عليه السلام - : لَقَدْ حَدَّثَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَّ الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَصَفْوَتِهِ ، مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ (١١٢٦) *الحقيقه كميتر علوم اسلامی*

١١٢٧- الإمام علي عليه السلام : ... حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ﷺ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ ، وَغَالَتْهُمْ السُّبُلُ ، وَاتَّكَلُوا عَلَى الْوَلَائِجِ ، وَوَصَلُوا غَيْرَ الرَّحِمِ ، وَهَجَرُوا السَّبَبَ الَّذِي أَمَرُوا بِمَوَدَّتِهِ ، وَتَقَلُّوا الْبِنَاءَ عَنْ رِصِّ أُسَاسِهِ ، فَبَنَوْهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ . مَعَادِنُ كُلِّ خَطِيئَةٍ ، وَأَبْوَابُ كُلِّ ضَارِبٍ فِي غَمْرَةٍ (١١٢٧) .

١١٢٨- الْمِنْهَالُ بْنُ عَمْرٍو: إِنَّ مُعَاوِيَةَ سَأَلَ الْحَسَنَ ﷺ أَنْ يَصْعَدَ الْمِنْبَرَ يَنْتَسِبُ ، فَصَعِدَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ... ثُمَّ قَالَ : أَصْبَحَتْ قُرَيْشٌ تَفْتَخِرُ عَلَى الْعَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنْهَا ، وَأَصْبَحَتِ الْعَرَبُ تَفْتَخِرُ عَلَى الْعَجَمِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنْهَا ، وَأَصْبَحَتِ الْعَجَمُ تَعْرِفُ حَقَّ الْعَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنْهَا ، يَطْلُبُونَ حَقَّنَا وَلَا يَرُدُّونَ إِلَيْنَا حَقَّنَا (١١٢٨) .

## فصل پنجم

### ستمهای رفته بر اهل بیت

۱۱۴۶ - امام حسن علیه السلام - در خطبه‌ای که پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ایراد فرمود - :  
جذم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که امر امامت را دوازده امام از اهل بیت و برگزیدگان او به عهده می‌گیرند و هیچ یک از ما نیست، مگر اینکه یا به قتل می‌رسد و یا با زهر گشته می‌شود.

۱۱۴۷ - امام علی علیه السلام : ... تا اینکه چون خداوند، جان رسول خود را گرفت، قومی به عقب برگشتند و در راههای گوناگون هلاکتبار قدم نهادند و بر اندیشه‌های نادرست خویش تکیه کردند و با غیر خویشاوند [پیامبر] پیوند برقرار کردند و از وسیله‌ای که به دوستی آن مأمور شده بودند (اهل بیت) دور گشتند و بنا [ی دین و امامت] را از روی بنیاد استوارش حرکت دادند و آن را در غیر جایش بنا کردند. اینان معدن هر خطا و دروازه‌هایی گشوده به روی هرکسی که خواهان گام نهادن در باطل و گمراهی بود، بودند.

۱۱۴۸ - منهال بن عمرو: معاویه از حسن علیه السلام خواست که منبر رود و نسب خود را بیان کند. حسن علیه السلام بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی به جا آورد... سپس فرمود: «قریش بر عربها فخر می‌فروشد که محمد از آنهاست و عربها بر عجمها فخر می‌فروشند که محمد از آنهاست و عجمها این حق را برای عربها معترفاند که محمد از آنان است. حق ما را [از غاصبان حق ما] می‌طلبند و حَقمان را به ما بر نمی‌گردانند.

١١٢٩ - حَبِيبُ بْنُ يَسَارٍ: لَمَّا أُصِيبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَامَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ إِلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ: أَفَعَلْتُمُوهَا؟! أَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: اللَّهُمَّ اسْتَوْدِعْهُمَا <sup>(١١٢٩)</sup> وَصَالِحَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقِيلَ لِعُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ: إِنَّ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ قَالَ كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ: ذَلِكَ شَيْخٌ قَدْ ذَهَبَ عَقْلُهُ <sup>(١١٣٠)</sup>.

١١٥٠ - الْيَعْقُوبِيُّ - فِي ذِكْرِ وَفَاةِ فَاطِمَةَ عليها السلام -: دَخَلَ إِلَيْهَا فِي مَرَضِهَا نِسَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَغَيْرُهُنَّ مِنْ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، فَقُلْنَ: كَيْفَ أَنْتِ؟ قَالَتْ: أَجِدُنِي وَاللَّهِ كَارِهَةً لِدُنْيَاكُمْ، مَسْرُورَةً لِفِرَاقِكُمْ، أَلْقَى اللَّهُ وَرَسُولَهُ بِحَسَرَاتٍ مِنْكُمْ، فَمَا حِفْظُ لِي الْحَقِّ، وَلَا رَعِيَّتٌ مِنِّي الذِّمَّةُ، وَلَا قُبْلَتِ الْوَصِيَّةُ، وَلَا عُرْفَتِ الْحُرْمَةِ <sup>(١١٥١)</sup>.

١١٥١ - الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ عليه السلام: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا وَعَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَزَائِرَتِكَ وَالبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبِقَعَتِكَ وَالْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللِّحَاقِ بِكَ، قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيِّتِكَ صَبْرِي، وَعَفَا عَنِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنْ لِي فِي النَّأْسِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ، فَلَقَدْ وَسَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ، وَفَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَصَدْرِي. بَلَى، وَفِي كِتَابِ اللَّهِ (لِي) أَنْعَمُ الْقَبُولِ، إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَأُخِذَتِ الرَّهْنَةُ، وَأُخْلِيسَتِ الزَّهْرَاءُ، فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَالْغُبْرَاءَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَا حُزَنِي فَسَرَمَدٌ، وَأَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ، وَهُمْ لَا يَبْرَحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ، كَمَدٌ مُقَيِّحٌ، وَهُمْ مُهَيِّجٌ، سَرَعَانَ مَا فُرِّقَ بَيْنَنَا وَإِلَى اللَّهِ أَشْكُو، وَسَتُنَبِّئُكَ ابْنُكَ بِتَظَافُرِ أُمِّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ

۱۱۴۹- حبیب بن یسار: چون حسین بن علی علیه السلام کشته شد، زید بن ارقم به کنار در مسجد رفت و گفت: شما یان این کار را کردید؟! گواهی می‌دهم که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بار خدایا! من این دو (حسن و حسین) و مؤمنان شایسته را به تو می‌سپارم». به عبیدالله بن زیاد خبر دادند که: زید بن ارقم چنین و چنان گفته است. ابن زیاد گفت: او پیرمردی است که عقلش را از دست داده است.

۱۱۵۰- یعقوبی- در بیان رحلت فاطمه علیها السلام:- هنگامی که فاطمه در بستر بیماری افتاده بود، همسران رسول خدا و دیگر زنان قریش به عیادت او رفتند و گفتند: چگونه‌ای؟ فرمود: «به خدا قسم، از دنیای شما بیزارم و از جدایی شما شادمان. خدا و رسول او را با درد دل‌هایی که از شما دارم، ملاقات می‌کنم؛ زیرا نه حق من حفظ شد و نه عهد رعایت شد و نه وصیت به گوش گرفته شد و نه حرمت پاس داشته شد».

۱۱۵۱- امام حسین علیه السلام: چون فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، امیرالمؤمنین علیه السلام او را مخفیانه به خاک سپرد و محل قبرش را ناپدید ساخت و سپس برخاست و رو به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و گفت: «سلام من بر تو ای رسول خدا و سلام بر تو از جانب دخترت، همو که اینک به دیدار تو آمد و از من جدا گشت و در آرامگاه تو در خاک خفت و خدا خواست که زودتر به تو ملحق شود. یا رسول الله! از فراق دختری برگزیده‌ات صبرم کم شده است و از جدایی سرور زنان عالم، شکیبایم را از کف داده‌ام؛ اما تاسی به سنت تو و غم و دردی که از فراق کشیدم، باعث تسلیت من (در مصیبت دخترت فاطمه) است؛ زیرا من خود، تو را در لحد آرامگاهت نهادم و در حالی جان دادی که سرت به سینه من چسبیده بود. آری، در کتاب خدا برای من بهترین عامل پذیرش [و تحمل این مصیبت‌ها] وجود دارد: «ما همه از آن خداییم و همه به سوی او باز می‌گردیم». هر آینه امانت پس گرفته شد و گروگان دریافت گردید و زهرا از کفم ربوده شد. یا رسول الله! اینک این آسمان نیلگون و این زمین تیره چه زشت در نظرم جلوه می‌کند! اندوهم همیشگی است و شبهایم به بیداری می‌گذرد و غم و اندوه، هرگز از دلم رخت برنبدد تا آن گاه که خداوند، خانه‌ای را که تو در آنجای گرفته‌ای، برایم برگزیند [بمیرم و به تو ملحق شوم]. مرا غصه‌ای است بس دلخراش و اندوهی که آرام و قرار نمی‌گذارد. چه زود میان ما جدایی افتاد. شکایت خود پیش خدا می‌برم.

وَاسْتَخْبِرَهَا الْحَالُ، فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَيْتِهِ سَبِيلًا،  
وَسَتَقُولُ وَيَحْكُمُ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.

سَلَامٌ مُودَعٌ لَا قَالٍ وَلَا سَتِيمٌ، فَإِنْ أَنْصَرِفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ، وَإِنْ أَقِمَ فَلَا  
عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ (۱۴۱۹).

۱۱۵۲- عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي نَعْمٍ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ سَأَلَ ابْنَ عُمَرَ عَنْ دَمِ الْبَعُوضِ  
يُصِيبُ الثَّوبَ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: أَنْظِرُوا إِلَيَّ هَذَا يَسْأَلُ عَنْ دَمِ الْبَعُوضِ وَقَدْ  
قَتَلُوا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ الْحَسَنَ  
وَالْحُسَيْنَ هُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا (۱۴۲۰).

۱۱۵۳- الْمِنْهَالُ بْنُ عَمْرٍو: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، كَيْفَ  
أَصْبَحْتُمْ رَحِمَكُمُ اللَّهُ؟ قَالَ: أَنتَ تَزْعُمُ أَنَّكَ لَنَا شِيعَةٌ وَأَنْتَ لَا تَعْرِفُ  
صَبَاحَنَا وَمَسَاءَنَا!! أَصْبَحْنَا فِي قَوْمِنَا بِمَنْزِلَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ،  
يُذَبِّحُونَ الْأَبْنَاءَ وَيَسْتَحْيُونَ النِّسَاءَ، وَأَصْبَحَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا ﷺ يُلْعَنُ  
عَلَى الْمَنَابِرِ، وَيُعْطَى الْفَضْلُ وَالْأَمْوَالُ عَلَى شَتْمِهِ، وَأَصْبَحَ مَنْ يُحِبُّنَا  
مَنْقُوصًا حَقُّهُ (۱۴۲۱) عَلَى حُبِّهِ إِيَّانَا، وَأَصْبَحَتْ قُرَيْشٌ تَفْضُلُ عَلِيَّ جَمِيعِ  
الْعَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ مِنْهُمْ، يَطْلُبُونَ بِحَقِّنَا وَلَا يَعْرِفُونَ لَنَا حَقًّا، أَدْخَلَ  
فَهَذَا صَبَاحَنَا وَمَسَاؤُنَا (۱۴۲۲).

۱۱۵۴- الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ﷺ: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ سُوءَ مَا أُوتِيَ إِلَيْنَا مِنْ ظُلْمِنَا وَذَهَابِ حَقِّنَا وَمَا  
نُكِبْنَا بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ مَنْ أَتَى إِلَيْنَا فِيمَا وَلَيْنَا بِهِ (۱۴۲۳).

۱۱۵۵- الْمِنْهَالُ بْنُ عَمْرٍو: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ﷺ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَسَلَّمَ  
عَلَيْهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، قَالَ الرَّجُلُ: كَيْفَ أَنْتُمْ؟ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ ﷺ:



دخترت از همدست شدن امتت در ستم بر او به تو گزارش خواهد داد. همه ماجرا را از او بپرس و اوضاع و احوال را از او جويا شو؛ زیرا چه بسا غمهای سوزانی در سینه‌اش داشت که راهی برای شرح و بیان آنها نمی‌یافت؛ ولی اکنون [به تو] خواهد گفت و خدا هم داوری می‌کند و او بهترین داوران است.

اینک با تو بدرود می‌گویم، بدرود وداع کننده‌ای که نه خشمگین است و نه خسته و بیزار؛ زیرا اگر از اینجا بروم از روی ملال و خستگی نیست و اگر بمانم، به واسطه بدگمانی به وعده‌ای که خداوند به شکیبایان داده است، نباشد.

۱۱۵۲- عبدالرحمن بن ابی نعم: مردی عراقی از ابن عمر پرسید: اگر لباس، به خون پشه آلوده شود، چه حکمی دارد؟ ابن عمر گفت: این مرد را ببینید که از [حکم] خون پشه می‌پرسد، در حالی که فرزند رسول خدا ﷺ را کشتند، با اینکه من از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرماید: حسن و حسین، دو گل خوشبوی من از دنیا هستند.

۱۱۵۳- منهال بن عمرو: خدمت علی بن الحسین رسیدم و گفتم: سلام بر شما! رحمت خدا بر شما باد! حالتان چگونه است؟ فرمود: «تو می‌گویی شیعه ما هستی و با این حال نمی‌دانی که روز و شب ما چگونه می‌گذرد! ما در میان قوم خود، چونان بنی اسرائیل در میان آل فرعون هستیم؛ پسرانمان را می‌کشند و زنانمان را زنده نگه می‌دارند و بهترین افراد امت پس از پیامبرش بر روی منبرها لعن می‌شود و مال و منال می‌دهند تا او را دشنام گویند و دوستان ما به واسطه علاقه‌شان به ما حق و حقوقشان ضایع می‌گردد. قریش به این دستاویز که محمد از آنهاست، خود را بر همه عربها برتری می‌دهد؛ حق ما را می‌ستانند و کمترین حقی برای ما قائل نیستند. وارد شو. روز و شب ما در این حال می‌گذرد.

۱۱۵۴- امام باقر ﷺ: هرکس به بد و ناروا بودن ستمها و حق‌کشی‌ها و رنجهایی که به ما رسیده معترف نباشد، با کسی که این کارها را در حق ما کرده، شریک است.

۱۱۵۵- منهال بن عمرو: با محمد بن علی الباقر ﷺ نشسته بودم که مردی وارد شد و به آن حضرت سلام کرد. حضرت جواب سلامش را داد. آن مرد گفت: حالتان

أَوْ مَا أَنْ لَكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا كَيْفَ نَحْنُ؟! إِنَّمَا مَثَلُنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ، كَانَ يُذَبِّحُ أَبْنَاؤُهُمْ وَتُسْتَحْيَى نِسَاؤُهُمْ، أَلَا وَإِنَّ هَؤُلَاءِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَنَا وَيُسْتَحْيُونَ نِسَاءَنَا، زَعَمَتِ الْعَرَبُ أَنَّ لَهُمْ فَضْلًا عَلَى الْعَجَمِ، فَقَالَ الْعَجَمُ: وَبِمَاذَا؟ قَالُوا: كَانَ مُحَمَّدٌ عَرَبِيًّا، قَالُوا لَهُمْ: صَدَقْتُمْ، وَزَعَمَتِ قُرَيْشٌ أَنَّ لَهَا فَضْلًا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْعَرَبِ، فَقَالَتْ لَهُمُ الْعَرَبُ مِنْ غَيْرِهِمْ: وَبِمَا ذَاكَ؟ قَالُوا: كَانَ مُحَمَّدٌ ﷺ قُرَشِيًّا، قَالُوا لَهُمْ: صَدَقْتُمْ.

فَإِنْ كَانَ الْقَوْمَ صَدَقُوا فَلَنَا فَضْلٌ عَلَى النَّاسِ؛ لِأَنَّا ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَأَهْلُ بَيْتِهِ خَاصَّةٌ وَعِترَتُهُ، لَا يَشْرِكُهُ فِي ذَلِكَ غَيْرُنَا. فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ. قَالَ: فَاتَّخِذِ لِلْبَلَاءِ جَلْبَابًا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَسْرَعُ إِلَيْنَا وَإِلَى شِيعَتِنَا مِنَ السَّيْلِ فِي الْوَادِي، وَبِنَا يَبْدَأُ الْبَلَاءُ ثُمَّ بِكُمْ، وَبِنَا يَبْدَأُ الرَّخَاءُ ثُمَّ بِكُمْ (۱۱۵۶).

۱۱۵۶ ابن ابی الحدید: رَوَى أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ ع قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: يَا فُلَانُ، مَا لَقِينَا مِنْ ظُلْمِ قُرَيْشٍ إِيَّانَا وَتَظَاهَرِهِمْ عَلَيْنَا! وَمَا لَقِيَ شِيعَتُنَا وَمُحِبُّونَا مِنَ النَّاسِ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قُبِضَ وَقَدْ أَخْبَرَ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، فَتَمَالَأَتْ عَلَيْنَا قُرَيْشٌ حَتَّى أَخْرَجَتْ الْأَمْرَ عَنْ مَعْدِنِهِ، وَاحْتَجَّتْ عَلَى الْأَنْصَارِ بِحَقِّنَا وَحُجَّتِنَا. ثُمَّ تَدَاوَلَتْهَا قُرَيْشٌ، وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى رَجَعَتْ إِلَيْنَا، فَتَنَكَّثَتْ بَيْعَتَنَا، وَنَصَبَتْ الْحَرْبَ لَنَا، وَلَمْ يَزَلْ صَاحِبُ الْأَمْرِ فِي صَعُودِ كَوْوِدٍ حَتَّى قُتِلَ.

فَبَوَّعَ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَعُوْهَدَ، ثُمَّ غَدَرَ بِهِ، وَأَسْلِمَ، وَوَثَبَ عَلَيْهِ أَهْلُ الْعِرَاقِ حَتَّى طُعِنَ بِخَنْجَرٍ فِي جَنْبِهِ، وَنُهِبَتْ عَسْكَرُهُ، وَعَوْرَلَجَتْ



چگونه است؟ محمد ﷺ به او فرمود: «آیا زمان آن نرسیده است که بدانید ما چه حالی داریم؟! حکایت ما در میان این امت، همچون حکایت بنی اسرائیل است که پسرانشان را سر می‌بریدند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند. بدانید که اینان نیز پسران ما را می‌کشند و زنانمان را زنده می‌گذارند. عربها می‌گویند که بر عجمها برتری دارند و عجمها می‌پرسند: به چه علت؟ و آنها می‌گویند: چون محمد عرب بود. عجمها پاسخ می‌دهند: درست می‌گویید. قریش می‌گویند که بر دیگر عربها برترند و آن دیگر عربها می‌گویند: به چه دلیل؟ قریش جواب می‌دهند: چون محمد ﷺ از قریش بود. عربها می‌گویند: درست می‌گویید. اگر این قوم راست می‌گویند، پس ما بر همه مردم برتری داریم؛ چرا که ما ذریه محمد ﷺ و اهل بیت خاص او و عترتش هستیم و جز ما، کسی این ویژگی را ندارد». آن مرد به حضرت عرض کرد: به خدا سوگند که من شما اهل بیت را دوست دارم. حضرت فرمود: «پس تن پوشی برای بلا آماده کن؛ زیرا به خدا قسم که رنج و بلا به سوی ما و شیعیانمان شتابنده‌تر حرکت می‌کند تا سرعت حرکت سیل در دره. بلا، نخست به ما می‌رسد و سپس به شما و آسایش نیز نخست به ما می‌رسد و آن گاه به شما».

۱۱۵۶- ابن ابی الحدید: روایت شده است که ابو جعفر محمد بن علی الباقر ﷺ به یکی از یارانش فرمود: «فلانی! ما چه ستمها و دشمنی‌ها از قریش دیدیم و چه ستمها که شیعیان و دوستان ما از مردم دیدند! رسول خدا ﷺ پیش از آنکه از دنیا برود، فرموده بود که ما از خود مردم به آنان سزاوارتریم؛ اما قریش، علیه ما همدستان شدند و کار [امامت و خلافت] را از جایگاهش خارج ساختند و آنچه را که حق و حجت ما بود، در اختیار خویش گرفتند و با آن در برابر انصار حجت آوردند. سپس قریش، آن [پیشوایی و خلافت] را در میان خود دست‌به‌دست کردند تا اینکه سرانجام این حق به خود ما برگشت؛ اما بیعت ما را شکستند و در برابرمان پرچم جنگ برافراشتند و امیرالمؤمنین ﷺ پیوسته با رنج و مشقت، دست به گریبان بود تا آنکه به قتل رسید.

پس از او، با فرزندش حسن، بیعت و پیمان بسته شد؛ اما به وی خیانت شد و [در برابر دشمن] تنهایش گذاشتند و عراقیان بر وی شوریدند تا جایی

خَلَائِلُ<sup>(۱۱۳۰)</sup> أُمَّهَاتِ أَوْلَادِهِ، فَوَادَعُ مُعَاوِيَةَ وَحَقَّنَ دَمَهُ وَدِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَهُمْ قَلِيلٌ حَقٌّ قَلِيلٌ.

ثُمَّ بَايَعَ الْحُسَيْنَ<sup>علیه السلام</sup> مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ عِشْرُونَ أَلْفًا، ثُمَّ غَدَرُوا بِهِ، وَخَرَجُوا عَلَيْهِ، وَبَيْعَتُهُ فِي أَعْنَاقِهِمْ، وَقَتْلُوهُ.

ثُمَّ لَمْ نَزَلْ - أَهْلَ الْبَيْتِ - نُسْتَذِلُّ وَنُسْتَضَامُ، وَنُقْصَى وَنُمْتَهَنُ، وَنُحْرَمُ وَنُقْتَلُ، وَنَخَافُ وَلَا نَأْمَنُ عَلَى دِمَائِنَا وَدِمَاءِ أَوْلِيَائِنَا. وَوَجَدَ الْكَاذِبُونَ الْجَا حِدُونَ لِكَذِبِهِمْ وَجُحُودِهِمْ مَوْضِعًا يَتَقَرَّبُونَ بِهِ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ وَقُضَاةِ السُّوءِ وَعُمَالِ السُّوءِ فِي كُلِّ بَلَدَةٍ، فَحَدَّثُوهُمْ بِالْأَحَادِيثِ الْمَوْضُوعَةِ الْمَكْذُوبَةِ، وَرَوَوْا عَنَّا مَا لَمْ نَقُلْهُ وَمَا لَمْ نَفْعَلْهُ؛ لِيَبْغُضُونَا إِلَى النَّاسِ.

وَكَانَ عِظَمُ ذَلِكَ وَكِبَرُهُ زَمَنَ مُعَاوِيَةَ بَعْدَ مَوْتِ الْحَسَنِ<sup>علیه السلام</sup>، فَقَتَلَتْ شِيعَتُنَا بِكُلِّ بَلَدَةٍ، وَقُطِّعَتِ الْأَيْدِي وَالْأَرْجُلُ عَلَى الظَّنَّةِ، وَكَانَ مَنْ يُذَكَّرُ بِحُبِّنَا وَالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْنَا سُجِنَ أَوْ نَهَبَ مَالُهُ، أَوْ هُدِمَتْ دَارُهُ.

ثُمَّ لَمْ يَزَلِ الْبَلَاءُ يَشْتَدُّ وَيَزْدَادُ إِلَى زَمَانِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ قَاتِلِ الْحُسَيْنِ<sup>علیه السلام</sup>، ثُمَّ جَاءَ الْحَجَّاجُ فَقَتَلَهُمْ كُلَّ قَتْلَةٍ، وَأَخَذَهُمْ بِكُلِّ ظَنَّةٍ وَتُهْمَةٍ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيُقَالُ لَهُ: «زَنْدِيقٌ» أَوْ «كَافِرٌ» أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُقَالَ: «شِيعَةٌ عَلِيٌّ»<sup>(۱۱۳۱)</sup>!

۱۱۵۷- حَمْزَةُ بْنُ حُمْرَانَ: دَخَلْتُ إِلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ<sup>علیه السلام</sup> فَقَالَ لِي: يَا حَمْزَةُ، مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ؟ قُلْتُ لَهُ: مِنَ الْكُوفَةِ. قَالَ: فَبَكَى<sup>علیه السلام</sup> حَتَّى بَلَّتْ دُمُوعُهُ لِحَيْتَهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا لَكَ أَكْثَرَتِ الْبُكَاءُ؟! فَقَالَ: ذَكَرْتُ عَمِّي زَيْدًا وَمَا صُنِعَ بِهِ فَبَكَيْتُ، فَقُلْتُ لَهُ: وَمَا الَّذِي ذَكَرْتَ مِنْهُ؟ فَقَالَ:

که به پهلویش خنجر زدند و اردوگاهش غارت شد و خلخال از پاهای مادران فرزندان در آوردند. از این رو، (ناچار) با معاویه صلح کرد و خون خود و خون خانواده‌اش را که در اقلیت تمام به سر می‌بردند، حفظ کرد.

سپس دوازده هزار نفر از مردم عراق با حسین علیه السلام بیعت کردند؛ اما پیمان او را نیز شکستند و در برابرش برخاستند و در حالی که بیعت او را به گردن داشتند، او را به قتل رساندند.

زان پس، ما - اهل بیت - همچنان مورد قهر و ستم واقع می‌شویم؛ از حق خود دورمان می‌کنند و مورد خواری قرار می‌گیریم. محروم می‌شویم و به قتل می‌رسیم. در رعب و وحشت به سر می‌بریم و جان ما و جان شیعیانمان در امان نیست؛ اما دروغ‌گویان و منکران [حق ما]، به سبب دروغ‌گویی و انکارشان موقعیتی یافته‌اند که به واسطه آن، مقرب درگاه حکمرانان خود و قاضیان جور و کارگزاران نابکار در هر شهری هستند؛ چرا که آنان [دروغ‌گویان و منکران]، برای اینان روایتهای جعلی و دروغ می‌گویند و از قول ما سخنان و کرداری نقل می‌کنند که ما آنها را نگفته‌ایم و انجام نداده‌ایم و هدفشان (از نقل این روایتهای و سخنان و کردار) این است که ما را منفور مردم گردانند.

بیشترین و بدترین این اعمال، در زمان معاویه پس از درگذشت حسن علیه السلام اتفاق افتاد؛ زیرا در آن زمان شیعیان ما در هر شهر و نقطه‌ای به قتل رسیدند و هرکس به صرف اینکه مضمون [به شیعه بودن] واقع می‌شد، دست و پاهایش قطع می‌گردید و اگر معلوم می‌شد کسی دوستدار و علاقه‌مند به ماست یا زندانی می‌شد، یا اموالش به غارت می‌رفت و یا خانه‌اش ویران می‌گشت.

در زمان عبیدالله بن زیاد، قاتل حسین علیه السلام، رنج و مصیبت هر لحظه شدیدتر و بیشتر می‌شد. سپس حجاج آمد و همه آنها [دوستداران و شیعیان علی و اهل بیت] را از دم تیغ گذراند و با کمترین سوءظن و تهمتی ایشان را دستگیر و مجازات می‌کرد تا جایی که اگر به کسی می‌گفتند: «زندیق یا کافر» این را خوش‌تر از آن داشت که به او گفته شود: «شیعه علی».

۱۱۵۷ - حمزه بن حُمران: خدمت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام رسیدم. به من فرمود: «ای حمزه! از کجا می‌آیی؟». عرض کردم: از کوفه. حضرت آن قدر گریست که محاسن او از اشکش تر شد. عرض کردم: یابن رسول الله! چه شده است که

ذَكَرْتُ مَقْتَلَهُ وَقَدْ أَصَابَ جَبِينَهُ سَهْمٌ، فَجَاءَهُ ابْنُهُ يَحْيَى فَاَنْكَبَّ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ: أَبْشِرْ يَا أَبْتَاهُ فَإِنَّكَ تَرِدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَيَّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. قَالَ: أَجَلُ يَا بُنَيَّ، ثُمَّ دَعَا بِحَدَّادٍ فَتَنَزَعَ السَّهْمَ مِنْ جَبِينِهِ فَكَانَتْ نَفْسُهُ مَعَهُ، فَجِيءَ بِهِ إِلَى سَاقِيَةٍ تَجْرِي عِنْدَ بُسْتَانٍ زَائِدَةٍ، فَحَفَرَ لَهُ فِيهَا وَدُفِنَ وَأُجْرِيَ عَلَيْهِ الْمَاءُ. وَكَانَ مَعَهُمْ غُلَامٌ سِنْدِيٌّ لِبَعْضِهِمْ، فَذَهَبَ إِلَى يَوْسُفَ بْنِ عُمَرَ مِنَ الْغَدِ فَأَخْبَرَهُ بِدَفْنِهِمْ إِيَّاهُ، فَأَخْرَجَهُ يَوْسُفُ بْنُ عُمَرَ فَصَلَبَهُ فِي الْكُنَاسَةِ أَرْبَعَ سِنِينَ، ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَأَحْرَقَ بِالنَّارِ وَذُرِّي فِي الرِّيَّاحِ، فَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَخَاذِلَهُ، وَإِلَى اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ أَشْكُو مَا نَزَلَ بِنَا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَبِهِ نَسْتَعِينُ عَلَى عَدُوِّنَا وَهُوَ خَيْرُ مُسْتَعَانٍ <sup>(١٤٣٧)</sup>.

١١٥٨ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ: أَتَيْتُ بَعْضَ بَنِي الْحَسَنِ عليه السلام إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ <sup>(١٤٣٨)</sup> فَظَنَرْتُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَسَنِ فَقَالَ: أَنْتَ الدِّيْبَاجُ الْأَصْفَرُ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَا أَقْتُلَنَّكَ قِتْلَةً مَا قَتَلْتُهَا أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ. ثُمَّ أَمَرَ بِأَسْطُوَانَةٍ مَبْنِيَّةٍ فَفَرَّقَتْ، ثُمَّ أَدْخَلَ فِيهَا فَبَنَى عَلَيْهِ وَهُوَ حَيٌّ <sup>(١٤٣٩)</sup>.

١١٥٩ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ: سَمِعْتُ جَدِّي مُوسَى بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: حُبْسْنَا فِي الْمَطْبِقِ، فَمَا كُنَّا نَعْرِفُ أَوْقَاتَ الصَّلَوَاتِ إِلَّا بِأَجْزَاءِ يَقْرَأُهَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ <sup>(١٤٤٠)</sup>.

١١٦٠ - مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى: تُوفِّيَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ وَهُوَ سَاجِدٌ فِي حَبْسِ أَبِي جَعْفَرٍ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: أَيْقِظُوا ابْنَ أَخِي، فَإِنِّي أَرَاهُ قَدْ نَامَ فِي سُجُودِهِ.



این قدر گریه می‌کنید؟! فرمود: «به یاد عمویم زید و آنچه با او کردند، افتادم و گریه‌ام گرفت». عرض کردم: به یاد چه چیز از او افتادید؟ فرمود: «به یاد کشته شدنش افتادم که تیری به پیشانیش خورد و پسرش یحیی آمد و خودش را بر روی او انداخت و گفت: بشارت بادا تو را ای پدر که بر رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین - صلوات الله علیهم - وارد می‌شوی! زید گفت: آری، فرزندم! سپس یحیی، آهنگری را آورد و آن تیر را از پیشانیش بیرون کشید و زید جان سپرد. پیکر او را نزد نهر آبی که از کنار باغی می‌گذشت، بردند و برایش در بستر آن نهر گوری کردند و پیکرش را در آن دفن کردند و سپس آب را بر آن بستند. یکی از آنان غلامی سندی داشت که او نیز همراهشان بود. فردایش آن غلام، نزد یوسف بن عمر رفت و محل دفن زید را به او خبر داد. یوسف بن عمر، جسد زید را بیرون آورد و در گُناسه [محلّه‌ای در کوفه] به دار آویخت که مدت چهار سال، همچنان بالای دار بود. سپس دستور داد جسدش را سوختند و خاکسترش را به باد دادند. لعنت خدا بر قاتل او و بر کسانی که او را تنها و بی‌یاور گذاشتند! و به خدای بلند نام شکایت می‌برم از آنچه که پس از مرگ پیامبرش به ما اهل بیت رسید و در برابر دشمنان از او یاری می‌خواهم که او بهترین یار است».

۱۱۵۸ - محمد بن حسن از محمد بن ابراهیم: یکی از فرزندان حسن علیه السلام را نزد ابوجعفر [منصور دوانیقی] آوردند. او به محمد بن ابراهیم بن حسن نگاهی کرد و گفت: دیباچ اصر، تویی؟ گفت: آری. منصور گفت: به خدا قسم، تو را به چنان وضعی بکشم که تاکنون هیچ یک از افراد خاندانت را چنان نکشته باشم. سپس دستور داد ستونی را شکاف دادند و او را زنده زنده داخل آن کردند و رویش را بستند.

۱۱۵۹ - محمد بن اسماعیل: از جدم موسی بن عبدالله شنیدم که می‌گفت: «در سیاه چالی زندانی شدیم، به طوری که وقت‌های نماز را تنها از طریق جزءهایی که علی بن حسن بن حسن قرائت می‌کرد، تشخیص می‌دادیم».

۱۱۶۰ - موسی بن عبدالله بن موسی: علی بن حسن در زندان ابوجعفر [منصور] در حال

قَالَ: فَحَرَّ كَوْهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ فَارَقَ الدُّنْيَا. فَقَالَ: رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ، إِنَّ عِلْمِي فِيكَ أَنَّكَ تَخَافُ هَذَا الْمَصْرَعَ<sup>(۱۱۶)</sup>.

۱۱۶۱ - مُحَمَّدُ بْنُ الْمَنْصُورِ الْمُرَادِيُّ: قَالَ يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ: قُلْتُ لِأَبِي:

يَا أَبَه، إِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَرَى عَمِّي عَيْسَى بْنَ زَيْدٍ، فَإِنَّهُ يَقْبَحُ بِمِثْلِي أَنْ لَا يَلْقَى مِثْلَهُ مِنْ أَشْيَاخِهِ. فَدَافَعَنِي عَنْ ذَلِكَ مُدَّةً، وَقَالَ: إِنَّ هَذَا أَمْرٌ يَنْتَقِلُ عَلَيْهِ، وَأَخْشَى أَنْ يَنْتَقِلَ عَنْ مَنْزِلِهِ كَرَاهِيَّةً لِلْقَائِكَ إِيَّاهُ فَتَزَعَجُهُ.

فَلَمْ أَزَلْ بِهِ أَدَارِيهِ وَالطُّفَّ بِهِ حَتَّى طَابَتْ نَفْسُهُ لِي بِذَلِكَ، فَجَهَّزَنِي إِلَى الْكُوفَةِ وَقَالَ لِي: إِذَا صِرْتَ إِلَيْهَا فَاسْأَلْ عَنْ دُورِ بَنِي حَيٍّ، فَإِذَا دَلَلْتَ عَلَيْهَا فَاقْصُدهَا فِي السَّكَّةِ الْفُلَانِيَّةِ، وَسَتَرِي فِي وَسْطِ السَّكَّةِ دَارًا لَهَا بَابٌ صِفَتُهُ كَذَا وَكَذَا، فَاعْرِفْهُ وَاجْلِسْ بَعِيدًا مِنْهَا فِي أَوَّلِ السَّكَّةِ، فَإِنَّهُ سَيَقْبَلُ عَلَيْكَ عِنْدَ الْمَغْرِبِ كَهْلٌ طَوِيلٌ مَسْنُونُ الْوَجْهِ قَدْ أَثَّرَ السُّجُودُ فِي جَبْهَتِهِ، عَلَيْهِ جُبَّةٌ صُوفٍ، يَسْتَقِي الْمَاءَ عَلَى جَمَلٍ، وَقَدْ انْصَرَفَ يَسُوقُ الْجَمَلَ لَا يَضَعُ قَدَمًا وَلَا يَرْفَعُهَا إِلَّا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَدُمُوعُهُ تَنْحَدِرُ، فَقُمْ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَانِقَهُ فَإِنَّهُ سَيَذَعُرُ مِنْكَ كَمَا يَذَعُرُ الْوَحْشُ، فَعَرِّفْهُ نَفْسَكَ وَانْتَسِبْ لَهُ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ إِلَيْكَ وَيُحَدِّثُكَ طَوِيلًا، وَيَسْأَلُكَ عَنَّا جَمِيعًا، وَيُخْبِرُكَ بِشَأْنِهِ وَلَا يَضْجَرُ بِجُلُوسِكَ مَعَهُ، وَلَا تُطِلْ عَلَيْهِ وَودِّعْهُ، فَإِنَّهُ سَوْفَ يَسْتَعْفِيكَ مِنَ الْعُودَةِ إِلَيْهِ، فَافْعَلْ مَا يَأْمُرُكَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ عُدْتَ إِلَيْهِ تَوَارَى عَنْكَ وَاسْتَوْحَشَ مِنْكَ وَانْتَقَلَ عَنْ مَوْضِعِهِ وَعَلَيْهِ فِي ذَلِكَ مَشَقَّةٌ. فَقُلْتُ: أَفْعَلُ كَمَا أَمَرْتَنِي.

ثُمَّ جَهَّزَنِي إِلَى الْكُوفَةِ وَودِّعْتُهُ وَخَرَجْتُ. فَلَمَّا وَرَدْتُ الْكُوفَةَ قَصَدْتُ

سجده از دنیا رفت. عبدالله گفت: برادرزاده‌ام را بیدار کنید؛ چون فکر می‌کنم در حال سجده خوابش برده است. اما چون او را تکان دادند، دیدند از دنیا رفته است. عبدالله گفت: خدا از تو خشنود بادا! من می‌دانستم تو بیم آن داری که در اینجا بمیری.

۱۱۶۱ - محمد بن منصور مرادی: یحیی بن حسین بن زید گفت: به پدرم گفتم:

پدرجان! من دوست دارم عمویم عیسی بن زید را ببینم؛ زیرا برای فردی چون من زشت است که چنان پیری از پیران و بزرگان خود را ملاقات نکند. پدرم مدتی مرا از این کار باز می‌داشت و می‌گفت: چنین ملاقاتی بر او سنگین می‌آید و می‌ترسم چون دوست ندارد تو او را دیدار کنی، منزل خود را به جای دیگر منتقل کند و تو با این کار، باعث ناراحتی و زحمت او شوی. اما من همچنان از پدرم خواهم و تمنا می‌کردم تا اینکه بالاخره به این کار رضایت داد و اسباب سفر مرا به کوفه فراهم کرد و به من گفت: چون به کوفه رسیدی، سراغ محله «بنی حنی» را بگیر و وقتی آنجا را به تو نشان دادند، به فلان کوچه برو. در میانه کوچه، منزلی خواهی دید که در آن، چنین و چنان است. آن در را نشانی کن و دور از آن منزل، در ابتدای کوچه بنشین. هنگام غروب آفتاب، مردی به طرف تو خواهد آمد میانسال و بلند قامت و دارای چهره‌ای تباریک و کشیده. بر پیشانی‌اش اثر سجده است و جبهه‌ای پشیمی به تن دارد و با شتر خود، سقایی می‌کند. او از سقایی برگشته و شترش را می‌راند و با هر قدمی که بر می‌دارد و می‌گذارد، ذکر خدای - ﷻ - می‌گوید و اشکهایش جاری است. برخیز و به او سلام کن و با وی معانقه نما. او همچون یک جانور صحرایی از تو خواهد رمید؛ اما تو خودت را به او معرفی کن و نسبت را برایش بازگو. در این صورت آرام می‌گیرد و مدتها با تو سخن می‌گوید و درباره همه ما از تو می‌پرسد و تو را از اوضاع و احوال خودش آگاه می‌سازد. از نشستن با تو خسته نمی‌شود؛ اما تو زیاد مزاحمش نشو و با او خداحافظی کن. از تو خواهش خواهد کرد که دیگر به سراغش نروی و تو به این دستور او عمل کن؛ زیرا اگر دوباره نزدش بروی، خودش را از تو پنهان می‌کند و از تو می‌گریزد و محل سکونت خود را تغییر می‌دهد و این کار، باعث رنج و زحمت او می‌شود.

من گفتم: دستور شما را به کار می‌بندم. آن گاه پدرم مرا عازم کوفه کرد و من خداحافظی کردم و به راه افتادم.



سِكَّةَ بَنِي حَيٍّ بَعْدَ الْعَصْرِ، فَجَلَسْتُ خَارِجَهَا بَعْدَ أَنْ تَعَرَّفْتُ الْبَابَ الَّذِي نَعْتُهُ لِي، فَلَمَّا غَرَبَتِ الشَّمْسُ إِذَا أَنَا بِهِ قَدْ أَقْبَلَ يَسوقُ الْجَمَلَ، وَهُوَ كَمَا وَصَفَ لِي أَبِي لَا يَرْفَعُ قَدَمًا وَلَا يَضَعُهَا إِلَّا حَرَكَ شَفْتَيْهِ بِذِكْرِ اللَّهِ، وَدُمُوعُهُ تَرَقَّرُقُ فِي عَيْنَيْهِ وَتَذْرِفُ أحيانًا. فَقُمْتُ فَعَانَقْتُهُ، فَذَعِرَ مِنِّي كَمَا يَسْذَعِرُ الْوَحْشُ مِنَ الْإِنْسِ، فَقُلْتُ: يَا عَمُّ، أَنَا يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ، ابْنُ أَخِيكَ.

فَضَمَّنِي إِلَيْهِ وَبَكَى حَتَّى قُلْتُ قَدْ جَاءَتْ نَفْسُهُ، ثُمَّ أَنَاخَ جَمَلَهُ وَجَلَسَ مَعِيَ فَجَعَلَ يَسْأَلُنِي عَنْ أَهْلِهِ رَجُلًا رَجُلًا وَامْرَأَةً امْرَأَةً وَصَبِيًّا صَبِيًّا، وَأَنَا أَشْرَحُ لَهُ أَخْبَارَهُمْ وَهُوَ يَبْكِي. ثُمَّ قَالَ: يَا بُنَيَّ، أَنَا أَسْتَقِي عَلَى هَذَا الْجَمَلِ الْمَاءَ، فَأَصْرِفُ مَا أَكْتَسَبْتُ - يَعْنِي مِنْ أَجْرَةِ الْجَمَلِ - إِلَى صَاحِبِهِ وَأَتَقَوَّتُ بَاقِيَهُ، وَرُبَّمَا عَاقَنِي عَائِقٌ عَنِ اسْتِقَاءِ الْمَاءِ فَأَخْرُجُ إِلَى الْبَرِّيَّةِ - يَعْنِي بِظَهْرِ الْكُوفَةِ - فَأَلْتَمِطُ مَا يَرْمِي النَّاسُ بِهِ مِنَ الْبُقُولِ فَأَتَقَوَّتُهُ. وَقَدْ تَزَوَّجْتُ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ ابْنَتَهُ، وَهُوَ لَا يَعْلَمُ مَنْ أَنَا إِلَى وَقْتِي هَذَا، فَوَلَدَتْ مِنِّي بِنْتًا فَنَشَأَتْ وَبَلَغَتْ وَهِيَ أَيْضًا لَا تَعْرِفُنِي وَلَا تَدْرِي مَنْ أَنَا، فَقَالَتْ لِي أُمُّهَا: زَوْجِ ابْنَتَكَ بِابْنِ فَلَانِ السَّقَاءِ - لِرَجُلٍ مِنْ جِيرَانِنَا يَسْقِي الْمَاءَ - فَإِنَّهُ أَيْسَرُ مِنَّا وَقَدْ خَطَبَهَا، وَالْحَتَّ عَلَيَّ، فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى إِخْبَارِهَا - بِأَنَّ ذَلِكَ غَيْرُ جَائِزٍ، وَلَا هُوَ بِكُفٍّ لَهَا - فَيَشِيعَ خَبْرِي، فَجَعَلْتُ تُسَلِّحُ عَلَيَّ، فَلَمْ أَزَلْ أَسْتَكْفِي اللَّهَ أَمْرَهَا حَتَّى مَاتَتْ بَعْدَ أَيَّامٍ، فَمَا أَجِدُنِي آسَى عَلَى شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أَسَايَ عَلَى أَنَّهَا مَاتَتْ وَلَمْ تَعْلَمْ بِمَوْضِعِهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. قَالَ: ثُمَّ أَقْسَمَ عَلَيَّ أَنْ أَنْصَرِفَ وَلَا أَعُودَ إِلَيْهِ، وَوَدَّعَنِي، فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ صِرْتُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي أَنْتَظَرْتُهُ فِيهِ لِأَرَاهُ فَلَمْ أَرَهُ، وَكَانَ آخِرَ عَهْدِي بِهِ (۱۱۴).

چون وارد کوفه شدم، نزدیک غروب به کوچه بنی حتی رفتم و ابتدا در منزلی را که پدرم برایم توصیف کرده بود، شناسایی کردم و بیرون از کوچه نشستم. آفتاب که غروب کرد، دیدم شتر خود را می‌راند و می‌آید. او همان گونه بود که پدرم برای من توصیف کرده بود. هر قدمی که بر می‌داشت و می‌گذاشت، لبانش به ذکر خدا می‌جنبید و اشکهای او در دیدگانش می‌گشت و گاهی قطراتی از آن به زمین می‌ریخت. من برخاستم و او را در آغوش کشیدم؛ اما او مانند یک جانور صحرایی که از انسان وحشت می‌کند، از من وحشت کرد. گفتم: عمو جان! من یحیی بن حسین بن زید، برادرزاده شما هستم.

در این وقت، مرا بغل کرد و آن قدر گریست که گفتم مُرد. سپس شترش را خواباند و در کنار من نشست و درباره یکایک مردان و زنان و کودکان خانواده‌اش پرسید و من اوضاع و احوال آنها را برایش شرح می‌دادم و او می‌گریست. سپس گفت: فرزندم! من با این شتر آب می‌کشم و از درآمد آن، مزد شتر را به صاحبش می‌دهم و با بقیه آن امرار معاش می‌کنم. گاهی اوقات، مانعی پیش می‌آید که نمی‌توانم آب کشی کنم. لذا به صحرا - یعنی: پشت کوفه - می‌روم و از سبزی‌هایی که مردم دور می‌ریزند، بر می‌دارم و سدّ جوع می‌کنم. من با دختر این مرد ازدواج کردم و او هنوز هم نمی‌داند من کیستم. همسرم دختری به دنیا آورد و آن دختر بزرگ شد و به سن بلوغ رسید و او هم مرا نمی‌شناخت و نمی‌دانست کیستم. مادرش به من گفت: پسر فلان سقا - که مردی از همسایگان ماست و آب کشی می‌کند - به خواستگاری دخترت آمده است و وضع زندگیشان از ما بهتر است؛ دخترت را به همسری او در آور. همسرم اصرار می‌کرد؛ اما من نمی‌توانستم به او بگویم که این کار درست نیست و پسر او مناسب دختر ما نمی‌باشد و وضعیت من لو می‌رود. او هم چنان اصرار می‌کرد و من پیوسته از خدا می‌خواستم که خودش کارسازی کند تا اینکه بعد از چند روز دخترم مُرد. فکر نمی‌کنم برای هیچ چیز دنیا این قدر اندوهگین شده باشم که برای مرگ دخترم شدم؛ زیرا او مُرد و از نسبت خود با رسول خدا ﷺ آگاه نشد.

او سپس مرا سوگند داد که بروم و دیگر پیش او برنگردم و با من خداحافظی کرد. بعد از این ملاقات، بار دیگر به همان جایی که منتظرش نشسته بودم برگشتم تا مجدداً او را ببینم؛ اما ندیدمش و این، آخرین دیدار من با او بود.

۱۱۶۲- المُنْذِرُ بْنُ جَعْفَرِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: خَرَجْتُ أَنَا وَالْحَسَنُ وَعَلِيٌّ ابْنَا صَالِحِ ابْنِ حَيٍّ وَعَبْدُ رَبِّهِ بْنُ عَلْقَمَةَ وَجَنَابُ بْنُ نِسْطَاسٍ مَعَ عَيْسَى بْنِ زَيْدٍ حُجَّاجًا بَعْدَ مَقْتَلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعَيْسَى بَيْنَنَا يَسْتُرُ نَفْسَهُ فِي زِيٍّ الْجَمَّالِينَ، فَاجْتَمَعْنَا بِمَكَّةَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَجَعَلَ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ صَالِحٍ يَتَذَكَّرَانِ أَشْيَاءَ مِنَ السَّيْرَةِ، فَاخْتَلَفَ هُوَ وَعَيْسَى فِي مَسْأَلَةٍ مِنْهَا، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ دَخَلَ عَلَيْنَا عَبْدُ رَبِّهِ بْنُ عَلْقَمَةَ فَقَالَ: قَدِمَ عَلَيْكُمُ الشِّفَاءُ فِيمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ، هَذَا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ قَدْ قَدِمَ.

فَقَامُوا بِأَجْمَعِهِمْ فَخَرَجُوا إِلَيْهِ، فَجَاؤُوهُ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسٌ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، ثُمَّ سَأَلَهُ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ عَنْ تِلْكَ الْمَسْأَلَةِ، فَقَالَ: هَذِهِ مَسْأَلَةٌ لَا أَقْدِرُ عَلَى الْجَوَابِ عَنْهَا؛ لِأَنَّ فِيهَا شَيْئًا عَلَى السُّلْطَانِ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ: إِنَّهُ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ، فَنَظَرَ إِلَى جَنَابِ بْنِ نِسْطَاسٍ مُسْتَشْبِهًا، فَقَالَ لَهُ جَنَابُ: نَعَمْ، هُوَ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ، فَوَثَبَ سُفْيَانُ فَجَلَسَ بَيْنَ يَدَيِ عَيْسَى وَعَانَقَهُ وَبَكَى بُكَاءً شَدِيدًا وَاعْتَذَرَ إِلَيْهِ مِمَّا خَاطَبَهُ بِهِ مِنَ الرَّدِّ، ثُمَّ أَجَابَهُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَهُوَ يَبْكِي. وَأَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ: إِنَّ حُبَّ بَنِي فَاطِمَةَ وَالْجَزَعَ لَهُمْ مِمَّا هُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْخَوْفِ وَالْقَتْلِ وَالتَّطْرِيدِ لِيُبْكِي مَنْ فِي قَلْبِهِ شَيْءٌ مِنَ الْإِيمَانِ. ثُمَّ قَالَ لِعَيْسَى: قُمْ بِأَبِي أَنْتَ فَأَخْفِ شَخْصَكَ لَا يُصِيبَكَ مِنْ هَؤُلَاءِ شَيْءٌ نَخَافُهُ. فَقُمْنَا فَتَفَرَّقْنَا (۱۱۶۳).

۱۱۶۳- عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ أَجْتَمِعُ أَنَا وَعَيْسَى بْنُ زَيْدٍ وَالْحَسَنُ وَعَلِيُّ ابْنَا صَالِحِ بْنِ حَيٍّ وَإِسْرَائِيلُ بْنُ يُونُسَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ وَجَنَابُ بْنُ نِسْطَاسٍ، فِي جَمَاعَةٍ مِنَ الزَّيْدِيَّةِ فِي دَارِ الْكُوفَةِ. فَسَعَى

۱۱۶۲ - منذر بن جعفر عبدی از پدرش نقل می‌کند که گفت: بعد از کشته شدن ابراهیم،

من و حسن و علی، فرزندان صالح بن حنی و عبد ربه بن علقمه و جناب بن نسطاس با عیسی بن زید به حج رفتیم. عیسی برای آنکه شناخته نشود، در بین ما خود را به هیئت ساریانان درآورده بود. شبی در مسجدالحرام، دور هم جمع شدیم و باب گفتگو درباره مطالبی از سیره (رسول خدا)، میان عیسی بن زید و حسن بن صالح باز شد و او و عیسی پیرامون یکی از مسائل آن اختلاف نظر پیدا کردند. فردای آن روز، عبد ربه بن علقمه نزد ما آمد و گفت: موضوع مورد اختلاف شما حل شد؛ این سفیان ثوری است آمده است.

همگی برخاستند و نزد سفیان که در مسجد نشسته بود، رفتند و به او سلام کردند. عیسی بن زید درباره آن مسئله از سفیان سؤال کرد. سفیان گفت: این سؤالی است که من نمی‌توانم جوابش را بدهم؛ چون به حکومت برخورد می‌کند. حسن گفت: این عیسی بن زید است. سفیان برای گرفتن تأیید به جناب بن نسطاس نگاه کرد. جناب گفت: آری، او عیسی بن زید است. سفیان از جا پرید و رو به روی عیسی نشست و با او معانقه کرد و به شدت گریست و از جواب ردی که به او داده بود، پوزش خواست. سپس در همان حال که می‌گریست، جواب سؤال او را داد و آن گاه رو به ما کرد و گفت: علاقه به فرزندان فاطمه و ناراحتی از رعب و وحشت و کشتار و آوارگی بی‌که بر سر آنان آمده است، هر کس را که ذره‌ای ایمان در قلبش باشد، به گریه می‌اندازد. سپس به عیسی گفت: پدرم فدایت باد! برخیز و خودت را مخفی کن تا از اینها گزندگی به تو نرسد. ما برخاستیم و پراکنده شدیم.

۱۱۶۳ - علی بن جعفر احمر: پدرم برایم نقل کرد که: من و عیسی بن زید و حسن

و علی، فرزندان صالح بن حنی و اسرائیل بن یونس بن ابی اسحاق و جناب بن نسطاس با گروهی از زیدیته در یکی از خانه‌های کوفه جمع می‌شدیم. یک



ساع إِلَى الْمَهْدِيِّ بِأَمْرِنَا وَدَلَّاهُ عَلَى الدَّارِ، فَكَتَبَ إِلَى عَامِلِهِ بِالْكُوفَةِ بِوَضْعِ الْأَرْصَادِ عَلَيْنَا، فَإِذَا بَلَغَهُ اجْتِمَاعُنَا كَبَسْنَا وَأَخَذْنَا وَوَجَّهَ بِنَا إِلَيْهِ.

فَاجْتَمَعْنَا لَيْلَةً فِي تِلْكَ الدَّارِ، فَبَلَغَهُ خَبْرُنَا فَهَجَمَ عَلَيْنَا، وَنَذَرَ<sup>(١١١)</sup> الْقَوْمَ بِهِ وَكَانُوا فِي عُلُوِّ الدَّارِ، فَتَفَرَّقُوا وَنَجَّوْا جَمِيعًا غَيْرِي، فَأَخَذَنِي وَحَمَلَنِي إِلَى الْمَهْدِيِّ، فَأَدْخَلْتُ إِلَيْهِ، فَلَمَّا رَأَى شَتْمَنِي بِالزُّنَا وَقَالَ لِي: يَا بَنَ الْفَاعِلَةِ! أَنْتَ الَّذِي تَجْتَمِعُ مَعَ عَيْسَى بْنِ زَيْدٍ وَتَحُثُّهُ عَلَى الْخُرُوجِ عَلَيَّ وَتَدْعُو إِلَيْهِ النَّاسَ؟!

فَقُلْتُ لَهُ: يَا هَذَا، أَمَا تَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ، وَلَا تَتَّقِي اللَّهَ وَلَا تَخَافُهُ، تَشْتِمُ الْمُحْصَنَاتِ وَتَقْدِفُهُنَّ بِالْفَاحِشَةِ، وَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَكَ وَيَلْزُمُكَ فِي دِينِكَ وَمَا وَلَّيْتَهُ أَنْ لَوْ سَمِعْتَ سَفِيهَا يَقُولُ مِثْلَ قَوْلِكَ أَنْ تُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدَّ؟! فَأَعَادَ شَتْمِي، ثُمَّ وَثَبَ إِلَيَّ فَجَعَلَنِي تَحْتَهُ وَضَرَبَنِي بِيَدَيْهِ وَخَبَطَنِي بِرِجْلَيْهِ وَشَتْمَنِي. فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّكَ لَشَجَاعٌ شَدِيدٌ أَيْدٍ حِينَ قَوِيَتْ عَلَى شَيْخٍ مِثْلِي تَضْرِبُهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْمَنْعِ مِنْ نَفْسِهِ وَلَا انْتِصَارَ لَهَا.

فَأَمَرَ بِحَبْسِي وَالتَّضْيِيقِ عَلَيَّ، فَقِيدْتُ بِقَيْدٍ ثَقِيلٍ، وَحُبِسْتُ سِنِينَ. فَلَمَّا بَلَغَهُ وَفَاةُ عَيْسَى بْنِ زَيْدٍ بَعَثَ إِلَيَّ فَدَعَانِي، فَقَالَ لِي: مِنْ أَيِّ النَّاسِ أَنْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْمُسْلِمِينَ، قَالَ: أَعْرَابِيٌّ أَنْتَ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَمِنْ أَيِّ النَّاسِ أَنْتَ؟ قُلْتُ: كَانَ أَبِي عَبْدًا لِبَعْضِ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَأَعْتَقَهُ فَهُوَ أَبِي، فَقَالَ لِي: إِنَّ عَيْسَى بْنَ زَيْدٍ قَدْ مَاتَ، فَقُلْتُ: أَعْظَمَ بِهَا مُصِيبَةً، رَحِمَهُ اللَّهُ؛ فَلَقَدْ كَانَ عَابِدًا وَرِعًا مُجْتَهِدًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ غَيْرَ خَائِفٍ لَوْمَةٍ لَائِمٍ. قَالَ: أَمَّا عَلِمْتَ بِوَفَاتِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: فَلِمَ لَمْ تُبَشِّرَنِي بِوَفَاتِهِ؟ فَقُلْتُ: لَمْ

نفر سخن چین، موضوع گردهمایی ما را به «مهدی» گزارش داد و نشانی‌های آن منزل را برایش ذکر کرد. مهدی به کارگزار خود در کوفه نوشت که برای ما کمین بگذارد و همین که خبردار شد ما جمع شده‌ایم، خانه را محاصره و ما را دستگیر کند و نزد او بفرستد.

شب‌ی در آن خانه جمع شدیم. خبر به کارگزار کوفه رسید. به ما حمله کرد. افرادی که بر بام خانه بودند، اعلام خطر کردند. افراد پراکنده شدند و همه آنها نجات یافتند، به جز من. کارگزار، مرا دستگیر کرد و نزد مهدی فرستاد. وقتی مرا به حضور او بردند و چشمش به من افتاد، مرا فحش مادر داد و گفت: ای مادر به خطا! تو با عیسی بن زید جلسه تشکیل می‌دهی و او را به قیام علیه من تشویق می‌کنی و مردم را به سوی او فرا می‌خوانی؟!

گفتم: ای مرد! از خدا شرم نمی‌کنی. از خدا پروا نمی‌کنی و از او نمی‌ترسی که به زنان پاکدامن دشنام می‌دهی و آنها را به فاحشگی متهم می‌سازی، در حالی که دین تو و مقام و منصبی که داری، اقتضا می‌کند که اگر شنیدی شخص نادانی چنین تاسزاهایی به زبان می‌آورد، بر او حد جاری کنی؟! اما مهدی، دوباره مرا دشنام داد و سپس به طرف من پرید و مرا زیر ضربه‌های مشت و لگدش گرفت و مرتب تاسزا می‌گفت. گفتم: تو به راستی که خیلی شجاع و پر زور و نیرومندی که پیرمردی را مانند من که قدرت انتقام و دفاع از خود ندارد، می‌زنی.

او دستور داد مرا زندانی کنند و بر من سخت گیرند. با زنجیری گران، مرا بستند و دو سال زندانی شدم. چون خبر درگذشت عیسی بن زید را شنیدم مرا احضار کرد و گفت: تو از چه مردمی هستی؟ گفتم: از مسلمانان. گفت: تو اعرابی هستی؟ گفتم: نه. گفت: پس از چه طایفه و مردمی هستی؟ گفتم: پدرم برده یکی از کوفیان بود و آن کوفی او را آزاد کرد. بنابراین، او پدر من است. گفت: عیسی بن زید مرده است. گفتم: مصیبت بزرگی است، خدایش رحمت کند! مردی عابد و پارسا و در طاعت خدا کوشا بود و از سرزنش احدی نمی‌هراسید. گفت: می‌دانستی مرده است؟ گفتم: آری. گفت: پس چرا بشارت مرگ او را به من ندادی؟ گفتم: دوست نداشتم تو را به چیزی بشارت دهم که اگر رسول خدا ﷺ زنده بود و آن را می‌شنید، ناراحت می‌شد.

أَحِبُّ أَنْ أُبَشِّرَكَ بِأَمْرِ لَوْ عَاشَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَعَرَفَهُ لَسَاءَهُ.

فَأَطْرَقَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ: مَا أَرَى فِي جِسْمِكَ فَضْلًا لِلْعُقُوبَةِ، وَأَخَافُ أَنْ أَسْتَعْمِلَ شَيْئًا مِنْهَا فَيَكُ فَتَمُوتَ، وَقَدْ كُفَيْتُ عَدُوِّي، فَانْصَرِفْ فِي غَيْرِ حِفْظِ اللَّهِ، وَاللَّهُ لَكِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ عُدْتَ لِمِثْلِ فِعْلِكَ لِأَضْرِبَنَّ عُنُقَكَ.

قَالَ: فَانْصَرَفْتُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَقَالَ الْمَهْدِيُّ لِلرَّبِيعِ: أَمَا تَرَى قِلَّةَ خَوْفِهِ وَشِدَّةَ قَلْبِهِ؟! هَكَذَا يَكُونُ أَهْلُ الْبَصَائِرِ (۱۱۶۲).

۱۱۶۲- الإمام کاظم علیه السلام: أَسَأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ أَيْمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأُمْنَائِكَ فِي خَلْقِكَ، وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَحُجَجِكَ فِي أَرْضِكَ، وَمَنَارِكَ فِي بِلَادِكَ، الصَّابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ، الْمُوفِينَ بِوَعْدِكَ، غَيْرَ شَاكِينَ فِيكَ وَلَا جَا حِدِينَ عِبَادَتِكَ، وَأَوْلِيَائِكَ، وَسَلَائِلِ أَوْلِيَائِكَ، وَخُزَّانِ عِلْمِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مَفَاتِيحَ الْهُدَى، وَنُورَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنَارِكَ فِي عِبَادِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الْمُؤَدِّي عَنْ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، وَسُقِ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ وَانْصُرْهُ، وَقُوْ نَاصِرِيهِ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ، وَجَدِّدْ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ الذُّلِّ الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّكَ فَصَارُوا مَقْتُولِينَ مَطْرُودِينَ مُشَرَّدِينَ خَائِفِينَ غَيْرِ آمِنِينَ. لَقُوا فِي جَنَبِكَ - ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ - الْأَذَى وَالتَّكْذِيبَ، فَصَبَرُوا عَلَى مَا أَصَابَهُمْ فِيكَ، رَاضِينَ بِذَلِكَ، مُسَلِّمِينَ لَكَ فِي



مهدی مدّتی دراز، سر به زیر افکند و آن گاه گفت: فکر نمی‌کنم بدن تو، بیش از این طاقت مجازات داشته باشد و می‌ترسم اگر کیفر بیشتری درباره تو به کار گیرم، از دنیا بروی. از شر دشمن [اصلی] خود خلاص شدم. اینک برخیز و گورت را گم کن. به خدا قسم، اگر بشنوم که بار دیگر چنین کارهایی بکنی، گردنت را می‌زنم.

جعفر احمر گوید: من به کوفه برگشتم و مهدی به ربیع گفت: می‌بینی چقدر بی‌باک و قوی دل است؟! به خدا قسم که اهل بصیرت، همگی این گونه‌اند.

۱۱۶۴ - امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! بر اهل بیت او (محمد صلی الله علیه و آله) صلوات فرست! همانان که پیشوایان هدایت‌اند و چراغهای فروزان در تاریکی‌ها و امنای تو در میان خلقت و بندگان برگزیده‌ات و حجت‌های تو در روی زمین و مناره‌های تو در شهرهایت، شکیبایان بر بلایت، جویندگان خشنودیت، وفاکنندگان به وعده‌ات، آنان که در تو شک ندارند و منکر عبادت تو نیستند، دوستان تواند و از نسل دوستان تو و خزانه‌داران دانش تو، همانان که کلیدهای هدایت قرارشان دادی و پرتو چراغهای تاریکی‌ها، درود و رحمت و رضوان تو بر آنان باد!

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و نیز بر او که چراغ راهنمای تو در میان بندگان توست، همو که به آذن تو به سوی تو دعوت می‌کند و فرمان تو را بر پا می‌دارد و پیام رسول تو را - که بر او و خاندانش سلام باد! - می‌رساند.

بار خدایا! آن گاه که او را آشکار ساختی، وعده‌ای را که به او داده‌ای، به کار بند و یارانش را به سوی او روان کن و یارانش رسان و یارانش را نیرو ده و او را به بهترین آرزویش برسان و خواسته‌اش را برآور و به واسطه او محمد و اهل بیتش را که بعد از پیامبرت آن بلاها و ستمها بر سرشان آمد، قدرتی تازه بخش، همانان که دستخوش کشتار و طرد و آوارگی و رعب و وحشت و ناامنی شدند و به خاطر آنکه جویای خشنودی و طاعت تو بودند، آزارها دیدند و تکذیب شدند؛ ولی بر آنچه [از رنج و سختی و محنت که] در راه تو به آنان رسید، شکیبایی کردند و آنها را به جان خریدند و در تمام آنچه که بر سرشان آمد و می‌آید، تسلیم (خواست) تو شدند.

جَمِيعَ مَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَمَا يَرِدُ إِلَيْهِمْ .

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي غُيِّرَ  
وَبُدِّلَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَنَ مِنْهُ وَبُدِّلْ بَعْدَ نَبِيِّكَ ﷺ (۱۱۶۵).

۱۱۶۵- أَبُو الصَّلْتِ عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ: سَمِعْتُ الرِّضَا ﷺ يَقُولُ: وَاللَّهِ، مَا مِنَّا  
إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ، فَقِيلَ لَهُ: فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ  
فِي زَمَانِي، يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ ثُمَّ يَدْفِنُنِي فِي دَارٍ مُضَيَّقَةٍ وَبِلَادٍ غُرَبَةٍ (۱۱۶۶).

۱۱۶۶- الإمام الرضا ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَفِظَ مِنَّا مَا ضَيَّعَ النَّاسُ، وَرَفَعَ مِنَّا مَا  
وَضَعَوْهُ، حَتَّى لَقَدْ لُعِنَّا عَلَى مَنَابِرِ الْكُفْرِ ثَمَانِينَ عَامًا، وَكُتِمَتْ فَضَائِلُنَا،  
وَبُذِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي الْكَذِبِ عَلَيْنَا، وَاللَّهُ تَعَالَى يَأْبَى لَنَا إِلَّا أَنْ يُعَلِّيَ ذِكْرَنَا،  
وَيُبَيِّنَ فَضْلَنَا. وَاللَّهِ، مَا هَذَا بِنَا وَإِنَّمَا هُوَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَرَابَتِنَا مِنْهُ، حَتَّى  
صَارَ أَمْرُنَا وَمَا نُرْوِي عَنْهُ أَنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدَنَا مِنْ أَعْظَمِ آيَاتِهِ وَدَلَالَاتِ  
نُبُوَّتِهِ (۱۱۶۷).

۱۱۶۷- الإمام العسكري ﷺ: قَدْ وَضَعَ بَنُو أُمَيَّةَ وَبَنُو الْعَبَّاسِ سُيُوفَهُمْ عَلَيْنَا لِعِلَّتَيْنِ،  
إِحْدَاهُمَا: أَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ، فَيَخَافُونَ مِنْ  
ادِّعَائِنَا إِيَّاهَا وَتَسْتَقَرُّ فِي مَرْكَزِهَا. وَثَانِيَهُمَا: أَنَّهُمْ قَدْ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ  
الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ وَالظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا، وَكَانُوا  
لَا يَشْكُونَ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَالظُّلْمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ  
اللَّهِ ﷺ وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ، طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوَلُّدِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ  
فَرَجَهُ، أَوْ قَتَلِهِ، فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ، إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نَوْرَهُ وَلَوْ  
كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۱۱۶۸).

بار خدایا! در فرج قائم آنان که فرمان تو را برپا می‌دارد، تعجیل فرما و او را یاری رسان و به واسطه او دینت را که دستخوش تغییر و تبدیل شده است، نصرت عطا فرما و به وسیله او آنچه را از دینت که بعد از پیامبر تو نابود و تحریف گشته، تجدید فرما!

۱۱۶۵- اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: «به خدا سوگند، هیچ فردی از ما نیست، مگر اینکه کشته و شهید می‌شود». عرض شد: یابن رسول الله! چه کسی شما را خواهد کشت؟ فرمود: «بدترین خلق خدا در زمان من. او مرا با زهر می‌کشد و سپس در خانه‌ای محقر و سرزمین غربت به خاک می‌سپارد».

۱۱۶۶- امام رضا علیه السلام: سپاس و ستایش خدایی را که آنچه را مردم، نسبت به ما تباه کردند، او حفظ کرد و آنچه را آنان نسبت به ما پست کردند، او رفعت بخشید تا جایی که ما، هشتاد سال بر روی منبرهای کفر لعنت شدیم و فضایل ما کتمان گردید و در راه دروغ بستن به ما پولها خرج شد؛ اما خداوند متعال برای ما جز این نخواست که نام ما را بلند آوازه گرداند و فضیلت ما را آشکار سازد. به خدا قسم، این نه به خاطر شخص ما، بلکه به واسطه وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله و خویشاوندی ما با اوست تا جایی که قصیه ما و آنچه از او روایت می‌کنیم، به زودی، پس از ما از بزرگ‌ترین آیات و نشانه‌های نبوت او خواهد شد.

۱۱۶۷- امام عسکری علیه السلام: بنی امیه و بنی عباس به دو دلیل به قتل و کشتار ما پرداختند: یکی اینکه آنها خود می‌دانستند که خلافت، حق آنان نیست. لذا می‌ترسیدند که ما ادعای خلافت کنیم و خلافت در جایگاه [اصلی] خود استقرار یابد. دوم اینکه آنها از طریق اخبار متواتر فهمیده بودند که حکومت جباران و ستمگران به دست قائم ما نابود خواهد شد و از طرفی در اینکه آنان از جباران و ستمگران هستند، شک نداشتند. از این رو، در کشتار اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و نابود کردن نسل او کوشیدند تا بلکه با این کار، مانع تولد قائم - عجل الله تعالی فرجه - شوند یا او را به قتل رسانده باشند؛ اما خداوند نخواست که قصیه او [قائم]، حتی برای یک نفر از ایشان (خلفای اموی و عباسی) معلوم شود تا آن گاه که نور خویش را کامل گرداند، هر چند کافران خوش نداشته باشند.

۱۱۶۸ - فی دُعَاءِ النَّدْبَةِ: فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِّيَ مَنْ سُبِّيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثْوَى... فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلَيْبِكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلَيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلَتَنْدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلَيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَعْبُجُ الْعَاجُونَ؛ أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ. أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟ (۱۰۰)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۱۶۸ - در دعای ندبه: پس کشته شد آنکه کشته شد و به اسیری رفت آنکه به اسیری رفت و قضای الهی بر آنان چنان رفت که امید نیک فرجامی آن می‌رود. پس بر پاکان اهل بیت پیامبر و علی - درود خدا بر آن دو - باید که گریه کنندگان گریه کنند و ندبه گران، بر آنان ندبه و فغان کنند و برای همچون ایشان باید اشک از دیدگان ببارند و ناله و زاری و ضجّه و شیون از دل بر آرند. (خداوند!!) کجاست حسن؟ کجاست حسین؟ کجایند فرزندان حسین، آن شایستگان و راستگویانی که پس از یکدیگر آمدند؟ کجایند آن راهبها (ی‌هدایت) که در پی هم آمدند و رفتند؟ کجایند آن برگزیدگان که یکی از پی دیگری آمدند؟ کجایند آن خورشیدهای درخشان؟ کجایند آن ماههای تابناک؟ کجایند آن ستارگان فروزان؟ کجایند آن نشانه‌های دین و ارکان علم و معرفت؟

ر ک: بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۸، باب ۹ «شدة محنتهم وانهم اظعم

الناس مصیبة لا يموتون إلا بالشهادة»، و المناقب، ابن

شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۱، فصل «في ظلامة أهل البيت (علیهم السلام)».

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش دوازدهم

# دولت اهل بیت



فصلهای این بخش :

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- |           |   |                              |
|-----------|---|------------------------------|
| فصل یکم   | : | بشارتها درباره دولت اهل بیت  |
| فصل دوم   | : | زمینه سازان دولت اهل بیت     |
| فصل سوم   | : | دولت اهل بیت، آخرین دولت است |
| فصل چهارم | : | انتظار دولت اهل بیت          |
| فصل پنجم  | : | دعا برای دولت اهل بیت        |



## الفصل الأول

### البشارات بدولتهم

الكتاب



﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (١٤٥١).  
﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ  
الْوَارِثِينَ﴾ (١٤٥٢).

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللهِ  
شَهِيدًا﴾ (١٤٥٣).

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ﴾ (١٤٥٤).

﴿وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا  
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ  
بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الْفَاسِقُونَ﴾ (١٤٥٥).

## فصل یکم

### بشارتها درباره دولت اهل بیت



قرآن

«و در حقیقت، در زبوز پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند».

«و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین فرو دست نگه داشته شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) قرار دهیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم».

«اوست کسی که پیامبر خود را به (قصد) هدایت و با آیین حق فرستاد تا آن را بر همه دینها پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند».

«اوست کسی که پیامبر خود را به (قصد) هدایت و با آیین حق فرستاد تا آن را بر همه دینها پیروز گرداند، هرچند مشرکان را ناخوش آید».

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و ترسشان را به آرامش و امنیت مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید، آنان همان نافرمانان اند».

## الحديث

١١٦٩- رسول الله ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي (١٤٥٦).

١١٧٠- عنه ﷺ: لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي (١٤٥٧).

١١٧١- أبو ليلى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لِعَلِيٍِّّ -: أَنْتَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ، وَأَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُهَا أَنَا وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَفَاطِمَةُ... ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ! اتَّقِ الضَّغَائِنَ الَّتِي هِيَ فِي صُدُورِ مَنْ لَا يُظْهِرُهَا إِلَّا بَعْدَ مَوْتِي، أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ. ثُمَّ بَكَى ﷺ وَقَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُ بَعْدِي، وَأَنَّ ذَلِكَ الظُّلْمَ يَبْقَى حَتَّى إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَعَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَاجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ وَكَانَ الشَّائِئُ لَهُمْ قَلِيلًا وَالْكَارَةُ لَهُمْ ذَلِيلًا وَكَثُرَ الْمَادِحُ لَهُمْ وَذَلِكَ حِينَ تَغْيَرَتِ الْبِلَادُ وَضَعُفَ الْعِبَادُ وَالْيَأْسُ مِنَ الْفَرَجِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي يَقُومُ يُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَيُخَمِّدُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَيَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ رَاغِبًا إِلَيْهِمْ أَوْ خَائِفًا. ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ لَا يُخْلَفُ، وَقَضَاؤُهُ لَا يُرَدُّ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، وَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَهْلِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ اكْلَأْهُمْ وَارْعَهُمْ وَكُنْ لَهُمْ وَانصُرْهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَلَا تُذِلَّهُمْ وَاخْلُفْنِي فِيهِمْ، إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ (١٤٥٨).

١١٧٢- رسول الله ﷺ: أَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ غَيْثٍ لَا يُدْرَى أَوَّلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ. إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ حَدِيقَةٍ أُطْعِمَ مِنْهَا فَوْجٌ عَامًّا، ثُمَّ أُطْعِمَ مِنْهَا فَوْجٌ عَامًّا، لَعَلَّ آخِرَهَا فَوْجٌ يَكُونُ أَعْرَضَهَا بَحْرًا وَأَعَمَّقَهَا طَوْلًا وَفَرَعًا وَأَحْسَنَهَا حُبًّا (جَنَاءٌ - خ ل). وَكَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا

## حدیث

۱۱۶۹ - پیامبر خدا ﷺ: قیامت برپا نشود تا آنکه مردی از اهل بیتم که همانم من است، حکومت یابد.

۱۱۷۰ - پیامبر خدا ﷺ: دنیا به آخر نرسد تا آنکه مردی از اهل بیتم که همانم من است، بر عربها فرمانروایی یابد.

۱۱۷۱ - ابو لیلی: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «تو با من در بهشت خواهی بود و نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند، من هستم و تو و حسن و حسین و فاطمه...». سپس فرمود: «ای علی! هشدار از کینه‌هایی که (نسبت به تو) در سینه‌های برخی نهفته است و بعد از مرگ من آنها را آشکار می کنند. اینان را خدا و لعنت گران، لعنت می کنند. سپس پیامبر ﷺ گریست و فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که پس از من این عده به او (علی) ستم می کنند و این ستم همچنان ادامه می یابد تا آنکه قائم آنان (اهل بیت) قیام کند و کارشان بالا گیرد و امت بر محبت و دوستی ایشان همدستان شوند و دشمنانشان اندک شود و کسانی که آنان را ناخوش دارند، به ذلت افتند و ستایندگانشان زیاد شوند و این زمانی است که شهرها دیگرگون شود و بندگان ناتوان گردند و امیدی به فرج و گشایش باقی نماند. در این زمان، مهدی قائم از نسل من به همراه عده‌ای ظهور کند که خداوند به واسطه آنان حق را رو می آورد و با شمشیرهای ایشان باطل را درهم می شکند و مردم، داوطلبانه یا از ترس، پیروی می کنند». سپس فرمود: «ای مردم! بشارت بادا شما را به فرج و گشایش؛ زیرا که وعده خدا راست و تخلف ناپذیر است و حکم و قضای او برگشت ندارد و اوست حکیم و آگاه. فتح خدا نزدیک است. بار خدایا! آنان خانواده من هستند. پس پلیدی را از آنان بزدای و کاملاً پاک و مطهرشان گردان! بار خدایا! آنان را حفظ و نگهداری کن و با آنان باش و یاریشان ده و عزتشان بخش و خوارشان مگردان و به جای من، برای آنان باش! همانا تو بر آنچه خواهی، توانایی.»

۱۱۷۲ - پیامبر خدا ﷺ: بشارت! بشارت! [سه بار فرمود]. حکایت امت من در حقیقت، حکایت بارانی است که معلوم نیست آغازش بهتر است یا فرجامش. حکایت امت من در حقیقت، حکایت باغی است که یک سال گروهی را میوه می دهد و سال بعد، گروهی دیگر را. و شاید در آخر آن باغ عده‌ای باشند که آنجا دارای نهری گسترده تر و طول و عرضی پهناورتر و میوه‌هایی [دوستی] نیکوتر باشد.

أُولَٰهَا وَاثْنَا عَشَرَ مِنْ بَعْدِي مِنَ السُّعْدَاءِ وَأُولُو الْأَلْبَابِ وَالْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ آخِرُهَا؟! وَلَكِنْ يَهْلِكُ مَنْ بَيْنَ ذَلِكَ نَتَجَّ الْهَرَجِ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُمْ<sup>(۱۱۷۱)</sup>.

۱۱۷۳ - حُذِيفَةُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: وَيَحَ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ، كَيْفَ يَسْقُتُونَ وَيُخِيفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ، فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ. فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ، وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فُسَادِهَا.

ثُمَّ قَالَ: يَا حُذِيفَةُ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، تَجْرِي الْمَلَا حِمٌّ عَلَى يَدَيْهِ، وَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ، لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ<sup>(۱۱۷۲)</sup>.

۱۱۷۴ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا، وَذَلِكَ حِينَ يَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ، وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ. اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ، فَأَتَوْهُ وَلَوْ عَلَى الثَّلَجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَلِيفَتِي<sup>(۱۱۷۳)</sup>.

۱۱۷۵ - سَلْمَانٌ: لَمَّا ثَقُلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَخَلْنَا عَلَيْهِ، فَقَالَ لِلنَّاسِ: أَخْلُوا (لِي عَنْ) أَهْلِ الْبَيْتِ. فَقَامَ النَّاسُ وَقُمْتُ مَعَهُمْ فَقَالَ: أَقْعُدْ (يَا سَلْمَانُ) إِنَّكَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: ... فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي عِتْرَتِي أَهْلِ بَيْتِي، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَدُمْ لِأَحَدٍ قَبْلَنَا وَلَا تَبْقَى لَنَا وَلَا تَدُومُ لِأَحَدٍ بَعْدَنَا.

ثُمَّ قَالَ لِأَعْلَى: دَوْلَةُ الْحَقِّ أَبْرُ الدُّوَلِ، أَمَا إِنَّكُمْ سَتَمَلِكُونَ بَعْدَهُمْ بِالْيَوْمِ يَوْمَيْنِ وَبِالشَّهْرِ شَهْرَيْنِ وَبِالسَّنَةِ سَنَتَيْنِ<sup>(۱۱۷۴)</sup>.

چگونه هلاک شود امتی که آغازش من هستم و بعد از من، دوازده نفر انسان سعادت‌مند و خردمند هستند و مسیح، عیسی بن مریم، در آخر آن قرار دارد؟! اما از بین این امت، کسانی که دست به فتنه و کشتار زنند، نابود می‌شوند. اینان از من نیستند و من از آنان نمی‌باشم.

۱۱۷۳ - حذیفه: شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «دردا و دریغا بر این امت از دست فرمانروایانی جبار و ستمگر که اطاعت کنندگان را می‌کشند و دچار رعب و وحشت می‌سازند، مگر کسانی را که در برابر آنان اظهار اطاعت کنند. مؤمن پرهیزگار، به زبان با ایشان سازش می‌کند و به دل از آنان می‌گریزد. پس هرگاه خداوند ﷻ بخواهد عزت را به اسلام بازگرداند، هر ستمگر جباری را در هم شکند و او بر هر چه بخواهد، قادر است و می‌تواند امتی را که تباه شده است، اصلاح گرداند».

سپس فرمود: «ای حذیفه! اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند، آن روز را چندان طولانی می‌سازد تا اینکه مردی از اهل بیت من حکومت را به دست گیرد. حماسه‌ها به دست او صورت می‌پذیرد و اسلام پیروز می‌شود. خداوند، خلف وعده نمی‌کند و او حسابرسی سریع است».

۱۱۷۴ - پیامبر خدا ﷺ: قیامت برپا نشود تا اینکه قائم بر حق ما قیام کند و این قیام زمانی رخ دهد که خداوند ﷻ به او اجازه دهد. هر که از او پیروی کند، نجات یابد و هر که از وی تخلف نماید، نابود شود. خدا را، خدا را ای بندگان خدا! نزد او زوید، اگر چه ناچار شوید از روی یخ عبور کنید؛ زیرا که او جانشین خدای ﷻ و جانشین من است.

۱۱۷۵ - سلمان: چون بیماری رسول خدا ﷺ سخت شد، خدمت آن حضرت رسیدیم. پیامبر ﷺ به مردم [عیادت کنندگان] فرمود: «مرا با اهل بیت، تنها گذارید». مردم برخاستند و من هم به همراه آنان برخاستم. پیامبر ﷺ فرمود: «بنشین (ای سلمان!) تو از ما اهل بیت هستی». پس حمد و ثنای الهی را به جا آورد و آن گاه فرمود: «... درباره عترت و اهل بیتم از خدا بترسید؛ زیرا دنیا برای احدی پیش از ما دوام نیاورد و برای ما نیز باقی نمی‌ماند و برای هیچ کس پس از ما هم نمی‌پاید».

سپس به علی فرمود: «دولت حق، پُر خیر و برکت‌ترین دولتهاست. بدانید که شما بعد از آنان به ازای هر روز (که آنان حکومت کرده‌اند)، دو روز و به ازای هر ماه، دو ماه و به ازای هر سال، دو سال حکومت خواهید کرد».

۱۱۷۶ - رسول الله ﷺ: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ <sup>(۱۴۶۳)</sup> يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ <sup>(۱۴۶۴)</sup> فَنَحْنُ الصَّالِحُونَ <sup>(۱۴۶۵)</sup>.

۱۱۷۷ - عنه ﷺ: إِنَّ اللهَ زَوَى لِي <sup>(۱۴۶۶)</sup> الْأَرْضَ، فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا <sup>(۱۴۶۷)</sup>.

۱۱۷۸ - عنه ﷺ: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَمِنْ السُّدْرَةِ إِلَى حُجُبِ النُّورِ نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ... أَطَهَّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَأَوْرِثُهَا أَوْلِيَائِي <sup>(۱۴۶۸)</sup>.

۱۱۷۹ - الإمام الباقر ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ -: نَحْنُ هُمْ <sup>(۱۴۶۹)</sup>.

۱۱۸۰ - عنه ﷺ - فِي تَفْسِيرِ الْآيَةِ -: هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ <sup>(۱۴۷۰)</sup>.

۱۱۸۱ - عنه ﷺ - أَيْضًا -: هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ ﷺ فِي آخِرِ الزَّمَانِ <sup>(۱۴۷۱)</sup>.

۱۱۸۲ - عنه ﷺ - أَيْضًا -: إِنَّ ذَلِكَ وَعْدٌ لِلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّهُمْ يَرِثُونَ جَمِيعَ الْأَرْضِ <sup>(۱۴۷۲)</sup>.

۱۱۸۳ - الإمام علي ﷺ - فِي خُطْبَةٍ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ -: بِهِمْ عَادَ الْحَقُّ إِلَى نِصَابِهِ، وَانْزَاكَ الْبَاطِلُ عَنْ مَقَامِهِ <sup>(۱۴۷۳)</sup>.

۱۱۸۴ - الإمام الصادق ﷺ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: لَتَعْطِفَنَّ عَلَيْنَا الدُّنْيَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطَفَ الضُّرُوسِ <sup>(۱۴۷۴)</sup> عَلَى وَلَدِهَا، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَنُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ <sup>(۱۴۷۵)</sup>.

۱۱۸۵ - الإمام علي ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَنُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي



۱۱۷۶- پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال فرمود: «همانا زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند». آن شایستگان، ما هستیم.

۱۱۷۷- پیامبر خدا ﷺ: خداوند، زمین را برای من فشرد و درهم پیچاند و من شرق و غرب آن را دیدم و به زودی حاکمیت امت من، به سراسر جهان خواهد رسید.

۱۱۷۸- پیامبر خدا ﷺ: هنگامی که به آسمان هفتم و از آنجا به «سدره المنتهی» و از سدره به حجابهای نور برده شدم، پروردگارم ﷻ مرا ندا فرمود که: «ای محمد! به وسیله قائم شما... زمین را از دشمنان خود پاک می‌کنم و دوستانم را وارث آن می‌گردانم».

۱۱۷۹- امام باقر ﷺ: درباره آیه شریف: «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد» - : آن بندگان شایسته ما هستیم.

۱۱۸۰- امام باقر ﷺ: در تفسیر همین آیه - : آن بندگان شایسته خاندان محمد - صلوات الله علیهم - هستند.

۱۱۸۱- امام باقر ﷺ: در تفسیر همین آیه - : آنان یاران مهدی ﷺ در آخر الزمان هستند.

۱۱۸۲- امام باقر ﷺ: در تفسیر همین آیه - : این وعده‌ای است به مؤمنان که وارث سراسر زمین خواهند شد.

۱۱۸۳- امام علی ﷺ: در خطبه‌ای که طی آن از آل محمد ﷺ یاد می‌کند - : به واسطه (پایمردی) ایشان حق به محل خود بازگشت و باطل از جایگاهش رانده شد.

۱۱۸۴- امام صادق ﷺ: امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «دنیا پس از چموشی‌هایش دوباره به ما روی خواهد کرد و مهربان خواهد شد، آن گونه که ماده شتر بدخوی، با بچه خود مهربان می‌شود». سپس این آیه را قرائت کرد: «و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین، فرودست نگه داشته شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) قرار دهیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم».

۱۱۸۵- امام علی ﷺ: درباره آیه: «و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین، فرو دست‌نگه داشته شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم و وارثان قرارشان

الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين ﴿١١٨٥﴾: هُم آل مُحَمَّدٍ، يَبْعَثُ اللهُ مَهْدِيَّهْم بَعْدَ جَهْدِهِمْ، فَيُعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ ﴿١١٨٦﴾.

١١٨٦ - مُحَمَّدُ بْنُ سِيرِينَ: سَمِعْتُ غَيْرَ وَاحِدٍ مِنْ مَشِيخَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ يَقُولُونَ: لَمَّا فَرَعَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام مِنَ الْجَمَلِ، عَرَضَ لَهُ مَرَضٌ، وَحَضَرَتِ الْجُمُعَةُ فَتَأَخَّرَ عَنْهَا، وَقَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام: إِنِّ طَلِقَ يَا بُنَيَّ فَجَمَعَ بِالنَّاسِ. فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ عليه السلام إِلَى الْمَسْجِدِ، فَلَمَّا اسْتَقَلَّ عَلَى الْمِنْبَرِ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَتَشَهَّدَ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَنَا بِالنُّبُوَّةِ، وَاصْطَفَانَا عَلَى خَلْقِهِ، وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا كِتَابَهُ وَوَحْيَهُ، وَابْتِغَاءَ اللَّهِ لَا يَنْتَقِصُنَا أَحَدٌ مِنْ حَقِّنَا شَيْئًا إِلَّا تَنَقَّصَهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ دُنْيَاهُ وَآجِلِ آخِرَتِهِ، وَلَا يَكُونُ عَلَيْنَا دَوْلَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَنَا الْعَاقِبَةُ ﴿وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ ﴿١١٨٧﴾.



ثُمَّ جَمَعَ بِالنَّاسِ، وَبَلَغَ أَبَاهُ كَلَامَهُ، فَلَمَّا انْصَرَفَ إِلَى أَبِيهِ عليه السلام نَظَرَ إِلَيْهِ وَمَا مَلَكَ عَبْرَتَهُ أَنْ سَأَلَتْ عَلَى خَدَّيْهِ، ثُمَّ اسْتَدْنَاهُ إِلَيْهِ فَقَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَقَالَ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي ﴿ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿١١٨٨﴾ (١١٨٩).

١١٨٧ - الإمام الحسن عليه السلام - لسُفْيَانُ بْنُ أَبِي لَيْلَى -: أَبْشِرْ يَا سُفْيَانُ، فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْعُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ﴿١١٨٨﴾.

١١٨٨ - عنه عليه السلام - فِي خُطْبَتِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ -: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا اخْتَارَ لَهُ نَقِيًّا وَرَهْطًا وَبَيْتًا، فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَا يَنْتَقِصُ مِنْ حَقِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا نَقَّصَهُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ مِثْلَهُ، وَلَا تَكُونُ عَلَيْنَا دَوْلَةٌ إِلَّا وَتَكُونُ لَنَا الْعَاقِبَةُ، ﴿وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ ﴿١١٨٩﴾.

دهیم» - : آنان (مستضعفان)، آل محمد هستند. پس از آنکه رنجها و سختی‌ها کشیدند، خداوند مهدی آنان را می‌فرستد و ایشان را عزت می‌بخشد و دشمنشان را ذلیل و خوار می‌گرداند.

۱۱۸۶ - **محدث بن سیرین**: از چندین نفر از مشایخ بصره شنیدم که گفتند: علی بن ابی طالب علیه السلام پس از جنگ جمل ناخوش گردید و نتوانست در نماز جمعه شرکت کند. لذا به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: «فرزندم! تو برو و نماز جمعه را با مردم بخوان». حسن علیه السلام به مسجد آمد و منبر رفت و حمد و ثنای الهی را به جای آورد و شهادتین گفت و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود و صلوات فرستاد و فرمود: «ای مردم! خداوند، نبوت را در میان ما قرار داد و ما را بر خلق خویش برگزید و مقدم داشت و کتاب و وحی خود را بر ما فرو فرستاد. به خدا قسم که هرکس چیزی از حق ما را کم گزارد، خداوند در دنیا و آخرت از حق او بکاهد و هیچ دولتی ضد ما نباشد، مگر اینکه عاقبت از آن ما باشد و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست».

سپس نماز جمعه را با مردم خواند. سخنان او به گوش پدرش رسید. چون نزد پدر خود برگشت، علی به او نگاهی کرد و بی‌اختیار، اشکهایش بر گونه‌هایش جاری شد و از حسن خواست که به او نزدیک شود و میان چشمانش را بوسید و فرمود: «پدر و مادرم فدایت! فرزندی که بعضی از آنان از نسل برخی دیگرند و خداوند، شنوا و داناست».

۱۱۸۷ - **امام حسن علیه السلام** - در سخنی با سفیان بن ابی لیلی - : بشارت باد ای سفیان! زیرا دنیا نیکوکار و بدکار را در خود جای می‌دهد تا اینکه خداوند، پیشوای حق از آل محمد صلی الله علیه و آله را بفرستد.

۱۱۸۸ - **امام حسن علیه السلام** - در خطبه روز جمعه - : خداوند، هیچ پیامبری نفرستاد، مگر اینکه برای او نقیبی و قومی و خانواده‌ای برگزید. سوگند به آنکه محمد را به حق پیامبر کرد، هیچ کس نیست که حق ما اهل بیت را کم گزارد، مگر اینکه خداوند، به همان مقدار از عمل او بکاهد و هیچ دولتی بر ضد ما نباشد، مگر اینکه عاقبت، از آن ما باشد و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست».

١١٨٩- الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» <sup>(١٤٨٧)</sup> أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا، فَمَنْ أَحْيَا أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَعْمَرْهَا وَلْيُوَدِّ خَرَجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا، فَإِنْ تَرَكَهَا أَوْ أَخْرَبَهَا وَأَخْذَهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَعَمَرَهَا وَأَحْيَاها فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الَّذِي تَرَكَهَا، يُؤَدِّي خَرَجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا، حَتَّى يَظْهَرَ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالسَّيْفِ فَيَحْوِيَهَا وَيَمْنَعَهَا وَيُخْرِجَهُمْ مِنْهَا كَمَا حَوَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَمَنْعَهَا، إِلَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ يُقَاطِعُهُمْ عَلَى مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرُكُ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ <sup>(١٤٨٨)</sup>.

١١٩٠- أَبُو بَكْرِ الْخَضَرَمِيُّ: لَمَّا حُمِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِلَى الشَّامِ إِلَى هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَصَارَ بِبَابِهِ، قَالَ لِأَصْحَابِهِ وَمَنْ كَانَ بِحَضْرَتِهِ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ: إِذَا رَأَيْتُمُونِي قَدْ وَبَّخْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ثُمَّ رَأَيْتُمُونِي قَدْ سَكَتُ فَلْيَقْبِلْ عَلَيْهِ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ فَلْيُؤَبِّخْهُ. ثُمَّ أَمَرَ أَنْ يُؤَذَّنَ لَهُ، فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ بِيَدِهِ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَعَمَّهُمْ جَمِيعًا بِالسَّلَامِ، ثُمَّ جَلَسَ، فَازْدَادَ هِشَامٌ عَلَيْهِ حَقًّا بِتَرْكِهِ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِالْخِلَافَةِ وَجُلُوسِهِ بِغَيْرِ إِذْنٍ، فَأَقْبَلَ يُؤَبِّخُهُ وَيَقُولُ فِيمَا يَقُولُ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، لَا يَزَالُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قَدْ شَقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ وَدَعَا إِلَى نَفْسِهِ وَزَعَمَ أَنَّهُ الْإِمَامُ سَفَهَا وَقِلَّةَ عِلْمٍ، وَوَبَّخْهُ بِمَا أَرَادَ أَنْ يُؤَبِّخْهُ، فَلَمَّا سَكَتَ أَقْبَلَ عَلَيْهِ الْقَوْمُ رَجُلٌ بَعْدَ رَجُلٍ يُؤَبِّخُهُ حَتَّى انْقَضَى آخِرُهُمْ.

فَلَمَّا سَكَتَ الْقَوْمُ نَهَضَ عليه السلام قَائِمًا، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟! وَأَيْنَ يُرَادُ بِكُمْ؟! إِنَّا هَدَى اللَّهُ أَوَّلَكُمْ، وَإِنَّا يَخْتِمُ آخِرَكُمْ، فَإِنْ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعْجَلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكًا مُؤَجَّلًا، وَلَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ؛ لِأَنَّا أَهْلُ الْعَاقِبَةِ،

۱۱۸۹ - امام باقر (ع) در کتاب علی - که به املائی رسول خدا (ص) و خط علی (ع) است - آمده است: «همانا زمین از آن خداست و آن را به هرکس از بندگان که بخواهد، به ارث می‌دهد و عاقبت، از آن پرهیزگاران است». من و اهل بیت همان کسانی هستیم که خداوند، زمین را به ما به ارث می‌دهد و ماییم پرهیزگاران و زمین، تماماً از آن ماست. پس هر یک از مسلمانان زمینی را احیا کند، باید آبادش سازد و مالیات آن را به امام از اهل بیت من بپردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند و بخورد، حق اوست و اگر زمین را رها سازد یا خرابش کند و بعد از او مرد دیگری از مسلمانان آن را بگیرد و آباد و احیایش کند، او نسبت به آن زمین از کسی که آن را رها کرده، سزاوارتر است و باید مالیاتش را به امام از خاندان من بپردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند، حق اوست تا زمانی که قائم از خاندان من با شمشیر ظهور کند. در این زمان، او آن اراضی را تصرف کند و جلوی آنها را بگیرد و تصرف کنندگان را از آنها اخراج کند - همان گونه که رسول خدا (ص) زمینها را تصرف کرد و آنها را حفظ کرد - مگر زمینهایی که در دست شیعیان ما باشد که حضرت قائم، نسبت به آن اراضی با آنان مقاطعه می‌بندد و زمین را در دست ایشان باقی می‌گذارد.

۱۱۹۰ - ابوبکر خضرمی: هنگامی که ابو جعفر (امام باقر) (ع) را به شام نزد هشام بن عبدالملك بردند و به دربارش رسید، هشام به یاران خود و امویان حاضر در مجلس گفت: وقتی دیدید من، محمد بن علی را توبیخ کردم و سپس خاموش شدم، هر یک از شما نیز رو به او کنید و توبیخ و سرزنشش نمایید. سپس دستور داد که به حضرت اجازه ورود دهند. چون ابو جعفر (ع) وارد شد، با دست به همگان اشاره کرد که: سلام بر شما. و بدین ترتیب به همه سلام کرد و سپس نشست. از آنجا که به هشام به عنوان «خلیفه» سلام نکرد و بی‌اجازه نشست، هشام شروع به توبیخ و سرزنش حضرت کرد و از جمله گفت: ای محمد بن علی! همیشه یک نفر از شما خاندان، میان مسلمانان اختلاف انداخته و آنها را به سوی خود دعوت کرده و از روی بی‌خردی و نادانی، خود را امام دانسته است.

هشام تا جایی که توانست آن حضرت را توبیخ و نکوهش کرد و چون خاموش شد، حاضران، یکی پس از دیگری تا آخرین نفر به توبیخ و نکوهش امام پرداختند. وقتی همه آنها ساکت شدند، حضرت برخاست و فرمود: «ای



يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (١٤٨٥) (١٤٨٥).

١١٩١ - الإمام الباقر عليه السلام: إَعْلَمَ أَنَّ لِبَنِي أُمَيَّةَ مُلْكًا لَا يَسْتَطِيعُ النَّاسُ أَنْ تَرُدَّعَهُ، وَأَنَّ لِأَهْلِ الْحَقِّ دَوْلَةً إِذَا جَاءَتْ وَلَا هَا اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَمَنْ أَدْرَكَهَا مِنْكُمْ كَانَ عِنْدَنَا فِي السَّامِ الْأَعْلَى، وَإِنْ قَبِضَهُ اللَّهُ قَبْلَ ذَلِكَ خَارَلَهُ (١٤٨٦).

١١٩٢ - عنه عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ (١٤٨٧) -: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ (١٤٨٨).

١١٩٣ - الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لَنَا أَيَّامًا وَدَوْلَةً يَأْتِي بِهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ (١٤٨٩).

١١٩٤ - عنه عليه السلام: بِنَا يَبْدَأُ الْبَلَاءُ ثُمَّ بِكُمْ، وَبِنَا يَبْدَأُ الرَّخَاءُ ثُمَّ بِكُمْ، وَالَّذِي يُحْلَفُ بِهِ لَيَنْتَصِرَنَّ اللَّهُ بِكُمْ كَمَا انْتَصَرَ بِالْحِجَارَةِ (١٤٩٠).

١١٩٥ - عنه عليه السلام: سُئِلَ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: ﴿قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾ (١٤٩١) «حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (١٤٩٢) فَقَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ، وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَهُ سَيَرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ، وَلَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ عليه السلام مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكُ (مُشْرِكٌ - خ ل) عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ (١٤٩٣).

١١٩٦ - عنه عليه السلام: فِي مَعْنَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (١٤٩٤) -: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ (١٤٩٥).

مردم! به کجا می‌روید و می‌خواهند شما را به کجا برند؟! به وسیله ما (خانواده) بود که خداوند، پیشینیان شما را هدایت کرد و (کار هدایت) آیندگان شما نیز به وسیله ما انجام می‌پذیرد. اگر شما را سلطنتی زودگذر است، ما را سلطنتی در آینده خواهد بود و بعد از حکومت ما حکومتی نباشد؛ زیرا عاقبت کار، از آن ماست و خدای - ع - می‌فرماید: «و عاقبت از آن پرهیزگاران است».

۱۱۹۱- امام باقر (ع): بدان که برای بنی امیه سلطنتی است که مردم نمی‌توانند مانع آن شوند و برای اهل حق دولتی است که چون (زمانش) فرا رسد، خداوند آن را به هریک از ما اهل بیت که بخواهد، می‌سپارد. پس هریک از شما آن دولت را درک کند، نزد ما مقامی بالا و رفیع داشته باشد و هر که پیش از آن، خداوند جانش را بستاند، اجرش با خدا باشد.

۱۱۹۲- امام باقر (ع): درباره آیه: «و بگو: حق آمد و باطل نابود شد» - : هرگاه قائم (ع) قیام کند، دولت باطل از بین برود.

۱۱۹۳- امام صادق (ع): ما را ایام و دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را خواهد آورد.

۱۱۹۴- امام صادق (ع): بلا و گرفتاری‌ها از ما آغاز می‌شود و سپس به شما می‌رسد و آسایش و رفاه نیز از ما آغاز می‌گردد و آن گاه به شما می‌رسد. سوگند به آن کس که بدو سوگند یاد می‌شود، بی‌گمان، خداوند به دست شما پیروزی حاصل می‌کند، همان گونه که با سنگریزه (در واقعه اصحاب فیل)، پیروزی به بار آورد.

۱۱۹۵- امام صادق (ع): از پدرم درباره آیه: «و همگی با مشرکان بجنگید، همان گونه که آنان همگی با شما می‌جنگند» و آیه: «تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین، یکسره از آن خدا گردد» سؤال شد. فرمود: «زمان تأویل (و تحقق) این آیه هنوز نرسیده است. بعد از قیام قائم ما کسانی که او را درک می‌کنند، خواهند دید که تأویل (و تحقق) این آیه چگونه است. دین محمد تا به هرجا که شب می‌رسد، گسترش می‌یابد تا اینکه - همچنان که خداوند می‌گوید - اثری از شرک [مشرک]، بر روی زمین باقی نماند».

۱۱۹۶- امام صادق (ع): درباره معنای آیه: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را



۱۱۹۷- فی دُعَاءِ النُّدْبَةِ: جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، وَكَانَتْ الْأَرْضُ  
لِلَّهِ يورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ  
وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ<sup>(۱۱۹۷)</sup>.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند» ،  
فرمود: «این آیه درباره قائم و یاران او نازل شده است».

۱۱۹۷- در دعای ندبه: قضای الهی برای آنان درباره آنچه از پاداش نیک امید می‌رود،  
جاری گشت و زمین، از آن خداست و آن را به هرکس از بندگان که  
بخواهد، به ارث می‌دهد و عاقبت، از آن پرهیزگاران است. پاک و منزّه است  
پروردگار ما همانا وعده پروردگار ما بی‌گمان تحقق می‌پذیرد و خداوند، خلف  
وعده نمی‌کند و او عزیز و حکیم است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## الفصل الثاني

### الممهّدون لدولتهم

١١٩٨ - رسول الله ﷺ: يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ <sup>(١١٩٧)</sup>.

١١٩٩ - عَبْدُ اللَّهِ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَلَمَّا رَأَاهُمْ النَّبِيُّ ﷺ اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ. قَالَ: فَقُلْتُ: مَا نَزَالُ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ! فَقَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ لَنَا الْآخِرَةُ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيدًا وَتَطْرِيدًا، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سَوْدٌ فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ <sup>(١١٩٨)</sup>.

١٢٠٠ - رسول الله ﷺ: تَجِيءُ الرَّايَاتُ السَّوْدُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، فَمَنْ سَمِعَ بِهِمْ فَلْيَأْتِهِمْ قُبَّاءٍ يَعْهُمُ، وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ <sup>(١١٩٩)</sup>.

## فصل دوم

### زمینه سازان دولت اهل بیت

۱۱۹۸- پیامبر خدا ﷺ: از مشرق زمین، مردمی قیام می‌کنند و زمینه را برای (ظهور) مهدی آماده می‌سازند.

۱۱۹۹- عبدالله: در خدمت رسول خدا ﷺ بودیم که تعدادی از جوانان بنی هاشم آمدند. چون پیامبر ﷺ آنان را دید، آب دیدگانش سرازیر گشت و رنگش تغییر کرد. عرض کردم: ما همیشه در چهره شما حالتی می‌بینیم که ناراحتان می‌کند! پیامبر فرمود: «ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزید و اهل بیت من، بلا و آوارگی و دربه دری خواهند دید تا اینکه از جانب مشرق زمین، مردمی با پرچمهای سیاه می‌آیند و خواهان خیر [حکومت] می‌شوند؛ اما به آنها داده نمی‌شود. پس می‌جنگند و پیروز می‌شوند و آنچه خواسته‌اند، به آنها داده می‌شود؛ اما آن را نمی‌پذیرند تا اینکه حکومت را به مردی از اهل بیت من می‌سپارند و او آن را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پُر از ستم و بیدادش کرده‌اند. پس هریک از شما آن زمان را درک کرد، به آنها بپیوندد، حتی اگر ناچار شود روی یخ سینه‌خیز رود.

۱۲۰۰- پیامبر خدا ﷺ: پرچمهایی سیاه از جانب مشرق زمین خواهد آمد که دل‌های صاحبان آنها به استواری تکه‌های آهن است. پس هرکس ندای آنان را شنید، به ایشان بپیوندد و با آنها بیعت کند، حتی اگر ناچار باشد از روی یخ، سینه خیز بگذرد.

۱۲۰۱- الإمام الباقر علیه السلام: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ. قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (۱۰۰۰).

۱۲۰۲- الإمام علي علیه السلام: وَيَحَا لَكَ يَا طَالِقَانُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ علیه السلام فِي آخِرِ الزَّمَانِ (۱۰۰۱).

۱۲۰۳- الإمام الحسن علیه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله ذَكَرَ بَلَاءَ يَلْقَاهُ أَهْلُ بَيْتِهِ علیهم السلام، حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَهُ اللَّهُ، وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا اسْمُهُ كَاسِمِي، فَيُؤَلِّقُونَهُ أَمْرَهُمْ، فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ وَيَنْصُرُهُ (۱۰۰۲).

۱۲۰۴- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ: كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ علیه السلام، فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْمَهْدِيِّ، فَقَالَ عَلِيُّ علیه السلام: هَيِّهَاتَ، ثُمَّ عَقَدَ بِيَدِهِ سَبْعًا، فَقَالَ: ذَاكَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، إِذَا قَالَ الرَّجُلُ: «اللَّهُ اللَّهُ»، قُتِلَ، فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا قَزَعُ (۱۰۰۳) كَقَزَعِ السَّحَابِ (۱۰۰۴)، يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ، وَلَا يَفَرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ، عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابٍ بَدَرٍ، لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأَوَّلُونَ، وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ، عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابٍ ظَالَمِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ (۱۰۰۵).

۱۲۰۵- عَفَّانُ الْبَصْرِيُّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ علیه السلام: قَالَ لِي: أَتَدْرِي لِمَ سُمِّيَ قُمْ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتَ أَعْلَمُ، قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ (۱۰۰۶).

۱۲۰۱- امام باقر علیه السلام: گویی مردمی را می بینم که در مشرق زمین قیام کرده اند و حق را مطالبه می کنند؛ اما به آنان داده نمی شود و باز مطالبه می کنند؛ ولی باز هم به آنان نمی دهند و چون وضع را این گونه دیدند، شمشیرهای خود را از نیام می کشند و در این زمان، آنچه را طلب کرده اند، به آنان می دهند؛ اما آن را نمی پذیرند تا اینکه برخیزند و آن را به صاحب (و امام زمان) شما دهند. کشتگان آنان شهیدند. بدانید که اگر من آن زمان را درک کنم، جانم را برای صاحب این امر نگه می دارم.

۱۲۰۲- امام علی علیه السلام: زهی بر تو ای طالقان! خدای تعالی در آنجا گنجهایی دارد که از زر و سیم نیستند، بلکه در آن، مردان مؤمنی هستند که خداوند را چنان که باید، شناخته اند. اینان، یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.

۱۲۰۳- امام حسن علیه السلام: پیامبر از رنج و بلاهایی یاد کرد که اهل بیتش علیهم السلام تا زمانی که خداوند، پرچمهای سیاهی را از مشرق می فرستد، می بینند. هرکس، آنها را یاری دهد، خداوند یارش رساند و هرکس تنهایشان گذارد، خداوند او را تنها و بی یاور گذارد. صاحبان این پرچمها، نزد مردی که همانام من است می روند و زمام امور خود را به دست او می سپارند و خداوند، او را پشتیبانی می کند و نصرتش می دهد.

۱۲۰۴- محمد بن حنفیه: در خدمت علی علیه السلام بودیم که مردی درباره مهدی از ایشان سؤال کرد. علی علیه السلام فرمود: «هیئات!». آن گاه هفت انگشت خود را بست و فرمود: «او در آخر الزمان ظهور می کند، زمانی که هرکس به خدا دعوت کند، کشته می شود. خداوند متعال برای او مردمی را گرد می آورد که همانند تکه های پراکنده ابر هستند. پس خداوند، دل های آنان را به هم الفت می دهد، به طوری که از هیچ کس نمی هراسند و از اینکه فردی به آنان بپیوندند، شادمان نمی شوند. به تعداد جنگجویان بدر هستند. پیشینیان، از آنان [در چیزی از فضایل] سبقت نجسته اند و آیندگان به پای آنان نمی رسند. شمارشان به تعداد یاران طالوت است که همراه او از نهر گذشتند».

۱۲۰۵- عفان بصری: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ایا می دانی چرا قم را «قم» نامیده اند؟» عرض کردم: خدا و رسول او و شما بهتر می دانید. فرمود: «از آن جهت، قم نامیده شد که مردم آن، بر گرد قائم آل محمد - صلوات الله علیه - جمع می شوند و همراه او قیام می کنند و در راه او پایداری می ورزند و یارش می رسانند».



١٢٠٦ - الإمام الصادق عليه السلام: تَرْبَةُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ، وَأَهْلُهَا مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ، لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ (يُحَوَّلُوا أَحْوَالَهُمْ - خ ل)، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سَوْءٌ. أَمَّا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَدُعَاةُ حَقِّنَا. ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَنَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ (١٠٠٧).

١٢٠٧ - عنه عليه السلام: سَتَخْلُو كُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَأْرِزُ (١٠٠٨) عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قُمْ، وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ، وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ، فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَالْعِلْمُ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ (١٠٠٩).

١٢٠٨ - عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ، وَاحْتَجَّ بِبِلْدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَبِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَلَمْ يَدَعْ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَفَّقَهُمْ... وَسَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بِلْدَةُ قُمْ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عليه السلام إِلَى ظُهُورِهِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا. وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا، وَمَا قَصْدُهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ (١٠١٠).



۱۲۰۶- امام صادق (ع): «خاک قم، مقدّس است و مردم آن، از ما هستند و ما از آنها ایم. هر جباری که بخواهد به آنان بدی و گزند برساند، زود کیفر بیند و این تا زمانی است که آنان [اهل قم]، به برادران خود خیانت نکنند. اگر این کار را بکنند، خداوند پادشاهانی نابکار بر ایشان مسلّط گرداند. بدانید که مردم قم، یاران قائم ما و دعوتگران به حقّ ما هستند». سپس، حضرت سرش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: «بار خدایا! آنان را از هر فتنه‌ای نگه دار و از هر نابودی و هلاکتی نجاتشان بخش».

۱۲۰۷- امام صادق (ع): به زودی کوفه از مؤمنان خالی گردد و بساط علم از آن برچیده شود، همان گونه که مار در سوراخش می‌خزد. سپس علم و دانش در شهری به نام «قم» آشکار گردد و این شهر به کانون علم و فضل تبدیل شود تا جایی که در روی زمین، مستضعف دینی باقی نماند، حتی زنان پرده نشین. اینها همه در زمانی اتفاق افتد که ظهور قائم ما نزدیک است. خداوند، قم و اهل آن را به منزله حجت قرار می‌دهد. اگر نه چنین بود، بی‌گمان زمین، مردم را در کام خود فرو می‌برد و در زمین، حجتی باقی نمی‌ماند. علم و دانش از قم به سایر نقاط شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین سان، حجت خدا بر خلق تمام می‌شود تا جایی که در روی زمین، کسی باقی نمی‌ماند که دین و علم به او نرسیده باشد. پس از آن، قائم (ع) ظهور می‌کند.

۱۲۰۸- امام صادق (ع): خداوند، کوفه را برای سایر شهرها حجت قرار داد و مردم مؤمن آن را برای مؤمنان دیگر شهرها و شهر قم را برای دیگر شهرها حجت قرار داد و مردم آن را برای همه مردم شرق و غرب عالم از جنّ و انس. خداوند، قم و مردم آن را مستضعف [در دین و معارف دینی] رها نکرد، بلکه به آنان توفیق داد... و زمانی خواهد رسید که شهر قم و مردم آن، حجت بر مردمان باشند و این، در زمان غیبت قائم (ع) ما تا هنگام ظهور او باشد. اگر چنین نبود، بی‌گمان زمین، اهلش را در کام خود فرو می‌برد. فرشتگان، بلایا را از قم و اهل آن دور می‌کنند و هیچ جباری نسبت به آنان قصد سوء نکند، مگر اینکه [خداوند] درهم شکننده جباران، او را درهم شکند.

۱۲۰۹- عنه علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾ <sup>(۱۰۱۱)</sup> -: قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام فَلَا يَدْعُونَ وَتِرَآلِالِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ <sup>(۱۰۱۲)</sup>.

۱۲۱۰- الإمام الكاظم عليه السلام: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، لَا تُزَلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ <sup>(۱۰۱۳)</sup>.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

- ۱۲۰۹ - امام صادق علیه السلام - درباره آیه: «بندگان از خود را که سخت نیرومندند، بر شما می‌گماریم تا در میان خانه‌ها [یتان برای قتل و کشتار شما] به جستجو درآیند» - : اینان مردمی هستند که خداوند، قبل از ظهور قائم علیه السلام، آنان را می‌فرستد و هرکس را که در حق آل محمد ستم کرده باشد، می‌کشند.
- ۱۲۱۰ - امام کاظم علیه السلام : مردی از اهالی قم، مردم را به سوی حق فرا می‌خواند و عده‌ای بر گردش جمع می‌شوند که چونان قطعات آهن، سخت و استوارند، بادهای توفنده، آنان را از جای نمی‌جنباند و از جنگ، خسته نمی‌شوند و از آن، نمی‌هراسند، به خدا توکل دارند و عاقبت، از آن پرهیزگاران است.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

## الفصل الثالث

### دَوْلَتُهُمْ آخِرُ الدُّوَلِ

١٢١١- الإمام الباقر عليه السلام: دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا، لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ! وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (١٥١٤) (١٥١٥) عبد

١٢١٢- الإمام الصادق عليه السلام:

لِكُلِّ أَنْاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ (١٥١٦)

١٢١٣- عنه عليه السلام: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُّوا عَلَى النَّاسِ، حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ: «إِنَّا لَوْ وُلِّينَا لَعَدَلْنَا»، ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ (١٥١٧).

## فصل سوم

### دولت اهل بیت، آخرین دولت است

۱۲۱۱- امام باقر علیه السلام: دولت ما، آخرین دولت است و هیچ خاندان دارای حکومتی باقی نمی ماند، مگر اینکه قبل از ما، به حکومت می رسد تا اینکه وقتی شیوه (حکومت) ما را دیدند، نگویند: اگر ما به حکومت می رسیدیم، به شیوه اینان رفتار می کردیم؛ و این فرموده خدای تعالی - است که: «و عاقبت، از آن پرهیزگاران است».

۱۲۱۲- امام صادق علیه السلام: هر مردمی را دولتی است که منتظر فرا رسیدن آن هستند و دولت ما، در پایان روزگار آشکار می شود.

۱۲۱۳- امام صادق علیه السلام: این امر (حکومت ما اهل بیت) فراتر از اینک هیچ گروهی از مردم باقی نماند، مگر اینکه بر مردم، حکومت کرده باشد تا کسی نگوید: اگر ما به حکومت می رسیدیم، به عدل و داد رفتار می کردیم. پس از آن، قائم علیه السلام قیام می کند و حق و عدالت را برپا می دارد.

## الفصل السابع

### الانتظار لدولتهم

١٢١٤ - إسماعيل الجعفي: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَمَعَهُ صَحِيفَةٌ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ يَسْأَلُ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ، فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ هَذَا الَّذِي أُرِيدُ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَتُقَرَّرُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ، وَالْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا، وَالْوَرَعُ وَالتَّوَاضُّعُ، وَانْتَظَارُ قَائِمِنَا، فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا (١٥١٨).

١٢١٥ - الإمام علي عليه السلام: الْمُنتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (١٥١٩).

١٢١٦ - زَيْدُ بْنُ صَوْحَانَ - لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام -: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ (١٥٢٠).

١٢١٧ - الإمام الباقر عليه السلام: الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرَ الْمُنتَظَرُ لَهُ الْمُحْتَسِبُ فِيهِ الْخَيْرَ كَمَنْ جَاهَدَ وَاللَّهُ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله بِسَيْفِهِ (١٥٢١).

## فصل چهارم

### انتظار دولت اهل بیت

۱۲۱۴ - اسماعیل جعفی: مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و کتابی با خود داشت. امام باقر علیه السلام به او فرمود: «این، کتاب معاصره کننده‌ای است که در جستجوی دینی است که در آن، عمل پذیرفته [درگاه حق] می‌شود». مرد عرض کرد: خدایت رحمت کن! این همان چیزی است که من می‌خواهم. امام باقر علیه السلام فرمود: «گواهی دادن به اینکه معبودی جز خدای یگانه و بی‌نیاز نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست و اقرار به آنچه از جانب خدا آمده است و ولایت و دوستی ما خاندان و بیزاری از دشمن ما و گردن نهادن به فرمان ما و پارسایی و فروتنی و انتظار (ظهور) قائم ما؛ زیرا برای او دولت و حکومتی است که هر زمان خدا بخواهد، آن را (روی کار) می‌آورد».

۱۲۱۵ - امام علی علیه السلام: آنکه منتظر امر ما (دولت و حکومت اهل بیت) باشد، همچون کسی است که در راه خدا، به خون خود درغلتد.

۱۲۱۶ - زید بن صوحان - به امیرالمؤمنین علیه السلام - چه عملی نزد خدای تعالی - محبوب‌تر است؟ حضرت فرمود: «انتظار فرج».

۱۲۱۷ - امام باقر علیه السلام: آن کس از شما که این امر را بشناسد [و بدان معتقد باشد] و منتظر آن باشد و خیر و خوبی را در آن بداند، به خدا قسم، همچون کسی است که در کنار قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، با شمشیر او جهاد کند.



۱۲۱۸- عنه علیه السلام: لِيَقْوُ شَدِيدُكُمْ ضَعِيفُكُمْ، وَلِيَعُدَّ غَنِيُّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ، وَلَا تَبْتُؤُوا سِرَّنَا، وَلَا تُذَيِّعُوا أَمْرَنَا، وَإِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ، وَإِلَّا فَقِفُوا عِنْدَهُ ثُمَّ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ.

وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْمُنتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ، وَمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَنَا فَخَرَجَ مَعَهُ فَقُتِلَ عَدُونَا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ عِشْرِينَ شَهِيدًا، وَمَنْ قُتِلَ مَعَ قَائِمِنَا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ شَهِيدًا <sup>(۱۵۲۲)</sup>.

۱۲۱۹- عنه علیه السلام: مَا ضَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا أَنْ لَا يَمُوتَ فِي وَسْطِ فِسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَعَسْكَرِهِ؟! <sup>(۱۵۲۳)</sup>

۱۲۲۰- الإمام الصادق علیه السلام: إِنْ مَنِ انتَظَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَا فِي زُمَرَتِنَا <sup>(۱۵۲۴)</sup>.

۱۲۲۱- عنه علیه السلام: الْمُنتَظِرُ (الْمُقَرَّرُ - خ ل) لِلثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَذُبُّ عَنْهُ <sup>(۱۵۲۵)</sup>.

۱۲۲۲- عنه علیه السلام: مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِسْطَاطِهِ، لَا بَلْ كَانَ كَالضَّارِبِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالسَّيْفِ <sup>(۱۵۲۶)</sup>.

۱۲۲۳- عنه علیه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجُدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ <sup>(۱۵۲۷)</sup>.

۱۲۲۴- الإمام الجواد علیه السلام - فِي قُنُوتِهِ -: اللَّهُمَّ أَدِلْ لِأَوْلِيَائِكَ مِنْ أَعْدَائِكَ الظَّالِمِينَ ...

۱۲۱۸- امام باقر علیه السلام: توانای شما به ناتوانتان یاری رساند و دارای شما به نادارتان کمک کند و راز ما را فاش نسازید و امر [امامت] ما را آشکار نکنید و هرگاه حدیثی از ما به شما رسید و یک یا دو دلیل از کتاب خدا برایش پیدا کردید، آن را بپذیرید و گرنه، درباره آن درنگ کنید و سپس آن را به ما ارجاع دهید (و از ما بپرسید) تا [حقیقت امر] برایتان روشن شود.

بدانید که انتظار کشنده این امر [ظهور قائم علیه السلام] پاداشی همانند شخص روزه‌دار شب زنده‌دار دارد و هرکس قائم ما را درک کند و همراهیش کند و دشمن ما را بکشد، اجر بیست شهید دارد و هرکس در رکاب قائم ما کشته شود، اجر بیست و پنج شهید دارد.

۱۲۱۹- امام باقر علیه السلام: کسی که در انتظار امر (فرج و ظهور ما) از دنیا رود، او را چه زیان که در میان خیمه مهدی و سپاه او نمیرد؟!

۱۲۲۰- امام صادق علیه السلام: هرکس، منتظر امر (حکومت و دولت) ما باشد و بر آزارها و رعب و وحشتی که به او می‌رسد، شکیبایی کند، فردا در زمرة ما باشد.

۱۲۲۱- امام صادق علیه السلام: کسی که در انتظار دوازدهمین آنان (امام مهدی علیه السلام) باشد، همانند کسی است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر بکشد و از او دفاع کند.

۱۲۲۲- امام صادق علیه السلام: کسی که در حال انتظار این امر [ظهور قائم] از دنیا برود، همانند کسی است که با قائم، در خیمه او باشد، نه، بلکه همانند کسی است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر زند.

۱۲۲۳- امام صادق علیه السلام: هر که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید انتظار کشد و در حالی که منتظر است، پارسایی و اخلاق نیک را در پیش گیرد. اگر (با چنین حالتی) از دنیا برود و بعد از مرگ او، قائم قیام کند، همانند اجر کسی را دارد که قائم را درک کند. پس (در کار و عمل) بکوشید و منتظر باشید؛ گوارایتان باد ای جماعت مشمول رحمت!

۱۲۲۴- امام جواد علیه السلام: در قنوت خود - : بار خدایا! دوستانت را بر دشمنان ستمگرت

الَّذِينَ ... اتَّخَذُوا - اللَّهُمَّ - مَالِكَ دُولاً، وَعِبَادَكَ خَوَلاً، وَتَرَكَوا اللَّهُمَّ عَالَمَ  
أَرْضِكَ فِي بَكْمَاءَ عَمِيَاءَ ظُلُمَاءَ مُدْلِهَمَّةٍ، فَأَعْيُنُهُمْ مَفْتُوحَةٌ، وَقُلُوبُهُمْ  
عَمِيَّةٌ، وَلَمْ تَبْقِ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّةٍ. لَقَدْ حَذَّرْتَ اللَّهُمَّ عَذَابَكَ وَبَيَّنْتَ  
نَكَالَكَ، وَوَعَدْتَ الْمُطِيعِينَ إِحْسَانَكَ، وَقَدَّمْتَ إِلَيْهِمْ بِالنُّذْرِ، فَأَمَسَّتْ  
طَائِفَةٌ، فَأَيَّدَ اللَّهُمَّ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّ أَوْلِيَائِكَ، فَأَصْبَحُوا  
ظَاهِرِينَ وَإِلَى الْحَقِّ دَاعِينَ وَلِلْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ تَابِعِينَ (۱۵۲۸).

۱۲۲۵ - الإمام الهادي عليه السلام - فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُزَارُ بِهَا الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :- أَشْهَدُ اللَّهَ  
وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي ... مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ،  
مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ (۱۵۲۹).



مرکز تحقیقات کلیت‌پوی علوم اسلامی

پیروز گردان!... همانان که... اموال تو را در میان خود، دست به دست چرخاندند و بندگان را به بردگی گرفتند و جهان سرزمین تو را - بار خدایا! - در کوری و کوری و تاریکی شدید رها کردند. چشمانشان باز است و دل‌هایشان کور و برای آنان - بار خدایا! - بر تو حجتی نمانده است. بار خدایا! تو آنان را از عذاب خود، برحذر داشتی و کيفرت را برایشان روشن ساختی و به فرمانبرداران، وعده احسانت را دادی و پیشاپیش به آنان هشدار دادی؛ پس طایفه‌ای ایمان آوردند. بار خدایا! کسانی را که ایمان آوردند، در برابر دشمن خود و دشمن دوستان تأیید فرما! و آشکار (و پیروز) گردیدند و دعوتگر به سوی حق شدند و پیروی از امام منتظر عدالت گستر را پیشه کردند.

۱۲۲۵ - امام هادی علیه السلام - در زیارت جامعه - : خدا را و شما را گواه می‌گیرم که من... به باز آمدن شما ایمان دارم و رجعت شما را تصدیق می‌کنم؛ منتظر امر (حکومت) شما هستم و در آرزوی دولت شما می‌باشم.

مرکز تحقیقات کتب و تواتر علوم اسلامی

## الفصل الخامس

### الدُّعَاءُ لِدَوْلَتِهِمْ

١٢٢٦- الإمام زين العابدين عليه السلام: رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةَ دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرُّجَسِ وَالذَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ... اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَعِزَّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عَضُدَهُ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ، وَأَقِم بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَأَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ التَّائِكِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوَجًا، وَأَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى

## فصل پنجم

### دعا برای دولت اهل بیت

۱۲۲۶ - امام سجاده علیه السلام: ای پروردگار من! بر پاک تران اهل بیت او درود و صلوات فرست، همانان که ایشان را برای امر خود (راهنمایی و هدایت مردم) برگزیدی و خزانه داران دانشت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجت‌های خویش بر بندگانت قرار دادی و به خواست و اراده خود، آنان را از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی و ایشان را وسیله واصل شدن به مقام قرب خود و راه رسیدن به بهشت قرار دادی... بار خدایا! به ولی خود، شکر و سپاس نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای، الهام فرما و به ما نیز همانند او چنین سپاسی را الهام ده و به او سلطنت و قدرتی یاریگر عطایش فرما و به او پیروزی و فتحی آسان ارزانی دار و با نیرومندترین رکن قدرت خود یاریش ده و پشتش را محکم و بازوانش را توانا گردان و تحت مراقبت خویش قرارش ده و در سایه حفظ خود نگاهش دار و با فرشتگانت یاریش نما و به وسیله لشکر پیروزمند خود، مددش رسان و کتاب خود و حدود و شرایعت و سنت‌های پیامبرت را - که درود تو ای پروردگار بر او و خاندانش باد! - به وسیله او برپا دار و آنچه را از نشانه‌های دینت که ستمگران از بین برده‌اند، به واسطه او زنده گردان و به وسیله او، زنگار ستم (ستمگران) را از آیین خود بزدای و به وسیله او، سختی و دشواری‌ها را از راه خود دور گردان و به نیروی او، منحرفان از راه خود را از میان بردار و به وسیله او، کسانی را که



أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاةٍ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ (۱۵۳۰).

۱۲۲۷- الإمام الباقر (ع) - فِي بَيَانِ كَيْفِيَّةِ الْخُطْبَةِ الثَّانِيَةِ مِنْ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ -: اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۱۵۳۱).

۱۲۲۸- الإمام الصادق (ع) - فِي دُعَاءٍ لَهُ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ (۱۵۳۲).

۱۲۲۹- الإمام الكاظم (ع) - فِي بَيَانِ ذِكْرِ سَجْدَةِ الشُّكْرِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ بِإِيوَائِكَ (۱۵۳۳) عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بَعْدُوكَ وَعَدُوَّهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ (۱۵۳۴).

۱۲۳۰- الإمام الرضا (ع) - كَانَ يَأْمُرُ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ -: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، الْعَائِدِ بِكَ، الْعَابِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ



خواهان کج ساختن راه راست تو هستند، نیست و نابود کن و او را نسبت به دوستان خود، نرمخو و مهربان ساز و دست قدرت وی را بر دشمنانت بگشای و رأفت و مهربانی و عطوفت و محبتش را نصیب ما گردان و ما را گوش به فرمان و مطیع او قرار ده و چنان کن که در راه خشنودی او بکوشیم و در حمایت و دفاع از او جدیت کنیم و بدین سبب، به تو و رسول تو - که درود تو ای پروردگار بر او و خاندانش! - تقرب جوییم.

۱۲۲۷ - امام باقر علیه السلام - در بیان کیفیت خطبه دوم نماز جمعه - : بار خدایا! ملتسمانه از تو می‌خواهیم دولت با شکوهی را برپا داری که به وسیله آن، اسلام و مسلمانان را عزت بخشی و نفاق و منافقان را به ذلت کشانی و در آن، ما را از دعوتگران به سوی طاعت و پیش آهنگان راحت قرار دهی و به واسطه آن، کرامت دنیا و آخرت را نصیبمان فرمایی.

۱۲۲۸ - امام صادق علیه السلام - در یکی از دعاهاى خود - : بار خدایا! بر محمد و آل محمد و بر امام مسلمانان، درود و صلوات فرست و او را از پیش رو و از پشت سرش و از جانب راست و از جانب چپش و از بالای سر و از زیر پایش (از همه جهت) محافظت فرما و پیروزی و فتحی آسان (و بی‌رنج) نصیبش گردان و نصرتی عزت بخش عطایش کن و از جانب خود برای او تسلطی (و قدرتی) یاریگر قرار ده! بار خدایا! فرج آل محمد را شتاب بخش و دشمنان آنان را، از جن و انس، نیست و نابود گردان!

۱۲۲۹ - امام کاظم علیه السلام - در بیان ذکر سجده شکر - : بار خدایا! تو را - به حق وعده‌ای که به دوستانت داده‌ای و متعهد شده‌ای آنان را بر دشمن خودت و دشمن آنان پیروز گردانی - قسم می‌دهم که بر محمد و آل محمد که حافظان (دین و شریعت تو و امانتداران) هستند، درود فرستی. بار خدایا! آسانی پس از دشواری (و فرج بعد از شدت) را از تو مسئلت می‌کنم.

۱۲۳۰ - امام رضا علیه السلام - به خواندن این دعا برای حضرت صاحب الامر دستور می‌داد - : بار خدایا! دور گردان (بلاها را) از ولی خودت و جانشینت و حجت تو بر خلقت و آنکه زبان گویای توست و سخنگوی حکم تو و دیده توست که به اذن و اجازه تو می‌نگرد و گواه تو بر بندگان می‌باشد؛ سرور است و مجاهد، پناه برنده به توست و عبادت کننده تو. او را از شر هر آنچه آفریده‌ای و ساخته‌ای و پدید آورده‌ای و صورت بخشیده‌ای، در پناه خود بدار و با نگهداشت خود، او را از پیش رو و راست و چپ و بالای سر و زیر پایش نگه دار، نگهداشتی

فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ  
وَأَبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي  
جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَآمِنَهُ بِأَمَانِكَ  
الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ  
فِيهِ، وَانصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ  
بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ،  
وَحُفَّهُ بِالمَلَائِكَةِ حَفًّا.

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأُمِثْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأُظْهِرْ بِهِ  
الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ  
نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّاهُ، وَاقْتُلْ بِهِ  
جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمَدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ  
وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ  
وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا  
وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعُ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا.

اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُحْيِ  
بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ  
وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا  
صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ  
بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي  
اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنْ

که هرکس را با آن حفظ کنی، از بین نرود و با حفظ او [راه و رسم] رسول خودت و پدران او را که امامان تو و ارکان تو هستند، حفظ فرما و او را در ودیعه خود گیر، ودیعه‌ای که [چون تو امانتدار آن هستی]، هرگز تباه نمی‌شود و او را در امان و زنده‌نهار ناشکستنی خویش و در پناه حمایت و قدرت مقهور ناشدنی خود، قرار ده و با امان استوارت او را امان ده، امانی که هرکس را بدان امان دهی، هرگز تنها و بی‌یاور نماند و او را در سایه حمایت و رحمت خویش نگه دار، سایه حمایتی که هرکس در آن باشد، گزند نمی‌بیند. با یاری عزتمند خویش، او را یاری رسان و با سپاه همواره چیره‌ات تأییدش فرما و بانیروی خویش او را نیرو بخش و [شکر] فرشتگانت را پشت سر او قرار ده و دوستدار او را دوست بدار و با دشمن او دشمن باش و زره محکم خویش را بر قامت او بپوشان و او را در حلقه‌ای از انبوه فرشتگان، محفوظ بدار!

بار خدایا! به وسیله او، از هم گسیختگی [ما] را به پیوستگی و تفرقه و جدایی را به همبستگی مبدل گردان و ستم را نابود کن و عدل و داد را آشکار گردان و زمین را به طول عمر او، آراسته گردان و او را نصرت عطا فرما و از طریق ایجاد رعب [در دل دشمنانش] او را یاری و پیروزی ده و یارانش را قدرت بخش و کسانی را که تنها و بی‌یاورش گذارند، تنها گذار و هر که را کمر به دشمنی او بپندد، نابود کن و هر که را با او دغلی و ناراستی کند، واژگون ساز و سران و استوانه‌ها و ارکان کفر را با دست او، از میان بردار و سردمداران گمراهی و بدعت‌گزاران و از بین برندگان سنت [پیامبر] و تقویت‌کنندگان باطل را به وسیله او درهم شکن و جباران را به دست او خوار گردان و کافران و همه ملحدان را در شرق و غرب عالم و خشکی و دریا و دشت و کوه، به دست او هلاک گردان تا جایی که احدی از آنان نگذاری و نشانی از آنها برجای نهد!

بار خدایا! شهرهای را از (لوث وجود) آنان پاک گردان و انتقام‌بندگان را از ایشان بگیر و به وسیله او (امام زمان)، مؤمنان را بر سریر عزت (و قدرت) بنشان و سنتهای فرستادگان را به دست او زنده بگردان و حکمتها (و تعالیم) پیامبران را آموزش ده و از دین و احکامت، آنچه را که محو و تحریف گشته است، به دست او تجدید گردان تا اینکه دینت را به وسیله او و با دست او، دوباره نو و تازه و ناب و درست و عاری از کژی و بدعت سازی و ظلمت ستم را به نور عدالتش روشن گردانی و آتشیهای کفر را به دست او فرو نشانی و حق را که پیچیده و مبهم گشته و عدالت را که ناشناخته مانده

الْعُيُوبِ وَطَهَّرَتْهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمَتْهُ مِنَ الدَّنَسِ .

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا، وَلَا أَتَى حَوْبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضِعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ .

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوُلْدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَتُسَرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبُهَا وَبَعِيدُهَا وَعَزِيزُهَا وَذَلِيلُهَا، حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ .



اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيُلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ .

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُجِلَّنَا مَحِلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَأَعِزَّنَا مِنَ السَّأَمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلَ بِنَا غَيْرَنَا؛ فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ .



است، روشن سازی؛ زیرا او، بندهٔ توست که وی را برای خودت برگزیده‌ای و بر عالم غیب خویش، ترجیحش داده‌ای و از گناهان، مصونش داشته‌ای و از هر گونه عیبی، مبرایش ساخته‌ای و از پلیدی، پاکش کرده‌ای و از آلودگی، سالم نگهش داشته‌ای.

بار خدایا! در روز قیامت و در روز فرا رسیدن آن هنگامهٔ بزرگ، ما برای او گواهی می‌دهیم که هیچ‌گناهی نکرد و هیچ معصیتی مرتکب نشد و کمترین طاعتی از طاعت تو را فرو نگذاشت و حرمت تو را زیر پا ننهاد و هیچ فریضه‌ای از فرایض تو را تغییر ندارد و هیچ شریعتی از شرایع تو را عوض نکرد و او هدایتگر و هدایت‌شده و پاک و پرهیزگار و پاکیزه و پسندیده و وارسته است. بار خدایا! به او و همسر و فرزندان و ذریه و امت و همهٔ رعیتش، آن عطا فرما که مایهٔ روشنی دیدگان او و شادمانی جانش گردد و سراسر گیتی از نزدیک و دور و قدرتمند و ضعیف را در قلمرو او در آور تا فرمان او بر هر فرمانی جاری گردد و با حق خود، بر هر باطلی چیره آید.

بار خدایا! ما را به دست او، سالک طریق هدایت و شاهراه [رستگاری] و راه میانه - که تندروندهٔ پیش افتاده، بدان بر می‌گردد و واپس مانده، به آن ملحق می‌شود - قرار ده و قدرت فرمانبری از او عطایمان فرما و در پیروی از او استوارمان بدار و نعمت پیروی از او را به ما ارزانی دارا ما را در حزب او در آور و از آنان قرارمان ده که فرمان او را برپا می‌دارند و در رکاب او شکیبایی می‌ورزند و با خیرخواهی و خلوص نسبت به او، خشنودی تو را می‌جویند تا اینکه روز قیامت، ما را در زمرهٔ یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان قدرت و سلطنت او محشور فرمایی.

بار خدایا! ما را در این امر، از هر گونه شک و شبهه و ریا و شهرت‌طلبی خالص گردان تا در آن، جز به تو تکیه نکنیم و چیزی جز رضای تو نطلبیم تا اینکه ما را در جایگاه او قرار دهی و در بهشت، ما را در کنار او جای دهی. ما را از بی‌حوصلگی و تنبلی و سستی نگهدار و از کسانی قرارمان ده که به واسطهٔ آنان دینت را یاری می‌دهی و یاری دادن به ولی خود را تقویت می‌کنی! (بار خدایا!) دیگران را جایگزین ما مگردان؛ زیرا که قرار دادن دیگران به جای ما برای تو آسان است؛ اما برای ما بسی گران باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاةِ عَهْدِهِ وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمالَهُمْ،  
وَزِدْ فِي آجالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ ما أَسَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ  
لَهُمْ، وَثَبَّتْ دَعائِهِمْ، وَاجْعَلْنا لَهُمْ أَعوانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصارًا؛  
فَإِنَّهُمْ مَعادِنُ كَلِماتِكَ وَخُزَّانُ عِلْمِكَ وَأَرْكانُ تَوْحِيدِكَ وَدَعائِمُ دِينِكَ وَوُلاةُ  
أَمْرِكَ وَخالِصَتُكَ مِنْ عِبادِكَ وَصَفَوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأولِياؤُكَ وَسَلالِيلُ  
أولِيائِكَ وَصَفوةُ أولادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَليهِمْ وَرَحمةُ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ (۱۰۳۵).

۱۲۳۱ - الإمام الهادي عليه السلام - في زيارة الإمام المهدي عليه السلام :- اللَّهُمَّ فَكَمَا وَفَّقْتَنِي  
لِإِيْمانِ نَبِيِّكَ وَالتَّصديقِ لِدَعْوَتِهِ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ بِطاعَتِهِ وَاتِّباعِ  
مِلَّتِهِ، وَهَدَيْتَنِي إِلَى مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ الْأئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ  
بِمَعْرِفَتِهِمُ الْإِيْمانَ، وَقَبِلْتَ بِوَلايَتِهِمْ وطاعَتِهِمُ الْأَعْمالَ، وَاسْتَعْبَدْتَ  
بِالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ عِبادَكَ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتاحًا لِلدُّعاءِ وَسَببًا لِلإِجابَةِ،  
فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجمَعِينَ وَاجْعَلْني بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنيا وَالْآخِرَةِ  
وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ... اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لَهُمْ وَعَدَكَ، وَطَهِّرْ بِسَيْفِ قائِمِهِمُ  
أَرْضَكَ، وَأَقِمْ بِهِ حُدُودَكَ الْمُعْطَلَّةَ وَأَحْكامَكَ الْمُهمَلَّةَ وَالْمُبَدَّلَةَ، وَأُحيِ  
بِهِ الْقُلُوبَ المَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْواءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَأَ الْجَوْرِ عَنْ  
طَرِيقَتِكَ حَتَّى يَظْهَرَ الْحَقُّ عَلَى يَدَيْهِ فِي أَحْسَنِ صَوَرَتِهِ، وَيَهْلِكَ الْباطِلُ  
وَأَهْلُهُ بِنورِ دَوْلَتِهِ، وَلَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةً أَحَدٍ مِنَ  
الْخَلْقِ (۱۰۳۶).

بار خدایا! بر ولیعهدان وی و پیشوایان پس از او، درود فرست و آنان را به آرمانهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و یاری و نصرت خود را به آنان افزون گردان و فرمان خود را که به دست آنان سپرده‌ای، برایشان به اتمام رسان و پایه‌هایشان را استوار بدار و ما را یار آنان و یاور دینت قرار بده؛ زیرا ایشان معدنهای کلمات تو و خزانه‌داران دانش تو و ارکان توحید تو و تکیه‌گاه‌های دین تو و زمامداران امر تو و بندگان منتخب تو و برگزیدگان از خلق تو و اولیای تو و سلاله اولیای تو و برگزیدگان فرزندان پیامبران تو هستند. سلام و رحمت و برکات خدا بر او و آنان باد!

۱۲۳۱ - امام هادی علیه السلام - در زیارت مهدی علیه السلام - : بار خدایا! همان گونه که مرا توفیق دادی تا به پیامبر تو ایمان آورم و دعوت او را تصدیق کنم و بر من منت نهادی که از او فرمان برم و از آیینش پیروی کنم و مرا به شناخت او و شناخت امامان از نسل او هدایت فرمودی و شناخت آنان را شرط کمال ایمان قرار دادی و پذیرش اعمال را در گروه دوستی و فرمانبری از ایشان نهادی و درود فرستادن بندگان بر آنان را عبادت شمردی و آنها را کلید دعا و وسیله اجابت قرار دادی، پس بر همه آنان درود فرست و مرا در دنیا و آخرت نزد آنان آبرومند و مقرب گردان!... بار خدایا! وعده‌ای را که به آنان داده‌ای تحقق بخش و زمین خود را با شمشیر قائم آنان پاک گردان و به وسیله او، حدود تعطیل شده و احکام فرو نهاده و تغییر یافته‌ات را برپا دار و به برکت وجود او، دل‌های مرده را زنده ساز و خواستهای پراکنده را یکپارچه گردان و زنگار ستم را از راه خود بزدای تا اینکه حق، با دست او، در زیباترین چهره‌اش آشکار شود و در پرتو نور دولت او، باطل و باطل‌گرایان نابود شوند و چیزی از حق و حقیقت به واسطه ترس از هیچ انسانی، پوشیده نماند.



۱۲۳۲- الإمام العسکری علیه السلام - فِي الصَّلَاةِ عَلَى وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنتَظَرِ عليه السلام :- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا.

اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يَوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكَفَرَةِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأُظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِيهِ وَشِيعَتِيهِ، وَأَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ <sup>(۱۰۳۷)</sup>.

۱۲۳۳- أَبُو عَلِيٍّ بْنُ هَمَّامٍ - ذَكَرَ أَنَّ الشَّيْخَ الْعَمَرِيَّ أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ وَأَمَرَهُ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ، وَهُوَ الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عليه السلام :- اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۲۳۲ - امام عسکری علیه السلام - در درود فرستادن بر ولی امر منتظر علیه السلام - : بار خدایا! بر ولی خود و فرزند اولیایت درود فرست، همانان که اطاعت از ایشان را فرض دانستی و حق آنان را واجب شمردی و پلیدی را از وجودشان زدودی و به کلی پاک و پاکیزه‌شان گردانیدی.

بار خدایا! به واسطه او دینت را مدد و حمایت کن و به وسیله او دوستان خود و دوستان او و شیعیان و یارانش را یاری رسان و ما را از آنان قرار ده! بار خدایا! او را از گزند هر بیدادگر و سرکشی و از گزند همه آفریدگانت محفوظ بدار و از پیش رو و پشت سر و از راست و چپش، او را نگهدار و از اینکه بدی و آسیبی به او برسد، پاسداری و حراستش فرما و با حفظ او، رسول و خاندان رسول خود را حفظ کن. عدالت را با دست او آشکار ساز و او را نصرت عطا فرما و یارانش را یاری رسان و کسانی را که تنها و بی‌یاورش گذارند، تنها و بی‌یاور گذار و به دست او، جباران کفر پیشه را درهم شکن و کافران و منافقان و ملحدان را، هرچه باشند و هر کجا باشند، در شرق عالم و غرب آن، در خشکی و در دریا، همگی را نابود کن و به وسیله او زمین را آکنده از عدل و داد گردان و دین پیامبرت - درود بر او و خاندانش! - را رونق بخش و ما را - بار خدایا! - از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان او قرار ده و مرا زنده بدار تا بینم که خاندان محمد به آرمانها و آرزوهایشان رسیده‌اند و دشمنان آنان به آنچه از آن می‌ترسیدند، گرفتار آمده‌اند. آمین، ای معبود راستین!

۱۲۳۳ - ابو علی بن همام: شیخ عمری، این دعا را که در غیبت قائم علیه السلام خوانده می‌شود، بر من املا کرد و فرمان داد آن را بخوانم: بار خدایا! خود را به من بشناسان؛ زیرا که اگر تو خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. بار خدایا! پیامبرت را به من بشناسان؛ زیرا که اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار خدایا! حجت خود را به من بشناسان؛ چه، اگر حجت را به من نشناسانی، از [صراط] دینم منحرف خواهم شد. بار خدایا! مرا به مرگ جاهلی نمیران و پس از آنکه هدایت

وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا  
وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ...

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،  
وَدَمِّرْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأُظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأُمِيتْ بِهِ الْبَاطِلَ،  
وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاقْتُلْ بِهِ  
جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ،  
وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ  
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا  
وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، وَتُظْهِرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ،  
وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَنِي مِنْ دِينِكَ، وَأُصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغُيِّرَ مِنْ  
سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ  
وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تَطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ؛ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي  
اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ نَبِيِّكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ  
مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،  
وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ ...

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ  
عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ (بِنَا)، وَتُظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ (عَلَيْنَا)، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ  
عَدَدِنَا.

اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامٍ تَدِلُّ  
تُظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ ...

فرمودی، دلم را دستخوش انحراف مگردان! بار خدایا! همان گونه که مرا به ولایت و دوستی کسی که اطاعتش را بر من واجب فرمودی، یعنی: زمامداران امر تو پس از رسالت - صلوات تو بر او و خاندانش! - رهنمون شدی تا آنکه پیروی کردم از زمامداران امر تو، یعنی: امیر المؤمنین و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم، مهدی - صلوات الله علیهم اجمعین - ...

بار خدایا! در فزج او تعجیل فرما و او را یاری و تأیید فرما و یارانش را یاری رسان و کسانی را که تنها و بی‌یاورش گذارند، تنها و بی‌یاور گذار و هر که را کمر به دشمنی او بندد و تکذیبش کند، نابود کن و به وسیله او حق را آشکار ساز و باطل را بمیران و با دست او بندگان مؤمنت را از ذلت و خواری برهان و سرزمینت را به برکت وجود او، آباد گردان و سران کفر را به دست او نابود کن و سردمداران گمراهی را درهم شکن و به وسیله او جباران و کافران را به خاک ذلت نشان و منافقان و عهد شکنان و همه مخالفان و ملحدان (و کجروان) را در شرق و غرب عالم و در خشکی و دریا و در دشت و کوه از میان بردار تا اینکه احدی از آنان نگذاری و نشانی از ایشان بر جای نماند و سرزمینت را از لوٹ وجودشان پاک سازی انتقام بندگان را از آنان بگیر و آنچه را که از دینت محو و فرسوده شده است، به دست او تجدید کن و احکام دیگرگون گشته و قوانین تغییر یافته‌ات را به وسیله او درست گردان تا اینکه دین تو به واسطه او و با دست او، دوباره تازه و نو و سالم و به دور از هر گونه کجی و بدعت شود و تا اینکه با عدالت او، آتشیهای کافران خاموش گردد؛ زیرا که او، بنده توست که وی را برای خود برگزیده‌ای و برای یاری رساندن به پیامبرت، انتخابش کرده‌ای و با علم خود، گزینشش نموده‌ای و او را از گناهان مصون داشته‌ای و از عیبها پاکش ساخته‌ای و بر اسرار عالم غیب آگاهش کرده‌ای و به او نعمت عطا فرموده‌ای و از پلیدی پاکش ساخته‌ای و از آلودگی پاکیزه‌اش گردانیده‌ای...

بار خدایا! از فقدان پیامبرمان و غیبت اماممان و سختگیری روزگار بر ما و پیش آمدن فتنه‌ها در میان ما و اتحاد دشمنانمان بر ضد ما و فراوانی دشمنانمان و اندک بودن تعدادمان، به تو شکایت می‌کنیم.

اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نَوْرَهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ،  
وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوُغِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ  
الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ  
حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ. وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ  
أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّي سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،  
وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ لَهُ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ. أَنْتَ  
يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ السُّوءَ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ  
الْعَظِيمِ، فَاكْشِفْ يَا رَبِّ الضُّرَّ عَنَّا وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا  
ضَمِنْتَ لَهُ.

اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ  
مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ  
مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (١٥٣٨).

١٢٣٢ - فِي دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ  
وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى  
سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ  
فَحَمِّلْنَاهُ، وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ.

اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه شَعْنُنَا، وَاشْعَبْ بِه صَدْعُنَا، وَارْتُقْ بِه فَتَقْنَا، وَكثِّرْ بِه قِلْتَنَا،

بار خدایا! با فتحی شتابان و نصرتی با عزت و قدرت و آشکار ساختن امامی عادل، در کار ما گشایشی فرما! ای معبود راستین و ای پروردگار جهانیان!...

بار خدایا! به وسیله ولی خود، قرآن را زنده گردان و نور جاویدان او را که با کمترین تاریکی آمیخته نیست، به ما نشان ده و به واسطه او دل‌های مرده را زنده ساز و به دست او انتقام سینه‌های پر خشم و کینه را بگیر و اندیشه‌ها و خواسته‌های پراکنده را، بر محور حق متحد گردان و به دست او حدود تعطیل شده و احکام فرو گذاشته شده را برپادار تا آنکه هرچه حق و حقیقتی است، آشکار شود و هرچه عدل و دادی است، درخشیدن گیرد. پروردگارا! ما را از یاوران او و تقویت کنندگان سلطنت او و فرمانبرداران امر او و رضایت دهندگان به کردار او و گردن نهادگان در برابر احکام او و از کسانی که با وجود او دیگر از خلق ترسی به دل راه نمی‌دهند و تقیه نمی‌کنند، قرار بده! خداوند! تویی که بدی‌ها و ناراحتی‌ها را می‌زدایی و دعای شخص درمانده بیچاره را اجابت می‌کنی و از اندوه بزرگ می‌رهانی. پس ای خداوند! رنج و دشواری را از ولی خود برطرف گردان و او را همان گونه که برایش ضمانت داده‌ای، در زمین خود جانشین گردان!

بار خدایا! مرا خصم آل محمد و از دشمنان خاندان محمد و از کسانی که نسبت به آل محمد خشم و کین دارند، قرار مده! من از این امور به تو پناه می‌برم، پس مرا پناه ده!

بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به واسطه آنان مرا در دنیا و آخرت از رستگاران و مقربان گردان!

۱۲۳۲ - در دعای افتتاح: بار خدایا! ملتسمانه از تو می‌خواهیم حکومتی ارجمند

[حکومت امام زمان (عج)] را که با آن، اسلام و مسلمانان را عزت می‌بخشی و نفاق و منافقان را خوار می‌گردانی، برقرار سازی و ما را در آن حکومت، از کسانی قرار دهی که به طاعت تو فرا می‌خوانند و به راه تو هدایت می‌کنند و به برکت آن حکومت، کرامت دنیا و آخرت را روزی ما فرمایی. خداوند! آنچه از حق را به ما شناسانده‌ای، به ادای آن وادارمان کن و آنچه را از حق که نشناخته‌ایم، ما را از آن آگاهی بخش!



وَأَعِزَّنَا بِهِ ذِلَّتْنَا، وَأَغْنِنَا بِهِ عَائِلَتَنَا، وَأَقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا،  
وَسُدِّ بِهِ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا، وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا،  
وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا، وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعَوَتَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ  
أَمَالَنا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا.

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ! إِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ  
قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى  
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا، وَكَثْرَةَ  
عَدُوِّنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّنَا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ تَعْجَلُهُ، وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ، وَنَصْرِ تَعْزُهُ، وَسُلْطَانِ  
حَقِّ تَظْهِرُهُ، وَرَحْمَةِ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةِ تُلَبِّسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ (۱۵۳۹).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



بار خدایا! در سایه وجود او، پراکندگی ما را به اتحاد، جدایی ما را به وصل و از هم گسیختگی ما را به پیوستگی تبدیل کن و شمار اندک ما را فزونی بخش و خواری و ضعف ما را به عزت و قدرت مبدل فرما و نیاز ما را به بی‌نیازی و بدهکاری‌های ما را به برکت وجود او ادا فرما و فقر ما را بزدای و درویشی ما را برطرف ساز و دشواری ما را به آسانی مبدل کن و به واسطه او، ما را روسپید گردان و اسیریمان را آزادی بخش و خواستهایمان را برآور و وعده‌هایی را که به ما داده‌ای، تحقق بخش و دعای ما را اجابت فرما و ما را به آمال و آرزوهایمان برسان و بیشتر از آنچه می‌خواهیم عطایمان فرما! ای بهترین کسی که دست سؤال، به سویش دراز می‌شود و ای گشاده دست‌ترین بخشنندگان! سینه‌های ما را به وسیله او شفا بخش و خشم دل‌هایمان را بزدای و با اذن و عنایت خویش، ما را به آنچه از حق و حقیقت که در آن اختلاف است (و بر ما مبهم گشته)، رهنمون شو؛ زیرا که تو هر کس را بخواهی، به راه راست رهنمون می‌شوی و به وسیله او ما را بر دشمن خودت و دشمن ما پیروز گردان! آمین ای معبود راستین!

بار خدایا! از فقدان بیکامترین خود، که درود تو بر او و خاندانش بادا - و غیبت امامان و فراوانی دشمنانمان و سختی و شدت فتنه‌هایی که ما را در میان گرفته است و دشمنی زمانه با ما، از درگاه تو دادخواهی می‌کنیم. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و تو را به رحمت سوگند، ای مهربانترین مهربانان که با فتحی شتابان از سوی خود و برطرف ساختن رنج‌ها و گرفتاری‌ها و نصری عزتمند و شکست‌ناپذیر و آشکار ساختن سلطان حقیقی و فروفرستادن رحمت بر ما و پوشاندن جامه عافیت بر قامت‌مان ما را یاری و مدد رسان!



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش سیزدهم

# غلو کردن درباره اهل بیت



فصلهای این بخش :

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- |           |   |                            |
|-----------|---|----------------------------|
| فصل یکم   | : | بر حذر داشتن از غلو        |
| فصل دوم   | : | بیزاری اهل بیت از غالیان   |
| فصل سوم   | : | کافر بودن غالی             |
| فصل چهارم | : | هلاکت غالی                 |
| فصل پنجم  | : | ساختگی بودن اخبار غلو آمیز |

## الفصل الأول

### التَّحذِيرُ مِنَ الْغُلُوِّ

١٢٣٥- الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِينَا، قُولُوا: إِنَّا عَبِيدُ مَرْبُوبُونَ، وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ (١٥١٠).

١٢٣٦- الإمام الحسين عليه السلام: أَحِبُّونَا بِحُبِّ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا تُعَرِّفُونِي فَوْقَ حَقِّي؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي رَسُولًا (١٥١١).

١٢٣٧- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (١٥١٢).

١٢٣٨- عنه عليه السلام: فِي ذِكْرِ الْغُلَاةِ -: إِنْ فِيهِمْ مَنْ يَكْذِبُ، حَتَّى إِنَّ الشَّيْطَانَ لَاحْتَاجَ إِلَى كَذِبِهِ (١٥١٣).

١٢٣٩- الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ: كُنْتُ أَنَا وَالْقَاسِمُ شَرِيكِي وَنَجْمُ بْنُ حَاطِمٍ وَصَالِحُ بْنُ سَهْلٍ بِالْمَدِينَةِ فَتَنَاظَرْنَا فِي الرُّبُوبِيَّةِ، فَقَالَ بَعْضُنَا لِبَعْضٍ: مَا تَصْنَعُونَ بِهَذَا، نَحْنُ بِالْقُرْبِ مِنْهُ وَلَيْسَ مِنَّا فِي تَقْيَّةٍ؟ قَوْمُوا بِنَا إِلَيْهِ. قَالَ: فَقُمْنَا، فَوَاللَّهِ مَا بَلَّغْنَا الْبَابَ إِلَّا وَقَدْ خَرَجَ عَلَيْنَا بِلا حِذَاءٍ وَلَا رِدَاءٍ قَدْ قَامَ كُلُّ شَعْرَةٍ مِنْ رَأْسِهِ مِنْهُ

## فصل یکم

### بر حذر داشتن از غلو



- ۱۲۳۵ - امام علی علیه السلام: از تندروی درباره ما پرهیزید. ما را بنده و دست پرورده خداوند بدانید و آن گاه هر چه خواستید، در فضیلت ما بگویید.
- ۱۲۳۶ - امام حسین علیه السلام: ما را به عشق اسلام دوست بدانید؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مرا بیش از آنچه سزاوارم، معرفی نکنید؛ چرا که خداوند متعال، پیش از آنکه مرا به رسالت برگزیند، به بندگی برگزید».
- ۱۲۳۷ - امام صادق علیه السلام: هر که بگوید ما پیامبر هستیم، لعنت خدا بر او باد و لعنت خدا بر کسی که در این باره (که ما پیامبر نیستیم)، شک کند!
- ۱۲۳۸ - امام صادق علیه السلام: در وصف گزاف گویان - : بعضی از آنها دروغهایی می گویند که حتی شیطان به دروغ آنها احتیاج دارد [و باید نزد آنها درس دروغگویی بخواند].
- ۱۲۳۹ - مفضل بن عمر: من و شریکم قاسم و نجم بن حطیم و صالح بن سهل در مدینه بودیم و میان ما درباره ربوبیت (امام صادق علیه السلام) مناظره ای در گرفت. به یکدیگر گفتیم: چطور است نزد خودش برویم؟ ما اینک، نزدیک او هستیم و از ما هم تقیه نمی کند. برخیزید نزد وی برویم. همگی به راه افتادیم. به خدا قسم، هنوز به در خانه نرسیده بودیم که دیدیم پای برهنه و بدون ردا بیرون آمد

وَهُوَ يَقُولُ: لَا، لَا يَا مُفَضَّلُ وَيَا قَاسِمُ وَيَا نَجْمُ، لَا، لَا بَلْ عِبَادُ مُكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ (۱۵۴۴).

۱۲۳۰- الإمام الصادق عليه السلام - بَعْدَ ذَمِّ بَعْضِ الْعُلَاةِ -: قَوْلَ اللَّهِ مَا نَحْنُ إِلَّا عِبِيدُ الَّذِي خَلَقَنَا وَاصْطَفَانَا، مَا نَقْدِرُ عَلَى ضَرٍّْ وَلَا نَفْعٍ، وَإِنْ رَحِمْنَا فَبِرَحْمَتِهِ، وَإِنْ عَذَّبْنَا فَبِذُنُوبِنَا. وَاللَّهُ، مَا لَنَا عَلَى اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ، وَلَا مَعْنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ، وَإِنَّا لَمَيِّتُونَ وَمَقْبُورُونَ وَمُنْشَرُونَ وَمَبْعُوثُونَ وَمَوْقُوفُونَ وَمَسْئُولُونَ (۱۵۴۵).

۱۲۳۱- صَالِحُ بْنُ سَهْلٍ: كُنْتُ أَقُولُ فِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ: يَا صَالِحُ، إِنَّا وَاللَّهِ عِبِيدُ مَخْلُوقُونَ، لَنَا رَبٌّ نَعْبُدُهُ، وَإِنْ لَمْ نَعْبُدْهُ عَذَّبْنَا (۱۵۴۶).

۱۲۳۲- إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا إِسْمَاعِيلُ ضَعِ لِي فِي الْمَتَوَضَّأِ مَاءً، فَقُمْتُ فَوَضَعْتُ لَهُ، فَدَخَلَ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: أَنَا أَقُولُ فِيهِ كَذَا وَكَذَا وَيَدْخُلُ الْمَتَوَضَّأَ يَتَوَضَّأُ! فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ، فَقَالَ: يَا إِسْمَاعِيلُ لَا تَرْفَعْ الْبِنَاءَ فَوْقَ طَاقَتِهِ فَيَنْهَدِمَ، اجْعَلُونَا مَخْلُوقِينَ وَقُولُوا إِنَّا مَا شِئْتُمْ (۱۵۴۷).

۱۲۳۳- كَامِلُ التَّمَارِ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ لِي: يَا كَامِلُ! اجْعَلْ لَنَا رَبًّا نَتُوبُ إِلَيْهِ وَقُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ، فَقُلْتُ: نَجْعَلُ لَكُمْ رَبًّا تَتُوبُونَ إِلَيْهِ وَنَقُولُ فَيْكُمْ مَا شِئْنَا! فَاسْتَوَى جَالِسًا فَقَالَ: مَا عَسَى أَنْ تَقُولُوا؟! وَاللَّهِ مَا خَرَجَ إِلَيْكُمْ مِنْ عَلَمِنَا إِلَّا أَلْفٌ غَيْرُ مَعْطُوفَةٍ (۱۵۴۸).

۱۲۳۴- الإمام الصادق عليه السلام - لَا تُصَلِّ خَلْفَ الْغَالِي وَإِنْ كَانَ يَقُولُ بِقَوْلِكَ، وَالْمَجْهُولِ وَالْمُجَاهِرِ بِالْفِسْقِ وَإِنْ كَانَ مُقْتَصِدًا (۱۵۴۹).

و در حالی که موهای سرش راست شده بود، می‌فرمود: «نه، نه، ای مفضل و قاسم و نجم‌انه، نه، [چنین نیست که شما می‌گویید]، بلکه بندگان ارجمندند که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و خود به فرمان او کار می‌کنند».

۱۲۴۰ - امام صادق علیه السلام: بعد از نکوهش یکی از غالیان - : به خدا قسم، ما نیستیم، مگر بندگان که خداوند، ما را آفرید و برگزیدمان. نه می‌توانیم سودی برسانیم و نه زیانی وارد کنیم. اگر به ما رحم کند، از رحمت و مهربانی اوست و اگر عذابمان کند، به واسطه گناهانمان می‌باشد. به خدا سوگند، ما را بر خدا حجتی نیست و از او با خود براتی [برای آزادی از دوزخ] نداریم. ما نیز می‌میریم و دفن می‌شویم و در روز قیامت، محشور و برانگیخته می‌شویم و برای حسابرسی نگه‌مان می‌دارند و بازخواست می‌شویم.

۱۲۴۱ - صالح بن سهل: من به ربوبیت حضرت صادق علیه السلام قائل بودم، روزی خدمت ایشان رسیدم و همین که چشمش به من افتاد، فرمود: «ای صالح! به خدا سوگند، ما بندگان مخلوق هستیم. ما را پروردگاری است که عبادتش می‌کنیم و اگر عبادتش نکنیم، عذابمان خواهد کرد».

۱۲۴۲ - اسماعیل بن عبدالعزیز: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای اسماعیل! در وضوخانه برایم آب بگذار». من برخاستم و آب گذاشتم. حضرت رفت وضو بگیرد. با خودم گفتم: من درباره او چنین و چنان می‌گویم و او به وضوخانه می‌رود و وضو می‌گیرد! لختی بعد، حضرت بیرون آمد و فرمود: «ای اسماعیل! ساختمان را بیش از طاقتش بالا مبر که ویران می‌شود. ما را مخلوق بدانید و آن گاه هرچه خواستید، درباره ما بگویید».

۱۲۴۳ - کامل تمّار: روزی نزد حضرت صادق علیه السلام بودم. به من فرمود: «ای کامل! برای ما پروردگاری بگذارید که به سویش رو کنیم! آن گاه هرچه خواستید، درباره ما بگویید». عرض کردم: برای شما پروردگاری بگذاریم که به سویش رو کنید و آن گاه هرچه خواستیم، درباره شما بگوییم! حضرت راست نشست و فرمود: «مثلاً چه خواهید گفت؟! به خدا قسم که از دانش ما، جز آلفی به شما نرسیده است».

۱۲۴۴ - امام صادق علیه السلام: پشت سر غالی مذهب نماز مخوان، اگر چه به ظاهر عقیده تو [شیع] را داشته باشد. همچنین پشت سر کسی که مذهب و عقیده‌اش معلوم نیست و کسی که آشکارا گناه می‌کند، نماز مخوان، اگر چه میانه رو باشد.



۱۲۳۵ - عنه علیه السلام: احذروا علی شباہکم الغلاة لا یفسدونہم، فإن الغلاة شر خلق الله، یصغرون عظمة الله ویدعون الربوبیة لعیباد الله. والله، إن الغلاة أشر من اليهود والنصارى والمجوس والذین أشركوا (۱۰۰۰).

۱۲۳۶ - الإمام الرضا علیه السلام: نحن آل محمد النمط الأوسط الذي لا یدرکنا الغالی ولا یسبقنا التالی (۱۰۰۰).



مرکز تحقیقات کتب و ترویج علوم اسلامی

۱۲۴۵ - امام صادق علیه السلام: مواظب باشید غالیان، جوانانتان را فاسد نکنند؛ زیرا غالیان بدترین خلق خداوند؛ عظمت خدا را پایین می‌آورند و برای بندگان خدا ادعای ربوبیت می‌کنند. به خدا قسم که غالیان از یهود و نصاری و مجوس و مشرکان بدترند.

۱۲۴۶ - امام رضا علیه السلام: ما خاندان محمد، تکیه‌گاه میانه‌ایم که تندرونده [غالی]، به ما نمی‌رسد، [مگر اینکه به سوی ما باز گردد] و کند رونده از ما پیشی نمی‌گیرد.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

## الفصل الثاني

### براءة أهل البيت عليهم السلام من الغالين

١٢٣٧- الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْغَلَاةِ كِبْرَاءَةِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ مِنَ النَّصَارَى، اللَّهُمَّ اخْذُلْهُمْ أَبَدًا وَلَا تَنْصُرْ مِنْهُمْ أَحَدًا <sup>(١٠٠٢)</sup>.

١٢٣٨- عنه عليه السلام: لَا تَتَجَاوَزُوا بَنَى الْعَبُودِيَّةِ، ثُمَّ قُولُوا مَا شِئْتُمْ وَلَنْ تَبْلُغُوا، وَإِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ كَغُلُوِّ النَّصَارَى، فَإِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْغَالِينَ <sup>(١٠٠٣)</sup>.

١٢٣٩- الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الْيَهُودَ أَحَبُّوا عُزَيْرًا حَتَّى قَالُوا فِيهِ مَا قَالُوا، فَلَا عُزَيْرٌ مِنْهُمْ وَلَا هُمْ مِنْ عُزَيْرٍ. وَإِنَّ النَّصَارَى أَحَبُّوا عَيْسَى حَتَّى قَالُوا فِيهِ مَا قَالُوا، فَلَا عَيْسَى مِنْهُمْ وَلَا هُمْ مِنْ عَيْسَى.

وإِنَّا عَلَى سُنَّةٍ مِنْ ذَلِكَ، إِنَّ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا سَيُحِبُّونَنَا حَتَّى يَقُولُوا فِينَا مَا قَالَتِ الْيَهُودُ فِي عُزَيْرٍ وَمَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَلَا هُمْ مِنَّا وَلَا نَحْنُ مِنْهُمْ <sup>(١٠٠٤)</sup>.

## فصل دوم

### بیزاری اهل بیت از غالیان

۱۲۳۷ - امام علی علیه السلام: بار خدایا! من از غالیان بیزارم، همان گونه که عیسی بن مریم از نصاری بیزار بود. بار خدایا! برای همیشه آنان را تنها و بی یاور گذار و احدی از ایشان را یاری نرسان!

۱۲۳۸ - امام علی علیه السلام: ما را از مرزبندگی فراتر نبرید، آن گاه هرچه خواستید، [در فضیلت ما] بگویید که باز هم کم گفته‌اید [و حق مطلب را ادا نکرده‌اید]. مبادا همچون نصاری غلو کنید که من از غلوکنندگان بیزارم.

۱۲۳۹ - امام سجاد علیه السلام: یهود، عزیر را چندان دوست داشتند که درباره او گفتند آنچه گفتند [و با این حرفها کار را به جایی رساندند که] نه عزیر از آنان است و نه آنان از عزیر. نصاری نیز عیسی را چندان دوست داشتند که درباره او گفتند آنچه گفتند. پس نه عیسی از آنان است و نه آنان از عیسی.

درباره ما نیز همین شیوه پیموده خواهد شد. گروهی از شیعیان ما، آن قدر ما را دوست خواهند داشت که راجع به ما همان چیزی را بگویند که یهود، درباره عزیر گفتند و نصاری درباره عیسی بن مریم. این گروه، از ما نیستند و ما نیز از آنان نمی‌باشیم.

۱۲۵۰ - عَبْدُ السَّلَامِ الْهَرَوِيُّ: قُلْتُ لَهُ [أَيُّ لِلْإِمَامِ الرُّضَا عليه السلام]: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، مَا شَيْءٌ يَحْكِيهِ عَنْكُمْ النَّاسُ؟ قَالَ: وَمَا هُوَ؟ قُلْتُ: يَقُولُونَ إِنَّكُمْ تَدْعُونَ أَنَّ النَّاسَ لَكُمْ عَبِيدٌ. فَقَالَ: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ شَاهِدٌ بَأَنِّي لَمْ أَقُلْ ذَلِكَ قَطُّ وَلَا سَمِعْتُ أَحَدًا مِنْ آبَائِي قَالَهُ قَطُّ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِمَا لَنَا مِنَ الْمَظَالِمِ عِنْدَ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَإِنَّ هَذِهِ مِنْهَا. ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ لِي: يَا عَبْدَ السَّلَامِ، إِذَا كَانَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَبِيدَنَا عَلَى مَا حَكَّوهُ عَنَّا فَمِمَّنْ نَبِيعُهُمْ؟ قُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، صَدَقْتَ. ثُمَّ قَالَ: يَا عَبْدَ السَّلَامِ، أُمْنِكِرُ أَنْتَ لِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الْوَلَايَةِ كَمَا يُنْكِرُهُ غَيْرُكَ؟ قُلْتُ: مَعَاذَ اللَّهِ، بَلْ أَنَا مُقَرَّبٌ بِوَلَايَتِكُمْ (۱۰۰۰).

۱۲۵۱ - الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ يَوْمًا وَعِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عليه السلام وَقَدْ اجْتَمَعَ الْفُقَهَاءُ وَأَهْلُ الْكَلَامِ مِنَ الْفِرَقِ الْمُخْتَلِفَةِ... قَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ بَلِّغْنِي أَنَّ قَوْمًا يَغْلُونَ فِيكُمْ وَيَتَجَاوَزُونَ فِيكُمْ الْحَدَّ. فَقَالَ الرُّضَا عليه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۰۰). قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: يَهْلِكُ فِي اثْنَانِ وَلَا ذَنْبَ لِي: مُحِبٌّ مُفْرِطٌ وَمُبْغِضٌ مُفْرِطٌ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ



۱۲۵۰ - عبد السلام هروی: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله! این چه مطالبی است که مردم از قول شما نقل می‌کنند؟ فرمود: «چه می‌گویند؟». عرض کردم: می‌گویند شما ادعا می‌کنید که مردم بندگان شما هستند. فرمود: «ای خدای آفریننده آسمانها و زمین و ای دانای نهان و آشکارا! تو گواهی که من هرگز چنین سخنی نگفته‌ام و هیچ گاه از هیچ یک از پدرانم نیز نشنیده‌ام که چنین حرفهایی بزنند و [خدایا!] تو می‌دانی که این امت چه ستمها به ما کرده‌اند و این [نسبت دروغ] نیز یکی از آنهاست». سپس حضرت رو به من کرد و فرمود: «ای عبد السلام! اگر مردم، آن گونه که از قول ما نقل می‌کنند، بنده ما هستند، پس آنان را از چه کسی می‌خریم؟» عرض کردم: یابن رسول الله! راست می‌فرمایید. سپس فرمود: «ای عبد السلام! آیا تو هم مانند دیگران منکری که خداوند متعال ولایت ما را واجب ساخته است؟». عرض کردم: پناه به خدا! من به ولایت شما اقرار دارم.

۱۲۵۱ - حسن بن جهم: روزی در انجمن مأمون حاضر بودم و علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز نزد او بود و فقیهان و متکلمان فرقه‌های مختلف، جمع بودند. ... مأمون به آن بزرگوار عرض کرد: شنیده‌ام که گروهی درباره شما غلو می‌کنند و نسبت به شما پا را از حد فراتر می‌گذارند. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «پدرم، موسی بن جعفر از پدرش، جعفر بن محمد از پدرش، محمد بن علی از پدرش، علی بن الحسین از پدرش، حسین بن علی از پدرش، علی بن ابی طالب علیه السلام حدیث کرد که آن جناب فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "مرا از آنچه سزاوارم، فراتر نبرید؛ زیرا خداوند - تبارک و تعالی - پیش از آنکه مرا پیامبر قرار دهد، بنده خود قرار داد". خدای - تبارک و تعالی - فرموده است: "هیچ بشری را نسزد که خدا، به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد، سپس او به مردم بگوید: به جای خدا، بنده من باشید، بلکه [باید بگوید]: به سبب آنکه کتاب (آسمانی) تعلیم می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید، علمای دین باشید. و (نیز) شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی گیرید. آیا پس از آنکه سر به فرمان (خدا) نهاده‌اید، (باز) شما را به کفر و افساد دارد؟».

تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِمَّنْ يَغْلُو فِينَا وَيَرْفَعُنَا فَوْقَ حَدِّنا كِبْرَاءَةِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام مِنَ النَّصَارَى، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ \* مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ <sup>(۱۰۰۷)</sup>، وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ <sup>(۱۰۰۸)</sup>، وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿مَا الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ﴾ <sup>(۱۰۰۹)</sup> وَمَعْنَاهُ أَنَّهُمَا كَانَا يَتَغَوَّطَانِ، فَمَنْ ادَّعَى لِلْأَنْبِيَاءِ رُبُوبِيَّةً وَادَّعَى لِلْأُئِمَّةِ رُبُوبِيَّةً أَوْ نُبُوَّةً أَوْ لَغَيْرِ الْأُئِمَّةِ إِمَامَةً فَنَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ <sup>(۱۰۱۰)</sup>.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

۱۲۵۲- الإمام الرضا عليه السلام - كَانَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ فَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ ادَّعَوْا لَنَا مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا فِينَا مَا لَمْ نَقُلْهُ فِي أَنْفُسِنَا. اللَّهُمَّ لَكَ الْخَلْقُ وَمِنْكَ الْأَمْرُ وَإِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَالِقُنَا وَخَالِقُ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ وَآبَائِنَا الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَلِيقُ الرُّبُوبِيَّةُ إِلَّا بِكَ، وَلَا تَصْلُحُ إِلَّا لِلْهِئَةِ إِلَّا لَكَ، فَالْعَنِ النَّصَارَى الَّذِينَ صَغَرُوا عَظَمَتَكَ، وَالْعَنِ الْمُضَاهِينَ لِقَوْلِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا عَبِيدُكَ وَأَبْنَاءُ عَبِيدِكَ، لَا نَمْلِكُ لِأَنْفُسِنَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا. اللَّهُمَّ مَنْ زَعَمَ أَنَّنا أَرْبابٌ فَنَحْنُ إِلَيْكَ مِنْهُ بُرَاءٌ، وَمَنْ



علی علیه السلام فرمود: درباره من دو گروه به هلاکت رسند، در حالی که تقصیر من نیست: دوست افراطی و دشمن افراطی و من به پیشگاه خدای - تبارک و تعالی - اعلام بیزاری می‌کنم از کسی که درباره ما غلو کند و ما را از حذمان فراتر برد، همان گونه که عیسی بن مریم علیه السلام از نصاری بیزاری جست. خداوند متعال فرموده است: «و (یاد کن) هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم! آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟ گفت: منزه می‌تو، مرا نزدیک که [درباره خویشتن]، چیزی را که حق من نیست، بگویم. اگر آن را گفته بودم، قطعاً آن را می‌دانستی. آنچه در نفس من است، تو می‌دانی و آنچه در ذات توست، من نمی‌دانم، چرا که تو خود دانای رازهای نهانی. من جز آنچه را بدان فرمانم دادی، به آنان نگفتم؛ (گفته‌ام): که خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید و تا وقتی در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم. پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان، نگهبان بودی و تو بر همه چیز، گواهی.» و فرموده است: «مسیح از اینکه بنده خدا باشد، هرگز امتناع نمی‌ورزد و فرشتگان مقرب نیز [امتناع ندارند] و فرموده است: «مسیح پسر مریم، جز پیامبری نبود که پیش از او نیز پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راستگو بود. هر دو غذا می‌خوردند؛ یعنی: هر دو قضای حاجت می‌کردند. پس هر که برای پیامبران ادعای ربوبیت و برای امامان ادعای ربوبیت یا نبوت و برای غیر امامان ادعای امامت کند، ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم».

۱۲۵۲- امام رضا علیه السلام در دعای خود می‌گفت: بار خدایا! من (به خودی خود) فاقد حرکت و نیرویم؛ زیرا که هیچ حرکت و نیرویی جز به مدد تو نیست. بار خدایا! من از کسانی که در حق ما چیزی را ادعا می‌کنند که سزاوار ما نیست، به درگاه تو بیزاری می‌جویم. بار خدایا! من از کسانی که درباره ما مطالبی می‌گویند که ما خود در حق خویش نگفته‌ایم، به درگاه تو اعلام بیزاری می‌کنم. بار خدایا! آفریدگار، تویی و فرمانروا تو. تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. بار خدایا! تویی آفریدگار ما و آفریدگار پدران نخستین و پدران آخرین ما. بار خدایا! ربوبیت، سزاوار کسی جز تو نیست و الوهیت، شایسته کسی جز تو نباشد. پس لعن و نفرین خود را! نثار نصاری کن که عظمت تو را

زَعَمَ أَنَّ إِلَيْنَا الْخَلْقَ وَعَلَيْنَا الرِّزْقَ فَنَحْنُ إِلَيْكَ بُرَاءٌ مِنْهُ كِبْرَاءَةُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّصَارَى. اللَّهُمَّ إِنَّا لَمْ نَدْعُهُمْ إِلَى مَا يَزْعُمُونَ، فَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا يَزْعُمُونَ، وَ﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذَيَارًا﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴿<sup>(۱۵۶)</sup>﴾.



مرکز تحقیقات کتب و تواتر علوم اسلامی

پایین آوردند و لعن و نفرین خود را نثار دیگر مردمانی کن که اعتقادی همچون آنان دارند.

بار خدایا! ما بندگان تو و زاده بندگان تو هستیم. نه مالک سود و زیانی در حق خود هستیم و نه اختیار مرگ و زندگی و حشر و نشر خود را داریم. بار خدایا! هرکس بگوید ما خدا هستیم، به پیشگاه تو از او بیزاری می‌جوئیم و هرکس معتقد باشد که کار آفریدن و روزی دادن، در دست ماست، به پیشگاه تو از او اعلام بیزاری می‌کنیم، همان گونه که عیسی علیه السلام از نصاری بیزاری جست. بار خدایا! ما آنان را به چنین عقایدی فراخوانده‌ایم. پس به واسطه عقاید و گفته‌های آنان، ما را مؤاخذه مفرما و آنچه را درباره ما می‌گویند، بر ما ببخش و «پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار؛ زیرا اگر آنان را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌سازند و جز پلیدکار ناسپاس نزنند».



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

## الفصل الثالث

### كُفْرُ الْغَالِي

١٢٥٣ - رسول الله ﷺ: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَا نَصِيبَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ: النَّاصِبُ لِأَهْلِ بَيْتِي حَرْبًا، وَغَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ مِنْهُ <sup>(١٥٦٢)</sup>.

١٢٥٤ - الإمام الصادق عليه السلام: أَدَّتْنِي مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَجْلِسَ إِلَى غَالٍ فَيَسْتَمِعَ إِلَى حَدِيثِهِ وَيُصَدِّقَهُ عَلَى قَوْلِهِ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَا نَصِيبَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ: الْغُلَاةُ، وَالْقَدَرِيَّةُ <sup>(١٥٦٣)</sup>.

١٢٥٥ - عنه عليه السلام - لِلْمُفْضَلِ بْنِ مَزِيدٍ بَعْدَ مَا ذَكَرَ أَصْحَابَ أَبِي الْخَطَّابِ وَالْغُلَاةَ -: يَامُفْضَلُ، لَا تُقَاعِدُوهُمْ وَلَا تُوَاكِلُوهُمْ وَلَا تُشَارِبُوهُمْ وَلَا تُصَافِحُوهُمْ وَلَا تُؤَاثِرُوهُمْ <sup>(١٥٦٤) (١٥٦٥)</sup>.

١٢٥٦ - عنه عليه السلام: لَعَنَ اللَّهُ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ، إِنَّهُ كَانَ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي، فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ. لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَالَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَزَالَنَا عَنِ الْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا وَإِلَيْهِ مَآبُنَا وَمَعَادُنَا وَبِيَدِهِ نَوَاصِينَا <sup>(١٥٦٦)</sup>.

## فصل سوم

### کافر بودن غالی

۱۲۵۳- پیامبر خدا ﷺ: دو گروه از امت من هستند که بهره‌ای از اسلام ندارند: کسانی که در برابر اهل بیت پرچم دشمنی برافرازند و کسانی که در دین غلو کنند و پا از مرز آن بیرون گذارند.

۱۲۵۴- امام صادق علیه السلام: کمترین چیزی که آدمی را از ایمان خارج می‌سازد، این است که نزد غالی مذهب بنشیند و به سخنانش گوش دهد و گفته‌اش را تأیید کند. پدرم، از پدرش، از جدش علیه السلام برایم روایت کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: دو گروه از امت من هستند که بهره‌ای از اسلام ندارند: غالی مذهب‌بان و قدریه.

۱۲۵۵- امام صادق علیه السلام: به مفضل بن مزید که از پیروان ابو خطاب و غالی مذهب‌بان، سخن به میان آورد: ای مفضل! با آنان همنشینی نکن و در سر یک سفره با آنان غذا مخور و با آنها دست نده و با آنان به هم سخنی و مبادله اخبار مپرداز.

۱۲۵۶- امام صادق علیه السلام: خدا، مغیره بن سعید را لعنت کند! او به پدرم دروغ می‌بست و خداوند، داغی آهن (طعم شمشیر) را به او چشاند. لعنت خدا بر کسی که درباره‌ی ما چیزهایی بگوید که ما خود نمی‌گوییم [و چنان اعتقادی نداریم]. لعنت خدا بر کسی که ما را بنده خدا نداند، خدایی که ما را آفریده و بازگشت و معاد ما به سوی اوست و زمام اختیار ما، در کف اوست.

۱۲۵۷- أبو هاشم الجعفری: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الْغُلَاةِ وَالْمُفَوَّضَةِ، فَقَالَ: الْغُلَاةُ كُفَّارٌ وَالْمُفَوَّضَةُ مُشْرِكُونَ، مَنْ جَالَسَهُمْ أَوْ خَالَطَهُمْ أَوْ أَكَلَهُمْ أَوْ شَارَبَهُمْ أَوْ وَاصَلَهُمْ أَوْ زَوَّجَهُمْ أَوْ تَزَوَّجَ مِنْهُمْ أَوْ آمَنَهُمْ أَوْ ائْتَمَنَهُمْ عَلَى أَمَانَةٍ أَوْ صَدَّقَ حَدِيثَهُمْ أَوْ أَعَانَهُمْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَلَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱۵۶۷).

۱۲۵۸- الْحُسَيْنُ بْنُ خَالِدٍ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ قَالَ بِالتَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ فَهُوَ كَافِرٌ مُشْرِكٌ، وَنَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا بَنَ خَالِدٍ، إِنَّمَا وَضَعَ الْأَخْبَارَ عَنَّا فِي التَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ الْغُلَاةُ الَّذِينَ صَغَّرُوا عَظَمَةَ اللَّهِ تَعَالَى، فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا، وَمَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ وَالَانَا، وَمَنْ وَصَلَهُمْ فَقَدْ قَطَعَنَا، وَمَنْ قَطَعَهُمْ فَقَدْ وَصَلَنَا، وَمَنْ جَفَاهُمْ فَقَدْ بَرَّانَا، وَمَنْ بَرَّاهُمْ فَقَدْ جَفَانَا، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَهَانَنَا، وَمَنْ أَهَانَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَنَا، وَمَنْ قَبِلَهُمْ فَقَدْ رَدَّنَا، وَمَنْ رَدَّهُمْ فَقَدْ قَبَلْنَا، وَمَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ أَسَاءَ إِلَيْنَا، وَمَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَيْنَا، وَمَنْ صَدَّقَهُمْ فَقَدْ كَذَّبْنَا، وَمَنْ كَذَّبَهُمْ فَقَدْ صَدَّقْنَا، وَمَنْ أَعْطَاهُمْ فَقَدْ حَرَمْنَا، وَمَنْ حَرَمَهُمْ فَقَدْ أَعْطَانَا. يَا بَنَ خَالِدٍ، مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلَا يَتَّخِذَنَّ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۵۶۸).

۱۲۵۷ - ابو هاشم جعفری: از حضرت رضا علیه السلام درباره غالیان و مفوضه (معتقدان به تفویض، در مقابل جبریه) پرسیدم، فرمود: «غالیان کافرند و مفوضه مشرک. هرکس با آنان همنشینی یا آمیزش کند یا بر سر یک سفره بنشیند یا رابطه برقرار کند یا زن دهد یا زن بگیرد یا امانتدارشان شود یا به آنان امانت سپارد یا سخنشان را تصدیق کند یا با نیم کلمه یاریشان رساند، از ولایت خدای - تعالی - و ولایت رسول خدا و ولایت ما اهل بیت خارج شود».

۱۲۵۸ - حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السلام: هر که معتقد به تشبیه و جبر باشد، کافر و مشرک است و ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم. ای پسر خالد! غالیان، اخبار مربوط به تشبیه و جبر را از قول ما جعل کرده‌اند، همانان که عظمت خدای بزرگ را پایین آورده‌اند. پس هر که دوستدار آنان باشد، دشمن ماست و هر که دشمن آنان باشد، دوستدار ماست. هر که به آنان محبت ورزد، با ما دشمنی کرده است و هر که با آنان دشمنی کند، به ما محبت ورزیده است. هر که با آنان پیوند برقرار کند، از ما بریده است و هر که از آنان ببرد، با ما پیوند برقرار کرده است. هر که از آنان دوری کند، با ما دوستی کرده و هر که با آنان دوستی کند، از ما دوری کرده است. هر که به آنان احترام گذارد، به ما بی‌احترامی کرده است و هر که به آنان بی‌احترامی کند، به ما احترام گذاشته است. هر که آنان را بپذیرد، دست رد به سینه ما زده است و هر که دست رد به سینه آنان زند، ما را پذیرفته است. هر که به آنان خوبی کند، به ما بدی کرده است و هر که به آنان بدی کند، به ما خوبی کرده است. هر که آنان را تصدیق کند، ما را تکذیب کرده است و هر که آنان را تکذیب کند، ما را تصدیق کرده است. هر که به آنان عطا کند، ما را محروم کرده است و هر که آنان را محروم کند، به ما عطا کرده است. ای پسر خالد! کسی که شیعه ماست، هرگز از این جماعت، دوست و یآوری برای خود نگیرد.



## الفصل الرابع

### هَلَاكُ الْغَالِي

١٢٥٩ - الإمام علي عليه السلام: يَهْلِكُ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَرِيقَانِ: مُحِبُّ مُطَرٍ، وَبَاهِتٌ مُفْتَرٍ (١٥٦١).

١٢٦٠ - عنه عليه السلام: يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ: مُفَرِّطٌ غَالٍ، وَمُبْغِضٌ قَالٍ (١٥٧٠).

١٢٦١ - عنه عليه السلام - فِي خُطْبَتِهِ -: سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ: مُحِبُّ مُفَرِّطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَمُبْغِضٌ مُفَرِّطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَخَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَالزَّمُوهُ (١٥٧١).

١٢٦٢ - رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، إِنَّ فِيكَ مَثَلًا مِنْ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ: أَحَبَّهُ قَوْمٌ فَأَفْرَطُوا فِي حُبِّهِ فَهَلَكُوا فِيهِ، وَأَبْغَضَهُ قَوْمٌ فَأَفْرَطُوا فِي بُغْضِهِ فَهَلَكُوا فِيهِ، وَاقْتَصَدَ فِيهِ قَوْمٌ فَنَجَّوْا (١٥٧٢).

١٢٦٣ - رَبِيعَةُ بْنُ نَاجِدٍ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام: قَالَ لِي النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: فِيكَ مَثَلٌ مِنْ عِيسَى، أَبْغَضَتْهُ الْيَهُودُ حَتَّى يَهْتُوا أُمَّهُ، وَأَحَبَّتْهُ النَّصَارَى حَتَّى أَنْزَلُوهُ بِالْمَنْزِلَةِ الَّتِي

## فصل چهارم

### هلاکت غالی

۱۲۵۹ - امام علی علیه السلام: دو گروه دریاره ما اهل بیت تباه می شوند: دوستداری که در مدح و ستایش ما زیاده روی کند و دشمنی که به ما تهمت و افترا بدهد.

۱۲۶۰ - امام علی علیه السلام: دو کس درباره من تباه می شوند: یکی [دوست] افراطی غالی

مذهب و دیگری دشمن زگینه توز.

۱۲۶۱ - امام علی علیه السلام: در یکی از خطبه هایش - : به زودی دو گروه درباره من تباه شوند:

یکی دوستدار افراطی که دوستی و محبتش [نسبت به من]، او را از راه حق

دور سازد و دیگری دشمن افراطی که دشمنیش (با من)، او را به ناحق

کشاند. بهترین حالت را نسبت به من مردمی دارند که راه میانه را برگزینند.

با اینان همراهی کنید.

۱۲۶۲ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! تو در یک مورد، همانند عیسی بن مریم خواهی شد:

عده ای دوستدار او شدند و در این دوستی، چندان زیاده روی کردند که تباه

شدند و گروهی با او دشمنی کردند و در این دشمنی، راه افراط پیمودند و در

نتیجه تباه گشتند و جماعتی هم درباره او راه اعتدال در پیش گرفتند و رستند.

۱۲۶۳ - ربیع بن ناجذ از امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «تو در یک مورد حکایت

عیسی را خواهی داشت: یهود تا بدانجا با او دشمنی ورزیدند که به مادرش

لَيْسَ بِهِ. ثُمَّ قَالَ: يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ: مُحِبُّ مُفْرِطٍ يُقَرِّظُنِي بِمَا لَيْسَ فِيَّ،  
وَمُبْغِضٌ يَحْمِلُهُ شَنَائِي عَلَى أَنْ يَبْهَتَنِي<sup>(۱۵۷۳)</sup>.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

تهمت زدند و نصاریٰ چندان دوستش داشتند که او را به مقامی که  
سزاوارش نبود، رساندند».

دربارهٔ من دو کس تباه و نابود می‌شوند: دوستدار افراطی که از من  
ستایش‌های بی‌جا کند و دشمنی که عداوتش با من، او را وادارد که به من  
بهتان زند.



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

## الفصل الخامس

### أخبار الغلو موضوعة

١٢٦٣ - إبراهيم بن أبي محمود: قلت للرضا عليه السلام: يا بن رسول الله، إن عندنا أخباراً في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام وفضلكم أهل البيت، وهي من رواية مخالفيكم ولا نعرف مثلها عندكم، أفنديين بها؟ فقال: يا بن أبي محمود، لقد أخبرني أبي عن أبيه عن جده عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: من أصغى إلى ناطق فقد عبده، فإن كان الناطق عن الله عز وجل فقد عبد الله، وإن كان الناطق عن إبليس فقد عبد إبليس.

ثم قال الرضا عليه السلام: يا بن أبي محمود، إن مخالفينا وضعوا أخباراً في فضائلنا وجعلوها على ثلاثة أقسام: أحدها الغلو، وثانيها التقصير في أمرنا، وثالثها التصريح بمثالب أعدائنا، فإذا سمع الناس الغلو فينا كفروا شيعتنا ونسبوه إلى القول برؤوسيتنا، وإذا سمعوا التقصير اعتقدوه فينا، وإذا سمعوا مثالب أعدائنا بأسمائهم ثلبونا بأسمائنا، وقد قال

## فصل پنجم

### ساختگی بودن اخبار غلو آمیز

۱۲۶۴ - ابراهیم بن ابی محمود: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله! نزد ما اخباری در فضایل امیرالمؤمنین و فضیلت شما اهل بیت هست که مخالفان شما روایت کرده‌اند و امثال این اخبار را ما از شما نشنیده‌ایم. آیا آنها را بپذیریم؟ فرمود: «ای پسر ابو محمود! پدرم از قول پدرش از جدش علیه السلام به من خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "هرکس به گوینده‌ای گوش سپارد، بی گمان، او را عبادت کرده است. پس اگر آن گوینده، از خدای - جل جلاله - بگوید، شنونده، خدا را عبادت کرده است و اگر گوینده، از شیطان بگوید، شنونده شیطان را عبادت کرده باشد».

سپس حضرت رضا علیه السلام فرمود: «ای پسر ابو محمود! مخالفان ما اخباری در فضایل ما ساخته‌اند که به سه دسته تقسیم می‌شوند: یکی اخبار غلو آمیز، دیگری اخباری که در حق ما کوتاه آمده‌اند و سوم، اخباری که از دشمنان ما به صراحت اسم می‌برند و عیبهایشان را بازگو می‌کنند. چون مردم، اخباری را که درباره ما غلو کرده‌اند، بشنوند، شیعیان را تکفیر کنند و اعتقاد به خدا بودن ما را، به آنان نسبت دهند و هرگاه اخباری را که در حق ما تفریط و کوتاهی کرده‌اند، بشنوند، آنها را در حق ما باور کنند و هرگاه اخباری را که از

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ  
عِلْمٍ﴾ (۱۵۷۴).

یا بن ابی محمود، إذا أخذ الناس يميناً وشمالاً فالزم طريقتنا، فإن من  
لزمنا لزمناه ومن فارقنا فارقناه. إن أدنى ما يخرج به الرجل من الإيمان  
أن يقول للحصاة: هذه نواة، ثم يدين بذلك ويتبرأ ممن خالفه. يا بن ابی  
محمود، احفظ ما حدثتك به، فقد جمعت لك فيه خير الدنيا  
والآخرة (۱۵۷۵).



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



دشمنان ما به صراحت اسم می‌برند و بدگویی می‌کنند، بشنوند، به ما بی‌حرمتی کنند. خداوند - ﷻ - می‌فرماید: "و آنها که جز خدا را می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد".

ای پسر ابو محمود! هرگاه مردم به چپ و راست رفتند، تو راه ما را در پیش گیر؛ زیرا هرکه با ما باشد، ما با او هستیم و هرکس از ما جدا شود، از او جدا می‌شویم. کمترین چیزی که آدمی به سبب آن از ایمان خارج می‌شود این است که به سنگریزه بگوید این یک هسته [میوه] است و بدان معتقد شود و از هر کسی که با این نظر او مخالفت کند، بیزاری جوید. ای پسر ابو محمود! این حدیث را که به تو گفتم، حفظ و مراقبت کن؛ زیرا که در آن، خیر دنیا و آخرت را برایت جمع کردم.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش چهاردهم

# کسانی که از اهل بیت هستند



فصلهای این بخش :

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- |         |   |                                           |
|---------|---|-------------------------------------------|
| فصل یکم | : | ویژگی کسانی که از اهل بیت هستند           |
| فصل دوم | : | ویژگی کسانی که از اهل بیت نیستند          |
| فصل سوم | : | گروهی که در زمره اهل بیت به شمار آمده‌اند |

## الفصل الأول

### صِفَةُ مَنْ هُوَ مِنْهُمْ

الكتاب



﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾ (١٥٧٦)

الحديث

١٢٦٥- رسول الله ﷺ: *آلُ مُحَمَّدٍ كُلُّهُمْ تَقِيٌّ* (١٥٧٧) *سبدي*

١٢٦٦- أنس: سئل رسول الله ﷺ: مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ؟ فقال: كُلُّ تَقِيٍّ، وتلا رسول الله ﷺ: ﴿إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾ (١٥٧٨) (١٥٧٩).

١٢٦٧- أبو عبيدة عن أبي جعفر عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مِنْكُمْ؟ قَالَ: مِنَّا وَاللَّهِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾ (١٥٨٠)!

١٢٦٨- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اتَّقَى مِنْكُمْ وَأَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. قِيلَ لَهُ: مِنْكُمْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ مِنَّا، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ﴾ (١٥٨١)، وقول إبراهيم عليه السلام: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾ (١٥٨٢).

١٢٦٩- الحسن بن موسى الوشاء البغدادي: كُنْتُ بِخُرَاسَانَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام

## فصل یکم

### ویژگی کسانی که از اهل بیت هستند

قرآن

«پس هر که از من پیروی کند، او از من است».

حدیث

۱۲۶۵ - پیامبر خدا ﷺ: هر پرهیزگاری، از خاندان محمد است.

۱۲۶۶ - انس: از رسول خدا ﷺ سؤال شد: آل محمد کیستند؟ فرمود: «هر پرهیزگاری». سپس رسول خدا ﷺ این آیه را: «چرا که جز پارسایان، کسی متولی آن [مسجد الحرام] نمی‌تواند باشد» تلاوت کرد.

۱۲۶۷ - ابو عبیده از امام باقر ع: «هر که ما را دوست بدارد، او از ما اهل بیت است». به ایشان عرض شد: یابن رسول الله! از شماست؟ فرمود: «به خدا قسم، از ماست. آیا نشنیده‌ای این سخن ابراهیم را که: "پس هر که از من پیروی کند، او از من است"؟».

۱۲۶۸ - امام صادق ع: «هریک از شما که پرهیزگار و درستکار باشد، او از ما اهل بیت است». راوی عرض کرد: یا بن رسول الله! از شماست؟ فرمود: «آری، از ماست. آیا نشنیده‌ای این سخن خدای - ع - را که: "و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود" و این سخن ابراهیم را که: "پس هر که از من پیروی کند، او از من است"؟».

۱۲۶۹ - حسن بن موسی و شای بغدادی: من در خراسان در مجلس علی بن موسی الرضا ع

فِي مَجْلِسِهِ، وَزَيْدُ بْنُ مُوسَى حَاضِرٌ قَدْ أَقْبَلَ عَلَى جَمَاعَةٍ فِي الْمَجْلِسِ يَفْتَحِرُ عَلَيْهِمْ وَيَقُولُ: نَحْنُ وَنَحْنُ، وَأَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مُقْبِلٌ عَلَى قَوْمٍ يُحَدِّثُهُمْ، فَسَمِعَ مَقَالَةَ زَيْدٍ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا زَيْدُ، أَغْرَكَ قَوْلُ بَقَالِي الْكُوفَةِ: إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ؟! وَاللَّهِ، مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلَدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً، فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام يُطِيعُ اللَّهَ وَيَصُومُ نَهَارَهُ وَيَقُومُ لَيْلَهُ وَتَعْصِيهِ أَنْتَ، ثُمَّ تَجِيئَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَاءً؟! لَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْهُ! إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ يَقُولُ: لِمُحْسِنِنَا كِفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَلِمُسِيئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ.

وَقَالَ الْحَسَنُ الْوَشَاءُ: ثُمَّ التَّفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ: يَا حَسَنُ، كَيْفَ تَقْرَءُونَ هَذِهِ الْآيَةَ: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (١٥٨٣)؟ فَقُلْتُ: مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» وَمِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (١٥٨٤)، فَمَنْ قَرَأَ: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» نَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ، فَقَالَ عليه السلام: كَلَّا، لَقَدْ كَانَ ابْنُهُ وَلَكِنْ لَمَّا عَصَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَفَاهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ، كَذَا مَنْ كَانَ مِنَّا لَمْ يُطِيعِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَلَيْسَ مِنَّا، وَأَنْتَ إِذَا أَطَعْتَ اللَّهَ فَأَنْتَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (١٥٨٥).

بودم و زید بن موسی (برادر حضرت) نیز حضور داشت و رو به عده‌ای از مجلسیان کرده بود و بر آنان فخر می‌فروخت و می‌گفت: ما چنین و چنان ایم. حضرت رضا علیه السلام که مشغول سخن گفتن برای عده‌ای دیگر بود، سخنان زید را شنید و رو به او کرده، فرمود: «ای زید! آیا این سخن سبزی فروشان کوفه تو را مغرور ساخته است که می‌گویند: فاطمه، دامن خود را پاک نگهداشت و از این رو، خداوند آتش را بر ذریه او حرام کرد؟! به خدا قسم که این، فقط اختصاص به حسن و حسین و فرزندی دارد که از شکم او زاییده شده باشد؛ اما اینکه موسی بن جعفر، خدا را اطاعت کند و روزها روزه بگیرد و شبها را به عبادت گذراند و تو معصیت خدا کنی و سپس در روز قیامت یکسان باشید، در این صورت، تو نزد خدای - جل جلاله - عزیزتر از او خواهی بود! علی بن الحسین علیه السلام می‌فرمود: «برای نیکوکار ما، دو بهره از پاداش است و برای بدکردار ما، دو برابر عذاب».

سپس آن حضرت رو به من کرد و فرمود: «ای حسن! این آیه: ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ را چگونه قرائت می‌کنید». عرض کردم: بعضی‌ها آن را ﴿إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ (به وصف «غیر» برای «عمل») قرائت می‌کنند و برخی دیگر، ﴿إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٍ صَالِحٍ﴾ (به اضافه «عمل» به «غیر») می‌خوانند. پس کسی که ﴿إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٍ صَالِحٍ﴾ (به اضافه) قرائت می‌کند، او را از فرزندی نوح نفی می‌کند. حضرت فرمود: «هرگذا او فرزند نوح بود؛ اما چون خدای - جل جلاله - را نافرمانی کرد، خداوند او را از پدرش نفی کرد. همین طور، هریک از ما اهل بیت که خدای - جل جلاله - را نافرمانی کند، از ما نیست و تو نیز چنانچه خداوند را فرمان بری، از ما اهل بیت هستی».

در کتاب مذهب اهل بیت / ویژگی شیعیان اهل بیت، ص ۳۵۲.



## الفصل الثاني

### صِفَةُ مَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ

١٢٧٠ - رسول الله ﷺ: مَنْ أَقْرَبَ بِالذُّلِّ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (١٥٨٦).

١٢٧١ - عنه ﷺ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا، وَلَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَلَمْ يَعْرِفْ فَضْلَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (١٥٨٧). *مركز تحقيق كتب توير علوم اسلامی*

١٢٧٢ - عنه ﷺ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْكَبِيرَ، وَيَرْحَمْ الصَّغِيرَ، وَيَأْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَيَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ (١٥٨٨).

١٢٧٣ - عنه ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ عَصَمَنَا اللَّهُ مِنْ أَنْ نَكُونَ مَفْتُونِينَ أَوْ فَاتِنِينَ أَوْ مُفْتَنِينَ أَوْ كَذَّابِينَ (كَاذِبِينَ - خ ل) أَوْ كَاهِنِينَ أَوْ سَاحِرِينَ أَوْ عَائِقِينَ (عَائِقِينَ - خ ل) أَوْ خَائِنِينَ (خَائِبِينَ - خ ل) أَوْ زَاجِرِينَ أَوْ مُبْتَدِعِينَ أَوْ مُرْتَابِينَ أَوْ صَادِقِينَ (صَادِقِينَ - خ ل) عَنِ الْخَلْقِ (أَوْ - خ ل) مُنَافِقِينَ، فَمَنْ كَانَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ فَلَيْسَ مِنَّا (مِنِّي - خ ل) وَلَا أَنَا مِنْهُ، وَاللَّهُ مِنْهُ بَرِيءٌ وَنَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ، وَمَنْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ أَدْخَلَهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (١٥٨٩).

## فصل دوم

### ویژگی کسانی که از اهل بیت نیستند

۱۲۷۰- پیامبر خدا ﷺ: هرکس با میل و اختیار تن به ذلت دهد، از ما اهل بیت نیست.

۱۲۷۱- پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که به سالخوردگان ما احترام نگذارد و با

خردسالانمان مهربانی نکند و فضل و برتری ما اهل بیت را (به رسمیت) نشناسد.

۱۲۷۲- پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که به بزرگ‌ترها احترام نگذارد و با کوچک‌ترها

مهربان نباشد و امر به معروف و نهی از منکر نکند.

۱۲۷۳- پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! خداوند، ما اهل بیت را از اینکه فریب خوریم یا فریب

دهیم یا فتنه‌انگیزی کنیم یا دروغگو باشیم یا پیشگویی کنیم یا جادوگری

کنیم یا مانع تراشی کنیم یا خیانتکار باشیم یا با پرندگان فال گیریم یا

بدعتگذار باشیم یا دستخوش شک و تردید شویم یا از خَلق [خدا] روی

برتابیم و منافق باشیم، مصون داشته است. بنابراین، هرکس چیزی از این

صفات را دارا باشد، از ما نیست و من از او نیستم و خدا از او بیزار است و ما

از او بیزاریم و هرکس که خدا از او بیزار باشد، وی را به دوزخ بزد و چه بد

جایگاهی است.

۱۲۷۴ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَائِقِهِ (۱۰۹۰) (۱۰۹۱).

۱۲۷۵ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا (۱۰۹۲).

۱۲۷۶ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا (۱۰۹۳).

۱۲۷۷ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ (۱۰۹۴).

۱۲۷۸ - الإمام الصادق علیه السلام: إِعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنْ مُجَاوَرَةً مَنْ جَاوَرَهُ (۱۰۹۵).

۱۲۷۹ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ (۱۰۹۶).

۱۲۸۰ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا - وَلَا كَرَامَةً - مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ وَكَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدٌ أَوْرَعَ مِنْهُ (۱۰۹۷).

۱۲۸۱ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ، وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ (۱۰۹۸).

۱۲۸۲ - عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا (۱۰۹۹).

۱۲۸۳ - أَبُو الزُّبَيْعِ الشَّامِيُّ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَالْبَيْتُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ، فِيهِ الْخُرَاسَانِيُّ وَالشَّامِيُّ وَمِنْ أَهْلِ الْآفَاقِ، فَلَمْ أَجِدْ مَوْضِعًا أَقْعُدُ فِيهِ، فَجَلَسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَكَانَ مُتَّكِئًا، ثُمَّ قَالَ: يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، إِعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَمَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةً مِنْ صَحْبَتِهِ، وَمُخَالَفَةً مَنْ خَالَفَهُ، وَمُرَافَقَةً مَنْ رَافَقَهُ، وَمُجَاوَرَةً مَنْ جَاوَرَهُ، وَمُمَالَحَةً مَنْ مَالَحَهُ. يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۱۱۰۰).

۱۲۸۴ - الإمام الصادق علیه السلام: إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبَّنَا وَمُؤَالَاتِنَا، وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتِنَا، أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا، وَإِنْ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ

۱۲۷۴ - پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که همسایه‌اش، از بدی‌های او در امان نباشد.

۱۲۷۵ - پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که با ما، از درِ دغلی و خیانت درآید.

۱۲۷۶ - پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که با مسلمانی تقلب و دغلی کند.

۱۲۷۷ - پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که در امانت خیانت کند.

۱۲۷۸ - امام صادق علیه السلام: بدانید از ما نیست کسی که برای همسایه خود، همسایه خوبی نباشد.

۱۲۷۹ - امام صادق علیه السلام: از ما نیست کسی که نماز شب نخواند.

۱۲۸۰ - امام صادق علیه السلام: از ما نیست - و ارزشی ندارد - کسی که در شهری صدهزار نفری زندگی کند و در آن شهر، پارسا تر از او وجود داشته باشد.

۱۲۸۱ - امام صادق علیه السلام: از ما نیست کسی که دنیای خود را به خاطر آخرتش و یا آخرت خود را به خاطر دنیایش رها کند.

۱۲۸۲ - امام صادق علیه السلام: شیعه ما نیست کسی که به زبان، دم از ما زند؛ ولی برخلاف کردار و رفتار ما عمل کند. مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱۲۸۳ - ابوریع شامی: بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدم. دیدم اتاق، پر از جمعیت است و از خراسانی و شامی تا دیگر نقاط، در آنجا حضور دارند و من جایی برای نشستن نیافتم. حضرت که تکیه داده بود، [راست] نشست و آن گاه فرمود: «ای شیعیان آل محمد! بدانید که از ما نیست کسی که در هنگام خشم خویشتنداری نکند و با همنشین خود خوش ننشیند و با کسی که با او خوش خلقی می‌کند، خوش خلق نباشد و با رفیق خود، نیکو رفاقت نکند و برای همسایه‌اش همسایه خوبی نباشد و نمک هم نمک خود را پاس ندارد. ای شیعیان آل محمد! تا می‌توانید، پرهیزگار باشید. ولا حول ولا قوة الا بالله».

۱۲۸۴ - امام صادق علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی - دوستی و ولایت ما را بر شما واجب فرمود و اطاعت از ما را بر شما فرض کرده است. پس آگاه باشید که هرکس

وَالْإِجْتِهَادَ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، وَصِلَةَ الرَّحِمِ وَإِقْرَاءَ الضَّيْفِ  
وَالْعَفْوَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَمَنْ لَمْ يَقْتَدِرْنَا فَلَيْسَ مِنَّا (۱۶۰۱).

۱۲۸۵ - الإمام الكاظم عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا  
إِسْتَرَادَ اللَّهَ، وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ (۱۶۰۲).

۱۲۸۶ - الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعًا أَوْ قَطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ مَدَحَ لَنَا عَائِبًا أَوْ أَكْرَمَ  
لَنَا مُخَالَفًا فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ (۱۶۰۳).

۱۲۸۷ - الهَرَوِيُّ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْجَنَّةِ  
وَالنَّارِ أَهْمَا الْيَوْمَ مَخْلُوقَتَانِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَدْ دَخَلَ الْجَنَّةَ  
وَرَأَى النَّارَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ: إِنَّهُمَا  
الْيَوْمَ مُقَدَّرَتَانِ غَيْرُ مَخْلُوقَتَيْنِ. فَقَالَ عليه السلام: مَا أَوْلَيْكَ مِنَّا وَلَا نَحْنُ مِنْهُمْ، مَنْ  
أُنْكَرَ خَلْقَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ فَقَدْ كَذَّبَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وَكَذَّبَنَا، وَلَا مِنْ وَلَا يَتَنَا عَلَى  
شَيْءٍ، وَيُخْلَدُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا  
الْمُجْرِمُونَ» \* يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ (۱۶۰۴) (۱۶۰۵).

از ماست، باید به ما اقتدا کند و از جمله صفات ماست: پارسایی و کوشش در عمل و بازگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار، به جای آوردن صلۀ رحم و مهمانداری و گذشت کردن از کسی که (به ما) بدی کند. هرکه به ما اقتدا نکند، از ما نیست.

۱۲۸۵- امام کاظم علیه السلام: از ما نیست کسی که هر روز به حساب اعمال خود رسیدگی نکند تا اگر دید کار نیک کرده است، از خداوند بیشتر بخواهد و اگر کار بد کرده، برای آن از خداوند آمرزش بخواهد و به درگاه او توبه کند.

۱۲۸۶- امام رضا علیه السلام: هرکس با کسی که از ما بریده است، پیوند برقرار کند یا از کسی که با ما پیوند و رابطه دارد، ببرد یا نکوهش گر ما را ستایش کند یا مخالف ما را گرامی دارد، از ما نیست و ما از او نیستیم.

۱۲۸۷- هروی: به علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله! بفرمایید که آیا بهشت و دوزخ، هم اکنون آفریده شده و موجودند؟ فرمود: «آری. رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به معراج برده شد، وارد بهشت گردید و دوزخ را هم مشاهده کرد». عرض کردم: عده ای می گویند: بهشت و دوزخ فعلاً مقدر هستند و هنوز آفریده نشده اند. «فرمود: این عده از ما نیستند و ما از آنها نیستیم. هرکس آفریده شدن بهشت و دوزخ را منکر شود، پیامبر صلی الله علیه و آله و ما را تکذیب کرده است و از ولایت ما بهره ای ندارد و در آتش دوزخ، جاودانه خواهد شد. خداوند تعالی - فرموده است: «این است همان دوزخی که گنهکاران، آن را دروغ می شمردند. میان آن و میان آب جوشان، سرگردان باشند».

## الفصل الثالث

### طائفة ممن عُدَّ منهم



مركز تحقيقات كتب أبو ذرٍّ

١٢٨٨ - رسول الله ﷺ: يا أبا ذرٍّ، إِنَّكَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (١٦٠٦).

٢ / ٣

### أبو عُبَيْدَةَ

١٢٨٩ - أَبُو الْحَسَنِ: جَاءَتِ امْرَأَةُ أَبِي عُبَيْدَةَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ بَعْدَ مَوْتِهِ، قَالَتْ: إِنَّمَا أَبْكِي أَنَّهُ مَاتَ وَهُوَ غَرِيبٌ، فَقَالَ لَهَا ﷺ: لَيْسَ هُوَ بِغَرِيبٍ، إِنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (١٦٠٧).



## فصل سوم

### گروهی که در زمره اهل بیت به شمار آمده‌اند



ابوذر

۱۲۸۸ - پیامبر خدا ﷺ: ای ابوذر تو از ما اهل بیت هستی.

۲/۳

### ابوعبیده

۱۲۸۹ - ابوالحسن: همسر ابو عبیده پس از مرگ او به خدمت امام صادق ﷺ رسید

و عرض کرد: من برای این گریه می‌کنم که او غریب مُرد. حضرت فرمود: «او

غریب نیست. ابوعبیده از ما اهل بیت است».

۳/۳

### راهبُ بلیخ

۱۲۹۰ حَبَّةُ الْعُرْنِيِّ: لَمَّا نَزَلَ عَلَيَّ ﷺ بِمَكَانٍ يُقَالُ لَهُ الْبَلِيخُ<sup>(۱۶۰۸)</sup> عَلَى جَانِبِ الْفُرَاتِ نَزَلَ رَاهِبٌ مِنْ صَوْمَعَتِهِ فَقَالَ لِعَلِّي ﷺ: إِنَّ عِنْدَنَا كِتَابًا تَوَارَثْنَاهُ مِنْ آبَائِنَا، كَتَبَهُ أَصْحَابُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ﷺ، أَعْرِضْهُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ عَلَيَّ ﷺ: نَعَمْ، فَمَا هُوَ؟ قَالَ الرَّاهِبُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِي قَضَىٰ فِيمَا قَضَىٰ، وَسَطَرَ فِيمَا كَتَبَ، أَنَّهُ بَاعِثٌ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيَدُلُّهُمْ عَلَى سَبِيلِ اللَّهِ، لَا فَظًّا وَلَا غَلِيظًا وَلَا سَخَابًا فِي الْأَسْوَاقِ، وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ، وَلَكِنْ يَعْفو وَيَصْفَحُ. أُمَّتُهُ الْحَمَّادُونَ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى كُلِّ نَشْرٍ<sup>(۱۶۰۹)</sup>، وَفِي كُلِّ صُعُودٍ وَهَبُوطٍ، تَذِلُّ أَلْسِنَتُهُم بِالْتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ، وَيَنْصُرُهُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مَنْ نَاوَاهُ. فَإِذَا تَوَفَّاهُ اللَّهُ اخْتَلَفَتْ أُمَّتُهُ ثُمَّ اجْتَمَعَتْ، فَلَبِثَتْ بِذَلِكَ مَا شَاءَ. ثُمَّ يَمُرُّ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِهِ بِشَاطِئِ هَذَا الْفُرَاتِ، يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَقْضِي بِالْحَقِّ وَلَا يُوَكِّسُ<sup>(۱۶۱۰)</sup> الْحُكْمَ، الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنَ الرَّمَادِ فِي يَوْمٍ عَصَفَتْ بِهِ الرِّيحُ، وَالْمَوْتُ أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ عَلَى الظَّمَاءِ، يَخَافُ اللَّهَ فِي السِّرِّ، وَيَنْصَحُ لَهُ فِي الْعَلَانِيَةِ، لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ النَّبِيَّ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْبِلَادِ فَأَمَّنَ بِهِ كَانَ ثَوَابُهُ رِضْوَانِي<sup>(۱۶۱۱)</sup> وَالْجَنَّةَ، وَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الْعَبْدَ الصَّالِحَ فَلْيَنْصُرْهُ، فَإِنَّ الْقَتْلَ مَعَهُ شَهَادَةٌ، [ثُمَّ قَالَ لَهُ:] فَأَنَا مُصَاحِبُكَ لَا أَفَارِقُكَ حَتَّى يُصِيبَنِي مَا أَصَابَكَ.

## ۳/۳

## راهب بلیخ

۱۲۹۰- حَبَّةُ عُرْنَى: هنگامی که علی علیه السلام در محلی به نام بلیخ - واقع در حاشیه فرات - بار افکند، راهبی از صومعه خود آمد و به علی علیه السلام عرض کرد: نزد ما کتابی است که از پدرانمان به ارث برده‌ایم و آن را یاران عیسی بن مریم علیهم السلام نوشته‌اند. آیا آن را بر شما عرضه بدارم؟ علی علیه السلام فرمود: «آری. آن چیست؟». راهب گفت: به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوندی که حکم کرد و نوشت که در میان درس ناخواندگان، پیامبری از خود آنان برخواند انگیخت تا ایشان را کتاب و حکمت بیاموزد و به راه خدا رهنمون گردد، رسولی که نه درشت خوی است و نه خشن، در کوچه و بازار، هیاهو به راه نمی‌اندازد و بدی را با بدی، پاسخ نمی‌دهد، بلکه می‌بخشد و گذشت می‌کند. امت او ستاینده‌گانی هستند که خدا را در هر بلندی و در هر فراز و نشیبی می‌ستایند و زبان‌شان به تهلیل و تکبیر، گویاست و خداوند، آن رسول را بر هر که با او به دشمنی برخیزد، پیروز می‌گرداند. پس از درگذشت او امتش [برای مدتی] دچار اختلاف و پراکندگی شوند و سپس دوباره متحد گردند و تا زمانی که خدا بخواهد، این اتحاد بپاید. آن گاه مردی از امت او از کرانه این رود می‌گذرد، در حالی که به نیکی و معروف فرا می‌خواند و از منکر و زشتی باز می‌دارد؛ مطابق حق داوری می‌کند و در حکم، کوتاه نمی‌آید، دنیا در نظر او بی‌ارزش‌تر از خاکستری است که در یک روز طوفانی، باذ آن را پراکنده می‌سازد و مرگ برایش گواراتر از آبی است که تشنه کمان نوشند، در خلوت، از خدا می‌ترسد و در آشکار، به خاطر او خیرخواهی می‌کند و اندرز می‌دهد و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی‌هراسد پس هر فردی از مردم این شهرها آن پیامبر را درک کند و به او ایمان آورد، پاداشش خشنودی من و بهشت باشد و هر که آن بنده صالح را ببیند، باید یاریش کند؛ زیرا کشته شدن در رکاب او، شهادت است.

قال: فَبَكَى عَلَيَّ وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي عِنْدَهُ مَنَسِيًّا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَكَرَنِي عِنْدَهُ فِي كُتُبِ الْأَبْرَارِ. فَمَضَى الرَّاهِبُ، وَكَانَ فِيمَا ذَكَرَ يَتَغَدَّى مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَيَتَعَشَّى، حَتَّى أُصِيبَ بِصَفَيْنَ، فَلَمَّا خَرَجَ النَّاسُ يَدْفِنُونَ قَتْلَهُمْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَطْلُبُوهُ، فَلَمَّا وَجَدَهُ صَلَّى عَلَيْهِ وَدَفَنَهُ وَقَالَ: هَذَا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُ مِرَارًا (۱۱۱۲).

۴/۳

### سَعْدُ الْخَيْرِ

۱۲۹۱- أَبُو حَمَزَةَ: دَخَلَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ - وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يُسَمِّيهِ سَعْدَ الْخَيْرِ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مَرْوَانَ - عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فَبَيْنَا يَنْشِجُ كَمَا تَنْشِجُ النِّسَاءُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا يُبْكِيكَ يَا سَعْدُ؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أَبْكِي وَأَنَا مِنَ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ؟! فَقَالَ لَهُ: لَسْتَ مِنْهُمْ، أَنْتَ أَمَوِيٌُّّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَحْكِي عَنْ إِبْرَاهِيمَ: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾ (۱۱۱۳)؟

۵/۳

### سَلْمَانُ

۱۲۹۲- رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - لِأَعْلَى عليه السلام -: سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ، وَهُوَ نَاصِحٌ فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ (۱۱۱۴).

۱۲۹۳- ابْنُ شَهْرٍ أَشُوبَ: كَانَ النَّاسُ يَحْفِرُونَ الْخَنْدَقَ وَيُنْشِدُونَ سِوَى سَلْمَانَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ أَطْلِقْ لِسَانَ سَلْمَانَ وَلَوْ عَلَى بَيْتَيْنِ مِنَ الشُّعْرِ، فَأَنْشَأَ

آن گاه راهب به علی علیه السلام گفت: من نیز همراه تو می‌آیم و از تو جدا نمی‌شوم تا هر آنچه برای تو پیش می‌آید، برای من نیز پیش آید. علی علیه السلام گریست و فرمود: «سپاس، خدایی را که مرا فراموش نکرد سپاس، پروردگاری را که مرا نزد خود در شمار نیکان قرار داد». راهب، همراه علی علیه السلام به راه افتاد. گفته‌اند که: وی چاشت و شام خود را با امیرالمؤمنین می‌خورد تا اینکه در صفین کشته شد. هنگامی که مردم در صدد برآمدند کشتگان خود را دفن کنند، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «او را پیدا کنید». چون جسدش را یافتند، علی علیه السلام بر وی نماز خواند و به خاکش سپرد و فرمود: «این مرد از ما خاندان است» و چندین بار برایش آمرزش طلبید.

۴/۳

### سعد الخیر

۱۲۹۱ - ابو حمزه: سعد بن عبدالملک - هموکه از فرزندان عبدالعزیز بن مروان بود و حضرت باقر علیه السلام وی را «سعد الخیر» می‌نامید. بر امام باقر علیه السلام وارد شد، در حالی که مانند زنان می‌گریست و اشک می‌ریخت. حضرت فرمود: «ای سعد! چرا گریه می‌کنی؟». عرض کرد: چگونه گریه نکنم، حال آنکه من از شجره (و تباری) هستم که در قرآن لعنت شده است؟! حضرت به او فرمود: «تو از این شجره نیستی. تو اموی یی هستی که از ما خاندان می‌باشی. مگر نشنیده‌ای این سخن خدای - جل جلاله - را که از قول ابراهیم نقل می‌کند: پس، هرکه از من پیروی کند، او از من است؟».

۵/۳

### سلمان

۱۲۹۲ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - : سلمان، از ما اهل بیت است. او آدم خیرخواهی است. پس وی را برای خودت برگزین.

۱۲۹۳ - ابن شهر آشوب: مسلمانان همگی مشغول کندن خندق بودند و هریک شعری

سَلَمَانُ:

مَالِي لِسَانٌ فَأَقُولُ شِعْرًا      أَسْأَلُ رَبِّي قُوَّةً وَنَصْرًا

عَلَى عَدُوِّي وَعَدُوِّ الطُّهْرَا      مُحَقَّدِ الْمُخْتَارِ حَازَ الْفَخْرَا

حَتَّى أَنَالَ<sup>(۱۶۱۵)</sup> فِي الْجَنَانِ قَصْرًا      مَعَ كُلِّ حَوْرَاءٍ تُحَاكِي الْبَدْرَا

فَضَجَّ الْمُسْلِمُونَ، وَجَعَلَتْ كُلُّ قَبِيلَةٍ تَقُولُ: سَلَمَانُ مِنَّا، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَلَمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ<sup>(۱۶۱۶)</sup>.

۱۲۹۲ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا سَلَمَانُ، أَنْتَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَالْآخِرَ، وَالْكِتَابَ الْأَوَّلَ وَالْكِتَابَ الْآخِرَ<sup>(۱۶۱۷)</sup>.

۱۲۹۵ - الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: فِي وَصْفِ سَلَمَانَ الْفَارِسِيِّ -: أَدْرَكَ عِلْمَ الْأَوَّلِ وَعِلْمَ الْآخِرِ، بَحْرٌ لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ، وَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ<sup>(۱۶۱۸)</sup>.

۱۲۹۶ - ابْنُ الْكَوَّاءِ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَأَخْبِرْنِي عَنْ سَلَمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: بَخِ بَخِ، سَلَمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَمَنْ لَكُمْ بِمِثْلِ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ، عَلِمَ عِلْمَ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ<sup>(۱۶۱۹)</sup>!

۱۲۹۷ - الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ع: دَخَلَ أَبُو ذَرٍّ عَلَى سَلَمَانَ وَهُوَ يَطْبَخُ قِدْرًا لَهُ، فَبَيْنَا هُمَا يَتَحَدَّثَانِ إِذْ انْكَبَّتِ الْقِدْرُ عَلَى وَجْهِهَا عَلَى الْأَرْضِ، فَلَمْ يَسْقُطْ مِنْ مَرْقِهَا وَلَا وَدَكِهَا<sup>(۱۶۲۰)</sup> شَيْءٌ، فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ أَبُو ذَرٍّ عَجَبًا شَدِيدًا، وَأَخَذَ سَلَمَانُ الْقِدْرَ فَوَضَعَهَا عَلَى حَالِهَا الْأَوَّلِ عَلَى النَّارِ ثَانِيَةً، وَأَقْبَلَا يَتَحَدَّثَانِ، فَبَيْنَا هُمَا يَتَحَدَّثَانِ إِذْ انْكَبَّتِ الْقِدْرُ عَلَى وَجْهِهَا، فَلَمْ يَسْقُطْ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ مَرْقِهَا وَلَا وَدَكِهَا.

می‌سرود، به جز سلمان. پیامبر ﷺ عرضه داشت: «بار خدایا! زبان سلمان را حتی اگر شده به دو بیت شعر، گویا کن». در این زمان، سلمان شروع به خواندن این ابیات کرد:

مرا زبانی نیست که شعری بگویم. از پروردگارم نیرو و نصرتی همی خواهم  
بر دشمنم و دشمن آن مرد پاک، محمد برگزیده که به افتخار نایل آمد  
تا اینکه در بهشت به قصری رسم، با سیه چشمانی چون ماه شب چهارده.  
مسلمانان، فریاد شادی برآوردند و هر قبیله‌ای می‌گفت: سلمان از ماست؛  
اما پیامبر ﷺ فرمود: «سلمان، از ما خاندان است».

۱۲۹۲ - پیامبر خدا ﷺ: ای سلمان! تو از ما خاندان هستی. خداوند، دانش اول و آخر و کتاب اول و کتاب آخر را به تو ارزانی داشته است.  
۱۲۹۵ - امام علی علیه السلام - در وصف سلمان فارسی -: به دانش اول و آخر رسیده است. دریایی است که ژرفایش ناپیدا است. او از ما خاندان است.

۱۲۹۶ - ابن کواء: ای امیرالمؤمنین! از سلمان فارسی برایم بگو. حضرت فرمود: «به به! سلمان، از ما خاندان است. چه کسی از شما مانند لقمان حکیم است که علم اول و آخر را دارا باشد؟».

۱۲۹۷ - امام باقر علیه السلام: ابوذر بر سلمان وارد شد. دید دیگی را بر روی آتش گذاشته و چیزی می‌پزد. با هم مشغول صحبت شدند که ناگهان دیگ بر روی زمین واژگون شد اما چیزی از خورشت و چربی آن بر زمین نریخت. ابوذر سخت تعجب کرد. سلمان دیگ را برداشت و دوباره به حالت اول برگرداند و به صحبت‌های خود ادامه دادند که بار دیگر دیگ چپه شد و این بار نیز چیزی از خورشت و چربی آن به زمین نریخت.



قَالَ: فَخَرَجَ أَبُو ذَرٍّ وَهُوَ مَذْعُورٌ مِنْ عِنْدِ سَلْمَانَ، فَبَيْنَا هُوَ مُتَفَكِّرٌ إِذْ لَقِيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا الَّذِي أَخْرَجَكَ مِنْ عِنْدِ سَلْمَانَ؟ وَمَا الَّذِي ذَعَرَكَ؟ فَقَالَ لَهُ أَبُو ذَرٍّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، رَأَيْتُ سَلْمَانَ صَنَعَ كَذَا وَكَذَا، فَعَجِبْتُ مِنْ ذَلِكَ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ سَلْمَانَ لَوْ حَدَّثَكَ بِمَا يَعْلَمُ لَقُلْتُ: رَحِمَ اللَّهُ قَاتِلَ سَلْمَانَ... وَإِنَّ سَلْمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱۶۳۱).

۱۲۹۸ - الْحَسَنُ بْنُ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: ذَكَرَ عِنْدَهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَهْ! لَا تَقُولُوا سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ، وَلَكِنْ قُولُوا سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيَّ، ذَلِكَ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱۶۳۲).



۱۲۹۹ - عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا بَنَ يَزِيدَ، أَنْتَ وَاللَّهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؟! قَالَ: إِي وَاللَّهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. قُلْتُ: مِنْ أَنْفُسِهِمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. يَا عُمَرُ، أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۱۶۳۳)؟ وَمَا تَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَافِرٌ رَحِيمٌ﴾ (۱۶۳۴) (۱۶۳۵)؟

ابوذر، وحشت زده از نزد سلمان خارج شد و در حال فکر کردن بود که به امیرالمؤمنین علیه السلام برخورد. حضرت فرمود: «ای ابوذر! چه شد که از خانه سلمان بیرون آمدی؟ و چرا هراسان هستی؟». ابوذر عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! سلمان را دیدم که چنین و چنان کرد و من از کارهای او شگفت زده شدم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای ابوذر! اگر سلمان از چیزهایی که می‌داند، برایت بگوید، خواهی گفت: خدا رحمت کند قاتل سلمان را...». براستی که سلمان، از ما اهل بیت است.

۱۲۹۸ - حسن بن صهیب: در حضور امام باقر علیه السلام از سلمان فارسی سخن به میان آمد. حضرت فرمود: «نه، نگوئید سلمان فارسی؛ بگوئید سلمان محمدی. او فردی از ما اهل بیت است».



مرکز تحقیق و پژوهش اهل بیت

۱۲۹۹ - عمر بن یزید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای پسر یزید! به خدا قسم، تو از ما خاندان هستی». عرض کردم: فدایت شوم! از خاندان محمد؟ فرمود: «آری، به خدا از خود آنان». عرض کردم: قربانت گردم! از خود آنان؟ فرمود: «آری، به خدا از خود آنان. ای عمرا! مگر کتاب خدای - تبارک و تعالی - را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «همانا نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کرده‌اند و نیز این پیامبر و کسانی که (به آیین او) ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است» و مگر نخوانده‌ای این سخن خدای بلند نام را که: «پس هر که از من پیروی کند، او از من است و هر که از من نافرمانی کند، همانا تو آمرزندهٔ مهربانی؟».

۷/۳

### عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ

۱۳۰۰- یونس: کُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فَاسْتَقْبَلَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي بَعْضِ أَرْقَتِهَا، فَقَالَ: اذْهَبْ يَا يُونُسُ، فَإِنَّ بِالْبَابِ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، قَالَ: فَجِئْتُ إِلَى الْبَابِ فَإِذَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَالِسٌ، فَقُلْتُ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: (أَنَا) رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ قُمْ. قَالَ: فَلَمْ يَكُنْ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ أَقْبَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَلَى حِمَارٍ، فَدَخَلَ عَلَى الْحِمَارِ الدَّارَ، ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْنَا فَقَالَ: ادْخُلَا. ثُمَّ قَالَ: يَا يُونُسُ، أَحْسَبُ أَنَّكَ أَنْكَرْتَ قَوْلِي لَكَ: «إِنَّ عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»؟ قَالَ: قُلْتُ: إِي وَاللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ، لِأَنَّ عِيسَى بْنَ عَبْدِ اللَّهِ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ قُمْ، فَكَيْفَ يَكُونُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَ: يَا يُونُسُ، عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَجُلٌ مِّنَّا حَيًّا، وَهُوَ مِمَّنَّا مَيِّتًا (۱۶۲۶).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۳۰۱- یونس بن یعقوب: دَخَلَ عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لِخَادِمِهِ: ادْعُهُ، فَانْصَرَفَ إِلَيْهِ فَأَوْصَاهُ بِأَشْيَاءَ، ثُمَّ قَالَ: يَا عِيسَى ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (۱۶۲۷)، وَإِنَّكَ مِمَّنْ أَهْلُ الْبَيْتِ، فَإِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ مِنْ هَاهُنَا وَمِقْدَارُهَا مِنْ هَاهُنَا مِنَ الْعَصْرِ فَصَلِّ سِتَّ رَكَعَاتٍ. قَالَ: ثُمَّ وَدَّعَهُ وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْ عِيسَى وَانْصَرَفَ (۱۶۲۸).

۸/۳

### فُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ

۱۳۰۲- الإمام الصادق عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ الْفُضَيْلَ بْنَ يَسَارٍ، هُوَ مِمَّنْ أَهْلُ الْبَيْتِ (۱۶۲۹).

۷/۳

## عیسی بن عبدالله قمی

۱۳۰۰ - یونس: من در مدینه بودم که در یکی از کوچه‌های آن، حضرت صادق علیه السلام به من برخورد و فرمود: «یونس! برو که مردی از ما خاندان، جلوی در خانه است». من به در خانه آمدم. دیدم عیسی بن عبدالله نشسته است. گفتم: تو کیستی؟ گفت: من مردی از اهل قم هستم. دیدم خیلی زود، امام صادق علیه السلام سوار بر الاغی خود را رساند و همان طور سواره داخل منزل شد و سپس رو به ما کرد و فرمود: «داخل شوید». آن گاه فرمود: «ای یونس! گمان می‌کنم تو این سخن مرا که گفتم: عیسی بن عبدالله، از ما خاندان است» باور نداری؟». عرض کردم: آری به خدا - فدایت شوم! - به خاطر اینکه عیسی بن عبدالله مردی از اهالی قم است. پس چگونه از شما خاندان می‌باشد؟ فرمود: «ای یونس! عیسی بن عبدالله، فردی از ما خاندان است، زنده باشد یا مرده».

۱۳۰۱ - یونس بن یعقوب: عیسی بن عبدالله قمی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و چون از نزد آن حضرت خارج شد. امام به خادم خود فرمود: «او را صدا بزن». عیسی نزد حضرت بازگشت و امام سفارشهایی به او کرد و آن گاه فرمود: «ای عیسی بن عبدالله! خداوند می‌فرماید: "و خانواده‌ات را به نماز خواندن فرمان ده". تو هم از ما خانواده هستی. پس هرگاه اندازه آفتاب در عصر، از اینجا به آنجا رسید، شش رکعت نماز بخوان». سپس حضرت پیشانی عیسی را بوسید و با او خدا حافظی کرد و عیسی رفت.

۸/۳

## فضیل بن یسار

۱۳۰۲ - امام صادق علیه السلام: خدا فضیل بن یسار را رحمت کند! او از ما اهل بیت بود.

۹/۳

## يونسُ بنُ يَعْقوبَ

۱۳۰۳ - يونسُ بنُ يَعْقوبَ: ذَكَرَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام - شَيْئًا أُسْتَرُّ بِهِ ، فَقَالَ لِي : لَا وَاللَّهِ مَا أَنْتَ عِنْدَنَا مُتَّهَمٌ ، إِنَّمَا أَنْتَ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ، فَجَعَلَكَ اللَّهُ مَعَ رَسُولِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ، وَاللَّهُ فَاعِلٌ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱۶۳۰) .



رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ . رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .



رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ ، الْأَنْمَةِ الْأَبْرَارِ ، لَجَعَلْتَهُمْ

شَفْعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ ، وَفِي زَمْرَةِ

الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ ، إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

۹/۳

## یونس بن یعقوب

۱۳۰۳ - یونس بن یعقوب: حضرت صادق علیه السلام - یا حضرت کاظم علیه السلام - به من مطلبی فرمود که مایه شادمانی من است. حضرت فرمود: «به خدا قسم، ما به تو اعتماد داریم. تو مردی از ما خاندان هستی. خداوند، تو را با رسول خود و اهل بیتش قرار دهد و خدا - ان شاء الله - این کار را خواهد کرد».

ر ک: ص ۸۷۲ زندگی نامه کسانی که در زمره اهل بیت شمرده شده‌اند



پروردگارا! بدانچه فرود آوردی، ایمان آورده‌یم. پس ما را از شاهدان بنویس.

پروردگارا! پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌های ما را منحرف مساز و از سوی خودت به ما رحمتی بخش که تویی بخشایشگر.

پروردگارا! از ما بپذیر که تویی شنوای دانا.

بارالها! اگر من شفیعانی به تو نزدیک‌تر از محمد و خاندان پاکش و امامان نیک می‌یافتم، آنان را شفیعان خود قرار می‌دادم. پس به آن حقی که خود بدانان بخشیده و بر خود ساخته‌ای، از تو می‌خواهم که مرا از عارفان حقیقت و حقشان و از جمله کسانی که بر اثر شفاعتشان مورد رحمت واقع شده‌اند، قرار دهی.

که تو بخشنده‌ترین بخشنده‌گانی.

محمدی ری‌شهری

۱۰ محرم الحرام ۱۴۱۹



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



## چکیده زندگی نامه راویان احادیث تبیین معنای اهل بیت

اُمّ سلمه (همسر پیامبر)

نامش هند - و به قولی رمله - دختر ابی امیه است. نام پدرش حذیفه و به قولی سهیل بن مغیره بن عبدالله است. او یکی از سخاوتمندان قریش بود که به سخاوت و کرم شهره بودند.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

پیامبر ﷺ در سال دوم یا سوم و یا چهارم هجری با او ازدواج کرد. اُمّ سلمه قبلاً همسر ابوسلمه بن عبد الاسد مخزومی بود. او و شوهرش نخستین کسانی بودند که به حبشه هجرت کردند و گفته می شود وی نخستین زنی بود که به مدینه هجرت کرد. اُمّ سلمه از پیامبر ﷺ و فاطمه ﷺ و همسرش ابوسلمه بن عبدالله حدیث روایت کرده و گروهی هم از او روایت کرده اند.

حدود نود سال عمر کرد و بعد از شهادت امام حسین ﷺ در آخر سال ۶۱ هجری از دنیا رفت. در میان همسران پیامبر ﷺ او آخرین نفری بود که دار فانی را وداع کرد.

عایشه (همسر پیامبر)

نامش عایشه دختر ابوبکر عبدالله بن ابی قحافه قرشی تمیمی است و کنیه اش اُمّ

عبدالله بود. پیامبر دو سال یا ده ماه و اندی قبل از هجرت، با او ازدواج کرد. از پیامبر ﷺ حدیث روایت کرد و عده‌ای نیز از او روایت نقل کرده‌اند. در سال ۵۸ هجری از دنیا رفت.

### ابو سعید خُدَری

نامش سعد فرزند مالک بن سنان بن ثعلبه خزرچی انصاری است. از صحابه نامدار رسول خدا ﷺ و از بزرگان و عالمان و فاضلان انصار بود. پدرش مالک در جنگ احد به شهادت رسید. ابو سعید، در جنگ خندق و بیعت رضوان حضور داشت و از پیامبر ﷺ احادیث فراوان و صحیحی نقل کرده است. به گفته فضل بن شاذان، حضرت رضا علیه السلام او را از کسانی به شمار آورد که راه و روش پیامبرشان را پیمودند و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در آن ایجاد نکردند. وی در سال ۷۴ هجری و به قولی در سال ۶۳ هجری و به قولی یک سال پس از واقعه حزه درگذشت.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی  
ابو برزّه اسلمی

نامش فضله بن عبید است. به صورت فضله بن عمرو، فضله بن عائذ، ابن عبدالله و خالد بن فضله نیز از او نام برده شده است.

وی خیلی زود مسلمان شد و در فتح مکه و خیبر و نیز در جنگ حروریه (خوارج) در کنار علی علیه السلام حضور داشت. ابو نعیم می‌گوید: او کسی است که عبدالعزی من خطل را با اجازه پیامبر ﷺ در زیر پرده‌های کعبه به قتل رساند. چندین حدیث از پیامبر ﷺ روایت کرده است و فرزندش مغیره و نوّه او منیه دختر عبید و ابوعثمان هندی و ابو منهال سیار و دیگران، از وی روایت کرده‌اند.

در سال ۶۰ هجری، پیش از مرگ معاویه و به قولی در سال ۶۴ هجری از دنیا رفت.

### ابوالحمرا

نامش هلال بن حارث و به قولی هلال بن ظفر است و گفته می‌شود که کنیه‌اش ابوالجمل بوده است.  
او آزاد شده پیامبر ﷺ بود و از آن حضرت و نیز از امیرالمؤمنین ﷺ روایت کرده است.

### ابو لیلی انصاری

#### (پدر عبدالرحمن بن ابی لیلی)

اقوال مختلفی درباره نام او نقل شده است: یسار بن نمیر، اوس بن خولی، داود بن بلال، بلال بن بلیل، یسر، ابولیلی، بلیل. بعضی هم گفته‌اند که نامش معلوم نیست.  
صحابی پیامبر ﷺ بود و در جنگ احد و دیگر غزوات، همراه پیامبر حضور داشت. او و فرزندش در کلیه جنگ‌های امیرالمؤمنین ﷺ، با آن حضرت همراهی می‌کردند. از پیامبر ﷺ روایت کرده و فرزندش عبدالرحمن از وی حدیث نقل کرده است.  
گفته می‌شود که وی در صفین کشته شد.

### انس بن مالک

نامش انس پسر مالک بن نضر بن ضمضم انصاری خزرجی نجاری و کنیه‌اش ابو حمزه بود. ده سال و به قولی هشت و یا هفت سال، خدمتگزار رسول خدا ﷺ بود و از آن حضرت روایت کرده است.  
در سال ۹۱ هجری و به قولی ۹۲ یا ۹۳ و یا ۹۰ هجری درگذشت و ۱۰۳ سال و به قولی ۱۱۰ و یا ۱۰۷ سال و به قولی نود و اندی سال عمر کرد.  
انس، آخرین صحابی رسول خدا ﷺ بود که در بصره از دنیا رفت.

### براء بن عازب

او براء بن عازب بن حارث بن عدی انصاری اوسی، مکتبی به ابوعامر و به قولی ابو عماره است.

از اصحاب پیامبر ﷺ و یاران امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ بود و در پانزده غزوه از غزوات پیامبر حضور داشت و نخستین جنگی که شرکت کرد، جنگ احد و به قولی خندق بود. در جنگهای جمل و صفین و نهروان نیز در رکاب امیرالمؤمنین علی ﷺ جنگید.

از او عدی بن ثابت و ابو اسحاق و عده‌ای دیگر روایت نقل کرده‌اند. در دوران مصعب بن زبیر، در کوفه چشم از جهان فرو بست.

### ثوبان (آزاد شده رسول خدا)

نامش ثوبان بن بجدد و به قولی ثوبان بن جحدر بود و ابو عبدالله کنیه داشت. بعضی هم کنیه او را ابوعبدالرحمن ذکر کرده‌اند.

ثوبان، در یکی از جنگ‌های اسارت در آمد و رسول خدا ﷺ او را خرید و آزاد کرد و به وی فرمود: «اگر بخواهی، می‌توانی به کسان خود ملحق شوی و اگر هم بخواهی می‌توانی بمانی و از ما خاندان باشی». ثوبان، وابستگی و وفاداری به رسول خدا ﷺ را ترجیح داد و تا زمانی که پیامبر ﷺ زنده بود، آن حضرت را در سفر و حضر همراهی کرد.

از پیامبر ﷺ حدیث روایت کرده است و شداد بن اوس و جبیر از قول او روایت کرده‌اند. وی به سال ۵۴ هجری در حمص از دنیا رفت.

### جابر بن عبدالله انصاری

جابر بن عبدالله بن عمرو بن حزام بن ثعلبه انصاری عقبی، مکتبی به ابو عبدالله و به قولی ابوعبدالرحمن، از صحابه نامدار و عظیم الشان و بلند پایه رسول خدا ﷺ بود و در عقیده و عمل، از هر گونه انحراف و کجروی به دور بود و به اهل بیت ﷺ

خالصانه عشق می‌ورزید.

در جنگهای بدر و احد و خندق و دیگر غزوات، رسول خدا ﷺ را همراهی کرد. او نخستین فرد انصاری بود که پیش از عقبه نخست، اسلام آورد. او را در زمره اصحاب رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی ﷺ و امام حسن و امام حسین و حضرت سجاد و باقر ﷺ به شمار آورده‌اند. ابن عباس، از او روایت کرده است. وی به سال ۷۸ هجری در نود و چند سالگی از دنیا رفت.

### زید بن ارقم

زید بن ارقم بن زید بن قیس بن نعمان انصاری خزرچی، مکتبی به ابو عمر است. کنیه او را به صورتهای: ابو عامر، ابو سعد، ابو سعید و ابو انیسه نیز ذکر کرده‌اند. زید، در جنگ موته و جز آن شرکت داشت و همو بود که نفاق منافقان بنی خزرج را بر ملا ساخت. شیخ طوسی او را در شمار کسانی که از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند و نیز در شمار اصحاب امیرالمؤمنین و حسن و حسین ﷺ نام برده است. زید، در سال ۶۸ هجری و به قولی در سال ۶۶ هجری، دیده از جهان فرو بست.

### زینب، دختر ابوسلمه مخزومی

نامش زینب دختر ابو سلمه بن عبدالاسد بن هلال است. نادختری رسول خدا ﷺ بود و مادرش ام سلمه، دختر ابوامیه بن مغیره، همسر آن حضرت. پدر و مادر او به سرزمین حبشه هجرت کردند و زینب در آنجا متولد شد و نامش را بزه گذاشتند؛ اما هنگامی که به مدینه برگشتند، رسول خدا ﷺ نام «زینب» را بر او نهاد. می‌گویند: روزی پیامبر ﷺ مشغول غسل کردن بود که زینب وارد شد. حضرت، مقداری آب به صورت او پاشید، از این رو، تا زمانی که پیر و فرتوت شد، شادابی جوانی، همچنان در چهره زینب وجود داشت. گفته شده که وی از فقیه‌ترین زنان

روزگار خود بود. از مادر خود روایت کرده و عروۀ بن زبیر که زینب، خواهر شیریں او بود و نیز پسر زینب - یعنی: ابوعبیده بن عبدالله بن زمعه - و محمد بن عطا و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

زینب در زمان فرمانروایی طارق بر مدینه، در این شهر درگذشت و جنازه او را بعد از نماز صبح، در بقیع به خاک سپردند.

### سعد بن ابی وقاص

سعد بن ابی وقاص، مالک بن اُهیَب بن عبدمناف، مکنی به ابواسحاق و ملقب به زهری است.

وی در بدر و حدیبیه حضور داشت و یکی از شش عضو شورا بود. از کسانی است که نه جانب علی علیه السلام را گرفت و نه طرف معاویه را و در هیچ یک از جنگهای امیرالمؤمنین علیه السلام، با آن حضرت همراهی نکرد. روایت شده است که علی علیه السلام به والی مدینه نوشت: «به سعد و ابن عمر چیزی از غنیمت مده». این سخن حضرت، حاکی از نکوهش و مذمت سعد است.

شیخ طوسی، او را از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار آورده است. فرزندان عامر و مصعب و ابراهیم و عمر و محمد و عایشه و نیز بسر بن سعید و سعید بن مسیب و عده‌ای دیگر، از او روایت نقل کرده‌اند.

وی به سال ۵۵ هجری و به قولی به سال ۵۸ و یا ۵۷ هجری، در هفتاد و چهار سالگی از دنیا رفت.

### صُبَیح (وابسته ام سلمه)

در کتاب «الاصابة» آمده است: طبرانی، در کتاب «اللاوسط» از طریق ابراهیم بن عبدالرحمن بن صبیح، وابسته ام سلمه، از جدش صُبَیح روایت کرده است که گفت: من جلوی در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که علی و فاطمه و حسن و حسین آمدند و



نشستند. پیامبر ﷺ آمد و کسای خیبری خود را بر روی آنان انداخت [تا آخر حدیث]. طبرانی گوید: از صبیح، جز با این سند روایت نمی‌شود، در حالی که این حدیث را سدی نیز از صبیح از زیدبن ارقم روایت کرده است.

می‌گوییم: این صبیح را که شیخ و استاد سدی بوده، با عبارات وابسته زیدبن ارقم و تابعی وصف کرده‌اند، بنابراین، اگر روایت ابراهیم درست باشد، باید گفت که این صبیح، غیر از آن صبیح است؛ اما سخن ابوحامد حاکی است که هر دو یک نفرند.

### عبدالله بن جعفر

او ابو جعفر هاشمی، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بن هاشم است. زادگاهش حبشه و محل سکونتش مدینه بود.

پدرش جعفر بن ابی طالب، ذوالجناحین و مادرش اسماء بنت عمیس بود. نخستین مسلمان زاده‌ای بود که در خاک حبشه دیده به جهان گشود.

شخصیتی موثق، بزرگوار، کریم النفس، بخشنده و بردبار بود و به او دریای بخشنندگی می‌گفتند. داستانهای او در باب کرم و بخشنندگی شهره است.

در جنگ صفین، عموی خود، امیرالمؤمنین ﷺ را همراهی کرد و در عاشورای حسینی، گرچه خود از شرکت در جنگ معذور بود، اما فرزنداناش عون و محمد و عبدالله را فدای حسین ﷺ کرد.

برخوردهای او با معاویه مشهور است.

شیخ طوسی، همچون دیگر عالمان رجال، او را در شمار اصحاب رسول خدا ﷺ و اصحاب علی ﷺ ذکر کرده و گفته: «کم روایت است». همچنین او را در زمره اصحاب امام حسن ﷺ به شمار آورده است و شکی نیست که از اصحاب امام حسین ﷺ نیز بوده است.

عبدالله از عموی خود، علی ﷺ و از مادرش اسما روایت کرده است و فرزنداناش



اسماعیل و اسحاق و معاویه و نیز حضرت باقر علیه السلام و عبدالله بن محمد بن عقیل و عده‌ای دیگر از قول او روایت کرده‌اند.

در سال ۸۰ هجری و به قولی در سال ۸۴ و یا ۸۵، در زمان حضرت سجاد از دنیا رفت و ۹۰ سال، یا به قولی ۹۱ و یا ۹۲ سال عمر کرد. او آخرین فرد از بنی هاشم بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده بودند.

### عبدالله بن عباس

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف، مکتبی به ابوالعباس قرشی هاشمی، پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش در شعب ابی طالب به سر می‌بردند، عبدالله به دنیا آمد. او را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند و آن حضرت با آب دهان خود، کام او را برداشت.

عبدالله را به دلیل دانش گسترده‌ای که داشت، «دریا» و «حبر الأمة» (دانشمند امت) می‌گفتند. علی بن ابی طالب علیه السلام او را به امارت بصره گماشت و همچنان عهده‌دار این منصب بود؛ ولی پیش از به شهادت رسیدن علی بن ابی طالب علیه السلام ایشان را رها کرد و به حجاز برگشت. او در جنگ صفین، یکی از سرداران علی علیه السلام بود.

او از پیامبر صلی الله علیه و آله و از علی علیه السلام و ابوذر و معاذ بن جبل و عمر روایت کرده است و عبدالله بن عمر، انس بن مالک، ابوطیفیل، ابو امامه بن سهل بن حنیف، برادرش کثیر بن عباس، فرزندش علی بن عبدالله بن عباس و عده‌ای دیگر از او روایت کرده‌اند. وی در سال ۸۰ هجری درگذشت. سال وفات او را در سالهای ۷۰، ۷۳ و ۶۵، ۶۷ و ۶۸ نیز ذکر کرده‌اند. در هنگام وفات، ۷۰ سال و به قولی ۷۲ یا ۷۴ سال عمر داشت. محل درگذشت او را به اتفاق آرا طائف دانسته‌اند.

### عمر بن ابی سلمه

نامش عمر بن ابی سلمه بن عبدالاسد قرشی مخزومی است. ناپسری رسول خدا صلی الله علیه و آله

بود؛ چون پیامبر ﷺ با مادر او ام سلمه ازدواج کرد. کنیه اش ابو حفص است. در سال دوم هجری در حبشه به دنیا آمد. بنا به قولی وی در زمانی که پیامبر ﷺ از دنیا رفت، نه سال داشت. در جنگ جمل، علی ﷺ را همراهی کرد و حضرت او را به امارت بحرین و فارس گماشت. او احادیثی را از پیامبر ﷺ روایت کرده است. عمر به سال هشتاد و سه هجری، در روزگار فرمانروایی عبدالملک بن مروان، در مدینه از دنیا رفت.

### عمر بن خطاب

عمر بن خطاب بن نفیل بن عبدالعزی قرشی عدوی، مکنی به ابو حفص، سیزده سال بعد از عام الفیل متولد شد.

ابن اثیر می گوید: هنگامی که خداوند، محمد ﷺ را به نبوت مبعوث کرد، عمر با آن حضرت و مسلمانان به شدت مخالفت می کرد؛ اما بعداً مسلمان شد. در این باره که او چندمین نفری بود که اسلام آورد، اختلاف نظر است. محمد بن سعد گفته است که وی در سال ششم به اسلام گروید. *کتب و تواتر علوم اسلامی*

هنگامی که رسول خدا ﷺ تصمیم گرفت او را در روز حدیبیه به سوی مکیان بفرستد، عمر گفت: «ای رسول خدا! قریش می دانند که من چقدر با آنان دشمن هستم. لذا اگر به من دست پیدا کنند، مرا می کشند». و پیامبر ﷺ از فرستادن او صرف نظر کرد.

ابوبکر، او را به عنوان خلیفه پس از خود تعیین کرد. عمر در سال بیست و سوم هجری به قتل رسید. وی ده سال و شش ماه و پنج شب خلافت کرد و در شصت و سه سالگی از دنیا رفت.

### وائله بن اسقع

نامش وائله بن اسقع بن کعب بن عامر بن لیث است و به قولی وائله بن اسقع بن

عبیدالله و به قولی دیگر، ابن عبدالعزّی بن عبد یالیل بن ناشب. کنیه او نیز به اختلاف ذکر شده است: ابو الاسقع، ابو قرصافه، ابو محمّد، ابوالخطّاب، ابوشداد لیشی.

وائله زمانی به اسلام درآمد که پیامبر ﷺ برای جنگ تبوک آماده می‌شد و او در این جنگ، پیامبر ﷺ را همراهی کرد. وائله از اهل صفّه بود.

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، در بصره ساکن شد و سپس به شام رفت و محل سکونت خود را به روستای «بلاط» واقع در سه فرسنگی دمشق منتقل کرد. او در فتح دمشق شرکت کرد و در جنگهای دمشق و حمص حضور داشت. سپس به فلسطین رفت و در بیت المقدس مقیم شد و در همان جا و به قولی در دمشق از دنیا رفت.

ابومسهر می‌گوید: وی در سال ۸۵ هجری، در نود و هشت سالگی درگذشت؛ اما به گفته سعید بن خالد، وی به سال ۸۳ هجری، در سن یکصد و پنج سالگی در حالی که بینایی خود را از دست داده بود، وفات یافت.

## چکیده زندگی نامه

### کسانی که در زمره اهل بیت به شمار آمده‌اند

#### ابوذر غفاری

درباره نام ابوذر، اختلاف زیادی وجود دارد؛ اما بیشتر به نام جندب بن جناده از او یاد شده است که به نظر می‌رسد از سایر نامها درست‌تر باشد. نامهای دیگری که برای ابوذر گفته شده است، عبارت‌اند از: بریر بن عبدالله، بریر بن جناده، بریر بن عشرقه، جندب بن عبدالله و جندب بن سکن، لیکن آنچه بدان شهرت یافته، همان جندب بن جناده بن قیس غفاری است.

ابوذر از بزرگان و فضیلتی صحابه بود. خیلی زود به اسلام گروید؛ یعنی: زمانی که پیامبر ﷺ هنوز در مکه بود و اسلام، روزهای آغازین خود را سپری می‌کرد. او چهارمین و به قولی پنجمین نفری بود که اسلام آورد و نخستین کسی بود که به رسول خدا ﷺ سلام و تحیت اسلامی گفت. ابوذر پس از آنکه مسلمان شد، به میان قوم و قبیله خود برگشت و تا زمان هجرت پیامبر ﷺ در سرزمین مردم خود باقی ماند و بعد از جنگ بدر و احد و خندق به مدینه نزد رسول خدا ﷺ آمد و تا زمان رحلت پیامبر ﷺ همراه آن حضرت بود. ابوذر، سه سال قبل از مبعوث شدن پیامبر ﷺ به پرستش خدای یگانه روی آورده بود. او با پیامبر ﷺ بر سر این نکته

بیعت کرد و قول داد که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش گری نهراسد و همواره حقیقت را بگوید، اگر چه تلخ باشد.

درباره ابوذر، فضایل بسیاری نقل و روایت شده است. از جمله عبدالله بن عمرو از پیامبر ﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «آسمان نیلگون بر کسی سایه نیفکنده و زمین تیره کسی را بر روی خود حمل نکرده است که راستگوتر از ابوذر باشد». همچنین پیامبر ﷺ فرمود: «ابوذر در روی زمین به پارسایی عیسی بن مریم زندگی می‌کند». علی ﷺ نیز فرمود: «ابوذر، دانشی را فراگرفت که مردم از فراگرفتن آن ناتوان‌اند». شیخ طوسی، او را در زمره اصحاب رسول خدا ﷺ و اصحاب امیرالمؤمنین ﷺ بر شمرده است.

انتقادات شدید ابوذر از عملکردهای عثمان سبب شد که عثمان، او را به شام تبعید کند. او در شام نیز به انتقاد از خلافتکاری‌های معاویه پرداخت. لذا معاویه از وی به خلیفه شکایت کرد و عثمان، او را از شام فرا خواند و به ربه تبعیدش کرد که تا آخر عمر در آنجا باقی ماند و در سال سی و یک یا سی و دو هجری دارفانی را وداع کرد.

### ابوعبیده حذا

نام او به صورتهای: زیاد بن عیسی، زیاد بن رجا و زیاد بن ابی رجا و زیاد بن احزم (یا احرم) ذکر شده است. نام ابو رجا نیز مندر است.

ابوعبیده راوی ثقه و صحیح است. از اصحاب امام باقر و صادق ﷺ بود و خواهرش حماده بن بنت رجا و به قولی بنت الحسن از امام صادق ﷺ حدیث روایت کرده است. ابو عبیده در نزد خاندان محمد ﷺ از منزلت والایی برخوردار بود. وی در سفر امام باقر ﷺ به مکه عدیل آن حضرت در کجاوه بود. او کتابی دارد که علی بن رثاب آن را روایت می‌کند.

از جمله سخنانی که در شأن و منزلت او روایت شده، این است که حضرت صادق ﷺ

پس از خاک سپاری ابوعبیده بر سر قبر او رفت و گفت: «بار خدایا! بر ابو عبیده آسان گیر! بار خدایا! قبر او را نورانی گردان! بار خدایا! او را به پیامبرش ملحق کن!». حدّا در لغت به معنای کفّاش است. وی از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت کرده است و فضیل بن عثمان، جمیل بن صالح، ابو ایوب ابراهیم بن عثمان، علی بن زید، هشام بن حکم، حماد بن عیسی، هشام بن سالم و شماری دیگر از قول او روایت کرده‌اند. ابوعبیده در زمان حیات امام صادق علیه السلام دیده از جهان فرو بست.

### سعد الخیر

نامش سعد بن عبدالملک است. شماری از اخبار حاکی از آن است که وی نزد امام باقر علیه السلام مقام و منزلت بالایی داشته است. مثلاً مفید به سند خود از ابوحمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: سعد - که از فرزندان عبدالعزیز بن مروان بود و حضرت باقر علیه السلام او را "سعد الخیر" می‌نامید - بر امام باقر علیه السلام وارد شد و مانند زنان گریه و ناله می‌کرد. امام علیه السلام به او فرمود: «چرا گریه می‌کنی، سعد؟». عرض کرد: چرا گریه نکنم در حالی که من از شجره‌ای هستم که در قرآن لعنت شده‌اند! حضرت فرمود: «تو از آنها نیستی؛ تو از ما خاندان هستی...».

امام باقر علیه السلام دو نامه مفصل به او نوشته که در یکی از آنها این تعبیرات به کار رفته است: «رحمت خدا بر تو! بدان که... ای برادر من! خدای تعالی...». طلب رحمت برای او نشانگر بزرگی مقام و شدت دینداری و پرهیزگاری بسیار سعد است و خطاب «ای برادر من!» نشان می‌دهد که وی در نظر امام باقر علیه السلام قدر و منزلتی عظیم داشته است.

### سلمان فارسی

پیش از آنکه مسلمان شود، نامش روزبه پورخشنودان یا ماهویه و یا بهبود پور بدخشان بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله نام سلمان بر او نهاد و با لقب سلمان الخیر و سلمان محمدی از او یاد می‌شد. کنیه‌اش ابوعبدالله، ابوالبتینات و ابوالمرشد بود.

سلمان اصلاً اهل شیراز یا رامهرمز یا اهواز یا شوشتر و یا از روستای ناجی اصفهان بود. او وصی عیسی علیه السلام بود و شاید راز اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام شخصاً او را غسل داده است، همین باشد؛ چرا که وصی را کسی جز پیامبر یا وصی پیامبر، حق ندارد غسل دهد. روایت شده که وی مجوسی نبوده، بلکه به ظاهر، اظهار مجوسیت می کرده، اما باطناً به خدای یگانه ایمان داشته و آن را پنهان نگه می داشته است.

بلند پایگی و جلالت قدر و بزرگواری و والامقامی و دانش فراوان سلمان و پرهیزگاری و پارسایی و خردمندی او پرآوازه تر از آن است که نیاز به شرح و توضیح داشته باشد. همه مسلمانان بر بلندپایگی او همدستانند. روایات فراوانی درباره مقام و فضیلت او رسیده است. از جمله اینکه نقل شده است که در حضور امام باقر علیه السلام از سلمان فارسی سخن به میان آمد. حضرت فرمود: «نه، نگویید سلمان فارسی؛ بگویید سلمان محقّدی. او مردی است از ما اهل بیت». نیز روایت شده است که آن حضرت فرمود: «سلمان از متوسّمین بود». از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «سلمان، اسم اعظم را می دانست».

در نخستین غزوه‌ای که شرکت کرد، جنگ خندق بود. از آن پس، در بقیه غزوات و نیز در فتوحات عراق حضور داشت و استانداری مداین را عهده دار شد.

سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، روایت کرده و ابو وقاص و سلیم بن قیس هلالی از قول وی روایت کرده‌اند.

سلمان در سال ۳۶ یا ۳۷ هجری از دنیا رفت.

### عمر بن یزید

در کتابهای رجال، از وی با نامهای: ابو موسی عمر بن یزید بن ذبیان صیقل، ابو الاسود بیتاع سابری، عمر بن محمد بن یزید و عمر بن یزید (ملقب به) بیتاع سابری یاد شده که مراد از همه اینها یک شخص است.

عمر، راوی ثقه بود و کتابی در مناسک و واجبات و مستحبات حج دارد که همه



آن را از امام صادق علیه السلام شنیده است.

وی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت می‌کند و ابوسعید قماط و صفوان بن یحیی و محمد بن عباس و محمد بن عذافر و عده‌ای دیگر از قول او روایت کرده‌اند.

### عیسی بن عبدالله

نجاشی می‌نویسد: او عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری است. شیخ طوسی می‌نویسد: او عیسی بن عبدالله قمی است. مراد از هر دو عنوان یکی است و مقصود، همان عیسی بن عبدالله بن مالک اشعری قمی می‌باشد که جد احمد بن محمد بن عیسی است.

کشی از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: من در مدینه بودم که جعفر بن محمد (حضرت صادق علیه السلام) در یکی از کوچه‌های آن به من برخورد و فرمود: «یونس! زود برو که مردی از ما خاندان بر در خانه منتظر است». یونس گفت: من رفتم. دیدم عیسی بن عبدالله قمی جلوی در ایستاده است [بقیه روایت در نص کتاب گذشت]. این روایت، نشانگر ارجمندی و بلندپایگی عیسی بن عبدالله است. وی کتابی به نام مسائل دارد که در آن از امام رضا علیه السلام نقل کرده است.

عیسی از امام صادق و کاظم علیهما السلام روایت کرده و فرزندش محمد بن عیسی و محمد بن حسن بن ابی خالد و ابان از او روایت کرده‌اند.

### فضیل بن یسار

فضیل بن یسار نه‌دی مکنی به ابوالقاسم یا به قولی ابو مسدر.

راوی ثقه و جلیل‌القدر است. کشی، او را در زمره کسانی شمرده است که علمای امامیه به اتفاق آراء، آنان را تصدیق کرده‌اند.

شیخ مفید در «رساله عددیه» خود می‌نویسد: او از جمله فقهای برجسته و

سرامدی است که حلال و حرام و فتوا و احکام از آنان گرفته می‌شود و به هیچ یک از آنان نمی‌توان عیب و ایرادی گرفت.

در فضیلت او روایاتی وارد شده است، از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «خدا رحمت کند فضیل بن یسار را! او از ما اهل بیت بود».

وی از امام باقر و صادق علیهما السلام و از علی بن حسن و زکریا نقاض و عبدالواحد بن مختار انصاری روایت کرده است و ابن بکیر، ابن رئاب، أبان بن عثمان، جمیل بن دراج و دیگران نیز از او روایت کرده‌اند.

فضیل، در زمان حیات امام صادق علیه السلام از دنیا رفت.

### یونس بن یعقوب

یونس بن یعقوب بن قیس، ابو علی جلاب بجلی دهنی کوفی، مادرش منیه، دختر عمار و خواهر معاویه بن عمار بود.

راوی ثقه و جلیل‌القدر است. شیخ مفید در «رساله عددیه» خود، او را از شمار فقهای برجسته و سرامدی دانسته که حلال و حرام و فتوا و احکام از آنان گرفته می‌شود و به هیچ یک از آنان نمی‌توان کمترین عیب و ایرادی گرفت.

نجاشی می‌گوید: او از یاران خاص امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود و نمایندگی حضرت کاظم علیه السلام را به عهده داشت.

از امام صادق و کاظم علیهما السلام و از ابوبصیر و ابوعبیده و عبدالله علی بن اعین و دیگران روایت کرده است و ابن ابی عمیر، ابن ابی نصر، ابن محبوب، ابن فضال، احمد بن ابی عبدالله و عده‌ای دیگر از او روایت کرده‌اند.

یونس، در ایام حیات امام رضا علیه السلام در مدینه از دنیا رفت و حضرت، هزینه کفن و دفن او را به عهده گرفت.

## منابع چکیده زندگی نامه ها

۱ - الاستیعاب في معرفة الأصحاب

۲ - أسد الغابة

۳ - الإصابة في معرفة الصحابة

۴ - تاريخ الإسلام للذهبي

۵ - تاريخ دمشق

۶ - التاريخ الكبير

۷ - تنقيح المقال

۸ - تهذيب التهذيب

۹ - تهذيب الكمال

۱۰ - جامع الرواة

۱۱ - رجال الطوسي

۱۲ - رجال الكشي

۱۳ - رجال النجاشي

۱۴ - سير أعلام النبلاء

۱۵ - الطبقات الكبرى

۱۶ - فضائل الصحابة

۱۷ - قاموس الرجال



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## پی نوشتها

- (۱) المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۵۸/ ۴۷۰۵، وراجع السنن الکبری: ۲/ ۲۱۴/ ۲۸۶۱.
- (۲) کذا فی النسخة المطبوعة، والظاهر أنه تصحیف، والصحیح «لعلی خبر» كما يظهر من سائر الروایات.
- (۳) المستدرک علی الصحیحین: ۲/ ۴۵۱/ ۳۵۵۸.
- (۴) تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ۷۰/ ۱۲۷، وراجع تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۷۳/ ۱۰۶، تاریخ بغداد: ۹/ ۱۲۶، المعجم الكبير: ۳/ ۵۲/ ۲۶۶۲.
- (۵) تفسیر الطبری: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۷.
- (۶) تفسیر الطبری: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۷.
- (۷) البرمة: القدر مطلقاً، وهي في الأصل المتخذة من الحجر المعروف بالحجاز واليمن. (النهاية: ۱/ ۱۲۱)
- (۸) کذا فی النسخة المطبوعة، والظاهر أن الأصح «تحملها».
- (۹) تفسیر الطبری: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۷، وراجع: ۱۹۲/ ۲۰۸ من کتابنا هذا.
- (۱۰) تفسیر الطبری: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۸.
- (۱۱) مسند ابن حنبل: ۱۰/ ۱۹۷/ ۲۶۶۵۹، سنن الترمذی: ۵/ ۶۹۹/ ۳۸۷۱ وفيه «أنا معهم يا رسول الله؟». مسند أبي يعلى: ۶/ ۲۹۰
- ۶۹۸۵/ تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۶۲/ ۸۸، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ۶۵/ ۱۱۸ وفي الثلاثة الأخيرة «حاشيتي» بدل «خاصتي».
- (۱۲) مسند أبي يعلى: ۶/ ۲۶۴/ ۶۹۱۵، مجمع الزوائد: ۹/ ۲۶۲/ ۱۴۹۷۱.
- (۱۳) مسند ابن حنبل: ۱۰/ ۲۲۸/ ۲۶۸۰۸، المعجم الكبير: ۳/ ۵۲/ ۲۶۶۴، وذكره أيضاً في: ۲۳/ ۳۳۶/ ۷۷۹، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ۶۴/ ۹۳، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ۶۵/ ۱۱۶، وذكر أيضاً في: ۶۷/ ۱۲۰ نحوه، مسند أبي يعلى: ۶/ ۲۴۸/ ۶۸۷۶.
- (۱۴) الخزيرة: مرقه، وهي أن تصفئ بِلالة التخاله ثم تطبخ. (لسان العرب: ۴/ ۲۳۷)
- (۱۵) تفسیر الطبری: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۶.
- (۱۶) أمالي الطوسي: ۲۶۳/ ۴۸۲، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۶۷/ ۹۷ عن عبد الله بن معين مولى أم سلمة. وهو موافق لما في بعض نسخ الأمالي.
- (۱۷) الدكان: الدكة المبنية للجلوس عليها (لسان العرب: ۱۲/ ۱۵۷)

(١٨) مسند ابن حنبل: ١٠ / ١٧٧ / ٢٦٥٧٠ وراجع فضائل الصحابة: ٢ / ٥٨٧ / ٩٩٤. تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ٦٨ / ١٢٣. المناقب لابن المغازلي: ٣٠٤ / ٣٤٨. مناقب الإمام أمير المؤمنين للكوفي: ٢ / ١٦١ / ٦٣٨ وكلاهما عن أبي ليلى الكندي عن أم سلمة.

(١٩) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ٦٩ / ١٠٢، وذكره أيضاً في: ٦٨ / ١٠١ إلى قوله «الحسين»، الدر المنثور: ٦ / ٦٠٤ نقلاً عن ابن مردويه عن أم سلمة إلى قوله «إنك من أزواج النبي»، الخصال: ٤٠٣ / ١١٣، أمالي الصدوق: ٣٨١ / ٤، روضة الواعظين: ١٧٥، تفسير فرات الكوفي: ٣٣٤ / ٤٥٤ عن أبي سعيد عن أم سلمة.

(٢٠) أمالي الطوسي: ٣٦٨ / ٧٨٣ عن علي بن علي بن رزين.

(٢١) مرط مرخل: إزار خز فيه علم، وسقي مَرَحَلًا لما عليه من تصاوير رخل وما ضاهاه. (السان العرب: ١١ / ٢٧٨)

(٢٢) صحيح مسلم: ٤ / ١٨٨٣ / ٢٤٢٤، المستدرک علی الصحیحین: ٣ / ١٥٩ / ٤٧٠٧ نحوه، تفسير الطبري: ١٢ / الجزء ٢٢ / ٦ وفيه «فجاء الحسن فأدخله معه ثم قال: إنما...» ولم يذكر بقية أصحاب الكساء من أهل البيت عليه السلام، السنن الكبرى: ٢ / ٢١٢ / ٢٨٥٨، المصنف لابن أبي شيبة: ٧ / ٥٠١ / ٣٩، مسند إسحاق بن راهويه: ٣ / ٦٧٨ / ١٢٧١ وفيه «دعا رسول الله» بدل «جاء». تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ٦٣ / ١١٣ نحوه.

(٢٣) أمالي الصدوق: ٣٨٢ / ٥.

(٢٤) في تاريخ دمشق «عمير بن جميع» وهو تصحيف، وأثبتنا الصواب الموافق لما في باقي المصادر، والذي ضبطه ابن حجر في تهذيب التهذيب: ٢ / ٩٦ / ١٧٧ بقوله «جميع بن عمير التيمي الكوفي» روى عن عائشة، وروى عنه العمّام بن حوشب.

(٢٥) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢ / ١٦٤ / ٦٤٢، وراجع شواهد التنزيل: ٢ / ٦١ / ٦٨٢ - ٦٨٤، العدة: ٤٠ / ٢٣، مجمع البيان: ٨ / ٥٥٩، وأيضاً: ص ١٩٤ / ٢١١ من كتابنا هذا.

(٢٦) تفسير الطبري: ١٢ / الجزء ٢٢ / ٦، الدر المنثور: ٦ / ٦٠٤، العدة: ٣٩ / ٢١.

(٢٧) تاريخ بغداد: ١٠ / ٢٧٨، شواهد التنزيل: ٢ / ٣٨ / ٦٥٧ إلى قوله «وطهرهم تطهيراً» وح: ٦٥٨، وذكر أيضاً في: ٢ / ١٣٩ / ٧٧٤ نحوه، تنبيه الخواطر: ١ / ٢٣.

(٢٨) أمالي الطوسي: ٢٤٨ / ٤٣٨، المعجم الكبير: ٣ / ٥٦ / ٢٩٧٢، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ٧٥ / ١٠٨ نحوه، وذكره أيضاً في: ١٠٩، أسباب نزول القرآن: ٣٦٨ / ٦٩٦.

(٢٩) مجمع الزوائد: ٩ / ٢٦٧ / ١٤٩٨٦.

(٣٠) تفسير الطبري: ١٢ / الجزء ٢٢ / ٦، وراجع الفصل الرابع: تسليم النبي على أهل البيت وتخصيصهم بالأمر بالصلاة: ٨٤ / ٧١ و ٧٢.

(٣١) أمالي الطوسي: ٣٥١ / ٧٢٦، المناقب للخوارزمي: ٦٢ / ٣١.

(٣٢) سنن الترمذي: ٥ / ٣٥٢ / ٣٢٠٦، مسند ابن حنبل: ٤ / ٥١٦ / ١٣٧٣٠، فضائل الصحابة لابن حنبل: ٢ / ٧٦١ / ١٣٤٠ و ١٣٤١، نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ٣ / ١٧٢ / ٤٧٤٨، المعجم الكبير: ٣ / ٥٦ / ٢٦٧١، المصنف لابن أبي شيبة: ٧ / ٥٢٧ / ٤، تفسير الطبري: ١٢ / الجزء ٢٢ / ٦ وفيه «كلما خرج إلى الصلاة» بدل «إذا خرج إلى صلاة الفجر».

(٣٣) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢ / ٤٣٧ / ٩٤٤، شواهد التنزيل: ٢ / ٢٦ / ٦٤٥ وذكره أيضاً في: ٦٤٦.

(٣٤) القلب: السوار. (السان العرب: ١ / ٦٨٨)

(٣٥) سنن أبي داود: ٤ / ٨٧ / ٤٢١٣، مسند ابن حنبل: ٨ / ٢٢٠ / ٢٢٤٢٦ نحوه، السنن الكبرى: ١ / ٤١ / ٩١، وراجع إحقاق الحق: ١٠ / ٢٣٤ / ٢٩١.

(٣٦) المُسَكَّة: واحدة المسك، وهي الأساور والخلاخيل من القرون أو العاج ونحوها. (اللسان الوسيط: ٢ / ٨٦٩).

(٣٧) المناقب لابن شهر آشوب: ٣ / ٣٤٣.

(٣٨) شواهد التنزيل: ٢ / ٢٨ / ٦٤٧، وراجع: ٢٩ / ٦٤٨، مجمع البيان: ٨ / ٥٦٠.

(٣٩) كفاية الأثر: ٦٦.

- (۴۰) صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۷۴/ ۳۷.
- (۴۱) المعجم الكبير: ۲۴/ ۲۸۱/ ۷۱۳ والآية ۷۳ من سورة هود.
- (۴۲) آل عمران: ۶۱.
- (۴۳) صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۷۱/ ۳۲، سنن الترمذی: ۵/ ۲۲۵/ ۲۹۹۹، مسند ابن حنبل: ۱/ ۳۹۱/ ۱۶۰۸، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۶۳/ ۴۷۱۹، السنن الکبری: ۷/ ۱۰۱/ ۱۳۳۹۲، الدر المنثور: ۲/ ۲۳۳، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۱/ ۲۰۷/ ۲۷۱، أمالي الطوسي: ۳۰۷/ ۶۱۶.
- (۴۴) المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۵۹/ ۴۷۰۸، السنن الکبری: ۷/ ۱۰۱/ ۱۳۳۹۱، تفسیر الطبري: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۸ نحوه، الدر المنثور: ۶/ ۶۰۵.
- (۴۵) کذا فی المصدر، والأنسب: «منها».
- (۴۶) أمالي الطوسي: ۵۹۸/ ۱۲۴۳.
- (۴۷) سنن الترمذی: ۵/ ۶۳۸/ ۳۷۲۴، وراجع خصائص الإمام أمير المؤمنين للنسائي: ۹/ ۴۴ و ۵۵/ ۱۱۹، شواهد التنزيل: ۲/ ۳۲/ ۳۶، تفسیر العیاشي: ۱/ ۱۷۷/ ۵۹.
- (۴۸) المعجم الأوسط: ۳/ ۱۷۹/ ۲۸۵۴، أسد الغابة: ۳/ ۷/ ۲۴۸۱.
- (۴۹) المستدرک علی الصحیحین: ۲/ ۱۶۰/ ۴۷۰۹، شواهد التنزيل: ۲/ ۵۵/ ۶۷۵، وفيه «زينب» بدل «صفية» وفي هامشه «كذا في النسخة اليمنية وفي النسخة الكرماتية: فقالت زينب صفية خ».
- (۵۰) شواهد التنزيل: ۲/ ۵۳/ ۶۷۳، وذكر أيضًا في: ۶۷۴ نحوه، فرائد السطین: ۲/ ۱۸/ ۳۶۲ نحوه.
- العمدة: ۴۰/ ۲۴ نحوه، وراجع إحقاق الحق: ۹/ ۵۲.
- (۵۱) المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۴۳/ ۴۶۵۲، مسند ابن حنبل: ۱/ ۷۰۸/ ۳۰۶۲، خصائص الإمام أمير المؤمنين للنسائي: ۷۰/ ۲۳، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۱/ ۱۸۵/ ۲۵۰.
- (۵۲) تاریخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۱/ ۱۸۴/ ۲۴۹، شواهد التنزيل: ۲/ ۵۰/ ۶۷۰، وراجع إحقاق الحق: ۱۵/ ۶۲۸-۶۳۱.
- (۵۳) الفقيه: ۴/ ۱۷۹/ ۵۴۰۴، وذكره أيضًا في: ۵۹۲/ ۴۳۰.
- (۵۴) أمالي الصدوق: ۳۹۳/ ۱۸، بشارة المصطفى: ۱۷۷.
- (۵۵) المعجم الكبير: ۲۴/ ۱۳۴/ ۳۶۲، و ۲۲/ ۴۱۲/ ۱۰۲۲، المصنف لعبد الرزاق: ۵/ ۴۸۹/ ۹۷۸۲ وفيهما «ثم التزمها» بصيغة المفرد إلى آخر الحديث.
- (۵۶) سنن الترمذی: ۵/ ۶۶۳/ ۳۷۸۷، وراجع: ۵/ ۳۵۱/ ۳۲۰۵، أسد الغابة: ۲/ ۱۷، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۷۱/ ۱۰۴، تفسیر الطبري: ۱۲/ الجزء ۲۲/ ۸، إحقاق الحق: ۳/ ۵۲۸/ ۵۱۰.
- (۵۷) كفاية الأثر: ۹۱، تفسیر البرهان: ۱/ ۹ نقلًا عن ابن بابويه في كتاب النصوص علی الأئمة عليهم السلام.
- (۵۸) المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۵۹/ ۴۷۰۶، وفي: ۴۵۱/ ۳۵۵۹.
- (۵۹) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲/ ۵۷۷/ ۹۷۸، وراجع مسند ابن حنبل: ۶/ ۴۵/ ۱۶۹۸۵، المصنف لابن أبي شيبة: ۷/ ۵۰۱/ ۴۰، العمدة: ۴۰/ ۲۵.
- (۶۰) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲/ ۶۷۲/ ۱۱۴۹، وراجع أسد الغابة: ۲/ ۳۷، العمدة: ۳۴/ ۱۴.
- (۶۱) مسند أبي يعلى: ۶/ ۴۷۹/ ۷۴۴۸، وراجع نثر الدر: ۱/ ۲۳۶، السنن الکبری: ۲/ ۲۱۷/ ۲۸۷۰.
- (۶۲) المناقب للخوارزمي: ۶۳/ ۳۲، كنز العمال: ۱۳/ ۶۰۳/ ۳۷۵۴۴ نقلًا عن الديلمي عن وائلة، وذكر أيضًا في: ۱۲/ ۱۰۱/ ۳۴۱۸۶ نحوه.
- (۶۳) كفاية الأثر: ۱۷۱.
- (۶۴) کمال الدین: ۲۴۴ عن محمد بن عماره عن أبيه، معاني الأخبار: ۹۱/ ۵ عن محمد بن عماره.



- (۶۵) کمال الدين: ۶۴ / ۲۴۰، معاني الأخبار: ۴ / ۹۰، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱ / ۵۷ / ۲۵ کلها عن غياث بن ابراهيم.
- (۶۶) الخصال: ۱ / ۵۸۰ عن مكحول.
- (۶۷) شواهد التنزيل: ۲ / ۵۲ / ۶۷۲ عن عيسى بن عبد الله عن أبيه عن جده.
- (۶۸) كفاية الأثر: ۱۵۶ عن عيسى بن موسى الهاشمي عن أبيه.
- (۶۹) المناقب لابن المغازلي: ۳۰۲ / ۳۴۶، أمالي الطوسي: ۵۵۹ / ۱۱۷۳، وراجع مجمع البيان: ۸ / ۵۶۰ کلها عن زاذان.
- (۷۰) المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۸۸ / ۴۸۰۲ عن عمر بن علي عن الإمام زين العابدين عليه السلام، مقاتل الطالبيين: ۶۲ عن زيد بن علي بن الحسين بن زيد بن الحسن: الإرشاد: ۲ / ۷ عن أبي إسحاق السبيعي وغيره، بشارة المصطفى: ۲۴۰ وليس في الثلاثة الأخيرة «وأننا من أهل البيت الذي كان جبريل ينزل إلينا ويصعد من عندنا»، أمالي الطوسي: ۲۶۹ / ۵۰۱ كلاهما عن أبي الطفيل، مسائل علي بن جعفر: ۳۲۸ / ۸۱۸ عن عمر بن الإمام علي عليه السلام، إعلام الوری: ۲۰۸ كلاهما نحوه.
- (۷۱) أمالي الطوسي: ۵۶۴ / ۱۱۷۴ عن عبد الرحمن بن كثير، وراجع ينابيع المودة: ۲ / ۳۶۸.
- (۷۲) المعجم الكبير: ۳ / ۹۳ / ۲۷۶۱، المناقب لابن المغازلي: ۳۸۲ / ۴۳۱، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ۱۸۰ / ۳۰۴ و ۳۰۵ کلها عن أبي جميلة، وأيضاً: ۱۸۲ / ۳۰۶ و ۳۰۷ عن هلال بن يساف.
- (۷۳) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۱۶ / ۲۸.
- (۷۴) مقتل الحسين للخوارزمي: ۱ / ۱۸۵، الفتوح: ۵ / ۱۷.
- (۷۵) تفسير الطبري: ۱۲ / الجزء ۲۲ / ۸.
- (۷۶) الثوري: ۲۳.
- (۷۷) الإسرائ: ۲۶.
- (۷۸) أمالي الصدوق: ۱۴۱ / ۳، وراجع الاحتجاج: ۲ / ۱۲۰ / ۱۷۲، الملهوف: ۱۷۶، مقتل الحسين للخوارزمي: ۲ / ۶۱.
- (۷۹) الأحزاب: ۳۴.
- (۸۰) الأحزاب: ۳۳.
- (۸۱) الأحزاب: ۳۲.
- (۸۲) تفسير القرطبي: ۲ / ۱۹۳.
- (۸۳) الكافي: ۱ / ۲۸۷ / ۱ عن أبي بصير.
- (۸۴) أمالي الصدوق: ۲۰۰ / ۱۰، روضة الواعظين: ۲۹۴.
- (۸۵) الأنفال: ۷۵.
- (۸۶) علل الشرائع: ۲ / ۲۰۵، الإمامة والبصرة: ۱۷۷ / ۲۹.
- (۸۷) أمالي الصدوق: ۴۲۲ / ۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱ / ۲۲۹ / ۱.
- (۸۸) أسد الغابة: ۶ / ۷۴ / ۵۸۲۷، وذكر أيضاً في: ص ۶۶ وفيه «أفست بالمدينة شهراً فكان رسول الله يأتي منزل فاطمة وعلي عليهما السلام كل غداة فيقول...».
- (۸۹) شواهد التنزيل: ۲ / ۷۴ / ۶۹۴.
- (۹۰) أمالي المفيد: ۴ / ۳۱۸، أمالي الطوسي: ۸۹ / ۱۳۸، بشارة المصطفى: ۲۶۴ کلها عن الحارث.
- (۹۱) أي بعد نزول آية التطهير وقضية الكساء، وراجع ص ۷۴ / ۶۰ من كتابنا هذا.
- (۹۲) أمالي الطوسي: ۵۶۵ / ۱۱۷۴ عن عبد الرحمن بن كثير، ينابيع المودة: ۳ / ۳۸۶ وفيه «لما نزلت ﴿وأمر أهلك بالصلاة واصطبر عليها﴾ يأتيها جدي كل يوم...».
- (۹۳) أمالي الصدوق: ۱۲۴ / ۱۴ عن إسماعيل بن أبي زياد السكوني.
- (۹۴) طه: ۱۳۲.

- (۹۵) تفسیر القمّی: ۶۷/۲.
- (۹۶) صحیح مسلم: ۱۴۵۳/۳، مسند ابن حنبل: ۷/۴۱۰/۲۰۸۶۹، مسند أبي یعلی: ۶/۴۷۳/۷۴۲۹، الخصال: ۴۷۳/۳۰/۲۰.
- وفیهما «و» بدل «أو».
- (۹۷) صحیح البخاری: ۶/۲۶۴۰/۶۷۹۶.
- (۹۸) صحیح مسلم: ۱۴۵۲/۲، الخصال: ۴۷۳/۲۷.
- (۹۹) سنن الترمذی: ۴/۵۰۱/۲۲۲۳، مسند ابن حنبل: ۷/۴۳۰/۲۰۹۹۵.
- (۱۰۰) صحیح مسلم: ۱۴۵۳/۳، وأيضاً في: ح ۸ وفيه «هذا الأمر» بدل «الإسلام»، وح ۹ وفيه «هذا الدين عزيزاً منيفاً...» و«صفتها الناس» بدل «لم أفهمها»، مسند ابن حنبل: ۷/۴۱۲/۲۰۸۸۲، سنن أبي داود: ۴/۱۰۶/۴۲۸۰، تاريخ بغداد: ۲/۱۲۶/۲ وفيهما «فكبر الناس وضجوا ثم قال...».
- (۱۰۱) المستدرک علی الصحیحین: ۳/۷۱۶/۶۵۸۹، المعجم الكبير: ۲۲/۱۲۰/۳۰۸، وراجع التاريخ الكبير: ۸/۴۱۱/۳۵۲۰، أمالي الصدوق: ۲۵۵/۸.
- (۱۰۲) تاريخ واسط: ۹۸، الخصال: ۴۷۰/۱۶ نحوه.
- (۱۰۳) ينابيع المودة: ۳/۲۹۰/۴، إحقاق الحق: ۱۳/۳۰ كلاهما عن مودة القرين.
- (۱۰۴) مسند ابن حنبل: ۲/۵۵/۳۷۸۱، المستدرک علی الصحیحین: ۴/۵۴۶/۸۵۲۹، المعجم الكبير: ۱۰/۱۵۸/۱۰۳۱۰، مسند أبي یعلی: ۵/۲۱/۵۰۰۹، وراجع الخصال: ۴۶۷/۱۱-۶، أمالي الصدوق: ۲۵۴/۷-۴.
- (۱۰۵) الكافي: ۱/۵۳۴/۱۸ عن أبي سعيد رفعه.
- (۱۰۶) ينابيع المودة: ۳/۲۵۴/۵۹.
- (۱۰۷) کمال الدين: ۲۶۹/۱۲ عن أبي حمزة الثمالی.
- (۱۰۸) الكافي: ۱/۵۳۱/۷، وذكره أيضاً في: ۵۳۳/۱۴ كلاهما عن زرارة.
- (۱۰۹) الفقيه: ۴/۱۸۰/۵۴۰۸، الكافي: ۱/۵۳۲/۹ وفيه «ثلاثة» بدل «أربعة»، والظاهر أنه تصحيف من النسخ (انظر مرآة العقول: ۶/۲۲۷/۹)، کمال الدين: ۲۶۹/۱۳، وذكره أيضاً في: ۳۱۱/۲/۳۴۶، فرائد السمطين: ۲/۱۳۹/۲ کلّهما عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۱۱۰) النساء: ۵۹.
- (۱۱۱) کمال الدين: ۲/۲۵۳، المناقب لابن شهر آشوب: ۱/۲۸۲، تأويل الآيات الظاهرة: ۱۴۱، كفاية الأثر: ۵۳.
- (۱۱۲) البقرة: ۲ و ۳.
- (۱۱۳) المجادلة: ۲۲.
- (۱۱۴) ينابيع المودة: ۳/۲۸۳/۲.
- (۱۱۵) فرائد السمطين: ۲/۱۳۳/۴۳۱.
- (۱۱۶) الكافي: ۴/۴۶۶/۱۰.
- (۱۱۷) أمالي الصدوق: ۳۸۳/۹ عن أبي قدامة القُدائی، بشارة المصطفى: ۱۷۶.
- (۱۱۸) ينابيع المودة: ۱/۷۸/۱۶، فرائد السمطين: ۲/۲۵۷ كلاهما عن المقداد بن الأسود، وراجع إحقاق الحق: ۱۸/۴۹۶/۹، ۴۹۴.
- (۱۱۹) البحار: ۵۳/۱۴۲/۱۶۲ عن كتاب المحضر، وذكره أيضاً في: ۲۵/۶/۹.
- (۱۲۰) غرر الحكم: ۳۲۹۷.
- (۱۲۱) علل الشرائع: ۹/۱ عن سلمة بن عطاء، وراجع كنز القوائد: ۱/۳۲۸، إحقاق الحق: ۱۱/۵۹۴ نقلاً عن درّ بحر المناقب.
- (۱۲۲) الكافي: ۱/۱۸۱/۴ عن جابر.
- (۱۲۳) الكافي: ۱/۱۸۰/۳.

(۱۲۴) فاطر: ۳۲.

(۱۲۵) الكافي: ۱/ ۲۶۴/ ۱.

(۱۲۶) أمالي الطوسي: ۶۹۴/ ۱۴۷۸.

(۱۲۷) الكافي: ۱/ ۱۸۷/ ۱۱ عن أبي سلمة.

(۱۲۸) البقرة: ۲۶۹.

(۱۲۹) الكافي: ۱/ ۱۸۵/ ۱۱ عن أبي بصير.

(۱۳۰) الكافي: ۱/ ۳۳۷/ ۵ عن زرارة.

(۱۳۱) الكافي: ۴/ ۵۷۸/ ۲، كامل الزيارات: ۳۱۵ كلاهما عن علي بن حسان.

(۱۳۲) المستدرک علی الصحيحين: ۲/ ۱۶۳/ ۱۷۲۰، وراجع ينابيع المودة: ۱/ ۹۴/ ۵، شرح الأخبار: ۲/ ۵۰۱/ ۸۸۷، أمالي الطوسي:

۸۸/ ۶ و ۴۵۹/ ۱۰۲۶ و ۷۳۳/ ۱۵۳۲، كمال الدين: ۲۳۹/ ۵۹، الاحتجاج: ۱/ ۳۶۱/ ۵۸، كتاب سليم بن قيس: ۲/ ۹۳۷،

بشارة المصطفى: ۸۸، رجال الكشي: ۱/ ۱۱۵/ ۵۲، المناقب لابن شهر آشوب: ۱/ ۲۹۵، دعائم الإسلام: ۱/ ۲۸.

(۱۳۳) تاريخ بغداد: ۱۲/ ۹۱ عن أنس بن مالك، فرائد السمطين: ۲/ ۲۴۲/ ۵۱۶ عن أبي سعيد الخدري، المعتمد: ۳۵۹/ ۶۹۳ عن أبي

ذر، كنز العمال: ۱۲/ ۹۵/ ۳۴۱۵۱.

(۱۳۴) المناقب لابن المغازلي: ۱۳۲/ ۱۷۳ عن ابن عباس، عوالي اللآلي: ۱/ ۸۵/ ۵۹ وفيه «هوى» بدل «هلك».

(۱۳۵) السمطين: ۱/ ۳۷ عن أبي هريرة، إحقاق الحق: ۹/ ۲۰۳ نقلاً عن أرجح المطالب.

(۱۳۶) عين أخبار الرضا: ۲/ ۲۷/ ۱۰، صحيفة الإمام الرضا: ۵۷/ ۷۶.

(۱۳۷) بشارة المصطفى: ۳۰ عن بصير بن زيد بن أرقط.

(۱۳۸) كتاب سليم بن قيس: ۲/ ۸۳۰.

(۱۳۹) غرر الحكم: ۷۸۹۳ و ۷۸۹۴.

(۱۴۰) ينابيع المودة: ۱/ ۷۶/ ۱۲، وذكره أيضاً في: ۳/ ۳۵۹.

(۱۴۱) جمال الأسبوع: ۲۵۱.

(۱۴۲) هي فِعْلَةٌ من حَطَّ الشيءَ يَحْطُّهُ إذا أنزله وألقاه، ومنه الحديث في ذكر حطّة بني إسرائيل، وهو قوله تعالى: ﴿وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرَ لَكُمْ

حَطَّايَاكُمْ﴾ البقرة: ۵۸، أي. قولوا: حُطُّ عَنَّا ذُنُوبَنَا، وارتفعت على معنى: مَسَأَلْنَا حِطَّةً، أو أَمْرُنَا حِطَّةً (النهاية: ۱/ ۴۰۲).

أقول: قوله ﷺ: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ» إشارة إلى قوله تعالى خطاباً لبني إسرائيل: ﴿ادْخُلُوا

الْبَابَ سَجْدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرَ لَكُمْ حَطَّايَاكُمْ﴾ البقرة: ۵۸.

توضيح ذلك أن «باب حطّة» من أبواب بيت المقدس كما عن أبي حنّان الأندلسي، أو باب بلدة «أريحا» أو أوّل البلد كما

احتملها في تفسير الميزان. وتشبيه أهل البيت في الأئمة الإسلامية بباب حطّة في بني إسرائيل وتعريفهم بأنهم أبواب مغفرة الله، دليل

على أن التمسك بهم له دور أساسي في إزالة الأذناس الفردية والاجتماعية في المجتمع الإسلامي.

(۱۴۳) المعجم الأوسط: ۸۵/ ۵۸۷۰، المعجم الصغير: ۲/ ۲۲ كلاهما عن أبي سعيد، الصواعق المحرقة: ۱۵۲، الفيبة للنعمان: ۴۴ وفيه

«غفرت ذنوبه، واستحقّ الرحمة والزيادة من خالقه».

(۱۴۴) أمالي الصدوق: ۶۹/ ۶، تنبيه الخواطر: ۲/ ۱۵۶ كلاهما عن ابن عباس.

(۱۴۵) المناقب لابن شهر آشوب: ۱/ ۲۹۵، كفاية الأثر: ۳۸ كلاهما عن أبي ذر.

(۱۴۶) هود: ۱۷.

(۱۴۷) كنز العمال: ۲/ ۴۳۴/ ۴۴۲۹ عن أبي سهل القطان في أماليه وابن مردويه: أمالي المفيد: ۱۴۵/ ۵، شرح الأخبار: ۲/ ۴۸۰/ ۸۴۳،

تفسير فرائد الكوفي: ۱۹۰/ ۲۴۳.

(۱۴۸) كفاية الأثر: ۳۳.

- (۱۴۹) الخصال: ۶۲۶/۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تفسير فرات الكوفي: ۳۶۷/۴۹۹، غرر الحكم: ۱۰۰۲ وفيه «من دخله سليم ونجا، ومن تخلف عنه هلك».
- (۱۵۰) ينابيع المودة: ۱/۳۳۲، ۴، وراجع تفسير العياشي: ۱/۱۰۲-۳۰۰ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الغيبة: ۴۴، المسترشد: ۴۰۶.
- (۱۵۱) تفسير العياشي: ۱/۴۵/۴۷ عن سليمان الجعفري عن الإمام الرضا عليه السلام، مجمع البيان: ۱/۲۴۷.
- (۱۵۲) آل عمران: ۹۷.
- (۱۵۳) خصائص الأئمة عليهم السلام: ۷۷ عن عيسى بن المنصور عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۵۴) المستدرک علی الصحیحین: ۳/۱۶۲/۴۷۱۵ عن ابن عباس.
- (۱۵۵) أمالي الصدوق: ۲۲۲/۱۸، کمال الدین: ۲۴۱/۶۵، بشارة المصطفی: ۳۲، جامع الأخبار: ۵۲/۵۹، مائة متبقة: ۶۵، فرائد السعدين: ۲/۲۴۳/۵۱۷ کلها عن ابن عباس.
- (۱۵۶) الغيبة للنعمانی: ۸۴/۱۲ عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام، کتاب سليم بن قيس: ۲/۶۸۶/۱۴ عن الإمام علي عليه السلام، الفضائل لشاذان بن جبرئيل: ۱۱۴ عن سليم بن قيس عن أبي ذر والمقداد وسلمان عن الإمام علي عليه السلام، مشارق أنوار اليقين: ۱۹۲ عن سليم بن قيس.
- (۱۵۷) نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۰.
- (۱۵۸) جامع الأحاديث للقمي: ۲۴۹ عن حصين بن مخارق.
- (۱۵۹) أمالي الطوسي: ۴۸۲/۱۰۵۳، كشف الغمة: ۲/۳۵ کلها عن أبي ذر، وراجع شرح الأخبار: ۲/۲۶۹/۵۷۴، كفاية الأثر: ۱۱۱ عن واثلة بن الأسقع.
- (۱۶۰) مسند ابن حنبل: ۶/۲۲/۱۶۸۷۶، المعجم الكبير: ۱۹/۳۸۸/۹۱، الملاحم والفتن: ۱۵۳ کلها عن معاوية، مسند أبي داود الطيالسي: ۲۵۹ عن ابن عمر، تفسير العياشي: ۲/۳-۱۱۹ عن عتار الساباطي عن الإمام الصادق عليه السلام، الاختصاص: ۲۶۸ عن عمر بن يزيد عن الإمام الكاظم عليه السلام.
- (۱۶۱) الكافي: ۱/۳۹۷/۱ عن سالم بن أبي حفصة عن الإمام الباقر عليه السلام، وأيضاً: ۸/۱۴۶/۱۲۳ عن بشير الكناسي عن الإمام الصادق عليه السلام، المعجم الأوسط: ۶/۷۰/۵۸۲۰، مسند أبي يعلى: ۱۳/۳۶۶/۷۳۷۵ کلها عن معاوية، المعجم الكبير: ۱۰/۲۸۹/۱۶۸۷ عن ابن عباس.
- (۱۶۲) الكافي: ۲/۲۰/۶، ثواب الأعمال: ۲۴۴/۱، المحاسن: ۱/۲۵۲/۴۷۵ کلها عن عيسى بن السري عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۱۶۳) صحيح مسلم: ۳/۱۴۷۸/۱۸۵۱، السنن الكبرى: ۸/۲۷۰/۱۶۶۱۲ کلها عن عبدالله بن عمر، المعجم الكبير: ۱۹/۳۳۴/۷۶۹ عن معاوية.
- (۱۶۴) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/۵۸/۲۱۴ عن أبي محمد الحسن بن عبدالله الرازي التميمي عن الإمام الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام، كنز القوائد: ۱/۳۲۷.
- (۱۶۵) کمال الدین: ۴۱۳/۱۵.
- (۱۶۶) النساء: ۵۹.
- (۱۶۷) الكافي: ۲/۲۱/۹، وراجع تفسير العياشي: ۱/۲۵۲/۱۷۵ عن يحيى بن السري.
- (۱۶۸) الكافي: ۱/۳۷۵/۲ عن محمد بن مسلم.
- (۱۶۹) المحاسن: ۱/۲۵۱/۴۷۴ عن بشير الدقان.
- (۱۷۰) أعلام الدين: ۴۵۹ عن أبي بصير.
- (۱۷۱) المناقب لابن شهر آشوب: ۴/۲۹۵ عن أبي خالد.
- (۱۷۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/۱۲۲/۱ عن شاذان بن جبرئيل، وراجع الكافي: ۱/۳۷۶ باب من مات وليس له إمام من أئمة الهدى و

- ٣٧١/٥ و ٣٧٨/٢ و ٣٩٧/١، و: ١٤٦/٨، ١٢٣/١، المحاسن: ١/٢٥١ باب ٢٢ من لا يعرف إمامه، البحار: ٢٣/٧٦ باب ٤ وجوب معرفة الإمام، وراجع القسم الخامس / مذهب أهل البيت (عليه السلام) / الفصل الأول ص ٣٤٦/٥٣٥.
- (١٧٣) السنّة لابن أبي عاصم: ٣٣٤/٧٤٨ عن سفيان بن الليث عن الحسن عن الإمام علي (عليه السلام)، كنز العمال: ١٢/١٠٠/٣٤١٧٨ أخرجه الديلمي عن الإمام علي (عليه السلام).
- (١٧٤) المستدرک علی الصحيحین: ٣/١٤٧/٤٦٦٢، تاريخ بغداد: ٢/٨١، المناقب لابن المغازلي: ١٦/٢٢، المناقب للخوارزمي: ٥٢/١٥ كلها عن سلمان.
- (١٧٥) بَكَاتِ النَّافَةُ وَالشَّاةُ تَبْكَأُ بَنَاءً... وَهِيَ بَكِيٌّ وَبَكِيَّةٌ: قُلْ لِبَنَاهَا، وَقِيلَ: انْقَطَعَ. (لسان العرب: ١/٣٤)
- (١٧٦) مسند ابن حنبل: ١/٢١٧/٧٩٢، أسد الغابة: ٧/٢٢٠ كلاهما عن عبد الرحمن الأزرق، المعجم الكبير: ٣/٤١/٢٦٢٢، مسند أبي داود الطيالسي: ٢٦/١٩٠، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن (عليه السلام)»: ١١٠/١٨٢ و ص ١١٨/١٩١ كلها عن أبي فاختة، وراجع السنّة لابن أبي عاصم: ٥٨٤/١٣٢٢، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن (عليه السلام)»: ١١٨/١٩٢، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين (عليه السلام)»: ١١١-١١٥، كتاب سليم بن قيس: ٢/٧٣٢/٢١.
- (١٧٧) المستدرک علی الصحيحین: ٣/١٦٤/٤٧٢٣، بشارة المصطفى: ٤٦ كلاهما عن عاصم بن ضمرة، ذخائر العقبى: ١٢٣.
- (١٧٨) كنز العمال: ١٢/١٠٠/٣٤١٧٧ نقلًا عن الطبراني في معجمه، مجمع الزوائد: ٩/٢٧٦/١٥٠٢٢، شرح الأخبار: ٣/٤/٩١٤ كلها عن أبي موسى الأشعري، وراجع المناقب للخوارزمي: ٣٠٣/٢٩٨، بشارة المصطفى: ٤٨، كنز العمال: ١٢/٩٨/٣٤١٦٧.
- (١٧٩) مسند ابن حنبل: ٤/١٦٥/١١٧٨٣ عن أبي سعيد الخدري، وج: ٣/٨٦/٧٦٠١، و ص ٢٩٢/٨٧٧٨ كلاهما عن أبي هريرة نحوه، وج: ٢/٥٧١/٦٥٧٩ عن عبد الله بن عمرو بن العاصي نحوه، وراجع صحيح البخاري: ١/٢٢٢/٥٨٩، صحيح مسلم: ١/٢٨٩/٣٨٤، سنن أبي داود: ١/١٤٤/٥٢٣ و ص ١٤٦/٥٢٩، سنن الترمذي: ٥/٥٨٦/٣٦١٢ و ص ٣٦١٤، سنن النسائي: ٢/٢٥/٦٧١ و ص ٢٧/٦٧٣، سنن ابن ماجه: ١/٢٣٩/٧٢٢.
- (١٨٠) كنز العمال: ١٢/١٠٣/٣٤١٩٥ وج: ١٣/٦٣٩/٣٧٦١٦ كلاهما عن ابن مردويه عن الإمام علي (عليه السلام)، تفسير ابن كثير: ٢/٦٨؛ بشارة المصطفى: ٢٧٠ نحوه كلاهما عن الحارث عن الإمام علي (عليه السلام)، وراجع معاني الأخبار: ١/١١٦، تفسير القمي: ٢/٣٢٤، علل الشرايع: ١٦٤/٦، بصائر الدرجات: ١١٦/١١، روضة الواعظين: ١٢٧.
- (١٨١) عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ٢/٦٨/٣١٤ عن الحسن بن عبد الله التميمي عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علي (عليه السلام).
- (١٨٢) المستدرک علی الصحيحین: ٣/١٧٤/٤٧٥٥ عن عبد الرحمن بن عوف.
- (١٨٣) مسند ابن حنبل: ٩/٩١/٢٣٣٨٩، سنن الترمذي: ٥/٣٢٦/٢٨٧٠، وراجع خصائص النسائي: ٢٣٩/١٣٠، مجمع الزوائد: ٩/٢٢٤/١٥١٩٢، حلية الأولياء: ٤/١٩٠، أسد الغابة: ٧/٣٠٤/٧٤١٠، المصنّف لابن أبي شيبة: ٧/١٦٤، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي (عليه السلام)»: ٥١/٧٢ و ٧٣، ذخائر العقبى: ١٢١؛ أمالي المفيد: ٢٣/٤، بشارة المصطفى: ٢٧٧، كمال الدين: ٢٦٣/١٠، شرح الأخبار: ٣/٦٥/٩٩٠ و ص ٧٥/٩٩٥.
- (١٨٤) الأحزاب: ٣٣.
- (١٨٥) الفردوس: ١/٥٤/١٤٤ عن الإمام علي (عليه السلام).
- (١٨٦) الواقعة: ٢٧ و ٤١ و ٨ و ١٠.
- (١٨٧) الحجرات: ١٣.
- (١٨٨) دلائل النبوة للبيهقي: ١/١٧٠، البداية والنهاية: ٢/٢٥٧، الدر المنثور: ٦/٦٠٥، أخرجه الحكيم الترمذي وابن مردويه؛ مناقب الإمام أمير المؤمنين (عليه السلام) للكوفي: ١/١٢٧/٧٠ و ص ٤٠٦/٣٢٤، مجمع البيان: ٩/٢٠٧، إعلام الوری: ١٦ كلها عن ابن عباس، وراجع المعجم الكبير: ١٢/٨١/١٢٦٠٤ و ٣/٥٧/٢٦٧٤، أمالي النجيري: ١/١٥١؛ أمالي الصدوق: ٥٠٣/١، تفسير القمي: ٢/٣٤٧.
- (١٨٩) كمال الدين: ٢٨٠/٢٨، عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ١/٦٤/٣٠، المناقب لابن شهر آشوب: ١/٢٩٥، كفاية الأثر: ١٩، الصراط

- المستقیم: ۱۱۰/۲، ینایع المودّة: ۹/۲۹۱/۳، فرائد السمطين: ۲/۱۳۳/۴۳۰ کلّها عن ابن عباس.
- (۱۹۰) جامع الأخبار: ۸۰/۶۲.
- (۱۹۱) الدرّ الثّور: ۶۰۶/۶ عن الضّحاک بن مزاحم.
- (۱۹۲) أمالي الصدوق: ۲۶/۴۶۷، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/۵۷/۲۱۱ کلاهما عن محمّد بن علی التّیميّ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهما السلام.
- (۱۹۳) الخصال: ۱۳۹/۱۵۸، علل الشرايع: ۱۲۳ کلاهما عن سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس: ۲/۸۸۴/۵۴.
- (۱۹۴) تأویل الآيات الظاهرة: ۴۵۰ عن محمّد بن عمار عن الإمام الصادق عن أبيه علیه السلام.
- (۱۹۵) أمالي الطوسي: ۱۱۷۴/۵۶۲ عن عبدالرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه علیه السلام.
- (۱۹۶) الکافي: ۱۶/۱۸۲/۲ عن زرارة.
- (۱۹۷) الخصال: ۹/۶۰۸ عن الأعمش.
- (۱۹۸) الکافي: ۵/۴۰۰/۲ عن بكر بن محمّد.
- (۱۹۹) معاني الأخبار: ۱/۱۳۸ عن عبدالغفار الجارّی.
- (۲۰۰) البقرة: ۱۲۴.
- (۲۰۱) الانبياء: ۷۲ و ۷۳.
- (۲۰۲) الکافي: ۱/۱۹۹/۱، کمال الدين: ۳۱/۶۷۶، أمالي الصدوق: ۱/۵۳۷، معاني الأخبار: ۲/۹۷، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱/۲۱۷ کلّها عن عبدالعزيز بن مسلم.
- (۲۰۳) التهذيب: ۶/۹۷/۱۷۷، الفقيه: ۲/۶۱۱/۳۲۱۳، فرائد السمطين: ۲/۱۸۰ کلّها عن موسى بن عبدالله النخعي، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۷۳/۱ عن موسى بن عمران النخعي، ولعلّ «عمران» تصحيف «عبدالله» أو يكون نسبة إلى أحد أجداده، كما في هامش الفقيه.
- (۲۰۴) صحيح مسلم: ۴/۱۸۷۳/۲۴۰۸، سنن الدارمي: ۲/۸۸۹/۳۱۹۸ نحوه، مستد ابن حنبل: ۷/۷۵/۱۹۲۸۵، السنن الكبرى: ۱۰/۱۹۴/۲۰۳۳۵، تهذيب تاريخ دمشق: ۵/۴۳۹ نحوه، فرائد السمطين: ۲/۲۳۴/۵۱۳.
- (۲۰۵) سنن الترمذي: ۵/۶۶۳/۳۷۸۸ عن زيد بن أرقم.
- (۲۰۶) في المصدر «فقمن» والصحيح ما أثبتناه كما في خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، والدّوّحة: الشجرة العظيمة المتسعة (لسان العرب: ۲/۴۳۶).
- (۲۰۷) المستدرک علی الصحيحين: ۳/۱۱۸/۴۵۷۶، خصائص الإمام أمير المؤمنين للنسائي: ۱۵۰/۷۹ نحوه، وراجع کمال الدين: ۲۳۴/۲۵۰، القدير: ۱/۳۰ و ۳۴/۳۰۲.
- (۲۰۸) سنن الترمذي: ۵/۶۶۲/۳۷۸۶.
- (۲۰۹) تاريخ بغداد: ۸/۴۴۲ عن حذيفة بن أسيد.
- أقول: کذا في تاريخ بغداد من دون ذکر الثقل الأصغر، وقد رواه كاملاً غير واحد من الحفاظ والمؤرخين عن الراوي نفسه، وراجع مجمع الزوائد: ۹/۲۵۹/۱۴۹۶۶ و: ۱۰/۶۵۸/۱۸۴۶۰، المعجم الكبير: ۳/۶۷/۲۶۸۳، وص: ۱۸۰/۳۰۵۲ وغيرها، وراجع أيضاً القدير: ۱/۲۵/۳۱ حيث ذکر جملة من مصادر أهل السنة.
- (۲۱۰) المعجم الكبير: ۳/۱۸۰/۳۰۵۲.
- (۲۱۱) الخصال: ۶۵/۹۸.
- (۲۱۲) مجمع الزوائد: ۹/۲۵۶/۱۴۹۵۸ عن أبي هريرة، وراجع کمال الدين: ۴۷/۲۳۵ عن أبي هريرة وفيه «كتاب الله وسنتي».
- (۲۱۳) مستد ابن حنبل: ۴/۵۴/۱۱۲۱ عن أبي سعيد الخدري.
- (۲۱۴) أمالي المفيد: ۳/۱۳۵.

(۲۱۵) الاحتجاج: ۱/ ۱۷۱/ ۳۶.

(۲۱۶) مستند زيد: ۴۰۴.

(۲۱۷) بصائر الدرجات: ۶/ ۴۱۴.

(۲۱۸) في المصدر «ابن أبي» والظاهر أن الصواب ما أئتمناه.

(۲۱۹) بشارة المصطفى: ۲۹.

(۲۲۰) كتاب سليم بن قيس: ۲/ ۷۶۳.

(۲۲۱) أمالي الطوسي: ۱۸۸/ ۱۲۱، وذكره أيضًا في: ۱۶۶۹/ ۶۹۱، أمالي المفيد: ۴/ ۳۴۹، بشارة المصطفى: ۱۰۶، وذكر أيضًا في: ۲۵۹.

نحوه. ينابيع العوذة: ۱/ ۷۴/ ۱۰، الاحتجاج: ۲/ ۹۴، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۶۷ كلاهما عن موسى بن عقبة عن الإمام الحسين عليه السلام.

(۲۲۲) هو عمرو بن ذر القاصي. نزل مع ابن قيس الماصر والصلت بن بهرام إلى أبي جعفر عليه السلام حتى يسألوه عن مسائل كثيرة، فلما دخلوا عليه لم يتكلموا بشيء، وطال ذلك، فلما رأى ذلك أبو جعفر عليه السلام قال: يا ابن ذر... إلى آخر الحديث.

(۲۲۳) رجال الكشي: ۲/ ۴۸۴/ ۳۹۴.

(۲۲۴) الضحى: ۱۱.

(۲۲۵) معاني الأخبار: ۵۸/ ۹، بشارة المصطفى: ۱۲ كلاهما عن جابر الجعفي.

(۲۲۶) الكافي: ۱/ ۱۹۱/ ۵، كمال الدين: ۲۴۰/ ۶۳، بصائر الدرجات: ۸۲/ ۶، كلاهما عن سليم بن قيس الهلالي.

(۲۲۷) الجبان والعبانة: الصحراء، (الصالح: ۵/ ۲۰۹).

(۲۲۸) أي ما عدوه وعزا وخشنا.

(۲۲۹) نهج البلاغة: الحكمة: ۱۴۷، الخصال: ۱۸۶/ ۲۵۷، كمال الدين: ۲/ ۲۹۱، تاريخ اليعقوبي: ۲/ ۲۰۶، خصائص الأنتمة عليه السلام: ۱۰۶.

حلية الأولياء: ۱/ ۷۹، كنز العمال: ۱۰/ ۲۶۲/ ۲۹۳۹۱، أمالي الشجري: ۱/ ۶۶، مناقب الإمام أمير المؤمنين للكوفي: ۲/ ۹۵/ ۵۸۱ نحوه.

مركز تحقيق تكملة علوم اسلامی

(۲۳۰) الصحيفة السجادية: الدعاء ۴۷ ص ۱۹۰.

(۲۳۱) الكافي: ۱/ ۱۹۳/ ۱ عن الجعفي.

(۲۳۲) الفقيه: ۲/ ۶۰۸/ ۳۲۱۲، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۲۷۱/ ۱، كامل الزيارات: ۳۱۵، الكافي: ۴/ ۵۷۹/ ۲ وفيه «علي بن

حسن» عن الإمام الرضا عليه السلام: سئل أبي عن إتيان قبر الحسين عليه السلام فقال: صلوا...».

(۲۳۳) التهذيب: ۶/ ۹۷/ ۱۷۷، وراجع أيضًا: ص ۱۵۶/ ۱۶۹ من كتابنا هذا.

(۲۳۴) كمال الدين: ۲۸۰/ ۲۷، فرائد السمطين: ۲/ ۲۱۲/ ۵۶۲ كلاهما عن عبد الله بن عباس.

(۲۳۵) جنة الحكمة: ما يحفظها على صاحبها من الزهد والورع، فالجنة هي السترة أو الدرع. (لسان العرب: ۱۳/ ۹۴).

(۲۳۶) العيب: عظم الذنب. (لسان العرب: ۱/ ۵۹۹).

(۲۳۷) جمران البعير: مقدّم عنقه من مذهبه إلى منحرفه. (القاموس المحيط: ۴/ ۲۰۹).

(۲۳۸) نهج البلاغة: الخطبة: ۱۸۲.

(۲۳۹) مشارق أنوار اليقين: ۱۱۸ عن طارق بن شهاب.

(۲۴۰) الكافي: ۱/ ۲۷۰/ ۷ عن محمد بن مسلم.

(۲۴۱) أمالي الصدوق: ۲۴۵/ ۱۲، بشارة المصطفى: ۳۴ كلاهما عن ابن عباس.

(۲۴۲) كمال الدين: ۲۸۰/ ۲۹، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۶۴/ ۳۱، فرائد السمطين: ۲/ ۳۱۳/ ۵۶۴ كلاهما عن ابن عباس.

(۲۴۳) الفردوس: ۳/ ۳۳۶/ ۵۰۰۹، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۳/ ۵/ ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲، المناقب للخوارزمي: ۸۴/ ۷۴

كلاهما عن ابن بريدة عن أبيه، المناقب لابن المغازلي: ۲۰۰/ ۲۳۸ عن عبد الله بن بريدة.



- (۲۴۴) المعجم الكبير: ۶/ ۲۲۱/ ۶۰۶۳، كشف الغمة: ۱/ ۱۵۷ مختصراً.
- (۲۴۵) علل الشرائع: ۶/ ۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۲۶۴/ ۲۲، كمال الدين: ۲۵۶/ ۴ كلها عن عبد السلام بن صالح الهروي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام.
- (۲۴۶) كمال الدين: ۱۰/ ۲۶۳ عن سليم بن قيس الهلالي عن سلمان الفارسي، كتاب سليم بن قيس: ۲/ ۵۶۵.
- (۲۴۷) تاريخ الطبري: ۵/ ۳۵۷ عن أبي عثمان النهدي، البداية والنهاية: ۸/ ۱۵۷.
- (۲۴۸) كمال الدين: ۸/ ۳۲۸ عن أبي حمزة الثمالي.
- (۲۴۹) التوحيد: ۱۶۷/ ۱، معاني الأخبار: ۱۶/ ۱۰.
- (۲۵۰) التهذيب: ۶/ ۹۶/ ۱۷۷، وراجع ص ۱۵۶/ ۱۶۹ من كتابنا هذا.
- (۲۵۱) الفقيه: ۴/ ۱۷۷ باب الوصية من لدن آدم عليه السلام.
- (۲۵۲) كشف الغمة: ۱/ ۴۵، وذكره أيضاً في: ۹۱ نحوه.
- (۲۵۳) أمالي الطوسي: ۴۵۲/ ۱۰۰ عن زيد بن علي عن آبائه عليه السلام.
- (۲۵۴) سنن الترمذي: ۵/ ۷۰۱/ ۳۸۷۴.
- (۲۵۵) مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ۲/ ۱۳۲/ ۶۱۷.
- (۲۵۶) تاريخ بغداد: ۴/ ۳۹۲/ ۲۲۸۰ عن عبادة.
- (۲۵۷) إحقاق الحق: ۹/ ۴۸۳ نقلاً عن رسالة الاعتقاد عن أنس.
- (۲۵۸) المعجم الكبير: ۳/ ۵۷/ ۲۶۷۵ عن عليّ المكي الهلالي، وراجع أمالي الطوسي: ۱۵۴/ ۲۵۶، الخصال: ۴۱۲/ ۱۶ كلاهما عن أبي أيوب الأنصاري، الغيبة للطوسي: ۱۹۱/ ۱۵۴، كشف الغمة: ۱/ ۱۵۴ كلاهما عن أبي سعيد الخدري، كفاية الأثر: ۶۳ عن جابر بن عبادة الأنصاري.
- (۲۵۹) أمالي الصدوق: ۴۴۸/ ۱۶ عن أبي الطفيل عن الإمام الحسن عليه السلام.
- (۲۶۰) أمالي الصدوق: ۴۶۶/ ۲۴ عن عمر بن أبي سلمة عن أمه سلمى.
- (۲۶۱) أمالي الصدوق: ۵۲۲/ ۶ عن سليمان بن مهران عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، وراجع أمالي الصدوق: ۴۴۸ عن حسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «قال: نحن سادات في الدنيا وملوك في الآخرة»، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۵۷/ ۲۱۰ وفيه «ملوك في الأرض».
- (۲۶۲) بنابيع المودة: ۲/ ۳۳۳/ ۹۷۳، وراجع مائة منقبة: ۱۲۲، مقتل الحسين للخوارزمي: ۱/ ۶۰.
- (۲۶۳) نهج البلاغة: الخطبة ۹۴.
- (۲۶۴) أمالي الطوسي: ۵۶۴/ ۱۱۷۴، بنابيع المودة: ۱/ ۱۶۵/ ۱.
- (۲۶۵) آل عمران: ۶۱.
- (۲۶۶) دلائل النبوة لأبي نعيم: ۲/ ۳۵۳/ ۲۴۴، المناقب لابن المغازلي: ۲۶۳/ ۳۱۰ عن جابر بن عبادة، العمدة: ۱۹۰/ ۲۹۱، الطرائف: ۴۶/ ۳۸.
- (۲۶۷) الكشف: ۱/ ۱۹۳، وراجع تفسير الطبري: ۳/ الجزء ۳/ ۲۹۹، تفسير الفخر الرازي: ۸/ ۸۸ وقال في ذيل الرواية: واعلم أنّ هذه الرواية كالتّفق على صحتها عند أهل التفسير والحديث، الإرشاد: ۱/ ۱۶۶، مجمع البيان: ۲/ ۷۶۲، تفسير القمي: ۱/ ۱۰۴.
- (۲۶۸) النساء: ۵۹.
- (۲۶۹) شواهد التنزيل: ۱/ ۱۸۹/ ۲۰۲، وراجع الاعتقادات وتصحيح الاعتقادات: ۵/ ۱۲۱ كلاهما عن سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس: ۶/ ۶۲۶.
- (۲۷۰) أمالي المفيد: ۱۲۷/ ۵ عن عبد الرحمن بن عبيد، الإرشاد: ۱/ ۲۶۰ نحوه.
- (۲۷۱) النساء: ۸۳.

- (٢٧٢) أمالي المفيد: ٤/ ٣٤٩، أمالي الطوسي: ١٢٢/ ١٨٨، وذكره أيضًا في: ١٤٦٩/ ٦٩١، الاحتجاج: ٢/ ٩٤/ ١٦٥، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٦٧ كلاهما عن موسى بن عقبة عن الإمام الحسين عليه السلام.
- (٢٧٣) الإرشاد: ٢/ ٧٩، وقعة الطف: ١٧٠، الكامل في التاريخ: ٢/ ٥٥٢.
- (٢٧٤) الصحيفة السجادية: الدعاء ٣٤ ص ١٣٨، ينابيع المودة: ٣/ ١٧ نقلًا عن الصحيفة وزاد فيه «أي يقولك: أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم».
- (٢٧٥) الكافي: ١/ ٢٧٦/ ١ عن يزيد العجلي.
- (٢٧٦) الكافي: ١/ ٢٨٦/ ١، شواهد التنزيل: ١/ ١٩١/ ٢٠٣، تفسير العياشي: ١/ ٢٤٩/ ١٦٩ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (٢٧٧) ينابيع المودة: ١/ ٢٤١/ ٢، المناقب لابن شهر آشوب: ٣/ ١٥.
- (٢٧٨) الزهد للحسين بن سعيد: ١٠٤/ ٢٨٦، وراجع الكافي: ١/ ١٨٥ باب فرض طاعة الأئمة عليهم السلام، البحار: ٢٣/ ٢٨٢ باب وجوب طاعتهم وأنهم أولو الأمر، إحقاق الحق: ٣/ ٤٢٤، و: ١٤/ ٣٤٨.
- (٢٧٩) النحل: ٤٣.
- (٢٨٠) الكافي: ١/ ٢١٠/ ١ عن عبد الله بن عجلان عن الإمام الباقر عليه السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ٢٥٩.
- (٢٨١) ينابيع المودة: ١/ ٣٥٧/ ١٢، المناقب لابن شهر آشوب: ٣/ ٩٨، العمدة: ٢٨٨/ ٤٦٨ كلها عن تفسير التعلبي.
- (٢٨٢) شواهد التنزيل: ١/ ٤٣٢/ ٤٥٩، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٧٩ إلى قوله «والتنزيل».
- (٢٨٣) المناقب لابن شهر آشوب: ٣/ ٩٨.
- (٢٨٤) تفسير الطبري: ١٠/ الجزء ١٧/ ٥، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٧٨ عن محمد بن مسلم وجابر الجعفي، تفسير فوات الكوفي: ٢٣٥/ ٣١٥ عن حسين بن سعيد، تأويل الآيات الظاهرة: ٢٥٩ عن جابر بن يزيد ومحمد بن مسلم، تفسير القمي: ٢/ ٦٨ عن زرارة.
- (٢٨٥) شواهد التنزيل: ١/ ٤٣٧/ ٤٦٦ عن الفضيل بن يسار، وراجع: ٤٣٤-٤٣٧.
- (٢٨٦) أمالي الطوسي: ٦٦٤/ ١٣٩٠، وراجع الكافي: ١/ ٢١١/ ٦.
- (٢٨٧) وفي المصدر «معنيه» والصحيح ما أثبتناه في المتن.
- (٢٨٨) النحل: ٤٤.
- (٢٨٩) الزخرف: ٤٤.
- (٢٩٠) الطلاق: ١٠ و ١١.
- (٢٩١) ينابيع المودة: ١/ ٣٥٧/ ١٤ عن عبد الحميد بن أبي الديلم.
- (٢٩٢) الكافي: ١/ ٢٩٥/ ٣.
- (٢٩٣) الكافي: ١/ ٢١١/ ٥، تفسير القمي: ٢/ ٢٨٦ عن عبد الرحمن بن كثير، بصائر الدرجات: ١/ ٢٧ عن الفضيل، وذكره أيضًا في: ٣٧/ ٦ عن يزيد بن معاوية عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (٢٩٤) الكافي: ١/ ٥٠/ ١٠ وراجع المحاسن: ١/ ٢٤١/ ٧٠٣، تفسير العياشي: ٢/ ٢٦٠/ ٣٠.
- (٢٩٥) الكافي: ٨/ ٥/ ١ عن إسماعيل بن مخلد السراج، وراجع: «في أنهم: أهل الذكر»، الكافي: ١/ ٢١٠ باب أن أهل الذكر الذين أمر الله الخلق بسؤالهم هم الأئمة عليهم السلام، وأيضًا: ٤/ ٥٩٩، و: ١/ ٢٥٩/ ٣، البحار: ٢٣/ ١٧٢ باب ٩، أمالي الطوسي: ٦٦٤/ ١٢٩٠، روضة الواعظين: ٢٢٤، بصائر الدرجات: ٣٧/ ٥ و: ٤٠/ ١٠ و: ٥١١/ ٢٣، كامل الزيارات: ٥٤، إحقاق الحق: ٢/ ٤٨٢ و ٤٨٣، و: ١٤/ ٣٧١-٣٧٥.
- (٢٩٦) أمالي المفيد: ٢١٧/ ٤، بشارة المصطفى: ٤٩ وفيه «فألى النار هوى» وكلاهما عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام.
- (٢٩٧) كمال الدين: ٢٢١/ ٧ عن أبي الحسن الليثي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، وراجع قرب الإسناد: ٧٧/ ٢٥٠ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ١/ ٢٤٥، كنز الفوائد: ١/ ٣٣٠.

- (۲۹۸) الکافی: ۱/۳۲/۲، بصائر الدرجات: ۱۰/۱۰/۱ کلاهما عن أبي البختري.
- (۲۹۹) الکافی: ۱/۲۰۲/۱ عن عبدالعزيز بن مسلم.
- (۳۰۰) فضائل الشيعة: ۵۰/۷، تأويل الآيات الظاهرة: ۴۹۸ کلاهما عن أبي سعيد الخدري.
- (۳۰۱) الثمار: الثوب الذي يلي الجسد لأنه يلي شعره، ويراد به الخاصة والبطانة، (النهاية: ۲/ ۴۸۰).
- (۳۰۲) نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۴.
- (۳۰۳) قال الفيض الكاشاني: يعني ليس كل من اعتصم به الناس سواء في الهداية، ولا سواء فيما يقيمهم، بل بعضهم يهديهم إلى الحق وإلى صراط مستقيم، ويسقيهم من عيون صافية، وبعضهم يذهب بهم إلى الباطل وإلى طريق الضلال، ويسقيهم من عيون كدرة، كما يفسره فيما بعد، «يفرغ» أي يصب بعضها في بعض حتى يفرغ. (الروالي: ۲/ ۸۷).
- (۳۰۴) الکافی: ۱/ ۱۸۴/ ۹، مختصر بصائر الدرجات: ۵۵ کلاهما عن مرقن عن الإمام الصادق عليه السلام، تفسير فرائد الكوفي: ۱۴۳/ ۱۷۴ عن الأصمغيني نباتة نحوه.
- (۳۰۵) الکافی: ۱/ ۱۹۳/ ۲ عن أبي بصير.
- (۳۰۶) الخصال: ۱۵۰/ ۱۸۳ عن نصر الطائر عمن رفعه.
- (۳۰۷) دعائم الإسلام: ۱/ ۲۵، إرشاد القلوب: ۲۹۸ عن سليم بن قيس، المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۲۳۳، تفسير العياشي: ۲/ ۱۸/ ۱/ ۴۴ وفيه «بعدك» بدل «ولدك»، ينابيع المودة: ۱/ ۳۰۴/ ۳ کلاهما عن سلمان الفارسي.
- (۳۰۸) نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۲، غرر الحكم: ۳۹۱۱.
- (۳۰۹) الأعراف: ۴۶.
- (۳۱۰) بصائر الدرجات: ۹/ ۴۹۸ عن زر بن حبیش، مختصر بصائر الدرجات: ۵۳.
- (۳۱۱) عريف القوم: سيدهم، والعريف: القيم والسيد لمعرفته بسياسة القوم. (لسان العرب: ۹/ ۲۳۸).
- (۳۱۲) تفسير العياشي: ۲/ ۱۸/ ۴۳.
- (۳۱۳) الكتاب جمع الكتيب، وهو التل المستطيل المبحرودب من الرمل. (تاج المروس: ۲/ ۳۵۴).
- (۳۱۴) البحار: ۲۴/ ۲۵۲/ ۱۳ نقلًا عن كتاب المقنن، وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۲۳۳.
- (۳۱۵) الکافی: ۱/ ۱۹۸/ ۳ عن أبي الصامت، وراجع ۱۹۶/ ۱، و: ۱۹۷/ ۲، الاختصاص: ۲۱، بصائر الدرجات: ۱۹۹/ ۱.
- (۳۱۶) التهذيب: ۶/ ۲۸/ ۵۳ عن موسى بن طبيان، الفقيه: ۲/ ۵۹۱/ ۳۱۹۷ مرسلاً، كامل الزيارات: ۴۵ مرسلاً.
- (۳۱۷) العروة: المقبض، وجمعها غرى. (لسان العرب: ۱۵/ ۴۵).
- (۳۱۸) تفسير العياشي: ۲/ ۲۴۳/ ۱۸ عن أبي بصير.
- (۳۱۹) كمال الدين: ۲۵۸/ ۳، الاحتجاج: ۱/ ۱۶۸/ ۳۴، كفاية الأثر: ۱۴۵، كلها عن علي بن أبي حمزة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- (۳۲۰) أمالي الصدوق: ۱۵۶/ ۱۵، كمال الدين: ۲۰۷/ ۲۲، ينابيع المودة: ۱/ ۷۵/ ۱۱، فرائد السمطين: ۱/ ۴۵/ ۱۱ كلها عن الأعمش عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، روضة الواعظين: ۲۲۰ عن عمرو بن دينار.
- (۳۲۱) التهذيب: ۶/ ۹۹/ ۱۷۷، وراجع: ص ۱۵۶/ ۱۶۹ من كتابنا هذا.
- (۳۲۲) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲/ ۶۷۱/ ۱۱۴۵، الفردوس: ۴/ ۳۱۱/ ۶۹۱۳، ينابيع المودة: ۱/ ۷۱/ ۱ كلها عن الإمام علي عليه السلام، أمالي الطوسي: ۳۷۹/ ۸۱۲، جامع الأحاديث للقمي: ۲۵۹ کلاهما عن ابن عباس وفيهما «لأمتي» بدل «لأهل الأرض».
- (۳۲۳) ينابيع المودة: ۱/ ۷۱/ ۲ عن أنس، وراجع المستدرک علی الصحیحین: ۲/ ۴۸۶/ ۳۶۷۶، مناقب الإمام أمير المؤمنين للكوفي: ۲/ ۱۴۲/ ۶۲۳، علل الشرائع: ۲/ ۱۲۳.
- (۳۲۴) نشر الدر: ۱/ ۳۱۰.
- (۳۲۵) أمالي الشجري: ۱/ ۱۵۴ عن الإمام علي عليه السلام، إحقاق الحق: ۹/ ۳۷۸ نقلًا عن مناقب ابن المغازلي.

- (٣٢٦) أمالي الصدوق: ١٣٠ / ١ عن عبد الله بن منصور عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليه السلام.
- (٣٢٧) مقتل الحسين للخوارزمي: ١ / ١٨٤، الملهوف: ٩٨.
- (٣٢٨) الكافي: ٥ / ٣٧٣، عوالي اللآلي: ٣ / ٢٩٧، كلاهما عن معاوية بن حكيم.
- (٣٢٩) إحقاق الحق: ٣ / ٤٨٢، الطراف: ٩٤ / ١٣١، نهج الحق: ٢١٠ كلها عن الحافظ محمد بن موسى الشيرازي من علماء الجمهور، واستخرجه من التفاسير الاثني عشر عن ابن عباس.
- (٣٣٠) إحقاق الحق: ٩ / ٤٠٢ عن روضة الأحاب.
- (٣٣١) التهذيب: ٦ / ٩٦ / ١٧٧، وراجع: ص ١٥٦ / ١٦٩ من كتابنا هذا.
- (٣٣٢) كفاية الأثر: ١٧٧ عن عطاء عن الإمام الحسين عليه السلام.
- (٣٣٣) نهج البلاغة: الخطبة: ٢١٤، مختصر بصائر الدرجات: ١٩٥.
- (٣٣٤) غرر الحكم: ١٠٠٠١.
- (٣٣٥) غرر الحكم: ٩٩٦٩.
- (٣٣٦) غرر الحكم: ١٠٠٠٤.
- (٣٣٧) غرر الحكم: ١٠٤١٣، الخصال: ٦٢٦ / ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم وفيه «لا تزلوا عن الحق وولاية أهل الحق...».
- (٣٣٨) الفتوح: ٥ / ١٧، مقتل الحسين للخوارزمي: ١ / ١٨٥.
- (٣٣٩) التهذيب: ٦ / ٩٧ / ١٧٧، وراجع: ص ١٥٦ / ١٦٩ من كتابنا هذا.
- (٣٤٠) تشيبت العروق: علقت وثبتت، والمراد من العروق الأفكار العالية والعلوم السامية (كما في مائش نهج البلاغة، مبجى الصالح).
- (٣٤١) نهج البلاغة: الخطبة: ٢٣٣، غرر الحكم: ٢٧٧٤ وفيه «فروعه وأغصانه» بدل «عروقه وغصونه».
- (٣٤٢) الكافي: ١ / ٢٠٤ / ٢ عن إسحاق بن غالب.
- (٣٤٣) سنن الترمذي: ٥ / ٦٩٩ / ٣٨٧٠، سنن ابن ماجه: ١ / ٥٢ / ١٤٥ بتقديم وتأخير، المستدرک علی الصحيحين: ٣ / ١٦١ / ٤٧١٤، المعجم الكبير: ٣ / ٤٠ / ٢٦١٩، مناقب الإمام أمير المؤمنين للكوفي: ٢ / ١٥٦ / ٦٣٤، وذكره أيضاً في: ١٧٨ / ٦٥٥، بشارة المصطفى: ٦١، وذكره أيضاً في: ٦٤، كشف النقبة: ٢ / ١٥٤، علوم راسدي.
- (٣٤٤) تهذيب تاريخ دمشق لابن عساكر: ٣١٩، وراجع أمالي الطوسي: ٣٢٦ / ٦٨٠.
- (٣٤٥) مسند ابن حنبل: ٣ / ٤٤٦ / ٩٧٠٤، المستدرک علی الصحيحين: ٣ / ١٦١ / ٤٧١٣، تاريخ بغداد: ٧ / ١٣٧، المعجم الكبير: ٣ / ٤٠ / ٢٦٢١، البداية والنهاية: ٨ / ٣٦، العمدة: ٥١ / ٤٥، روضة الواعظين: ١٧٥، وراجع الغدير: ٢ / ١٥٤.
- (٣٤٦) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ٣ / ٢٠٧.
- (٣٤٧) وفي الخيمة: علي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام.
- (٣٤٨) الجذ: الحظ، (القاموس المحيط: ١ / ٢٨١).
- (٣٤٩) المناقب للخوارزمي: ٢٩٧ / ٢٩١ عن زيد بن شبيب عن أبي بكر.
- (٣٥٠) معاني الأخبار: ٥٥ / ٣ عن عبد الله بن الفضل الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام.
- (٣٥١) كذا في المصدر، ولعلها «قلوبهم» والله تعالى هو العالم.
- (٣٥٢) أمالي المفيد: ٤ / ٢٥١، أمالي الطوسي: ٢١ / ٢٤ كلاهما عن عمر بن علي عن الإمام علي عليه السلام.
- (٣٥٣) أمالي الطوسي: ٦٦ / ٩٦، أمالي المفيد: ٩ / ٢٩٠ كلاهما عن عمر بن علي، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ٩ / ٢٠٦ قال بعد الحديث: قد رواء كثير من المحدثين.
- (٣٥٤) المعجم الأوسط: ١ / ٥٧ / ١٥٧، الحاوي للفتاوي: ٢ / ٢١٧.
- (٣٥٥) أمالي المفيد: ١١٠ / ٩ عن محمد بن عبدالله عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.
- (٣٥٦) الاحتجاج: ١ / ٥٤٤ / ١٣١ عن الأصمعي بن نباتة.

- (۳۵۷) الخصال: ۱۰/۶۲۶ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ۱۱۵، غرر الحكم: ۴۴۵۹ وفيه «بنا فتح الله وبنا يختم».
- (۳۵۸) كتاب سليم بن قيس: ۱۷/۷۱۷/۲.
- (۳۵۹) الكافي: ۱/۴۷۱/۵، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/۱۸۹ و ۱۹۰ كلاهما عن أبي بكر الخضرمي.
- (۳۶۰) تفسير القمي: ۲/۱۰۴ عن عبدالله بن جندب.
- (۳۶۱) التهذيب: ۶/۹۹/۱۷۷، وراجع: ص ۱۵۶/۱۶۹ من كتابنا هذا، ونحو عبارة العنوان راجع الكافي: ۴/۵۷۶/۲، التهذيب: ۶/۶۰/۱۳۱، كامل الزيارات: ۱۹۹، البحار: ۲۳/۲۱۸/۱۹، و ۲۶/۲۴۸/۱۸، و ۲۵۹/۳۶، إحقاق الحق: ۱۳/۱۲۸، مجمع الزوائد: ۷/۶۱۶/۱۲۴۰۹، كنز العمال: ۱۴/۵۹۸/۳۹۶۸۲.
- (۳۶۲) الفردوس: ۴/۲۸۳/۶۸۳۸، فرائد السمطين: ۱/۴۵، ذخائر العقبى: ۱۷ كلها عن أنس، ينابيع المودة: ۲/۱۱۴/۳۲۲ عن ابن عباس.
- (۳۶۳) إرشاد القلوب: ۴۰۴.
- (۳۶۴) نهج البلاغة: الخطبة: ۲، غرر الحكم: ۱۰۹۰۲.
- (۳۶۵) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/۶۶/۲۹۷ عن حسن بن عبدالله التميمي عن أبيه عن الإمام الرضا عليه السلام، كشف الغمّة: ۱/۴۰ إلى قوله «بنا أحد».
- (۳۶۶) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲/۶۷۹/۱۱۶۰، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۳/۱۱۸۹/۱۱۴۴، أمالي الطوسي: ۲۷۰/۵۰۲، بشارة المصطفى: ۱۲۸ كلها عن حبة الرني، وراجع مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ۲/۱۰۷.
- (۳۶۷) البيّنة: ۷.
- (۳۶۸) المناقب لابن شهر آشوب: ۳/۶۸ تقلأ عن كتاب فيما نزل القرآن في علي عليه السلام لأبي نعيم الإصفهاني.
- (۳۶۹) علل الشرائع: ۱۷۷/۲.
- (۳۷۰) ينابيع المودة: ۲/۳۰۲/۸۶۳ عن ابن عمر رفعه، إحقاق الحق: ۱۸/۵۳۲ عن مودة القريني.
- (۳۷۱) الجعفریات: ۱۸۲، نوادر الراوندي: ۱۵، المناقب لابن المغازلي: ۲۹۵/۳۳۷ كلها عن إسماعيل بن موسى عن آبائه عليهم السلام.
- (۳۷۲) ينابيع المودة: ۱/۷۴/۹، كفاية الأثر: ۱۶۵ إلى قوله «زرعي» كلاهما عن عبدالله بن الحسن عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام.
- (۳۷۳) يونس: ۳۲.
- (۳۷۴) الخصال: ۱۴/۴۳۲ عن عبدالله بن عباس، وراجع تفسير فرات الكوفي: ۱۷۸/۲۰۳ و ۳۰۷/۴۱۲.
- (۳۷۵) أمالي الصدوق: ۲۸/۵، مشارق أنوار اليقين: ۵۶ نحوه، حلية الأنوار: ۱/۲۳۵، وذكره أيضًا في: ۴۸۳ كلها عن جابر بن عبدالله الأنصاري.
- (۳۷۶) الكافي: ۱/۲۲۱/۲ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، بصائر الدرجات: ۵۶/۱ عن الضحّاك بن مزاحم الخراساني عن رسول الله صلى الله عليه وآله، وذكر أيضًا في: ۵۸/۸ عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عن أبيه عليه السلام عنه عليه السلام.
- (۳۷۷) الخصال: ۲۸۶/۴۰ عن محمد بن خليلان بن علي العباسي عن أبيه عن جدّه عن آبائه، نثر الدر: ۱/۲۷۰.
- (۳۷۸) نهج البلاغة: الحكمة: ۱۲۰.
- (۳۷۹) نهج البلاغة: الخطبة: ۱۵۴.
- (۳۸۰) نهج البلاغة: الخطبة: ۱۲۰.
- (۳۸۱) نهج البلاغة: الخطبة: ۴.
- (۳۸۲) غرر الحكم: ۲۷۸۶.
- (۳۸۳) تذكرة الخواص: ۱۳۰ عن أحمد بن عبدالله الهاشمي عن الإمام العسكري عليه السلام، وراجع مروج الذهب: ۱/۳۳ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

(٣٨٤) مشارق أنوار اليقين: ٥١ عن أبي سعيد الخدري.

(٣٨٥) بصائر الدرجات: ١٢ / ٣٦٥.

(٣٨٦) باحث: سكنت وفترت. (لسان العرب: ٩ / ٣)

(٣٨٧) بلاغات النساء: ٣٠ عن زيد بن علي عن أبيه عليه السلام. وراجع الاحتجاج: ١ / ٢٥٨ و: ٢٧١ / ٤٩. كشف الغمّة: ٢ / ١٠٩ و ١١٧.

المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ٢٠٧. دلائل الإمامة: ١١٣ / ٣٦.

(٣٨٨) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ١٦ / ٢١١ نقلًا عن كتاب أبي بكر أحمد بن عبد العزيز الجوهري بإسناده عن زينب بنت علي عليه السلام

وعن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام وعن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام وعن عبد الله بن حسن بن الحسن. وراجع دلائل الإمامة:

١١٤ / ٣٦.

(٣٨٩) المناقب لابن شهر آشوب: ٤ / ٨٠. الاحتجاج: ٢ / ١٠٣ / ١٦٨. ينابيع المودة: ٣ / ٧٥. موسوعة كلمات الإمام الحسين عليه السلام: ٤٩٨

/ ٢٨٦ مع اختلاف في عدد الآيات والألفاظ.

(٣٩٠) مقتل الحسين للخوارزمي: ٢ / ٦٩.

(٣٩١) ينابيع المودة: ٢ / ٣٦٧ / ٥٠. كشف الغمّة: ٢ / ٣١١ كلاهما عن أبي الطفيل عامر بن واثلة. الصواعق المحرقة: ١٥٢.

(٣٩٢) الكافي: ١ / ١٤٥ / ٧. بصائر الدرجات: ٦١ / ١. البحار: ٢٥ / ٣٨٤ / ٤٠ نقلًا عن كتاب منهج التحقيق كلّها عن أسود بن سعيد.

(٣٩٣) الإرشاد: ٢ / ١٦٨. المناقب لابن شهر آشوب: ٤ / ٢٠٦ عن معروف بن خربوذ. روضة الواعظين: ٢٢٧. الخرائج والجرائع: ٢ /

٨٩٢. بصائر الدرجات: ٥٧ / ٥ نحوه عن الفضيل بن يسار. حلية الأبرار: ٢ / ٩٥.

(٣٩٤) كمال الدين: ٢٠٦ / ٢٠. أمالي الطوسي: ٦٥٤ / ١٣٥٤. بصائر الدرجات: ٦٣ / ١٠. المناقب لابن شهر آشوب: ٤ / ٢٠٦. إرشاد

القلوب: ١٨ / ٤ كلّها عن خيشمة الجعفي.

(٣٩٥) الكافي: ١ / ٤٣٨ / ٢ عن جابر، وذكره أيضًا في: ١ / ٢٢٣ عن عبد الله بن جندب عن الإمام الرضا عليه السلام، عيون أخبار

الرضا عليه السلام: ٢ / ٢٢٧ عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن الإمام الرضا عليه السلام. الاختصاص: ٢٧٨. المناقب لابن شهر آشوب: ٤ / ١٨٨

كلاهما عن جابر بن يزيد. بصائر الدرجات: ٢٨٨ / ٥ عن عمار بن مروان.

(٣٩٦) النساء: ٥٤.

(٣٩٧) الكافي: ١ / ١٨٦ / ٦. وذكره أيضًا في: ١٧ / ٥٤٦ إلى قوله «صفو المال»، التهذيب: ٤ / ١٣٢ / ٣٦٧. تفسير العياشي: ١ / ٢٤٧ /

١٥٥. بصائر الدرجات: ٢٠٢ / ١ كلّها عن أبي الصباح الكناني.

(٣٩٨) الاختصاص: ٣٠٩. بصائر الدرجات: ٣٦٣ / ٤ كلاهما عن الحسن بن يحيى. وذكره أيضًا في: ٣٦٥ / ١٣ عن الحسين الأحمسي.

(٣٩٩) الكافي: ١ / ٢٠٣ / ٢. القبية للنعمان: ٢٢٤ / ٧ كلاهما عن إسحاق بن غالب.

(٤٠٠) الكافي: ١ / ٢٢١ / ٣. بصائر الدرجات: ٥٧ / ٦ كلاهما عن خيشمة.

(٤٠١) تفسير القمي: ٢ / ٢٢٨ عن شهاب بن عبد ربه.

(٤٠٢) التوحيد: ١٥٢ / ٩ عن ابن أبي عمير.

(٤٠٣) الكافي: ٨ / ٢٤٢ / ٣٣٦ عن ابن مسكان، تأويل الآيات الظاهرة: ٢٢ عن شاذان بن جبرئيل بإسناده عنه عليه السلام.

(٤٠٤) الاختصاص: ٩٠ عن أبي المغرا (حميد بن المشي المجلي).

(٤٠٥) كمال الدين: ٢٠٢ / ٦. إرشاد القلوب: ٤١٧ كلاهما عن إبراهيم بن أبي محمود.

(٤٠٦) التمعط: الطريقة من الطرائق، والضرب من الضروب. (النهاية: ٥ / ١١٩)

(٤٠٧) الكافي: ١ / ١٠١ / ٣. التوحيد: ١١٤ / ١٣ كلاهما عن إبراهيم بن محمد الخزّاز ومحمد بن الحسين.

(٤٠٨) القدّة - بضمّ القاف وفتح الذال - ريش السهم. جمعها: القدّذ. يضرب مثلاً للشيثين يستويان ولا يتفاوتان. (النهاية: ٤ / ٢٨)

(٤٠٩) الكافي: ١ / ٣٢٠ / ٢. الإرشاد: ٢ / ٢٧٦. الاختصاص: ٢٧٩. بصائر الدرجات: ٢٩٦. الخرائج والجرائع: ٢ / ٨٩٩ / ٤ كلّها عن

معمر بن خلّاد.

- (۴۱۰) أمالي الطوسي: ۲۴۵/ ۴۲۷ عن أبي هاشم داود بن إسحاق الجعفري، بصائر الدرجات: ۱/ ۴۱۹ عن محمد بن مرقن.
- (۴۱۱) كمال الدين: ۳۷۸/ ۲، الاحتجاج: ۴۸۱/ ۲، ۳۲۴ كلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني.
- (۴۱۲) الثاقب في المناقب: ۵۲۲/ ۴۵۵ عن علي بن أسباط.
- (۴۱۳) دلائل الإمامة: ۳۸۴/ ۳۴۲ عن محمد بن إسماعيل عن الإمام العسكري عليه السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۳۸۷ مرسلًا.
- (۴۱۴) الاختصاص: ۹۴، تحف العقول: ۴۷۹ وفيه «نحن كلمات الله التي لا تنفذ ولا تدرك فضاءنا» كلاهما عن موسى المبرقع في مسائل يحيى بن أكنم عنه عليه السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۴۰۴، الاحتجاج: ۲/ ۴۹۹/ ۳۳۱ من غير إسناد.
- (۴۱۵) التهذيب: ۶/ ۹۵/ ۱۷۷، وراجع: ص ۱۵۶/ ۱۶۹ من كتابنا هذا.
- (۴۱۶) رجال الكشي: ۲/ ۸۱۴/ ۱۰۱۸، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۴۳۵، الخرائج والجرائع: ۲/ ۷۴۰/ ۵۴، كشف الغطاء: ۳/ ۲۱۱ كلها عن محمد بن الحسن بن ميمون.
- (۴۱۷) الغيبة للطوسي: ۲۸۸/ ۲۴۶، الاحتجاج: ۲/ ۵۴۰/ ۳۴۳ كلاهما عن أحمد بن إسحاق.
- (۴۱۸) الكافي: ۱/ ۱۹۳/ ۴، وذكره أيضًا في: ۴/ ۲۰۹، بصائر الدرجات: ۱۰۵/ ۱۲ كلها عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۴۱۹) الكافي: ۱/ ۱۹۲/ ۲ عن سورة بن كليب.
- (۴۲۰) الكافي: ۱/ ۱۹۲/ ۳ عن سدير، وذكره أيضًا في: ۱/ ۲۶۹/ ۶ وفيه «أمر» بدل «وحي»، إعلام الوري: ۲۷۷ كلاهما عن سدير عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۴۲۱) التوحيد: ۱۳۸/ ۱۴ عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بصائر الدرجات: ۱۱۱/ ۱۲ عن حنان الكندي عن أبيه، وذكره أيضًا في: ۱۰۹/ ۱ عن حنان بن سدير.
- (۴۲۲) تفسير فرات الكوفي: ۱۰۷/ ۱۰۱ عن إبراهيم.
- (۴۲۳) أمالي الصدوق: ۲۵۲/ ۱۵، بشارة المصطفى: ۵۴ كلاهما عن أبي بصير، روضة الواعظين: ۲۹۹ مرسلًا، وراجع بصائر الدرجات: ۱۰۳ باب ۱۹ في الأئمة أنهم خزائن الله على علمه.
- (۴۲۴) معاني الأخبار: ۲۵/ ۵، ينابيع المودة: ۳/ ۳۵۹/ ۱ كلاهما عن ثابت الثمالي.
- (۴۲۵) الكافي: ۱/ ۱۹۲/ ۱، بصائر الدرجات: ۶۱/ ۳، وذكره أيضًا في: ۱۰۵/ ۸ كلها عن عبد الرحمن بن كثير.
- (۴۲۶) بصائر الدرجات: ۶۲/ ۷ عن عباد بن سليمان عن أبيه.
- (۴۲۷) البحار: ۵۱/ ۱۴۹/ ۲۴ نقلًا عن كتاب مقتضب الأثر.
- (۴۲۸) الاحتجاج: ۲/ ۱۰۶، الملهوف: ۱۹۵، مثير الأحزان: ۸۷ من دون «ووعاء فهمه ... لعباده».
- (۴۲۹) الكافي: ۱/ ۲۲۴/ ۲ عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الباقر عليه السلام، بصائر الدرجات: ۱۲۱/ ۱ عن عبد الرحمن بن بكير الهجري عن الإمام الباقر عليه السلام، أعلام الدين: ۴۶۴ عن عبد الله بن بكير عن الإمام الباقر عليه السلام، وفيهما «مائة ألف نبي وأربعة وعشرين».
- (۴۳۰) الإرشاد: ۱/ ۲۳۲، تفسير العياشي: ۱/ ۱۰۲/ ۳۰۰ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تفسير القمي: ۱/ ۳۶۷ عن ابن أذينة عن الإمام الصادق عليه السلام من دون «فأين ...»، وذكره أيضًا في: ۱/ ۴.
- (۴۳۱) الخصال: ۶۵۱/ ۴۹ عن ذريح المحاربي.
- (۴۳۲) الكافي: ۱/ ۲۲۲/ ۲ عن زراوة والفضيل، كمال الدين: ۲۲۳/ ۱۴ عن الفضيل بن يسار عن الإمام الصادق والإمام الباقر عليه السلام نحوه وفيه «والعلم يتوارث وكل شيء من العلم وآثار الرسل والأنبياء لم يكن من أهل هذا البيت فهو باطل وأن عليًا عليه السلام عالم ...».
- (۴۳۳) تفسير فرات الكوفي: ۳۳۷/ ۴۶۰ عن الفضل بن يوسف الفصباني ممتنعًا.
- (۴۳۴) الكافي: ۱/ ۴۷۰/ ۳، رجال الكشي: ۱/ ۴۰۸/ ۲۹۸ نحوه، بصائر الدرجات: ۲۶۹/ ۱ وفيه «قال أبو بصير: دخلت على أبي عبد الله وأبي جعفر عليه السلام وقلت لهما: أنتما ...»، دلائل الإمامة: ۲۲۶/ ۱۵۳ وفيه «علي ما علموا وفعلوا؟»، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۸۴، الخرائج والجرائع: ۲/ ۷۱۱/ ۸، الفصول المهمة: ۲۱۵ نحوه.
- (۴۳۵) الكافي: ۱/ ۲۲۱/ ۱، وذكره أيضًا في: ۳/ ۳۷۹، علل الشرائع: ۵۹۱/ ۴۰، بصائر الدرجات: ۱۱۸/ ۲، الإمامة والتبصرة: ۲۲۵/ ۷۵



- كلها عن محمدين مسلم، كمال الدين: ۲۲۳/ ۱۳ عن محمدين مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.
- (۴۳۶) الكافي: ۱/ ۲۲۳، ۸، كمال الدين: ۲۲۴/ ۱۹، بصائر الدرجات: ۱۱۶/ ۹، كلها عن الحارث بن المغيرة.
- (۴۳۷) مختصر بصائر الدرجات: ۶۳ عن عبد الغفار الجازي.
- (۴۳۸) الكافي: ۱/ ۲۲۵، ۴، بصائر الدرجات: ۱۳۵/ ۱.
- (۴۳۹) التهذيب: ۶/ ۹۶/ ۱۷۷، وراجع: ص ۱۵۶/ ۱۶۹ من كتابنا هذا.
- (۴۴۰) الإرشاد: ۲/ ۱۶۷، الخرائج والجرائع: ۲/ ۸۹۳، روضة الواعظين: ۲۲۶.
- (۴۴۱) إعلام الوري: ۲۹۴، الاختصاص: ۲۸۱ نحوه كلاهما عن الفضيل بن يسار.
- (۴۴۲) أمالي المفيد: ۴۲/ ۱۰، حلية الأبرار: ۲/ ۹۵.
- (۴۴۳) الكافي: ۱/ ۵۳/ ۱۴ عن حماد بن عثمان وغيره، روضة الواعظين: ۲۲۳ وفيه «حديث جدّي حديث أمير المؤمنين».
- (۴۴۴) أمالي المفيد: ۶۰/ ۴ عن محمّد بن شريح.
- (۴۴۵) الكافي: ۳/ ۹۴/ ۱.
- (۴۴۶) رجال الكشي: ۲/ ۴۹۰/ ۴۰۱ عن يونس بن عبد الرحمن.
- (۴۴۷) الكافي: ۱/ ۲۹۴/ ۳ عن عبد الحميد بن أبي الديلم عن الإمام الصادق عليه السلام، وراجع تفسير العياشي: ۱/ ۲۵۰/ ۱۶۹ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۴۴۸) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۲۰۴/ ۱، الاحتجاج: ۲/ ۴۳۶/ ۳۰۸، وراجع ص ۵۶۴/ ۸۴۱ من كتابنا هذا.
- (۴۴۹) تفسير القمي: ۱/ ۴، إثبات الهداة: ۱/ ۶۳۱/ ۷۲۴، تنقلاً عن تفسير القمي.
- (۴۵۰) كمال الدين: ۲۵۳/ ۳.
- (۴۵۱) الطبقات الكبرى: ۶/ ۲۴۰.
- (۴۵۲) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۲۰/ ۳۰۷/ ۵۱۵.
- (۴۵۳) الكافي: ۱/ ۳۹۹/ ۳، بصائر الدرجات: ۱۰/ ۴ كلاهما عن أبي مريم.
- (۴۵۴) البقرة: ۸.
- (۴۵۵) بصائر الدرجات: ۹/ ۲، الكافي: ۱/ ۳۹۹/ ۴ مضمراً.
- (۴۵۶) الكافي: ۱/ ۳۹۹/ ۱، بصائر الدرجات: ۵۱۹/ ۲ نحوه، المعاسن: ۱/ ۲۴۳/ ۴۴۸، أمالي المفيد: ۹۶/ ۶، كلها عن محمّد بن مسلم.
- (۴۵۷) الكافي: ۱/ ۳۹۹/ ۲.
- (۴۵۸) مختصر بصائر الدرجات: ۶۲، بصائر الدرجات: ۵۱۱/ ۲۱ كلاهما عن فضيل بن يسار.
- (۴۵۹) الكافي: ۱/ ۵۱/ ۱۵، الاحتجاج: ۲/ ۱۹۳/ ۲۱۲.
- (۴۶۰) الزخرف: ۴۴.
- (۴۶۱) الكافي: ۱/ ۴۰۰/ ۵.
- (۴۶۲) البحار: ۲۶/ ۱۵۸/ ۵، تنقلاً عن كتاب المحتضر، الصراط المستقيم: ۲/ ۱۵۷ نحوه، إثبات الهداة: ۱/ ۶۰۲، كلها عن يونس بن ظبيان.
- (۴۶۳) الكافي: ۱/ ۳۹۸/ ۱، أمالي المفيد: ۱۲۲/ ۶، بصائر الدرجات: ۱۲/ ۳، كلها عن يحيى بن عباد.
- (۴۶۴) يونس: ۳۵.
- (۴۶۵) البقرة: ۲۶۹.
- (۴۶۶) البقرة: ۲۴۷.
- (۴۶۷) الكافي: ۱/ ۲۰۲/ ۱، كمال الدين: ۶۸۰/ ۳۱، أمالي الصدوق: ۵۴۰/ ۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۲۲۱/ ۱، معاني الأخبار:

- ۱۰۰/۲، تحف العقول: ۴۴۱، الاحتجاج: ۲/۴۴۵/۳۱۰ کلها عن عبد العزيز بن مسلم.
- (۴۶۸) نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۴، المناقب لابن شهر آشوب: ۱/۲۸۵، غرر الحكم: ۲۸۲۶ وفيهما «التمنى لا بهم».
- (۴۶۹) النساء: ۵۹.
- (۴۷۰) النساء: ۸۳.
- (۴۷۱) آل عمران: ۷.
- (۴۷۲) البحار: ۶۹/۷۹/۲۹ نقلاً عن تفسير النعماني.
- (۴۷۳) تفسير العياشي: ۱/۱۶۴/۶، وراجع الكافي: ۱/۲۱۳/۲، تأويل الآيات الظاهرة: ۱۰۷، بصائر الدرجات: ۸/۲۰۴، و: ۲۰۳/۴، تفسير القمي: ۱/۹۶، مجمع البيان: ۲/۷۰۱.
- (۴۷۴) الكافي: ۱/۲۱۳/۱، بصائر الدرجات: ۲۰۴/۵، وذكره أيضاً في: ۷/۲۰۴ عن الإمام الباقر عليه السلام، تفسير العياشي: ۱/۱۶۴/۸، تأويل الآيات الظاهرة: ۱۰۶ کلها عن أبي بصير.
- (۴۷۵) الكافي: ۱/۲۱۳/۳ عن عبد الرحمن بن كثير.
- (۴۷۶) فرائد السمطين: ۱/۴۴/۹ عن ابن عباس.
- (۴۷۷) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲/۶۵۴/۱۱۱۳، شرح الأخبار: ۲/۳۰۹/۶۳۱.
- (۴۷۸) نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۹، غرر الحكم: ۱۰۰۰۵.
- (۴۷۹) الكافي: ۸/۳۲/۵ عن أبي الهيثم بن التيهان.
- (۴۸۰) نزعة الناظر: ۸۵/۲۱.
- (۴۸۱) الكافي: ۱/۲۲۱/۱ عن أبي الجارود.
- (۴۸۲) كمال الدين: ۶۵۳/۱۸ عن جابر، البحار: ۵۲/۳۱۷/۶۶ نقلاً عن العدد القوية.
- (۴۸۳) في بعض نسخ المصدر: «وبيت الرحمة».
- (۴۸۴) اليقين: ۳۱۸، تفسير فرات الكوفي: ۵۲۷/۳۹۵ وفيه «بيت» بدل «نبت» و «ذمته» بدل «حرمة» وكلاهما عن زياد بن المنذر.
- (۴۸۵) جمال الأسبوع: ۲۵۰، مصباح المتجهد: ۳۶۱.
- ولكثره الأحاديث في هذا المضمار راجع إحقاق الحق: ۱۰/۴۰۹ دعاء النبي صلى الله عليه وآله لعلي وفاطمة عليهما السلام ليلة العرس، وفيه «جعل نسلهما مفاتيح الرحمة ومعادن الحكمة»، إقبال الأعمال: ۳/۲۹۹ في دعاء الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «الأئمة ينابيع الحكمة»، الكافي: ۱/۲۰۳/۲ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «إن الله عز وجل... فتح بهم عن باطن ينابيع علمه»، البحار: ۱۰۲/۱۸۹ عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «وأودع قلوبهم ينابيع الحكمة».
- (۴۸۶) نهج البلاغة: الخطبة ۲۳۹، وراجع تحف العقول: ۲۲۷.
- (۴۸۷) نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۷، الكافي: ۸/۳۹۰/۵۸۶ نحوه عن محمد بن الحسين عن أبيه عن جدّه عن أبيه.
- (۴۸۸) الرعد: ۴۳.
- (۴۸۹) شواهد التنزيل: ۱/۴۰۰/۴۲۲.
- (۴۹۰) النمل: ۴۰.
- (۴۹۱) أمالي الصدوق: ۴۵۳/۳.
- (۴۹۲) بصائر الدرجات: ۲۱۶/۲۱ عن سلمان الفارسي.
- (۴۹۳) المناقب لابن شهر آشوب: ۴/۵۲ عن الأصمغ بن نباتة.
- (۴۹۴) المناقب لابن المغازلي: ۳۱۴/۳۵۸، وراجع شواهد التنزيل: ۱/۴۰۲/۴۲۵، ينابيع المودة: ۱/۳۰۵/۱، العدة: ۲۹۰/۴۷۶.
- تفسير العياشي: ۲/۲۲۰/۷۷، المناقب لابن شهر آشوب: ۲/۲۹.
- (۴۹۵) الكافي: ۱/۲۲۹/۶، تفسير العياشي: ۲/۲۲۰/۷۶ كلاهما عن يزيد بن معاوية، بصائر الدرجات: ۲۱۴/۷ عن عبد الرحمن بن

كثير عن الإمام الصادق عليه السلام.

(٤٩٦) النمل: ٤٠.

(٤٩٧) الكافي: ١/ ٢٢٩/ ٥، وذكره أيضًا في: ٣/ ٢٥٧ عن سدير نحوه، بصائر الدرجات: ٢/ ٢١.

(٤٩٨) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ١٤٣/ ١٠، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٣٦٦ مرسلًا.

(٤٩٩) شواهد التنزيل: ١/ ٣٩/ ٢٨ عن أنس.

(٥٠٠) الطبقات الكبرى: ٢/ ٣٣٨، تاريخ الخلفاء: ٢١٨، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢/ ٢١١/ ١٠٣٩، تفسير العياشي: ٢/ ٢٨٣.

٣١/ كلها عن أبي الطفيل، وراجع أمالي الصدوق: ٢٢٧/ ١٣، أمالي المفيد: ١٥٢/ ٣.

(٥٠١) أمالي الطوسي: ٥٢٣/ ١١٥٨، بشارة المصطفى: ٢١٩ كلاهما عن المجاشعي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، الاحتجاج: ١/ ٦١٧.

١٤٠/ ٦١٧ عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، وراجع كتاب سليم ابن قيس: ٢/ ٨٠٢.

(٥٠٢) الكافي: ١/ ٦٤/ ١، الخصال: ٢٥٧/ ١٣١، كمال الدين: ٢٨٤/ ٣٧، تفسير العياشي: ١/ ٢٥٣/ ١٧٧ كلها عن سليم بن قيس الهلالي.

(٥٠٣) حلية الأولياء: ١/ ٦٥، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٣/ ٢٥/ ١٠٤٨، تنابيع المودة: ١/ ٢١٥/ ٢٤.

(٥٠٤) الاحتجاج: ٢/ ٤٧.

(٥٠٥) الكافي: ١/ ٢٢٨/ ٢، بصائر الدرجات: ١٩٣/ ١ كلاهما عن جابر.

(٥٠٦) الكافي: ١/ ٢٢٨/ ١ عن جابر.

(٥٠٧) آل عمران: ٧.

(٥٠٨) تفسير العياشي: ١/ ١١/ ٥، بصائر الدرجات: ٢/ ٢٠٣، وذكره أيضًا في: ٧/ ١٩٦.

(٥٠٩) الكافي: ٧/ ٤٤٢/ ١٥، التهذيب: ٨/ ٢٨٦/ ١٠٥٢، تفسير العياشي: ١/ ١٧/ ١٣.

(٥١٠) البحار: ١٠٢/ ١٨٠ نقلًا عن مصباح الزائر.

(٥١١) الكافي: ١/ ٢٣٠/ ١ عن جابر.

(٥١٢) الكافي: ١/ ٢٣٠/ ٢، بصائر الدرجات: ٢٠٨/ ٢، تأويل الآيات الظاهرة: ٤٧٩ كلها عن هارون ابن الجهم عن رجل من أصحاب

الإمام الصادق عليه السلام.

(٥١٣) الكافي: ١/ ٢٣٠/ ٣، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٤٠٦، إثبات الوصية: ٢٥٤ كلها عن علي بن محمد التوفلي.

(٥١٤) المناقب لابن شهر آشوب: ٢/ ٥٦.

(٥١٥) المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٩٥.

(٥١٦) المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٩٥.

(٥١٧) الخرائج والجرائع: ٢/ ٧٥٣/ ٧٠.

(٥١٨) الكافي: ١/ ٢٨٥/ ٧، وراجع الإرشاد: ٢/ ٢٢٤، دلائل الإمامة: ٣٣٧/ ٢٩٤، قرب الإسناد: ٣٣٩/ ١٢٤٤.

(٥١٩) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ٢٢٨/ ٣.

(٥٢٠) عيبت الجيش تعبئة وتعبئة وتعبئة، إذا هيأت في مواضعه. (الصالح: ٦/ ٢٤١٨).

(٥٢١) إعلام الوري: ٣٤٣، وراجع الناقب في المناقب: ٥٣٨/ ٤٧٨.

(٥٢٢) بصائر الدرجات: ١/ ٣٣٣.

(٥٢٣) الصقالية: جيل حمر الألوان، صهب الشعور، يتأخمون الغزر وبعض جبال الروم، وقيل للرجل الأحمر: فيقلاب تشبهها بهم. (لسان

العرب: ١/ ٥٢٦).

(٥٢٤) الاختصاص: ٢٨٩، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٤٠٨، كشف الغمّة: ٣/ ١٧٩ إلى قوله «كأنه واحد منّا».

(٥٢٥) الكافي: ١/ ٥٠٩/ ١١، روضة الواعظين: ٢٧٣، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٤٢٨ نحوه، الخرائج والجرائع: ١/ ٤٣٦/ ١٤.

كشف الغمّة: ٢/ ٢٠٢، إعلام الوري: ٣٥٦، وراجع بصائر الدرجات: ٣٣٣ باب في الأئمة أنهم يتكلمون الألسن كلها.

- (۵۲۶) المناقب لابن شهر آشوب: ۵۴ / ۲، بصائر الدرجات: ۱۲ / ۳۴۳، كلاهما عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۵۲۷) إنبات الوصية: ۱۶۰، الاختصاص: ۲۹۳ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۵۲۸) بصائر الدرجات: ۲۵ / ۳۴۶، مختصر بصائر الدرجات: ۱۱۴، الخرائج والجرائع: ۴۹ / ۸۳۳ / ۲.
- (۵۲۹) الثاقب في المناقب: ۵۲۲ / ۴۵۵.
- (۵۳۰) دلائل الإمامة: ۳۵۶ / ۴۰۰، وراجع الاختصاص: ۲۹۳، بصائر الدرجات: ۳۴۱ باب أنهم يعرفون منطق الطير.
- (۵۳۱) الرعد: ۳۹.
- (۵۳۲) التوحيد: ۱ / ۳۰۵، أمالي الصدوق: ۱ / ۲۸۰، الاختصاص: ۲۳۵، الاحتجاج: ۱ / ۶۱۰ كلها عن الأصمغ بن نباتة، وراجع تفسير العياشي: ۵۹ / ۲۱۵ / ۲، قرب الإسناد: ۱۲۶۶ / ۳۵۴.
- (۵۳۳) بصائر الدرجات: ۱۲۹ / ۳ عن معاوية بن وهب.
- (۵۳۴) الكافي: ۱۱ / ۵۸۲، ۱ / ۱۱۶، كامل الزيارات: ۱۱۶.
- (۵۳۵) الكافي: ۱ / ۲۶۰، ۱ / ۱۲۹، وذكره أيضًا في: ۴ / ۲۳۰، دلائل الإمامة: ۲۱۸ / ۲۸۰.
- (۵۳۶) يشير عليه السلام بالمعنى إلى قوله تعالى ﴿يَبْيَأُنَا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (الفعل: ۸۹).
- (۵۳۷) الكافي: ۱ / ۲۶۱، ۲ / ۱۲۸، ۵ / ۱۲۸، وذكره أيضًا في: ۶ / ۱۲۸ وفيهما «الأرضين» بدل «الأرض»، وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ۴ / ۲۴۹.
- (۵۳۸) الكافي: ۱ / ۶۱، ۸ / ۱۹۷، ۲ / ۱۹۷، بتأنيع المؤدّة: ۱ / ۸۰ / ۲۰ كلها عن عبد الأعلى بن أعين، وراجع تفسير العياشي: ۵۶ / ۲۶۶ / ۲.
- (۵۳۹) الجن: ۲۶ و ۲۷.
- (۵۴۰) الخرائج والجرائع: ۱ / ۳۴۳ عن محمد بن الفضل الهاشمي.
- (۵۴۱) أي: أقام به وتوطن. (لسان العرب: ۱۳ / ۳۴۳)
- (۵۴۲) كذا في عيون أخبار الرضا عليه السلام، والصحيح «حظي» كما في الغيبة للطوسي. يقال: حظيت المرأة عند زوجها... أي سبغت ودنت من قلبه وأحبتها. (لسان العرب: ۱۴ / ۱۸۵)
- (۵۴۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲ / ۲۲۳، ۴۳ / ۴۳، الغيبة للطوسي: ۸۱ / ۷۴ عن محمد بن عبد الله بن الحسن الأقطس، المناقب لابن شهر آشوب: ۴ / ۳۳۳ كلاهما نحوه.
- (۵۴۴) بصائر الدرجات: ۱۲ / ۲۶۸ عن الأصمغ بن نباتة.
- (۵۴۵) بصائر الدرجات: ۳ / ۲۶۶ عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن الإمام الرضا عليه السلام، وذكره أيضًا في: ۴ / ۲۶۷ عن عثمان بن هارون عن الإمام الباقر عليه السلام، تفسير فرائد الكوفي: ۵۲۷ / ۳۹۶ وفيه «البلايا والتضاييا والوصايا»، اليقين: ۱۲۱ / ۳۱۸ كلاهما عن زياد بن المنذر عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۵۴۶) قال العلامة المجلسي رحمه الله: كان أمير المؤمنين عليه السلام يسميه رُشيد البلايا، وكان قد أُلقي إليه علم البلايا والمنايا، وكان في حياته إذا لقي الرجل قال له: فلان يموت بميتة كذا... إلخ، فيكون كما يقول رُشيد. (مرآة المتقن: ۶ / ۶۸)
- (۵۴۷) الكافي: ۱ / ۱۸۴، ۷ / ۷، بصائر الدرجات: ۱۳ / ۲۶۵، دلائل الإمامة: ۲۷۷ / ۳۲۵، الخرائج والجرائع: ۹ / ۷۱۲ / ۲.
- (۵۴۸) تفسير القمي: ۲ / ۱۰۴، مختصر بصائر الدرجات: ۱۷۴، بصائر الدرجات: ۵ / ۲۶۷.
- (۵۴۹) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲ / ۳۲، ۵۴ عن داود بن سليمان القراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الرضا عليه السلام: ۶۲ / ۱۰۰ عن أحمد بن عامر الطائفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.
- (۵۵۰) الكافي: ۱ / ۲۶۲ / ۶.
- (۵۵۱) بصائر الدرجات: ۶ / ۱۲۶ عن صفوان.
- (۵۵۲) بصائر الدرجات: ۵ / ۱۲۵ عن الفضل بن عمر.

- (٥٥٣) الكافي: ١/ ٢٢٩/ ٣، بصائر الدرجات: ١٩٤/ ١ عن عمرو بن مصعب عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (٥٥٤) مختصر بصائر الدرجات: ١١٣، وراجع بصائر الدرجات: ٢/ ٣٢٥، الخرائج والجرائع: ٢/ ٨٣١/ ٤٧.
- (٥٥٥) بصائر الدرجات: ٥/ ١٤٠.
- (٥٥٦) الاختصاص: ٣٦٤، بصائر الدرجات: ١١/ ٣٩٤ وليس فيه «محمّد بن مسلم» ولعله سقط.
- (٥٥٧) كامل الزيارات: ٣٢٨ عن عبد الله بن بكر الأرجاني.
- (٥٥٨) سنن الترمذي: ٥/ ٦٣٧/ ٣٧٢٢، و: ٦٤٠/ ٣٧٢٩، المستدرک على الصحيحين: ٣/ ١٣٥/ ٤٦٣٠، أسد الغابة: ٤/ ١٠٤، خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للنسائي: ٢٢١/ ١١٩، أمالي الصدوق: ٢٠٢/ ١٣، كلّها عن عبد الله بن عمرو بن هند الحنيلي، وراجع العمدة: ٢٨٣/ ٤٦١، الكافي: ١/ ٦٤/ ١، الاحتجاج: ١/ ٦١٦/ ١٣٩، روضة الواعظين: ٢٠٨، غرر الحكم: ٣٧٧٩ و ٧٢٣٦، المناقب لابن شهر آشوب: ٢/ ٤٥.
- (٥٥٩) الطبقات الكبرى: ٢/ ٣٣٨، الصواعق المحرقة: ١٢٣، تاريخ الخلفاء: ٢٠٢.
- (٥٦٠) المناقب لابن المغازلي: ٢٥٣/ ٣٠٢.
- (٥٦١) نهج البلاغة: الخطبة ٢١٠.
- (٥٦٢) لقمان: ٣٤.
- (٥٦٣) نهج البلاغة: الخطبة ١٢٨.
- (٥٦٤) نهج البلاغة: الخطبة ٢.
- (٥٦٥) مختصر بصائر الدرجات: ٦٣، بصائر الدرجات: ٥١٤/ ٣٤ كلاهما عن جابر بن يزيد، وراجع ٥٦٤/ ٨٤١ من كتابنا هذا.
- (٥٦٦) الاختصاص: ٢٧٩، بصائر الدرجات: ٢٩٥/ ١ كلاهما عن أبي يعقوب الأحول.
- (٥٦٧) المعاسن: ١/ ٣١٦/ ٦٢٩ عن أبي الطفيل، بصائر الدرجات: ٣٦٤/ ١٠ عن أبي المفضل.
- (٥٦٨) في المصدر «كبير» والصحيح ما أنبتناه.
- (٥٦٩) بصائر الدرجات: ٤/ ٣٠٠ عن جابر، الاختصاص: ٢٨٠ نحوه عن جابر بن يزيد.
- (٥٧٠) بصائر الدرجات: ١٠/ ٣٠١ عن محمد بن شريح.
- (٥٧١) قد أنال، أي: أعطى وأفاد في الناس العلوم الكثيرة وفزّحها في الناس يمينًا وشمالًا، وفي سائر الجهات لكلّ من سأله... والعروة: ما يتمسك به من الحبل وغيره. والأواخي جمع الأخيّة بفتح الهمزة وكسر الغاء وتشديد الياء وقد يخفّف: عود في الحائط يدلّ من طرفاه ويبرز وسطه وتشدّ فيه الدابة، أي عندنا ما يشدّ به العلم ويحفظ عن الضياع والتفرّق والنشّت. (البحار: ٣٦/ ٣١)
- (٥٧٢) الاختصاص: ٣٠٨، بصائر الدرجات: ٣٦٣/ ٦ كلاهما عن محمد بن مسلم.
- (٥٧٣) الكافي: ١/ ٢٣١/ ٢، بصائر الدرجات: ١٨٣/ ٣٢، إعلام الوری: ٢٧٧ كلّها عن أبي حمزة الثمالي.
- (٥٧٤) الأعلى: ١٩.
- (٥٧٥) الكافي: ١/ ٢٢٥/ ٥، بصائر الدرجات: ١٣٦/ ٥.
- (٥٧٦) الكافي: ١/ ٢٢٧/ ١ عن هشام بن الحكم.
- (٥٧٧) الغيبة للنعمانی: ٢/ ٣٢٥، رجال الكشي: ٢/ ٦٤٣/ ٦٦٣ كلاهما عن الفيض بن المختار.
- (٥٧٨) الأنبياء: ١٠٥.
- (٥٧٩) المراد بالذكر المحفوظ عند الله تعالى كما قال سبحانه: ﴿وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾. (مرآة العقول: ٣/ ٢١)
- (٥٨٠) الكافي: ١/ ٢٢٥/ ٦، بصائر الدرجات: ١٣٦/ ٦.
- (٥٨١) الإمامة والتبصرة: ١٧٤/ ٢٨، مدينة المعاجز: ٢/ ٢٤٨/ ٥٢٩، بصائر الدرجات: ١٦٣/ ٤ وفيهما «حتى ملأ أكارعه».
- (٥٨٢) أدب الإملاء والاستملاء للسمعاني: ١٢.
- (٥٨٣) الاختصاص: ٢٧٥ عن حنان بن سدير.

- (۵۸۴) الاحتجاج: ۲/ ۶۳/ ۱۵۵ عن ابن عباس.
- (۵۸۵) العلل لابن حنبل: ۱/ ۳۴۶/ ۶۳۹.
- (۵۸۶) بصائر الدرجات: ۵/ ۱۶۴، وذكره أيضًا في: ۱۴۸/ ۶ من دون «والهرش» كلاهما عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۵۸۷) أمالي الصدوق: ۱/ ۳۲۷، كمال الدين: ۲۰۶/ ۲۱، بصائر الدرجات: ۱۶۷/ ۲۲ کلّها عن أبي الطفيل.
- (۵۸۸) رجال النجاشي: ۲/ ۲۶۱/ ۹۶۷.
- (۵۸۹) الكافي: ۳/ ۵۰۵/ ۱۷ عن أبي حمزة.
- (۵۹۰) التهذيب: ۹/ ۲۴۷/ ۹۵۹.
- (۵۹۱) هو زياد بن المنذر الهمداني الأعمى، عدّه الشيخ الطوسي في أصحاب الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام، وراجع قاموس الرجال: ۴/ ۵۲۰، معجم رجال الحديث: ۷/ ۳۲۱.
- (۵۹۲) الكافي: ۱/ ۳۰۳/ ۱، بصائر الدرجات: ۱۴۸/ ۹، الإمامة والتبصرة: ۱۹۷/ ۵۱ وفيهما «وصيّة ظاهرة ووصيّة باطنة».
- (۵۹۳) البيّنة: ۷.
- (۵۹۴) أمالي الطوسي: ۴۰۵/ ۹۰۹، وراجع تأويل الآيات الظاهرة: ۸۰۱، البرهان: ۴/ ۴۹۰/ ۲.
- (۵۹۵) الكافي: ۱/ ۲۴۱/ ۶ عن بكر بن كرب الصيرفي.
- (۵۹۶) الغيبة للنعمان: ۵۴/ ۴ عن يونس بن يعقوب.
- (۵۹۷) هو محمّد بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن أمير المؤمنين عليّ عليه السلام.
- (۵۹۸) الكافي: ۸/ ۳۹۵/ ۵۹۴، بصائر الدرجات: ۱۶۸/ ۱ وفيه «محمّد بن عبد الله بن حسن».
- (۵۹۹) الكافي: ۳/ ۱۷۵/ ۶، الاستبصار: ۱/ ۴۷۲/ ۱۸۲۶.
- (۶۰۰) الكافي: ۱/ ۲۳۹/ ۱.
- (۶۰۱) بصائر الدرجات: ۱۵۹/ ۲۷ عن أبي حمزة.
- (۶۰۲) بصائر الدرجات: ۱۷۰/ ۷.
- (۶۰۳) الكافي: ۱/ ۲۴۰/ ۲، بصائر الدرجات: ۱۵۷/ ۱۸، وراجع الكافي: ۱/ ۲۳۸ باب فيه ذكر الصحيفة والجفر والجامعة ومصحف فاطمة عليها السلام، بصائر الدرجات: ۱۴۲ باب ۱۲ في أنّ الأئمة عندهم الصحيفة الجامعة التي هي إملاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط عليّ عليه السلام بيده وهي سبعون ذراعًا، و: ص ۱۴۷ باب ۱۳ آخر فيه أمر الكتب، و: ص ۱۵۰ باب ۱۴ في الأئمة عليهم السلام أنّهم أعطوا الجفر والجامعة ومصحف فاطمة عليها السلام، البحار: ۲۶/ ۱۸ باب ۱ جهات علومهم عليهم السلام وما عندهم من الكتب وأنّه يُنقَر في آذانهم ويُنكت في قلوبهم، روضة الواعظين: ۲۳۲.
- (۶۰۴) الكافي: ۱/ ۲۳۹/ ۱، بصائر الدرجات: ۱۴۳/ ۴ إلى «في الخدش».
- (۶۰۵) الأديب: الجلد. والفالح: الجمل الضخم ذو السنّتين. (لسان العرب: ۱۲/ ۹، و: ۲۱/ ۳۴۶).
- (۶۰۶) الكافي: ۱/ ۲۴۱/ ۵، بصائر الدرجات: ۱۵۳/ ۶.
- (۶۰۷) هو عبد الله بن شبرمة، كان قاضيًا على الكوفة للمنصور، وكان يعمل بالقياس.
- (۶۰۸) الكافي: ۱/ ۵۷/ ۱۴، بصائر الدرجات: ۱۴۶/ ۲۳ وذكره أيضًا في: ۱۵۰/ ۱۶ کلّها عن أبي شيبه، وراجع الكافي: ۱/ ۲۳۸ باب فيه ذكر الصحيفة والجفر والجامعة ومصحف فاطمة عليها السلام، البحار: ۲۶/ ۱۸ باب جهات علومهم عليهم السلام وما عندهم من الكتب وأنّه يُنقَر في آذانهم ويُنكت في قلوبهم، وذكره أيضًا في: ۱۸۷/ ۲۵، كشف الغتة: ۲/ ۳۸۱، مختصر بصائر الدرجات: ۵۷، الاحتجاج: ۲/ ۶۳، كمال الدين: ۳۵۲/ ۵۰، علل الشرايع: ۱۷۱، بصائر الدرجات: ۱۶۲/ ۱، و: ۱۴۳/ ۵، و: ۱۴۴/ ۹، ينابيع المودة: ۳/ ۱۹۹، إحقاق الحق: ۸/ ۲۰، التهذيب: ۹/ ۲۷۲/ ۹۸۴.
- (۶۰۹) راجع مكاتيب الرسول للأحمدي المياني: ۱/ ۸۹، تدوين السنّة الشريفة للجلاليّ الحسيني: ۱/ ۶۲-۷۷، أعيان الشيعة: ۱/ ۹۴، الإمامة وأهل البيت للدكتور محمّد يتومي مهران: ۱/ ۲۶۵-۲۶۸.

- (۶۱۰) الكافي: ۱/ ۲۳۹/ ۱.
- (۶۱۱) الكافي: ۱/ ۲۴۰/ ۳، بصائر الدرجات: ۱/ ۱۵۰.
- (۶۱۲) الفقيه: ۴/ ۴۱۹/ ۵۹۱۴، عن الحسن بن فضال.
- (۶۱۳) الجمعة: ۴، الحديد: ۲۱.
- (۶۱۴) الكافي: ۱/ ۲۰۲/ ۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۲۲۱/ ۱، معاني الأخبار: ۱۰۱/ ۲، كمال الدين: ۳۱/ ۶۸۰، الاحتجاج: ۲/ ۴۴۶، كلها عن عبد العزيز بن مسلم.
- (۶۱۵) الكافي: ۱/ ۲۶۴/ ۲، بصائر الدرجات: ۵/ ۳۲۷.
- (۶۱۶) أمالي الطوسي: ۴۰۸/ ۹۱۶، بصائر الدرجات: ۱/ ۳۱۶، وذكره أيضًا في: ح ۲ عن أبي بصير.
- (۶۱۷) أمالي الطوسي: ۴۰۷/ ۹۱۴، وراجع رجال الكشي: ۱/ ۶۴/ ۳۶، بصائر الدرجات: ۴/ ۳۲۲، الخرائج والجرائح: ۲/ ۸۳۰/ ۴۶.
- (۶۱۸) الاختصاص: ۳۲۸، وراجع بصائر الدرجات: ۱/ ۳۶۸، عن يزيد العجلي عن الإمام الصادق عليه السلام، مختصر بصائر الدرجات: ۱۱۴، الخرائج والجرائح: ۲/ ۸۲۳/ ۴۷، تأويل الآيات الظاهرة: ۳۴۲.
- (۶۱۹) الاختصاص: ۲۸۶، بصائر الدرجات: ۱۰/ ۳۱۷.
- (۶۲۰) الكافي: ۱/ ۲۶۴/ ۱، عن علي السائي، وذكره أيضًا في: ۸/ ۱۲۵/ ۹۵، عن علي بن سويد، بصائر الدرجات: ۳/ ۳۱۹، عن علي السائي، وذكره أيضًا في: ۱/ ۳۱۸، عن علي السائي عن الإمام الصادق عليه السلام، دلائل الإمامة: ۵۲۴/ ۴۹۵، عن علي بن محمد السري عن الإمام المهدي عليه السلام.
- (۶۲۱) الكافي: ۱/ ۲۶۴/ ۳، بصائر الدرجات: ۲/ ۳۱۸، عن محمد بن الفضل أو عن رواء عنه، وراجع الكافي: ۱/ ۲۷۱، باب فيه ذكر الأرواح التي في الأئمة عليه السلام، و: ص ۲۷۳، باب الروح التي يستد الله بها الأئمة عليه السلام، و: ص ۳۹۷، باب في الأئمة عليه السلام أنهم إذا ظهر أمرهم حكموا بحكم داود وآل داود ولا يسألون البيعة، بصائر الدرجات: ۳۱۶، باب ۳، ما يفعل بالإمام من النكت والقذف والنقر في قلوبهم وأذانهم، و: ص ۳۱۸، باب ۴، فيه تفسير الأئمة لوجوه علومهم الثلاثة وتأويل ذلك، و: ص ۳۲۱، باب ۶، في أن المحدث كيف صفته وكيف يصنع به وكيف يحدث الأئمة، و: ص ۴۴۵، باب ۱۴، ما جعل الله في الأنبياء والأوصياء والمؤمنين وسائر الناس من الأرواح، وأنه أفضل الأنبياء والأئمة من آل محمد بروح القدس، وذكر الأرواح الخمس، و: ص ۴۵۱، باب ۱۵، في الأئمة عليه السلام أن روح القدس يتلقاهم إذا احتاجوا إليه، و: ص ۴۵۸، باب ۱۷، ما يسأل العالم عن العلم الذي يحدث به من صحف عندهم ازداده أو رواية فأخبر بسر وأن ذلك من الروح، البحار: ۲۵/ ۴۷، باب ۳، الأرواح التي فيهم وأنهم مؤيدون بروح القدس ونور إنا أنزلناه في ليلة القدر وبيان نزول السورة فيهم عليه السلام، و: ص ۳۶۲، باب ۱۳، غرائب أفعالهم وأحوالهم ووجوب التسليم لهم في جميع ذلك، و: ۴۰/ ۱۲۷، باب ۹۳، علمه عليه السلام، وأن النبي صلى الله عليه وآله وسلم علمه ألف باب وأنه كان محدثًا، البحار: ۲۳/ ۱۹/ ۱۴، و: ۲۶/ ۵/ ۱، و: ۴۶/ ۲۵۵/ ۵۴، و: ۴۷/ ۳۳/ ۳۰، و: ۶۱/ ۱۸۲/ ۴۴، الاختصاص: ۲۸۶ و ۲۸۷، أمالي الطوسي: ۴۰۸/ ۹۱۵ و ۹۱۶، الخرائج والجرائح: ۱/ ۲۸۸/ ۲۲، و: ۲/ ۸۹۴.
- (۶۲۲) الكافي: ۱/ ۲۵۸/ ۱، وذكره أيضًا في: ح ۲ وفيه «أعلم» بدل «علم»، بصائر الدرجات: ۳/ ۳۱۵، كلها عن أبي الربيع، وذكره أيضًا في: ح ۲ عن يزيد بن فرقد النهدي.
- (۶۲۳) الكافي: ۱/ ۲۵۷/ ۴، بصائر الدرجات: ۴/ ۳۱۵، الاختصاص: ۲۸۶.
- (۶۲۴) كشف الغمّة: ۲/ ۱۷۷، عن فتح بن يزيد الجرجاني.
- (۶۲۵) الخصال: ۵۲۸/ ۳.
- (۶۲۶) الكافي: ۱/ ۲۵۶/ ۱.
- (۶۲۷) الكافي: ۱/ ۲۵۵/ ۳، الاختصاص: ۳۱۲، بصائر الدرجات: ۸/ ۳۹۴.
- (۶۲۸) أمالي الطوسي: ۴۰۹/ ۹۲۰، الاختصاص: ۳۱۳، بصائر الدرجات: ۳/ ۳۹۲.
- (۶۲۹) أمالي الطوسي: ۴۰۹/ ۹۱۹.



- (۶۳۰) الکافی: ۱/ ۲۵۵/ ۴، الاختصاص: ۳۱۳، بصائر الدرجات: ۲/ ۳۹۲ کلها عن یونس بن عبدالرحمن عن بعض أصحابه.
- (۶۳۱) الاختصاص: ۳۱۳، بصائر الدرجات: ۵/ ۳۹۳، وراجع الکافی: ۱/ ۲۵۴ باب لو لا أنَّ الأئمة علیهم السلام یزادون لنفد ما عندهم، الاختصاص: ۳۱۳، ۳۱۴، البحار: ۲۶/ ۸۶ باب أنَّهم یزادون...
- (۶۳۲) الکافی: ۲/ ۲۱/ ۱۰.
- (۶۳۳) الکافی: ۲/ ۳۸/ ۵.
- (۶۳۴) الکافی: ۲/ ۲۲/ ۱۱.
- (۶۳۵) التزّه: التباعد، ونازه النفس عن متکرم یحلّ وحدّه ولا یخالط، والاسم التزّه - بالضم -، (القاموس المحيط: ۴/ ۲۹۴).
- (۶۳۶) الکافی: ۲/ ۲۳/ ۱۴.
- (۶۳۷) المحاسن: ۱/ ۴۵۰/ ۱۰۳۷، شرح الأخبار: ۱/ ۲۲۴/ ۲۰۹ وفيه «وأنَّ محمدًا رسول الله والطهارة والصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان وحجّ البيت الحرام لمن استطاع إليه سبیلًا والجهاد لمن قدر علیه والالتزام مع ذلك بأئمة الحقّ...».
- (۶۳۸) فصلت: ۴۲.
- (۶۳۹) تحف العقول: ۴۱۵.
- (۶۴۰) أمالي الصدوق: ۲۷۸/ ۲۴، التوحید: ۸۱/ ۳۷، کمال الدین: ۳۷۹، روضة الواعظین: ۳۹، کفاية الآخر: ۲۸۲، وراجع صفات الشيعة: ۱۲۷/ ۶۸.
- (۶۴۱) الکافی: ۲/ ۲۳۶/ ۲۴ عن أبي المقدم عن الإمام الباقر علیهما السلام، وراجع الخصال: ۳۹۷/ ۱۰۴، صفات الشيعة: ۹۱/ ۲۳، تحف العقول: ۳۰۰، مشکاة الأنوار: ۶، التمهيد: ۶۹/ ۱۶۸، شرح الأخبار: ۳/ ۵۰۴/ ۱۴۴۹.
- (۶۴۲) مطالب السؤل: ۵۴ عن نوف البکالي.
- (۶۴۳) أمالي الطوسي: ۵۷۶/ ۱۱۸۹.
- (۶۴۴) صفات الشيعة: ۱۱۸/ ۶۳.
- (۶۴۵) الخصال: ۱۰۳/ ۶۲ عن الليثي، روضة الواعظین: ۳۲۱ وفيها «عند عدونا»، وما أثبتناه لما في سائر المصادر، مشکاة الأنوار: ۷۸، قرب الإسناد: ۷۸/ ۲۵۳.
- (۶۴۶) صفات الشيعة: ۸۹/ ۲۱، الکافی: ۲/ ۲۳۳/ ۹ وفي صدره «إنما شيعة علي»، الخصال: ۲۹۶/ ۶۳ کلها عن المفضل بن عمر.
- (۶۴۷) صفات الشيعة: ۹۵/ ۳۲ عن مسعدة بن صدقة.
- (۶۴۸) صفات الشيعة: ۸۱/ ۱ عن أبي بصير.
- (۶۴۹) تحف العقول: ۳۰۳.
- (۶۵۰) الخصال: ۱۰۳/ ۶۱، أعلام الدین: ۱۳۰ كلاهما عن معاوية بن وهب، روضة الواعظین: ۳۲۱، مشکاة الأنوار: ۷۸.
- (۶۵۱) تحف العقول: ۵۱۴ عن المفضل.
- (۶۵۲) سدير بن حکيم بن صهيب الصيرفي عن أصحاب السجّاد والباقر والصادق علیهم السلام، (رجال الطوسي).
- (۶۵۳) تحف العقول: ۳۲۵.
- (۶۵۴) الإنسان: ۸ و ۹.
- (۶۵۵) الحشر: ۹.
- (۶۵۶) يعني: سورة الإنسان.
- (۶۵۷) الکشف: ۴/ ۱۶۹، وراجع كشف الغتة: ۱/ ۳۰۲.
- (۶۵۸) مجمع البيان: ۱۰/ ۶۱۲، تفسير القمي: ۲/ ۳۹۸ وفيه «رحمکم الله أطعمونا منّا رزقکم الله» كلاهما عن عبدالله بن میمون القداح.
- (۶۵۹) أمالي الصدوق: ۲۱۵ عن مسلمة بن خالد عن الإمام الصادق علیهما السلام.
- (۶۶۰) الحريرة: الحساء من الدسم والدقيق، (لسان العرب: ۴/ ۱۸۴).

- (٦٦١) مجمع البيان: ١٠/٦١٢.
- (٦٦٢) شواهد التنزيل: ٢/٣٣٢/٩٧٣.
- (٦٦٣) أمالي الطوسي: ٣٠٩/١٨٥، وراجع تأويل الآيات الظاهرة: ٦٥٣، شواهد التنزيل: ٢/٩٧٢/٣٣١، المناقب لابن شهر آشوب: ٢/٧٤.
- (٦٦٤) السمل: الخلق من الثياب، (النهاية: ٢/٤٠٣).
- (٦٦٥) وفي المصدر «سلمتك» والصحيح ما أثبتناه في المتن.
- (٦٦٦) تأويل الآيات الظاهرة: ٦٥٥ عن جابر بن يزيد.
- (٦٦٧) البقرة: ٢٠٧.
- (٦٦٨) أسد الغابة: ٤/٩٨، العمد: ٢٣٩/٣٦٧، تذكرة الخواص: ٣٥ نقلًا عن تفسير الثعلبي عن ابن عباس، وراجع شواهد التنزيل: ١/١٢٣ - ١٣٢، إرشاد القلوب: ٢٢٤، ينابيع المودة: ١/٢٧٤/٣، الصراط المستقيم: ١/١٧٤، تنبيه الخواطر: ١/١٧٣.
- (٦٦٩) كذا في المتن، والأنسب: أخيرك.
- (٦٧٠) المعجم الكبير: ١٢/٢٦٧/١٣٣٠٩ عن ابن عمر.
- (٦٧١) الكافي: ٨/١٣٠/١٠٠، أمالي الطوسي: ٦٩٢/١٤٧٠ كلاهما عن محمد بن مسلم.
- (٦٧٢) الكافي: ٨/١٣١/١٠١ عن علي بن المغيرة، وراجع الكافي: ٦/٢٧٠، المحاسن: ٢/٢٤٤ باب الأكل متكئا.
- (٦٧٣) الطبقات الكبرى: ١/٣٧٠.
- (٦٧٤) الطبقات الكبرى: ١/٢٥٥.
- (٦٧٥) سنن النسائي: ٨/١٠١، مكارم الأخلاق: ١/٤٨/٨.
- (٦٧٦) القديد: اللبم المملوح المجفف بالشمس، (السان العرب: ٢/٣٤٤).
- (٦٧٧) سنن ابن ماجه: ٢/١١٠٠/٣٣١٢، مكارم الأخلاق: ١/٤٨/٧ نحوه وفيه «القَدْ» بدل «القديد».
- (٦٧٨) سنن أبي داود: ٤/٢٥٤/٤٨٠٦، الأديب المغربي: ٢٢١/٧٢، وراجع مسند ابن حنبل: ٥/٤٩٨/١٦٣٠٧، و: ٤٩٩/١٦٣١١ و ١٦٣١٦، كشف الغطاء: ١/٤٦٢/١٥٨٤.
- (٦٧٩) الكافي: ٦/٢٧٢/٨ عن المعلى بن خنيس.
- (٦٨٠) القصص: ٨٣.
- (٦٨١) فضائل الصحابة لابن حنبل: ٢/٦٢١/١٠٦٤.
- (٦٨٢) الكافي: ٦/٥٤٠/١٦ هشام بن سالم، وراجع تحف العقول: ٢٠٩.
- (٦٨٣) النحل: ٢٣.
- (٦٨٤) تفسير الطبري: ٨/جزء ١٤/٩٤، العمد: ٤٠٠/٨١٢.
- (٦٨٥) المناقب لابن شهر آشوب: ٤/٢٣.
- (٦٨٦) أهل الصلّة هم فقراء المهاجرين، ومن لم يكن له منزل يسكنه، فكانوا يأوون إلى موضع مظلل في مسجد المدينة يسكنونه، (النهاية: ٣/٣٧).
- (٦٨٧) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ١٥١/١٩٦، تفسير العياشي: ٢/٢٥٧/١٥ نحوه عن مسعدة.
- (٦٨٨) الكافي: ٦/٥٠٣/٣٧.
- (٦٨٩) المناقب لابن شهر آشوب: ٤/٣٦٢.
- (٦٩٠) تحف العقول: ٢٨.
- (٦٩١) الصخب والسخب: الضجة واضطراب الأصوات للخصام، (النهاية: ٢/١٤).
- (٦٩٢) سنن الترمذي: ٤/٣٦٩/٢٠١٦، مسند ابن حنبل: ٩/٥٣٢/٢٥٤٧٢، وذكر أيضًا في: ١٠/٧٥/٢٦٠٤٩، و: ٩٤/٢٦١٥٠.

- (۶۹۳) صحیح البخاری: ۶/ ۲۵۳۹ / ۶۵۳۰، و أيضًا في: ۳/ ۱۲۸۲ / ۳۲۹۰، صحيح مسلم: ۳/ ۱۴۱۷ / ۱۷۹۲، سنن ابن ماجه: ۲/ ۱۳۳۵ / ۴۰۲۵، مسند ابن حنبل: ۲/ ۱۲۵ / ۴۱۰۷ نحوه.
- (۶۹۴) الكافي: ۲/ ۱۰۸ / ۹ عن زرارة.
- (۶۹۵) الجمل: ۳۶۵، وراجع مروج الذهب: ۲/ ۳۷۸، الأخبار الطوال: ۱۵۱، تاريخ يعقوبي: ۲/ ۱۸۳، شرح الأخبار: ۱/ ۳۹۵ / ۳۳۴.
- (۶۹۶) أنساب الأشراف: ۲/ ۲۶۴ / ۳۳۷.
- (۶۹۷) الإرشاد: ۱/ ۲۵۷، وراجع الجمل: ۴۰۷ عن الحارث بن سريع.
- (۶۹۸) السنن الكبرى: ۸/ ۳۱۴ / ۱۶۷۴۶ عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، المبسوط: ۷/ ۲۶۴ عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام وفيه «يدنف» بدل «يدفف»، وذُفِّفَ على الجريح: أجهز عليه. (أساس البلاغة للزمخشري: ۱۴۳)
- (۶۹۹) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۱/ ۲۲ و ۲۳.
- (۷۰۰) أسد الغابة: ۴/ ۱۱۳، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۳/ ۳۰۰ / ۱۴۰۰ كلاهما عن محمد بن سعد، أنساب الأشراف: ۲/ ۴۹۵ / ۵۲۹، الإمامة والسياسة: ۱/ ۱۸۱ وفي ذيلهما «ولا تعتدوا، إن الله لا يحب المعتدين».
- (۷۰۱) السنن الكبرى: ۸/ ۳۱۷ / ۱۶۷۵۹ عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۳/ ۲۹۷ / ۱۳۹۸ ذكره إلى «استندت» عن ابن عياض عن الإمام الصادق عليه السلام، الاستيعاب: ۳/ ۲۱۹ نحوه، المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۳۱۲ مرسلًا نحوه، الجعفریات: ۵۳ نحوه وذكره إلى «استندت» عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد: ۱۴۳ / ۵۱۵ عن أبي البختری عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۷۰۲) آل عمران: ۱۳۴.
- (۷۰۳) الفرج بعد الشدة: ۱/ ۱۰۱.
- (۷۰۴) تاريخ الطبري: ۵/ ۴۲۷، إعلام الوری: ۲۳۹ نحوه.
- (۷۰۵) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام زين العابدين عليه السلام»: ۵۸ / ۸۹، أمالي الصدوق: ۱۶۸ / ۱۲، الإرشاد: ۲/ ۱۴۶، مجمع البيان: ۲/ ۸۳۸، إعلام الوری: ۲۵۶، كشف الغمة: ۲/ ۲۹۹ عن الزهري، شرح الأخبار: ۳/ ۲۵۹ / ۱۱۶۱، روضة الواعظین: ۲۲۰، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۵۷.
- (۷۰۶) عوالي اللآلي: ۱/ ۴۰۴ / ۶۳، و: ۲/ ۱۱ / ۱۸، شرح نهج البلاغة لابن ميشم البحراني: ۵/ ۳۶۱ وفيه: «ما عبدتك خوفًا من عقابك ولا طمعًا في ثوابك بل...»، شرح مائة كلمة لأمر المؤمنين عليه السلام: ۲۳۵.
- (۷۰۷) نهج البلاغة: الحكمة ۲۳۷، تحف العقول: ۲۴۶ عن الإمام الحسين عليه السلام وزاد في آخره «وهي أفضل العبادة»، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام زين العابدين عليه السلام»: ۱۱۱ / ۱۴۱، حلية الأولياء: ۳/ ۱۳۴ كلاهما عن إبراهيم العلوي عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام زين العابدين عليه السلام.
- (۷۰۸) الكافي: ۲/ ۸۴ / ۵ عن هارون بن خارجة.
- (۷۰۹) التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ۳۲۸ / ۱۸۰.
- (۷۱۰) الكافي: ۲/ ۹۵ / ۶ عن أبي بصير، وراجع الاحتجاج: ۱/ ۵۲۰، والآية ۱ و ۲ من سورة طه.
- (۷۱۱) صحيح البخاري: ۴/ ۱۸۳۰ / ۴۵۵۷، صحيح مسلم: ۴/ ۲۱۷۲ / ۲۸۲۰، وراجع صحيح البخاري: ۱/ ۱۰۷۸ / ۲۸۰، و: ۵/ ۲۳۷۵ / ۶۱۰۶، و: ۴/ ۱۸۳۰ / ۴۵۵۶، صحيح مسلم: ۴/ ۲۱۷۱ / ۲۸۱۹، سنن الترمذي: ۲/ ۲۶۸ / ۴۱۲، سنن ابن ماجه: ۱/ ۴۵۶ / ۱۴۱۹، سنن النسائي: ۳/ ۲۱۹، مسند ابن حنبل: ۶/ ۳۴۸ / ۱۸۲۶۶، الزهد لابن المبارك: ۳۵ / ۱۰۷، عيون الأخبار لابن قتيبة: ۲/ ۲۹۸، السنن الكبرى: ۳/ ۲۴ / ۴۷۳۱ كلها عن المغيرة، تاريخ بغداد: ۴/ ۳۳۱ عن أنس، و: ۷/ ۲۶۵ عن أبي جعيفة، فتح الأبواب: ۱۷۰ عن الزهري عن علي بن الحسين عليه السلام.
- (۷۱۲) أمالي الطوسي: ۴۰۳ / ۹۰۳.
- (۷۱۳) الكافي: ۳/ ۴۴۳ / ۳، التهذيب: ۲/ ۴ / ۳، الاستبصار: ۱/ ۲۱۸ / ۷۷۰۳ كلها عن الفضيل بن يسار والفضل بن عبد الملك وبكير.

- (۷۱۴) صحيح مسلم: ۱/ ۵۰۴/ ۱۰۵، سنن الترمذي: ۲/ ۲۳/ ۳۷۵، سنن ابن ماجه: ۱/ ۳۸۸/ ۱۲۲۸، سنن النسائي: ۳/ ۲۱۹، مسند ابن حنبل: ۹/ ۳۹۳/ ۲۴۷۲۳ و: ۳۹۷/ ۲۴۷۴۳، المستدرک على الصحيحين: ۱/ ۳۹۷/ ۹۷۶.
- (۷۱۵) مسند أبي يعلى: ۴/ ۴۶۶/ ۴۹۱۸، والآية ۲ من سورة المزمّل.
- (۷۱۶) صحيح مسلم: ۱/ ۲۸۲/ ۱۱۷، سنن الترمذي: ۵/ ۴۶۳/ ۳۳۸۴، سنن أبي داود: ۱/ ۵/ ۱۸، سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۱۰/ ۳۰۲، مسند ابن حنبل: ۹/ ۳۴۲/ ۲۴۴۶۴ و: ۱۰/ ۱۵۱/ ۲۶۴۳۶، مسند أبي يعلى: ۴/ ۳۶۳/ ۶۸۰.
- (۷۱۷) صحيح البخاري: ۵/ ۲۰۵۱/ ۵۰۴۷، صحيح مسلم: ۴/ ۲۰۹۱/ ۲۷۲۷، مسند الحميدي: ۱/ ۲۴/ ۱۳، تاريخ بغداد: ۳/ ۲۴/ ۲۴ کلها عن عبد الرحمن بن أبي ليلى، مسند ابن حنبل: ۱/ ۳۲۲/ ۱۳۱۲ عن ابن أعبد.
- (۷۱۸) أمالي الصدوق: ۷۲/ ۹، روضة الواعظين: ۱۲۵، المناقب لابن شهر آشوب: ۲/ ۱۲۴ وفيه «أعبد الناس علي بن أبي طالب عليه السلام».
- (۷۱۹) آل عمران: ۱۹۰.
- (۷۲۰) فلاح السائل: ۲۶۶.
- (۷۲۱) حلية الأولياء: ۱/ ۸۴، وراجع الصواعق المحرقة: ۱۳۱، مروج الذهب: ۲/ ۴۳۳، الاستيعاب: ۳/ ۲۰۹، خصائص الأئمة عليه السلام: ۷۰، كنز القوائد: ۲/ ۱۰۳، المناقب لابن شهر آشوب: ۲/ ۱۰۳، نهج البلاغة: الحكمة ۷۷، الفصول المهمة: ۱۲۷.
- (۷۲۲) دلائل الإمامة: ۱۵۲/ ۶۵، علل الشرائع: ۱۸۱/ ۱، كشف الغمّة: ۲/ ۹۴، ضيافة الإخوان: ۲۶۵ کلها عن فاطمة الصغرى عن الإمام الحسين عليه السلام.
- (۷۲۳) المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۳۴۱، ربيع الأبرار: ۲/ ۱۰۴.
- (۷۲۴) تاريخ الطبري: ۵/ ۴۷۵، مقتل الحسين لأبي مخنف: ۲۴۷ عن عبد الملك بن نوفل.
- (۷۲۵) تاريخ يعقوبي: ۲/ ۲۴۷، العقد الفريد: ۲/ ۳۴۳ وفيه «قتل لمحمد بن علي بن الحسين أو لعلي بن الحسين عليه السلام ما أقل ولد أبيك...»، فلاح السائل: ۲۶۹.
- (۷۲۶) مضى علي بن الحسين عليه السلام في عام خمسة وتسعين من الهجرة، وكان مولد جعفر بن محمد سنة ثلاث وثمانين من الهجرة، فكان مقامه مع جدّه أثنى عشرة سنة. (راجع تاريخ أهل بيت: ۷۷ و ۸۱)
- (۷۲۷) دأب في العمل: إذا جدّ وتعب. (النهاية: ۲/ ۱۵۵)
- (۷۲۸) المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۵۵ عن معتب.
- (۷۲۹) الكافي: ۸/ ۱۶۳/ ۱۷۲ عن سلمة بن يحيى السابري.
- (۷۳۰) إضافة من عندنا يقتضيها السياق.
- (۷۳۱) أي: عمل في هلاكك. (راجع لسان العرب: ۷/ ۳۳۸)
- (۷۳۲) اللأواء: المشقة والشدة. (لسان العرب: ۱۵/ ۲۳۸)
- (۷۳۳) أمالي الطوسي: ۶۳۶/ ۱۳۱۴، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۴۸ مختصراً، بشاره المصطفى: ۶۶ عن عمر بن عبدالله بن هند الجملي عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۷۳۴) قرب الإسناد: ۵/ ۱۵ عن مسعدة بن صدقة.
- (۷۳۵) الكافي: ۳/ ۳۲۳/ ۹ عن إسحاق بن عمار.
- (۷۳۶) الكافي: ۲/ ۴۹۹/ ۱ عن ابن القدّاح.
- (۷۳۷) كذا في المصدر والظاهر «عظم الذنب...» وفي المناقب لابن شهر آشوب (۴/ ۳۱۸) قبح الذنب من عبدك.
- (۷۳۸) تاريخ بغداد: ۱۳/ ۲۷.
- (۷۳۹) الكافي: ۲/ ۶۰۶/ ۱۰.
- (۷۴۰) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۹۵، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۳۱۸ عن اليوناني إلى قوله: «بعد انقضاء الشمس إلى وقت الزوال».

- (۷۴۱) عیون أخبار الرضا  $\text{عليه السلام}$ : ۲/ ۱۸۳/ ۶.
- (۷۴۲) تاریخ بغداد: ۱۲/ ۳۷۲ عن أنس بن مالك، المعجم الكبير: ۲۰/ ۴۲۰/ ۱۰۱۲ عن المغيرة.
- (۷۴۳) حلیة الأولیاء: ۷/ ۱۱۲، تاریخ بغداد: ۱۰/ ۹۴ وفيه «ذاکرین... مصلّین» بدل «ذاکرون ومصلّون».
- (۷۴۴) حلیة الأولیاء: ۵/ ۱۴۸.
- (۷۴۵) عدّة الداعي: ۱۳۹، عوالي اللآلی: ۱/ ۳۲۴/ ۶۱ وزاد في آخره «شغلًا بالله عن كل شيء».
- (۷۴۶) أي: خنين من الخوف، وهو صوت البكاء. وقيل: هو أن يجيش جوفه ويفلّي بالبكاء. (النهاية: ۱/ ۴۵)
- (۷۴۷) عیون أخبار الرضا: ۲/ ۲۹۹، الخصال: ۲۸۲ عن عبدالله بن حامد رفعه إلى بعض الصالحين عن النبي  $\text{عليه السلام}$ : إنه كان إذا صلى سمع لصدرة وجوفه أزيز كأزيز المرجل من الهيبة، الاحتجاج: ۱/ ۱۲۷/ ۵۱۹ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي  $\text{عليه السلام}$ ، فلاح السائل: ۱۶۱ عن جعفر بن علي القمي في كتاب زهد النبي  $\text{عليه السلام}$ .
- (۷۴۸) فلاح السائل: ۱۶۱.
- (۷۴۹) السنن الكبرى: ۳/ ۱۰۵/ ۵۰۴۳.
- (۷۵۰) في المصدر «يصلّوها» والصحيح ما أئتمناه.
- (۷۵۱) علل الشرائع: ۵/ ۳۵۰ عن ليث، تنبيه الخواطر: ۲/ ۷۸ عن الإمام علي  $\text{عليه السلام}$  وفيه «كان رسول الله  $\text{عليه السلام}$  لا يؤثر على الصلاة عشاء ولا غيره، وكان إذا دخل وقتها كأنه لا يعرف أهلاً ولا حسباً».
- (۷۵۲) مسند ابن حنبل: ۷/ ۲۰۰/ ۱۹۸۸۱.
- (۷۵۳) إرشاد القلوب: ۲۱۷.
- (۷۵۴) فلاح السائل: ۱۰۹ عن أبي الصباح.
- (۷۵۵) المناقب لابن شهر آشوب: ۲/ ۱۲۴، وراجع عوالي اللآلی: ۱/ ۳۲۴/ ۶۳، إحقاق الحق: ۱۸/ ۴ نقلًا عن تنبيه الغافلين.
- (۷۵۶) في الطبعة المعتمدة «مَنِي» والصحيح ما أئتمناه من طبعة أخرى.
- (۷۵۷) أمالي الصدوق: ۱۰۰/ ۲، الفضائل لشاذان بن جبرئيل: ۸ كلاهما عن ابن عباس.
- (۷۵۸) عدّة الداعي: ۱۳۹.
- (۷۵۹) أمالي الصدوق: ۱۵۰/ ۸، فلاح السائل: ۲۶۸، عدّة الداعي: ۱۲۳ إلى قوله «من النار» كلها عن المغضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه  $\text{عليه السلام}$ .
- (۷۶۰) الحفظ: المنع (جميع البحرين: ۱/ ۱۲۴).
- (۷۶۱) التوحيد: ۱۸۴/ ۲۲ عن منيف عن الإمام الصادق عن أبيه  $\text{عليه السلام}$ .
- (۷۶۲) جامع الأخبار: ۱۶۶/ ۳۹۷، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۴ نحوه عن القتال وفيه «الحسن بن علي كان إذا توضأ...».
- (۷۶۳) الفريضة: لحمة عند نغض الكتف في وسط الجنب عند منبض القلب، وهما فريضتان ترتعدان عند الفزع. (لسان العرب: ۷/ ۶۴)
- (۷۶۴) اتفقت فلان عن صلاته أي انصرف، ولقت فلانًا عن رأيه وقتله أي صرفه ولواه، وقتله عن وجهه فانتقل أي صرفه فانصرف. (لسان العرب: ۱۱/ ۵۱۴)
- (۷۶۵) مقتل الحسين  $\text{عليه السلام}$  للخوارزمي: ۲/ ۱۲۴ عن حنّان بن سدير عن أبيه.
- (۷۶۶) إعلام الوری: ۲۵۵ عن سعيد بن كلثوم، الإرشاد: ۲/ ۱۴۳، كشف الغمّة: ۲/ ۲۹۸ كلاهما عن عبدالله بن محمّد القرشي، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۴۸، مكارم الأخلاق: ۲/ ۲۲۷۷.
- (۷۶۷) الكافي: ۳/ ۳۰۰/ ۴، فلاح السائل: ۱۶۱ كلاهما عن جهم بن حميد.
- (۷۶۸) علل الشرائع: ۲۳۱/ ۷، وراجع الخصال: ۵۱۲/ ۴.
- (۷۶۹) فلاح السائل: ۱۶۱، دعائم الإسلام: ۱/ ۱۵۹.
- (۷۷۰) یونس: ۱۰۵.

- (٧٧١) الأصول الستة عشر «أصل جعفر بن محمد الحضرمي»: ٧٠ عن جابر.
- (٧٧٢) فلاح السائل: ١٠٧.
- (٧٧٣) الططور: ٤٩.
- (٧٧٤) آل عمران: ١٩٤.
- (٧٧٥) مجمع البيان: ٩/ ٢٥٧ عن زرارة وحرمان ومحمد بن مسلم، عوالي اللآلي: ٢/ ٢٦/ ٦٢.
- (٧٧٦) صحيح مسلم: ١/ ٥١٠/ ٧٣٩، سنن النسائي: ٣/ ٢١٨، سنن ابن ماجه: ١/ ٤٣٤/ ١٣٦٥.
- (٧٧٧) سنن أبي داود: ٢/ ٣٢/ ١٣٠٧، مسند ابن حنبل: ١٠/ ٩٨/ ٢٦١٧٤، السنن الكبرى: ٣/ ٢١/ ٤٧٢٢ عن عبدالله بن أبي موسى النصري.
- (٧٧٨) السجدة: ١٦.
- (٧٧٩) حلية الأولياء: ٥/ ٨٧، تفسير الطبري: ١١/ الجزء ٢١/ ١٠٣ وزاد فيه «ففاضت عيناه حتى تحادرت دموعه» عن مجاهد مرسلًا.
- (٧٨٠) آل عمران: ١٩٠.
- (٧٨١) سنن أبي داود: ١/ ١٥/ ٥٨، وراجع مسند ابن حنبل: ١/ ٧٩٨/ ٣٥٤١.
- (٧٨٢) التهذيب: ٢/ ٣٣٤/ ١٣٧٧ عن معاوية بن وهب.
- (٧٨٣) المناقب لابن شهر آشوب: ٢/ ١٢٣.
- (٧٨٤) الفقيه: ١/ ٤٨٩/ ١٤٠٨.
- (٧٨٥) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ١٨٤/ ٧، إعلام الوري: ٣١٤.
- (٧٨٦) الخرائج والجرائع: ٢/ ٩٠١.
- (٧٨٧) أي يومًا يصوم ويومًا لا يصوم. (مرآة العقول: ١٦/ ٢٥٢).
- (٧٨٨) الكافي: ٤/ ٨٩/ ١، الفقيه: ٢/ ٨٢/ ١٧٨٦ وليس فيه بعد «يومًا» الثانية «لا» ولعله سقط، التهذيب: ٤/ ٣٠٢/ ٩١٣، الاستبصار: ٢/ ١٣٦/ ٤٤٤ وفيهما «قال حماد: فقلت: ما الوحر؟ قال: الوحر: الوسوسة»، ثواب الأعمال: ١٠٥/ ٦، الدروع الواقية: ٥٥.
- (٧٨٩) مسند ابن حنبل: ٩/ ٤٧٤/ ٢٥١٥٥ و٥١٥/ ٢٥٣٨٣، وراجع صحيح مسلم: ٢/ ٨١٠/ ١١٥٦، مسند أبي يعلى: ٤/ ٢٣٩/ ٤٦١٣.
- (٧٩٠) مستدرک الوسائل: ٧/ ٥٠٥/ ٨٧٥٨ نقلًا عن لبّ اللباب للراوندي.
- (٧٩١) التهذيب: ٤/ ١٨٨/ ٥٣١، عوالي اللآلي: ٣/ ١٣٥/ ١٥ كلاهما عن هشام بن سالم.
- (٧٩٢) الكافي: ٤/ ٦٨/ ٣، المحاسن: ٢/ ١٥٨/ ١٤٣٢ كلاهما عن حمزة بن حرمان.
- (٧٩٣) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ١٨٤/ ٧، إعلام الوري: ٣١٤.
- (٧٩٤) علل الشرائع: ٩/ ٢٣٢، الخصال: ٥١٨/ ٤ عن حرمان بن أعين عن الإمام الباقر عليه السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٥٥.
- (٧٩٥) المستدرک علی الصحيحين: ٣/ ١٨٥/ ٤٧٨٨، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ١٤٢/ ٢٣٦، السنن الكبرى: ٤/ ٥٤٢/ ٨٦٤٥ كلاهما عن عبدالله بن عباس، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٤ عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «وإن النجائب...».
- وراجع التهذيب: ٥/ ٢٩/ ٢٣، ١٢/ ٣٣، الاستبصار: ٢/ ١٤١/ ٤٦١ و١٤٢/ ٤٦٥، علل الشرائع: ٤٤٧/ ٦، قرب الإسناد: ١٧٠/ ٦٢٤.
- (٧٩٦) المعجم الكبير: ٣/ ١١٥/ ٢٨٤٤.
- (٧٩٧) ربيع الأبرار: ٢/ ١٤٩.
- (٧٩٨) الكافي: ١/ ٤٦٧/ ٢، بصائر الدرجات: ٣٥٣/ ١٥، الاختصاص: ٣٠٠ كلها عن زرارة.
- (٧٩٩) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام زين العابدين عليه السلام»: ٤٠/ ٦٣، كفاية الطالب: ٤٥٠، سير أعلام النبلاء: ٤/ ٣٩٢، تهذيب الكمال: ٢٠/ ٣٩٠، عوالي اللآلي: ٤/ ٣٥/ ١٢١.

- (۸۰۰) تذکرة الخواص: ۳۳۹، صفة الصفوة: ۲ / ۶۴، الفصول المهمة: ۲۰۹، مطالب السؤل: ۸۰، كشف الغمة: ۲ / ۳۶۰، نور الأبصار: ۱۵۸.
- (۸۰۱) إقبال الأعمال: ۲ / ۷۳.
- (۸۰۲) الخصال: ۱۶۷ / ۲۱۹، علل الشرائع: ۲۳۵، أمالي الصدوق: ۱۴۳ / ۳، المناقب لابن شهر آشوب: ۴ / ۲۷۵ من قوله «حجبت مع الصادق عليه السلام».
- (۸۰۳) روى الشيخ في التهذيب هذا الخبر من الكافي وفي أكثر نسخه سنة خمس عشرة ومائتين وفي بعضها كما هنا وفي تلك النسخ زيادة بعد نقل الخبر، وهي هذه: قال محمد بن الحسن مصنف هذا الكتاب: هذا غلط لأن أبا جعفر عليه السلام مات سنة عشرين ومائتين والصحيح أن يقول: خمس عشرة انتهى. (مرآة العقول: ۱۸ / ۲۲۹)
- (۸۰۴) الكافي: ۴ / ۵۳۲، التهذيب: ۵ / ۲۸۱ / ۹۵۹ وفيه «تسع عشرة» بدل «سبع عشرة».
- (۸۰۵) الفقيه: ۲ / ۵۲۰ / ۳۱۱۵، كمال الدين: ۸ / ۴۴۰، الغيبة للطوسي: ۳۶۳ / ۳۲۹، إنبات الهداة: ۳ / ۴۵۲ / ۶۸.
- (۸۰۶) كذا في المصدر، والأصح «بأوصالي تقطعها» كما في الملهوف.
- (۸۰۷) كشف الغمة: ۲ / ۲۴۱، الملهوف: ۱۲۶، نثر الدر: ۱ / ۳۳۳.
- (۸۰۸) وجب القلب وجيباً: إذا حَقَّقَ. (النهاية: ۵ / ۱۵۴)
- (۸۰۹) معاني الأخبار: ۲۸۸ / ۳.
- (۸۱۰) ينابيع المودة: ۳ / ۸۲.
- (۸۱۱) أمالي الصدوق: ۱۴۰ / ۳، روضة الواعظين: ۲۱۰، الملهوف: ۲۰۰، إعلام الوری: ۲۴۷ كلاهما نحوه.
- (۸۱۲) الكتابة: سوء الحال والانتكاس من الحزن. (لسان العرب: ۱ / ۱۹۴)
- (۸۱۳) مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ۱ / ۱۴۷ نقلًا عن الشافعي.
- (۸۱۴) حلية الأولياء: ۳ / ۱۳۸، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام زين العابدين عليه السلام»: ۵۷ / ۸۸، كشف الغمة: ۲ / ۳۱۴ عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۸۱۵) حلية الأولياء: ۳ / ۱۸۷ عن عمرو بن دينار، كشف الغمة: ۲ / ۳۶۳ عن أحمد بن حمدون.
- (۸۱۶) الكافي: ۳ / ۲۲۶ / ۱۳.
- (۸۱۷) أي أضاء وأشرق (لسان العرب: ۴ / ۳۶۹)
- (۸۱۸) الكافي: ۳ / ۲۲۵ / ۱۱.
- (۸۱۹) الفقيه: ۳ / ۱۵۷ / ۳۵۷۶ عن حماد اللحام.
- (۸۲۰) الظهران: وادٍ قرب مكة وعنده قرية يقال لها: «مَرَّ» تضاف إلى هذا الوادي، فيقال: مَرَّ الظهران. (معجم البلدان: ۴ / ۶۳)
- (۸۲۱) الكِبَاث: هو التضييع من ثمر الأراك. (النهاية: ۴ / ۱۳۹)
- (۸۲۲) مقلوب «أطيب»، وهو في معناه.
- (۸۲۳) صحيح البخاري: ۵ / ۲۰۷۷ / ۵۱۳۸، صحيح مسلم: ۲ / ۱۶۲۱ / ۲۰۵۰ وليس فيه «فإنه أيطب». مسند ابن حنبل: ۵ / ۷۵ / ۱۴۵۰۴، مسند أبي يعلى: ۲ / ۴-۴ / ۳۰۵۸.
- (۸۲۴) الأدب المفرد: ۱۷۵ / ۵۷۷.
- (۸۲۵) الكافي: ۷ / ۵۴ / ۹، التهذيب: ۹ / ۱۴۸ / ۶۰۹ وفيه «عابر سبيله» بدل «عابري سبيل الله» وكلاهما عن أيوب بن عطية الحذاء.
- (۸۲۶) الذنوب: الذلُّو الملائى ماء. (الصاح: ۱ / ۱۲۹)
- (۸۲۷) مَجَلَّت يده: إذا تخن جلدُها، وظهر فيها ما يشبه البثر من العمل بالأشياء الصلبة الخشنة. (النهاية: ۴ / ۳۰۰)
- (۸۲۸) إسماعيل هو راوي الخبر (يراجع المصدر).
- (۸۲۹) مسند ابن حنبل: ۱ / ۲۸۶ / ۱۱۳۵، فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲ / ۷۱۷ / ۱۲۲۹، صفة الصفوة: ۱ / ۱۳۵ كلها عن مجاهد، وراجع فضائل الصحابة لابن حنبل: ۱ / ۵۳۷ / ۸۹۶.



- (٨٣٠) الفقيه: ٣/ ١٦٣، عوالي اللآلي: ٣/ ٢٠٠/ ٢٤.
- (٨٣١) الكافي: ٨/ ١٦٥/ ١٧٥ عن معاوية بن وهب، وذكره أيضًا في: ٥/ ٧٤/ ٢ عن الفضل بن أبي قرّة وفيه «إن أمير المؤمنين أعتق... من ماله وكذا يده». الفارات: ١/ ٩٢ وفيه «أعتق عليّ... ممّا عملت يده». ودبرّت يده: أصابهما الدّبرة. وهي القرّحة. (لسان العرب: ٤/ ٢٧٣)
- (٨٣٢) الفارات: ١/ ٩١. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ٢/ ٢٠٢ عن عبدالله بن الحسين بن الحسن وفيه «أعتق عليّ... في حياة رسول الله ﷺ...».
- (٨٣٣) التّهر: الرّجر. يقال: تهره وأنّهره. (المصباح المنير: ٦٢٨)
- (٨٣٤) الكافي: ٥/ ٧٣/ ١، التهذيب: ٦/ ٣٢٥/ ٨٩٤، الإرشاد: ٢/ ١٦١ كلّها عن عبدالرحمن بن الحجاج.
- (٨٣٥) الكافي: ٥/ ٧٦/ ١٣.
- (٨٣٦) الكافي: ٥/ ٧٤/ ٣.
- (٨٣٧) الكافي: ٥/ ٧٥/ ١٠، الفقيه: ٣/ ١٦٢/ ٣٥٩٣، عوالي اللآلي: ٢/ ٢٠٠.
- (٨٣٨) عدّة الداعي: ٩١.
- (٨٣٩) مناقب الإمام أمير المؤمنين ﷺ للكوفي: ٢/ ٦٩/ ٥٥٢، ربيع الأبرار: ٢/ ١٤٨.
- (٨٤٠) التهذيب: ٥/ ١١/ ٢٩، الاستبصار: ٢/ ١٤١/ ٤٦١، حلية الأبرار: ٣/ ٥٦/ ٥ كلّها عن الحلبي، وراجع تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن ﷺ»: ١٤٢/ ٢٣٦-٢٤١، السنن الكبرى: ٤/ ٥٤٢/ ٨٦٤٥، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ١٤.
- (٨٤١) مقتل الحسين ﷺ للخوارزمي: ١/ ١٥٣.
- (٨٤٢) علل الشرائع: ٤٥/ ١.
- (٨٤٣) الكافي: ٢/ ٤٨٨/ ١ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا ﷺ.
- (٨٤٤) نواب الأعمال: ٢٢٠/ ١ عن عبدالله بن بكير وغيره.
- (٨٤٥) كشف الغتة: ٢/ ٣٣٠، الفصول المهمة: ٢١٢.
- (٨٤٦) الإرشاد: ٢/ ١٦٦، روضة الواعظين: ٢٦٥، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٢٠٧.
- (٨٤٧) عَنَّم الليل وأعتم: إذا مرّ قطعة من الليل، والقنّمة: ثلث الليل الأوّل بعد غيبوبة الشفق، وقيل: وقت صلاة العشاء الأخيرة، وأعتم الرجل: صار في ذلك الوقت (راجع لسان العرب: ١٢/ ٣٨١).
- (٨٤٨) الكافي: ٤/ ٨/ ١.
- (٨٤٩) الكافي: ٤/ ٨/ ٣، نواب الأعمال: ١٧٣/ ٢، وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ٢/ ٧٥.
- (٨٥٠) أمالي الطوسي: ٦٧٧/ ١٤٣٣، وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٢٧٣.
- (٨٥١) حلية الأولياء: ٣/ ١٩٤، تذكرة الخواص: ٣٤٢، سير أعلام النبلاء: ٦/ ٢٦٢، كشف الغتة: ٢/ ٣٦٩، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٢٧٣، إحقاق الحق: ١٩/ ٥١٠، نقلًا عن الأنوار القدسية، وفيه «يطعم المساكين»، وأيضًا: ١٢/ ٢٣٠ نقلًا عن مطالب السؤل.
- (٨٥٢) الكافي: ١/ ٢٧٥/ ٢، بصائر الدرجات: ٤٨٠/ ٣ كلاهما عن عليّ بن جعفر.
- (٨٥٣) آدم: السّمرة الشديدة، (النهاية: ١/ ٣٢).
- (٨٥٤) أي: القدماء الذين تقدّم عهدهم (كفافي الوافي).
- (٨٥٥) الكافي: ٤/ ٢٣/ ٣.
- (٨٥٦) كذا في المصدر، وفي البرهان «فسألت» وهو الأصحّ.
- (٨٥٧) البقرة: ٢٤٥.
- (٨٥٨) الطلاق: ٧.
- (٨٥٩) تفسير العياشي: ١/ ١٣١/ ٤٣٦، البرهان: ١/ ٢٣٤/ ٢٥.

- (۸۶۰) الکافی: ۵/ ۴۳/ ۴، عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۸/ ۲۰، مشکاة الأنوار: ۲۳۳.
- (۸۶۱) كشف الغمّة: ۲/ ۱۵۸، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۳۶۰ ذکره في أحوال الإمام الرضا عليه السلام نقلًا عن يعقوب بن إسحاق التوبختي.
- (۸۶۲) صحيح البخاري: ۳/ ۱۰۱۸/ ۲۶۱۶، وذكره أيضًا في: ۵/ ۲۲۴۵/ ۵۶۹۱ وفيه «خدمت النبي صلى الله عليه وآله عشر سنين، فما قال لي: أف، ولا: لم صنعت؟ ولا: ألا صنعت»، صحيح مسلم: ۴/ ۱۸۰۵/ ۲۳۰۹ نحوه وفيه «خدمته تسع سنين»، مسند ابن حنبل: ۴/ ۲۰۳/ ۱۹۹۸، الطبقات الكبرى: ۷/ ۱۹.
- (۸۶۳) أسد الغابة: ۵/ ۲۶۶/ ۵۱۳۷.
- (۸۶۴) صحيح مسلم: ۴/ ۱۸۰۵/ ۲۳۱۰.
- (۸۶۵) مسند ابن حنبل: ۵/ ۴۳۹/ ۱۶۰۷۶، مجمع الزوائد: ۲/ ۵۱۵/ ۳۵۰۳.
- (۸۶۶) كفّ الثوب: تركه بلا هذب، كففت الثوب أي: خُطت حاشيته، وهي الخياطة الثانية بعد الشّل، كفاف الثوب: نواحيه. (لسان العرب: ۹/ ۳۰۴)
- (۸۶۷) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۱/ ۵۴۴/ ۹۱۱، أسد الغابة: ۴/ ۹۷، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۹/ ۲۳۵ نحوه.
- (۸۶۸) الفارات: ۱/ ۱۰۶.
- (۸۶۹) المناقب لابن شهر آشوب: ۲/ ۱۱۳، وراجع الفخري: ۱۹.
- (۸۷۰) النساء: ۸۶.
- (۸۷۱) نثر الدرّ: ۱/ ۳۳۵، نزهة الناظر: ۸۳/ ۸، كشف الغمّة: ۲/ ۲۴۳، إحقاق الحق: ۱۱/ ۴۴۴.
- (۸۷۲) الزهد للحسين بن سعيد: ۴۴/ ۱۱۷ عن داود بن فروقد.
- (۸۷۳) الکافی: ۸/ ۸۷/ ۵۰، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۲۷۴.
- (۸۷۴) المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۲۷۴.
- (۸۷۵) يقال: هو يسوس الدواب إذا قام عليها وراضها. (لسان العرب: ۶/ ۱۰۸)
- (۸۷۶) عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۱۵۹، حلیة الأنوار: ۲/ ۳۶۶.
- (۸۷۷) الکافی: ۶/ ۲۹۸/ ۱۱.
- (۸۷۸) الکافی: ۶/ ۲۹۸/ ۱۰، المحاسن: ۲/ ۱۹۹/ ۱۵۸۳.
- (۸۷۹) الکافی: ۸/ ۲۳۰/ ۲۹۶.
- (۸۸۰) سنن الترمذي: ۵/ ۵۹۹/ ۳۶۳۸ عن إبراهيم بن محمد بن وليد علي بن أبي طالب عليه السلام.
- (۸۸۱) الأشدق: جوائز القم (لسان العرب: ۲/ ۱۴۹) والمراد: أنه لا يفتح فاه كله.
- (۸۸۲) الدمانة: سهولة الخلق (لسان العرب: ۲/ ۱۴۹).
- (۸۸۳) أشباح: جدّ في الإعراض. (لسان العرب: ۲/ ۵۰۱)
- (۸۸۴) الفقام: السحاب، وحبّ الفقام: البرّد، شُبّه به ثغره عليه السلام في بياضه وصفائه وبرده. (لسان العرب: ۱/ ۲۹۳)
- (۸۸۵) دلائل النبوة للبيهقي: ۱/ ۲۸۶، شُعَب الإيمان: ۲/ ۱۵۴/ ۱۴۳۰، الطبقات الكبرى: ۶/ ۴۲۲، تهذيب الكمال: ۱/ ۲۱۴ كلها عن ابن أبي هاتمة التميمي، عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۳۱۷/ ۱، معاني الأخبار: ۸۱/ ۱ كلاهما عن إسماعيل بن محمد بن إسحاق عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام زين العابدين عليه السلام، مكارم الأخلاق: ۱/ ۴۳/ ۱ عن كتاب محمد بن إبراهيم بن إسحاق عن ثقافته، حلیة الأبرار: ۱/ ۱۷۱.
- (۸۸۶) أي: يُدْكَرَن بقبیح، كان يصابن مجلسه عن رَفَت القول. (النهاية: ۱/ ۱۷)
- (۸۸۷) أي: لا تُشَاع ولا تُذَاع، ولا يُتَحَدَّث بتلك القلتات، (لسان العرب: ۱۵/ ۳۰۴)
- (۸۸۸) معناه: مَنْ صَحَّ عنده إسلامه حَسَنَ موقع ثنائه عليه عنده، ومن استشعر منه نفاقًا وضعفًا في ديانته أَلْقَى ثناءه عليه ولم يُخْفِلْ به. (معاني الأخبار: ۸۹)

- (٨٨٩) دلائل النبوة للبيهقي: ١/ ٢٩٠، وراجع نفس المصادر في الحديث السابق.
- (٨٩٠) المؤمنون: ٩٦.
- (٨٩١) الكافي: ٨/ ١٦٤ / ١٧٥ عن معاوية بن وهب.
- (٨٩٢) السنن الكبرى: ٧/ ٨٣ / ١٣٣٤٠.
- (٨٩٣) المناقب لابن شهر آشوب: ١/ ١٤٧.
- (٨٩٤) السنن الكبرى: ٥/ ٤٢٢ / ١٠٣٥٢.
- (٨٩٥) هجّد: أيقظ. (لسان العرب: ٣/ ٤٣٢).
- (٨٩٦) السنن الكبرى: ٤/ ٧٩ / ٧٠١٩.
- (٨٩٧) حلية الأولياء: ٣/ ٢٦.
- (٨٩٨) تحف العقول: ١٧٥، بشارة المصطفى: ٢٩ كلاهما عن كميل.
- (٨٩٩) في المصدر «معروف» والصحيح ما في المتن.
- (٩٠٠) علل الشرائع: ٥٦٠ / ٣ عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- (٩٠١) الكافي: ٤/ ٥٠ / ٤ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (٩٠٢) مقاتل الطالبين: ٧٦ عن سفيان بن الليل.
- (٩٠٣) استكثف به الناس: إذا أحرقوا به، واستكفوا حوله: ينظرون إليه. (النهاية: ٤/ ١٩٠).
- (٩٠٤) الاحتجاج: ٢/ ٩٧ / ١٦٧.
- (٩٠٥) منتخب الأثر: ١٧٢ / ٩٦ نقلًا عن الكامل، معجم أحاديث الإمام المهدي: ٣/ ٢٠٠، وراجع: ص ٢٤٢ / ٣٢٥ من كتابنا هذا.
- (٩٠٦) علل الشرائع: ٥٤٨ / ٤، قصص الأنبياء: ١١٨ / ١١٨ وليس فيه «يا أبا محمد!... يا لله من البخل» والآية ٩ من سورة الحشر.
- (٩٠٧) بصائر الدرجات: ٣/ ٣٦٢ عن داود بن فرقد.
- (٩٠٨) أمالي الصدوق: ٤٣٧ / ٩، روضة الواعظين: ٢٣٣ مرسلاً.
- (٩٠٩) ص: ٨٦.
- (٩١٠) مصباح الشريعة: ٢٠٨.
- (٩١١) الكافي: ٥/ ١٦٦ / ١.
- (٩١٢) الفقيه: ١/ ١٨٩ / ٥٧٧، الإرشاد: ٢/ ٢٤٣، تحف العقول: ٤١٢، روضة الواعظين: ٢٤٣، فلاح السائل: ٧٢، الغيبة للطوسي: ٣٠ / ٦.
- (٩١٣) الكافي: ٨/ ٣٠٨ / ٤٨٠ عن محمد بن الحسين بن يزيد. وقال علي بن أسباط بعد ذكر الحديث عن محمد بن الحسين: زعم أنه كان كلمة أخرى ونسبها محمد، قتلته له: لعلّه، قال: وورثنا الصبر من آل أيوب فقال: ينبغي.
- (٩١٤) تحف العقول: ٤١٦.
- (٩١٥) تحف العقول: ٤٤٦، مشكاة الأتوار: ١٧٣ وفيه «ما وعدنا».
- (٩١٦) قال علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن محمد الطائوس: هكذا وجدت هذا الحديث، فإن الراوي ذكر عشر خصال ثم عدّد تسع خصال، فلعنّه سها في الجملة أو التفصيل، والظاهر أنّه في التفصيل لأنّ خصالهم عند النوم أكثر من تسع كما روينا. ولعلّه قد وقع السهو عن ذكر قراءة «قل هو الله أحد» أو قراءة «إنا أنزلناه». (البحار: ٧٦ / ٢١٠).
- (٩١٧) فلاح السائل: ٢٨٠ عن الحسن بن علي العلوي.
- (٩١٨) الكافي: ٦/ ٢٨٣ / ٢.
- (٩١٩) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ١٨٤ / ٧.
- (٩٢٠) التهذيب: ٦/ ١٠٠ / ١٧٧، وراجع: ص ١٥٦ / ١٦٩ من كتابنا هذا.

(۹۲۱) الانظار: ۱۰-۱۲.

(۹۲۲) أمالي الصدوق: ۵/۹۶ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ۵۳۵ وذكر ذيله في شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۲۰/۲۸۱/۲۲۳ وفيه «إنما الناس في نفس معدود، وأمل معدود، وأجل محدود، ولا بد للأجل أن يتناهي وللنفس أن يحصى وللأمل أن ينقضي، ثم قرأ: ﴿وإن عليكم لحافظين﴾ كراما كاتبين».

(۹۲۳) أمالي الصدوق: ۵/۱۸۲ عن طاووس اليماني.

(۹۲۴) مشكاة الأنوار: ۶۰، شرح الأخبار: ۳/۵۰۲/۱۴۴۰ نحوه.

(۹۲۵) أي: يدعيه من غير أن يتصف به.

(۹۲۶) الكافي: ۲/۷۴/۳، وراجع أمالي الصدوق: ۳/۴۹۹، صفات الشيعة: ۲۲/۹۰، تنبيه الخواطر: ۲/۱۸۵، أمالي الطوسي: ۲۹۶/۵۸۲.

(۹۲۷) النساء: ۶۹.

(۹۲۸) الكافي: ۲/۷۸/۱۲ عن أبي الصباح الكناني.

(۹۲۹) تفسير العياشي: ۱/۶۸/۱۲۳، دعائم الإسلام: ۱/۱۳۳ وفيه «بورع واجتهاد»، مسطرقات السرائر: ۷۴/۱۷، مشكاة الأنوار: ۴۱، وذكره أيضًا في: ۴۶ كلاهما عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام.

(۹۳۰) تحف العقول: ۳۰۳.

(۹۳۱) الكافي: ۲/۷۷/۹ عن أبي أسامة.

(۹۳۲) أمالي الصدوق: ۱۷/۳۲۶، أمالي الطوسي: ۴۴۰/۹۸۷، إشارة المصطفى: ۱۷۰ وفيه «قيح القول» كلها عن سليمان بن مهران.

(۹۳۳) الكافي: ۲/۷۸/۱۶، وذكر أيضًا في: ۱۰/۱۰۵ وفيه «...بالخير غير ألسنتكم ليروا منكم الاجتهاد والصدق والورع» كلاهما عن ابن أبي يعفور.

(۹۳۴) دعائم الإسلام: ۱/۵۸، شرح الأخبار: ۳/۵۰۶/۱۴۵۳.

(۹۳۵) الكافي: ۲/۲۱۹/۱۱ عن هشام الكندي.

(۹۳۶) أمالي الصدوق: ۱۶۸/۱۳، أمالي المفيد: ۲۵/۱، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ۲/۲۷۶/۷۴۴ كلها عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ۴۷۴، مشكاة الأنوار: ۸۶.

(۹۳۷) أعلام الدين: ۲۱۵، تنبيه الخواطر: ۷۵/۲.

(۹۳۸) تحف العقول: ۲۱۲.

(۹۳۹) غرر الحكم: ۲۴۶۶.

(۹۴۰) الفقيه: ۴/۴۰۴/۵۸۷۲، أمالي الصدوق: ۵۰۲/۸، الاختصاص: ۲۳۰ كلها عن إسحاق بن عمار، أمالي المفيد: ۱۸۵/۱۰، الزهد للحسين بن سعيد: ۲۲/۴۹ كلاهما عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ۲۹۲ عن الإمام الباقر عليه السلام، مشكاة الأنوار: ۸۲.

(۹۴۱) دعائم الإسلام: ۱/۵۶.

(۹۴۲) تحف العقول: ۴۸۷.

(۹۴۳) نهج البلاغة: الخطبة ۳.

(۹۴۴) نهج البلاغة: الخطبة ۸۷.

(۹۴۵) المائدة: ۶۳.

(۹۴۶) المائدة: ۷۸ و ۷۹.

(۹۴۷) المائدة: ۴۴.

(۹۴۸) التوبة: ۷۱.

(٩٤٩) الزُّمْنَى: جمع زَيْن: جنس للبلایا التي يصابون بها ويدخلون فيها وهم لها كارهون. (لسان العرب: ١٣ / ١٩٩)

(٩٥٠) في المصدر «واستسلمتم» والصحيح ما أثبتناه كما في طبعة النجف سنة ١٣٨٠ هـ: ص ١٦٩.

(٩٥١) الخَوْل: الخدم والحشم (المصباح المنير: ١٨٤).

(٩٥٢) تحف العقول: ٢٣٧.

(٩٥٣) إبراهيم: ٧.

(٩٥٤) آل عمران: ١٨٧.

(٩٥٥) الأعراف: ١٦٩.

(٩٥٦) الذاريات: ٥٥.

(٩٥٧) كَلِّفَ بالشيء كَلْفًا وكُلِّفَ فهو كَلِيفٌ ومكَلَّفٌ: لهج به، كَلِيفَ بها أشدُّ الكَلْفِ أي: أحبَّها. الكَلْفُ: الولوج بالشيء مع شغل قلب ومشقة.

(لسان العرب: ٩ / ٣٠٧)

(٩٥٨) مريم: ٥٩.

(٩٥٩) تحف العقول: ٢٧٤.

(٩٦٠) عزب، أي: بُعد، وفي بعض النسخ «نفى بالتقوى عن العبد ما عزب عنه عقله» (كما في هامش الكافي).

(٩٦١) العصب: جمع العصبة، وهي من الرجال والخيل والطير ما بين العشرة إلى الأربعين (كما في هامش الكافي).

(٩٦٢) أي: جعلوا وليَّ الكتاب والقيِّم عليه والحاكم به الذين لا يعلمونه، وجعلوهم رؤساء على أنفسهم يتبعونهم في الفتاوى وغيرها (كما في هامش الكافي نقلًا عن مرآة العقول).

(٩٦٣) أي: جعلوه مبرأين برئه كلِّ سفيه جاهل أو صبيٍّ غير عاقل، وقوله الآتي: «بعد أمر الله» أي: صدوره أو الاطلاع عليه أو تركه، والورود والصدور كناية عن الإتيان للسؤال والأخذ والرجوع بالقول (كما في هامش الكافي نقلًا عن مرآة العقول).

(٩٦٤) «ولاية الناس» هو المخصوص بالذم (كما في هامش الكافي).

(٩٦٥) أشار به إلى آدم عليه السلام، والمراد بالعصيان هنا ترك الأولى.

(٩٦٦) الواو هنا بمعنى «أو». أشار به إلى يوسف عليه السلام.

(٩٦٧) إنما شبه هؤلاء العباد وعلماء العوام المقتونين بالخطأ بالأخبار والرهبان لشراهم الدنيا بالآخرة بكتمانهم العلم، وتحريفهم الكلم عن مواضعه وأكلهم أموال الناس بالباطل، وصدّهم عن سبيل الله، كما أنهم كانوا كذلك على ما وصفهم الله في القرآن في عدّة مواضع، والمراد بالسادة والكبرة: السلاطين والحكّام وأعوانهم الظلمة (كما في هامش الكافي نقلًا عن الوافي).

(٩٦٨) إشارة إلى الآية ٣٦ من سورة النجم. والطبع - بالتحريك -: الرين، و - بالسكون -: الختم (كما في هامش الكافي).

(٩٦٩) «منهم» أي من أشباه الأخبار والرهبان «العلماء» يعني العلماء بالله الربّانيّين. «بالتكليف» يعني تكليفهم بالحق (كما في هامش الكافي نقلًا عن الوافي).

(٩٧٠) يعني: الشريعة، الواضح مجهولها عن معلومها، وعالمها عن جاهلها (كما في هامش الكافي).

(٩٧١) الخيل: جماعة الفرسان، والرجل: جماعة المشاة؛ أي: أعوانه الأقوياء والضعفاء (كما في هامش الكافي نقلًا عن مرآة العقول).

(٩٧٢) أي: تركوا نصرته الحق. وفي بعض النسخ «تخادن» من الخَدْن وهو الصديق. وتهادن من المهادنة بمعنى المصالحة، وفي بعض النسخ «تهادن» أي: عن نصرته الحق، وهذا أنسب للتخادل، كما أنّ التهادن أنسب للتخادن (كما في هامش الكافي نقلًا عن مرآة العقول).

(٩٧٣) بالنون والجيم والياء الموحدة، وفي بعض النسخ «تحيا» من الحياة (كما في هامش الكافي نقلًا عن الوافي).

(٩٧٤) الزمر: ١٥.

(٩٧٥) الكافي: ٨ / ٥٢ / ١٦٦.

(٩٧٦) مُبِيرَةٌ: مُهْلِكَةٌ (لسان العرب: ٤ / ٨٦).

(٩٧٧) الحائلة: الخصلة التي من شأنها أن تحلّق، أي تُهلك وتستأصل الدين كما يستأصل الموس الشعر، وقيل: هي قطعة الرحم والتظالم.

(النهاية: ۱/ ۴۲۸)

(۹۷۸) الكافي: ۷/ ۵۱/ ۷.

(۹۷۹) تحف العقول: ۲۸۴.

(۹۸۰) الأعراف: ۱۲۸.

(۹۸۱) كذا في المصدر وفي صفات الشيعة: ۹۲ «صوته سمعه».

(۹۸۲) دعائم الإسلام: ۶/ ۶۴.

(۹۸۳) الكافي: ۲/ ۲۲۲/ ۴.

(۹۸۴) المحاسن: ۱/ ۲۵۸/ ۴۹۲.

(۹۸۵) البقرة: ۱۸.

(۹۸۶) الرسائل: ۳۶.

(۹۸۷) الأنعام: ۱۲۰.

(۹۸۸) الإسراء: ۷.

(۹۸۹) الأنبياء: ۷۳.

(۹۹۰) آل عمران: ۳۶.

(۹۹۱) الكافي: ۸/ ۲.

(۹۹۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۳۰۷/ ۶۹، معاني الأخبار: ۱/ ۱۸۰.

(۹۹۳) في المصدر «يشتملوا» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار: ۷۴/ ۲۳۰/ ۲۷.

(۹۹۴) كذا في المصدر والظاهر أنه: نصيب.

(۹۹۵) الاختصاص: ۲۴۷.

(۹۹۶) المعجم الأوسط: ۲/ ۳۶۰/ ۲۲۳۰ عن ابن أبي ليلى عن الإمام الحسن بن علي عليه السلام، ينابيع المودة: ۲/ ۲۷۲/ ۷۷۵ عن جابر،

مجمع الزوائد: ۹/ ۲۷۲/ ۱۵۰۰۷، أمالي المفيد: ۴۴/ ۲، وذكره أيضاً في: ۱۳/ ۱ وفيه «بمعرفتنا» بدل «بمعرفة حقنا»، المحاسن:

۱/ ۱۳۴/ ۱۶۹ والثلاثة الأخيرة عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام وفيها «لا ينتفع عبد بعمله»، وراجع الفدير: ۲

/ ۳۰۱، و: ۱۰/ ۲۸۰، إحقاق الحق: ۹/ ۴۲۸.

(۹۹۷) جامع الأخبار: ۵۰۵/ ۱۳۹۹، الخصال: ۶۳۳/ ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام

علي عليه السلام، تفسير فرائد الكوفي: ۳۶۸/ ۴۹۹ عن الإمام علي عليه السلام.

(۹۹۸) نهج البلاغة: الحكمة ۲۲.

(۹۹۹) غرر الحكم: ۹۰۶۱.

(۱۰۰۰) فاطر: ۳۲.

(۱۰۰۱) الظاهر زيادة لفظ «منا».

(۱۰۰۲) فاطر: ۳۳.

(۱۰۰۳) معاني الأخبار: ۱۰۴، وراجع الكافي: ۱/ ۲۱۴ باب «في أن من اصطفاه الله من عباده». وأورثهم كتابه هم الأئمة عليهم السلام.

(۱۰۰۴) الكافي: ۱/ ۲۰۳، الفقيه للنعماني: ۲۲۴/ ۷، مختصر بصائر الدرجات: ۸۹ وفيه «طراوة» بدل «طلاوة» كلها عن إسحاق بن غالب،

بصائر الدرجات: ۴۱۳/ ۲ وفيه «طلاقة» بدل «طلاوة» عن ابن إسحاق بن غالب.

(۱۰۰۵) صحيح مسلم: ۴/ ۱۸۷۳/ ۲۴۰۸، سنن الدارمي: ۲/ ۸۹۰/ ۳۱۹۸، مسند ابن حنبل: ۷/ ۷۵/ ۱۹۲۸۵، السنن الكبرى:

۱۰/ ۱۹۴/ ۲۰۳۳۵، تهذيب تاريخ دمشق: ۵/ ۴۳۹، الدر المنثور: ۷/ ۳۴۹ نقلًا عن الترمذي والتسائي، فرائد السمطين: ۲/

۲۳۴ كلها عن زيد بن أرقم، وراجع إحقاق الحق: ۹/ ۳۹۱.

- (١٠٠٦) المعجم الكبير: ٥/ ١٨٣/ ٥٠٢٧، كنز العمال: ١٣/ ٦٤٠/ ٣٧٦١٩ نقلًا عن ابن جرير، كلاهما عن زيد بن أرقم، وراجع إحقاق الحق: ٩/ ٤٣٤.
- (١٠٠٧) المستدرک علی الصحیحین: ٢/ ١٣١/ ٢٥٥٩، مجمع الزوائد: ٩/ ٢٥٧/ ١٤٩٦٠ كلاهما عن عبد الرحمن بن عوف، كفاية الأثر: ٤١ عن سلمان الفارسي. وذكر أيضًا في: ١٢٩ عن حذيفة بن أسيد، و: ١٣٢ عن عمران بن حصين، و: ١٠٤ عن زيد بن أرقم وفيه «معاشر الناس أوصيكم الله في عترتي وأهل بيتي خيرًا»، وراجع إحقاق الحق: ٩/ ٤٣٢.
- (١٠٠٨) الكافي: ٢/ ٦٠٠/ ٤ عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام، مختصر بصائر الدرجات: ٨٩ نحوه عن شعيب الحداد عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (١٠٠٩) خصائص الأئمة عليه السلام: ٧٥ عن عيسى الضرير عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام، والمتن موافق لما في البحار: ٢٢/ ٤٨٧/ ٣١ نقلًا عن خصائص الأئمة.
- (١٠١٠) تهذيب تاريخ دمشق: ٤/ ٣٢٢ عن أنس، ينابيع المودة: ٢/ ٧١/ ١١ وفيه «اللهم هؤلاء أهلي...»، وراجع إحقاق الحق: ٩/ ٤٣٥.
- (١٠١١) ذخائر العقبى: ١٨ عن عبد العزيز بإسناده، ينابيع المودة: ٢/ ١١٤/ ٣٢٣ عن عبد العزيز مرسلًا، وراجع إحقاق الحق: ٩/ ٤١٨.
- (١٠١٢) مسند الشهاب: ١/ ٤١٩/ ٤٧٤ عن أنس، إحقاق الحق: ٩/ ٤٣٤ نقلًا عن تاريخ حضرموت.
- (١٠١٣) الصواعق المحرقة: ١٥٠، الجامع الصغير: ١/ ٥٠/ ٣٠٢، مجمع الزوائد: ٩/ ٢٥٧/ ١٤٩٦١، ينابيع المودة: ١/ ١٣٦/ ٦٢ وزاد في آخره «خيرًا» كلها عن ابن عمر، وراجع إحقاق الحق: ٩/ ٤٤٨.
- (١٠١٤) الكافي: ٢/ ٤٦/ ٣ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن أبياته عليه السلام.
- (١٠١٥) كنز العمال: ١٢/ ٩٩/ ٣٤١٧١ عن عبد الله بن بدر الخطمي عن أبيه.
- (١٠١٦) المعجم الكبير: ٤/ ١٩٢/ ٤١١١ عن خالد بن عرفة.
- (١٠١٧) أمالي الصدوق: ٦٢/ ١١، التحصين: ٥٩٨ باب ٤.
- (١٠١٨) البحار: ٢٣/ ١٤٣/ ٩٧ نقلًا عن الفضائل وكتاب الروضة، إحقاق الحق: ٩/ ١٩٨.
- (١٠١٩) الكافي: ٧/ ٥٢/ ٧ عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الكاظم عليه السلام، التهذيب: ٩/ ١٧٧/ ٧١٤ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وأبان رفعه إلى سليم بن قيس، الفقيه: ٤/ ١٩١/ ٥٤٣٣ عن سليم بن قيس، تحف العقول: ١٩٨ وفيه «المنع» بدل «الدفع»، كتاب سليم بن قيس: ٢/ ٩٢٦ وفيها «فلا يظلمن بين أظهركم».
- (١٠٢٠) أمالي الطوسي: ٢٧/ ٣١ عن أبي إسحاق الهمداني.
- (١٠٢١) أمالي الطوسي: ٢٧٣/ ٥١٤ عن البرذون بن شبيب.
- (١٠٢٢) الشورى: ٢٣.
- (١٠٢٣) سبأ: ٤٧.
- (١٠٢٤) الفرقان: ٥٧.
- (١٠٢٥) دعائم الإسلام: ١/ ٦٧، وراجع: ص ٦٨.
- (١٠٢٦) صحيح البخاري: ٤/ ١٨١٩/ ٤٥٤١، وذكر أيضًا في: ٣/ ١٢٨٩/ ٣٣٠٦ وفيه «قري محمد»، سنن الترمذي: ٥/ ٣٧٧/ ٣٢٥١، مسند ابن حنبل: ١/ ٦١٤/ ٢٥٩٩، وراجع إحقاق الحق: ٣/ ٣، المستدرک علی الصحیحین: ٢/ ٤٨٢/ ٣٦٥٩.
- (١٠٢٧) فضائل الصحابة لابن حنبل: ٢/ ٦٦٩/ ١١٤١، المعجم الكبير: ٣/ ٤٧/ ٢٦٤١، الكشف: ٣/ ٤٠٢، الدر المنثور: ٧/ ٣٤٨ نقلًا عن ابن المنذر وابن أبي حاتم والطبراني وابن مردويه، تفسير فرات الكوفي: ٢٨٩/ ٥١٦-٥٢٠، مجمع البيان: ٩/ ٤٣، وراجع شواهد التنزيل: ٢/ ١٨٩، الفدير: ٢/ ٣٠٧/ ١.
- (١٠٢٨) الدر المنثور: ٧/ ٣٤٨ نقلًا عن أبي نعيم والديلمي، وراجع مجمع البيان: ٩/ ٤٣.
- (١٠٢٩) حلية الأولياء: ٣/ ٢٠١، كفاية الطالب: ٩٠.
- (١٠٣٠) ينابيع المودة: ٢/ ٢٩٢/ ٨٤٢.



- (۱۰۳۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۵۸/ ۲۱۶ عن أبي محمد التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام. ينابيع المودة: ۲/ ۲۶۸/ ۷۶۱ عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۰۳۲) هكذا في المصدر، والصواب «يحبهم».
- (۱۰۳۳) كامل الزيارات: ۵۱ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۱۰۳۴) غرر الحكم: ۶۱۶۹.
- (۱۰۳۵) تاريخ إصيهان: ۲/ ۱۳۴/ ۱۳۰۹. كنز العمال: ۲/ ۲۹۰/ ۴۰۳ عن ابن مردويه وابن عساكر وفيه «فينا في الرحم آية»، الصواعق المحرقة: ۱۷۰، شواهد التنزيل: ۲/ ۲۰۵/ ۸۳۸، مجمع البيان: ۹/ ۴۳، القدير: ۲/ ۳۰۸/ ۶ وفيها «فينا آل حم آية».
- (۱۰۳۶) ينابيع المودة: ۱/ ۳۳۱/ ۲ عن حصين بن مغارق عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۰۳۷) المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۸۹/ ۴۸۰۲ عن عمر بن علي، مجمع الزوائد: ۹/ ۲۰۳/ ۱۴۷۹۸ نحوه عن أبي الطفيل عن الإمام الحسن عليه السلام. تأويل الآيات الظاهرة: ۵۳۰ عن الحسن بن زيد عن أبيه عليه السلام.
- (۱۰۳۸) تأويل الآيات الظاهرة: ۵۳۶ عن عبد الملك بن عمير.
- (۱۰۳۹) تفسير فرات الكوفي: ۳۹۲/ ۵۲۳.
- (۱۰۴۰) تفسير الطبري: ۱۳/ الجزء ۲۵/ ۲۵، العمدة: ۵۱/ ۴۶، وراجع القدير: ۲/ ۳۰۹/ ۸.
- (۱۰۴۱) المحاسن: ۱/ ۲۴۰/ ۴۴۱، دعائم الإسلام: ۱/ ۶۸.
- (۱۰۴۲) الكافي: ۱/ ۴۱۳/ ۷، المحاسن: ۱/ ۲۴۱/ ۴۴۳.
- (۱۰۴۳) ينابيع المودة: ۱/ ۳۱۶/ ۵.
- (۱۰۴۴) الكافي: ۱/ ۳۹۲/ ۱، والآية ۳۷ من سورة إبراهيم.
- (۱۰۴۵) الكافي: ۱/ ۴۴۵/ ۱۹ عن يعقوب بن سالم عن رجل.
- (۱۰۴۶) الكافي: ۸/ ۹۳/ ۶۶، قرب الإسناد: ۱۲۸/ ۵۰ وفيه «إنها لقراءة رسول الله صلى الله عليه وآله وأهل بيته: فقال: إنما...».
- (۱۰۴۷) المحاسن: ۱/ ۲۴۰/ ۴۴۰ عن محمد بن مسلم.
- (۱۰۴۸) التهذيب: ۶/ ۱۰۰/ ۱۷۷، وراجع: ۱۹۹/ ۱۵۶ من كتابنا هذا.
- (۱۰۴۹) مصباح الزائر: ۴۴۷ وفي سنده قال ابن طاووس: ذكر بعض أصحابنا قال: قال محمد بن علي بن أبي قرّة: نقلت من كتاب محمد بن الحسين بن سنان البزوفري رحمته الله دعاء التوبة، وذكر أنه الدعاء لصاحب الزمان - صلوات الله عليه - ويستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة.
- (۱۰۵۰) ذخائر العقبين: ۱۶ عن عبد العزيز باسناده، وراجع ينابيع المودة: ۲/ ۱۱۳/ ۳۱۷، و: ۴۳۹/ ۲۰۹.
- (۱۰۵۱) كفاية الأثر: ۲۲ عن ابن عباس.
- (۱۰۵۲) كفاية الأثر: ۹۴ عن عثمان بن عفان عن أبيه.
- (۱۰۵۳) المعجم الكبير: ۲۲/ ۳۷۴/ ۹۳۵، ۹۳۶، تهذيب تاريخ دمشق: ۷/ ۱۹۷، السنة لابن أبي عاصم: ۴۹۹/ ۱۰۸۰، الدر المنثور: ۵/ ۱۷۸ نقلًا عن ابن مردويه كلها عن أبي ليلى الأشعري، إحقاق الحق: ۱۸/ ۵۲۲/ ۱۱۲ نقلًا عن مودة القرني.
- (۱۰۵۴) أمالي الصدوق: ۲۶/ ۵، عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۲۹۲/ ۴۳ كلاهما عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام. بشارة المصطفى: ۱۵ عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ۱۷۴، إرشاد القلوب: ۲/ ۴۲۴، ينابيع المودة: ۲/ ۳۱۶/ ۹۱۲ عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۰۵۵) كفاية الأثر: ۷۱، إرشاد القلوب: ۴۱۵.
- (۱۰۵۶) أمالي المفيد: ۱۱۰/ ۹ عن أبي جعفر محمد بن عبد الله بن علي بن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۰۵۷) أمالي الطوسي: ۶۵۴/ ۱۳۵۴، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۲۰۶، كمال الدين: ۲۰۶/ ۲۰ وفيه «تأخر» بدل «تخلف» كلها عن

خيشمة الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ١١٦، غرر الحكم: ٧٨٩١، ٧٨٩٢ وفيهما «محق» بدل «غرق» .  
(١٠٥٨) نهج البلاغة: الخطبة ٨٧.

(١٠٥٩) وقعة صفين: ٤، الإرشاد: ١/ ٣٥٩ وفيه «الفاثلين: إلينا» كما في بعض نسخ وقعة صفين، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ٣/ ١٠٢٠ نقلًا عن وقعة صفين وفيه «المستحلين» بدل «المنتحلين» و «يجاحدوننا» بدل «يجاحدوننا» وكذلك القائلين الأخيرين، وفي هامش وقعة صفين حذف نون الرفع لتغير ناصب أو جازم، وهي لغة صحيحة.  
(١٠٦٠) نهج البلاغة: الخطبة ٩٧.

(١٠٦١) الخصال: ١٠/ ٦٣٣ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام.  
(١٠٦٢) الخصال: ١٠/ ٦٢٧ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تفسير فرائد الكوفي: ٣٦٨/ ٤٩٩ عن عبيد بن كثير معتنًا وفيه «من أتبع أمرنا لحق».

(١٠٦٣) الإرشاد: ١/ ٢٤٠ عن أبي عبيدة معمر بن المثنى، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ١/ ٢٧٦، ينابيع المودة: ١/ ٨٠/ ١٩ كلاهما عن أبي عبيدة عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، العقد القريد: ٣/ ١١٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، وراجع إحقاق الحق: ٩/ ٤٧٦، كنز العمال: ١٤/ ٥٩٢/ ٣٩٦٧٩، كتاب سليم بن قيس: ٢/ ٧١٦.

(١٠٦٤) تفسير العتاشي: ١/ ١٩٤/ ١٢٣، وذكر أيضًا في: ١/ ١٠٢/ ٢٩٨، والآية ١٠٣ من سورة آل عمران.  
(١٠٦٥) أمالي الطوسي: ٢٧٢/ ٥١٠ عن عمر بن راشد، وراجع مجمع البيان: ٢/ ٨٠٥، ينابيع المودة: ١/ ٣٥٦/ ١٠، إحقاق الحق: ١٣/ ٨٤ نقلًا عن الأشراف.

(١٠٦٦) أمالي الطوسي: ٢٢٧/ ٣٩٧ والمتن موافق لما في البحار: ٢٧/ ٣٢٦/ ٥ عن أمالي الطوسي، بشارة المصطفى: ١١١ كلاهما عن كليب بن معاوية الصيداوي، وراجع الكافي: ٢/ ٢١٢/ ١.  
(١٠٦٧) معاني الأخبار: ٣٩٩/ ٥٧ عن إبراهيم بن زياد، صفات الشيعة: ٨٢/ ٤ عن المفضل بن عمر وفيه «من شيعتنا» بدل «يعرفنا».  
(١٠٦٨) الكافي: ١/ ٥٦/ ١٠.  
(١٠٦٩) قرب الإسناد: ٣٣٣/ ١٢٣٥.

(١٠٧٠) المستدرک علی الصحیحین: ٣/ ١١٨/ ٤٥٧٦، وراجع: ٢٥٨٩ و ٤٥٧٨ و ٤٥٧٩ و ٤٦٠١ و ٤٦٥٢ و ٤٤٧٧ و ٥٥٩٤، سنن الترمذي: ٥/ ٦٣٣/ ٣٧١٣، سنن ابن ماجه: ١/ ٤٣/ ١١٦، خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للنسائي: ٤٢-٤٧ و: ١٥٠-١٦٣، مسند ابن حنبل: ٦٤١ و ٩٥٠ و ٩٦١ و ٩٦٤ و ١٣١٠ و ٢٣٠٩٠ و ٢٣١١٩ و ٢٣١٦٨ و ٢٣٢٠٤ و ٢٣٦٢٢ و ٢٥٧٥١ و ٢٥٧٥٢، فضائل الصحابة لابن حنبل: ١٠٠٧ و ١٠١٦ و ١٠١٧ و ١٠٢١ و ١٠٢٢ و ١٠٤٨ و ١١٦٨ و ١١٧٧ و ١٢٠٦، المعجم الكبير: ٥/ ١٦٦/ ٤٩٦٩، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٥/ ٢- ٩٠، البداية والنهاية: ٥/ ٢١٤-٢١٥، و ٣٣٥/ ٧، الغدير للعلامة الأميني: ١٤-١٥١ وقد نقل رحمه الله من كتب أهل السنة أسماء مائة وعشرة من أعظم صحابة النبي الأكرم عليه السلام، وأربعة وتسعين من التابعين، وثلاثمائة وستين من العلماء والحفاظ من القرن الثاني إلى القرن الرابع عشر للهجرة، ممن رووا حديث الغدير ونقلوه.  
(١٠٧١) أمالي الشجري: ١/ ١٣٦ عن محمد بن عبد الله عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، كنز العمال: ١١/ ٦١١/ ٣٢٩٦٠ وفيه «وذريته من بعده» بدل «ورثته الطاهرين»، أنتم الهدى ومصايح الدجى من بعدي، المناقب لابن شهر آشوب: ١/ ٢٩١ نقلًا عن كتاب الأربعين بإسناده عن الإمام الحسين عليه السلام عنه عليه السلام.

(١٠٧٢) أي: بقوته وقدرته.  
(١٠٧٣) الكافي: ١/ ٢٠٩/ ٥ عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام.  
(١٠٧٤) الغيبة للطوسي: ١٣٦/ ١٠٠ عن عيسى بن أحمد بن عيسى بن المنصور عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ١/ ٢٩٣، الصراط المستقيم: ٢/ ١٥١ وفيهما «قائهم» بدل «خاتمهم».  
(١٠٧٥) وفي نسخة «حزبهم حزبي وحزبي حزب الله».  
(١٠٧٦) كفاية الأثر: ١٨ عن ابن عباس.

- (۱۰۷۷) أمالي الصدوق: ۸/۳۸۳، بشارة المصطفى: ۱۷۶ كلاهما عن عبد الله بن عباس.
- (۱۰۷۸) أمالي الطوسي: ۱۴۰/۲۲۹، بشارة المصطفى: ۸۱، وذكره أيضًا في: ۱۳۳ كلُّها عن يونس بن الحبيب عن الإمام علي بن الحسين عليه السلام، كشف الغمّة: ۱۰/۲ عن الإمام السجّاد عليه السلام، وراجع أمالي المفيد: ۸/۱۱۵ عن مرازم عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۱۰۷۹) نهج البلاغة: الخطبة ۲.
- (۱۰۸۰) غرر الحكم: ۷۶۲۸.
- (۱۰۸۱) أمالي الطوسي: ۱۲۴/۱۹۲، الخصال: ۲۷۸/۲۱، أمالي المفيد: ۴/۳۵۳، بشارة المصطفى: ۶۹ كلُّها عن أبي حمزة الثمالي، وراجع الكافي: ۱۸/۲ باب دعائم الإسلام، التهذيب: ۴/۱۵۱/۴۱۸.
- (۱۰۸۲) في بحار الأنوار تقرأ عن الكافي: «وَجَقَلَ لَهُمْ أَجْرٌ...» وهو الأنسب.
- (۱۰۸۳) في بحار الأنوار تقرأ عن الكافي: «وَأَحْيَاءُهُ وَأُنْتُتُهُ فِي أُمَّتِهِ...» وهو الأنسب.
- (۱۰۸۴) الكافي: ۸/۱۲۰/۹۲ عن أبي حمزة.
- (۱۰۸۵) الكافي: ۱/۱۸۰/۱، تفسير العياشي: ۲/۱۱۶/۱۵۵ نحوه.
- (۱۰۸۶) تفسير العياشي: ۲/۱۶۰/۶۶.
- (۱۰۸۷) نوح: ۲۸.
- (۱۰۸۸) الأحزاب: ۳۳.
- (۱۰۸۹) الكافي: ۱/۴۲۳/۵۴.
- (۱۰۹۰) تفسير العياشي: ۱/۵/۹ عن مسعدة بن صدقة.
- (۱۰۹۱) الكافي: ۱/۴۳۴/۹۱ عن محمد بن الفضل، مجمع البيان: ۵۹۱/۶ عن محمد بن الفضل عن أبي الفضل.
- (۱۰۹۲) المطرف: بكسر الميم وفتحها وضمّها: التوب الذي في طريقه علّمان، والميم زائدة. (النهاية: ۱۲۱/۲)
- (۱۰۹۳) أمالي الطوسي: ۵۸۹/۱۲۲۰، تنبيه الخواطر: ۷۵/۲ وراجع أيضًا: ص ۹۵۶/۶۱۶ من كتابنا هذا.
- (۱۰۹۴) مستطرفات السرائر: ۱۴۹/۳.
- (۱۰۹۵) التهذيب: ۶/۱۰۰/۱۷۷، وراجع: ص ۱۶۹/۶۵۶ من كتابنا هذا.
- (۱۰۹۶) الإرشاد: ۱/۱۸۰، وراجع تفسير العياشي: ۱/۴/۳.
- (۱۰۹۷) كمال الدين: ۲۷۷/۲۵ عن سليم بن قيس الهلالي عن الإمام علي عليه السلام، كتاب سليم بن قيس: ۲/۶۴۶ وفيه «وليكتم» بدل «دليلكم».
- (۱۰۹۸) القضاة لشاذان بن جبرئيل: ۱۳۰ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۰۹۹) الاحتجاج: ۱/۱۹۸/۱۱، اليقين: ۳۴۱ نحوه.
- (۱۱۰۰) نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۰.
- (۱۱۰۱) الاحتجاج: ۱/۲۹۷/۵۲ عن محمد ويحيى ابني عبد الله بن الحسن عن أبيهما عن جدّهما عنه عليه السلام، اليقين: ۴۴۸ باب ۱۷۰ عن يحيى بن عبد الله بن الحسن عن جدّه عنه عليه السلام.
- (۱۱۰۲) المائدة: ۵۱.
- (۱۱۰۳) إبراهيم: ۳۶.
- (۱۱۰۴) تفسير العياشي: ۲/۲۳۱/۳۴ عن أبي عمرو الزيري.
- (۱۱۰۵) حلية الأولياء: ۱/۸۶، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۲/۹۵/۵۹۶، فرائد السمطين: ۱/۵۳/۱۸، كنز العمال: ۱۲/۱۰۳/۳۴۱۹۸ وفيه «بأهل بيتي» بدل «بالأئمة» كلُّها عن ابن عباس، أمالي الطوسي: ۵۷۸/۱۱۹۵ نحوه عن أبي ذر، المناقب لابن شهر آشوب: ۱/۲۹۲، وراجع بصائر الدرجات: ۴۸-۵۲، ينابيع المودة: ۱/۳۷۹/۲.
- (۱۱۰۶) الكافي: ۱/۲۰۸/۳ عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام.

- (١١٠٧) الخصال: ٤٦٤ / ٤، الاحتجاج: ١٩٧ / ١، كلاهما عن خزيمة بن ثابت ذي الشهاداتين، اليقين: ٣٤١، إثبات الهداة: ١ / ٧٣٠ / ٢٤٧ كلاهما عن أبي بن كعب.
- (١١٠٨) القلج: الفوز والظفر (السان العرب: ٢ / ٣٤٧).
- (١١٠٩) تفسير العتاشي: ١ / ١٦٩ / ٣٣، وراجع المحاسن: ١ / ٢٣٧ / ٤٣٢ كلاهما عن أبي كلفة عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (١١١٠) كمال الدين: ٢٨٦ / ٣ عن سدير عن الإمام الصادق عليه السلام، وذكره أيضًا في: ٢ نحوه عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، الغيبة للطوسي: ٤٥٦ / ٤٦٦ نحوه عن رفاعه بن موسى ومعاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام، وراجع الخرائج والجرائع: ٣ / ١١٤٨ / ٥٧.
- (١١١١) أمالي الطوسي: ٥١٦ / ١١٣١.
- (١١١٢) المحاسن: ١ / ١٣٣ / ١٦٥ عن بكر بن صالح.
- (١١١٣) النور: ٣٦.
- (١١١٤) في المصدر «البيت» والصحيح ما أثبتناه كما في شواهد التنزيل.
- (١١١٥) الدر المنثور: ٦ / ٢٠٣ نقلًا عن ابن مردويه، شواهد التنزيل: ١ / ٥٣٤ / ٥٦٨، مجمع البيان: ٧ / ٢٢٧، العدة: ٢٩١ / ٤٧٨.
- (١١١٦) كنز العمال: ١٢ / ١٠٠ / ٣٤١٨٠ نقلًا عن الديلمي، أمالي الطوسي: ٣٦٦ / ٧٧٩ عن علي بن علي بن رزين أخي دعبل عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١ / ٢٥٤ / ٢ عن دعبل بن علي عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام وذكره أيضًا في: ٢ / ٢٥٤ عن داود بن سليمان وأحمد بن عبد الله الهروي عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام، بشارة المصطفى: ٣٦، فرائد السمطين: ٢ / ٢٧٧ / ٥٤١ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام.
- (١١١٧) كتاب سليم بن قيس: ٢ / ٦٨٧، إحقاق الحق: ٥ / ٤٢ نقلًا عن در بحر المناقب، كلاهما عن أبي ذر والمقداد وسلمان عن الإمام علي عليه السلام.
- (١١١٨) المعجم الكبير: ٣ / ٨٨ / ٢٧٤٩، حلية الأولياء: ١ / ٦٣ كلاهما عن ابن أبي ليلى، وراجع أمالي الطوسي: ٢٢٣ / ٣٨٦، بشارة المصطفى: ١٠٩ كلاهما عن سلمان الفارسي.
- (١١١٩) أمالي الصدوق: ٦٢ / ١١، التخصيص: ٥٩٩، بشارة أنوار اليقين: ٥٢، الخوارزمي: ٥٢.
- (١١٢٠) جامع الأحاديث للققلي: ٢٦١ عن ابن عباس.
- (١١٢١) الخصال: ١٤٦ / ١٧٣ عن أبي سعيد الخدري، روضة الواعظين: ٢٩٧ مرسلًا، المعجم الكبير: ٣ / ١٢٦ / ٢٨٨١، المعجم الأوسط: ١ / ٧٢ / ٢٠٣، مقتل الحسين للخوارزمي: ٢ / ٩٧ كلها عن أبي سعيد الخدري، وفيها «حرمة رحي» بدل «حرمة عترتي»، وراجع إحقاق الحق: ٩ / ٥١١، وأيضًا: ١٨ / ٤٤٢.
- (١١٢٢) بصائر الدرجات: ٤١٣ / ٣ عن جابر، مختصر بصائر الدرجات: ٩٠ عن جابر بن يزيد الجعفي.
- (١١٢٣) الكافي: ٨ / ١٠٧ / ٨٢ عن علي بن شجرة.
- (١١٢٤) أمالي الصدوق: ٣٣٩ / ١٣، معاني الأخبار: ١١٧ / ١ كلاهما عن عبد الله بن سنان، الخصال: ١٤٦ / ١٧٤ عن ابن عباس قال: إنَّ الله.... روضة الواعظين: ٢٩٧.
- (١١٢٥) الأنفال: ٤١.
- (١١٢٦) تفسير الطبري: ٦ / الجزء ١٠ / ٥.
- (١١٢٧) تفسير الطبري: ٦ / الجزء ١٠ / ٨.
- (١١٢٨) الكافي: ١ / ٥٣٩ / ٢ عن محمد بن مسلم.
- (١١٢٩) الكافي: ١ / ٥٤٠ / ٤ عن حماد بن عيسى عن بعض أصحابنا.
- (١١٣٠) الكافي: ٤ / ٦٠ / ٨، التهذيب: ٤ / ١١٠ / ٣١٢ كلاهما عن عيسى بن عبد الله عن الإمام الصادق عليه السلام، الفقيه: ٢ / ٦٥ / ١٧٢٥ مرسلًا، ذخائر العقبى: ١٩ عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ١٢ / ٩٥ / ٣٤١٥٢، الجامع الصغير: ٢ / ٦١٩ / ٨٨٢١ كلاهما عن ابن

عساكر عن الإمام علي عليه السلام.

(۱۱۳۱) أمالي الطوسي: ۹۴۷/۴۲۴، أمالي الصدوق: ۵/۳۱۰ كلاهما عن أبيان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليه السلام، كشف الغمّة: ۲/

۲۵ عن الإمام الباقر عن أبيه عن جده عليه السلام، روضة الواعظين: ۳۰۰ مرسلًا، ينابيع المودة: ۷۵/۲۷۹/۲ نقلًا عن الديلمي في الفردوس،

إحقاق الحق: ۳۱/۴۲۴/۹، و ۵۲/۴۷۵/۱۸.

(۱۱۳۲) كمال الدين: ۱۳/۴۱۳ عن محمد بن الفضيل عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام.

(۱۱۳۳) بشارة المصطفى: ۶ عن عمران بن معقل.

(۱۱۳۴) نواب الأعمال: ۱/۱۲۴ عن أحمد بن محمد بن عيسى بإسناده، الفقيه: ۲/۷۳/۱۷۶۵ مرسلًا، كامل الزيارات: ۳۱۹ عن عمرو

بن عثمان عن الإمام الرضا عليه السلام.

(۱۱۳۵) الرعد: ۲۱.

(۱۱۳۶) تفسير العياشي: ۲/۲۰۸/۳۰.

(۱۱۳۷) صحيح البخاري: ۴/۱۸۰۲/۴۵۲۰، وراجع صحيح مسلم: ۱/۳۰۵/۴۰۵، سنن الدارمي: ۱/۳۳۰/۱۳۱۷ كلاهما عن بشير

بن سعد، سنن أبي داود: ۱/۲۵۷/۹۷۸، سنن النسائي: ۳/۴۹.

(۱۱۳۸) صحيح البخاري: ۳/۱۲۳۳/۳۱۹۰، وراجع: ۴/۱۸۰۲/۴۵۱۹، صحيح مسلم: ۱/۳۰۵/۴۰۶، سنن أبي داود: ۱/۲۵۷/

۹۷۶، سنن الدارمي: ۱/۳۲۹/۱۳۱۶، سنن النسائي: ۳/۴۵.

(۱۱۳۹) الكافي: ۲/۴۹۵/۲۱، عدة الداعي: ۱۴۹ كلاهما عن ابن القدّاح.

(۱۱۴۰) سنن الدارقطني: ۱/۳۵۵/۶، عوالي اللآلي: ۲/۴۰/۱۰۱، إحقاق الحق: ۱۸/۳۱۰، مستدرک الوسائل: ۵/۱۵/۵۲۵۶ كلّها

عن أبي مسعود الأنصاري.

(۱۱۴۱) الصواعق المحرقة: ۱۴۸، نور الأبصار: ۱۲۷ وفيه «الفخر» بدل «القدر».

(۱۱۴۲) إحقاق الحق: ۱۸/۵۲۲، ينابيع المودة: ۲/۲۷۱/۷۷۳ كلاهما عن مودة القريني عن أم سلمة، البحار: ۲۸/۱۹۹/۳۸ نقلًا عن

الفضائل والروضة نحوه.

(۱۱۴۳) الخصال: ۶۳۵/۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تفسير فرات الكوفي: ۳۶۷/۴۹۹ عن عبيد

بن كثير معنًا.

(۱۱۴۴) الكافي: ۲/۴۹۶/۲ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام.

(۱۱۴۵) الكافي: ۲/۱۸۶/۱ عن علي بن أبي حمزة.

(۱۱۴۶) أمالي الطوسي: ۲۲۴/۳۹۰، بشارة المصطفى: ۱۱۰ وفيه «إحياء لأمرنا» بدل «إحياءنا»، كلاهما عن معتب مولى أبي عبد الله.

(۱۱۴۷) الكافي: ۸/۳۳۴/۵۲۱، وذكره أيضًا في: ۲/۱۸۷/۴، تأويل الآيات الظاهرة: ۶۶۷ كلّها عن المستورد التميمي عن رواه.

والآية: ۴ من سورة الجمعة.

(۱۱۴۸) أمالي المفيد: ۶/۳۴۰، أمالي الطوسي: ۱۱۷/۱۸۱، بشارة المصطفى: ۶۲، كامل الزيارات: ۱۰۰ نحوه عن المنذر عن الإمام

السجاد عليه السلام من دون ذيله.

(۱۱۴۹) أمالي الطوسي: ۵۴/۷۳.

(۱۱۵۰) أمالي الطوسي: ۱۹۴/۳۳۰، أمالي المفيد: ۱۷۵/۵ كلاهما عن محمد بن أبي عمارة الكوفي.

(۱۱۵۱) نواب الأعمال: ۲۲۳/۱، بشارة المصطفى: ۲۷۵ نحوه، وراجع مستطرفات السرائر: ۱۲۵، المحاسن: ۱/۱۳۶/۱۷۴، كامل

الزيارات: ۱۰۴، تفسير القمي: ۲/۲۹۲.

(۱۱۵۲) كامل الزيارات: ۱۰۴ عن فضيل بن فضالة.

(۱۱۵۳) أمالي الطوسي: ۱۱۵/۱۷۸، أمالي المفيد: ۲/۳۳۸، بشارة المصطفى: ۲۵۷، وراجع الكافي: ۲/۲۲۶/۱۶.

(۱۱۵۴) كامل الزيارات: ۱۰۱.

- (١١٥٥) أمالي الصدوق: ٦٨/ ٤ عن علي بن فضال، وراجع عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/ ٢٩٤/ ٤٨، مكارم الأخلاق: ٢/ ٩٣/ ٢٦٦٣.
- (١١٥٦) البحار: ٤٥/ ٢٥٧/ ١٥ نقلًا عن بعض مؤلفات المتأخرين، الدفعة السابعة: ٤/ ١٧٣.
- (١١٥٧) الملهوف: ٨٦.
- (١١٥٨) الكافي: ٢/ ٤٦/ ٢، المحاسن: ١/ ٤٤٥/ ٣١-١٠ كلاهما عن مدرك بن عبد الرحمن عن الإمام الصادق عليه السلام عنده عليه السلام، أمالي الصدوق: ٢٢١/ ١٦ عن مبارك بن عبد الرحمن عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، شرح الأخبار: ٣/ ٨/ ٩٢٧ عن مدرك بن عبد الرحمن عن الإمام الصادق عليه السلام كما في الكافي بطريق آخر.
- (١١٥٩) كنز العمال: ١٣/ ٦٤٥/ ٣٧٦٣١ عن ابن عساكر عن علي بن حمزة الصوفي عن أبيه عن موسى بن جعفر عن آبائه عليه السلام، كنز العمال: ١٢/ ١٠٥/ ٣٤٢٠٦ عن ابن عساكر عن علي عليه السلام.
- (١١٦٠) أمالي الطوسي: ٨٤/ ١٢٦ عن جابر بن يزيد، تحف العقول: ٥٢، الفقيه: ٤/ ٣٦٤/ ٥٧٦٢.
- (١١٦١) نهج البلاغة: الخطبة ٢٣٩.
- (١١٦٢) أمالي الطوسي: ٢٩٦/ ٥٨٢ عن جابر بن يزيد الجعفي.
- (١١٦٣) الكافي: ٢/ ١٨/ ٣ عن فضيل بن يسار وح ١، المحاسن: ١/ ٤٤٥/ ١٠٣٣ كلاهما عن أبي حمزة، وراجع البحار: ٦٨/ ٣٢٩/ باب ٢٧.
- (١١٦٤) أمالي الصدوق: ٣٨٤/ ١٦، بشارة المصطفى: ١٥١ كلاهما عن الأصمغيني بن نباتة.
- (١١٦٥) الكافي: ٨/ ١٢٩/ ٩٨ عن حفص بن غياث، تنبيه الخواطر: ٢/ ١٣٧.
- (١١٦٦) التهذيب: ٦/ ٩٧/ ١٧٧، وراجع: ص ١٥٦/ ١٦٩ من كتابنا هذا.
- (١١٦٧) سنن الترمذي: ٥/ ٦٢٢/ ٣٧٨٩، تاريخ بغداد: ٤/ ١٦٠، المستدرك على الصحيحين: ٣/ ١٦٣/ ٤٧١٦، المعجم الكبير: ٣/ ٤٦/ ٢٦٣٩، وذكره أيضًا في: ١٠/ ٢٨١/ ١٠٦٦٤، شعب الإيمان: ١/ ٣٦٦/ ٤٠٨، وذكره أيضًا في: ٢/ ١٣٠/ ١٣٧٨، أسد الغابة: ٢/ ١٨، أمالي الصدوق: ٢٩٨/ ٦، علل الشرائع: ١/ ١٣٩، بشارة المصطفى: ٦١، وذكره أيضًا في: ٢٣٧/ ٢٣٧، كلها عن ابن عباس و: ١٣٢، أمالي الطوسي: ٢٧٨/ ٥٣١ كلاهما عن عيسى بن أحمد بن عيسى عن الإمام الهادي عن آبائه عليه السلام، الصواعق المحرقة: ٢٣٠ وفي بعضها «يقدمكم» بالبدال المهملة **مركز تحقيق تكملة علوم إسلامي**
- (١١٦٨) أي ثياب منسوجة من صوف الأغنام وأشعار الماعز.
- (١١٦٩) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ٩١/ ١٢٦.
- (١١٧٠) مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ٢/ ١٦٠/ ٦٣٧ عن عبيد الله بن محمّد بن عمر بن علي بن أبي طالب.
- (١١٧١) الكافي: ٢/ ٤٦/ ٣، بشارة المصطفى: ١٥٧ وفيه «في قلوب أهل الأرض قوم من» كلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليه السلام.
- (١١٧٢) المحاسن: ١/ ٢٤٦/ ٤٥٧ عن أبي بصير.
- (١١٧٣) تحف العقول: ٣١٣ عن أبي جعفر محمّد بن النعمان الأحول.
- (١١٧٤) الفردوس: ٢/ ١٤٢/ ٢٧٢١، ينابيع المودة: ٣/ ١٩١ كلاهما عن ابن مسعود.
- (١١٧٥) أمالي الطوسي: ٥٢٦/ ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ٢/ ٣٦٣/ ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ٢/ ٥١، أعلام الدين: ١٨٩.
- (١١٧٦) غرر الحكم: ٣٣٦٣.
- (١١٧٧) المحاسن: ١/ ٢٤٧/ ٤٦٢ عن حفص الدّهان.
- (١١٧٨) المحاسن: ١/ ٢٤٧/ ٤٦٣، الكافي: ١/ ١٨٧/ ١٢ عن محمّد بن الفضيل نحوه مضمراً.
- (١١٧٩) الاختصاص: ٨٦، وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ٤/ ٢١٥.
- (١١٨٠) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢/ ٢٢٥/ ٧٣٠.
- (١١٨١) أمالي الطوسي: ٤٥٥/ ١٠١٨ عن الحسين بن زيد وعبد الله بن إبراهيم الجعفري عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، وراجع معاني

- الأخبار: ۱/ ۱۶۱، أمالي الصدوق: ۲۸۳/ ۱۲، علل الشرائع: ۱/ ۱۴۱، المحاسن: ۱/ ۲۳۲/ ۱۹، كلها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام.
- (۱۱۸۲) أمالي الصدوق: ۲۸۴/ ۱۴، معاني الأخبار: ۱۶۱/ ۳، بشارة المصطفى: ۱۵۰، كلها عن زيد بن علي عن آبائه عليه السلام.
- (۱۱۸۳) المناقب للخوارزمي: ۲۲۳/ ۳۳۰ عن ابن عباس، وراجع فوائد السطين: ۱/ ۱۳۵/ ۱۹۷، الخصال: ۵۷۷/ ۱، علل الشرائع: ۱۴۳/ ۷، المناقب لابن شهر آشوب: ۲/ ۲۶۷.
- (۱۱۸۴) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۴/ ۱۱۰ عن أبي مريم الأنصاري، وراجع شرح الأخبار: ۱/ ۱۵۲/ ۹۲، وص ۴۴۷/ ۱۲۸، المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۲۰۸.
- (۱۱۸۵) أمالي الصدوق: ۳۸۴/ ۱۳، علل الشرائع: ۱۴۱/ ۲، معاني الأخبار: ۱۶۱/ ۲، كلها عن أبي محمد الأنصاري عن غير واحد.
- (۱۱۸۶) معاني الأخبار: ۱۶۱/ ۴، بشارة المصطفى: ۹، كلاهما عن المفصل بن عمر.
- (۱۱۸۷) معاني الأخبار: ۱/ ۱۶۶.
- (۱۱۸۸) الكافي: ۸/ ۳۱۶/ ۴۹۷ عن ربعي، الملتقى - بتشديد الصاد ويخفف - الدعي المتهم في نسبه، والرجل المقيم في الحي وليس منهم، ووردت الأخبار المتواترة على أن حب أهل البيت علامة طيب الولادة وبغضهم علامة خبيثها. (مرآة العقول: ۲۶/ ۴۲۰).
- (۱۱۸۹) باره بيوره أي: جزبه واختبره (الصالح: ۵۹۷/ ۲).
- (۱۱۹۰) يقال الرشدة بالفتح أو الكسر: إذا كان لثكاح صحيح، ضدًا لزنبة. (راجع النهاية: ۲/ ۲۲۵).
- (۱۱۹۱) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۲/ ۲۲۴/ ۷۲۷، وراجع النهاية: ۱/ ۱۶۱، لسان العرب: ۴/ ۸۷، تاج العروس: ۶/ ۱۱۸، مجمع البيان: ۹/ ۱۶۰، شرح الأخبار: ۱/ ۴۴۶/ ۱۲۴، رجال الكشي: ۱/ ۲۴۱، المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۲۰۷.
- (۱۱۹۲) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۲/ ۲۲۴/ ۷۲۹، وراجع: ۷۲۸، فوائد السطين: ۱/ ۳۶۵/ ۲۹۳، المناقب لابن شهر آشوب: ۳/ ۲۰۷.
- (۱۱۹۳) مروج الذهب: ۴/ ۶۲: كشف اليقين: ۱۷۶/ ۵۷۳.
- (۱۱۹۴) الكافي: ۱/ ۱۹۴/ ۱ عن أبي خالد الكابلي.
- (۱۱۹۵) دعائم الإسلام: ۱/ ۷۳، شرح الأخبار: ۳/ ۱۳۶۷/ ۴۷۱ عن عبد العلي بن أبيه عن أبيه إلى قوله «الفرع الأكبر».
- (۱۱۹۶) أمالي الطوسي: ۵۸۳/ ۱۲۰۷.
- (۱۱۹۷) غرر الحكم: ۳۴۷۹.
- (۱۱۹۸) التوحيد: ۲۵/ ۲۳، أمالي الصدوق: ۱۹۵/ ۸، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۱۳۵/ ۴، معاني الأخبار: ۱/ ۳۷۱، نواب الأعمال: ۲۱/ ۱/، بشارة المصطفى: ۲۶۹، روضة الواعظين: ۵۱.
- (۱۱۹۹) إحقاق الحق: ۹/ ۵۴، نقلًا عن المناقب المرتضوية وخلاصة الأخبار.
- (۱۲۰۰) المعجم الأوسط: ۶/ ۵۹/ ۵۷۹۰، المعجم الكبير: ۷/ ۷۵/ ۶۴۱۶ من دون «وعترتي أحب إلي من عترته»، الفردوس: ۵/ ۱۵۴/ ۷۷۹۶، أمالي الصدوق: ۲۷۴/ ۹، علل الشرائع: ۱۴۰/ ۳، بشارة المصطفى: ۵۲، كلها عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن أبيه، روضة الواعظين: ۲۹۸، مراسلاً.
- (۱۲۰۱) كفاية الأثر: ۱۱۰ عن واثلة بن الأسقع.
- (۱۲۰۲) أمالي الطوسي: ۳۴/ ۳۴، أمالي المفيد: ۲۷۰/ ۲، بشارة المصطفى: ۴۸، كشف الغمّة: ۱/ ۱۴۰، كلها عن الحارث الأعور.
- (۱۲۰۳) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۲/ ۱۸۸/ ۶۷۱ عن يعلى بن مرة الثقفي.
- (۱۲۰۴) سنن النسائي: ۸/ ۱۱۷، مسند ابن حنبل: ۱/ ۲۰۴/ ۷۳۱، فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲/ ۵۶۴/ ۹۴۸، كنز الفوائد: ۲/ ۸۳، الغارات: ۲/ ۵۲۰، تاريخ بغداد: ۲/ ۲۵۵ و ۱۴/ ۴۲۶، كلها عن زر بن حبیش، وفي: ۸/ ۱۷ عن علي بن ربيعة الوالي وفي بعضها «لا يحبك» و «لا يبغضك».
- (۱۲۰۵) مسند ابن حنبل: ۱۰/ ۱۷۶/ ۲۶۵۶۹، سنن الترمذي: ۵/ ۶۳۵/ ۳۷۱۷ وفيه «لا يحب عليًا منافق ولا يبغضه مؤمن»، البداية



والنهاية: ٣٥٥/٧، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٩٩/٢٠٨/٢، وراجع: ٣١٣/٢٤٧/١، المحاسن: ١/٢٤٨/١، ٤٦٥/٢٤٨/١، أعلام الدين: ٣٧٨، عوالي اللآلي: ٩٥/٨٥/٤، الاحتجاج: ١٤٩/١، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ٨٣/٤، قال: قد اتفقت الأخبار الصحيحة التي لا ريب فيها عند المحدثين على أن النبي صلى الله عليه وآله قال: «لا يفتك إلا منافق ولا يحبك إلا مؤمن».

(١٢٠٦) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٩٩/٢٠٨/٢، الفارات: ٥٢٠/٢، عن حبة العرني، من دون ذيله.

(١٢٠٧) نهج البلاغة: الحكمة ٤٥، أمالي الطوسي: ٣٥٣/٢٠٦، نحوه عن سويد بن غفلة، روضة الواعظين: ٣٢٣، وراجع الكافي: ٨/٢٦٨/٣٩٦.

(١٢٠٨) الكافي: ١/١٨٨/١٢، المحاسن: ١/٢٤٧/١، ٤٦٣/٢٤٧/١، كلاهما عن محمد بن الفضيل، تفسير فرائد الكوفي: ٤٢٨/٥٦٦، عن زياد بن المنذر.

(١٢٠٩) طه: ١١١.

(١٢١٠) تفسير فرائد الكوفي: ٣٥٥/٢٦٠، عن جابر بن يزيد وأبي الورد.

(١٢١١) كامل الزيارات: ١٩٣، عن أبي بكر الحضرمي.

(١٢١٢) المجادلة: ٢٢.

(١٢١٣) شواهد التنزيل: ٩٧١/٣٣٠/٢، وراجع تأويل الآيات الظاهرة: ٦٥٠.

(١٢١٤) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/٦٢/٢٥٨، عن الحسن بن عبد الله بن محمد بن العباس الرازي التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام.

(١٢١٥) المعجم الكبير: ١١/٨٤/١١١٧٧، عن أبي برزة، المعجم الأوسط: ٩/١٥٥/٩٤٠٦، المناقب لابن المغازلي: ١٢٠/١٥٧، كلاهما

عن ابن عباس، فرائد السمطين: ٢/٣٠١/٥٥٧، عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، أمالي الصدوق: ٤٢/٩،

الخصال: ٢٥٣/١٢٥، كلاهما عن إسحاق بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، تحف العقول: ٥٦، مرسلاً، أمالي الطوسي:

٥٩٣/١٢٢٧، تنبيه الخواطر: ٢/٧٥، كلاهما عن أبي بريدة الأسلمي، جامع الأخبار: ٤٩٩/١٣٨٤، عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام،

روضة الواعظين: ٥٤٦، مرسلاً، شرح الأخبار: ٢/٥٠٨/٨٩٨، عن أبي سعيد الخدري، وفي بعضها «شبابه» بدل «جسده».

(١٢١٦) المعجم الأوسط: ٢/٣٤٨/٢١٩١، وراجع المناقب للخوارزمي: ٥٩/٧٧.

(١٢١٧) التكاثر: ٨.

(١٢١٨) تفسير فرائد الكوفي: ٦٠٥/٧٦٣.

(١٢١٩) إحقاق الحق: ١٨/٤٩٨.

(١٢٢٠) كنز العمال: ١٦/٤٥٦/٤٥٤٠٩، نقلاً عن عبد الكريم الشيرازي في فوائده والديلمي وابن النجار عن الإمام علي عليه السلام، فرائد

السمطين: ٢/٣٠٤/٥٥٩، عن مخارق بن عبد الرحمن عن الإمام الصادق عن أبيه [عن جدّه] عن الإمام علي عليه السلام، الصواعق

المحرقة: ١٧٢، نقلاً عن الديلمي، إحقاق الحق: ١٨/٤٩٧، نقلاً عن أبي يعلى في مسنده عن الإمام الحسين عليه السلام.

(١٢٢١) علل الشرائع: ١٤٢، الفقيه: ٣/٤٩٣/٤٧٤٤، رجال الكشي: ١/٢٣٦، الثاقب في المناقب: ١٢٤/١٢٣.

(١٢٢٢) جواب - بتثليل الواو وآخره موحدة -: ابن عبد الله التيمي الكوفي، صدوق رُمي بالإرجاء، من السادسة.

(١٢٢٣) أي: علي خير البشر فمن أين فقد كفر.

(١٢٢٤) المناقب لابن شهر آشوب: ٦٧/٣.

(١٢٢٥) أبو محمد سفيان بن مصعب العبدي الكوفي، من شعراء أهل البيت الطاهر المتزلفين إليهم بولائه وشعره، المقبولين عندهم لصدق نيته

وانتظاعه إليهم. وقد ضمن شعره غير يسير من مناقب مولانا أمير المؤمنين الشهيرة، وأكثر من مدحه ومدح ذريته الأطيبين وأطاب.

وتفجع على مصائبهم ورتاهم على ما اتاههم من الهم، ولم تجد في غير آل الله له شعراً....

عده شيخ الطائفة في رجاله من أصحاب الإمام الصادق عليه السلام، ولم تك صحبته مجرد ألفة معه، أو محض اختلاف إليه، أو أن عصراً

واحدًا يجمعهما، لكنه حظي بلفة عنده منبعثة عن صميم الود وخالص الولاء، وإيمان لا تشوبه أي شائبة، حتى أمر الإمام عليه السلام شيعته

بتعليم شعره أولادهم وقال: «إنه على دين الله». كما رواه الكشي في رجاله بإسناده عن سماعة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا معشر

الشيعة! علّموا أولادكم شعر العبدی، فإنّه على دين الله.

وبنم عن صدق لهجته واستقامة طريقته في شعره وسلامة معانيه عن أي مغمز، أمر الإمام عليه السلام إتياء بنظم ما تنوح به النساء في المآتم، كما رواه الكشي في رجاله.

لم نقف على تاريخي ولادة المترجم له ووفاته، ولم نثر على ما يقربنا إليهما إلا ما سمعت من روايته عن الإمام جعفر بن محمد عليه السلام واجتماعه مع السيد الجعفري المولود سنة ١٠٥ والمتوفى سنة ١٧٨ ومع أبي داود المسترق. وملاحظة تاريخي ولادة أبي داود المسترق الراوي عنه ووفاته يؤدنا بحياة شاعرنا العبدی إلى حدود سنة وفاة الجعفري، فإنّ أبا داود توفي سنة ٢٣١ كما في فهرست النجاشي أو في سنة ٢٣٠ كما في رجال الكشي، وعاش سبعين سنة كما ذكره الكشي. فتكون ولادة أبي داود سنة ١٦١ على قول النجاشي و ١٦٠ على اختيار الكشي. وطبيعة الحال كان له من عمره حين روايته عن المترجم أقل ما تستدعيه الرواية، فيستدعي بقاء المترجم أقل إلى أواخر أيام الجعفري، فما في أعيان الشيعة: ١/ ٣٧٠ من كون وفاة المترجم في حدود سنة ١٢٠ قبل ولادة الراوي عنه أبي داود المسترق بأربعين سنة خالٍ عن كل تحقيق وتقريب، (راجع الغدير: ٢/ ٢٩٠ - ٣٢٨ ترجمة العبدی الكوفي وما في شعره من الحديث)

(١٢٢٦) رجال الكشي: ٢/ ٧٠٤/ ٧٤٨ عن سماعة.

(١٢٢٧) الكافي: ٨/ ٢٢٩/ ٢٩٣، تنبيه الخواطر: ٢/ ١٥٢ كلاهما عن أبي بصير، مشكاة الأنوار: ١٨٠ عن علي بن أبي حمزة، الاعتقادات وتصحيح الاعتقادات: ١٠٩، دعائم الإسلام: ١/ ٦١ عن الإمام الباقر عليه السلام، فقه الرضا: ٣٥٦ عن العالم عليه السلام.

(١٢٢٨) أمالي الصدوق: ٧/ ٨٨ عن مدرك بن زهير، بشارة المصطفى: ١٥، شرح الأخبار: ٣/ ٥٩٠/ ١٤٥٦ كلاهما عن مدرك بن الهزار، وراجع الخصال: ٨٩/ ٢٥.

(١٢٢٩) وفي المصدر «عشائركم» و «مرضاكم» وما أئنتاه موافق لكتبات الحديث وما جاء في ح ٧٦٧.

(١٢٣٠) بشارة المصطفى: ٢٢٢.

(١٢٣١) الخصال: ١٠/ ٦٢٤ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تفسير فرائد الكوفي: ٣٦٧/ ٤٩٩ نحوه، جامع الأخبار: ٤٩٥/ ١٣٧٦، غرر الحكم في هامش: ٢٧٦٣ نحوه.

(١٢٣٢) الكافي: ٨/ ٢٥٣/ ٣٥٨، تنبيه الخواطر: ٢/ ١٧٦.

(١٢٣٣) غرر الحكم: ٨٤٨٣.

(١٢٣٤) الخصال: ١٠/ ٦١٤ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تحف العقول: ١٠٤.

(١٢٣٥) الكافي: ٨/ ٢١٢/ ٢٥٩ عن عمرو بن أبي المقدام، أمالي الصدوق: ٤/ ٥٠٠ عن أبي بصير، وفيه «بالعمل» بدل «بالورع»، فضائل الشيعة: ٥١/ ٨ نحوه عن محمد بن حمران عن أبيه.

(١٢٣٦) الاحتجاج: ٢/ ٥٩٩.

(١٢٣٧) أمالي الطوسي: ١١٣/ ١٧٢، أمالي المفيد: ٤/ ٣٣٤، بشارة المصطفى: ٤٥، كشف الغمّة: ٨/ ٢، الفارات: ٢/ ٥٨٥ نحوه.

(١٢٣٨) تفسير فرائد الكوفي: ١٢٨/ ١٤٦ عن زيد بن حمزة بن محمد بن علي بن زياد القصار معنًا.

(١٢٣٩) البحار: ١٠٠/ ١٢٤/ ٣٤ نقلًا عن المزار الكبير عن عبد الرحمن بن مسلم.

(١٢٤٠) الأحزاب: ٤.

(١٢٤١) الالب - بالفتح والكسر - القوم يجتمعون على عدوة إنسان وآلهم: جمعهم - (السان العرب: ١/ ٢١٥)

(١٢٤٢) أمالي الطوسي: ١٤٨/ ٢٤٣، بشارة المصطفى: ٨٧، كشف الغمّة: ١١/ ٢، تأويل الآيات الظاهرة: ٤٣٩ نحوه عن أبي الجارود عن الإمام الصادق عليه السلام.

(١٢٤٣) تفسير القمي: ٢/ ١٧١.

(١٢٤٤) مستطرفات السرائر: ٢/ ١٤٩.

(١٢٤٥) مستدرك حنبل: ٤/ ٨٥/ ١١٣٧٩، شعب الإيمان: ٧/ ٣١٨/ ١٠٤٤٢، وذكره أيضًا في: ٢/ ١٧٤/ ١٤٧٣ نحوه، الفردوس: ٣/

۱۵۵/۴۴۲۱.

- (۱۲۴۶) يَجْفَأًا - بكسر التاء وسكون الجيم - شيء من سلاح يترك على الفرس يقبه الأذى. (النهاية: ۱/ ۲۷۹)
- (۱۲۴۷) المستدرك على الصحيحين: ۱/ ۳۶۷/ ۷۹۴۴، وراجع سنن الترمذي: ۴/ ۵۷۶/ ۲۳۵۰، شعب الإيمان: ۲/ ۱۷۳/ ۱۴۷۱.
- (۱۲۴۸) السنن الكبرى: ۶/ ۱۹۷/ ۱۱۶۴۹، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۲/ ۴۴۹/ ۹۶۶ نحوه.
- (۱۲۴۹) رام بالمكان: أقام وثبت، ولم يزل فيه. (التبديد: ۲۹۰)
- (۱۲۵۰) المعجم الكبير: ۱۸/ ۸۴/ ۱۵۵، الإصابة: ۴/ ۶۱۱/ ۶۰۹۷، أسد الغابة: ۴/ ۲۹۴/ ۴۱۱۲.
- (۱۲۵۱) غرر الحكم: ۹۰۳۷.
- (۱۲۵۲) غرر الحكم: ۹۰۳۸.
- (۱۲۵۳) الفارات: ۲/ ۵۸۸، تأويل الآيات الظاهرة: ۷۷۵.
- (۱۲۵۴) نهج البلاغة: الحكمة ۱۱۲.
- (۱۲۵۵) المؤمن: ۱۶/ ۵، أعلام الدين: ۴۳۲.
- (۱۲۵۶) أمالي الطوسي: ۱۰۹/ ۹۲۱، وراجع بصائر الدرجات: ۳۹۰ و ۳۹۱، الاختصاص: ۳۱۱ و ۳۱۲.
- (۱۲۵۷) رجال الكشي: ۱/ ۳۹۱/ ۲۸۱، كامل الزيارات: ۲۷۵، الاختصاص: ۵۲، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۸۱ نحوه، وفيهما «منكوس» بدل «المنكوس».
- (۱۲۵۸) أمالي الطوسي: ۱۶۴/ ۲۷۴ عن علي بن مهدي عن أبيه عن الإمام الرضا عن أبيه عليه السلام، إرشاد القلوب: ۲۵۳ عن الإمام الرضا عن أبيه عليه السلام.
- (۱۲۵۹) الاختصاص: ۸۲، رجال الكشي: ۱/ ۳۲۹/ ۱۷۸ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۱۲۶۰) بشارة المصطفى: ۳ عن أبي رزين، شرح الأخبار: ۲/ ۵۱۳/ ۹۰۶ نحوه عن علي بن حمزة عن الحسين، وذكر أيضًا في: ۱/ ۱۶۳/ ۱۱۶ نحوه عن الإمام الحسين عليه السلام.
- (۱۲۶۱) أمالي الطوسي: ۴۵۲/ ۱۰۱۰ عن شجرة، بشارة المصطفى: ۱۷ عن خالد بن طهماز أبي العلاء الخفاف، وفيه «لحبنا يغفر لكم».
- (۱۲۶۲) ثواب الأعمال: ۱/ ۲۲۳، قرب الإسناد: ۳۹/ ۱۲۶، بشارة المصطفى: ۲۷ كلاهما عن بكر بن محمد الأزدي.
- (۱۲۶۳) أمالي الطوسي: ۱۵۶/ ۲۵۹، بشارة المصطفى: ۹۰ كلاهما عن الحسين بن مصعب، إرشاد القلوب: ۲۵۳، وراجع أعلام الدين: ۴۴۸ عن صفوان، ثواب الأعمال: ۲۰۴/ ۱ عن صالح بن سهل الهمداني.
- (۱۲۶۴) الرعد: ۲۸.
- (۱۲۶۵) كنز العمال: ۲/ ۴۴۲/ ۴۴۴۸، الدر المنثور: ۴/ ۶۴۲ كلاهما نقلًا عن ابن مردويه، الجعفریات: ۲۲۴ بطريقه عنه عليه السلام.
- (۱۲۶۶) تفسير فرائد الكوفي: ۲۰۷/ ۲۷۴ عن محمد بن القاسم بن عبيد ميمناً.
- (۱۲۶۷) البحار: ۳۵/ ۴۰۵/ ۲۹، وذكره أيضًا في: ۲۳/ ۱۸۴/ ۴۸ عن ابن بطريق في المستدرك، تأويل الآيات الظاهرة: ۲۳۹، البرهان: ۲/ ۲۹۱/ ۲ كلاهما عن ابن عباس، والظاهر أنه سهو لأن ابن أم سليم هو أنس بن مالك كما في تهذيب الكمال: ۳/ ۳۵۳/ ۵۶۸.
- (۱۲۶۸) المعاسن: ۱/ ۱۳۴/ ۱۶۷ عن المفضل بن عمر.
- (۱۲۶۹) أمالي الصدوق: ۱/ ۱۶۱ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام.
- (۱۲۷۰) الأنبياء: ۳۰.
- (۱۲۷۱) كذا، ولعلّ الأنسب «وبمحبّة».
- (۱۲۷۲) الاختصاص: ۳۷ عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام.
- (۱۲۷۳) الرعد: ۳۸.
- (۱۲۷۴) الكافي: ۸/ ۸۱/ ۳۸، أمالي الطوسي: ۱۴۴/ ۲۳۴، بشارة المصطفى: ۸۲ وفيهما «بني مروان» بدل «مروان»، وهو الصحيح لأن ولادة الإمام الصادق عليه السلام كانت في أيام عبد الملك بن مروان.

- (۱۲۷۵) تاریخ بغداد: ۲/ ۱۴۶ عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۲۷۶) المعجم الأوسط: ۲/ ۳۶۰ / ۲۲۳۰ عن ابن أبي ليلى عن الإمام الحسن عليه السلام، أمالي المفيد: ۱۳/ ۱، أمالي الطوسي: ۱۸۷/ ۳۱۴، المحاسن: ۱/ ۱۳۴ / ۱۶۹، بشارة المصطفى: ۱۰۰ كلها عن ابن أبي ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام، إرشاد القلوب: ۲۵۴ عن الإمام الحسن عليه السلام.
- (۱۲۷۷) الخصال: ۶۱۴ و ۶۲۴ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام.
- (۱۲۷۸) شواهد التنزيل: ۲/ ۳۱۰ / ۹۴۸ عن سالم عن أبيه.
- (۱۲۷۹) شواهد التنزيل: ۲/ ۳۱۰ / ۹۴۷ عن أبي سعيد الخدري وراجع ص ۱۶۸ / ۱۷۹ من كتابنا هذا.
- (۱۲۸۰) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۵۸ / ۲۲۰ عن أبي محمد الحسن بن عبد الله بن محمد بن العباس الرازي التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام.
- (۱۲۸۱) فضائل الشيعة: ۴۷ / ۱، بشارة المصطفى: ۳۷، مائة منقبة: ۱۴۹، أعلام الدين: ۴۶۴ وفيه «من أحب عليًا وآل محمد»، إرشاد القلوب: ۲۳۵، المناقب للخوارزمي: ۷۳ / ۵۱، مقتل الحسين للخوارزمي: ۱ / ۴۰، فرائد السمطين: ۲ / ۲۵۸ / ۵۲۶ كلها عن ابن عمر.
- (۱۲۸۲) الخصال: ۳۶۰ / ۴۹، أمالي الصدوق: ۱۸ / ۳، بشارة المصطفى: ۱۷ كلها عن جابر عن الإمام الباقر عن آبائه عليه السلام، روضة الواعظين: ۲۹۷، جامع الأخبار: ۵۱۳ / ۱۴۴۱ عن جابر بن عبد الله الأنصاري وليس فيه «حيي»، كفاية الأثر: ۱۰۸ عن واثلة بن الأسقع.
- (۱۲۸۳) قال المجلسي رحمه الله بعد نقل الخبر: عند الله، أي: في الدنيا بقربه لديه، أو استجابة دعائه وقبول أعماله، أو في درجات الجنة، أو عند الحضور عند الله للحساب، أو استجابة دعائه وقبول أعماله. (بحار الأنوار: ۲۷ / ۱۵۸)
- (۱۲۸۴) المحاسن: ۱ / ۲۵۰ / ۴۷۱ عن محمد بن الفضل الهاشمي.
- (۱۲۸۵) جامع الأحاديث للفتي: ۲۳۱ عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام.
- (۱۲۸۶) فضائل الشيعة: ۴۸ / ۳ عن إسماعيل بن مسلم الشيعري عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، الجعفرات: ۱۸۲، نوادر الراوندي: ۱۵ كلاهما عن موسى بن إسماعيل بإسناده، كنز العمال: ۹۷ / ۳۴۶۳، الصواعق المحرقة: ۱۸۷ كلاهما عن الديلمي عن الإمام علي عليه السلام وزاد في الأربعة الأخيرة «ولأصحابي»، إحقاق الحق: ۱۸ / ۴۵۹ نقلًا عن وسيلة النجاة قال: روى أبي يعلى في مسنده عن سلمة بن الأكوع.
- (۱۲۸۷) درر الأحاديث النبوية: ۵۱.
- (۱۲۸۸) دعائم الإسلام: ۱ / ۶۳.
- (۱۲۸۹) تأويل الآيات الظاهرة: ۴۷۴ عن أبي ذر.
- (۱۲۹۰) تاريخ بغداد: ۴ / ۲۱۰، وراجع أسد الغابة: ۱ / ۴۱۵ / ۴۹۲، نبايع المودة: ۲ / ۴۶۰ / ۲۷۸، المناقب للخوارزمي: ۳۴۱ / ۳۶۱، المناقب لابن شهر آشوب: ۳ / ۳۴۶، مائة منقبة: ۱۴۵، الخرائج والجرائح: ۲ / ۵۳۶ / ۱۱.
- (۱۲۹۱) رجال النجاشي: ۱ / ۱۳۸ عن إلياس بن عمرو البجلي، شرح الأخبار: ۳ / ۴۶۳ / ۱۳۵۵ عن الحضرمي.
- (۱۲۹۲) سنن الترمذي: ۵ / ۶۴۱ / ۳۷۷۳۳، مسند ابن حنبل: ۱ / ۱۶۸ / ۵۷۶، فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲ / ۶۹۴ / ۱۱۸۵، تاريخ بغداد: ۱۳ / ۲۸۷، المناقب للخوارزمي: ۱۵۶ / ۱۳۸، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»: ۵۲ / ۹۵ و ۹۶، أمالي الصدوق: ۱۹۰ / ۱۱، بشارة المصطفى: ۳۲، وذكره أيضًا في: ۵۲ كلها عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، وراجع إحقاق الحق: ۹ / ۱۷۴.
- (۱۲۹۳) المعجم الكبير: ۳ / ۴۱ / ۲۶۲۳ عن عمر بن علي، وراجع تهذيب تاريخ دمشق: ۴ / ۲۱۳.
- (۱۲۹۴) مقاتل الطالبيين: ۷۶، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۱۶ / ۴۵ كلاهما عن سفيان عن الإمام الحسن عليه السلام، ذخائر العقبى: ۱۸، كتاب الغارات: ۲ / ۵۸۶ عن الإمام الحسن عليه السلام، وراجع مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ۲ / ۱۲۹ / ۶۱۴.

- (١٢٩٥) كفاية الأثر: ٣٥ عن أبي ذر.
- (١٢٩٦) كفاية الأثر: ٢٩٦ عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام، وراجع: ٧٤.
- (١٢٩٧) أمالي الصدوق: ١٧٤ / ٩ عن نوف عن الإمام علي عليه السلام، روضة الواعظين: ٤٥٧، مشكاة الأنوار: ٨٤.
- (١٢٩٨) أمالي الطوسي: ٦٣٢ / ١٣٠٣، كشف الغمّة: ٤١ / ٢.
- (١٢٩٩) المعجم الكبير: ١٢٥ / ٣ / ٢٨٨٠ عن بشر بن غالب.
- (١٣٠٠) أمالي الطوسي: ٢٥٣ / ٤٥٥، بشارة المصطفى: ١٢٣ نحوه، كلاهما عن بشر بن غالب.
- (١٣٠١) المحاسن: ١٣٤ / ١٦٨ عن بشر بن غالب الأسدي.
- (١٣٠٢) قوله «قصيرة من طويلة» إمّا كلام الراوي، أي: اختصر عليه السلام من الكلام الطويل على قليل يغني غناه، أو من كلامه عليه السلام بأن يكون معمولاً لفعل محذوف، أي: خذها كما هو المتعارف، أو خبر مبتدأ محذوف، أي: هذه (كافي هاشم النحاس).
- (١٣٠٣) المحاسن: ٢٦٧ / ١ / ٥١٧ عن أبي خالد الكابلي.
- (١٣٠٤) تفسير العياشي: ١٦٧ / ٢٧.
- (١٣٠٥) أعلام الدين: ٤٦٠ عن عبيدة بن زرارة.
- (١٣٠٦) الشك من الراوي.
- (١٣٠٧) الكافي: ١٠٦ / ٨٠، تفسير العياشي: ٨٩ / ٢ / ٦١.
- (١٣٠٨) العترة: عصا في قدر نصف الرمح أو أكثر شيئاً، في طرفها الأسفل رُجٌّ كُرُجٌ الرمح يتوكأ عليها الشيخ الكبير. (لسان العرب: ٥ / ٢٨٤)
- (١٣٠٩) الوتر - بالفتح -: الذحل وهو الحقد والعداوة. (المصباح: ٨٤٢ / ٢)
- (١٣١٠) الحمالق: ما يلي المقلة من لحمها، وقيل: هو ما في المقلة من نواحيها. (لسان العرب: ١٠ / ٦٩)
- (١٣١١) حَسْر: كشف. (المصباح النير: ١٣٥)
- (١٣١٢) الكافي: ٧٦ / ٨ / ٣٠.
- (١٣١٣) مقتل الحسين للخوارزمي: ٦٧ / ١.
- (١٣١٤) أمالي المفيد: ٢١ / ٢ عن أبي عبد الرحمن.
- (١٣١٥) الفضائل لشاذان بن جبرئيل: ١٠٤، إحقاق الحق: ٤ / ٢٨٤ عن درّ بحر المناقب، والآية ٥٥ من سورة القمر.
- (١٣١٦) درر الأحاديث النبوية: ٥١.
- (١٣١٧) إحقاق الحق: ٩ / ٤٨٤ نقلاً عن وسيلة المآل قال: رواه أبو نعيم بن حنّاد عن الإمام علي عليه السلام.
- (١٣١٨) المحاسن: ٢٥١ / ١ / ٤٧٢ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام.
- (١٣١٩) الخصال: ٦٢٩ / ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام. جامع الأخبار: ٤٩٦ / ١٣٧٧، وذكره أيضاً في: ٥٠٦ / ١٤٠٠، أمالي المفيد: ٣٣ / ٨ عن عمرو بن أبي المقدام عن أبيه عن الإمام الحسن بن علي عليه السلام، غرر الحكم: ٨١٤٦ و ٨١٤٧ و ٨١٧٣، تحف العقول: ١١٨.
- (١٣٢٠) نور الأبصار: ١٥٤، الفصول المهمة: ٢٠٣.
- (١٣٢١) الظاهر أنه أبو علي يونس بن يعقوب بن قيس البجلي الكوفي من أصحاب الإمام الصادق والإمام الكاظم والإمام الرضا عليهم السلام (كافي هاشم النحاس تحف العقول).
- (١٣٢٢) تحف العقول: ٣٧٩.
- (١٣٢٣) مقتل الحسين للخوارزمي: ٥٩ / ١، مائة منقبة: ١٠٦ نحوه، فرائد السمطين: ٢ / ٢٩٤ / ٥٥١، ينابيع المودة: ٢ / ٣٣٢ / ٩٦٩، جامع الأخبار: ٦٢ / ٧٧ كلّها عن ابن عمر.
- (١٣٢٤) الخصال: ٥١٥ / ١ عن أبي سعيد الخدري، روضة الواعظين: ٢٩٨ وفيه «الحرص على العلم».
- (١٣٢٥) الكشاف: ٣ / ٤٠٣ مرسلاً، فرائد السمطين: ٢ / ٢٥٥ / ٥٢٤، ينابيع المودة: ٢ / ٣٣٣ / ٩٧٢، المصداق: ٥٤ / ٥٢ نقلاً عن تفسير

- التعلیقي، بشارة المصطفى: ۱۹۷ کلها عن جریر بن عبدالله، جامع الأخبار: ۱۷۳ / ۱۳۳۵ مرسلًا، إحقاق الحق: ۹ / ۴۸۷ نقلًا عن تفسیر التعلیقي عن جریر بن عبد الله الجعفی.
- (۱۳۲۶) أعلام الدين: ۴۶۱ عن جابر الجعفی عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۱۳۲۷) مشارق أنوار اليقين: ۵۱ عن أبي سعيد الخدري.
- (۱۳۲۸) كفاية الأثر: ۳۰ عن أبي سعيد الخدري.
- (۱۳۲۹) المناقب لابن شهر آشوب: ۱ / ۲۹۵ عن سلمان الفارسي.
- (۱۳۳۰) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ۱ / ۱۳۲ / ۱۸۲ عن أبي أمامة الباهلي، وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ۳ / ۱۹۸، والآية ۲۳ من سورة الشورى.
- (۱۳۳۱) المحاسن: ۱ / ۲۷۱ / ۵۲۷ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام.
- (۱۳۳۲) كنز العمال: ۱۶ / ۸۷ / ۴۴۰۲۹، إحقاق الحق: ۹ / ۵۲۱ نقلًا عن إحياء الميت مطبوع بهامش الانحاف، كلاهما عن الديلمي عن أبي هريرة.
- (۱۳۳۳) أمالي الصدوق: ۱۴ / ۲۸۴، علل الشرائع: ۱۱۱ / ۳ عن زيد بن علي بن الحسين عن أبيه عن آبائه عليهم السلام، الفقيه: ۱ / ۹۶ / ۲۰۳ عن الإمام الصادق عليه السلام وزاد «أو حملت به أمه في حوضها».
- (۱۳۳۴) الخصال: ۶۳۳ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، غرر الحكم: ۳۲۹۶ وفيه «أشد الناس عمى من عمي عن حبينا وفضلنا...».
- (۱۳۳۵) الجَنَّة - بالضم - الشَّجرة - والجمع: جُنُن - بضم الجيم وفتح النون - (لسان العرب: ۱۳ / ۹۴).
- (۱۳۳۶) الكافي: ۲ / ۲۷۹ / ۹، علل الشرائع: ۵۳۲ / ۱ كلاهما عن عبد الله بن مسكان عن الإمام الصادق عليه السلام.
- (۱۳۳۷) العلبة: عصب العنق. (لسان العرب: ۱ / ۶۲۲).
- (۱۳۳۸) المحاسن: ۱ / ۲۷۱ / ۵۲۸.
- (۱۳۳۹) تاريخ بغداد: ۱ / ۲۵۹ وفيه «حب الله»، والصحيح ما أثبتناه كما في سائر المصادر، تهذيب تاريخ دمشق: ۴ / ۳۲۲، المناقب للخوارزمي: ۳۰۲ / ۲۹۷، فرائد السطین: ۲ / ۷۱ / ۳۹۸، أمالي الطوسي: ۳۵۵ / ۷۳۷، كشف الغمّة: ۱ / ۹۴، كشف اليقين: ۴۴۹ / ۵۵۱ کلها عن ابن عباس، وراجع الفضائل لشاذان بن جبرئيل: ۷۱.
- (۱۳۴۰) مقتل الحسين للخوارزمي: ۱ / ۱۰۸، الخصال: ۳۲۴ / ۱۰، مائة منقبة: ۱۰۹ / ۵۴ کلها عن إسماعيل ابن موسى عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۳۴۱) كنز العمال: ۱۲ / ۹۸ / ۳۴۱۶۸ عن ابن عساکر عن جابر، بشارة المصطفى: ۴۰ عن جابر.
- (۱۳۴۲) المناقب للخوارزمي: ۷۳ / ۵۱، مقتل الحسين للخوارزمي: ۱ / ۴۰، مائة منقبة: ۱۵۰ / ۹۵ کلها عن ابن عمر، الكشف: ۳ / ۴۰۳ مرسلًا، فرائد السطین: ۲ / ۲۵۶ / ۵۲۴، بشارة المصطفى: ۱۹۷، العدة: ۵۴ / ۵۲ کلها عن جریر بن عبد الله، إحقاق الحق: ۹ / ۴۸۷ وفي بعضها «ألا ومن مات على بغض آل محمد...».
- (۱۳۴۳) تحف العقول: ۱۱۶، الخصال: ۶۲۷ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، غرر الحكم: ۷۳۴۲ نحوه.
- (۱۳۴۴) فضائل الصحابة لابن حنبل: ۲ / ۶۶۱ / ۱۱۲۶، الدر المنثور: ۷ / ۳۴۹ نقلًا عن ابن عدي، المناقب لابن شهر آشوب: ۳ / ۲۰۵، كشف الغمّة: ۱ / ۴۷ کلها عن أبي سعيد.
- (۱۳۴۵) ذخائر العقبى: ۱۸ عن جابر بن عبد الله، كفاية الأثر: ۱۱۰ عن وائلة بن الأسقع.
- (۱۳۴۶) مقتل الحسين للخوارزمي: ۱ / ۱۰۹ عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۳۴۷) جامع الأخبار: ۲۱۴ / ۵۲۷.
- (۱۳۴۸) الكافي: ۲ / ۴۶ / ۳، وراجع بشارة المصطفى: ۱۵۷ وكلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام.
- (۱۳۴۹) كفاية الأثر: ۳۱.

- (١٣٥٠) سنن الترمذي: ٥ / ٦٣٥ / ٣٧١٧، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢ / ٢٢٠ / ٧١٨، تاريخ الخلفاء: ٢٠٢، المعجم الأوسط: ٤ / ٢٦٤ / ٤١٥١، المناقب للخوارزمي: ١ / ٣٣٢ / ٣٥٣ كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبدالله، فضائل الصحابة لابن حنبل: ٢ / ٦٣٩ / ١٠٨٦، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ٢ / ٤٧٠ / ٩٦٥ كلاهما عن جابر بن عبدالله، تذكرة الخواص: ٢٨ عن أبي الدرداء، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢ / ٦٧ / ٣٠٥ عن الإمام الحسين عليه السلام وفيهما «عليًا وولده»، كفاية الأثر: ١٠٢ عن زيد بن أرقم، العمدة: ٢١٦ / ٣٣٤ عن جابر بن عبدالله، وذكره أيضًا في: ٢١٨ / ٣٤٣، المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ٢٠٧، مجمع البيان: ٩ / ١٦٠ كلها عن أبي سعيد الخدري، قرب الإسناد: ٢٦ / ٨٦ عن عبدالله بن عمر.
- (١٣٥١) الكشاف: ٣ / ٤٠٣ مرسلًا، مائة منقبة: ٩٠ / ٣٧ عن ابن عمر، بشارة المصطفى: ١٩٧، فرائد السمطين: ٢ / ٢٥٦ / ٢٥٤ كلاهما عن جرير بن عبدالله، جامع الأخبار: ٤٧٤ / ١٣٣٥ مرسلًا، وراجع إحقاق الحق: ٩ / ٤٨٧.
- (١٣٥٢) تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢ / ٢١٨ / ٧١٢، الفردوس: ٢ / ٨٥ / ٢٤٥٩، مقتل الحسين للخوارزمي: ٢ / ٩٧ وليس فيه «ولا أنا منه»، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ٢ / ٤٧٣ / ٩٦٩، كلها عن جابر.
- (١٣٥٣) المعجم الأوسط: ٤ / ٢١٢ / ٤٠٠٢، أمالي الصدوق: ٢٧٣ / ٢ كلاهما عن سديف المكي عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر، روضة الواعظين: ٢٩٧.
- (١٣٥٤) أمالي الطوسي: ٦٤٩ / ١٣٤٧، وراجع أمالي المفيد: ١٢٦ / ٤ كلاهما عن حنّان بن سدير عن سديف المكي، المحاسن: ١ / ١٧٣ / ٢٦٦، نواب الأعمال: ٢٤٣ / ١، دعائم الإسلام: ١ / ٧٥.
- (١٣٥٥) أمالي الصدوق: ٢٢١ / ١٧ عن جابر بن يزيد الجعفي، بشارة المصطفى: ١٢٠ عن جابر.
- (١٣٥٦) الرحمن: ٢٦ و ٢٧.
- (١٣٥٧) القصص: ٨٨.
- (١٣٥٨) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١ / ١١٥ / ٣، أمالي الصدوق: ٣٧٢ / ٧، التوحيد: ١١٧ / ٢١، الاحتجاج: ٢ / ٣٨٠ / ٢٨٦.
- (١٣٥٩) أجذم، أي: مقطوع اليد، من الجذم. (النهاية: ٢٥١ / ١)
- (١٣٦٠) نواب الأعمال: ٢٤٣ / ٢، المحاسن: ١ / ١٧٤ / ٣٦٩ كلاهما عن إسماعيل الجعفي عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي: ٢ / ٢٣٧ / ٢ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «يجيء لكل غادر سيوم القيامة - يمام مائل شدة حتى يدخل النار، ويجيء كل ناكث بيعة إمام أجذم حتى يدخل النار»، وفي: ١ / ٤٠٥ / ٥ عن الإمام الصادق عليه السلام «من فارق جماعة المسلمين ونكت صفقة الإمام جاء إلى الله - عز وجل - أجذم».
- (١٣٦١) الإسراء: ٧٩.
- (١٣٦٢) أمالي الطوسي: ٤٥٥ / ١٠١٧، كشف الغمّة: ٢ / ٢٧، تأويل الآيات الظاهرة: ٢٧٩ وفيه «وليك» بدل «ولدك».
- (١٣٦٣) نواب الأعمال: ٢٥٦ / ٢١، المحاسن: ١ / ٢٩٦ / ٥٩٥ كلاهما عن علي الصائغ.
- (١٣٦٤) المستدرک على الصحيحين: ٣ / ١٦٢ / ٤٧١٧، موارد الطمان: ٥٥٥ / ٢٢٤٦، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ٢ / ١٢٠ / ٦٠٧، الدر المنثور: ٧ / ٣٤٩ نقلًا عن أحمد وابن حبان، كلها عن أبي سعيد الخدري.
- (١٣٦٥) المستدرک على الصحيحين: ٤ / ٣٩٢ / ٨٠٣٦، مجمع الزوائد: ٧ / ٥٨٠ / ١٢٣٠٠ نقلًا عن البزار، شرح الأخبار: ١ / ١٦١ / ١١٠، أمالي المفيد: ٢١٧ / ٣ وفيه «أكتبه الله على وجهه في نار جهنم» كلها عن أبي سعيد الخدري.
- (١٣٦٦) كل صاف قديمه قائمًا فهو صافن. (النهاية: ٣ / ٣٩)
- (١٣٦٧) المستدرک على الصحيحين: ٣ / ١٦١ / ٤٧١٢، المعجم الكبير: ١١ / ١٤٢ / ١١٤١٢، وراجع أمالي الطوسي: ٢١ / ٢٦ / ١١٧ / ١٨٤، ٢٤٧ / ٤٣٥، بشارة المصطفى: ٢٦٠ كلها عن ابن عباس.
- (١٣٦٨) القلقة: الداهية والأمر المريب. (لسان العرب: ١٠ / ٣١١)
- (١٣٦٩) أي: طرد، وفي المصدر «زيد» والصحيح ما أثبتناه في المتن كما في المعجم الأوسط.
- (١٣٧٠) المعجم الكبير: ٣ / ٨١ / ٢٧٢٦، وراجع المعجم الأوسط: ٣ / ٣٩ / ٢٤٠٥.



- (۱۳۷۱) ثواب الأعمال: ۲۴۷/ ۵ عن حمزان بن أعین، والآية ۳ من سورة الكهف.
- (۱۳۷۲) آل عمران: ۳۱.
- (۱۳۷۳) الکافي: ۸/ ۱۴/ ۱ عن إسماعيل بن مخلد وإسماعيل بن جابر.
- (۱۳۷۴) کامل الزیارات: ۳۳۶ عن عبد الرحمن بن مسلم.
- (۱۳۷۵) أمالي الشجري: ۱/ ۱۵۴ عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۳۷۶) كنز العمال: ۱۲/ ۹۳/ ۳۴۱۴۳، الجامع الصغير: ۱/ ۱۵۸/ ۱۰۴۵ كلاهما عن الديلمي عن أبي سعيد.
- (۱۳۷۷) أمالي الصدوق: ۳۷۷/ ۷، الجعفریات: ۱۸۳ كلاهما عن إسماعيل بن موسى عن أبيه عن آبائه عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۲۷/ ۱۱، مقتل الحسين للخوارزمي: ۲/ ۸۴، صحيفة الرضا عليه السلام: ۱۵۵/ ۹۹، كنهها عن أحمد بن عامر الطائفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، مسند زيد: ۴۶۵ بإسناده عن آبائه وفيهما «دم ذرّيتي»، وراجع ذخائر العقبى: ۳۹ عن الإمام الرضا عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۳۷۸) خصائص الأئمة عليه السلام: ۷۴.
- (۱۳۷۹) ينابيع المودة: ۲/ ۳۷۸/ ۷۴ نقلًا عن الجعابي في الطالبيين عن فاطمة الصغرى عن أبيها الحسين عليه السلام.
- (۱۳۸۰) كنز العمال: ۱۲/ ۱۰۳/ ۳۴۱۹۷ عن أبي نعيم عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۳۸۱) المستدرک علی الصحیحین: ۲/ ۵۷۲/ ۳۹۴۰ عن عبيد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن موهب عن علي بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليه السلام، وراجع المعجم الكبير: ۳/ ۱۲۶/ ۲۸۸۳، المعجم الأوسط: ۲/ ۱۸۶/ ۱۶۶۷ عن عائشة، شرح الأخبار: ۲/ ۴۹۴/ ۸۷۸ عن سفيان الثوري بإسناده عن رسول الله صلى الله عليه وآله، الخصال: ۳۳۸/ ۴۱ عن عبد الله بن ميمون عن جعفر بن محمد عن أبيه عن الإمام علي بن الحسين عليه السلام.
- (۱۳۸۲) الکافي: ۲/ ۲۹۳/ ۱۴ عن ميسر عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام.
- (۱۳۸۳) أمالي الطوسي: ۷۰۳/ ۱۵۰۴.
- (۱۳۸۴) كنز العمال: ۱/ ۲۶۷/ ۱۳۴۳ نقلًا عن ابن النجار عن أبي سعيد الخدري.
- (۱۳۸۵) أمالي الطوسي: ۱۴۲/ ۲۳۱، تفسير العتاشي: ۲/ ۸۶/ ۴۳، بشارة المصطفى: ۲۸۰ عن فضل بن عمرو، كنز العمال: ۱۰/ ۴۳۵/ ۳۰۰۵ نقلًا عن ابن النجار.
- (۱۳۸۶) ذخائر العقبى: ۲۰، ينابيع المودة: ۲/ ۱۱۹/ ۳۴۴ وفيهما «أخرجه الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام عن الإمام علي عليه السلام».
- (۱۳۸۷) تفسير القرطبي: ۱۶/ ۲۲، الكشف: ۳/ ۴۰۲، سعد السعود: ۱۴۱، كشف الغمّة: ۱/ ۱۰۶ وفيه «عشيرتي» بدل «عترتي»، لباب الأنساب: ۱/ ۲۱۵، العمدة: ۵۳، فرائد السمطين: ۲/ ۲۷۸/ ۵۴۲.
- (۱۳۸۸) آل عمران: ۷۷.
- (۱۳۸۹) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۳۴/ ۶۵، أمالي الطوسي: ۱۶۴/ ۲۷۲، تأويل الآيات الظاهرة: ۱۲۰، كنهها عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، صحيفة الرضا عليه السلام: ۹۹/ ۳۹، فرائد السمطين: ۲/ ۲۷۸/ ۵۴۳ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، كشف الغمّة: ۲/ ۱۵ عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، روضة الواعظين: ۳۰۰، جامع الأخبار: ۴۵۶/ ۱۲۸۴ كنهها نحوه.
- (۱۳۹۰) بشارة المصطفى: ۹۵ عن أبي الأسود الدؤلي، كشف الغمّة: ۲/ ۱۵.
- (۱۳۹۱) غرر الحكم: ۳۷۶۳، وراجع تفسير فرائد الكوفي: ۳۶۷/ ۴۹۹.
- (۱۳۹۲) المعجم الكبير: ۳/ ۱۲۶/ ۲۸۸۲.
- (۱۳۹۳) المعجم الكبير: ۳/ ۹۱/ ۲۷۵۸، سير أعلام النبلاء: ۳/ ۳۹، والآية ۶۱ من سورة طه.
- (۱۳۹۴) صحيفة الرضا عليه السلام: ۱۲۲/ ۸۰، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۴۷/ ۱۷۷ وفيه «كأنّي بهم غداً» بدل «عذابهم»، مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ۲/ ۸۳، المناقب لابن المغازلي: ۶۶/ ۹۴ كنهها عن أحمد بن عامر الطائفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، جامع الأحاديث للقمي: ۱۲۸ عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، ينابيع المودة: ۲/ ۳۲۶/ ۹۵۰، ربيع الأبرار: ۲/ ۲.

- ٨٢٨ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام مرفوعاً، تأويل الآيات الظاهرة: ٧٤٣.
- (١٣٩٥) المحاسن: ١/ ٢٥١/ ٤٧٢ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام.
- (١٣٩٦) الخصال: ١٠/ ٦٢٩ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، وراجع تحف العقول: ١١٩، شرح الأخبار: ١/ ١٦٥/ ١٢٠، و: ١٢١/ ٣، جامع الأخبار: ٤٩٦/ ١٣٧٧، و: ٥٠٦/ ١٤٠٠.
- (١٣٩٧) كامل الزيارات: ٢٦٤ عن قدامة بن زائدة عن أبيه.
- (١٣٩٨) الفردوس: ٤/ ٣٠٧/ ٧١٤٧، الجامع الصغير: ٢/ ٧١٨/ ٦٩٣٩ نقلاً عن ابن عساكر كلاهما عن سلعة بن الأکوع، وراجع كنز العمال: ١٤/ ٥٩٣/ ٣٩٦٧٩ عن الأصمعي بن نباتة عن الإمام علي عليه السلام، بشارة المصطفى: ٢٠٢ عن أبي طاهر عن أبيه عن جده عن الإمام علي عليه السلام.
- (١٣٩٩) كنز العمال: ١١/ ١٩٣/ ٣١١٩٠ نقلاً عن الطبراني وابن حنبل وسعيد بن منصور عن أبي أمامة والديلمي عن جابر، الخصال: ١٧٥/ ٢٣٢ نحوه عن جابر.
- (١٤٠٠) المستدرک علی الصحيحين: ٤/ ٥٣٤/ ٨٥٠٠، الملاحم والفتن: ٢٨ كلاهما عن أبي سعيد الخدري، إنبات الهداة: ٢/ ٣٦٣/ ١٧٧.
- (١٤٠١) الإسرائ: ٧١.
- (١٤٠٢) الكافي: ١/ ٢١٥/ ١، المحاسن: ١/ ٢٥٤/ ٤٨٠، بصائر الدرجات: ١/ ٣٣/ ١/ ٣٣ كلها عن جابر.
- (١٤٠٣) كمال الدين: ٦/ ٢٦٠، فرائد السمطين: ١/ ٥٤/ ١٩ كلاهما عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، والآية ٢٢٧ من سورة الشعراء.
- (١٤٠٤) كفاية الأثر: ٢٢٦، وراجع الصراط المستقيم: ٢/ ١٢٨.
- (١٤٠٥) معاني الأخبار: ١/ ٧٩.
- (١٤٠٦) دعائم الإسلام: ١/ ٢٢٥، وراجع الإرشاد: ١/ ١٨٤، أمالي المفيد: ٢/ ٢١٢، مسند ابن حنبل: ١٠/ ٢٥٧/ ٢٦٩٤٠، المعجم الكبير: ٢٥/ ٢٣/ ٣٢.
- (١٤٠٧) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ٦١/ ٢٤٤ عن الحسن بن عباد عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، وراجع كفاية الأثر: ١١٨ عن أبي أيوب.
- (١٤٠٨) أمالي الصدوق: ١١١/ ٣.
- (١٤٠٩) في المصدر «هالك» والصحيح ما أثبتناه.
- (١٤١٠) المستدرک علی الصحيحين: ٣/ ١٥٠/ ٤٦٧٣، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٣/ ٧٤/ ١١١٨، وص: ٢٦٧/ ١٣٤٣.
- (١٤١١) المعجم الكبير: ٢/ ٢٤٧/ ٢٠٣٨، المعجم الأوسط: ٧/ ٢١٨/ ٧٣١٨، دلائل النبوة لأبي نعيم: ٥٥٣/ ٤٩١، وفي الأخيرين «مؤثر» بدل «امرؤ». تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٣/ ٢٦٨/ ١٣٤٥.
- (١٤١٢) مسند أبي يعلى: ٤/ ٣١٨/ ٤٥٥٨، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٣/ ٢٨٥/ ١٣٧٦، المناقب للخوارزمي: ٦٥/ ٣٤؛ المناقب لابن شهر آشوب: ٢/ ٢٢٠.
- (١٤١٣) مسند أبي يعلى: ١/ ٢٨٥/ ٥٦١، وراجع تاريخ بغداد: ١٢/ ٣٩٨، المناقب للخوارزمي: ٦٥/ ٣٥، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢/ ٣٢١/ ٨٢٧-٨٣١، الايضاح: ٤٥٤، فضائل الصحابة لابن حنبل: ٢/ ٦٥٢/ ١١٠٩.
- (١٤١٤) كتاب سليم بن قيس: ٢/ ٨٣٨ عن عبادة بن جعفر، الخرائج والجرائح: ٣/ ١١٤٢/ ٥٥ عن النبي صلى الله عليه وآله في الحسن عليه السلام أنه مقتول بالسم. عوالي اللآلي: ١/ ١٩٩/ ١٤ في حديث قال النبي صلى الله عليه وآله لعلي فيما أخبره به جبرئيل «يقتل ولدك الحسن بالسم».
- (١٤١٥) أي: متحير، وفي بعض المصادر «وهو خائر» أو «خائر النفس» معناه ثقل النفس غير طيب ولا نشيط. (النهاية: ١/ ١١).
- (١٤١٦) المستدرک علی الصحيحين: ٤/ ٤٤٠/ ٨٢٠٢، المعجم الكبير: ٣/ ١٠٩/ ٢٨٢١ نحوه، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ١٧٣/ ٢٢١، إعلام الوری: ٤٣.
- (١٤١٧) دلائل النبوة لأبي نعيم: ٥٥٤/ ٤٩٣، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ٢٣٩/ ٢٨٣، الإصابة: ١/ ٢٧١/ ٢٦٦، أسد

- الغابة: ۱/ ۲۸۸/ ۲۴۶، البداية والنهاية: ۸/ ۱۹۹، مقتل الحسين للخوارزمي: ۱/ ۱۵۹، ذخائر العقبى: ۱۴۶.
- (۱۴۱۸) مسند ابن حنبل: ۴/ ۴۸۲/ ۱۳۵۳۹، المعجم الكبير: ۳/ ۱۰۶/ ۲۸۱۳ نحوه، مسند أبي يعلى: ۳/ ۳۷۰/ ۳۳۸۹، دلائل النبوة لأبي نعيم: ۵۵۳/ ۴۹۲، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۱۶۸/ ۲۱۷، مقتل الحسين للخوارزمي: ۱/ ۱۶۰، ذخائر العقبى: ۱۴۶.
- (۱۴۱۹) المعجم الكبير: ۳/ ۱۰۸/ ۲۸۱۹.
- (۱۴۲۰) مسند ابن حنبل: ۱/ ۱۸۴/ ۶۴۸، المعجم الكبير: ۳/ ۱۰۵/ ۲۸۱۱، مسند أبي يعلى: ۱/ ۲۰۶/ ۳۵۸، ذخائر العقبى: ۱۴۸، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ۲/ ۲۵۳/ ۱۹، وراجع الملاحم والفتن: ۱۰۴ باب ۲۴، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۱۶۵-۱۷۱.
- (۱۴۲۱) الخصائص الكبرى للسيوطي: ۲/ ۱۲۵.
- (۱۴۲۲) مقتل الحسين للخوارزمي: ۲/ ۱۶۶، بشارة المصطفى: ۱۹۵ نحوه، كلاهما عن محمد بن الحسين عن جده الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين بن علي عليه السلام، إعلام الوری: ۴۴.
- (۱۴۲۳) كفاية الأثر: ۱۶۰ عن هشام بن محمد عن أبيه.
- (۱۴۲۴) نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۰.
- (۱۴۲۵) المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۲.
- (۱۴۲۶) أي: الحسن والحسين عليه السلام.
- (۱۴۲۷) المعجم الكبير: ۵/ ۱۸۵/ ۵۰۳۷، أمالي الطوسي: ۲۵۲/ ۴۵۰، شرح الأخبار: ۳/ ۱۷۰/ ۱۱۱۶ و ۱۱۱۷.
- (۱۴۲۸) تاريخ اليعقوبي: ۲/ ۱۱۵.
- (۱۴۲۹) الكافي: ۱/ ۴۵۸/ ۳، أمالي المفيد: ۲۸۱/ ۷ نحوه، أمالي الطوسي: ۱۰۹/ ۱۶۶، بشارة المصطفى: ۲۵۸ كلها عن علي بن محمد الهرمزان عن الإمام زين العابدين عليه السلام، نهج البلاغة: الخطبة ۲۰۲.
- (۱۴۳۰) سنن الترمذي: ۵/ ۶۵۷/ ۳۷۷۰، مسند ابن حنبل: ۲/ ۱۰۵/ ۵۶۷۹، وذكره أيضًا في: ۴۵۲/ ۵۹۴۷، الأدب المفرد: ۲۸/ ۸۵، المعجم الكبير: ۳/ ۱۲۷/ ۲۸۸۴، ذخائر العقبى: ۱۲۴، مسند أبي يعلى: ۵/ ۲۸۷/ ۵۷۱۳، أسد الغابة: ۲/ ۲۶، أمالي الصدوق: ۱۲۳/ ۱۲، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۷۵، وراجع صحيح البخاري: ۳/ ۱۳۷۱/ ۳۵۴۳، خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للنسائي: ۲۵۹/ ۱۴۴، الأدب المفرد: ۲۵۹/ ۱۴۴، أنساب الأشراف: ۲/ ۲۲۷/ ۸۵، حلية الأولياء: ۵/ ۷۰، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام»: ۵۸-۶۰.
- (۱۴۳۱) في المصدر «منقوص بحقه» والصحيح هو ما أئتمناه كما في تفسير القمي.
- (۱۴۳۲) جامع الأخبار: ۲۳۸/ ۶۰۷، وراجع تفسير القمي: ۲/ ۱۳۴ عن عاصم بن حميد عن الإمام الصادق عليه السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۶۹، منبر الأحزان: ۱۰۵.
- (۱۴۳۳) ثواب الأعمال: ۲۴۸/ ۶ عن جابر.
- (۱۴۳۴) أمالي الطوسي: ۱۵۴/ ۲۵۵، بشارة المصطفى: ۸۹.
- (۱۴۳۵) كذا في المصدر ولعلّ الصحيح «خلاخيل».
- (۱۴۳۶) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۱۱/ ۴۳.
- (۱۴۳۷) أمالي الصدوق: ۳/ ۳۲۱، أمالي الطوسي: ۴۳۴/ ۹۷۳.
- (۱۴۳۸) هو المنصور الدوانيقي.
- (۱۴۳۹) تاريخ الطبري: ۷/ ۵۴۶، مقاتل الطالبين: ۱۸۱.
- (۱۴۴۰) مقاتل الطالبين: ۱۷۶.
- (۱۴۴۱) المصدر السابق.

- (١٤٤٢) مقاتل الطالبيين: ٣٤٥.
- (١٤٤٣) مقاتل الطالبيين: ٣٥١.
- (١٤٤٤) الإنذار: الإعلام. وتُرِزْتُ به إذا عَلِمْتَ. النهاية: ٣٨/٥ و ٣٩.
- (١٤٤٥) مقاتل الطالبيين: ٣٥٢.
- (١٤٤٦) جمال الأسبوع: ١٨٦.
- (١٤٤٧) الفقيه: ٢/٥٨٥/٣١٩٢، أمالي الصدوق: ٦١/٨، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/٢٥٦/٩، جامع الأخبار: ٩٣/١٥٠، روضة الواعظين: ٢٥٧، المناقب لابن شهر آشوب: ٢/٢٠٩ وفيه عن الإمام الصادق عليه السلام «والله ما منّا إلا مقتول شهيد».
- (١٤٤٨) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/١٦٤/٢٦ عن محمد بن أبي الموج بن الحسين الرازي عن أبيه عن سمعته عليه السلام.
- (١٤٤٩) إثبات الهداة: ٣/٥٧٠/٦٨٥ عن عبد الله بن الحسين بن سعيد الكاتب.
- (١٤٥٠) مصباح الزائر: ٤٤٩، راجع أيضاً: ص ٥٦٠/٨٢٧ من كتابنا هذا.
- (١٤٥١) الأنبياء: ١٠٥.
- (١٤٥٢) القصص: ٥.
- (١٤٥٣) الفتح: ٢٨.
- (١٤٥٤) الصف: ٩.
- (١٤٥٥) النور: ٥٥.
- (١٤٥٦) مسند ابن حنبل: ٢/١٠/٣٥٧١ عن عبد الله بن مسعود.
- (١٤٥٧) سنن الترمذي: ٤/٥٠٥/٢٢٣٠، سنن أبي داود: ٤/١٠٧/٤٢٨٢، مسند ابن حنبل: ٢/١١/٣٥٧٣، المعجم الكبير: ١٠/١٣١/١٠٢٠٨، الملاحم والفتن: ١٤٨، بشارة المصطفى: ٢٨١ عن عبد الله بن مسعود وفي بعضها عن عبد الله.
- (١٤٥٨) ينابيع المودة: ٣/٢٧٩/٢، وراجع المناقب للخوارزمي: ٢٢/٣١، أمالي الطوسي: ٣٥١/٧٢٦.
- (١٤٥٩) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٥٢/٨٨، الخصال: ٤٧٦/٣٩، كمال الدين: ٢٦٩/١٤، كلها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن أبياته عليه السلام، كفاية الآخر: ٢٣١ عن يحيى بن حمزة عن حبيب بن الحبيب بن علي، وراجع العمدة: ٤٣٢/٩٠٦ عن مسعدة عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عليه السلام.
- (١٤٦٠) عقد الدرر: ٦٢، كشف الغمة: ٣/٢٦٢، حلية الأبرار: ٢/٧٠٤، ينابيع المودة: ٣/٢٩٨/١٠.
- (١٤٦١) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/٥٩/٢٣٠، دلائل الإمامة: ٤٥٢/٤٢٨ كلاهما عن الحسن بن عبد الله بن محمد الرازي عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام، كفاية الآخر: ١٠٦ عن أبي أمامة.
- (١٤٦٢) مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ٢/١٧١/٦٥٠.
- (١٤٦٣) ثلاثة آراء في معنى الأرض. الأول: المقصود أرض الدنيا، بقرينة قوله تعالى: ﴿لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ النور: ٥٥، والروايات الواردة في النص. الثاني: أرض الجنة، بقرينة قوله تعالى: ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ﴾ الزمر: ٧٤، والأحاديث المروية في الدر المنثور: ٥/٦٨٥، ٦٨٦، و تفسير الطبري: ١٧/١٠٤، ومجمع البيان: ٧/١٠٦، وغيرها. الثالث: مطلق الأرض، وتشمل أرض الدنيا وأرض الجنة، وهو ما اختاره ابن كثير في تفسيره المعروف، والعلامة الطباطبائي في الميزان، وهو الأقرب.
- (١٤٦٤) الأنبياء: ١٠٥.
- (١٤٦٥) الدر المنثور: ٦/٦٨٧ نقلاً عن البخاري في تاريخه وابن أبي حاتم عن أبي الدرداء.
- (١٤٦٦) زويت الشيء: جمعته وقبضته. (لسان العرب: ١٤/٣٦٣).
- (١٤٦٧) صحيح مسلم: ٤/٢٢١٥/٢٨٨٩، سنن أبي داود: ٤/٩٧/٤٢٥٢، سنن الترمذي: ٤/٤٧٢/٢١٧٦، مسند ابن حنبل: ٨/٣٢٦/٢٢٤٥٨، السنن الكبرى: ٩/٣٠٥/١٨٦١٧ كلها عن نويان.

- قال الآلوسی البغدادي - بعد نقل الرواية - : هذا وعد منه تعالى بإظهار الدين وإعزاز أهله واستيلائهم على أكثر المعمورة التي يكثر تردّد المسافرين إليها والآ فمن الأرض ما لم يطأها المؤمنون كالأرض الشهيرة بالدنيا الجديدة وبالهند الغربي : وإن قلنا بأنّ جميع ذلك يكون في حوزة المؤمنين أيام المهدي عليه السلام ونزول عيسى عليه السلام فلا حاجة إلى ما ذكر (روح المعاني : ۱۷ / ۱۰۴).
- (۱۴۶۸) أمالي الصدوق : ۷۳۱ / ۲ - ۱۰۰ عن ابن عباس .
- (۱۴۶۹) تأويل الآيات الظاهرة : ۳۲۶ عن أبي صادق .
- (۱۴۷۰) تأويل الآيات الظاهرة : ۳۲۶ عن أبي الورد .
- (۱۴۷۱) مجمع البيان : ۱۰۶ / ۷ عن ابن عباس ، تأويل الآيات الظاهرة : ۳۲۷ عن محمّد بن عبدالله بن الحسن ، راجع ينابيع المودة : ۲۴۳ / ۳
- ۲۸ / ۲ ، تفسير القمي : ۷۷ / ۲ .
- (۱۴۷۲) التبيان : ۲۸۴ / ۷ .
- (۱۴۷۳) نهج البلاغة : الخطبة ۲۳۹ .
- (۱۴۷۴) الناقة الضروس : هي التي تمضّ حالتها . (لسان العرب : ۶ / ۱۱۸)
- (۱۴۷۵) خصائص الأئمة عليه السلام : ۷۰ ، تأويل الآيات الظاهرة : ۴۰۷ ، شواهد التنزيل : ۵۵۶ / ۱ / ۵۹۰ كلّها عن ربيعة بن ناجذ ، نهج البلاغة : الحكمة ۲۰۹ ، تفسير فرات الكوفي : ۳۱۴ / ۲۰ عن حنش .
- (۱۴۷۶) الغيبة للطوسي : ۱۸۴ / ۱۴۳ عن محمّد بن الحسين بن عليّ عن أبيه عن جدّه .
- (۱۴۷۷) ص : ۸۸ .
- (۱۴۷۸) آل عمران : ۳۴ .
- (۱۴۷۹) أمالي الطوسي : ۱۲۱ / ۸۲ ، وذكره أيضًا في : ۱۰۴ / ۱۵۹ ، بشارة المصطفى : ۲۶۳ ، المناقب لابن شهر آشوب : ۴ / ۱۱ .
- (۱۴۸۰) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ۱۶ / ۴۵ عن سفيان بن أبي ليلى ، مقاتل الطالبين : ۷۶ ، الملاحم والفتن : ۹۹ .
- (۱۴۸۱) مروج الذهب : ۳ / ۹ ، وراجع نثر الدرّ : ۱ / ۳۲۸ .
- (۱۴۸۲) الأعراف : ۱۲۸ .
- (۱۴۸۳) الكافي : ۱ / ۴۰۷ / ۱ عن أبي خالد الكاهلاني .
- (۱۴۸۴) الأعراف : ۱۲۸ ، القصص : ۸۳ .
- (۱۴۸۵) الكافي : ۱ / ۴۷۱ / ۵ .
- (۱۴۸۶) الغيبة للنعمان : ۱۹۵ / ۲ عن أبي الجارود .
- (۱۴۸۷) الإسراء : ۸۱ .
- (۱۴۸۸) الكافي : ۲۸۷ / ۸ / ۴۳۲ عن أبي حمزة .
- (۱۴۸۹) أمالي المفيد : ۲۸ / ۹ عن حبيب بن نزار بن حبان .
- (۱۴۹۰) أمالي المفيد : ۳۰۱ / ۲ ، أمالي الطوسي : ۷۴ / ۱۰۹ كلاهما عن سفيان بن إبراهيم الغامدي القاضي .
- (۱۴۹۱) التوبة : ۳۶ .
- (۱۴۹۲) الأنفال : ۳۹ .
- (۱۴۹۳) تفسير المياشي : ۵۶ / ۲ / ۴۸ عن زرارة ، مجمع البيان : ۸۳۴ / ۴ عن زرارة وغيره عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «سئل أبي» .
- ينابيع المودة : ۲۳۹ / ۳ / ۱۳ عن زرارة وفيه «قال : سئل الباقر عليه السلام عن قوله تعالى ...» .
- (۱۴۹۴) النور : ۵۵ .
- (۱۴۹۵) الغيبة للنعمان : ۲۴۰ / ۳۵ عن أبي بصير ، تأويل الآيات الظاهرة : ۳۶۵ وفيه «عنى به ظهور القائم» . ينابيع المودة : ۲۴۵ / ۳ / ۳۲
- عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليه السلام ، وذكره أيضًا في : ح ۳۱ عن إسحاق بن عبدالله عن الإمام السجّاد عليه السلام .
- (۱۴۹۶) مصباح الزائر : ۴۴۹ ، راجع أيضًا : ص ۵۶۰ / ۸۲۷ من كتابنا هذا .

- (١٤٩٧) سنن ابن ماجه: ١٠٨٨/١٣٦٨/٢، المعجم الأوسط: ٢٨٥/٩٤/١، مجمع الزوائد: ١٢٤١٤/٦١٧/٧، عقد الدرر: ١٢٥، كشف الغمّة: ٢٦٧/٣ كلّها عن عبدالله بن الحارث بن جزء الزبيدي.
- (١٤٩٨) سنن ابن ماجه: ١٠٨٢/١٣٦٦/٢، الملاحم والفتن: ٤٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ٧٤/٦٩٧/٨، دلائل الإمامة: ٤٤٢/٤١٤، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ٢/١١٠/٥٩٩ والثلاثة الأخيرة عن عبدالله بن مسعود، كشف الغمّة: ٢٦٢/٣ عن عبدالله بن عمر، وراجع المستدرک على الصحيحين: ٤/٥١١/٨٤٣٤، العدد القويّة: ٩١/١٥٧، ذخائر العقبى: ١٧.
- (١٤٩٩) عقد الدرر: ١٢٩ عن نوبان.
- (١٥٠٠) الغيبة للنعماني: ٢٧٣/٥٠ عن أبي خالد الكابلي.
- (١٥٠١) الفتوح: ٣٢٠/٢، كفاية الطالب: ٤٩١ كلاهما عن ابن أعمش الكوفي، ينابيع المودة: ٣/٢٩٨/١٢ نحوه.
- (١٥٠٢) عقد الدرر: ١٣٠، الملاحم والفتن: ٤٩ عن العلاء بن عتبة.
- (١٥٠٣) الفرع: كلّ شيء يكون قطعاً متفرقة. (المصباح المنير: ٥٠٢)
- (١٥٠٤) قرع السحاب: قطع من السحاب. (لسان العرب: ٨/٢٧١)
- (١٥٠٥) المستدرک على الصحيحين: ٤/٥٩٧/٨٦٥٩، عقد الدرر: ١٣١.
- (١٥٠٦) البحار: ٢١٦/٦٠ نقل عن كتاب «تاريخ قم».
- (١٥٠٧) البحار: ٢١٨/٦٠ نقل عن كتاب «تاريخ قم».
- (١٥٠٨) وفي المصدر: يأزر، والصحيح ما في المتن. أرزت الحية: لا ذت بجحرها ورجعت إليه. (لسان العرب: ٥/٣٠٥)
- (١٥٠٩) البحار: ٢١٣/٦٠ نقل عن كتاب «تاريخ قم».
- (١٥١٠) البحار: ٢١٢/٦٠ نقل عن كتاب «تاريخ قم».
- (١٥١١) الإسراء: ٥.
- (١٥١٢) الكافي: ٢٠٦/٨، تأويل الآيات الظاهرة: ٢٧٢ كلاهما عن عبدالله بن القاسم البطل، تفسير العياشي: ٢/٢٨١/٢٠ عن صالح بن سهل.
- (١٥١٣) البحار: ٢١٦/٦٠ نقل عن «كتاب تاريخ قم» عن أيوب بن يحيى الجندل.
- (١٥١٤) الأعراف: ١٢٨، القصص: ٨٣.
- (١٥١٥) الغيبة للطوسي: ٤٧٢/٤٩٣ عن أبي صادق كيسان بن كليب، روضة الواعظين: ٢٩١.
- (١٥١٦) أمالي الصدوق: ٣/٢٩٦، روضة الواعظين: ٢٣٤، وذكره أيضاً في: ٢٩٣.
- (١٥١٧) الغيبة للنعماني: ٢٧٤/٥٣ عن هشام بن سالم.
- (١٥١٨) الكافي: ٢/٢٢/١٣، وراجع أمالي الطوسي: ١٧٩/٢٩٩.
- (١٥١٩) الخصال: ١٠/٦٢٥، كمال الدين: ٦٤٥/٦ كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تحف العقول: ١١٥.
- (١٥٢٠) الفقيه: ٤/٣٨٣/٥٨٣٣ عن عبدالله بن بكر المرادي عن الإمام موسى بن جعفر عن آبائه عن الإمام الحسين عليه السلام.
- (١٥٢١) مجمع البيان: ٩/٣٥٩ عن الحارث بن المغيرة، تأويل الآيات الظاهرة: ٦٤٠.
- (١٥٢٢) الكافي: ٢/٢٢٢/٤ عن عبدالله بن بكير عن رجل، وراجع أمالي الطوسي: ٢٣٢/٤١٠، بشارة المصطفى: ١١٣ كلاهما عن جابر.
- (١٥٢٣) الكافي: ١/٢٧٢/٦ عن هاشم.
- (١٥٢٤) الكافي: ٨/٣٧/٧ عن حمزان.
- (١٥٢٥) كمال الدين: ٣٣٥/٥، الغيبة للنعماني: ٩١/٢١، إعلام الوری: ٤٠٤ كلّها عن إبراهيم الكرخي.
- (١٥٢٦) كمال الدين: ٣٣٨/١١ عن الفضل بن عمر.
- (١٥٢٧) الغيبة للنعماني: ٢٠٠/١٦ عن أبي بصير.
- (١٥٢٨) مهج الدعوات: ٦٠.

- (۱۵۲۹) التهذيب: ۶/ ۹۸/ ۱۷۷، وراجع: ص ۱۵۶/ ۱۶۹ من كتابنا هذا.
- (۱۵۳۰) الصحيفة السجادية: الدعاء ۴۷ ص ۱۹۰ و ۱۹۱، إقبال الأعمال: ۲/ ۹۱.
- (۱۵۳۱) الكافي: ۳/ ۴۲۴/ ۶ عن محمد بن مسلم.
- (۱۵۳۲) مصباح المتهجد: ۳۹۲، جمال الأسبوع: ۲۹۳.
- (۱۵۳۳) قوله عليه السلام: «يا يوائك» الوأي بمعنى الوعد، والإيواء لم يأت في اللغة بهذا المعنى، وعدم ذكرهم لا يدل على العدم، مع أنه يمكن أن يكون من قولهم: آوى فلاناً، أي: أجاره وأسكنه، فكان الواعد يؤدي الوعد إلى نفسه لكنه بعيد. قال في النهاية في حديث وهب: إن الله تعالى قال: «إني أويت على نفسي أن أذكر من ذكرني». قال القتيبي: هذا غلط، إلا أن يكون من المقلوب. والصحيح: وأيت من الوأي وهو الوعد، يقول: جعلته وعداً على نفسي. انتهى.
- والوعد هو الذي قال الله تعالى: ﴿وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم ولممکنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني لا يشركون بي شيئاً﴾. (مرآة العقول: ۱۵/ ۱۳۵، راجع: البحار: ۱۰۱/ ۲۲۱ وملاذ الأخيار: ۹/ ۱۶۳)
- (۱۵۳۴) الكافي: ۳/ ۳۲۵/ ۱۷ عن عبدالله بن جندب.
- (۱۵۳۵) مصباح المتهجد: ۴۰۹، المصباح للكفعمي: ۵۴۸، جمال الأسبوع: ۳۰۷ كلها عن يونس بن عبدالرحمن.
- (۱۵۳۶) مصباح الزائر: ۴۸۰.
- (۱۵۳۷) مصباح المتهجد: ۴۰۹، جمال الأسبوع: ۳۰۰ كلاهما عن أبي محمد عبدالله بن محمد العابد.
- (۱۵۳۸) كمال الدين: ۵۱۲/ ۴۳، مصباح المتهجد: ۴۱۱، جامع الأسبوع: ۳۱۵.
- (۱۵۳۹) إقبال الأعمال: ۱/ ۱۴۲ عن محمد بن أبي قرزة بإسناده فقال: حدثني أبو الفثائم محمد بن محمد بن محمد ابن عبدالله الحسني قال: أخبرنا أبو عمرو محمد بن محمد بن نصر السكوني عليه السلام قال: سألت أبا بكر أحمد ابن محمد بن عثمان البغدادي عليه السلام أن يخرج إلي أدعية شهر رمضان التي كان عمه أبو جعفر محمد بن عثمان بن سعيد العمري رضي الله عنه وأرضاه يدعو بها، فأخرج إلي دفترًا مجلدًا بأحمر، فنسخت منه أدعية كثيرة وكان من جعلتها: وتدعو بهذا الدعاء في كل ليلة من شهر رمضان.
- (۱۵۴۰) الخصال: ۶۱۴/ ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، غرر الحكم: ۲۷۴۰ وفيه «واعتقدوا في فضلنا»، تحف العقول: ۱۰۴، نوادر الأخبار: ۱۳۷.
- (۱۵۴۱) المعجم الكبير: ۳/ ۱۲۸/ ۲۸۸۹ عن يحيى بن سعيد عن الإمام زين العابدين عليه السلام.
- (۱۵۴۲) رجال الكشي: ۲/ ۵۹۰/ ۵۴۰ عن الحسن الوشاء عن بعض أصحابنا.
- (۱۵۴۳) رجال الكشي: ۲/ ۵۸۷/ ۵۲۶ عن هشام بن سالم.
- (۱۵۴۴) الكافي: ۸/ ۲۳۱/ ۳۰۳.
- (۱۵۴۵) رجال الكشي: ۲/ ۴۹۱/ ۴۰۳ عن عبدالرحمن بن كثير.
- (۱۵۴۶) رجال الكشي: ۲/ ۶۳۲/ ۶۳۲، المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۲۱۹ نحوه.
- (۱۵۴۷) بصائر الدرجات: ۲۳۶/ ۵، الخرائج والجرائع: ۲/ ۷۳۵/ ۴۵ وزاد في آخره «إلا التوبة»، الثاقب في المناقب: ۴۰۲/ ۳۳۰، وراجع كشف الغمة: ۲/ ۴۰۳.
- (۱۵۴۸) مختصر بصائر الدرجات: ۵۹، وراجع بصائر الدرجات: ۵۰۷/ ۸.
- (۱۵۴۹) التهذيب: ۳/ ۳۱/ ۱۰۹ عن خلف بن حماد عن رجل، الققيه: ۱/ ۳۷۹/ ۱۱۱۰ نحوه.
- (۱۵۵۰) أمالي الطوسي: ۶۵۰/ ۱۳۴۹ عن فضيل بن يسار.
- (۱۵۵۱) الكافي: ۱/ ۱۰۱/ ۳ عن إبراهيم بن محمد الخزاز ومحمد بن الحسين.
- (۱۵۵۲) أمالي الطوسي: ۶۵۰/ ۱۳۵۰ عن الأصمغ بن نباتة، المناقب لابن شهر آشوب: ۱/ ۲۶۳.
- (۱۵۵۳) الاحتجاج: ۲/ ۴۵۳/ ۳۱۴ عن الإمام العسكري عن الإمام الرضا عليه السلام، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ۵۰/ ۲۴.



- (١٥٥٤) رجال الكشي: ١/ ٣٣٦/ ١٩١ عن أبي خالد الكاهلي.
- (١٥٥٥) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ١٨٤/ ٦.
- (١٥٥٦) آل عمران: ٧٩ و ٨٠.
- (١٥٥٧) المائدة: ١١٦ و ١١٧.
- (١٥٥٨) النساء: ١٧٢.
- (١٥٥٩) المائدة: ٧٥.
- (١٥٦٠) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ٢٠٠/ ١.
- (١٥٦١) الاعتقادات للصدوق: ٩٩.
- (١٥٦٢) الفقيه: ٣/ ٤٠٨/ ٤٤٢٥.
- (١٥٦٣) الخصال: ٧٢/ ١٠٩ عن سالم.
- (١٥٦٤) رجال الكشي: ٢/ ٥٨٦/ ٥٢٥.
- (١٥٦٥) قال السيد الميردامادي تعليقه في هامش المصدر: قوله عليه السلام «ولا توارثوهم» - بالهمز - على المفاعلة من الأثر، بمعنى الخير؛ أي: لا تحادثوهم ولا تعاوضوهم بالأثر والأخبار. وفي نسخة «ولا توارثوهم» على المفاعلة من الورثة، أي: لا تواصلوهم بالمصاهرة الموجبة للتوارث.
- (١٥٦٦) رجال الكشي: ٢/ ٥٩٠/ ٥٤٢ عن ابن مسكان عن حماد بن عمار عن أصحابنا.
- (١٥٦٧) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ٢٠٣/ ٤.
- (١٥٦٨) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/ ١٤٣/ ٤٥، التوحيد: ٣٦٤، الاحتجاج: ٢/ ٤٠٠.
- (١٥٦٩) السنن لابن أبي عاصم: ٤٧٠/ ١٠٠٥ عن النزال بن بكرة.
- (١٥٧٠) فضائل الصحابة لابن حنبل: ٢/ ٥٧١/ ٩٦٤ عن أبي مريم، راجع نهج البلاغة: الحكمة ١١٧، خصائص الأئمة عليه السلام: ١٢٤، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ٢٠/ ٢٢٠.
- (١٥٧١) نهج البلاغة: الخطبة ١٢٧.
- (١٥٧٢) أمالي الطوسي: ٣٤٥ عن عبيد الله بن علي عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام، وراجع تفسير فرات الكوفي: ٤٠٤، كشف الغمّة: ١/ ٣٢١.
- (١٥٧٣) مسند ابن حنبل: ١/ ٣٣٦/ ١٣٧٦، مسند أبي يعلى: ١/ ٢٧٤/ ٥٣٠، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»: ٢/ ٢٣٧/ ٧٤٢، أمالي الطوسي: ٢٥٦/ ٤٦٢ كلها عن ربيعة بن ناجذ، الصواعق المحرقة: ١٢٣ نقلاً عن البزار وأبي يعلى والحاكم، وراجع عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/ ٦٣/ ٢٦٣، المناقب لابن شهر آشوب: ٢/ ٢٦٠.
- (١٥٧٤) الأنعام: ١٠٨.
- (١٥٧٥) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/ ٣٠٤/ ٦٣، بشارة المصطفى: ٢٢١.
- (١٥٧٦) إبراهيم: ٣٦.
- (١٥٧٧) الفردوس: ١/ ٤١٨/ ١٦٩١ عن أنس بن مالك.
- (١٥٧٨) الأنفال: ٣٤.
- (١٥٧٩) المعجم الأوسط: ٣/ ٣٣٨/ ٣٣٣٢.
- (١٥٨٠) تفسير العياشي: ٢/ ٢٣١/ ٣٢.
- (١٥٨١) المائدة: ٥١.
- (١٥٨٢) دعائم الإسلام: ١/ ٦٢، وراجع تفسير العياشي: ٢/ ٢٣١/ ٣٣ عن محمّد العلبي.
- (١٥٨٣) هود: ٤٦.

- (۱۵۸۴) فی مجمع البیان: ۵/ ۲۵۱ قرأ الکسانی و یعقوب و سهل إنه «عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» علی الفعل، ونصب «غیر» والباقیون «عَمِلَ» اسم مرفوع منوّن و «غیر» بالرفع.
- (۱۵۸۵) معانی الأخبار: ۱/ ۱۰۶، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۳۲ / ۱ نحوه.
- (۱۵۸۶) تحف العقول: ۵۸.
- (۱۵۸۷) جامع الأحادیث للقمی: ۱۱۲ عن طلحة بن زید عن الإمام الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام، الجعفریات: ۱۸۳ بطریقه عنه علیه السلام، أمالی المفید: ۱۸ / ۶ عن أبي القاسم محمد بن علي بن الحنفية، وفيه «ولم يعرف حقنا» بدل «ولم يعرف فضلنا أهل البيت»، الكافي: ۲ / ۱۶۵ عن أحمد بن محمد رفعه عن الإمام الصادق علیه السلام وليس فيه «ولم يعرف فضلنا أهل البيت».
- (۱۵۸۸) مسند ابن حنبل: ۱/ ۵۵۴ / ۲۳۲۹ عن ابن عباس.
- (۱۵۸۹) تفسیر فرات الکوفی: ۳۰۷ / ۴۱۲ عن عبد الله بن عباس.
- (۱۵۹۰) الباقية: الداهية. (لسان العرب: ۱۰ / ۳۰).
- (۱۵۹۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۲۴ / ۲ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا علیه السلام، عوالي اللآلی: ۱ / ۲۵۹ / ۳۳ وفيه «ليس بمؤمن».
- (۱۵۹۲) مسند ابن حنبل: ۵ / ۵۴۴ / ۱۶۴۸۹ عن أبي يرادة بن نيار، وذكر أيضًا في: ۳ / ۳۴ / ۷۲۹۶، سنن ابن ماجه: ۲ / ۷۴۹ / ۲۲۲۴ وفيهما «ليس منا من غش»، المستدرک علی الصحیحین: ۲ / ۱۱ / ۲۱۵۳، كلها عن أبي هريرة، الكافي: ۵ / ۱۶۰ / ۱، التهذيب: ۷ / ۱۲ / ۴۸ كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام.
- (۱۵۹۳) الفقيه: ۳ / ۲۷۳ / ۳۹۸۶، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۲۹ / ۲۶، مسند زید: ۴۸۹ وفيهما «مسلمًا أو ضره أو ماكره»، فقه الرضا علیه السلام: ۳۶۹ وفيه «غش مؤمنًا ضره أو ماكره».
- (۱۵۹۴) الكافي: ۵ / ۱۳۳ / ۷ عن السكوني عن الإمام الصادق علیه السلام.
- (۱۵۹۵) الكافي: ۲ / ۶۶۸ / ۱۱ عن أبي الربيع الشامي.
- (۱۵۹۶) المقنع: ۱۳۱، المقنعة: ۱۱۹، روضة الواعظین: ۳۲۱ وفيهما «شيعتنا» بدل «منا».
- (۱۵۹۷) الكافي: ۲ / ۷۸ / ۱۰ عن علي بن أبي زيد عن أبيه.
- (۱۵۹۸) الفقيه: ۳ / ۱۵۶ / ۳۵۶۸، فقه الرضا علیه السلام: ۳۲۷ وفيه «ليس منا من ترك دنياه لدينه ودينه لديناه».
- (۱۵۹۹) مشکاة الأنوار: ۷۰، مستطرفات السرائر: ۱۴۷ / ۲۱ عن محمد بن عمر بن حنظلة.
- (۱۶۰۰) الكافي: ۲ / ۶۳۷ / ۲، وراجع الفقيه: ۲ / ۲۷۴ / ۲۴۲۳، المحاسن: ۲ / ۱۰۲ / ۱۲۷۰، تحف العقول: ۳۸۰، مستطرفات السرائر: ۳۳ / ۶۱.
- (۱۶۰۱) الاختصاص: ۲۴۱.
- (۱۶۰۲) الكافي: ۲ / ۴۵۳ / ۲ عن إبراهيم بن عمر اليماني، وراجع تحف العقول: ۳۹۶، الاختصاص: ۲۶ و ۲۴۳، مشکاة الأنوار: ۷۰ و ۲۴۷.
- الزهد للحسين بن سعيد: ۷۶ / ۲۰۳.
- (۱۶۰۳) صفات الشيعة: ۸۵ / ۱۰ عن ابن فضال.
- (۱۶۰۴) الرحمن: ۴۳ و ۴۴.
- (۱۶۰۵) التوحيد: ۱۱۸ / ۲۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱ / ۱۱۶ / ۳، الاحتجاج: ۲ / ۲۸۱ / ۲۸۶.
- (۱۶۰۶) أمالی الطوسي: ۵۲۵ / ۱۱۶۲، مكارم الأخلاق: ۲ / ۳۶۳ / ۲۶۶۱، تنبيه الخواطر: ۵۱ / ۲، كلها عن أبي ذر.
- (۱۶۰۷) مستطرفات السرائر: ۴۰ / ۴.
- (۱۶۰۸) البليخ: اسم نهر بالرقّة يجتمع فيه الماء من عيون... فإذا خرج من تحت الحصن يسمى بليخًا. (معجم البلدان: ۱ / ۴۹۳).
- (۱۶۰۹) النشز: المتن المرتفع من الأرض، جمعه: أنشاز ونُشوز. (لسان العرب: ۵ / ۴۱۷).
- (۱۶۱۰) الوكس: التقص (لسان العرب: ۶ / ۲۵۷)، وفي «وقعة صفين»: ولا يرتشي.

- (۱۶۱۱) فی المصدر «رضوان» والصحيح ما أثبتناه كما في وقعة صفين .
- (۱۶۱۲) المناقب للخوارزمي: ۲۴۲، وقعة صفين: ۱۴۷.
- (۱۶۱۳) الاختصاص: ۸۵، والآية ۳۶ من سورة إبراهيم.
- (۱۶۱۴) مسند أبي يعلى: ۶/ ۱۷۷/ ۶۷۳۹ عن سعد الإسكاف عن الإمام الباقر عن أبيه عن جده عليه السلام، الفردوس: ۲/ ۳۳۷/ ۳۵۲۲ عن الإمام علي عليه السلام.
- (۱۶۱۵) كذا في البحار: ۱۸/ ۱۹/ ۴۵. وفي المصدر «أتاك».
- (۱۶۱۶) المناقب لابن شهر آشوب: ۸۵/ ۱.
- (۱۶۱۷) تهذيب تاريخ دمشق: ۶/ ۲۰۳ عن زيد بن أبي أوفى.
- (۱۶۱۸) تهذيب تاريخ دمشق: ۶/ ۲۰۱ عن أبي البخترى، ونحوه في أمالي الصدوق: ۸/ ۲۰۹ عن المسيب بن نجبة، الاختصاص: ۱۱، رجال الكشي: ۱/ ۵۲/ ۲۵ كلاهما عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام، الطرائف: ۱۱۹/ ۱۸۳ عن ربيعة السعدي عن رسول الله صلى الله عليه وآله، الدرجات الرفيعة: ۲۰۹ عن أبي البخترى.
- (۱۶۱۹) الاحتجاج: ۱/ ۱۳۹/ ۶۱۶ عن الأصغر بن نباتة، الفارات: ۱/ ۱۷۷ عن أبي عمرو الكندي نحوه، تهذيب تاريخ دمشق: ۶/ ۲۰۴.
- (۱۶۲۰) الودك: الدسم. (لسان العرب: ۱۰/ ۵۰۹).
- (۱۶۲۱) رجال الكشي: ۱/ ۵۹/ ۳۳ عن جابر.
- (۱۶۲۲) رجال الكشي: ۱/ ۵۴/ ۲۶، وذكره أيضًا في: ۷۱/ ۴۲ عن محمد بن حكيم، روضة الواعظين: ۳۱۰.
- (۱۶۲۳) آل عمران: ۶۸.
- (۱۶۲۴) إبراهيم: ۳۶.
- (۱۶۲۵) أمالي الطوسي: ۴۵/ ۵۳، بشارة المصطفى: ۶۸.
- (۱۶۲۶) أمالي المفيد: ۱۴۰/ ۶، الاختصاص: ۶۸، رجال الكشي: ۲/ ۶۲۴/ ۶۰۷.
- (۱۶۲۷) طه: ۱۳۲.
- (۱۶۱۸) الاختصاص: ۱۹۵، رجال الكشي: ۲/ ۶۲۵/ ۶۱۰.
- (۱۶۲۹) التقييد: ۴/ ۴۴۱، رجال الكشي: ۲/ ۴۷۳/ ۳۸۱ كلاهما عن ربيع بن عبد الله عن غاسل الفضيل بن يسار.
- (۱۶۳۰) رجال الكشي: ۲/ ۶۸۵/ ۷۲۴.

# فهرست ها

مرکز تحقیقات کتاب و اطلاع‌رسانی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست آیات

### البقرة

| شماره آیه | شماره صفحه | آیه                                                                                    |
|-----------|------------|----------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲         | ۱۰۴        | ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾                                                                |
| ۳         | ۱۰۴        | ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾                                                    |
| ۸         | ۲۶۶        | ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ...﴾    |
| ۱۸        | ۵۲۴        | ﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾                                           |
| ۱۲۴       | ۱۵۴        | ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾                                                  |
| ۱۲۴       | ۱۵۴        | ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾                                                    |
| ۱۲۴       | ۱۵۴        | ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾                                                                   |
| ۲۰۷       | ۳۷۰        | ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾                   |
| ۲۴۵       | ۴۵۰        | ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا...﴾   |
| ۲۴۷       | ۲۶۸        | ﴿إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...﴾ |
| ۲۶۹       | ۲۶۸، ۱۱۸   | ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾                            |

### آل عمران

|   |               |                                                                                                   |
|---|---------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۷ | ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۴ | ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ﴾ |
|   | ۲۸۵           |                                                                                                   |

| آیه                                                                                                          | شماره آیه  | شماره صفحه |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|------------|
| ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ ۳۱ | ۶۹۶، ۵۳۴   |            |
| ﴿ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ ۳۴                                              | ۷۶۰        |            |
| ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ...﴾ ۶۱                     | ۵۹، ۵۸، ۵۶ |            |
|                                                                                                              | ۱۹۶        |            |
| ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ...﴾ ۶۸          | ۸۵۰        |            |
| ﴿أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ...﴾ ۷۷    | ۷۰۴        |            |
| ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ...﴾ ۷۹       | ۸۱۲        |            |
| ﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ...﴾ ۸۰         | ۸۱۲        |            |
| ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ ۹۷                              | ۱۲۶        |            |
| ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ ۱۰۳                                             | ۵۶۴        |            |
| ﴿وَالكَافِرِينَ الْغِيَظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ ۱۳۴                  | ۳۸۸، ۳۸۶   |            |
| ﴿لَتَنبِيئُهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ﴾ ۱۸۷                                                             | ۵۰۴        |            |
| ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ...﴾ ۱۴۴                                  | ۱۴۰        |            |
| ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ...﴾ ۱۹۰                                   | ۳۱۶، ۳۹۴   |            |
| ﴿إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ ۱۹۲                                                                       | ۴۱۴        |            |

#### النساء

|                                                                                               |               |  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------|---------------|--|
| ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ ۵۴                       | ۲۴۲           |  |
| ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي...﴾ ۱۰۲     | ۱۰۰، ۱۳۴، ۲۰۰ |  |
|                                                                                               | ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۷۰ |  |
|                                                                                               | ۴۱۲           |  |
| ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ...﴾ ۶۹       | ۴۸۴           |  |
| ﴿...الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ...﴾ ۸۳ | ۲۷۰           |  |



| شماره آیه | شماره صفحه |
|-----------|------------|
| ۸۳        | ۲۷۰، ۲۰۰   |
| ۸۶        | ۴۵۶        |
| ۱۷۲       | ۸۱۴        |

## المائدة

|     |          |
|-----|----------|
| ۴۴  | ۴۹۸      |
| ۵۱  | ۸۳۲، ۵۷۶ |
| ۶۳  | ۴۹۸      |
| ۷۵  | ۸۱۴      |
| ۷۸  | ۴۹۸      |
| ۷۹  | ۴۹۸      |
| ۱۱۶ | ۸۱۴      |
| ۱۱۷ | ۸۱۴      |

## الأنعام

|     |     |
|-----|-----|
| ۱۰۸ | ۸۲۸ |
| ۱۲۰ | ۵۲۸ |

## الأعراف

|     |               |
|-----|---------------|
| ۴۶  | ۲۱۴، ۲۱۲      |
| ۱۲۸ | ۷۶۴، ۷۶۲، ۵۲۲ |
|     | ۷۷۶           |
| ۱۶۹ | ۵۰۴           |

شماره آیه شماره صفحه

آیه

## الأنفال

|     |    |                                                                                         |
|-----|----|-----------------------------------------------------------------------------------------|
| ۸۳۲ | ۳۴ | ﴿إِنْ أُولِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾                                                |
| ۷۶۴ | ۳۹ | ﴿حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾                        |
| ۵۸۴ | ۴۱ | ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ...﴾ |
| ۸۰  | ۷۵ | ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ...﴾            |

## التوبة

|     |    |                                                                                  |
|-----|----|----------------------------------------------------------------------------------|
| ۷۶۴ | ۳۶ | ﴿قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾              |
| ۴۹۸ | ۷۱ | ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ...﴾ |

## يونس

|     |     |                                                                                                       |
|-----|-----|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۳۶ | ۳۲  | ﴿فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾                                     |
| ۲۶۸ | ۳۵  | ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى...﴾ |
| ۴۱۴ | ۱۰۵ | ﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾                                                                 |

## هود

|     |    |                                                                                      |
|-----|----|--------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۲۴ | ۱۷ | ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾            |
| ۸۳۴ | ۴۶ | ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾         |
| ۵۵  | ۷۳ | ﴿رَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾ |

## الرعد

|     |    |                                                                                                      |
|-----|----|------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵۸۶ | ۲۱ | ﴿الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾                                           |
| ۶۵۰ | ۲۸ | ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ...﴾ |
| ۶۵۴ | ۳۸ | ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَنْوَابًا وَذُرِّيَّةً﴾              |
| ۲۹۶ | ۳۹ | ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾                                |

| آیه                                                                                     | شماره آیه | شماره صفحه    |
|-----------------------------------------------------------------------------------------|-----------|---------------|
| ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ | ۴۳        | ۲۷۸، ۲۸۰      |
| <b>ابراہیم</b>                                                                          |           |               |
| ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾       | ۷         | ۵۰۲           |
| ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ...﴾                        | ۳۶        | ۵۷۶، ۸۲۲، ۸۴۶ |
|                                                                                         |           | ۸۵۰           |
| ﴿فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾                                 | ۳۷        | ۵۵۶           |

**النحل**

|                                                                                |    |               |
|--------------------------------------------------------------------------------|----|---------------|
| ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾                   | ۴۳ | ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸ |
|                                                                                |    | ۲۲۰           |
| ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا قُضِيَ إِلَيْهِمْ﴾ | ۴۴ | ۲۰۶           |

**الاسراء**

|                                                                                                |    |     |
|------------------------------------------------------------------------------------------------|----|-----|
| ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾      | ۵  | ۷۷۴ |
| ﴿وَآتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾                                                                | ۲۶ | ۷۶  |
| ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْأَمِهِمْ﴾                                                 | ۷۱ | ۷۱۲ |
| ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا...﴾ | ۷۹ | ۶۹۲ |
| ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾                                                    | ۸۱ | ۷۶۴ |

**الكهف**

|                            |   |     |
|----------------------------|---|-----|
| ﴿مَآكِلِينَ فِيهِ أَبَدًا﴾ | ۳ | ۶۹۶ |
|----------------------------|---|-----|

| آیه                                                                                              | شماره آیه | شماره صفحه    |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|---------------|
| <b>مریم</b>                                                                                      |           |               |
| ﴿أَصَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾                      | ۵۹        | ۵۰۸           |
| <b>طه</b>                                                                                        |           |               |
| ﴿طه﴾                                                                                             | ۱         | ۳۹۲           |
| ﴿مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾                                                   | ۲         | ۳۹۲           |
| ﴿وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى﴾                                                                     | ۶۱        | ۷۰۶           |
| ﴿وَقَدْ خَابَ مَن حَمَلَ ظُلْمًا﴾                                                                | ۱۱۱       | ۶۲۰           |
| ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾                                           | ۱۳۲       | ۸۳۵، ۸۹، ۸۴   |
|               |           |               |
| ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾                               | ۳۰        | ۶۵۲           |
| ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ﴾                 | ۷۲        | ۱۵۴           |
| ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...﴾ | ۷۳        | ۵۳۲، ۱۵۴      |
| ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا...﴾            | ۱۰۵       | ۷۵۸، ۷۵۲، ۳۱۴ |
| <b>المؤمنون</b>                                                                                  |           |               |
| ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ﴾                                                   | ۹۶        | ۴۶۴           |
| <b>النور</b>                                                                                     |           |               |
| ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُزَافَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا...﴾    | ۳۶        | ۵۸۰           |
| ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ...﴾     | ۵۵        | ۷۶۴، ۷۵۸، ۷۵۲ |

آیه شماره آیه شماره صفحه

## الفرقان

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ...﴾ ۵۷ ۵۵۸ ۵۵۰

## الشعراء

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ ۲۲۷ ۷۱۴

## النمل

﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ...﴾ ۴۰ ۲۸۰ ۲۷۸

## القصص

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ...﴾ ۵ ۷۵۸ ۷۵۲

﴿تِلْكَ أَلْدَارُ الْآخِرَةِ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ... وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ۸۳ ۷۶۲ ۵۲۲ ۳۷۶

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ ۸۸ ۶۹۲

## لقمان

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ...﴾ ۳۴ ۳۱۰

## السجدة

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾ ۱۶ ۴۱۶

## الأحزاب

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ ۴ ۶۴۰ ۶۳۸

﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ ۳۲ ۷۸

| آیه                                                                                          | شماره آیه | شماره صفحه      |
|----------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|-----------------|
| ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ...﴾ | ۲۳        | ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷  |
|                                                                                              |           | ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲  |
|                                                                                              |           | ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶  |
|                                                                                              |           | ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸  |
|                                                                                              |           | ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲  |
|                                                                                              |           | ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۵۸  |
|                                                                                              |           | ۶۰، ۶۲، ۶۶، ۶۸  |
|                                                                                              |           | ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸  |
|                                                                                              |           | ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۱۵۰ |
|                                                                                              |           | ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۹۰   |

۵۷۰



مرکز تحقیقات کتاب و تفسیر علوم اسلامی

﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ﴾

۷۸

۲۳

۷۸

۲۴

﴿وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾

سبا

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾

۱۳۹

۶

۵۵۸، ۵۵۶، ۵۵۰

۴۷

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ...﴾

فاطر

۵۴۰، ۱۱۶

۳۲

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ...﴾

۵۴۲

۳۳

﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا﴾

ص

۴۷۰

۸۶

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾

۷۶۰

۸۸

﴿وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾

آیه شماره آیه شماره صفحه

### الزمر

﴿إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ ۱۵ ۵۱۴

### فصلت

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ...﴾ ۴۲ ۳۴۶

### المشوری

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ...﴾ ۲۳ ۷۷ ۵۵۰ ۵۵۲ ۵۵۴ ۵۵۸ ۶۸۰



﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ ۴۴ ۲۰۶ ۲۶۸

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### الفتح

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ...﴾ ۲۸ ۵۷۲

### الحجرات

﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ ۱۳ ۱۵۲

### الذاریات

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذُّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ۵۵ ۵۰۶

### الطور

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ ۴۹ ۴۱۴



آیه شماره آیه شماره صفحه

### القمر

«فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» ۵۵ ۶۷۰

### الرحمن

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» ۲۶ ۶۹۲

«وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» ۲۷ ۶۹۲

«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ» ۴۳ ۸۴۰

«يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» ۴۴ ۸۴۰

### الواقعة

«فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» ۸ ۱۵۰

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» ۱۰ ۱۵۰

«وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ» ۲۷ ۱۵۰

«وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ» ۴۱ ۱۵۰

### الحديد

«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ۲۱ ۵۹۲، ۳۲۸

### المجادلة

«أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمْ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ...» ۲۲ ۶۲۲، ۱۰۴

### الحشر

«وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ...» ۹ ۴۶۸، ۳۶۶، ۳۶۲

آیه شماره آیه شماره صفحه

### الصف

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ...﴾ ۹ ۷۵۲

### الجمعة

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ ۴ ۵۹۲، ۳۲۸

### الطلاق

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا...﴾ ۷ ۴۴۸

﴿... فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ ۱۰ ۲۰۶

﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ ۱۱ ۲۰۶

### نوح

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا﴾ ۲۸ ۵۷۰

### الجن

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ ۲۶ ۲۹۸

﴿إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْتَهِى مِنْ رَسُولٍ﴾ ۲۷ ۲۹۸

### المزمل

﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ ۲ ۳۹۴

### الإنسان

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ ۸ ۳۶۴، ۳۶۲

﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ ۹ ۳۶۴، ۳۶۲

| آیه                                                                                                                             | شماره آیه | شماره صفحه |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|------------|
| <b>المرسلات</b>                                                                                                                 |           |            |
| ﴿وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ﴾                                                                                         | ۳۶        | ۵۲۴        |
| <b>الانفطار</b>                                                                                                                 |           |            |
| ﴿وَإِنْ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ﴾                                                                                                | ۱۰        | ۴۸۰        |
| ﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾                                                                                                           | ۱۱        | ۴۸۰        |
| ﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾                                                                                                   | ۱۲        | ۴۸۰        |
| <b>البروج</b>                                                                                                                   |           |            |
| ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾                                                                                                 | ۱         | ۹۲         |
|  <p>مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی</p> |           |            |
| ﴿صُحُفٍ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى﴾                                                                                                  | ۱۹        | ۳۱۳        |
| <b>الضحى</b>                                                                                                                    |           |            |
| ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾                                                                                         | ۱۱        | ۱۷۴        |
| <b>البيّنة</b>                                                                                                                  |           |            |
| ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾                                           | ۷         | ۳۱۸، ۳۳۱   |
| <b>التكاثر</b>                                                                                                                  |           |            |
| ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾                                                                                | ۸         | ۶۲۴        |



# فهرست اعلام

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

و مشتمل است بر

□ فهرست نام‌های پیامبران و فرشتگان

□ فهرست نام‌های امامان

□ فهرست اشخاص



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست نام‌های پیامبران و فرشتگان

| نام     | شماره روایت            | ۶۷۸                                                    |
|---------|------------------------|--------------------------------------------------------|
| آدم     | ۱۲۳، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸     | ۴۴۳، ۴۳۲، ۴۱۲، ۳۷۰                                     |
|         | ۳۳۱، ۳۹۶، ۵۰۹، ۷۷۷     | ۱۲۳۹                                                   |
|         | ۹۲۸، ۱۰۰۳، ۱۰۸۹        | ۱۱۷۲، ۵۱۰، ۴۳۱، ۳۶۱                                    |
|         | ۵۱، ۲۶۸، ۲۰۳، ۲۶۱      | ۱۲۵۲، ۱۲۵۱، ۱۲۳۷                                       |
| ابراهیم | ۳۳۱، ۴۶۶، ۴۸۴، ۵۲۰     | ۱۲۹۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۲                                       |
|         | ۸۷۳، ۹۰۲، ۱۰۴۶         | محمد بن عبدالله - رسول الله - النبي ﷺ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ |
|         | ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۹۱       | ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹        |
|         | ۵۵۷                    | ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱         |
| اسرافیل | ۱۴، ۱۵، ۳۹، ۵۵، ۵۹     | ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳         |
| جبرائیل | ۱۸۳، ۳۷۲، ۳۷۴          | ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷ |
|         | ۳۷۷، ۳۸۶، ۳۹۱، ۴۷۱     | ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷                 |
|         | ۴۹۳، ۵۲۴، ۵۵۶، ۵۵۷     | ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹         |
|         | ۵۵۸، ۵۵۹، ۸۱۴، ۹۲۶     | ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸                     |
|         | ۹۲۳، ۹۵۶، ۹۹۱، ۱۰۵۲    | ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹             |
|         | ۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۵ | ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰  |
|         | ۴۵۱                    | ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹            |
| الخضر   | ۳۷، ۴۸۵، ۵۱۰، ۶۵۰      | ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹       |
| داود    |                        | ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹       |

|      |      |      |      |      |      |             |      |      |      |      |      |     |     |     |     |
|------|------|------|------|------|------|-------------|------|------|------|------|------|-----|-----|-----|-----|
| ۱۰۲۹ | ۱۰۲۵ | ۱۰۲۳ | ۱۰۲۰ | ۱۰۱۹ | ۱۰۱۷ | ۱۰۱۵        | ۲۱۰  | ۲۰۹  | ۲۰۸  | ۲۰۷  | ۲۰۵  | ۲۰۴ | ۲۰۲ | ۲۰۱ | ۱۹۸ |
| ۱۰۵۰ | ۱۰۴۶ | ۱۰۳۸ | ۱۰۳۷ | ۱۰۳۶ | ۱۰۳۴ | ۱۰۳۳        | ۲۲۹  | ۲۲۳  | ۲۲۲  | ۲۲۱  | ۲۲۰  | ۲۱۹ | ۲۱۸ | ۲۱۲ | ۲۱۱ |
| ۱۰۶۱ | ۱۰۶۰ | ۱۰۵۸ | ۱۰۵۴ | ۱۰۵۳ | ۱۰۵۲ | ۱۰۵۱        | ۲۵۷  | ۲۵۲  | ۲۴۸  | ۲۴۴  | ۲۳۹  | ۲۳۵ | ۲۳۴ | ۲۳۲ | ۲۳۱ |
| ۱۰۸۹ | ۱۰۸۸ | ۱۰۸۶ | ۱۰۷۹ | ۱۰۷۵ | ۱۰۷۴ | ۱۰۶۵        | ۲۸۵  | ۲۸۴  | ۲۷۴  | ۲۷۲  | ۲۷۱  | ۲۶۷ | ۲۶۴ | ۲۶۱ | ۲۵۸ |
| ۱۱۰۱ | ۱۰۹۹ | ۱۰۹۷ | ۱۰۹۵ | ۱۰۹۳ | ۱۰۹۱ | ۱۰۹۰        | ۳۰۰  | ۲۹۳  | ۲۹۲  | ۲۹۱  | ۲۹۰  | ۲۸۹ | ۲۸۸ | ۲۸۷ | ۲۸۶ |
| ۱۱۱۸ | ۱۱۱۷ | ۱۱۱۶ | ۱۱۱۳ | ۱۱۱۲ | ۱۱۱۱ | ۱۱۰۲        | ۳۶۱  | ۳۵۹  | ۳۵۰  | ۳۲۵  | ۳۲۲  | ۳۲۱ | ۳۰۷ | ۳۰۶ | ۳۰۵ |
| ۱۱۳۰ | ۱۱۲۹ | ۱۱۲۸ | ۱۱۲۷ | ۱۱۲۴ | ۱۱۲۰ | ۱۱۱۹        | ۳۷۹  | ۳۷۷  | ۳۷۵  | ۳۷۴  | ۳۷۲  | ۳۷۰ | ۳۶۶ | ۳۶۳ | ۳۶۲ |
| ۱۱۳۷ | ۱۱۳۶ | ۱۱۳۵ | ۱۱۳۴ | ۱۱۳۳ | ۱۱۳۲ | ۱۱۳۱        | ۴۰۸  | ۴۰۷  | ۴۰۶  | ۴۰۱  | ۴۰۰  | ۳۹۷ | ۳۹۶ | ۳۹۳ | ۳۸۲ |
| ۱۱۴۴ | ۱۱۴۳ | ۱۱۴۲ | ۱۱۴۱ | ۱۱۴۰ | ۱۱۳۹ | ۱۱۳۸        | ۴۴۶  | ۴۳۱  | ۴۲۴  | ۴۲۲  | ۴۲۱  | ۴۱۹ | ۴۱۶ | ۴۱۲ | ۴۱۱ |
| ۱۱۵۱ | ۱۱۵۰ | ۱۱۴۹ | ۱۱۴۸ | ۱۱۴۷ | ۱۱۴۶ | ۱۱۴۵        | ۴۷۸  | ۴۷۶  | ۴۷۱  | ۴۶۹  | ۴۶۰  | ۴۵۹ | ۴۵۴ | ۴۵۳ | ۴۵۱ |
| ۱۱۷۱ | ۱۱۶۷ | ۱۱۶۳ | ۱۱۶۱ | ۱۱۵۷ | ۱۱۵۶ | ۱۱۵۳        | ۴۹۳  | ۴۹۲  | ۴۸۹  | ۴۸۸  | ۴۸۷  | ۴۸۶ | ۴۸۴ | ۴۸۲ | ۴۸۰ |
| ۱۱۸۸ | ۱۱۸۶ | ۱۱۷۶ | ۱۱۷۵ | ۱۱۷۴ | ۱۱۷۳ | ۱۱۷۲        | ۵۲۳  | ۵۱۶  | ۵۱۳  | ۵۰۸  | ۴۹۹  | ۴۹۸ | ۴۹۷ | ۴۹۵ | ۴۹۳ |
| ۱۲۱۴ | ۱۲۰۳ | ۱۲۰۰ | ۱۱۹۹ | ۱۱۹۸ | ۱۱۹۵ | ۱۱۸۹        | ۵۳۵  | ۵۳۴  | ۵۳۳  | ۵۳۲  | ۵۳۰  | ۵۲۹ | ۵۲۸ | ۵۲۷ | ۵۲۶ |
| ۱۲۵۱ | ۱۲۵۰ | ۱۲۳۶ | ۱۲۳۴ | ۱۲۳۳ | ۱۲۳۲ | ۱۲۲۱        | ۵۶۱  | ۵۶۰  | ۵۵۹  | ۵۵۷  | ۵۵۶  | ۵۵۵ | ۵۵۴ | ۵۴۹ | ۵۳۶ |
| ۱۲۶۵ | ۱۲۶۴ | ۱۲۶۳ | ۱۲۶۲ | ۱۲۵۷ | ۱۲۵۴ | ۱۲۵۳        | ۵۸۱  | ۵۷۶  | ۵۷۵  | ۵۷۴  | ۵۷۳  | ۵۶۵ | ۵۶۲ | ۵۶۳ | ۵۶۲ |
| ۱۲۹۳ | ۱۲۹۲ | ۱۲۸۸ | ۱۲۸۷ | ۱۲۷۰ | ۱۲۶۸ | ۱۲۶۶        | ۶۰۸  | ۵۹۸  | ۵۹۷  | ۵۹۶  | ۵۹۵  | ۵۹۴ | ۵۹۳ | ۵۹۲ | ۵۹۱ |
|      |      |      |      |      |      | ۱۲۹۳        | ۶۲۴  | ۶۲۳  | ۶۲۲  | ۶۲۱  | ۶۲۰  | ۶۱۹ | ۶۱۸ | ۶۱۷ | ۶۱۶ |
| ۳۶۱  | ۳۵۹  | ۳۵۴  | ۳۰۱  |      |      |             | ۶۵۰  | ۶۴۶  | ۶۴۵  | ۶۴۴  | ۶۴۳  | ۶۴۲ | ۶۴۱ | ۶۴۰ | ۶۳۸ |
| ۴۸۱  | ۴۶۶  | ۴۵۱  | ۳۷۰  |      |      |             | ۶۸۶  | ۶۸۰  | ۶۷۹  | ۶۷۸  | ۶۷۷  | ۶۶۸ | ۶۶۷ | ۶۶۴ | ۶۵۱ |
| ۶۷۸  | ۵۳۵  | ۵۱۰  | ۴۸۴  |      |      |             | ۷۲۱  | ۷۱۴  | ۷۱۱  | ۷۰۸  | ۷۰۷  | ۷۰۶ | ۷۰۲ | ۶۸۸ | ۶۸۷ |
| ۹۹۱  | ۵۵۶  | ۱۴   |      |      |      | میکائیل     | ۷۳۱  | ۷۲۹  | ۷۲۸  | ۷۲۷  | ۷۲۶  | ۷۲۵ | ۷۲۴ | ۷۲۳ | ۷۲۲ |
| ۱۱۲  | ۱۱۰  | ۱۰۹  | ۱۰۸  |      |      | نوح         | ۷۷۳  | ۷۷۲  | ۷۷۱  | ۷۷۰  | ۷۶۷  | ۷۵۲ | ۷۴۴ | ۷۳۹ | ۷۳۶ |
| ۱۲۲  | ۱۲۱  | ۱۲۰  | ۱۱۴  |      |      |             | ۸۲۳  | ۸۱۹  | ۸۱۷  | ۸۱۰  | ۷۹۹  | ۷۸۷ | ۷۸۱ | ۷۷۸ | ۷۷۶ |
| ۳۳۱  | ۳۹۰  | ۳۶۱  | ۱۲۸  |      |      |             | ۸۶۱  | ۸۵۳  | ۸۴۹  | ۸۴۳  | ۸۴۲  | ۸۳۳ | ۸۲۸ | ۸۲۷ | ۸۲۴ |
| ۷۷۲  |      |      |      |      |      |             | ۸۸۲  | ۸۸۱  | ۸۷۹  | ۸۷۴  | ۸۷۲  | ۸۷۱ | ۸۷۰ | ۸۶۷ | ۸۶۴ |
| ۵۳۵  |      |      |      |      |      | هارون       | ۹۰۲  | ۹۰۱  | ۸۹۵  | ۸۹۳  | ۸۸۹  | ۸۸۸ | ۸۸۶ | ۸۸۵ | ۸۸۳ |
| ۱۰۵۱ | ۶۶۷  | ۶۰۸  |      |      |      | یوسف        | ۹۲۳  | ۹۲۲  | ۹۲۱  | ۹۲۸  | ۹۲۶  | ۹۲۵ | ۹۲۲ | ۹۰۶ | ۹۰۴ |
| ۲۰۱  | ۹۳   |      |      |      |      | یوشع بن نون | ۹۵۷  | ۹۵۶  | ۹۵۴  | ۹۴۵  | ۹۴۴  | ۹۴۳ | ۹۴۱ | ۹۳۷ | ۹۳۴ |
| ۶۹۲  | ۶۶۷  |      |      |      |      | یعقوب       | ۹۷۴  | ۹۷۲  | ۹۷۰  | ۹۶۷  | ۹۶۵  | ۹۶۴ | ۹۶۳ | ۹۶۲ | ۹۶۱ |
|      |      |      |      |      |      |             | ۱۰۱۴ | ۱۰۱۳ | ۱۰۰۵ | ۱۰۰۳ | ۱۰۰۲ | ۹۹۴ | ۹۸۹ | ۹۸۲ |     |



## فهرست معصومان

| نام                                                       | شماره حدیث                             |
|-----------------------------------------------------------|----------------------------------------|
| علی بن ابی طالب - امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> | ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۹      |
| ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶               | ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۶      |
| ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴        | ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷      |
| ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳                        | ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۲، ۳۰۵      |
| ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴                | ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۱، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴      |
| ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲                    | ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۸      |
| ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵                    | ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۱      |
| ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۸                            | ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۳ |
| ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰                    | ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۸      |
| ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶                    | ۴۵۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۶      |
| ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴                    | ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰      |
| ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳               | ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷      |
| ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰                         | ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۳      |
| ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸                    | ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵      |
| ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶                    | ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲      |

|                                                                       |                                        |
|-----------------------------------------------------------------------|----------------------------------------|
| ۱۲۹۷، ۱۲۹۶، ۱۲۹۵، ۱۲۹۲، ۱۲۹۰                                          | ۵۷۸، ۵۷۷، ۵۶۷، ۵۶۶، ۵۵۶، ۵۵۵، ۵۵۴، ۵۵۳ |
| فاطمه <small>علیها السلام</small> ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱   | ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۹۸، ۵۹۹      |
| ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲                                | ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷      |
| ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴                            | ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲      |
| ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴                                | ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۲۱، ۷۳۰      |
| ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹                        | ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۶۲، ۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۸۳      |
| ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۹۰، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹                                 | ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴      |
| ۱۰۱، ۱۰۳، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲                                     | ۸۱۵، ۸۲۴، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۴۸، ۸۴۹      |
| ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۷۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶                                     | ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۴، ۸۶۸، ۸۶۹      |
| ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۲۲، ۳۲۵، ۴۰۷، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴                                | ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹      |
| ۵۰۵، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۹۸                                     | ۸۸۱، ۸۸۴، ۸۹۷، ۹۰۷، ۹۲۴، ۹۲۸، ۹۳۲      |
| ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۲۸، ۶۲۹، ۸۰۰، ۸۲۴، ۸۷۹                                | ۹۳۹، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۵۳      |
| ۸۸۱، ۹۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۷، ۱۰۵۲                                      | ۹۵۳، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵                |
| ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۱                                    | ۹۶۵، ۹۶۷، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۶، ۹۸۳           |
| ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۷، ۱۱۶۲، ۱۱۷۱، ۱۲۶۹                                    | ۹۸۴، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۶، ۹۹۸      |
| الحسن بن علی <small>علیه السلام</small> ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱ | ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۲۲، ۱۰۳۴     |
| ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱                                | ۱۰۳۶، ۱۰۴۶، ۱۰۵۰، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴     |
| ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸                            | ۱۰۵۷، ۱۰۶۳، ۱۰۷۱، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۸     |
| ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰                                | ۱۰۸۱، ۱۰۸۵، ۱۰۸۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۳، ۱۱۱۶     |
| ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۶۹                            | ۱۱۱۹، ۱۱۲۲، ۱۱۲۹، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷     |
| ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۱۴                               | ۱۱۴۳، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷           |
| ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷                                | ۱۱۷۱، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۹     |
| ۱۶۳، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱                                     | ۱۲۰۲، ۱۲۰۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵     |
| ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲                                     | ۱۲۴۷، ۱۲۵۱، ۱۲۵۹، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴     |

|                               |                               |
|-------------------------------|-------------------------------|
| 708 722 708 080 057 003 049   | 287 280 288 271 288 229 220   |
| 772 771 770 779 778 777 709   | 889 888 828 807 270 289 287   |
| 817 811 870 828 822 812 791   | 027 020 028 022 029 899 892   |
| 912 912 879 878 801 820 828   | 702 088 082 079 078 002 089   |
| 1042 1027 1026 907 922 920    | 811 822 822 790 707 721 720   |
| 1078 1077 1070 1002 1001 1000 | 1007 922 888 879 801 828 810  |
| 1128 1123 1110 1082 1081 1070 | 1070 1078 1002 1000 1027 1026 |
| 1183 1182 1181 1180 1129 1120 | 1120 1129 1128 1119 1098 1081 |
| 1107 1102 1101 1189 1180 1188 | 1107 1106 1102 1188 1186 1128 |
| 1279 1201 1222 1171 1178 1107 | 1202 1187 1187 1171 1178 1108 |

١٢٦٩، ١٢٣٣      على بن الحسين = زين العابدين <sup>عليه السلام</sup> ٦٤

الحسين بن علي عليه السلام

١١٧ ١١٦ ٩٤ ٩٣ ٩٢ ٩١ ٧٤ ٦٩ ٦٥ ٩ ٨ ٧ ٥ ٤ ٣ ٢ ١

١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ١٢٩ ١٩٠ ٢٠٧ ٢٢٧ ٢٦٢ ٢٨٩ ٣٢٥

٢١ ٢٤ ٢٦ ٢٧ ٣٠ ٣٢ ٣٣ ٣٥ ٣٦ ٣٧ ٣٨٢ ٣٥٦ ٤٠٥ ٤٠٨ ٤٥٥ ٤٥٧ ٤٩٦

٣٨ ٣٩ ٤٠ ٤١ ٤٢ ٤٣ ٤٥ ٤٦ ٤٧ ٤٨ ٥٣٣ ٥٣٤ ٥٣٦ ٥٨٠ ٥٨٦ ٥٩٠ ٦٠٥

٤٩ ٥٠ ٥١ ٥٢ ٥٣ ٥٤ ٥٦ ٥٧ ٦٦ ٦٣ ٦٦ ٦٠ ٦٠٧ ٦٠٨ ٦٣٠ ٦٣٣ ٦٣٤ ٦٣٥

٦٧ ٦٩ ٧٢ ٧٦ ٨٨ ٩١ ٩٢ ٩٣ ٩٤ ٩٩ ٦٣٦ ٦٤٧ ٦٥٤ ٦٥٦ ٦٦٠ ٦٦١ ٦٦٨ ٦٧٠

١١٤ ١٢٠ ١٢٩ ١٣٩ ١٤٧ ١٤٨ ١٤٩ ١٥١ ١٥٧ ١٨١ ١٨٣ ٢٠٣ ٢٠٤ ١٧٢ ١٧٤ ١٧٦ ١٧٧

١٥٣ ١٥٤ ١٥٧ ١٨١ ١٨٣ ٢٠٣ ٢٠٤ ١٧٢ ١٧٤ ١٧٦ ١٧٧ ١٧٢ ١٧٤ ١٧٦ ١٧٧ ١٧٢ ١٧٤

٢٠٥ ٢٠٧ ٢٠٨ ٢١١ ٢١٢ ٢١٤ ٢١٥ ٢٠٧ ٢٠٨ ١٠٠ ١٠٤ ١٠٥ ١٠٨ ١١٢٣ ١١٥٣

1279, 1201, 1269, 1233, 1227, 1218, 1214, 1209, 1207, 1202, 1199, 1197, 1192, 1189, 1187, 1182, 1179, 1177, 1172, 1169, 1167, 1162, 1159, 1157, 1152, 1149, 1147, 1142, 1139, 1137, 1132, 1129, 1127, 1122, 1119, 1117, 1112, 1109, 1107, 1102, 1099, 1097, 1092, 1089, 1087, 1082, 1079, 1077, 1072, 1069, 1067, 1062, 1059, 1057, 1052, 1049, 1047, 1042, 1039, 1037, 1032, 1029, 1027, 1022, 1019, 1017, 1012, 1009, 1007, 1002, 999, 997, 992, 989, 987, 982, 979, 977, 972, 969, 967, 962, 959, 957, 952, 949, 947, 942, 939, 937, 932, 929, 927, 922, 919, 917, 912, 909, 907, 902, 899, 897, 892, 889, 887, 882, 879, 877, 872, 869, 867, 862, 859, 857, 852, 849, 847, 842, 839, 837, 832, 829, 827, 822, 819, 817, 812, 809, 807, 802, 799, 797, 792, 789, 787, 782, 779, 777, 772, 769, 767, 762, 759, 757, 752, 749, 747, 742, 739, 737, 732, 729, 727, 722, 719, 717, 712, 709, 707, 702, 699, 697, 692, 689, 687, 682, 679, 677, 672, 669, 667, 662, 659, 657, 652, 649, 647, 642, 639, 637, 632, 629, 627, 622, 619, 617, 612, 609, 607, 602, 599, 597, 592, 589, 587, 582, 579, 577, 572, 569, 567, 562, 559, 557, 552, 549, 547, 542, 539, 537, 532, 529, 527, 522, 519, 517, 512, 509, 507, 502, 499, 497, 492, 489, 487, 482, 479, 477, 472, 469, 467, 462, 459, 457, 452, 449, 447, 442, 439, 437, 432, 429, 427, 422, 419, 417, 412, 409, 407, 402, 399, 397, 392, 389, 387, 382, 379, 377, 372, 369, 367, 362, 359, 357, 352, 349, 347, 342, 339, 337, 332, 329, 327, 322, 319, 317, 312, 309, 307, 302, 299, 297, 292, 289, 287, 282, 279, 277, 272, 269, 267, 262, 259, 257, 252, 249, 247, 242, 239, 237, 232, 229, 227, 222, 219, 217, 212, 209, 207, 202, 199, 197, 192, 189, 187, 182, 179, 177, 172, 169, 167, 162, 159, 157, 152, 149, 147, 142, 139, 137, 132, 129, 127, 122, 119, 117, 112, 109, 107, 102, 99, 97, 92, 89, 87, 82, 79, 77, 72, 69, 67, 62, 59, 57, 52, 49, 47, 42, 39, 37, 32, 29, 27, 22, 19, 17, 12, 9, 7, 2, 1.

٢٧١، ٢٨٠، ٢٨٤، ٢٨٥، ٢٨٦، ٢٨٧، ٢٨٩. محمد بن علي الباقر = أبو جعفر عليه السلام ٦٦.

|     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|-----|-----|-----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| 102 | 101 | 100 | 98 | 97 | 96 | 95 | 94 | 93 | 92 | 91 | 90 | 89 | 88 | 87 | 86 | 85 | 84 | 83 | 82 | 81 | 80 | 79 | 78 | 77 | 76 | 75 | 74 | 73 | 72 | 71 | 70 | 69 | 68 | 67 | 66 | 65 | 64 | 63 | 62 | 61 | 60 | 59 | 58 | 57 | 56 | 55 | 54 | 53 | 52 | 51 | 50 | 49 | 48 | 47 | 46 | 45 | 44 | 43 | 42 | 41 | 40 | 39 | 38 | 37 | 36 | 35 | 34 | 33 | 32 | 31 | 30 | 29 | 28 | 27 | 26 | 25 | 24 | 23 | 22 | 21 | 20 | 19 | 18 | 17 | 16 | 15 | 14 | 13 | 12 | 11 | 10 | 9 | 8 | 7 | 6 | 5 | 4 | 3 | 2 | 1 |
| 102 | 101 | 100 | 98 | 97 | 96 | 95 | 94 | 93 | 92 | 91 | 90 | 89 | 88 | 87 | 86 | 85 | 84 | 83 | 82 | 81 | 80 | 79 | 78 | 77 | 76 | 75 | 74 | 73 | 72 | 71 | 70 | 69 | 68 | 67 | 66 | 65 | 64 | 63 | 62 | 61 | 60 | 59 | 58 | 57 | 56 | 55 | 54 | 53 | 52 | 51 | 50 | 49 | 48 | 47 | 46 | 45 | 44 | 43 | 42 | 41 | 40 | 39 | 38 | 37 | 36 | 35 | 34 | 33 | 32 | 31 | 30 | 29 | 28 | 27 | 26 | 25 | 24 | 23 | 22 | 21 | 20 | 19 | 18 | 17 | 16 | 15 | 14 | 13 | 12 | 11 | 10 | 9 | 8 | 7 | 6 | 5 | 4 | 3 | 2 | 1 |

|                                       |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |
|---------------------------------------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| ۱۸۷                                   | ۲۰۵  | ۲۰۷  | ۲۲۸  | ۲۲۶  | ۲۵۶  | ۲۵۸  | ۲۷۰  | ۲۷۵  | ۲۸۶  | ۲۹۲  | ۲۹۸  | ۴۰۸  | ۴۱۷  |
| ۲۹۷                                   | ۳۲۷  | ۳۵۱  | ۳۶۴  | ۳۶۶  | ۳۷۲  | ۳۷۴  | ۴۲۸  | ۴۳۱  | ۴۳۶  | ۴۴۹  | ۴۵۰  | ۴۵۱  | ۴۵۲  |
| ۳۸۲                                   | ۳۸۵  | ۳۸۷  | ۳۸۸  | ۳۸۹  | ۳۹۰  | ۳۹۱  | ۴۵۵  | ۴۶۲  | ۴۶۶  | ۴۶۷  | ۴۶۸  | ۴۷۶  | ۴۷۹  |
| ۳۹۷                                   | ۴۰۶  | ۴۱۵  | ۴۱۶  | ۴۲۵  | ۴۲۷  | ۴۳۴  | ۴۸۱  | ۴۸۲  | ۴۸۴  | ۴۸۵  | ۴۸۸  | ۴۹۸  | ۵۰۰  |
| ۴۴۶                                   | ۴۴۷  | ۴۵۵  | ۴۶۱  | ۴۶۴  | ۴۶۵  | ۴۷۸  | ۵۰۱  | ۵۰۲  | ۵۰۳  | ۵۰۵  | ۵۰۶  | ۵۰۷  | ۵۰۸  |
| ۴۸۴                                   | ۴۹۱  | ۴۹۳  | ۴۹۴  | ۴۹۶  | ۴۹۷  | ۵۱۶  | ۵۰۹  | ۵۱۰  | ۵۱۳  | ۵۱۴  | ۵۱۵  | ۵۱۷  | ۵۱۹  |
| ۵۲۵                                   | ۵۳۰  | ۵۳۱  | ۵۳۳  | ۵۳۴  | ۵۳۶  | ۵۵۵  | ۵۲۱  | ۵۲۳  | ۵۲۶  | ۵۲۷  | ۵۲۸  | ۵۲۹  | ۵۳۲  |
| ۵۵۸                                   | ۵۷۶  | ۵۸۳  | ۵۹۱  | ۶۰۸  | ۶۲۳  | ۶۲۷  | ۵۲۳  | ۵۲۴  | ۵۳۶  | ۵۴۱  | ۵۴۲  | ۵۴۸  | ۵۵۰  |
| ۶۳۸                                   | ۶۴۰  | ۶۶۰  | ۶۶۲  | ۶۶۳  | ۶۷۳  | ۶۸۴  | ۶۶۵  | ۶۶۷  | ۵۷۱  | ۵۸۹  | ۵۹۴  | ۶۰۶  | ۶۰۹  |
| ۶۹۳                                   | ۶۹۵  | ۶۹۶  | ۷۳۶  | ۷۵۱  | ۷۵۲  | ۷۵۳  | ۶۲۳  | ۶۲۶  | ۶۳۴  | ۶۳۶  | ۶۳۷  | ۶۳۸  | ۶۳۹  |
| ۷۶۶                                   | ۷۷۲  | ۷۷۴  | ۷۷۶  | ۷۸۵  | ۸۲۰  | ۸۲۱  | ۶۴۰  | ۶۴۵  | ۶۵۰  | ۶۵۳  | ۶۶۴  | ۶۷۴  | ۶۷۶  |
| ۸۲۲                                   | ۸۲۳  | ۸۴۲  | ۸۵۱  | ۸۵۷  | ۸۵۹  | ۸۶۰  | ۷۷۹  | ۷۸۲  | ۷۸۴  | ۷۸۵  | ۷۸۶  | ۷۹۰  | ۷۹۴  |
| ۸۶۴                                   | ۸۸۸  | ۸۹۳  | ۹۲۵  | ۹۲۷  | ۹۳۳  | ۹۳۵  | ۸۹۷  | ۸۹۸  | ۸۹۹  | ۷۰۰  | ۷۰۳  | ۷۱۴  | ۷۱۵  |
| ۹۴۸                                   | ۹۹۲  | ۱۰۰۴ | ۱۰۱۱ | ۱۰۴۷ | ۱۰۵۰ | ۱۰۵۰ | ۷۱۶  | ۷۲۴  | ۷۲۷  | ۷۳۸  | ۷۳۹  | ۷۴۰  | ۷۵۵  |
| ۱۰۸۹                                  | ۱۰۹۰ | ۱۰۹۹ | ۱۱۵۴ | ۱۱۵۵ | ۱۱۵۶ | ۷۶۵  | ۷۷۸  | ۷۸۶  | ۸۰۳  | ۸۰۴  | ۸۲۴  | ۸۲۵  | ۸۲۵  |
| ۱۱۵۸                                  | ۱۱۷۹ | ۱۱۹۰ | ۱۱۹۱ | ۱۲۰۱ | ۱۲۱۱ | ۸۴۳  | ۸۵۱  | ۸۶۱  | ۸۶۲  | ۸۶۴  | ۸۷۳  | ۸۸۹  | ۸۸۹  |
| ۱۲۱۴                                  | ۱۲۱۷ | ۱۲۲۷ | ۱۲۳۳ | ۱۲۵۱ | ۱۲۶۷ | ۸۹۸  | ۹۰۰  | ۹۰۳  | ۹۱۳  | ۹۱۴  | ۹۱۵  | ۹۱۶  | ۹۱۶  |
| ۱۲۹۱                                  | ۱۲۹۷ | ۱۲۹۸ | ۹۱۷  | ۹۱۸  | ۹۲۹  | ۹۳۶  | ۹۴۰  | ۹۴۲  | ۹۴۹  | ۹۴۹  | ۹۴۹  | ۹۴۹  | ۹۴۹  |
| جعفر بن محمد الصادق = أبو عبد الله ۵۳ |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |      |
| ۶۰                                    | ۶۷   | ۶۸   | ۶۹   | ۷۴   | ۹۱   | ۹۲   | ۹۳   | ۹۴   | ۹۸۶  | ۹۹۰  | ۹۹۳  | ۱۰۰۹ | ۱۰۱۲ |
| ۹۹                                    | ۱۰۳  | ۱۰۴  | ۱۱۷  | ۱۳۱  | ۱۳۹  | ۱۴۱  | ۱۶۵  | ۱۰۲۸ | ۱۰۳۲ | ۱۰۳۵ | ۱۰۴۸ | ۱۰۴۹ | ۱۰۵۲ |
| ۱۹۷                                   | ۲۰۶  | ۲۰۷  | ۲۲۰  | ۲۲۹  | ۲۳۰  | ۲۳۱  | ۱۰۵۹ | ۱۰۷۳ | ۱۰۸۹ | ۱۰۹۰ | ۱۰۹۴ | ۱۱۰۰ | ۱۱۰۰ |
| ۲۳۸                                   | ۲۳۹  | ۲۴۲  | ۲۴۳  | ۲۴۶  | ۲۵۱  | ۲۵۷  | ۱۱۳۰ | ۱۱۵۷ | ۱۱۸۴ | ۱۱۹۳ | ۱۲۱۲ | ۱۲۲۰ | ۱۲۲۰ |
| ۲۸۳                                   | ۳۰۶  | ۳۳۱  | ۳۵۴  | ۳۵۷  | ۳۶۳  | ۳۶۷  | ۱۲۲۸ | ۱۲۳۳ | ۱۲۳۷ | ۱۲۴۰ | ۱۲۴۱ | ۱۲۴۲ | ۱۲۴۲ |

- ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۵۱، ۱۲۵۴، ۱۲۶۸، ۱۲۷۸، علی بن محمد الهادی علیه السلام ۹۱، ۹۲، ۹۳  
 ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۹، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۶۹، ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۶۳، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۹۹  
 ۱۳۰۳، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۷۱، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۰، ۴۴۱  
 موسی بن جعفر کاظم علیه السلام ۹۱، ۴۴۲، ۵۲۲، ۵۳۶، ۶۴۹، ۷۴۸، ۸۲۶، ۸۵۱  
 ۹۲، ۹۳، ۱۴۳، ۱۹۲، ۲۰۷، ۳۷۷، ۴۳۷، ۴۳۹، ۸۶۶، ۹۳۰، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳  
 ۴۴۵، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۸۳، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۴، ۵۳۶، الحسن بن علی العسکری علیه السلام ۹۱، ۹۲، ۹۳  
 ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۸۷، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۱۸، ۱۸۵، ۲۰۷، ۳۴۸، ۴۴۲، ۵۳۶، ۷۶۷، ۸۵۱  
 ۷۱۹، ۷۴۱، ۷۷۳، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۶۳، ۱۱۶۷، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳  
 ۸۶۴، ۸۹۴، ۹۴۱، ۹۵۶، ۱۱۰۱، ۱۱۶۴، ۱۲۱۰، المهدي علیه السلام ۳۰، ۵۴، ۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۳  
 ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۵۱، ۱۲۶۹، ۱۲۸۵، ۱۲۸۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۹۲، ۳۴۹  
 ۱۳۰۳، ۸۳۰، ۸۵۱، ۸۷۸، ۹۸۷، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۱۲۸  
 علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱۵، ۷۰، ۹۱، ۹۲، ۱۱۶۷، ۱۱۸۱، ۱۱۸۵، ۱۱۸۹، ۱۱۹۲، ۱۱۹۶  
 ۹۳، ۱۰۷، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۷، ۲۴۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷  
 ۲۷۰، ۲۹۸، ۳۲۹، ۳۷۸، ۳۹۴، ۴۱۸، ۴۳۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳  
 ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۹، ۵۱۱، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۷۲، ۶۱۵، ۱۲۲۴، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳  
 ۶۴۸، ۶۵۵، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۲۰  
 ۷۴۲، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۷۹، ۷۸۰، ۸۵۱، ۸۶۴  
 ۸۶۵، ۸۸۰، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۵۶، ۱۰۹۱، ۱۱۶۵  
 ۱۱۶۶، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳، ۱۲۴۶، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱  
 ۱۲۵۲، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۸۶  
 ۱۲۸۷  
 محمد بن علی الجواد علیه السلام ۹۱، ۹۲، ۹۳  
 ۲۰۷، ۳۴۳، ۵۳۶، ۶۶۵، ۷۰۴، ۷۰۵، ۸۵۱  
 ۱۲۲۴، ۱۲۳۳



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست اشخاص

| نام                          | شماره حدیث    | ابن الدیلمی ۸۹۱                 |
|------------------------------|---------------|---------------------------------|
| أصف بن برخیا                 | ۴۳۰، ۴۳۲      | ابن نذر (عمرو بن نذر القاص) ۱۸۶ |
| أبان بن أبي عیاش             | ۱۳۸           | ابن شبرمة ۵۰۸                   |
| أبان بن تغلب                 | ۶۳۶، ۹۱۷      | ابن طاووس ۶۳۹                   |
| أبان بن عمر                  | ۲۵۷           | ابن عبّاد ۷۰۳                   |
| إبراهیم بن أبي محمود         | ۱۲۶۴          | ابن عباس = عبدالله بن عباس      |
| إبراهیم بن سعد               | ۶۷۲           | ابن عمر = عبدالله بن عمر        |
| إبراهیم بن العباس            | ۶۴۸، ۶۵۵، ۷۴۷ | ابن فهد الحلّی ۶۲۹              |
| إبراهیم بن عبدالرحمن بن صبیح | ۳۷            | ابن الکواء ۴۲۱، ۶۴۶، ۱۲۹۶       |
| ابن أبي الحديد               | ۵۸۱، ۱۱۵۶     | ابن لهیعة ۳۲                    |
| ابن أبي عامر                 | ۶۶۴           | ابن ملجم ۵۸۲، ۵۸۳               |
| ابن أبي عتیق                 | ۲۹            | أبو الأزهري ۵۱                  |
| ابن أبي یغفور                | ۲۳۱           | أبو أمامة الباهلی ۳۰۶           |
| ابن بکیر                     | ۲۴۲، ۹۵۰      | أبو أيوب ۶۳۷                    |
| ابن جندب                     | ۷۵۵           | أبو أيوب الأنصاري ۸۷۹           |
|                              |               | أبو أيوب الصيرفي ۲۱             |



|                                         |                                       |
|-----------------------------------------|---------------------------------------|
| أبو برزة ٩٧٢، ٢٢                        | أبو سعيد الخدری ٣، ٤، ٥، ١٩، ٢٠، ٢١،  |
| أبو بصير ٢٢٩، ٣٦٦، ٣٧٠، ٣٨٦، ٣٩١،       | ١٢٢، ١٧٩، ٤١١، ٤١٢، ٩٠١، ٩٩٤، ١٠٨٥،   |
| ٤٣٧، ٤٦٥، ٤٨٢، ٥٠٢، ٥٠٦، ٥٠٩، ٥١٥،      | ١١١٢                                  |
| ٥٢٦، ٥٣١، ٥٣٢، ٥٧١، ٧٣٦                 | أبو سلمة السراج ٦٥١، ٩١٣،             |
| أبو بكر بن أبي قحافة ٣٢٢، ٨٨١، ١١٣٤     | أبو صالح ٦٠١                          |
| أبو بكر الحضرمي ١١٩٠                    | أبو الصباح ٤٢٨                        |
| أبو الجارود ٤٩٦، ٦٦، ٥٣٠، ٩٩٢،          | أبو الصلت الهروي = عبد السلام بن صالح |
| أبو جحيفة ٨٢                            | الهروي                                |
| أبو جعفر الأحول ٨٢٤                     | أبو الطفيل = عامر بن واثلة            |
| أبو جعفر الخثعمي ٦٩٩                    | أبو عبدالله الجدلي ٥٧٤                |
| أبو الحمراء (خادم رسول الله ﷺ) ٢٣، ٧١،  | أبو عبيدة ٥٠٧، ١٢٦٧، ١٢٨٩،            |
| ٧٦، ٧٢                                  | أبو علي بن همام ١٢٣٣                  |
| أبو حمزة ٤٦١، ٨٥٩، ١٢٩١                 | أبو عمار = شداد بن عبدالله            |
| أبو حمزة الثمالي ٣٢١، ٦٩٢،              | أبو عمرو الشيباني ٦٨٥                 |
| أبو حمزة (نصير الخادم) ٤٤٢              | أبو ليلى الأنصاري ١١٧١                |
| أبو الخطاب ٤٦٧، ١٢٥٥                    | أبو مخنف ٦٦٩                          |
| أبو داود ٢٣                             | أبو مسعود ٥٦٣                         |
| أبو الدرداء ٥٩٩                         | أبو مطر البصري ٧١١، ٧١٢،              |
| أبو الديلم ٦٤، ٨١٨                      | أبو المقدام ٤٩٣                       |
| أبو ذر الغفاري ١٠٨، ١٣٨، ٣٠٦، ٥٦٢، ٨٣٣، | أبو نعيم ٦٥                           |
| ٩٢٥، ٩٣٨، ٩٤٤، ٩٦٤، ٩٩٥، ١٠٤٢، ١٢٨٨،    | أبو نؤاس ٤١٨                          |
| ١٢٩٧                                    | أبو الفوار (بياع الكرابيس) ٧١٠        |
| أبو الربيع الشامي ١٢٨٣                  | أبو الورد ٩٦٧                         |
| أبو الزبير المكي ٩٧٦، ٩٧٧               | أبو هاشم الجعفري ٤٣٩، ١٢٥٧،           |

- أبو هريرة ٥٥٤، ٢٨، ٦ أنس بن مالك ٧٢٩، ٧١٣، ٧٠٨، ٧٠٦، ٢٥
- أُم أيمن ١١٤٥ ٨٧٩، ٨٨١، ١٠١٥، ١٠٩٣، ١١١٨، ١١٣٤
- أُم سلمة ١١٤١، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١، ١١٤١
- ١٢، ١٣، ١٤، ١٥، ٢٠، ٣٠، ٣٢، ٣٧، ٤٥، ٤٩، إيليا ٩٢
- ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٦٠، ٦٦، ٦٧، ٢٠٨، ٤٧١، ٤٨٦، البراء بن عازب ٢٦
- ٤٨٧، ٩٦٣، ١١٣٩، ١١٤١، ١١٤٢ بُريد بن معاوية العجلي ١٠٤٧، ٥١٦
- أُم موسى ﷺ ٥١٧ بكر بن عبدالله ٥٩٣
- أحمد بن قابوس ٤٣٦ بكر بن محمد الأزدي ٦١٥
- أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي ٥٥٦ بكير ٧٠٧
- أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي ٧٠٤ البلاذري ٥٧٨
- أحمد بن يحيى الأودي ٩١٢ بلال بن حماسة ١٠٣٤
- الأحنف بن قيس ٥٤٠ بلقيس ٤٣٢، ٤٣٠
- إسحاق ٧٠٨ ثوبان (مولى رسول الله ﷺ) ٢٨، ٢٧
- إسحاق بن راهويه ٩٥٦ الثوباني ٦١٤
- إسحاق بن عمار ٤٥٨ ثوير بن أبي فاختة ١٨٦
- إسرائيل بن يونس ١١٦٣ جابر بن سمرة ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨٠، ٨١، ٨٣، ٨٤
- إسماعيل بن جابر ٧٧٨ جابر بن عبدالله الأنصاري ٢٩، ٣٠،
- إسماعيل بن عبدالله بن جعفر الطيار ٣٩، ٣٨ ٥٣، ٩٠، ٩١، ٩٢، ١٢٨، ١٧٣، ٢٢١، ٢٨٢
- إسماعيل بن عبد الخالق ٨٢٤ ٦٠٨، ٦٧٧، ٧٢٧، ٧٥٢، ٨٠٨، ٨٤٢، ٨٧٩
- إسماعيل بن عبدالعزيز ١٢٤٢ ٩٥٤، ٩٦٧، ١٠٥٣، ١٠٨٨، ١٠٨٩، ١١٣٥
- إسماعيل الجعفي ١٢١٤ جابر بن يزيد الجعفي ٣٨٢، ٧٧٤، ٧٨٥
- الأصبع بن نباتة ١٠٠٣، ١٠٠٢ جبلة بنت المصنف ٢٨٣
- أفلح (مولى الإمام الباقر ﷺ) ٦٦٢ جعفر بن علي القمي ٦٢١
- أنس بن الحارث ١١٤٠ جميع بن عمير التميمي ٢١١، ٢١٠، ١٨

|                                     |                                    |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| جميل بن ميسر ١٠٧٣                   | الحكم بن عتيبة ٢٨٥، ٢٨٦، ٣٩١، ٤٩٣  |
| جناب بن نسطاس ١١٦٢، ١١٦٣            | ١٠٥٠                               |
| جنادة بن أبي أمية ١١٢٩              | حكيم بن جبير ٨١٧                   |
| جندل بن جنادة بن جبير اليهودي ٩٢    | حكيم بن سعد ٧                      |
| جهان بانويه ٤٣٣                     | حماد بن عثمان ٥٠٥، ٦٥٠، ٧٤٠        |
| الحارث ٢٣٤، ٣٠٥                     | حمران بن أعين ٤٦٦                  |
| الحارث الأعور ١٠٦٣                  | حمزة بن حمران ١١٥٧                 |
| الحارث بن المغيرة ٤٥٢، ٥١٤، ٥١٧     | حمزة بن عبدالله بن عتبة ٥٦٠        |
| حبة العرنى ٦٠٠، ١٢٩٠                | حمزة بن محمد الطيار ٢٤٢            |
| حبیب بن یسار ١١٤٩                   | حميد بن عبدالله بن يزيد المدني ٤٠١ |
| حذيفة ١٠٥١، ١١٧٣                    | حنان بن سدير ٩٧٣، ١٠٨٩             |
| حذيفة بن أسيد الغفاري ١٥٤، ١٧٥، ١٧٦ | حنس بن المعتمر (الكناني) ١٠٨، ٩٨٨  |
| الحر بن يزيد الرياحي ٥٨٥            | خارجة بن ثابت ٧٢٥                  |
| حريز ٧٣٨                            | الخطابي الكوفي ٧٧٧                 |
| الحسن البصري ٣٩٠، ٦٠٣، ٦٩١          | خلف بن حماد الكوفي ٣٧٧             |
| الحسن بن الجهم ١٢٥١                 | خيثمة بن أبي خيثمة ٥٣١، ٧٠٢        |
| الحسن بن صالح بن حي ١١٦٢، ١١٦٣      | دعبل الخزاعي ٩٢٠                   |
| الحسن بن صهيب ١٢٩٨                  | الرباب ٥٧٠                         |
| الحسن بن كثير ٦٩٦                   | الربيع ٦١٤                         |
| الحسن بن موسى الوشاء البغدادي ١٢٦٩  | الربيع بن المنذر ٩١٢               |
| الحسين بن أبي العلاء ٥١٠            | رُشيد الهجري ٤٥٨                   |
| الحسين بن أبي فاختة ٩١٣             | الريان بن الصلت ٧٠                 |
| الحسين بن خالد ١٢٥٨                 | زاذان ٥٦٦، ٨١٣                     |
| حفص بن أبي عائشة ٦١٣، ٧١٥           | الزاهريّة ٤٥٥                      |

- زرارة بن أعين ٣٨٨، ١٠٦، ١٠١  
 زرع ١٠٣  
 الزمخشري ٦٥٩، ٢٢٢  
 زياد بن أبي زياد ٧٠٩  
 زيد بن أرقم ٣١، ١٧٠، ١٧٢، ٢٨٤، ٢٨٥  
 ١١٤٩، ٩٣٢، ٨٤٨، ٢٨٧  
 زيد بن ثابت ٧٢٥  
 زيد بن صوحان ١٢١٦  
 زيد بن علي ؑ ١١١٠، ١٨١، ٦٦  
 زيد بن موسى ١٢٦٩  
 زينب بنت أبي سلمة ٣٢  
 زينب بنت علي ؑ ٦٧٠  
 سالم ١٠٢  
 السبزواري ٦٣٢  
 سُحيم ١١٤٠  
 سدير الصيرفي ٧٧٧، ٥٤٨  
 سعد الإسكاف ١٨٢  
 سعد بن أبي وقاص ٣٦، ٣٥  
 سعد بن عبد الملك (سعد الخير) ٧٧٢  
 ١٢٩١  
 سعيد بن جبیر ٤٢، ٣٥  
 سعيد بن العاص ٥٨١  
 سعيد بن المسيب ٤٣  
 سفيان بن أبي ليلى ١١٨٧  
 سفيان بن عيينة ٦٦١  
 سفيان بن مصعب العبدي ٩٧٨، ٢٥٧  
 سفيان الثوري ٧١٦  
 سكينه بنت الحسين ؑ ٦٥  
 سلام بن المستنير ٨١٩  
 سلمى (مولاة الإمام الباقر ؑ) ٦٩٥  
 سلمان الفارسي ٩٧، ١٣٨، ٢٠١، ١١٧٥  
 ١٢٩٢، ١٢٩٣، ١٢٩٤، ١٢٩٥، ١٢٩٦، ١٢٩٧  
 ١٢٩٨  
 سلمة بن كهيل ٣٨٥  
 سلمة بن محرز ٤٦٤  
 سليمان الجعفري ٧٠٢  
 سليمان الديلمي ٥٢٩  
 سليمان المنبهي ٢٧  
 سليم بن قيس الهلالي ١٢٨  
 سماعة بن مهران ٤٣٤  
 السندي بن شاهر ٧٤١  
 سويد السائي ٨٤٧  
 سهل بن حنيف الأنصاري (أبو أمامة) ٧٢٨  
 سيف التمار ٤٥١  
 الشافعي ٩٠٥  
 شبر ٩٢  
 شبير ٩٢  
 شداد بن عبدالله ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧

|                                                                                                                                                     |                                                                        |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|
| عبدالله بن سلام ۴۱۵                                                                                                                                 | شمر بن ذي الجوشن ۱۱۴۴                                                  |
| عبدالله بن سليمان ۳۹۰                                                                                                                               | شمعون الخيرى ۵۴۹                                                       |
| عبدالله بن سنان ۴۸۵                                                                                                                                 | شهر بانويه ۴۳۳                                                         |
| عبدالله بن الصلت ۷۲۰                                                                                                                                | شهر بن حوشب ۱۱، ۱۰، ۹، ۸                                               |
| عبدالله بن عباس ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۸۷، ۹۳، ۱۳۸، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۰۵، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۳، ۶۲۵، ۶۴۳، ۶۴۴، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۵۲، ۸۸۵، ۹۹۶، ۱۱۳۳ | صالح بن سهل ۱۲۴۱، ۱۲۳۹                                                 |
| عبدالله بن عبيد بن عمير ۶۵۷                                                                                                                         | صالح بن ميثم التمار ۹۹۱                                                |
| عبدالله بن عجلان ۸۲۰                                                                                                                                | صفية بنت شيبة ۱۶                                                       |
| عبدالله بن عطاء ۴۱۵                                                                                                                                 | ضرار بن ضمرة الكنانى ۶۰۱                                               |
| عبدالله بن محمد ۴۵۵، ۵۳۳، ۵۸۶، ۵۹۲                                                                                                                  | ضريس الكناسى ۴۷۰، ۴۶۵                                                  |
| عبدالله بن مسعود ۸۵، ۴۲۳، ۶۱۷                                                                                                                       | طاووس ۸۰۵                                                              |
| عبدالله بن المغيرة (مولى أم سلمة) ۱۲                                                                                                                | عائشة ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۵۷۴                                        |
| عبدالله بن الوليد ۱۰۱۹                                                                                                                              | عامر بن سعد بن أبي وقاص ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۱۱۳۶، ۶۵۱، ۶۴۲، ۶۴۱، ۶۱۹، ۵۹۵، ۵۸۱ |
| عبدة بن حزم ۶۷۸                                                                                                                                     | عامر بن واثلة ۱۷۶                                                      |
| عبدربه بن علقمة ۱۱۶۲                                                                                                                                | عباد بن صهيب ۳۰۶                                                       |
| عبدالرحمن بن أبي عبدالله ۵۰۱                                                                                                                        | عباد بن عبدالله الأسدي ۱۲۱                                             |
| عبدالرحمن بن أبي ليلى ۹۰۲، ۲۴                                                                                                                       | عبادة بن الصامت ۹۵۲                                                    |
| عبدالرحمن بن أبي نعم ۱۱۵۲                                                                                                                           | عبدالأعلى مولى آل سام ۶۸۶                                              |
| عبدالرحمن بن الحجاج ۷۷۳                                                                                                                             | عبدالله ۵۷۵، ۱۱۹۹                                                      |
| عبدالرحمن بن عوف ۱۰۳۴                                                                                                                               | عبدالله بن بكير ۷۷۶                                                    |
| عبدالرحمن بن كثير ۶۹، ۲۲۰، ۴۱۷                                                                                                                      | عبدالله بن جندب ۴۵۹                                                    |
| عبدالرزاق ۵۸۶                                                                                                                                       | عبدالله بن الحسن ۶۸۳                                                   |
|                                                                                                                                                     | عبدالله بن الزبير ۶۰۴                                                  |
|                                                                                                                                                     | عبدالله بن سعيد ۴۴۷                                                    |

- عبدالسلام بن صالح الهروي ٤٣٨، ٦١٥، علي بن حمزة ٥٣٢  
 ٧٧٩، ٨٩٤، ١١٠٩، ١١٦٥، ١٢٥٠، ١٢٨٧ علي بن صالح بن حي ١١٦٢، ١١٦٣  
 عبدالعزيز بن مروان ١٢٩١ علي بن عيسى ٧٠٥  
 عبدالعظيم بن عبدالله الحسني ٥٣٦، ٧٨٠ علي بن محمد بن بشر ٩٦٩  
 عبيدالله بن زياد ٦٧٠، ١١٤٩، ١١٥٦ علي بن مهزيار ٤٤٠، ٤٤١، ٦٦٥  
 عبيد بن أبي عبدالله البغدادي ٧٤٦ عمار الساباطي ٥٢١  
 عتبة بن أبي سفيان ٢٦٨ عمران بن حصين ٦٢٤  
 عثمان الأعمى ٣٩٠ عمر بن أبي سلمة ٤٥، ١٨٤  
 عثمان بن حنيف ٨٧٠ عمر بن الخطاب ٤٦، ٥٩٣، ١١١٠، ١١٣٤  
 عذافر الصيرفي ٤٩٣ عمر بن سعد ٦٦٩  
 عروة بن الزبير ٥٩٩ عمر بن علي ٢٩٢  
 عطاء بن أبي رباح ١٣ عمر بن مريم ٩٠٠  
 عطاء بن يسار ٢، ١ عمر بن مسلم ٥٣٤  
 عطية العوفي ١٩، ٢٠، ٢١، ٩٧٧ عمر بن يزيد ١٢٩٩  
 عفان البصري ١٢٠٥ عمرة بنت أفعى ١٤  
 علاء بن كامل ٦٧٤ عمرو بن أبي المقدام ٩٤  
 علقمة ٩٨١ عمرو بن حريث ٥٣٣  
 علي بن أبي حمزة ٤٤٥، ٦٥٦، ٦٨٧ عمرو بن سعيد بن بلال ٧٥١  
 علي بن أبي طلحة ١١١٩ عمرو بن شعيب ٣٢  
 علي بن أسباط ٤٤٦ عمرو بن العاص ٦٢  
 علي بن جعفر الأحمر ١١٦٣ عمرو بن عبدالله بن هند الجملي ٦٠٨  
 علي بن حسان ١٩٢ عمرو بن ميمون ٤٠، ٤١  
 علي بن الحسن بن الحسن بن الحسن ١١٥٩ الشيخ العمري ١٢٣٣  
 ١١٦٠ عنمة الجهني ٩٩٧

|                                    |                                      |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| العوام بن حوشب ۱۷                  | محمد بن اسماعیل بن عبدالرحمن الجعفی  |
| عیسی بن ابی دلف ۹۵۳                | ۹۴۲                                  |
| عیسی بن زید ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳       | محمد بن الحسن ۱۱۵۸                   |
| عیسی بن السری ۱۳۹                  | محمد بن الحنفیة ۵۴۰، ۶۸۹، ۱۲۰۴       |
| عیسی بن عبدالله ۴۶، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱     | محمد بن سیرین ۱۱۸۶                   |
| فاطمة بنت الحسین ﷺ ۴۹۶، ۳۶۰        | محمد بن شهر آشوب ۴۳۳، ۷۲۶، ۱۲۹۳      |
| فاطمة بنت علی ﷺ ۶۰۸                | محمد بن عبدالله بن الحسن ۵۰۰         |
| فرعون ۱۰۹۸                         | محمد بن عبدالله الشیبانی ۱۸۰         |
| فضالة بن عبید ۶۱۸                  | محمد بن عثمان العمری ۶۶۶             |
| فضة ۵۴۹                            | محمد بن علی بن بابویه ۲۰۷            |
| الفضل بن سهل (ذوالرأستین) ۷۴۳، ۵۳۵ | محمد بن علی بن عمر التتوخی ۴۴۷       |
| الفضیل بن یسار ۴۲۷، ۷۵۴، ۸۲۲، ۹۱۳  | محمد بن علی الحلبي ۸۶۱               |
| ۹۴۱                                | محمد بن عمر بن علی ﷺ ۴۷۰             |
| القاسم ۱۲۳۹                        | محمد بن عمرو بن حزم ۵۷۰              |
| القاسم بن حسین النیسابوری ۶۶۳      | محمد بن عمرو بن حسن ۱۱۴۴             |
| قتيبة الأعشى ۶۷۵                   | محمد بن عیسی بن زیاد ۷۰۳             |
| کامل التمار ۱۲۴۳                   | محمد بن مسلم ۲۰۶، ۴۶۷، ۴۸۰، ۴۹۵      |
| کمیل بن زیاد ۱۸۹، ۱۸۳، ۱۱۳         | ۱۰۰۴، ۷۷۱                            |
| مالک بن أنس ۶۶۴                    | محمد بن المنصور المرادی ۱۱۶۱         |
| المأمون ۷۰، ۴۱۸، ۴۵۵، ۵۳۵، ۱۲۵۱    | محمد بن المنکدر ۶۸۴                  |
| محبوب بن ابی الزناد ۹۵۳            | محمد بن یحیی الفارسی (أبو الحسن) ۴۱۸ |
| محمد بن إبراهيم ۱۱۵۸               | مخول بن إبراهيم ۹۱۲                  |
| محمد بن ابی بکر ۸۰۲                | مروان بن الحكم ۶۳، ۵۸۰، ۵۸۱، ۱۰۱۹    |
| محمد بن اسماعیل ۱۱۵۹               | مسروق ۸۵                             |



- مسمع بن عبد الملك ٩١٨  
 مصعب بن عبدالله ٧٣٤، ٦٥٨  
 مُطَرَف بن عبدالله ٦٢٤، ٦٢٠، ٥٦٤  
 معاذ بن عبدالله التميمي ٥٧٧  
 معاذ بن مسلم ٥٣٤  
 معاوية بن أبي سفيان ٣٥، ٣٦، ٧٤،  
 ١١٨٧، ٤٢٤، ٦٠١، ١٠٩٨، ١١١٩، ١١٤٨، ١١٥٦  
 معاوية بن حديج ١١١٩، ١٠٩٨  
 معاوية بن وهب ٤٥٠  
 معروف بن خربوذ ١٧٦  
 معلّى بن خنيس ٦٩٨، ٥٠٠  
 المغيرة بن سعد ١٢٥٦  
 المفضل ٧٥٩  
 المفضل بن عمر ١٢٣٩، ٥١٩  
 المفضل بن مزيد ١٢٥٥  
 الشيخ المفيد ٩٨٧  
 المقداد ١٣٨  
 المنذر بن جعفر العبدي ١١٦٢، ٩١٢  
 المنهال بن عمرو ١١٥٥، ١١٥٣، ١١٤٨، ٨٩٢  
 موسى بن أكيل النميري ٤٣٥  
 موسى بن عبدالله النخعي ١١٦٠، ١١٥٩، ٣٤٧  
 موسى بن عبد ربه ٥٢  
 مهاجر (مولى أم سلمة) ٧٠٧  
 ميثم التمار ٩٩١  
 ميسر النخعي ١٠٧٣  
 نادم الخادم ٧١٨  
 نجم بن حطيم ١٢٣٩  
 النضر بن سويد ٩٤  
 نعثل ٩٣  
 نفع بن الحارث ٧٢  
 نوف بن عبدالله البكالي ٥٣٩، ٦٠٠  
 الواثق ٤٣٩  
 واثلة بن الأسقع ٤٧، ٤٨، ٤٩، ٥٠، ٥١  
 الوليد ٢٦٩  
 الوليد بن صبيح ٥٠٤  
 وهب بن منبه ٣٥٩  
 هارون الرشيد ٦١٤  
 هبة الله بن آدم ٣٦١  
 هشام ٢٢٨  
 هشام بن حسان ١٨٥، ٢٢٥  
 هشام بن سالم ٦٩٧  
 هشام بن عبد الملك ١١٩٠  
 هلقام ٢٥٦  
 هند بن أبي هالة التميمي ٧٢٢  
 الهياح بن بسطام ٧٠٠  
 ياسر الخادم ٧١٧، ٧١٩  
 يحيى بن الحسين بن زيد ١١٦١  
 يحيى العلوي ٦١٢

یزدجرد ۴۳۳

یزید بن حیان ۳۱

یزید بن عبدالله بن قسیط ۷۷۲، ۵۶۱

یزید بن معاویه ۱۰۹۸، ۳۹۷، ۳۲۵

الیسع بن حمزة ۷۰۲

یعقوب بن میثم التمار ۴۹۷

الیعقوبی ۱۱۵۰

یوسف بن ثابت بن ابي سعیده ۱۰۴۹

یوسف بن عمر ۱۱۵۷

یونس ۱۰۵۹، ۳۹۲

یونس بن عبدالرحمن ۸۴۶

یونس بن یعقوب ۹۱۳، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱

۱۳۰۳



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

## فهرست شعرها

| اول بیت        | آخر بیت         | شاعر   | شماره حدیث |
|----------------|-----------------|--------|------------|
| هل في سؤالك    | الهوى الوصب     | العبدی | ۹۷۸        |
| أم حره         | دمعك السرب      | =      | ۹۷۸        |
| هيهات أن       | ولئى ولم يؤب    | =      | ۹۷۸        |
| يا رائد الحي   | ماء ومن عشب     | =      | ۹۷۸        |
| يا راكباً جسرة | بالقريب والجنب  | =      | ۹۷۸        |
| تقيد المغزل    | في صبيب         | =      | ۹۷۸        |
| تثني الرياح    | بالغيطان والخرب | =      | ۹۷۸        |
| بلغ سلامي      | عجم ومن عرب     | =      | ۹۷۸        |
| واجعل شعارك    | خير نبي         | =      | ۹۷۸        |
| ما أنت إلا أخو | في الكتب        | =      | ۹۷۸        |
| وزوج بضعته     | أبنائه النجب    | =      | ۹۷۸        |
| من كل مجتهد    | لله محتسب       | =      | ۹۷۸        |
| هادين للرشد    | أهدى من الشهب   | =      | ۹۷۸        |

|     |                           |                           |                           |
|-----|---------------------------|---------------------------|---------------------------|
| ۹۷۸ | العبدی                    | أَدْعَىٰ بِهِ لِقَبِي     | لُقِبْتُ بِالرَّفْضِ      |
| ۹۷۸ | =                         | الكُشَافُ لِلْكَرْبِ      | صلاة ذي العرش             |
| ۹۷۸ | =                         | فِي الثَّرَى تَرِبِ       | وابنیه من                 |
| ۹۷۸ | =                         | غَايَةِ الطَّلَبِ         | والعابد الزاهد            |
| ۹۷۸ | =                         | العابد الدُّثْبِ          | وجعفر وابنه               |
| ۹۷۸ | =                         | الهدى القُشْبِ            | والعسكريين                |
| ۹۷۸ | =                         | الزَّيْغِ وَالشَّغْبِ     | من يملأ الأرض             |
| ۹۷۸ | =                         | الكلا الشَّرِبِ           | القائد البُهم             |
| ۹۷۸ | =                         | وآل صَادِ                 | یا سادتی                  |
| ۹۷۸ | =                         | فِي الْبِلَادِ            | مَنْ ذَا يُوَاظِكُمْ      |
| ۹۷۸ | =                         | كُلُّ هَادِ               | أَنْتُمْ نُجُوم           |
| ۹۷۸ | =                         | الغِيِّ بِالرَّشَادِ      | لَوْلَا هُدَاكُم          |
| ۹۷۸ | =                         | بِغَضِّكُمْ أَعَادِي      | لَا زِلْتُ فِي            |
| ۹۷۸ | =                         | خَيْرَ زَادِ              | وَمَا تَزَوَّدْتُ         |
| ۹۷۸ | =                         | المحشر اعتمادي            | وَذَاكَ ذُخْرِي           |
| ۹۷۸ | =                         | اعتقادي                   | وَلَاكُمُ وَالْبَرَاءُ    |
| ۳۲۴ | الإمام الحسين عليه السلام | حِينَ أَفْخَرُ            | أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ       |
| ۳۲۴ | =                         | فِي الْأَرْضِ يَزْهَرُ    | وَجَدِّي رَسُولُ اللَّهِ  |
| ۳۲۴ | =                         | ذَالْجَنَاحَيْنِ جَعْفَرُ | وَفَاطِمُ أُمِّي          |
| ۳۲۴ | =                         | بِالْخَيْرِ يَذْكَرُ      | وَفِينَا كِتَابُ          |
| ۳۲۴ | =                         | فِي الْأَنَامِ وَنَجْهَرُ | وَنَحْنُ أَمَانُ          |
| ۳۲۴ | =                         | مَالِيسَ يَنْكَرُ         | وَنَحْنُ وَلَاةُ          |
| ۳۲۴ | =                         | الْقِيَامَةِ يَخْسَرُ     | وَشِيعَتَنَا فِي النَّاسِ |

|      |                           |                  |                |
|------|---------------------------|------------------|----------------|
| ۴۱۸  | أبو نؤاس                  | أينما ذُكِرُوا   | مطهرون نقيّات  |
| ۴۱۸  | =                         | الدهر مُفْتَحَرُ | من لم يكن      |
| ۴۱۸  | =                         | أيّها البشرُ     | فالله لما برآ  |
| ۴۱۸  | =                         | جاءت به السورُ   | فأنتم الملاء   |
| ۱۲۱۲ | الإمام الصادق عليه السلام | الدهرِ تَظْهَرُ  | لكلّ أناسٍ     |
| ۱۲۹۳ | سلمان الفارسي             | قوّة ونصرا       | مالي لسان      |
| ۱۲۹۳ | =                         | حاز الفخرا       | على عدوي       |
| ۱۲۹۳ | =                         | تُحاكي البدرا    | حتى أنال       |
| ۴۵۵  | عبدالله بن محمد الهاشمي   | أبقى لنا حَزَنًا | سقياً بطوس     |
| ۷۰۲  | مجهول                     | ووجهي بمائه      | متى آتِه       |
| ۹۰۵  | الشافعي                   | في القرآن أنزلهُ | يا أهل بيت     |
| ۹۰۵  | =                         | لا صلاةَ لَهُ    | كفأكُم من عظيم |





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست گروه‌ها و قبیله‌ها

|                                        |     |            |
|----------------------------------------|-----|------------|
| آل یعقوب ﷺ ۷۴۲                         | نام | شماره حدیث |
| آل ابراهیم ﷺ ۹۰۲، ۸۵۴، ۵۱              |     |            |
| آل داود ﷺ ۷۴۲                          |     |            |
| آل فرعون ۱۱۵۲، ۳۹۰                     |     |            |
| آل محمد ﷺ ۷۶، ۷۰، ۶۸، ۶۵، ۳۸، ۲۸، ۱۰   |     |            |
| ۷۲۸، ۵۶۱، ۴۷۲، ۴۷۰                     |     |            |
| ۱۲۰۴                                   |     |            |
| ۵۷۷                                    |     |            |
| ۸۲۴، ۲۲۲، ۶۸                           |     |            |
| ۱۲۴                                    |     |            |
| ۱۲۲۳                                   |     |            |
| الأنبياء ﷺ ۹۲، ۱۶۵، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۴۶، ۲۰۴ |     |            |
| ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۳، ۳۶۱      |     |            |
| ۹۹۱، ۸۸۱، ۷۷۲، ۷۳۹، ۶۰۸، ۴۸۳، ۴۸۲، ۳۹۴ |     |            |



|                                      |                                |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------|--------------------------------------|
| الأنصار                              | ١١٣، ١٨٤، ٣٢٢، ٨٠٤، ٨٧٢        | ١٠٧٩، ١٠٨٠، ١٠٨٨، ١٠٨٩، ١٠٩٢، ١٠٩٥   |
| ٨٨٤                                  | ٩٥٣، ٩٧٦، ٩٧٧، ٩٩٧، ١٠٨٥، ١٠٨٩ | ١٠٩٦، ١٠٩٩، ١١٥٥، ١١٥٦، ١١٧٥، ١١٨٨   |
| أولوالعزم                            | ٣٦١                            | ١١٩١، ١٢١٤، ١٢٦٤، ١٢٦٧، ١٢٦٨، ١٢٦٩   |
| أهل بدر                              | ٥٩٩                            | ١٢٧٠، ١٢٧١، ١٢٧٣، ١٢٨٨، ١٢٨٩، ١٢٩٠   |
| أهل البصرة                           | ٣٩٠، ٥٧٨، ٥٧٩، ٥٨١، ٨٢٤        | ١٢٩١، ١٢٩٢، ١٢٩٣، ١٢٩٤، ١٢٩٨، ١٢٩٩   |
| ١١٨٦                                 |                                | ١٣٠٠، ١٣٠٢، ١٣٠٣                     |
| أهل بلخ                              | ٧٢٠                            | أهل الجمل ٥٤٠                        |
| أهل البيت ﷺ                          | ٢، ٣، ٥، ٦، ١٤، ٥٩، ٦١، ٧١     | أهل خراسان ٤٣٧، ٤٣٦، ٧٠              |
| ٧٢، ٧٥، ١٠٠، ١١١، ١٢١، ١٤٤، ١٥٥، ١٥٩ |                                | أهل الشام ٣٥، ٤٩، ٦٤، ٦٥، ٨١٨، ٨٩١   |
| ١٦٢، ١٦٣، ٢٠٧، ٢١١، ٢١٤، ٢٣٠، ٢٤٦    |                                | أهل الصُّفَّة ٥٦١                    |
| ٢٤٩، ٢٧٩، ٢٨٠، ٢٩٦، ٣٠٠، ٣٠١، ٣٠٣    |                                | أهل العراق ٦١، ٧٠، ١١٥٢، ١١٥٦        |
| ٣٠٥، ٣٠٦، ٣٠٨، ٣١٢، ٣١٥، ٣١٦، ٣١٨    |                                | أهل فارس ٥٢٤                         |
| ٣٢١، ٣٢٦، ٣٢٨، ٣٣٢، ٣٣٣، ٣٤١، ٣٤٧    |                                | أهل قم ١٢١٠                          |
| ٣٥٠، ٣٦٠، ٣٨٢، ٣٨٣، ٣٨٥، ٣٨٦، ٣٨٧    |                                | أهل الكوفة ٣٦٠، ٣٨٨، ٣٩٣، ١٠١٩، ١١٦٣ |
| ٣٩٢، ٤٠٠، ٤٠١، ٤٠٤، ٤٥٩، ٤٧٧، ٤٨٠    |                                | أهل المدينة ٧٤٠، ٦٩٧                 |
| ٥٤٨، ٥٥١، ٥٧٣، ٥٨١، ٦٦٧، ٦٧٠، ٦٧٥    |                                | أهل نجران ٢٢٢                        |
| ٦٩٢، ٦٩٣، ٧٣١، ٧٣٢، ٧٣٣، ٧٣٨، ٧٤١    |                                | بنو إسرائيل ١١٨، ١١٩، ١٢٠، ١٢١، ١٢٢  |
| ٧٤٢، ٧٤٤، ٧٤٥، ٧٥٢، ٨١٥، ٨٢٣، ٨٢٤    |                                | ١١٥٥، ١١٥٣، ١٠٩٨، ٥٠٩                |
| ٨٤٧، ٨٥٧، ٨٦٢، ٩٠٢، ٩٢٠، ٩٢٣، ٩٢٦    |                                | بنو أمية ١١٦٧                        |
| ٩٢٧، ٩٣٦، ٩٤٤، ٩٥٩، ٩٦٩، ٩٧٠، ٩٧١    |                                | بنو عامر ٣٨٣، ٥٦٤                    |
| ٩٩٥، ١٠٠٠، ١٠٠١، ١٠٠٧، ١٠٠٩، ١٠١٦    |                                | بنو العباس ١١٦٧                      |
| ١٠٢١، ١٠٢٥، ١٠٢٨، ١٠٣١، ١٠٣٤، ١٠٤٠   |                                | بنو عبد شمس ٣١٤                      |
| ١٠٤٧، ١٠٥٠، ١٠٦٤، ١٠٦٨، ١٠٧٢، ١٠٧٣   |                                | بنو عبد المطلب ١٠٩٧                  |

بنو مخزوم ۳۱۴

بنو هاشم ۸۴، ۶۰۸، ۶۱۴، ۶۹۹، ۱۱۳۲،

۱۱۹۹

جُهینة ۷۳۸

عبدالقیس ۵۸۱

العجم ۹۵۱، ۱۱۴۸، ۱۱۵۵

العرب ۱۲۷، ۲۲۲، ۴۵۷، ۴۵۹، ۹۴۶، ۹۵۱

۱۱۴۸، ۱۱۵۳، ۱۱۵۵، ۱۱۷۰

قریش ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۱

۳۱۴، ۶۸۴، ۱۱۴۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۳، ۱۱۵۵

۱۱۵۶

کلب ۴۷۳



المهاجرون ۱۱۳، ۱۸۴، ۳۲۲، ۱۰۸۹  
نقباء بني إسرائيل ۸۵، ۹۳، ۱۵۸، ۲۰۶۶

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست فرقه‌ها و مذہب‌ها

| نام      | شماره حديث                                    |
|----------|-----------------------------------------------|
| الإسلام  | ٨١، ١٣٧، ١٣٩، ١٤٣، ١٤٢، ١٩٥، ١٢٢٨، ١٢٣٣، ١٢٩٣ |
| الزيدية  | ١١٦٣                                          |
| الشيعة   | ٤٥١، ٥٤٦، ٧٥٧، ٩٧٨، ٩٨٦                       |
| الغلاة   | ١٢٣٨، ١٢٤٠، ١٢٤٥، ١٢٢٧، ١٢٥٥                  |
| المجوس   | ١٢٤٥                                          |
| المسلمون | ٩١، ٢٢٢، ٢٦٢، ٢٨٨، ٥٣٥، ٥٤٩                   |
| اليهود   | ٩٩٦، ١٠٩٠، ١١١٢، ١٢٤٥، ١٢٤٩                   |
| النصارى  | ٢٢٢، ١٠٩٠، ١١١٢، ١٢٤٥                         |
| المفوضة  | ١٢٥٧                                          |



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست شهرها و مکان‌ها

| نام                         | شماره حدیث                   | الصف‌ها                               |
|-----------------------------|------------------------------|---------------------------------------|
| باب حطّة                    | ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴ | صفین ۱۲۹۰                             |
| البصرة                      | ۵۴۰، ۵۷۹، ۸۲۴، ۹۱۳           | طوس ۴۵۵                               |
| البلیخ ۱۲۹۰                 |                              | ظلة بني ساعدة ۶۹۸                     |
| جبل الدیلم ۱۰۰۶، ۱۰۰۷       |                              | العراق ۸۵، ۶۶۷، ۷۷۶، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰       |
| الجحفة ۱۷۶                  |                              | غدير خم ۱۷۲، ۸۴۸                      |
| الحجر الأسود ۶۶۵            |                              | قبر الحسين عليه السلام ۴۵۰            |
| خراسان ۷۰۳، ۷۲۰، ۱۰۴۷، ۱۲۶۹ |                              | القدس ۶۶۷                             |
| خُم ۱۷۰                     |                              | قم ۱۲۰۸، ۱۲۰۷                         |
| دمشق ۸۱۸، ۹۱۳               |                              | کربلاء ۲۲۶، ۶۶۷، ۱۱۲۳، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲     |
| ذي طوی ۲۵                   |                              | ۱۱۴۳                                  |
| الركن اليماني ۶۶۵           |                              | الکعبة ۱۰۸، ۳۸۲، ۴۵۱، ۶۶۵، ۸۲۲، ۸۸۸   |
| سرخس ۶۱۵                    |                              | الکوفة ۱۸۷، ۲۲۴، ۲۲۴، ۷۶۶، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱ |
| الشام ۱۱۹۰                  |                              | ۱۱۶۳، ۱۲۰۸، ۱۲۶۹                      |

المدينة ۲۷، ۷۶، ۱۷۰، ۲۶۹، ۴۰۳، ۴۳۹، ۴۴۲،

۵۵۶، ۵۸۱، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۶، ۷۰۶، ۹۷۷

۱۰۰۴، ۱۰۵۳، ۱۱۱۹، ۱۱۳۷، ۱۲۳۹، ۱۳۰۰

مرّ الظهران ۶۷۷

مرو ۷۰

المروة ۱۰۶۷

المسجد الحرام ۱۱۶۲

مسجد النبي ﷺ ۵۲، ۵۹۹، ۶۱۲، ۱۱۱۹

مصر ۸۰۲

مكة ۵۸۱، ۱۷۰

منى ۹۴

النواويس ۶۶۷

النهروان ۱۸۷

نيسابور ۹۵۶، ۸۶۴



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



## فهرست ایام و حوادث و جنگ‌ها

| نام                  | شماره حدیث |
|----------------------|------------|
| حرب صفین ۶۲۵         |            |
| وقعة الجمل ۵۸۱       |            |
| وقعة کربلاء ۳۶۰      |            |
| یوم عاشوراء ۵۸۵، ۳۲۴ |            |
| یوم عرفة ۱۹۰، ۹۴     |            |
| یوم فتح مکه ۵۸۱      |            |



مرکز تحقیقات کتاب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست منابع تحقيق

### «الف»

- ١- إثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، المنسوب إلى أبي الحسن علي بن الحسين المسعودي (ت ٣٤٦ هـ. ق)، دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٩ هـ. ق.
- ٢- إثبات الهداة، للشيخ محمد بن الحسين الحر العاملي (ت ١١٠٤ هـ. ق)، المطبعة العلمية - قم.
- ٣- الاحتجاج على أهل اللجاج، لأبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (ت ٦٢٠ هـ. ق)، تحقيق: إبراهيم البهاري ومحمد هادي به، دار الأسوة - طهران، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.
- ٤- إحقاق الحق وإزهاق الباطل، للشهيد القاضي نور الله بن السيد شريف الشوشتری (ت ١٠١٩ هـ. ق)، مع تعليقات السيد شهاب الدين المرعشي، مكتبة آية الله المرعشي - قم، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ. ق.
- ٥- الأخبار الطوال، لأبي حنيفة أحمد بن داود الدينوري (ت ٢٨٢ هـ. ق)، تحقيق: عبد المنعم عامر، منشورات الرضي - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ. ق.
- ٦- الاختصاص، المنسوب إلى أبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ. ق.

- ٧- اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق) تحقيق: السيد مهدي الرجائي، مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ. ق.
- ٨- أدب الإملاء والاستملاء، لأبي سعد عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي السمعاني (ت ٥٦٢ هـ. ق) دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ. ق.
- ٩- الأدب المفرد، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ. ق)، تحقيق: محمد بن عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت.
- ١٠- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، لأبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ. ق) تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.
- ١١- إرشاد القلوب، لأبي محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (ت ٧١١ هـ. ق)، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الرابعة ١٣٩٨ هـ. ق.
- ١٢- أساس البلاغة، لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٣٨ هـ. ق) تحقيق: عبد الرحيم محمود، مركز الإعلام الإسلامي - قم.
- ١٣- أسباب نزول القرآن، لأبي الحسن علي بن أحمد الواحدي النيسابوري (ت ٤٦٨ هـ. ق)، تحقيق: كمال بسيوني زغلول، دار الكتب العلمية - بيروت.
- ١٤- الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، لأبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخرسان، دار الكتب الإسلامية - طهران.
- ١٥- الاستيعاب في معرفة الأصحاب، لأبي عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر القرطبي المالكي (ت ٣٦٣ هـ. ق)، تحقيق: علي محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ. ق.
- ١٦- أسد الغابة في معرفة الصحابة، لأبي الحسن عز الدين علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني المعروف بابن الأثير الجزري (ت ٦٣٠ هـ. ق)، تحقيق: علي محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ. ق.

- ١٧- الإصابة في تمييز الصحابة ، لأبي الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (ت ٨٥٢ هـ. ق) ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض ، دارالكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ. ق.
- ١٨- الأصول الستة عشر ، نخبه من الرواة ، دارالشبستري - قم ، الطبعة الثانية ١٤٠٥ هـ. ق.
- ١٩- الاعتقادات وتصحيح الاعتقادات ، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٢٨١ هـ. ق) ، تحقيق : عاصم عبد السيد ، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد - قم ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.
- ٢٠- أعلام الدين في صفات المؤمنين ، لأبي محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (ت ٧١١ هـ. ق) ، تحقيق ونشر : مؤسسة آل البيت - قم ، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ. ق.
- ٢١- إعلام الوري بأعلام الهدى ، لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ. ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، دارالمعرفة - بيروت ، الطبعة الأولى ١٣٩٩ هـ. ق.
- ٢٢- أعيان الشيعة ، للسيد محسن بن عبد الكريم الأمين الحسيني العاملي الشقراي (ت ١٣٧١ هـ. ق) ، إعداد : السيد حسين الأمين ، دارالتعارف - بيروت ، الطبعة الخامسة ١٤٠٢ هـ. ق.
- ٢٣- إقبال الأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة ، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ. ق) ، تحقيق : جواد القيومي ، مكتب الإعلام الإسلامي - قم ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ. ق.
- ٢٤- أمالي الشجري (الأمالي الخمسية) ، ليحيى بن الحسين الشجري (ت ٤٩٩ هـ. ق) ، عالم الكتب - بيروت ، الطبعة الثالثة ١٤٠٢ هـ. ق.
- ٢٥- أمالي الصدوق ، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٢٨١ هـ. ق) ، مؤسسة الأعلمي - بيروت ، الطبعة الخامسة ١٤٠٠ هـ. ق.
- ٢٦- أمالي الطوسي ، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق) ، تحقيق : مؤسسة البعثة ، دارالثقافة - قم ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.

٢٧- أمالي المفيد، لأبي عبدالله محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق: حسين أستاذ ولي وعلي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٢ هـ. ق.

٢٨- الإمامة وأهل البيت، لمحمد بيومي مهران (معاصر)، مركز الغدير للدراسات الإسلامية - قم، الطبعة الثانية ١٤١٥ هـ. ق.

٢٩- الإمامة والتبصرة من الحيرة، لأبي الحسن علي بن الحسين بن بابويه القمي (ت ٣٢٩ هـ. ق)، تحقيق: محمد رضا الحسيني، مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ. ق.

٣٠- الإمامة والسياسة (المعروف بتاريخ الخلفاء) لأبي محمد عبدالله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (ت ٢٧٦ هـ. ق) تحقيق: علي شيري، مكتبة الشريف الرضي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.

٣١- أمل الآمل، للشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ١١٠٤ هـ. ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، مكتبة الأندلس - بغداد.

٣٢- أنساب الأشراف، لأحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (ت ٢٧٩ هـ. ق)، إعداد: محمد باقر المحمودي، دار المعارف - بيروت، الطبعة الثالثة.

٣٣- أهل البيت في آية التطهير، لجعفر مرتضى العاملي (معاصر)، دار الأمير للثقافة و العلوم - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.

٣٤- الإيضاح، لأبي محمد فضل بن شاذان الأزدي النيسابوري (ت ٢٦٠ هـ. ق)، تحقيق: مير سيد جلال الدين الحسيني الأرموي، جامعة طهران، الطبعة الأولى ١٣٥١ هـ. ش.

#### «ب»

٣٥- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (ت ١١١٠ هـ. ق)، مؤسسة الوفاء - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٢ هـ. ق.

٣٦- البداية والنهاية، لأبي الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي (ت ٧٧٤ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مكتبة المعارف - بيروت.



- ۳۷- بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ، لأبي جعفر محمد بن محمد بن علي الطبري (ت ۵۲۵ هـ ق)، المطبعة الحيدرية - النجف الأشرف ، الطبعة الثانية ۱۳۸۳ هـ ق .
- ۳۸- بصائر الدرجات ، لأبي جعفر محمد بن الحسن الصفار القمي المعروف بابن فروخ (ت ۲۹۰ هـ ق)، مكتبة آية الله المرعشي - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۰۴ هـ ق .
- ۳۹- بلاغات النساء ، لأبي الفضل أحمد بن أبي طاهر المعروف بابن طيفور (ت ۲۸۰ هـ ق)، منشورات الشريف الرضي - قم .

## «ت»

- ۴۰- تاج العروس من جواهر القاموس ، للسيد محمد بن محمد مرتضى الحسيني الزبيدي (ت ۱۲۰۵ هـ ق)، تحقيق : علي شيري ، دار الفكر - بيروت ، الطبعة الأولى ، ۱۴۱۴ هـ ق .
- ۴۱- تاريخ إصبهان ، لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الإصفهاني (ت ۴۳۰ هـ ق)، تحقيق : سيد كسروي حسن ، دار الكتب العلمية - بيروت .
- ۴۲- تاريخ أهل البيت عليهم السلام ، رواية كبار المحدثين والمؤرخين ، تحقيق : محمد رضا الحسيني ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، الطبعة الأولى : ۱۴۱۰ هـ ق .
- ۴۳- تاريخ بغداد أو مدينة السلام ، لأبي بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت ۴۶۳ هـ ق)، المكتبة السلفية - المدينة المنورة .
- ۴۴- تاريخ الخلفاء ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ۹۱۱ هـ ق)، تحقيق : محمد محيي الدين عبدالحميد ، دار الجيل - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ ق .
- ۴۵- تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام» ، لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ۵۷۱ هـ ق) تحقيق : محمد باقر المحمودي ، مؤسسة المحمودي - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ ق .
- ۴۶- تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسين عليه السلام» ، لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ۵۷۱ هـ ق)، تحقيق : محمد باقر المحمودي ، مؤسسة المحمودي - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۳۹۸ هـ ق .



٤٧- تاريخ دمشق «ترجمة الإمام زين العابدين (ع)»، لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ٥٧١ هـ. ق) تحقيق: محمد باقر المحمودي، دار التعارف - بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٥ هـ. ق.

٤٨- تاريخ دمشق «ترجمة الإمام علي (ع)»، لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ٥٧١ هـ. ق)، تحقيق: محمد باقر المحمودي، دارالتعارف - بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٥ هـ. ق.

٤٩- تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك)، لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ٣١٠ هـ. ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار المعارف - مصر.

٥٠- التاريخ الكبير، لأبي عبدالله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ. ق)، دار الفكر - بيروت.

٥١- تاريخ واسط، لأبي الحسن أسلم بن سهل الواسطي (ت ٢٩٢ هـ. ق)، تحقيق: كوركيس عواد، عالم الكتب - بيروت.

٥٢- تاريخ اليعقوبي، لأحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف باليعقوبي (ت ٢٨٤ هـ. ق)، دار صادر - بيروت.

٥٣- تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، لعلي الغروي الحسيني الأسترآبادي (ت ٩٤٠ هـ. ق)، تحقيق: حسين أستاذ ولي، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ. ق.

٥٤- التبيان في تفسير القرآن، لشيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: أحمد حبيب قصير العاملي، مكتبة الأمين - النجف الأشرف، الطبعة الأولى ١٣٧٦ هـ. ق.

٥٥- التحصين في صفات العارفين من العزلة والخمول، لأبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي (ت ٨٤١ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم.

٥٦- تحف العقول عن آل الرسول (ص)، لأبي محمد الحسن بن علي الحراني المعروف بابن شعبة (ت ٢٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٢ هـ. ق.

- ۵۷- تدوین السنّة الشریفة ، لمحَمَّد رضا الحسینی الجلالی (معاصر) ، مکتب الإعلام الإسلامي - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق .
- ۵۸- تذکرة الخواصّ (تذکرة خواصّ الأمّة فی خصائص الأئمّة علیهم السلام) ، لیوسف بن فرغلی بن عبدالله المعروف بسبط ابن الجوزی (ت ۶۵۴ هـ . ق) ، تقدیم : السید محمّد صادق بحر العلوم ، مکتبة نینوی الحديثة - طهران .
- ۵۹- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم والفتن) ، لأبی القاسم علی بن موسی الحلّی المعروف بابن الطاووس (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، تحقیق و نشر : مؤسسة صاحب الأمر (عج) - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۶ هـ . ق .
- ۶۰- تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم) ، لأبی الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر البصریّ الدمشقی (ت ۷۷۴ هـ . ق) ، تحقیق : عبدالعزیز غنیم ومحمّد أحمد عاشور ومحمّد إبراهيم البنا ، دار الشعب - القاهرة .
- ۶۱- تفسیر البرهان (البرهان فی تفسیر القرآن) ، لهاشم بن سلیمان البحرانی (ت ۱۱۰۷ هـ . ق) ، تحقیق : الموسوی الزندقی ، مؤسسة مطبوعات إسماعیلیان - قم ، الطبعة الثانية ۱۳۳۴ هـ . ق . مرکز تحقیق کتب و ترویج علوم اسلامی
- ۶۲- تفسیر الطبري (جامع البیان فی تفسیر القرآن) ، لأبی جعفر محمّد بن جریر الطبري (ت ۳۱۰ هـ . ق) ، دار الفكر - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق .
- ۶۳- تفسیر العیاشی ، لأبی النضر محمّد بن مسعود السلمي السمرقندی المعروف بالعیاشی (ت ۳۲۰ هـ . ق) ، تحقیق : السید هاشم الرسولي المحلاتي ، المکتبة العلمیة - طهران ، الطبعة الأولى ۱۳۸۰ هـ . ق .
- ۶۴- تفسیر الفخر الرازي (التفسیر الكبير ومفاتیح الغیب) ، لأبی عبدالله محمّد بن عمر المعروف بفخر الرازي (ت ۶۰۴ هـ . ق) ، دار الفكر - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق .
- ۶۵- تفسیر فرات الکوفي ، لأبی القاسم فرات بن إبراهيم بن فرات الکوفي (القرن الرابع هـ . ق) ، إعداد : محمّد كاظم المحمودي ، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - طهران ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق .

- ٦٦- تفسير القرطبي (الجامع لأحكام القرآن)، لأبي عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (ت ٦٧١ هـ. ق)، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٥ هـ. ق.
- ٦٧- تفسير القمي، لأبي الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي (ت ٣٠٧ هـ. ق)، إعداد: السيد الطيب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف الأشرف.
- ٦٨- تفسير الكشاف، لأبي القاسم جار الله محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٢٨ هـ. ق)، دار المعرفة - بيروت.
- ٦٩- تفسير مجمع البيان (مجمع البيان في تفسير القرآن)، لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٢٨ هـ. ق) تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي، دار المعرفة - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ. ق.
- ٧٠- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ. ق.
- ٧١- تفسير الميزان (الميزان في تفسير القرآن)، للعلامة السيد محمد حسين الطباطبائي (ت ١٤٠٢ هـ. ق)، طبع مؤسسة إسماعيليان - قم، الطبعة الثانية ١٣٩٤ هـ. ق.
- ٧٢- تفسير نور الثقلين، للشيخ عبد علي بن جمعة العروسي الحويزي (ت ١١١٢ هـ. ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، مؤسسة إسماعيليان - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٢ هـ. ق.
- ٧٣- التمهيد، لأبي علي محمد بن همام الإسكافي المعروف بابن همام (ت ٣٣٦ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مدرسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ. ق.
- ٧٤- تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة ورام)، لأبي الحسين ورام بن أبي فراس (ت ٦٠٥ هـ. ق)، دار التعارف ودار صعب - بيروت.
- ٧٥- التوحيد، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: هاشم الحسيني الطهراني، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٣٩٨ هـ. ق.

- ۷۶- تهذيب تاريخ دمشق الكبير، لأبي القاسم علي بن الحسين بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ۵۷۱ هـ. ق)، تحقيق: عبدالقادر بدران، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثالثة ۱۴۰۷ هـ. ق.
- ۷۷- التهذيب (تهذيب الأحكام في شرح المقنعة)، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ۴۶۰ هـ. ق)، دارالتعارف - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۱ هـ. ق.
- ۷۸- تهذيب التهذيب، لأبي الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (ت ۸۵۲ هـ. ق)، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۵ هـ. ق.
- ۷۹- تهذيب الكمال في أسماء الرجال، ليونس بن عبدالرحمن المزي (ت ۷۴۲ هـ. ق)، تحقيق: الدكتور بشار عواد معروف، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۹ هـ. ق.

## «ث»

- ۸۰- الثاقب في المناقب، لأبي جعفر محمد بن علي بن حمزة الطوسي (ت ۵۶۰ هـ. ق)، تحقيق: رضا علوان، مؤسسة أنصاريان - قم، الطبعة الثانية ۱۴۱۲ هـ. ق.
- ۸۱- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق - طهران.

## «ج»

- ۸۲- جامع الأحاديث، لأبي محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي المعروف بابن الرازي (القرن الرابع)، تحقيق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، مؤسسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضوية المقدسة - مشهد، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۸۳- جامع الأخبار أو معارج اليقين في أصول الدين، لمحمد بن محمد الشعيري السبزواري (القرن السابع) تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۸۴- جامع الأصول في أحاديث الرسول، لأبي السعادات مجد الدين المبارك بن محمد بن محمد المعروف بابن الأثير الجزري (ت ۶۰۶ هـ. ق)، تحقيق: عبدالقادر الأرناؤوط، مكتبة الحلواني - بيروت.

٨٥- الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ. ق) ، دار الفكر - بيروت .

٨٦- الجعفریات (الأشعثيات) ، لأبي الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (القرن الرابع) ، مكتبة نينوى - طهران ، طبع ضمن قرب الإسناد .

٨٧- جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع ، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ. ق) ، تحقيق : جواد القيومي ، مؤسسة الآفاق - قم ، الطبعة الأولى ١٣٧١ هـ. ش .

٨٨- الجمل والنصرة لسيد العترة في حرب البصرة ، لأبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ. ق) ، تحقيق : السيد علي مير شريفي ، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد - قم ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق .

«ح»

٨٩- الحاوي للفتاوي ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ. ق) ، دار الكتاب العربي - بيروت .

٩٠- حلية الأبرار في فضائل محمد وآله الأطهار عليهم السلام ، للسيد هاشم بن سليمان البحراني (ت ١١٠٧ هـ. ق) تحقيق : غلام رضا مولانا البروجردی ، مؤسسة المعارف الإسلامية - قم ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق .

٩١- حلية الأولياء وطبقات الأصفياء ، لأبي نعيم أحمد بن عبدالله الإصبهاني (ت ٤٣٠ هـ. ق) ، دار الكتاب العربي - بيروت ، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ. ق .

«ح»

٩٢- الخرائج والجرائح ، لأبي الحسين سعيد بن عبدالله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣ هـ. ق) ، تحقيق و نشر : مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ. ق .

٩٣- خصائص الأنفة عليه السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام) ، لأبي الحسن الشريف الرضي

- محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (ت ۴۰۶ هـ. ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة مشهد، سنة ۱۴۰۶ هـ. ق.
- ۹۴ - خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، لأبي عبدالرحمن أحمد بن شعيب النسائي (ت ۲۰۳ هـ. ق)، إعداد: محمد باقر المحمودي، الطبعة الأولى ۱۴۰۳ هـ. ق.
- ۹۵ - الخصائص الكبرى، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ۹۱۱ هـ. ق)، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۵ هـ. ق.
- ۹۶ - الخصال، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ. ق.

## «د»

- ۹۷ - الدرجات الرفيعة في طبقات الشيعة، لصدر الدين علي بن أحمد المدني الشيرازي المعروف بسيد عليخان (ت ۱۱۲۰ هـ. ق)، مكتبة بصيرتي - قم، الطبعة الثانية ۱۳۹۷ هـ. ق.
- ۹۸ - دُرر الأحاديث النبوية بالأسانيد اليعقوبية، ليحيى بن الحسين (ت ۲۹۸ هـ. ق)، تحقيق: يحيى عبدالكريم الفضيل، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۲ هـ. ق.
- ۹۹ - الدر المنثور في التفسير المأثور، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ۹۱۱ هـ. ق)، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۱۰۰ - الدروع الواقية، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ۶۶۴ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۱۰۱ - دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، لأبي حنيفة النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيون التميمي المغربي (ت ۳۶۳ هـ. ق)، تحقيق: آصف ابن علي أصغر فيضي، دار المعارف - مصر، الطبعة الثالثة ۱۳۸۹ هـ. ق.
- ۱۰۲ - دلائل الإمامة، لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ۳۱۰ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة البعثة - قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ. ق.

١٠٣- دلائل النبوة، للحافظ أبي نعيم أحمد بن عبدالله بن أحمد الأصبهاني (ت ٤٣٠ هـ. ق) تحقيق: محمد رؤاس قلعي وعبدالبر عبّاس، دار النفائس - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٦ هـ. ق.

١٠٤- دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، لأبي بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ٢٥٨ هـ. ق) تحقيق: عبدالمعطي أمين قلعي، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٥ هـ. ق.

١٠٥- الدمعة الساكبة في أحوال النبي ﷺ والعتره الطاهرة، لمحمد باقر بن عبدالكريم البهبهاني (ت ١٢٨٥ هـ. ق)، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ. ق.

«ذ»

١٠٦- ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، لأبي العباس أحمد بن عبدالله الطبري (ت ٦٩٣ هـ. ق)، دار المعرفة - بيروت.

١٠٧- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، للعلامة الشيخ آغا بزرك الطهراني (القرن الرابع عشر)، دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثالثة ١٤٠٣ هـ. ق.

«ر»

١٠٨- ربيع الأبرار ونصوص الأخبار، لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٢٨ هـ. ق)، تحقيق: سليم النعيمي، منشورات الرضي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ. ق.

١٠٩- رجال الطوسي، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: جواد القيومي، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ. ق.

١١٠- رجال النجاشي (فهرس أسماء مصنفّي الشيعة)، لأبي العباس أحمد بن علي النجاشي (ت ٤٥٠ هـ. ق)، دار الأضواء - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ. ق.

١١١- روح المعاني في تفسير القرآن (تفسير روح المعاني)، لأبي الفضل شهاب الدين السيّد محمود الآلوسي (ت ١٢٧٠ هـ. ق)، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٥ هـ. ق.

١١٢- روضة الواعظين، لمحمد بن الحسن بن علي الفتال النيسابوري (ت ٥٠٨ هـ. ق)، تحقيق:



حسين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ. ق.

١١٣- رياض العلماء وحياض الفضلاء، للميرزا عبدالله أفندي الإصبهاني (القرن الثاني عشر)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، مكتبة آية الله المرعشي العامة - قم، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ. ق.

«ج»

١١٢- الزهد، لأبي عبدالرحمن بن عبدالله بن المبارك الحنظلي المروزي (ت ١٨١ هـ. ق)، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، دار الكتب العلمية - بيروت.

١١٥- الزهد، لأبي محمد الحسين بن سعيد الكوفي الأهوازي (ت ٢٥٠ هـ. ق)، تحقيق: غلام رضا عرفانيان، حسينيان - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٢ هـ. ق.

«ل»

١١٦- سعد السعود، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ. ق)، مكتبة الرضي - قم، الطبعة الأولى ١٣٦٣ هـ. ش.

١١٧- سنن ابن ماجه، لأبي عبدالله محمد بن يزيد بن ماجه القزويني (ت ٢٧٥ هـ. ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٥ هـ. ق.

١١٨- سنن أبي داود، لأبي داود سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي (ت ٢٧٥ هـ. ق)، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، دار إحياء التراث العربي - بيروت.

١١٩- سنن الترمذي (الجامع الصحيح)، لأبي عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذي (ت ٢٩٧ هـ. ق)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، دار إحياء التراث - بيروت.

١٢٠- سنن الدارقطني، لأبي الحسن علي بن عمر البغدادي المعروف بالدارقطني (ت ٢٨٥ هـ. ق)، تحقيق: أبو الطيب محمد آبادي، عالم الكتب - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٦ هـ. ق.

١٢١- سنن الدارمي، لأبي محمد عبدالله بن عبدالرحمن الدارمي (ت ٢٥٥ هـ. ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دار القلم - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.

- ١٢٢- السنن الكبرى، لأبي بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي (ت ٢٥٨ هـ. ق)، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، دارالكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.
- ١٢٣- سنن النسائي (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشية الإمام السندي)، لأبي عبدالرحمن أحمد بن شعيب النسائي (ت ٣٠٣ هـ. ق)، دارالمعرفة - بيروت، الطبعة الثالثة ١٤١٢ هـ. ق.
- ١٢٤- السنة، لأبي بكر أحمد بن عمرو بن أبي عاصم الشيباني (ت ٢٧٨ هـ. ق)، المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة الثالثة ١٤١٣ هـ. ق.
- ١٢٥- سير أعلام النبلاء، لأبي عبدالله محمد بن أحمد الذهبي (ت ٧٤٨ هـ. ق)، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة العاشرة ١٤١٢ هـ. ق.

### «نث»

- ١٢٦- شرح ابن ميثم على المائة كلمة لأبي المير المؤمنين عليه السلام، لكمال الدين ميثم بن علي البحراني المعروف بابن ميثم (ت ٦٧٩ هـ. ق)، تحقيق: مير سيد جلال الدين الحسيني الازموي، جماعة المدرسين في الخوزة العلمية - قم، الطبعة الأولى ١٣٩٠ هـ. ق.
- ١٢٧- شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، لأبي حنيفة القاضي النعمان بن محمد المصري (ت ٢٦٣ هـ. ق)، تحقيق: السيد محمد الحسيني الجليلي، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.
- ١٢٨- شرح أصول الكافي، لصدر الدين محمد بن إبراهيم الشيرازي المعروف بملا صدرا (ت ١٠٥٠ هـ. ق)، تحقيق: محمد الخواجوي، مؤسسة المطالعات والتحقيقات الثقافية - طهران، الطبعة الأولى ١٣٦٦ هـ. ش.
- ١٢٩- شرح نهج البلاغة، لعز الدين عبدالحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف بابن أبي الحديد (ت ٦٥٦ هـ. ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ. ق.
- ١٣٠- شرح نهج البلاغة، لكمال الدين ميثم بن علي البحراني المعروف بابن ميثم (ت ٦٧٩ هـ. ق)،

تصحیح: عدّة من الفضلاء، دار العلم الإسلامي - الطبعة الثانية ۱۴۰۲ هـ. ق.

۱۳۱- شعب الإيمان، لأبي بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ۴۵۸ هـ. ق)، تحقيق: محمد السعيد

بسيوني زغلول، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۳۲- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، لأبي القاسم عبيد الله بن عبد الله النيسابوري المعروف

بالحاكم الحسكاني (القرن الخامس)، تحقيق: محمد باقر المحمودي، مؤسسة الطبع

والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - طهران، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ. ق.

### «ص»

۱۳۳- الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، لأبي نصر إسماعيل بن حماد الجوهري

(ت ۲۹۸ هـ. ق) تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة

الرابعة ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۳۴- صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ۲۵۶ هـ. ق)، تحقيق:

مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير - بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۳۵- صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ۲۶۱ هـ. ق)،

تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الحديث - القاهرة، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ. ق.

۱۳۶- صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، المنسوبة إلى الإمام الرضا عليه السلام، تحقيق و نشر: مؤسسة

الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ. ق.

۱۳۷- الصحيفة السجادية، للإمام زين العابدين عليه السلام، تحقيق: علي أنصاريان، المستشارية

الثقافية - دمشق.

۱۳۸- الصراط المستقيم إلى مستحقّي التقديم، للشيخ زين الدين أبي محمد علي بن يونس

النباطي البياضي (ت ۸۷۷ هـ. ق)، إعداد: محمد باقر المحمودي، المكتبة المرتضوية -

طهران، الطبعة الأولى ۱۳۸۴ هـ. ق.

۱۳۹- صفات الشيعة، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ

الصدوق (ت ۳۸۱ هـ. ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة

الأولى ۱۳۱۰ هـ. ق.

١٤٠- صفة الصفوة، لأبي الفرج جمال الدين عبدالرحمن بن علي بن محمد المعروف بابن الجوزي (ت ٥٩٧ هـ. ق)، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، دار الفكر-بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.

١٤١- الصواعق المحرقة في الرد على أهل البدع والزندقة، لأحمد بن حجر الهيتمي الكوفي (ت ٩٧٤ هـ. ق)، إعداد: عبدالوهاب بن عبداللطيف، مكتبة القاهرة-مصر، الطبعة الثانية ١٣٨٥ هـ. ق.

### «ض»

١٤٢- ضيافة الإخوان وهدية الخلان، لرضي الدين محمد بن الحسن القزويني (ت ١٠٩٦ هـ. ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، مجمع الذخائر الإسلامية-قم، الطبعة الأولى ١٣٩٧ هـ. ق.

### «ط»

١٤٣- الطبقات الكبرى، لمحمد بن سعد كاتب الواقدي (ت ٢٣٠ هـ. ق)، دارصادر-بيروت.

١٤٤- الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ. ق)، مطبعة الخيام-قم، الطبعة الأولى ١٤٠٠ هـ. ق.

### «ع»

١٤٥- العدد القوي لدفع المخاوف اليومية، لجمال الدين أبي منصور الحسن بن يوسف بن علي المطهر الحلبي المعروف بالعلامة (ت ٧٢٦ هـ. ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، مكتبة آية الله المرعشي-قم، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ. ق.

١٤٦- عدة الداعي و نجاة الساعي، لأبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي (ت ٨٤١ هـ. ق)، تحقيق: أحمد الموحدي، مكتبة وجداني-طهران.

١٤٧- عقد الدرر في أخبار المفتظر، ليوسف بن يحيى بن علي المقدسي الشافعي السلمي (من أعلام القرن السابع) تحقيق: عدة من العلماء، دار الكتب العلمية-بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٣ هـ. ق.